



خبرنگار آشنایی با تاریخ مدارس

www.tabarestan.info

در ایران ۱۲۸۰ تا ۱۳۱۷

سید علی

تبرستان
www.tabarestan.info

بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِیْمِ

تبرستان

www.tabarestan.info

آشنایی با تاریخ مدارس

دخترانه در ایران

تبرستان

www.tabarestan.ir

۱۲۸۰ تا ۱۳۱۷

تالیف:

سعید وزیری

ناظر علمی و ویراستار:

مرتضی احمدی

سرشناسه :	وزیری، سعید، ۱۳۱۸
عنوان و نام پدیدآور :	آشنایی با تاریخ مدارس دخترانه در ایران ۱۲۸۰ تا ۱۳۱۷ /
تالیف :	تالیف سعید وزیری، ناظر علمی و ویراستار مرتضی احمدی
مشخصات نشر :	تهران : واج، ۱۳۹۱
مشخصات ظاهری :	۴۱۶ ص
شابک :	۹۷۸ - ۹۶۴ - ۵۸۵۱ - ۹۸ - ۷
وضعیت فهرست‌نویسی :	فیا
موضوع :	مدرسه‌های دخترانه -- ایران
موضوع :	مدرسه‌ها -- ایران -- تاریخ
رده‌بندی کنگره :	۱۳۹۰ ۴۱۵/ LA۱۳۵۱
رده‌بندی دیویی :	۳۷۱/۰۰۹۵۵
شماره کتابشناسی ملی :	۲۶۳۴۵۷۷

www.tabarestan.info
تیرستان



مجتمع فرهنگی-آموزشی کوشش

نام کتاب :	آشنایی با تاریخ مدارس دخترانه در ایران ۱۲۸۰ تا ۱۳۱۷
تالیف :	سعید وزیری
ناشر :	مؤسسه انتشاراتی کوشش پاینده
طراح جلد :	علی اسکندری
صفحه‌آرایی :	مهرناز سروریان
چاپ و صحافی :	شریعت
نوبت چاپ :	اول ۱۳۹۱
تیراژ :	۱۰۰۰ نسخه
قیمت :	۱۴۸۰۰۰ ریال
شابک :	۹۷۸ - ۹۶۴ - ۵۸۵۱ - ۹۸ - ۷

کلیه حقوق چاپ برای ناشر محفوظ است.

مرکز پخش: تهران - میدان ونک - خیابان هجدهم گاندی - شماره ۱۷ - واحد ۵

مجتمع فرهنگی - آموزشی کوشش

تلفن: ۸۸۷۹۹۲۸۹ - دورنگار: ۸۸۶۷۶۴۵۸

وب سایت مجتمع: www.koosheshpayandeh.ir

فهرست مطالب

صفحه	عنوان
۷	مقدمه
۸	سخنی کوتاه با دختران
۹	درآمد
۱۷	نگاه زنان به زندگی زنان
۲۹	از مکتب‌خانه تا ایجاد مدرسه به شیوه امروزی
۴۳	نقش مدارس بیگانگان در ایران
۶۵	اصفهان و نقش مدارس بیگانگان
۷۳	مدارس ایرانیان غیرمسلمان
۸۵	جنبش مدرسه‌سازی و زنان فرهنگ دوست
۱۰۱	مشروطه، زنان، آزادی، مدرسه
۱۱۹	از تأسیس مدرسه دوشیزگان به بعد
۱۳۹	وزارت معارف
۱۵۱	نگاهی به تهران به استناد سرشماری سال ۱۳۰۱ شمسی
۱۵۷	هنرستان، دبیرستان و
۱۷۹	اعتمادالدوله وزیر معارف
۱۸۹	تدریس کتب رسمی در مدارس ابتدایی
۲۰۹	نهضت نسوان شرق
۲۱۵	شورای عالی معارف - شورای عالی فرهنگ
۲۲۳	ماجرای کشف حجاب
۲۲۷	تحصیل دختران در مدارس عالی
۲۴۳	آموزشگاه پرستاری

تهران
www.tbharestan.info

۲۵۱ دانشسرای مقدماتی دختران
۲۶۱ برنامه تحصیلات متوسطه دختران
۳۰۷ پیشینه مدارس دختران در شهرهای ایران
۳۱۹ حوزه‌های معارف
۳۳۵ بنادر جنوب
۳۷۹ زنان نامور ایران
۳۸۷ آشنایی با تصاویر پیوست
۳۸۹ پیوست
۳۹۷ منابع و مآخذ

مقدمه

اگر زمانه‌ای را که ما در آن زندگی می‌کنیم یکی از با شکوه‌ترین و درخشان‌ترین دوران تاریخی رشد و بالندگی در زمینه فرهنگ و آموزش بدانیم سخنی به گزاف نگفته‌ایم تحصیل دختران، در دبستان‌ها، دبیرستان‌ها و مراکز عالی گواه صادق این ادعاست.

اما این پیشرفت و آگاهی در زمینه فرهنگ و آموزش آسان به دست نیامده است. ما باید خود را و امدار کسانی بدانیم که با شناخت و آگاهی، نیاز به ایجاد آموزشگاه‌های دختران را برای دختران ایران ضروری دانستند و آگاهانه، شجاعانه با بذل جان و مال خود، راه را برای پیشرفت دختران در تمام زمینه‌های دانش و آگاهی فراهم ساختند.

فراموش نکنیم که وقتی خانم «توبا رشديه» در سال ۱۲۸۲ خورشیدی مدرسه پرورش را تاسیس کرد فقط ۴ روز مدرسه فعالیت کرد و به دستور ماموران حکومتی تابلو مدرسه را پایین کشیدند و مدرسه تعطیل شد. گرچه وی از پای نشست و هفت سال بعد مدرسه دخترانه‌ای را با نام عفاف بازگشایی کرد.

البته در سال ۱۲۸۰ نیز مدرسه ام‌المدارس به وسیله مهرتاج رخشان دختر امام‌الحکما در تهران تاسیس شده بود. اما ایجاد این مدارس کاری آسان نبود به طوری که از سال ۱۲۸۰ خورشیدی تا سال ۱۲۹۰ به مدت ده سال در سراسر ایران فقط ۳۶، مدرسه دخترانه ایجاد شد و شگفت‌تر اینکه در سراسر ایران فقط ۹ دانش‌آموز در سال ۱۲۹۰ خورشیدی در کلاس ششم ابتدایی درس می‌خواندند که از این تعداد فقط ۳ دانش‌آموز موفق به دریافت گواهی‌نامه ششم ابتدایی شدند.

اکنون انتشارات مجتمع فرهنگی - آموزشی کوشش خرسند است که تاریخ شکل‌گیری مدارس دخترانه را از سال ۱۲۸۰ خورشیدی تا ۱۳۱۷ خورشیدی (۳۷ سال) که به وسیله سعید وزیری تألیف یافته است در دسترس علاقمندان به خرد و دانایی بگذارد.

مرتضی احمدی

مهر ۱۳۹۰

چو فرزند باشد به آیین و فر
گرامی به دل بر، چه ماده چه نر؟
«فردوسی»

سخنی کوتاه با دختران

با سپاس از فرزانه‌ی توس که ارج فرزند را به آئین و فرمی داند نه به پسر یا دختر بودن، و با گله از شاعران ارجمند و بزرگواری که از استوانه‌های شعر و ادب ایراند اما داوری‌شان درباره زنان و دختران را نه دین باوران بشکوه می‌پذیرند نه خردمندان فرزانه و آگاه، دریغ و درد که در این میان شاعرانی مانند فخرالدین اسعد گرگانی، خاقانی شروانی، نظامی گنجوی، شیخ اجل سعدی شیرازی، امیر خسرو دهلوی و شیخ احمد جام دیده می‌شوند. من در اینجا سر آن ندارم که نمونه‌های بسیاری از شعر شاعران را که زنان و دختران را مورد بی‌مهری قرار داده‌اند بیاورم زیرا این کار دفتری جداگانه می‌طلبید. اما برای اینکه زنان آگاه، دانشجویان فرهیخته‌ای که با پشتکار خود نشان داده‌اند که زنان نیز در عرصه فرهنگ و زندگی همچون مردان اندیشمند و فرزانه می‌توانند راه‌گشای زندگی باشند، آگاه شوند که اگر در این دوره سعادت آن را پیدا کرده‌اند تا از موهبت، خواندن، نوشتن، فهمیدن، گذراندن دوره‌های عالی و تخصصی و فوق تخصصی برخوردار شوند باید خود را مدیون زنان ارجمند، مبارز و از خود گذشته‌ای بدانند که از سال ۱۲۸۰ خورشیدی تا سال ۱۳۱۷ از هیچ گونه فداکاری، مبارزه و تحمل سختی‌ها فروگذار نکردند. باید آن زنهایی را به یاد بیاوریم که در شکل‌گیری تاریخ مدرسه‌های دختران سرنوشت سازند. نباید تعجب کرد اگر بخوانیم پس از ۱۰ سال کار و کوشش در سال ۱۲۹۰ فقط ۳ دختر موفق به گرفتن تصدیق ششم ابتدایی شدند و یا در سال ۱۳۰۷ یعنی ۱۷ سال بعد ۴۰ دانش‌آموز موفق به دریافت مدرک ششم متوسطه شدند. و در نهایت به سال ۱۳۱۷ خورشیدی ۱۲ نفر از دختران ایرانی به دریافت مدرک لیسانس از دانشسرای عالی نایل شدند. امیدوارم این سخن کوتاه بتواند علاقمندان به تاریخ آموزشگاه‌های دختران را به کار آید.

«هَلْ يَسْتَوِي الَّذِينَ يَعْلَمُونَ وَالَّذِينَ لَا يَعْلَمُونَ»

سوره زمر آیه ۹

درآمد

زن و فرزند خود را از تحصیل دانش و کسب هنر باز مدار تا غم و اندوه بر تو راه نیابد و در آینده پشیمان نشوی (پند نامه آذر ما را سپند)

أَطْلِبُ الْعِلْمَ وَ لَوْ بِالصِّينِ^۱

اگر تو را فرزندی خردسال است خواه پسر و خواه دختر او را به دبستان بفرست زیرا فروغ دانش دیده روشن و بیناست (پند نامه آذر ما را سپند)^۲

فَرِيضَةُ الْعِلْمِ عَلَى كُلِّ مُسْلِمٍ وَ مُسْلِمَةٍ^۳

تا جهان بود از سر آدم فراز	کس نبود از راز دانش بی نیاز
مردمان بخرد اندر هر زمان	راز دانش را به هر گونه زبان
گردد کردند و گرمی داشتند	تا به سنگ اندر همی بنگاشتند
دانش اندر دل چراغ روشن است	از همه بد، بر تن تو جوشن است

«رودکی»^۵

کسی که از اندک دانشی برخوردار باشد و دیگران را دانش آموزد در نزد خداوند پسندیده‌تر است از دانشمندی که دارای علم بسیار باشد و دیگران را نیاموزد.

(و یجار باب ۱ بند ۴۶)

ز دانش به اندر جهان هیچ نیست تن مرده و جان نادان یکی است

فَبَشِّرْ عِبَادَ الَّذِينَ يَسْتَمْعُونَ الْقَوْلَ فَيَتَّبِعُونَ أَحْسَنَهُ (سوره الزمر آیه ۱۷)^۶

بهترین گفته‌ها را به گوش بشنوید

و با اندیشه روشن بنگرید

پس هر مرد و زن از شما از این دو راه نیکی و بدی

یکی را برای خود برگزیند^۷



توانا بود هر که دانا بود به دانش دل پیر بُرنا بود
«فردوسی»

یا علی اذا غنى الناس و انفسهم فى تكثير العبادات و الخيرات فانت لمن
نفسك فى ادراك المعقولات^۱

در هیچ یک از دستوره‌های دینی، چه در آئین زردشت که کیش نیاکان ماست و چه در دین اسلام که بدان سرافرازیم، چه آشکارا و چه پوشیده گزاره‌ای نداریم که دختران و زنان را از آموزش دانش باز داشته باشند بزرگان و فرزندگان دین بارها این حدیث را که به تواتر نقل شده است در گفتار و نوشتار خود آورده‌اند که دانش بر هر مرد و زن مسلمان واجب است و آنجا که سعدی بزرگوار حدیث اطلب العلم من المهد الی الحد را اینگونه به شعر می‌کشد.

چه خوش گفت پیغمبر راستگوی زگهواره تا گور دانش بجوی

سخن از علم آموزی است و مخاطبان این حدیث مؤمنان‌اند با این همه چه شده است که از آغاز گسترش اسلام در ایران و ایجاد مدارس علمی و دینی در سراسر جهان اسلام فقط مردان در این مدارس درس خوانده‌اند و برای زنان جایی نبوده است چنانکه از سده سوم هجری تا سال ۱۲۷۶ ش^۱ آن‌گونه که پژوهش شده است در حدود ۳۰۰ مدرسه علمی فعال بوده است اما یک مدرسه برای زنان ایجاد نشده است.

شاید برخی در پاسخ این پرسش بگویند. زنان مسلمان طی هزار سال از سده چهارم ه. ق تا سده چهاردهم، شاعران، محدثان، نقاشان، خوش‌نویسان، عارفان و حتی منجمانی را به جامعه تحویل داده‌اند که نام هر یک از این زنان در تذکره‌ها آمده است. ما از این داوری و باور خرسند خواهیم شد و برای هر یک از این زنان ارج ویژه‌ای قائل می‌شویم اما عده این زنان فرهیخته و اندیشمند در برابر مردان آنقدر کم است که به حساب نمی‌آیند از سویی همین گروه‌اند که به ما می‌گویند با همه بی‌مهری و بی‌توجهی که به زنان شده است باز هم توانسته‌اند با همه محدودیت‌ها استعداد خود را در زمینه‌های گوناگون نشان دهند. اما امکان بروز استعدادها برای همه زنان فراهم نبوده است زیرا بزرگان دنیا کوشیده‌اند تا نشان



دهند جای زنان در خانه و کارشان همسررداری و بچه‌داری بوده است و آن زنان اندک که نامور شده‌اند از قشرهای برگزیده کشور بوده‌اند و امکان برخورداری از معلمان سرخانه برایشان فراهم بوده است چنان‌که هیچ یک از این زنان که نامشان در جُنگ‌ها و تذکره‌ها آمده است از طبقات فرودست شهری یا روستائیان نبوده‌اند و این در حالی است که بسیاری از مردان صاحب نام و آوازه در زمینه شعر، حکمت، عرفان، فقه، طب، سیاست، ریاضی، نجوم از میان مردمی تنگ‌دست برخاسته‌اند.

شاید اگر پرسش‌هایی از این دست مطرح شود بعضی‌گناه را به گردن مردانی بیندازند که از دانش و خرد بهره‌ای نداشته‌اند و از این رو بنا کج‌اندیشی به فعالیت‌های زنان در زمینه‌های علمی و اجتماعی نگریسته‌اند. اگر چنین باشد جای اعتراض باقی نمی‌ماند ولی سخن بر سر این است که این بی‌مهری یا کج‌اندیشی به دختران گاه از سوی کسانی دیده یا شنیده شده است که هم از دانش‌های زمان خود بهره داشته‌اند و هم به کتاب، دین، فقه، حدیث و مسایل شرعی پای‌بند بوده‌اند. من در این مقدمه قصد ندارم به نقد و معرفی این بزرگان و هنرمندان پردازم فقط به گونه‌ای گذرا به نظر و باور تنی چند می‌پردازم بی‌هیچ داوری، باشد به کار کسانی آید که قصد پژوهش را در این باره دارند. نخست نگاهی خواهیم داشت به اشعار شاعر قصیده سرای سده ششم هـ. ق شاعری که ذهنی وقاد، ذوقی سلیم، طبعی خوش دارد متشرع و معتقد که قصاید وی در باره مکه، خانه کعبه در حد اعلای زیبایی و رسایی است شاعری که قصیده ایوان مداین وی نشان چیره‌دستی‌اش در سخن است. اما نگاه وی نسبت به دختر نگاهی است که اعراب جاهلی به زن و دختر داشته‌اند. وی هنگامی که همسرش دختری می‌زاید می‌گوید:

گه‌ری خرد بود و نیک شناخت	کاین جهان بدگهر کس است برفت
صورتش بست کز رسیدن او	خاطر من مهوس است برفت
دید در پرده دختر دگرم	گفت محنت یکی بس است برفت

خاقانی^{۱۰}

شاعر دختر را محنت می‌داند و حتی در شعری آشکار می‌گوید که می‌خواستم نام دختر دوم را محنت بگذارم.



سرفکنده شدم چو دختر زاد
بودم از عجز چون خر اندر گل
ماتم عمر داشتم چو رسید
«محنتش» نام خواستم کردن
بر فلک سرافراشتم چو برفت
بر جهان اسب تاختم چو برفت
عمر ثانی شناختم چو برفت
دولتش نام ساختم چو برفت

حالا باید دید امیر خسرو دهلوی^{۱۱} در آغاز کتاب هشت بهشت از اینکه خدا به او دختری داده است چگونه یاد می کند:

ای ز عفت فکنده برقع نور
ماهت از هفت برنرفته هنوز
کاش ماه تو هم به چه بودی
لیک چون داده خدایی راست
شکر گویم بدان چه از در اوست
هر چه او داده پس پسندیده است
پدرم هم ز مادر است آخر
گر نه بر دُر صدف نقاب شدی
هم عقیقه به نام و هم مستور
روشنی چون مه چهارده روز
در رحم طفل هشت مه بودی^۱
با خدا دادگان ستیزه خطاست
کان دهد بنده را که در خور اوست
هم در اول صلاح آن دیده است
مادرم نیز دختر است آخر
قطره آب بساز آب شدی

عارفی چون شیخ احمد جامی گوید:

مرا گفت چون دختر آمد پدید
نهان در زیر چادر قد زن به
اگر زن پاک بودی در جبلت
زن چه باشد ناقصی در عقل و دین
در جهان از زن وفاداری که دید
نظامی هم با بی مهری می سراید که:
زن از پهلوی چپ شد آفریده
ببایستش اندر زمان سر برید
که یعنی قامت زن در کفن به
شدی زن هم سزاوار نبوت
هیچ ناقص نیست در عالم چنین
غیر مکاری و غداری که دید؟
کس از چپ راستی هرگز ندیده

۱. طفل هشت ماهه می میرد. شاعر آرزوی این را داشت که دخترش هشت ماهه به دنیا آید.

سعدی نیز بر این باور است که:

چو زن راه بازار گیرد بزن و گرنه تو هم خانه بنشین چو زن

با این دو بیت، سخن درباره سعدی را به پایان می‌بریم که:

کسی را که بی‌تبی گرفتار زن برو سعدیا طعنه بروی مزن
تو هم جور بینی و نازش کشی اگر یک شبی در کنارش کشی

(بوستان سعدی)^{۱۲}

از شاعران می‌گذریم تا در اندیشه بزرگان علم و عرفان نیز سیری کرده باشیم کتاب فواید الرضویه را می‌گشاییم و می‌خوانیم که: وقتی سیده نعمت‌اللهی دختری به نام سلطان بیگم به دنیا می‌آورد پدرش ابوالفتح محمد میرزا اندوهگین می‌شود و چون دختر خلاف رضایت وی بوده است لفظ «دریغ» را تاریخ تولد دختر می‌بیند لفظ دریغ به حروف ابجد می‌شود. ۱۲۱۴ هـ. ق اما در سال ۱۲۱۵ که سیده نعمت‌اللهی پسر می‌زاید مصراع «خورشید طلوع کرد ناگاه» ماده تاریخ می‌شود.^{۱۳}

داوری گذشتگان رابه گذشتگان وا می‌گذاریم اما پس از آنکه انقلاب مشروطه به وجود آمد زنان نشان دادند که در میدان مبارزه از مردان عقب نیستند توقع آن بود که نسبت به زنان نگاه‌ها عوض شود اما نشد، چنان‌که وقتی سخن از رای دادن زنان به میان آمد نمایندگان مردم در مجلس زنان را شایسته رای دادن ندانستند. زنان در این دوره به ماده چهار نظام‌نامه انتخابات مجلس شورای ملی که آنان را از حق رای محروم می‌کرد معترض بودند در دوره دوم مجلس درباره این نظام‌نامه^{۱۵} در جلسه پنج‌شنبه ۸ شعبان ۱۳۲۹ هـ. ق مخالف و موافق سخن گفتند اما بن‌دول نظام‌نامه همچنان برجاماند و به زنان اجازه رای داده نشد.

شگفت‌تر اینکه وقتی زنان به این فکر افتادند که با ایجاد مدارس دختران امکان درس خواندن را برای عامه مردم فراهم سازند نه تنها عوام را خوش نیامد و به مخالفت پرداختند بلکه برخی از اهل علم نیز با درس خواندن دختران به مخالفت پرداختند با این همه نه زنان روشن‌اندیش از پا نشستند و نه مردان علاقه‌مند به سرنوشت کشور، به گوشه‌گیری زنان و درس نخواندن آنان راضی شدند مبارزات زنان و مردان و حمایت برخی از مجتهدان نتیجه داد کم‌کم مدارس دختران در



تهران و سایر شهرهای ایران با سخت‌کوشی زنانی دلسوز، نستوه و علاقه‌مند کار خود را آغاز کردند در این دفتر کوشش شده است تا از فعالیت چشمگیر فرهنگ دوستانی که در راه ترویج مدارس دختران از سال ۱۲۷۷ ش تا ۱۳۱۷ ش (مدت چهل سال) کوشیده‌اند گزارشی تهیه شود و در اختیار دختران و زنان فرهیخته گذاشته شود. باشد که این ارجمندان دانش پژوه بدانند که آنچه امروز، به آن دست یافته‌اند نتیجه گذشت و کوشش و فداکاری زنان بزرگواری است که با عزت‌نفس و ایمان جاده ترقی را برای زنان باز کردند.

۸۴/۱۰/۱

پی نوشت‌ها:

- ۱- به نقل از کتاب: اخلاق ایران باستان، تألیف دینشاه ایرانی، نشر فروهر، چاپ ۵، ۱۳۶۱، تهران.
- ۲- دانش را اگر چه در چین باشد فراگیرید.
- ۳- آذر ما را سپند از بزرگان زردشتی است وی فرزندی نداشت و چون خدا بروی پسری عطا کرد. نام او را زردشت نهاد و وی را اندرز داد. این اندرزنامه با عنوان اندرز آذر ما را سپند در میان زردشتی‌ها شناخته شده است.
- ۴- علم‌پر هر زن و مرد مسلمانی واجب است.
- ۵- اییاتی که از رودکی شاعر سده سوم هجری متوفی به سال ۳۲۹ آورده شده از ۳۱ بیت شعری است که از کلیله و دمنه منظوم رودکی برای ما باقی مانده است.
- ۶- مژده بندگانی را ده که سخنان را می‌شنوند و نیکوترش را پیروی می‌کنند.
- ۷- سرود بنیاد دین زردشت: ایران کوده، شماره ۱۲. دکتر محمد مقدم، نشر فروهر سال ۱۳۶۳ ش.
- ۹- میرداماد در کتاب صراط المستقیم و ابن سینا در رساله معراجیه به این حدیث اشاره کرده‌اند که ترجمه فارسی‌اش اینگونه است.
- ای «علی» اگر خواهی از همه مردم در بزرگی پیشی‌گیری راه دانش پیش‌گیر و آن هنگام که دیگران با زیاده‌روی در عبادت خود را به رنج می‌اندازند تو روان خود را در راه دانش به رنج بینداز.
- ۱۰- در سال ۱۳۶۷ پس از پیروزی انقلاب نخستین حوزه علمی دختران در ایران تأسیس شد.
- ۱۱- اشاره شاعر به اعتقاد اعراب جاهلی است که گور را برای دختر بهترین داماد می‌دانستند.
- ۱۲- امیر خسرو دهلوی: از شاعران سده هشتم ه ق است وی نیز از شاعرانی است که به تقلید از نظامی گنجوی چند مثنوی سروده است.
- ۱۳- اشعاری که از سعدی نقل شده است از کتاب بوستان باب تربیت است.
- ۱۴- ص ۱۱۸ کتاب فوائد الرضویه: ابوالحسن قراصی، مقدمه مریم میراحمدی، از انتشارات مؤسسه مطالعات و تحقیقات فرهنگی سال ۱۳۶۷ ش.

تبرستان
www.tabarestan.info

نگاه زنان به زندگی زنان

از روزی که سخن از آزادی به میان آمد مردان تجددخواه یکی از آرزوهای خود را تأمین حقوق زنان دانستند گرچه در آغاز آشکارا سخنی بر زبان نمی آوردند. هنگامی که میرزا حسین خان عدالت را به جرم مقاله‌ای که در شماره ۴ روزنامه صحبت نوشته بود به حبس و جریمه محکوم کردند، زندگی زنان در چاهسار حرم می‌گذشت این وضع تا سال‌ها پس از صدور فرمان مشروطه هم ادامه داشت چنان‌که زنان وقتی می‌خواستند از خانه بیرون بروند شلواری بلند و سیاه و گشاد به نام چاقچور برپا می‌کردند و چادری که سیاه بود و روبنده‌ای بر چهره داشتند که بعدها به پیچه تبدیل شد و این‌ها علامت عفت و حیا و دینداری بود. در این دوره آموزش دانش‌های جدید و دانش‌های انسانی فقط برای دختران اشراف، شاهزادگان و مالکان و فتودال‌ها بود و تحصیل برای دختران طبقات فرودست شهری یا پیشه‌وران امکان‌پذیر نبود و چون زمزمه تأسیس مدرسه در تهران آغاز شده بود و برخی از زنان اندیشمند که در پی سعادت کشور و آگاهی زنان بودند با صرف وقت و هزینه، صادقانه فعالیت خود را شروع کردند، آنان که با مشروطه‌خواهی مخالف بودند، به مردم می‌گفتند که این‌ها می‌خواهند، رفع حجاب، کنند و بی‌عفتی و بی‌دینی را رواج دهند و همچنین در میان توده مردم تبلیغ می‌کردند که مدرسه‌های دختران جایی است برای بایی شدن و دلیل هم می‌آوردند که دخترانی که درس بخوانند با دین بیگانه می‌شوند همانطور که «قره‌العین» شد و بعد در دشت بدشت^۱ با سر برهنه و بی‌حجاب خود را به مردم نشان داد^۲ مساله قره‌العین و مخالفت وی با پدر و همسر و سرانجام پیوستن به باب بهانه‌ای به دست مخالفان

۱. بدشت، دشتی در اطراف نیشابور

۲. قره‌العین، دختر ملاصالح برغانی در سال ۱۳۳۳ ه. ق در یک خانواده روحانی به دنیا آمد.

مدارس جدید می‌داد تا از این طریق بتوانند جلو ایجاد مدارس دختران را بگیرند. ولی حقیقت این بود که اینان می‌ترسیدند با ایجاد مدارس جدید، زنان به حقوق خود واقف شوند - که چنین هم شد - زنان در به ثمر رسیدن مشروطه توانایی خود را نشان دادند. گرچه قانون اساسی و مجلس شورای ملی به آنان اجازه رای دادن نداد و آنان در ردیف محجورین قرار گرفتند ولی میل به فهمیدن و فهماندن در آنان فزونی گرفت برخی از زنان با تاسیس روزنامه و نوشتن مقاله‌هایی درباره حقوق زنان، به بیداری زنان کمک کردند.

برخی با تاسیس مدارس دختران و آموزش به آنان، درهای جدیدی را به روی زنان گشودند عده‌ای با تشکیل انجمن‌های زنان فعالیت خود را آغاز کردند برخی نیز با زبان شعر به بیان مشکلات زنان پرداختند، آرزوی همه این زنان، دانش‌افزایی دختران و زنان بود در سال ۱۲۹۸ ش دو تن از روشنفکران تبریز مانند تقی رفعت و دکتر رفیع خان امین با نوشتن مقاله‌های ارزشمندی، حقوق زنان و ارزش آنان را یادآوری کردند اما چون این مقاله‌ها در روزنامه تجدد ارگان حزب دموکرات آذربایجان منتشر می‌شد بهانه به دست کج اندیشان می‌داد تا بتوانند انگ بی دینی به طرفداران حقوق زنان بزنند.

ابولقاسم لاهوتی، عارف، عشقی و ایرج از شاعرانی هستند که درباره حجاب و آزادی زنان شعر گفته‌اند. چون برخی از این اشعار به زبان هزل و طنز بود باز توانست بهانه‌ای به دست مخالفان آزادی زنان بدهد و بگویند مخالفان حجاب به فساد و بی‌عفتی اعتقاد دارند. در این زمان نویسندگانی مانند: مرتضی مشفق کاظمی، یحیی دولت‌آبادی و عباس خلیلی نیز کوشیده‌اند تا به مسایل ناهنجار ازدواج‌های اجباری به جایگاه نازل زن در جامعه پردازند اما زنان آگاهی که از سال ۱۲۷۵ ش (پس از مرگ ناصرالدین شاه) با همه وجود برای شناساندن جایگاه واقعی زن کوشیدند، رفتارشان بسیار حساب شده، سنجیده و هوشمندانه بود. این زنان هم در مدرسه‌سازی و هم در شعر و شاعری، در کنار انتقاد به رفتار مردان به مسأله زنان نیز می‌پرداختند.

روز ۱۰ بهمن ۱۳۰۱ شاهزاده خانم ملوک اسکندری مدیر مدرسه شماره ۳۵ دولتی از جمعی زنان دعوت می‌کند تا در جشن امتحانات شاگردان شرکت کنند در



این جلسه خانم اسکندری طی نطق مهیجی بانوان را به ترویج معارف تشویق می‌کند در همان جلسه بانوان، جمعیت نسوان وطن‌خواه را تشکیل می‌دهند. محترم اسکندری که مدافع حقوق زنان بود موفق شد تا با همکاری با مجله‌ی نسوان وطن‌خواه، برای بزرگسالان کلاس سوادآموزی تاسیس کند. تلاش وی و دیگر زنان جهت آموزش صنایع دستی، تأسیس بیمارستان برای زنان تهی‌دست، اثرگذار بود اما برای مقابله با این تلاش‌های بشردوستانه، عده‌ای جزوه‌ای به نام «مکر زنان» نوشته و منتشر کردند در این جزوه به زنان بی‌حرمتی شده بود. روزنامه فروش‌ها برای فروش این جزوه تلاش زیادی می‌کردند. اسکندری به همراه زنان همفکرش این جزوه‌ها را خریدند و در میدان توپخانه آتش زدند گرچه خانم اسکندری به جرم آشوب بازداشت شد ولی زنان نشان دادند که می‌خواهند زن ایرانی جایگاه و شأن واقعی خود را پیدا کند.

مبارزه با این گونه جزوه‌ها و کتابها، «بی‌بی خانم» را بر آن داشت تا در برابر کتاب مکر زنان، کتاب معایب الرجال را بنویسد این بانوی ارجمند که باید وی را از پیشگامان تأسیس مدرسه دانست، توانست هم مدرسه دوشیزگان را فعال کند هم در جلساتی که در منزلش برپا می‌شد زنان را با مسایل سیاسی آشنا کند وی در یکی از دعوت‌نامه‌های خود می‌نویسد:

هر خواهی که مایل است می‌تواند در این گردهمایی سخنرانی کند من خود نیز درباره منافع حکومت قانون و مضار خودکامگی سخن خواهم گفت.

بررسی درباره زندگی تک‌تک زنانی که برای آزادی زنان، ایجاد مدارس دختران، تأسیس انجمن‌های خیریه، نوشتن مقاله‌های سیاسی و اجتماعی، عمر به سربرده‌اند نشان می‌دهد که زنانی آزاده، عقیف، معتقد به استواری و حفظ مبانی خانواده و حفظ ارزش‌ها بوده‌اند... ما این نگاه بسیار مثبت را در سخنرانان کنگره نهضت زنان شرق هم مشاهده می‌کنیم.

در جامعه سنتی به ازدواج اهمیت می‌دادند پدران و مادران در این فکر بودند که هرچه زودتر دختران را به خانه بخت بفرستند و پسران را داماد کنند. وضع زنان و دختران به‌گونه‌ای بود که بر سرنوشت و آینده خود هیچ دخالتی نداشتند. بیشتر خانواده‌ها بر این باور بودند که دختر را باید در خردسالی شوهر دهند اگر دختری

به سن ۱۴ سالگی می‌رسید غمگین می‌شدند که چرا بختش باز نشده است. اعتقاد به دعا، جادو و رمال وجود داشت... در آن زمان دختران و پسران در جوامع شهری ارتباط و برخوردی با هم نداشتند و پدران و مادران براساس خواست و اراده خودشان برای فرزندانسان همسری انتخاب می‌کردند و خواستن و نخواستن طرفین ممنوع بود. هرگاه دختر یا پسر با انتخاب آنان مخالفت می‌کرد یا نظر می‌داد آن را دلیل بر عدم عقّت و گستاخی آنان محسوب می‌کردند» (ازدواج در ایران، ص ۲۷ — م.ق - ادیب).

اما زنان آزاداندیش که به فقر معنوی دختران و زنان آگاه بودند به مسأله تربیت دختران برای ورود به زندگانی مشترک اعتقاد داشتند آنان پیش از هر چیز به لزوم سوادآموزی تأکید داشتند. صدیقه دولت‌آبادی که نگاه باز و درستی به مسأله آموزش زنان داشت بر این باور بود که هنگام ازدواج وقتی است که پیکر و عقل و کار، توانایی اجازه زندگی بدهد. دختر و پسر از هنگام ازدواج باید با یکدیگر موافقت سن داشته باشند نه اینکه دختران جوان را در نکاح پیرمرد زن‌دار یا بی‌زن درآورند (زبان زنان سال ۱ - شماره ۹).

گاهی نصیحت‌هایی که به زنان می‌شد آنان را به نیرنگ جادو تشویق می‌کرد. آنچه پیش از همه برای زنان مهم بود ترس‌هایی بود که تهدیدشان می‌کرد. ترس از اینکه دارای هوو شوند، ترس از اینکه شوهر رهایشان کند، ترس از روز نداری، ترس از آینده‌ای مبهم، راه چاره‌ای نمی‌شناختند، سواد نداشتند، به حقوق خود آگاه نبودند ناگزیر به جادو، دعا و رمل پناه می‌بردند گرچه برخی از زنان بر این باور بودند که زنان نیز در ازدواج مجدد همسر خود مقصرند. ازدواج مجدد اکثر مردان به رفتار و گفتار همسر او باز می‌گردد زیرا از کثرت بد اخلاقی و بی‌تدبیری ما طایفه نسوان است که مردان را مجبور به تعدد زوجه نموده است / روزنامه ایران نو - سال ۱ - شماره ۶۹. طاهره خانم.

البته طاهره خانم خود با ازدواج مجدد مخالف بود از این رو آموزش و تربیت دختران و زنان را راه‌کار درست می‌دانست و آرزو داشت که مدارس دخترانه گسترش یابند. خانم افضل وزیری، از زنانی بود که به رفتار مردان معترض بود و



قبول داشت که به زنان ستم می‌شود اما زنان را هم بی‌عیب نمی‌دانست. این فکر را در شعر شاعرانی مشاهده می‌کنیم که خود آرزوی به روزی زنان ایرانی را داشته‌اند. ژاله در این شعر نیز به آشنای خویش توصیه می‌کند که در بی‌توجهی شوهرت خودت هم مقصری:

در خانه جامه تو پلاس است و تن پلید گرمابه نیست گویی و گویی حریر نیست
بی‌شانه مانده طره و ناشسته مانده روی بالله تن تو طنبله مشک و عبیر نیست
کم صبر و پر توقع و بدپوش و بی‌بزرگ مانی و گرم شکوه، که شویم ظهیر نیست
ص ۶۸ - ژاله قائم مقامی

ژاله در پیامی که به زنان آینده می‌دهد نگاهی روشن، آگاهانه دارد، او اعتقاد به ایجاد جمعیت زنان دارد و می‌گوید:

اجتماعی هست و نیرویی زنان را در فرنگ در دیار ما هم از زن جمع گردد، فرد نیست
لیک ضعف روح و نقص فکر و فقد اعتماد ساخت موجودی زماکش بیش از آن درخورد نیست
خود تو گویی رخت بخت و دامن اقبال ما جز به دست کولی رسال صحراگرد نیست
ص ۱۸ - ژاله

در پایان می‌گوید:

دست و پای، همتی، شوری، قیامی، کوششی شهر هستی جان من جز عرصه ناوردن نیست
آخر ای زن جنبشی کن تا بیند عالمی کانچه ما را هست، هم زان بیشتر در مرد نیست
ص ۱۸ - ژاله

بیشتر افکار و عقاید ژاله متوجه موضوعاتی است از قبیل مظلومیت زن، دفاع و تکیه بر این نکته، قید عفت، قید سنت و عرف فقط برای زن است نه از برای مرد اما اندرز می‌دهد که زن باید پاکدامن باشد و رسیدن به حقوق خود و بهره‌بردن از آزادی برای بالا بردن ارج زن است نه حقارت و هوس‌های هرزه:

نور چشما، دخترا، آینده اندر دست تست قدر نعمت را بدان ای گوهر یکتای من
پاکدامان باش و ز آزادی به جز عزت مخواه راه تاریکان مرو، ای زهره زهرای من

از ژاله که بگذریم باید از شاعری نام برد که نامش چندان آشنا نیست وی به سال ۱۲۴۰ ش به دنیا می‌آید.

زمانی که قبله عالم سلطان دارالخلافة تهران است دوره‌ای که هیچ‌گونه فرصتی برای آموزش و آموختن برای زنان غیراشراف وجود ندارد. و آنان که سواد می‌آموزند با یاری معلمان سرخانه است. زن آن‌گونه که زاله می‌گوید در چاهسار حرم زندانی است در این دوره زنی به نام فاطمه سلطان خانم با شعرهایش به حرمت زن می‌اندیشد و می‌کوشد تا در ستایش زن شعر گوید وی که تبارش به قائم‌مقام می‌رسد می‌کوشد جایگاه معنوی زن را نشان دهد. وی مبارز و فعال اجتماعی نیست اما شاید بتوان او را نخستین زنی دانست که می‌کوشد نشان دهد زنان از مردان کم نیستند. در چکامه‌ای درباره زن می‌گوید:

چو آفتاب پدیدار شد اگر یک چند نهفته بود هنر در زنان دانشمندان
 هنر خلیفه فرزند باشد انسان را همی بیاید کز زن بزیاید این فرزند
 بناتِ حوا اگر با کمال و معرفت‌اند سر سپهر برآرند بر به خم کمند
 زنان مثابه روح‌اند و نوع مردان جسم زجان روشن، باشد همیشه تن خرسند
 ای آنکه طعنه زنی بر کمال و فضل زنان بمال دیده جهلت به سر خمار فکند
 یکی است ناخن و چنگال شیر ماده و نر یکی است لعل بدخشان به تاج و گردن‌بند
 مگر نه «حضرت صدیقه» دخت پیغمبر فکند بالش رفعت فراز چرخ بلند
 مگر نه «مریم» با نفس خود مجاهده کرد سپس مر او را با روح قدس شد پیوند
 مگر نه «آسیه» شد در خشوع بی‌همتا مگر نه «رابعه» بُد در خضوع بی‌مانند
 اگر که تانیث از قدر مردمان می‌کاست خدا به شمس نمی‌خورد در نُبی سوگند
 زنان فراخور مدحند و لایق تمجید که امهات کمال‌اند و مستحق پسند
 (زنان سخنور - بشیر سلیمی) جلد ۲

بیست سال پس از تولد این بانوی بزرگوار به سال ۱۲۶۰ ش، بدرالدجا به دنیا می‌آید در خانواده‌ای که اهل فضیلت‌اند وی نیز دل به شعر می‌سپارد اما میل به دانایی او را و می‌دارد تا به هرگونه شده، از مدرسه‌ی سرخانه که ویژه مردم غنی و دولتی است به مدرسه امریکایی‌ها راه یابد که ویژه دختران غیرایرانی و بیگانه است و سرانجام موفق می‌شود به عنوان یک دختر ایرانی مسلمان با چادر و روبنده در



مدرسه امریکایی‌ها درس بخواند و دیپلم بگیرد. در این دوره تحصیل است که به اندیشه ایجاد مدرسه دختران می‌افتد و سرانجام موفق می‌شود در سال ۱۲۸۰ ش دبستان ام‌المدراس را تأسیس کند اما روح بلند و اندیشه وی به دنبال آزادی برای زنان است از این روست که می‌سراید:

ای دل غمین برخیز کُن بنای آزادی تا زنی همی جولان در فضای آزادی
جهدا و کوشش‌ها بایدت در این میدان تا کنی اسیران را آشنای آزادی
وی آزادی را نتیجه دانش اندوزی و معرفت می‌داند.

با صدای اعلا ده این خیر به گمراهان علم و معرفت باشد رهنمای آزادی
مدرسه‌ها تأسیس می‌شود، روزنامه‌ها مردم را آگاه می‌کنند، زنان در جمعیت‌های مختلف فعالانه شرکت می‌کنند و شاعران دیگری که در این زمان رشد کرده‌اند و بالیده‌اند شعر را وسیله‌ای می‌دانند برای رسیدن به صلح، آزادی و اصلاح نظام مملکتی. نمونه این زنان را باید بدری تندی (فانی) دانست وی که همشیره‌زاده آیت‌الله بهبهانی است متولد ۱۲۸۵ ش است. همسرش شاعری مبارز است. در شعر آزادی نسوان، شاعر سخنش را با چرا آغاز می‌کند اما می‌داند که عدم آزادی زنان در نداشتن دانش، آگاهی است و آنگاه به ستایش دانش و برابری آن برای مرد و زن می‌پردازد.

آزادی نسوان

در این کشور چرا ناقص بود آزادی نسوان
شود از نور خورشید تمدن بهره‌ور گیتی
بود عضو فلج زن تا یکی از راه نادانی
به کار خویشتن تا چند ماند این چنین حیران
اگر علم و ادب آموختن بر مرد و زن فرض است؟!
نگردد از چه در ایران حقوق مرد و زن یکسان
بنی آدم به معنی گر بود اعضای یک پیکر
چرا مردان به خود بالند از تحقیر زن اینسان
اساس ضعف این کشور ز جهل مادران، باشد
کجا طفل هنرور پروراند مادر نادان؟
سزدگر عمر باقی مانده را از جان و دل «فانی»
دهی از دست یکسر در ره آزادی نسوان

این زن شاعر، شعر را وسیله‌ی بیان اندیشه‌اش می‌کند وی در شعر صلح و

جنگ آگاهانه می‌سراید که:

پایه صلح جهان، وحدت بین‌المللی است ورنه تا بغض و نفاق است کجا صلح و صفاست

و باز می‌گوید:

لیک تا عدل نگرده به جهان پا بر جای باز هم فتنه بود جنگ بود، صلح کجاست

و برای اصلاح کشور نصیحت می‌کند:

نظام ملک را در تحت نظم مرد دانا کن زمام مملکت بر عهده شخص توانا کن
رجال با سیاست را نما مسوول کابینه وکیل پارلمان را از وطن خواهان دانا کن
قضاوت را به دست قاضیان پاکدامن ده وز این رو خادم و خائن ز یکدیگر مجزا کن
غرض نگذار این کشور فتد در دست بیگانه مخواه از دیگران اصلاح ملک، از خود تمنا کن
از دیگر زنان باید بانو شمس جهان کسمایی را تمام برد وی نیز سالهای
نوجوانی و جوانی را در زمانی گذرانده که در سراسر ایران حتی یک مدرسه
ابتدایی پسران یا دختران وجود نداشته است وی که متولد ۱۲۶۲ ش است در یزد
دیده به جهان می‌گشاید. وی از زنان فاضل و آزادی‌خواهی است که از
عقب‌افتادگی و جهل مردم ایران اندوهناک است. صرف نظر از اینکه او را باید
شاعری سنت‌شکن دانست زنی است که آرزوی پیشرفت و دانش‌افزایی زنان ایرانی
را دارد وی در ۳۵ سالگی سفری به آذربایجان می‌کند چون ذوق شعری داشته است
خانه‌اش به کانون ادبی تبدیل می‌شود در آنجا با تقی رفعت و ابوالقاسم لاهوتی
آشنا می‌شود. فعالیت شعری و اجتماعی او شروع می‌شود اگرچه نمی‌توان او را در
شعر نو تأثیرگذار دانست اما شهادت این سنت‌شکنی را داشت بنابراین ستایش او را
در پیش قدمی‌اش باید ارج گذارد. وانگهی وی در مبارزات آزادیخواهان مشروطه
حضور چشمگیر داشت و با اینکه می‌دانست که مشروطه نمی‌تواند همه آرزوهای
زنان را برآورد اما از دولت می‌خواست تا در سراسر کشور مدارس دخترانه ایجاد
شود و علوم و فنون جدید، دندان‌پزشکی، جراحی و مامایی به دختران تعلیم داده
شود.

کسمایی: در دوره‌ای شعر اشرف مخلوقات را می‌سراید که شاعران مرد با
واژگان دنیایی رنگین، از عشق و مستی طنز می‌سرایند و شعر برایشان یا وسیله
مفاخره است یا تفنن یا در یوزگی:

من اگر اشرف مخلوق ز نوع بشرم پس چرا همچو بهایم به ستم باربرم
آدم گر به حقیقت ز چه بیچاره شدم پیش انظار اجانب خجل و بی‌هنرم
فرق مابین من و حضرت انسان این است اوست بینا، شنوا و همه من کورو کرم



وطنم روی زمین است نه در جوف قمر زیر پایم همه زر، عجز به همسایه برم؟
در جهان ملت ایران به اصالت مشهور به همین نقطه بود فکر و امید و نظرم
(ص ۱۰۳ - زنان سخنور)

جهان زنان

در بر اهل یقین و صاحب وجدان مطلب بیهت آوری است عالم نسوان
دوره آزادی است و روز رهایی ما زن و مرد، از چه روی سر به گریبان
جامه غفلت چه سود چاک نمودن؟ خود رسد این وقت هرج و مرج به پایان
(ص ۱۰۴)

و از اینکه زنان حتی در اندیشه برتری نیستند و به سرنوشت محتوم خود خو
کرده‌اند می‌سرایید:

در کهنه ملک جم خوش دیده می‌شود صد‌ها هزار مردان لشکری
آیا کجا شدند؟ زن‌های کشوری آن‌ها که قرن‌ها کردند سروری؟
شاید که در جهان برچیده می‌شود رسم بزرگی و آئین برتری
چون نیست معرفت هستیم بی‌هنر از مهر خواهری، لطف برادری
از ضرزید و کم سنجیده می‌شود مارا کلام حق، کرده است رهبری
(ص ۱۰۴ - زنان سخنور)

شاعر از اینکه شرق از علم و دانش جدید دور است ناراحت است و
می‌سرایید:

ما که پرورده شرقیم وز سرچشمه نور از چه در ظلمت جهل وز تمدن شده دور
غرب از سعی و عمل مخترع طیاره ما ز فقدان عمل گوشه‌نشین یا محجور
پرتو نور تو ای مهر فروزنده چرا؟ کرده این قدر مرا ساکت و محجوب و هیور^۱
بسکه از فیض طبیعت شده‌ام مستغنی نیست حاجت به اثاث و نبود گنج ضرور
آسیایی، ز قناعت شده گمنام و حقیر غافل از آنکه اروپا ز رقابت مقهور
(ص ۱۰۴)

۱. هیوره، هیور، ریخت و هیاتی زشت و بد

از دیگر زنان شاعر باید «ارغون» را نام برد وی مادر «سیمین بهبهانی» است. خود زنی خردمند، هنرمند، دانشمند و آزادی‌خواه، که در سال ۱۲۷۹ خورشیدی در تهران دیده به جهان می‌گشاید وی نیز چون دیگر شاعران زن به آزادی، وطن دوستی و اصلاح جامعه امیدوار است.

مهر میهن

جان و تن من باد فدای وطن من آری به فدای وطنم جان و تن من
تا هست جهان باقی هرگز بنیوشی چیز واژه پائیده وطن از دهن من
ای مام وطن تا به ابد هیچ نباشد جز زمزمه عشق تو زین پس سخن من
خواهم که پس از مرگ من احباب بسازند از پرچم ایران عزیزم کفن من
شعر، راه اصلاح، ارغون، اگرچه با ترکیب واژه‌هایی مانند سیلاب خون، جوی
خون، خون خائن... مارا به یاد عید خون، عشقی می‌اندازد اما شاعر باز هم نسوان و
علم‌آموزی آنان را از نظر دور ندارد.

حشمت و فرکیان گر بایدت، چون کاوه، پاک کشور جم را ز ضحاکان دون باید نمود
هر وکیلی را که شد با زور و با زر انتخاب از درون مجلس شورا برون باید نمود
هر بنایی را که شد با جور و بیداد استوار محو باید کرد و یک سر سرنگون باید نمود
تا به کی نسوان اسیر جهل و در غفلت رجال اکتساب دانش و علم و فنون باید نمود

از شاعران زنی که در مدرسه‌های جدید دانش آموخته‌اند مهین دخت دارابی
متولد ۱۳۰۰ ش را باید نام برد وی نیز مانند بانوان تحصیل کرده زمان خود دل در
گرو آزادی و وطن دوستی دارد او به خوبی دریافته است که بسیاری از حقوق زنان
را اگرچه از طریق قانون نمی‌توان به دست آورد اما زنان خود می‌توانند جلو اجرای
آنان را بگیرند و این نکته ظریفی است که دارابی به آن پرداخته است:

دارابی در شعر کین هوو، به یکی از گره‌های کوری اشاره دارد که همیشه
زندگی زنان را تهدید می‌کرده است. ولی وی رازگشودن این گره را نشان می‌دهد.

کین هوو

زناشویی صفای زندگانی است اساسش گر به عشق و مهربانی است



وگر از مهر و الفت دور باشد
 دو زن را مرد چون آرد به کابین
 کسی را کی بود ممکن به یکبار
 کجا گردد صفا و پاکی و دل
 حسادت در مقام دوستداری
 به ویژه نوع زن را در محبت
 هوو را با هوو اخلاص و الفت
 از این رو خیره گردد تیره‌روزی

همانسا وصله‌ای نسا جور باشد
 بخیزد از میانه فتنه و کین
 به یک دل داشتن جای دو دلدار
 میان دو رقیب عشق حاصل؟
 نباشد در طبایع اختیاری
 رقابت می‌شود ظاهر به شدت
 نبود خارج ز قانون طبیعت
 به دنبال نفاق و کینه‌توزی

(ص ۳۰۹)

جالب اینکه سال ۱۳۱۱ ش در کنگره شرق به موضوع هوو اشاره شده است
 در آنجا نیز شعری خوانده می‌شود که مناسب است در این جا نقل شود.

زنان گویند اگر مردی دو زن گیرد ستم باشد
 چرا زن شوهری گیرد که جز او همسری دارد
 اگر خواهد که این روز سیه آید به سر باید
 زن دانا نگردهد همسر مردی که زن دارد

ژاله قائم مقامی در شعری با عنوان «زن بیوه» اشاره به هوو شدن دارد که: بهتر
 است با هم بخوانیم:

راستی را که زن بیوه چه بدبخت زنی است
 همه کس ترسد از او گرچه بود خواهر او
 خواهشی بیند مرموز و به هر گردش چشم
 ور پرسی که چرا شوی ترا میل به اوست
 سر بجنانند و با فلسفه بافی گویند
 خاصه آن زن که بری دارد و رویی دارد
 کاین بود بیوه و آن مزبله شویی دارد
 گویند این زن به نگه راز مگویی دارد
 خاصه شویی که چنین جفت نکویی دارد
 هر گلی رنگی و هر غالیه مویی دارد
 هر گلی رنگی و هر غالیه مویی دارد

ص ۷۰ - عالم تاج قائم مقامی

در پایان این قطعه ژاله می‌گوید:

من هوو کی شوم آخر که خورم خون جگر
 که به غرناطه زنی هست و هوویی دارد

ص ۷۲، دیوان ژاله

سخن را با شعری از نیم تاج سلماسی به پایان می‌بریم. شاعری که دوره متوسطه را در زادگاهش سلماس خوانده است با فرهنگ ایران آشنا بوده و در حادثه دردناک شورش آشوریان ۱۳۳۷ ه.ق ۱۲۹۸ ش. عزیزی را از دست داده است:

ایرانیان که فَرکیان آرزو کنند باید نخست کاوه خود جستجو کنند
 مردی بزرگ باید و عزمی بزرگ‌تر تا حل مشکلات به نیروی او کنند
 آزادگی به دسته شمشیر بسته‌اند مردان هماره تکیه خود را بدو کنند
 در اندکس نماز جماعت به پا کنند آن‌ها که قادیسه به خون‌ها وضو کنند
 ایوان پی شکسته مرمت نمی‌شود صد بار اگر به ظاهر وی رنگ و رو کنند
 شد پاره، پاره پرده عجم از غیرت شما اینک بیاورید که زن‌ها رفو کنند
 نسوان رشت موی پریشان کشیده صف تشریح عیب‌های شما موبه‌مو کنند
 دوشیزگان شهر «ارومی» گشاده‌رو در یوزه‌ها، به برزن و بازار و کو کنند
 بس خواهران به خطه سلماس تاکنون خون برادران همه سرخاب رو کنند
 قانون خلقت است که باید شود ذلیل هر ملتی که راحتی وعیش، خو کنند
 (۳۷۹ - زنان سخور - مشیر سلیمی)

من در این جستار کوتاه خواستم نگاهی گذرا به رفتاری زنان از نگاه زنان داشته باشم زانی که به پاک، پاکدامنی، شرف زن اعتقاد دارند، ایرانی‌اند مسلمان و به وطن خود دلبسته‌اند، از اندوه زنان ناراحت‌اند، اما به نقد و بررسی آنان می‌پردازند و حل مشکل را گسترش مدرسه‌های دختران، تعلیم و تربیت زنان می‌دانند و به گفته ژاله:

پاکدامان باشوز آزادی به جز عزت مخواه راه ناپاکان مرو ای زهره زهرای من

از مکتب خانه تا ایجاد مدرسه به شیوه امروزی

با وجودی که اولین مدرسه به شیوه جدید در نهم دیماه ۱۲۳۱ ش با نام دارالفنون در تهران با معلمان اروپایی و ایرانی شروع به کار کرد، اما ایجاد نخستین مدرسه ابتدایی به وسیله حاج میرزا حسن رشديه در تبریز آغاز به کار کرد. سپس با یاری امین الدوله در تهران فعال شد این مربوط به زمانی است که ناصرالدین شاه با تیری که از طیانچه میرزارضای کرمانی رها شد قلبش از کار ایستاد، قلب ناصرالدین شاه از کار ایستاد اما قلب طپنده علاقه مندان به دانایی و آزادی دارای آهنگی منظم شد!

اولین مدرسه در سال ۱۲۷۷ ش (۱۸۹۷ میلادی) تأسیس شد و این تاریخ درست ۴۶ سال پس از افتتاح دارالفنون تهران بود. در حقیقت دارالفنون چهل و شش سال به فعالیت فرهنگی خود ادامه می داد و در این مدت چه بسیار دانش آموزانی

۱. میرزا حسن رشديه در سال ۱۲۷۶ هـ ق در تبریز به دنیا می آید وی دوران مکتب را پشت سر گذاشت و بعد که مقدمات صرف و نحو را فرا گرفت و کتاب هایی مانند الفیه، محمدیه و فقه و احکام را فرا گرفت پیش نماز شد و در لباس اهل دین، اما پس از آشنایی با روزنامه حیل المتین، اختر و ثریا به فکر می افتد که در شیوه تعلیم و تربیت تغییری ایجاد کند برای این مقصود به جای آن که به حوزه نجف برود به فکر افتاد به استانبول یا مصر یا بیروت برود و در آنجا داخل دارالمعلمین شود - وی موفق شد تا پس از آشنایی با شیوه تازه الفبای زبان فرانسه آن را با الفبای فارسی تطبیق دهد و به این وسیله متوجه شد که می توان با شیوه ای درست و نو کار خواندن و نوشتن را راحت کرد. وی در سال ۱۳۰۰ هـ ق به سوی ایران آمد در ایروان نخستین مدرسه رشديه را برای همه ایرانیان آنجا ایجاد کرد. این مدرسه چهار سال دایر بود تا اینکه ناصرالدین شاه در سفر خود مدرسه را دید و از او خواست که با وی به ایران بیاید رشديه فکر می کرد که شاه از ایجاد مدرسه خرسند خواهد شد اما مدرسه ایروان را هم منحل کردند. پس از مدتی به تبریز آمد کار خود را شروع کرد و مدرسه داشت شکل می گرفت که به دستور رئیس السادات در مدرسه را بستند و رشديه را تکفیر کردند و خونس را نیز مباح دانستند (مهدورالدم) خلاصه اینکه رشديه بار دوم در محل بازار تبریز و بار سوم در محله چرانداب تبریز و بار چهارم در محله نویر و باز هم در محله بازار تبریز مدرسه تأسیس کرد، سرانجام وقتی که امین الدوله به صدارت رسید، رشديه را به تهران دعوت کرد و نخستین مدرسه در تهران به سال ۱۳۱۵ ق (۱۸۹۷) تأسیس شد.

که به اروپا اعزام شدند و در رشته‌های طب، نجوم و ریاضی صاحب نظر شدند و در تمام این سال‌ها یک مدرسه ابتدایی برای پسران وجود نداشت تا چه رسد به دختران، که ساکنان همیشگی خانه بودند. ساده‌تر این که آموزش عمومی در کشور رواج نداشت و دانش‌آموزی فقط برای فرزندان اشراف، اعیان و شاهزادگان بود. نگاهی به زندگی زنان شاعر، ادیب، منجم یا عارف که گاهی نامشان را در جنگ‌ها و تذکره‌ها می‌بینیم نشان آن است که این زنان در خانواده‌ای متعین بالیده‌اند اما پس از آن که دختران همین اشراف و اعیان با کتاب، روزنامه، و زندگی مردم اروپا آشنا می‌شوند باورش‌شان می‌شود که با همه رفاه مادی که دارند اما حرمت و جایگاه واقعی را ندارند و دلشان خوش است که نامشان کبوتران حرم است. از این رو می‌بینیم، از بین همین زنان زمزمه آزادی خواهی و تأسیس مدارس جدید برای دختران به گوش می‌رسد و کم‌کم خود پا پیش می‌گذارند و برخی از آنان تمام عمر را با همه وجود مبارزه می‌کنند تا درهای دانش و دانایی را به روی همه دختران باز کنند در این جا ضروری است که ما نخست با چگونگی کار مکتب‌خانه‌ها آشنا شویم.

مکتب‌خانه‌های تهران

مکتب‌خانه یعنی مکانی که در آن کودکان به درس و سواد می‌نشستند و جایی که زن و مردی به نام ملاباجی و ملای مکتب‌دار، با اجرت و ماهانه‌ای که دریافت می‌کردند فرزندان خردسال افراد را سرپرستی نموده، سواد می‌آموختند. بچه‌ها به دو صورت روانه مکتب‌خانه می‌شدند عده‌ای به خاطر کسب کمال و تعدادی که پدر و مادرانشان، آنان را به خاطر از سرباز کردن و فراغت فرستاده بودند، چنان‌که امروزه به کودکان و مهدکودک می‌روند/ص ۶۴۷ عباس شهری، جلد ۴

محل مکتب‌خانه

مکتب‌خانه، دکان‌ها و اطاق‌هایی بودند که در کوچه و گذرها و بالاخانه‌های مشرف به کوچه و اطاق‌های جلو پستی خانه‌ها و مکان‌های پرت افتاده که مردم اهل خانه نباشند تشکیل می‌شدند و مکتب‌دارها، معمولاً از مردان و زنان مسن شناخته‌شده محلات که به سوء سابقه معروف نشده باشند.^۱

۱. تهران در قرن سیزدهم - مؤسسه خدمات فرهنگی رسا - تهران



هر دو ملاحای زن و مرد ابزارکاری داشتند از قبیل چارپایه کوتاهی که جلوشان بود و گلدانی که چند قلم نی ریز و درشت و یک دوات لیمه‌ای داشت و یک چوب فلک، یک عصا و چند چوب کوتاه و بلند و چند ترکه تازه برای کتک زدن و خرج مکتبشان، تنها اینان که مکانشان استیجاری بود ماهی یک قران و سی ساهی که بابت اجاره بدهند. / ص ۴۴۸ - عباس شهری.

جای نشستن بچه‌ها

برای نشستن بچه‌ها میز و صندلی وجود نداشت، هر بچه برای خودش زیراندازهایی مانند قالیچه، پادری، تکه قالی، گلیم، نمده، حصیر و یا دستمالی که مطابق با وسیع خانواده بود، همراه می‌برد. آب خوردنشان هم هر یک «قلقکی»^۱ که هر روز صبح پر از آب کرده، می‌آوردند. در زمستان‌ها هم منقل کوچکی آتش خاکه زغال بو گرفته که همراه داشتند.

فرش مکتب‌خانه همان تکه پاره‌های بچه‌ها و کفش از آجر یا کاهگل بود که تابستان‌ها برای خنک شدن روی آن را خود بچه‌ها آب‌پاشی می‌کردند.

مستراح

چه دکان و چه اتاق فاقد مستراح بود که دکان نمی‌توانست مبال داشته باشد و اتاق که چاه خلایش پر می‌شد و ... / ص ۴۴۸ همان‌جا

چوب و عصای مکتب‌دار

عصای مکتب‌دار برای آن بود که اطفال لازم به تنبیه را با خم سر آن، که به گردنشان می‌افکند، به سوی خود بکشد و چوب بلندش برای کتک زدن دورتری‌ها و چوب کوتاه و کوتاه‌ترش برای بچه‌های نزدیک و نزدیک‌تر و چوب فلک برای تکلیف انجام نداده‌ها که اگر هر تقصیر قابل‌گذشت بود این یک نمی‌توانست باشد و صدای ملا که تلاش بکن و نکن و تهدید بلند بشود.

تکلیف شاگرد

هر شاگرد ابتدا یکی دوهفته آمده، مستمع آزاد نشسته تا آشنا با محیط شود و پس از آن، همراه دیگران شروع به خواندن الف، ب بکند تا کم کم به او سرمشق داده بشود و سال اول که الفبا و صداها و قرائت و نوشتن حرف و بعضی کلمات دو سه حرفی را بیاموزد و سال دوم که به او عمه جز درس داده شده سال سوم که گلستان سعدی آموخته بشود معنی دروسی که چه در مکتب و چه در مدرسه که آن‌ها هم جز صورت مکتب‌خانه نداشت از دو درس قرآن و گلستان نمی‌توانست تجاوز کند. چنان‌که کودک بزرگ این دو را فرا گرفته بود سواددار شده بود. /ص ۴۴۹ - همان.

نوع تدریس

تکیه ملاهای این مکتب‌خانه‌ها کلاً بر روی صداها و حروف از فتحه، کسره، ضمه، شده، مده و تنوین یا زیر و زبر پیش و تشدید الف النا و نونین یا با لاویاین و وسط و تشدید و کلاه و نون در صدا بود و آن را پایه سواد خواندن می‌دانستند و هر یک از مکتب‌دارها صداها و قواعدی به این صورت داشت که هر حرف را با صداها و طریقه زیر می‌آموختند:

الف به صدای بالا آ به صدای پایین ا الف به صدای وسط أ الف به صدای مدی آ... الی آخر و تشدید و تنوین را به این طریق که حروف را مکرر می‌گفتند.

مکتب‌دارها

معمولاً ملاها و ملام‌ها زن و شوهر بودند که شوهر در دکان و زن در خانه مکتب‌داری می‌نمود و بسا که زنان بی‌شوهر و بی‌سرپرست‌های سواددار و باسوادانی که خانه اضافی از خود داشتند برای امرامعاش مکتب‌داری می‌کردند و مردهایشان، طلبه‌های رانده شده از مدرسه‌ها یا سرخورده‌ها و میرزا بنویس‌های (متقاعد) از ادارات رانده شده و باسوادانی که ممرمعاششان تنها می‌توانست از آن رهگذر باشد. مکتب‌داری که سواد چندانی لازم نداشته چندان که خواندن و نوشتن توانسته و خشونت و جذبه‌ای همراهشان بود می‌توانستند مکتب‌دار بشوند و آن مکتب‌دار موفق نیز که هرچه زیادتر بی‌رحم و بتواند چوب بزند / ص ۴۵۷ - همان.



شهریه

شهریه یا حق‌التعلیم این ملاها ماهی ده پانزده شاهی و برای بزرگسالان و آن‌ها که سال‌های دوم و سوم مکتبشان را می‌گذارند ماهی یک قران تا سی شاهی به علاوه ملاحظاتی که درباره ملا به عمل می‌آوردند / ص ۳۵۷.

تکالیف شاگردان نسبت به ملا

ملا حق داشت هر گونه فرمان به شاگرد داده به او تحمیل کند و از افتخارات شاگرد نیز که برای ملا فرمان ببرد.

- ۱- جاروی دکان یا اتاق (مکتب‌خانه) باید به نوبت انجام شود.
 - ۲- اگر کوزه یا تغار آب‌خوری در مکتب‌خانه باشد آن را همه روز پر کنند.
 - ۳- میزچه، تشکچه، پستی معلم را هر صبح پاک و مرتب بکنند.
 - ۴- تابستان بادبزن به دست گرفته بالای سرش ایستاده او را باد بزنند و زمستان برایش منقل آتش کرده یا از خانه ببرند.
 - ۵- برایش چایی درست کرده و قلیان چاق کنند و دستور ببرند آب به دستش بدهند سلفدان‌ش را تمیز و خاکستر بکنند.
 - ۶- برای خانه‌اش خرید کرده کارهای خانه و زن و بچه‌اش را مانند بچه به حمام بردن و آوردن، جاروی اتاق و نظافت و ...
 - ۷- در هر عید و عزا برایش قند - تنباکو و بدین مناسبت برای وی غذا پخته از خانه ببرند و پس از اتمام هر درس برایش شیرینی انعام و خلعتی ببرند.
- به مناسبت وسع پدر شاگرد، عبا - قبا - کاسه‌نبات - پول و شیرینی، میوه تابستان، خاکه زغال زمستان، برنج، روغن و ماهی شب عید. / ص ۴۵۳.
- البته در باره ملاباجی‌ها نیز همین بوده. این‌جا دخترها بودند که:
- نگه‌داشتن بچه خردسال - جنباندن نئو یا گهواره بچه و ...
- پرداختن به مکتب‌خانه‌ها خود می‌تواند جستاری جالب باشد زیرا این مکتب‌خانه‌ها در بیشتر شهرها و روستاها کم و بیش وجود داشته است. بسیاری از اندیشمندان و عالمان معاصر که نام و آوازه‌ای در خور یافته‌اند روزگاری را در این مکتب‌خانه‌ها گذرانده‌اند. سفره خاطره هر یک از آنان ما را با جامعه‌شناختی، گروه

مکتب دارها آشنا می‌کند. چنان‌که «محمدعلی جمال‌زاده» پسر سید جمال واعظ که کودکی خود را در مکتب گذرانده است در کتاب سروته یک کرباس، ما را با طنزی تلخ به محیط مکتب‌خانه‌های قدیم می‌برد. با هم بخوانیم.

روزی مادرم دستم را گرفت و اولین بار به مکتب برد. برایم یک قلم نیزه و یک تلی و یک دوات کاشی سبز رنگ پایه‌دار که در موقع نوشتن چون شمعدانی در دست چپ می‌گرفتند و یک پنج لحم (عمه جزء) و یک توشکچه تدارک دیده بود و به دست خودش (تلی) که همان ليقه تهرانی‌ها باشه در دواتم گذاشته و از شیشه مرکب پدرم بر آن مرکب ریخته بود از چندین روز پیش از بردن من به مکتب هر وقت صدای آواز کلاغی به گوشش می‌رسید نگاه پرمهر و محبت خود را به من می‌دوخت و این ترانه را ترنم می‌کرد. قار، قار، بقچه قلمکار، پسر فردا میردکار، باید دانست که در این مورد کلمه کار در زبان اصفهانیان به معنی مکتب و مدرسه است. / ص ۴۹- سروته یک کرباس.

مکتب پسر ملاعلی اصغر یک اتاق از دو اطاقی بود که با یک چاه آب و یک حوض بو گندوی ترک خورده به بزرگی یک غربال و یک سولدانی تاریکی که اسمش را مطبخ گذاشته بودند جناب آخوند را تشکیل می‌داد در مکتب روبه‌روی اتاقی که شاگردان در آن جمع بودند مستقیماً به طرف کوچه باز می‌شد و مدام چار طاق باز بود به طوری که اغلب اوقات رجاله و بیکاره‌های محله ساعت‌ها از همان کوچه خود را به تماشای ما شاگردان مشغول می‌داشتند.

شاگردها: چند دسته بودند اول آن‌هایی بودند که مانند من پیش از رسیدن به الفبا، قبلاً مدتی باید: هوالفتاح العلیم و پس مبارک بود چو فرهما، اول کارها به نام خدا را از بر کنند.

دسته دوم این مرحله را طی کرده به الف الف آ و ب الف با رسیده بودند هر روز پیش از ظهرها، صداها را در هم انداخته ساعت‌های دراز با فریاد الف الف آ و غریو و لوله الف دو ز برآن و دو زیر آن و دو پیش اوئن جارچی اشتها معلّم خود می‌گردیدند گویا این فرمول مشهور را که مثل سوره الحمد و ان یکاد تمام هم‌وطنان آن دوره هنوز از حفظند همان‌جا یاد گرفتم که:



مد را بکشم جزم را بر هم بزنم، تشدید را سخت بگویم، الف همزه را به جای الف بشناسم و اگر شناسم صد تا چوب کف دستی و کف پاییی بخورم تا بشناسم / ص ۵۰ - سروته یک کرباس جلد ۱.

جمالزاده پس از عذابی که از مکتب اول و دوم می‌برد از مکتب جدیدی در محله سوزنگرهای اصفهان می‌نویسد که:

مکتب جدید در یکی از بالاخانه‌های مسجد علی قلی آقا واقع و مکتب دارمان موسوم بود به ملا طاهر، برادرش ملا باقر نام در طرف دیگر همان مسجد مکتب دیگری داشت و مابین معلم و متعلم این دو مکتب رقابتی چنان سخت در میان بود که دشمنی بین پیروان «علی» و پیروان «عمر» در نزد آنان صفای محض به نظر می‌آمد. ملا طاهر اصرار داشت به شاگردانش که هنوز از پیچ و خم صد تا کف دستی کف پاییی بخورم تا بشناسم نگذشته بودند عربی درس بدهد. و من مادر مرده هم از این نعمت اجباری بی‌نصیب نماندم. ضرب: یضرب برای من شکوهی نداشت و در همان ابتدای کار بخت ناسازگار چنان خواست که هو ضارب و انا مضروب را عملاً صرف نمایم توضیح اینکه یکی از اقوامان شیعی به رسم تفریح برایم حکایت نمود که روزی ملا طاهر به برادرش ملا باقر گفته است که باقر از بقر مشتق است و بقر در زبان عربی به معنی گاو است ملا باقر هم دردم جواب می‌دهد که به فتوای شرع فضله بقر هم طاهر است من نادان بخت برگشته فردای همان روز این قصه را در مکتب با شاگردان در میان گذاشتم و چنان که رسم است حلال‌زاده‌ای همه را به گوش ملا طاهر رسانید چنان در خشم و غضب فرو رفت که یقین کردم ساعت آخر عمرم فرا رسیده است از جگر نعره برآورد که گوساله را بیندازید و دو پایش را در فلکه بگذارید محتاج به توضیح نیست که مقصود از گوساله که بود ولسی همینقدر بدانید که آن روز کف پاییی بچه سید مظلوم چنان ضربی چشید که از همان دقیقه رقم کینه این گونه طاهرهای بی‌طهارت‌الیه یوم‌القیامه بر لوح خاطرش نقش بست. ص ۷۶.

مکتب‌خانه‌ها پس از تأسیس مدارس جدید

با اینکه از سال ۱۲۷۷، نخستین مدرسه ابتدایی به شیوه جدید آغاز به کار کرد اما گشایش مدارس جدید مانع از وجود مکتب‌خانه‌ها نشد و آنان هم‌چنان به شیوه

خود به کار خود ادامه می‌دادند. وزارت معارف برای اینکه مکتب‌خانه‌ها نیز دارای نظام نامه‌ای باشند ناگزیر شد تا آئین‌نامه‌ای را برای مکتب‌خانه‌ها و مکتب‌دارها به تصویب برساند برای آشنایی علاقه‌مندان قسمتی از این آئین‌نامه نقل می‌شود. آئین‌نامه مکتب‌ها در تاریخ ۱۳۰۳ ش به تصویب شورای عالی فرهنگ رسیده است:

ماده ۱- مکتب باید در جای وسیع و روشن و بی‌رطوبتی تأسیس گردد حتی‌المقدور باید از معابر عامه دور باشد، تا موجبات خطر فراهم نیاید.

ماده ۲- هیچ کس از ذکور و اناث ماذون نیست من بعد، بدون اجازه وزارت معارف در خانه خود یا جای دیگر مکتب باز نماید.

ماده ۳- داوطلب باید لااقل دارای سواد فارسی باشد یعنی کتب ساده و آسان را بخواند و نوشتن و سیاق را مختصراً بداند و سن او کمتر از سی سال نباشد به علاوه معروف به سؤاخلاق و فساد عقیده نباشد مرتکب جنحه و جنایی نیز نشده باشد.

ماده ۴- ترتیبات و تحصیلات مطابق دستور وزارت معارف خواهد بود.

ماده ۵- عده اطفال هر مکتب از سی نفر تجاوز نمی‌کند.

ماده ۶- مفتش هر مکتب را تفتیش کرده و مذاقه کامل در وضع تحصیل و امور حفظ‌الصحه آن به عمل خواهد آورد.

ماده ۷- تنبیه بدنی به کلی ممنوع است.

ماده ۸- مکاتب همگی نیز تابع مقررات مواد این نظام‌نامه خواهد بود.

ماده ۹- اگر مکتب دخترانه در خانه شخصی باشد مرد و پسر بزرگ در تمام مدت افتتاح مکتب نباید در آنجا رفت‌وآمد کنند.

ماده ۱۰- اطفال را نباید به کار خانه و بچه‌داری یا هرگونه خدمت دیگر وا داشت.

ماده ۱۱- وظیفه عمده آموزگار مراقبت کامل طفل و حسن تربیت و اخلاق او خواهد بود.

ماده ۱۲- این نظام‌نامه اختصاص به مکاتب شهر تهران خواهد داشت.

(نقل از سالنامه و آمار ۱۳۱۶، ۱۳۱۷ اداره کل نگارش دایره آمار ص ۹۵۴)



چالش مدارس دخترانه جدید و مکتب‌خانه‌ها

مکتب‌خانه‌ها به شیوه‌ی سنتی به کار خود ادامه می‌دادند هیچ دستگامی روی کارشان نظارت نداشت. تأسیس مدارس جدید پیش از هر کسی مکتب‌دارها را به اعتراض وامی‌داشت، پایه‌گذاران آموزش جدید برای کلاس‌ها و دانش‌آموزان برنامه‌ای داشتند حتی برای آموزش الفبا می‌کوشیدند تا خواندن و نوشتن را برای دانش‌آموزان آسان نمایند. طرفداران مکتب‌ها و مخالفان مدرسه کوشش می‌کردند تا به مردم بفهمانند که مدارس جدید بچه‌ها را بی‌دین، ملحد یا بابی می‌کند.

محمد علی جمال‌زاده در سروه یک کرباس می‌نویسد:

«تازه داشتیم در این مدرسه شهرتی به هم می‌زدیم و خود را «علاّمه حلی» عهد خود می‌دیدیم که مادرم خیردار شد که در همان نزدیکی محله خودمان در پشت بارومکتب جدیدی باز شده است که زبان فرنگی هم درس می‌دهند از آنجائی که برادرش قدری انگلیسی می‌دانست و خیال کرد که پدرم نیز خوشحال خواهد شد که پسرش زبان فرنگی یاد می‌گیرد فوراً مرا بدان مدرسه سپرد. مکتب جدید که به دستیاری یکی از خوانین اصفهان میرزا علی‌خان نام و آقامحمد جواد صراف از تاجرهای روشن ضمیر اصفهان تأسیس گردیده بود. چون اتاق منحصر به فردش پاکیزه و مفروش بود و یکتا معلم آن هم گرچه معمم بود ولی علاوه بر فارسی و عربی تدریس انگلیسی هم می‌دانست به اسم مکتب خانه مشهور شده بود. پشت میدان ویرانی که به اسم «چملون» در وسط شهر واقع بود و اینک چند سالی است که به همت خود خانواده امین‌التجار اصفهانی به باغستان مصفایی تبدیل یافته و به سنبلستان موسوم گردیده است. در بالاخانه وسیعی بود. مردم می‌گفتند به دستیاری بابی‌ها و برای بچه‌های بابی ساخته شده است خوب به خاطر دارم که برای خرید اولین کتاب قرائت انگلیسی موسوم به «فرست ریدربوک» مجبور بودیم پنهانی به جلفا برویم و در برگشت کتاب را زیر لباس پنهان کنیم که مبادا مردم خیردار شوند و شیلاقی بشوم / ص ۸۲ - جمال‌زاده.

البته نظام مکتب‌خانه به گونه‌ای بود که پسران می‌توانستند در صورت استعداد مراحل بالاتری را طی کنند و در نهایت به مدرسه‌های علمیه بروند و به کار فقه،

اصول دین و تبلیغ پردازند. اما برای دختران راه یافتن به مدرسه‌های علمیه نیز وجود نداشت زیرا از آغاز گسترش مدارس دینی در ایران تا پیروزی انقلاب اسلامی در سال ۱۳۵۷، در سراسر ایران در طی سده‌های گذشته که بیش از هزار سال می‌شد حتی یک حوزه علمی دینی برای دختران تأسیس نشده بود. مردم اگر دختران خود را به مکتب می‌فرستادند برای این بود که قرآن بخوانند با بعضی از مسایل دینی آشنا شوند در این مکتب خانه‌ها گاهی کتاب‌های نوحه و عزاداری نیز خوانده می‌شد مانند کتاب جوهری، جودی و ...

در شماره ۲۳ رجب ۱۳۲۵ هـ. ق یعنی در سست یک سال پس از برقراری مشروطه در روزنامه حبل‌المتین نامه‌ای از زنی به چاپ می‌رسد که بخش‌هایی از این نامه را می‌خوانیم.

در روزنامه، که به طبع رسیده از زاویه مقدسه^۱ به تهران فرستاده و منتشر فرموده‌اند این دو کلمه دیده شد که (مدرسه علم برای نسوان خلاف دین و مذهب است) این حقیره که کم سواد و نویسنده این کلماتم، این سخن مجمل جناب عالی را نفهمیدم و از هر کسی که معتقد به تدبیر و عقل او بودم هم سوال کردم حل مشکل نمود لازم شد که خودم شرح ذیل را در بیان مقصود جناب عالی بنویسم و از خود شما جواب بخواهم.

اگر مقصود جناب عالی از این سخن این است که جماعت زنان می‌باید هیچ علمی نیاموزند و مانند حیوان بی‌شاخ و دم باشند تا از این نشأ برونند و این فرموده خداوندست. پس مرقوم فرمائید که خدا و اولیای خدا جل و اعلا در کجای قرآن (کلام الله) و احادیث این را فرموده است.

در قسمت دیگر نامه می‌خوانیم که پیغمبر گرامی آن خدای جل و علا، فرموده است که: *طَلَبُ الْعِلْمِ فَرِيضَةٌ عَلَى كُلِّ مُسْلِمٍ وَ مُسْلِمَةٍ وَ خَيْلِي فَرَقَ اسْتِ مَابَيْنَ خَدَايَ مَا كَه طَلَبِ عِلْمٍ رَا بَرِ نَسْوَانٍ وَ اَجِبَ نَمُوْدَه وَ خَدَايَ شَمَا كَه عِلْمٍ رَا بَرَايَ زَنَانٍ حَرَامٌ كَرْدَه وَ خَلَاْفَ دِيْنٍ وَ مَذْهَبِ قَرَارِ دَاْدَه اسْتِ پَسِ جَنَابِ عَالِي بَه جَهْتِ فَرَارِ اَز مَخَالَفَتِ بَا اِيْنِ حَدِيْثِ مَتَوَاتِرِ مَجْبُوْر خَوَاهِيْدِ بُوْد كَه حَرْمَتِ عِلْمِ رَا بَرَايِ طَايِفَه*

۱. حضرت عبدالعظیم (شهری)



نسوان منحصر به علم مخصوصی بدانید و در این کلام خود اقرار نمائید که بی‌احتیاطی و ... در فتوای خود فرمودید باید که به طور عموم حکم به حرمت ملأیی زنان فرموده‌اید بلکه اگر جسارت نباشد فتوی به غیر یا انزال‌الله داده‌اید و چون آن علم مخصوص را معین نکرده‌اید ناچار زحمت داده سوال می‌کنم که مقصود جانب آقا چه علمی است که بر زنان حرام است؟ اگر سواد خواندن کتاب و قرآن و کاغذ است دلیل بر آن از اخبار و آیات چیست؟ آیا هیچ یک از اهل بیت پیغمبر مختار و ائمه اطهار و علما کبار از مومنه و غیر مومنه سواد خواندن نداشته‌اند و از طرف بزرگان ممنوع از تحصیل سواد بوده‌اند؟

در بخش دیگر از این نامه آمده است که:

شما و تمام مردم تهران و سایر بلدان ایران می‌دانند و می‌بینند که در اغلب کوچه‌های تهران و بلاد دیگر یک ملأ باجی یا میرزاباجی یک منزل دارند و با کمال آزادی دوشیزگان را درس می‌دهند چنان‌که در مکاتب سرگذرها و بازارها و معلمان مرد، پسرها و دخترها را درس می‌دهند این چه مملکتی است که در تمام عمر خودتان نهی از این تدریس‌ها نداشته‌اید و نهی از منکر را لازم ندانستند و این دو ماهه اقامت در حضرت عبدالعظیم از کجا این تدین سرشار را تحصیل نمودید که با لایحه چاپی انتشار این نهی از منکر را لازم دانسته اقدام فرمودید و شاید بفرمائید که افتتاح مدرسه نسوان غیر از مکتب سرگذر و اتاق خانه ملاباجی است در این صورت عرض می‌کنم که البته با هم چندین تفاوت دارند یکی آن‌که در مدرسه قبل از بلوغ دختر باسواد می‌شود و در مکتب و اتاق ملاباجی بعد از بلوغ هم باسواد نمی‌شوند.

در قسمت دیگر می‌خوانیم که:

در مدرسه به طرز حالیه اخلاق دختران صحیح می‌شود. و در مکتب اخلاق رویه یا حسنه یک ملاباجی را یاد می‌گیرند و هکذا:

در مدرسه تربیت شوهرداری و حرفه و عقل معاش و انواع صنعت و حفظ‌الصحه اطفال را به واسطه این کتب تازه که چاپ شده و دیده‌ام درس می‌خوانند یاد می‌گیرند و در مکتب، گذشته از این‌ها را یاد نمی‌دهند. در تاریخ ۲۷ ربیع‌الاول ۱۳۲۵ هـ ق بی بی خانم، نامه‌ای به روزنامه تمدن می‌نویسد این نامه

اعتراض آمیز که نوعی دادخواهی است در حقیقت دفاع از مدارس جدید در برابر مکتب خانه‌هاست.

این کمیته از اهل این مملکت سوال می‌کنم آیا در پایتخت ملباجی نبوده یا مکتب‌دار از بدو عالم تا این دم معمول و دایر نشده یا دختران ما نزد آخوندهای زیرگذر محله درس نمی‌خواندند و اگر چه به مکتب می‌رفتند عبور آن‌ها از معابر مخصوصی بود یا کتاب موش و گربه و یا کتاب حسین کرد شبستری و چهل طوطی و سلیم جواهری و سعد و سعید از نخست نامه و نخبه سپهری و تربیت الفبا بهتر و بالاتر بودند.

آیا مکتب‌خانه را مدرسه گفتن کفر است و یا دبستان که زبان آباء و اجداد ماست صحیح نیست! یا هر کس دختر را دوشیزه بگوید مقاصد تعلیم از مفاسد دینی دارد و در عوض عرق چین و دوختن و آجیده و مادر بچه و برگ تره زدن که امروز در این مملکت منسوخ شده با چرخ خیاطی کردن^۱ و کاموا و گلدوزی و سرمه و مليله دوزی یادگرفتن و به درد بی‌درمان مرد بیچاره شریک شدن از گناهان کبیره است».

سخن را با بخشی از مکتوب یکی از زنان آن دوره به پایان می‌بریم که در روزنامه تمدن سال اول شماره ۱۲ یکشنبه ۷ ربیع‌الاول ۱۳۲۵ ص ۳ آمده است:

۱. ژاله قائم‌مقامی در شعری با عنوان گفت‌وگو با چرخ خیاطی در باره چرخ زینگر و پیشرفت صنعت در اروپا از سر حسرت می‌گوید:

ای هنرور ای فرنگی راستی بدرود باش	کاین چنین خدمت به دنیا و اهل دنیا می‌کنی
جسم از تب خسته را با دارویی جان می‌دهی	چشم ظلمت بسته را با شیشه‌ای وا می‌کنی
گه چراغ برق‌سازی گه ترن، گه تلگراف	گاه موبین لوله‌ای را نغمه پیمای می‌کنی
عمر ماطی می‌شود در یک معما ساختن	تو به دست علم حل صد معما می‌کنی

ص ۴۶

مادران ما به سالی می‌توانستند دوخت	جامه‌ای را کسان تو در یکدم مهیا می‌کنی
دست‌ها پرپینه می‌شد دیده تازی، پشت خم	تا کند آن چش تو اکنون سهل و زیبا می‌کنی

ص ۴۶



ما را از ۵ سالگی به مکتب می‌گذاشتند آن هم نه همه دختران را، بلکه ندرتاً نه ساله که می‌شدیم از مکتب بیرونمان می‌کردند اگر کتاب می‌توانستیم بخوانیم یا خط می‌توانستیم بنویسیم پدران عزیزمان با کمال تغییر کتاب و قلم را از دستمان گرفته پاره کرده شکسته و به دور می‌انداختند که چه معنی دارد دختر خط داشته باشد مگر می‌خواهید منشی بشوید همین قدر که بتوانید قرآن بخوانید کافی است.

تبرستان

www.tabarestan.info

تبرستان

www.tabarestan.info

نقش مدارس بیگانگان در ایران

اگر سال ۱۲۷۸ ش را که انجمن تأسیس مکاتب علیه ایران توانست ده باب مدرسه در تهران به وجود آورد آغاز گسترش مدارس جدید برای ایرانیان مسلمان بدانیم که می‌دانیم، قابل ذکر است بدانیم، آغاز فعالیت مدارس بیگانگان مربوط به سال ۱۲۵۰ هـ. ق است. پرداختن به نقش و انگیزه ایجاد این مدارس به وسیله بیگانگانی چون امریکایی‌ها، انگلیسی‌ها، فرانسوی‌ها و روس‌ها می‌تواند موضوع جستاری جداگانه باشد اما چون در این گزارش جای تحلیل و بررسی نیست فقط به شکل‌گیری این مدارس پرداخته خواهد شد: در یک نگاه کلی: این مدارس را می‌توان به دو دسته تقسیم کرد.

الف- مدارس که اروپایی‌ها، امریکایی‌ها و خلاصه غیرایرانی‌ها تأسیس کرده‌اند.

ب- مدارس که به وسیله ایرانیان غیرمسلمان مانند ارامنه ایران، زردشتی‌ها و کلیمی‌ها ایجاد شده است.

در سال ۱۳۱۶ هـ. ق (۱۲۷۸) که سومین سال سلطنت مظفرالدین شاه بود انجمنی به نام تأسیس مکاتب علیه ایران به وجود آمد که توانست ده باب مدرسه در تهران ایجاد کند درست در همین ایام بود که زنان روشنفکر و آگاه، ضرورت تأسیس مدارس دختران را احساس کردند و فعالیت فرهنگی خود را آغاز کردند. ما پیش از پرداختن به فعالیت‌های این زنان آگاه و فرهیخته در باره گسترش و ایجاد مدارس دختران اشاره‌ای خواهیم داشت به نقش و انگیزه ایجاد مدرسی که به وسیله بیگانگان چون امریکایی‌ها انگلیسی‌ها، روس‌ها و فرانسوی‌ها شکل گرفته بود اما از آنجا که مدرسی نیز به وسیله ایرانیان غیرمسلمان مانند ارامنه، زردشتی‌ها و

کلیمی‌ها ایجاد شده بود جا دارد که بین مدارس بیگانگان غربی و مدارس ایرانیان غیر مسلمان فرق بگذاریم و به معرفی هر یک از این دو گروه به طور جداگانه پرداخته شود.

مدارس بیگانگان در ایران

ساده‌اندیشی است که تأسیس مدارس جدید به وسیله امریکایی‌ها، انگلیسی‌ها، فرانسوی‌ها و روس‌ها را فقط خدمت فرهنگی و انسان دوستانه از سوی این کشورها بدانیم. پرداختن به این جُستار نیز می‌تواند فصلی تازه باشد که باید باب پژوهش آن گشوده شود. به هر جهت ایجاد این مدارس با هر قصد و نیتی که انجام شده است توانسته است دست کم چشم و گوش مردم را به آنچه دور و برشان می‌گذشته است باز کند و این خود جنبش‌های فکری و فرهنگی را به دنبال داشته است از سویی بسیاری از این مؤسسات فرهنگی و آموزشی پس از سال‌ها فعالیت سرانجام به دست فرهیختگان ایرانی افتاده و با تغییر نام به حیات فرهنگی خود ادامه دادند مانند مدرسه پسرانه امریکایی‌های تهران و یا مدرسه دخترانه امریکایی که در سال ۱۳۱۹ به البرز و منوچهری تغییر نام دادند، علاوه بر این نخستین دختر مسلمان ایرانی با چادر و چاقچور در سال ۱۹۱۱ برابر با سال ۱۲۸۴ ش از مدرسه دخترانه امریکایی‌ها دیپلم گرفت و خود به تأسیس مدرسه ام‌المدارس همت گماشت که در فصل مدارس دختران به زندگی و مبارزات این زن اندیشمند خواهیم پرداخت. اکنون جا دارد نگاهی گذرا به انگیزه و تأسیس این مدارس داشته باشیم.

هیات‌های مذهبی پروتستان در ایران

در سال ۱۲۱۲ ش (۱۸۳۴) در زمان پادشاهی محمدشاه، هیأت مذهبی کلیسای پروتستان امریکایی به ایران آمدند آنان پس از بررسی و پژوهش، ارومیه را جای مناسبی جهت هدف‌های خود دیدند. زیرا ارومیه، سلماس، خسروآباد و بسیاری از روستاهای این منطقه مسیحی بودند، امریکایی‌ها که خود از مسیحیان پروتستان



بودند این مکان را برای تبلیغ برگزیدند، اما مسیحیان منطقه کاتولیک مذهب بودند و با فعالیت پروتستان‌ها مخالفت می‌کردند پروتستان‌های امریکایی برای تحقق آرمان‌های خود کارشان را آرام آرام شروع کردند در آغاز «پرکینز» یکی از اعضای هیأت به مطالعه دقیق و همه جانبه منطقه پرداخت سرانجام در سال ۱۲۱۴ ش (۱۸۳۶ میلادی) نخستین مدرسه را به سبک جدید در خانه خود ایجاد کرد ولی پس از مدتی محل مدرسه را به روستای «سیر» منتقل کرد البته وی برای اینکه بتواند برنامه‌های خود را گسترش دهد نخست رضایت «حاکم ارومیه» را جلب کرد^۱. و با یاری او توانست فرمان محمدشاه را به دشت آورد.

مدرسه سیر و مدرسه دخترانه مذهبی

مدرسه سیر به طور رسمی در ۱۸ ژانویه ۱۸۳۹ (۱۲۱۶ ش) در روستای سیر که واقع در ۶ کیلومتری ارومیه بود آغاز به کارکرد تعداد دانش‌آموزان در همان سال ۷۰ کودک شهری و روستایی بود. وی در سال دیگر مدرسه مذهبی دختران را ایجاد کرد بنابراین اولین مدرسه دخترانه در سال ۱۲۱۷ ش برابر با ۱۸۴۰ میلادی گشایش یافت.

مدرسه برای مسلمانان

هیأت مذهبی پروتستان‌ها که کم‌کم هدف‌های خود را در زمینه‌های مذهبی دنبال می‌کردند هدف‌های دیگری را نیز در نظر داشتند و به همین علت هم در سال ۱۲۱۷ ش برابر با سال ۱۸۴۰ میلادی، دکتر گرانت عضو هیأت مذهبی کلیسای پروتستان در ارومیه مدرسه‌ای برای تعلیم و تربیت کودکان مسلمان ایجاد می‌کند. ایجاد چنین مدرسه‌ای هم تبلیغ برای پروتستان‌ها بود و هم برای امریکا که قصد داشت کم‌کم در سراسر جهان شناخته شود فعالیت این مدارس که تا سال ۱۲۷۵ ش (۱۳۱۳ ق) تاریخ مرگ ناصرالدین‌شاه به ۱۱۷ باب رسیده بود ۲۴۱۰ کودک را تعلیم می‌دادند. در حقیقت امریکایی‌های پروتستان که نماینده دولت امریکا بودند در دستی دین را داشتند و در دستی دیگر سیاست را. آنان در ۹۸ سال فعالیت

آموزشی خود کوشش داشتند که رفتار مناسبی با سایر ادیان و مذاهب داشته باشند چنانکه در سال ۱۲۸۵ ش امریکایی‌های پروتستان مدرسه‌ای مختلط ایجاد کردند به نام معرفت که در آن مسلمانان، یهودیان و مسیحیان با هم تحصیل می‌کردند پروتستان‌ها در سال ۱۳۱۲ ش فعالیتشان پایان یافت و مدارس آنان زیر نظر ایرانیان و با برنامه‌های معارف به کار خود ادامه داد.

پروتستان‌های امریکایی برنامه آموزشی و تبلیغی خود را در شهرهای ارومیه، تبریز و تهران گسترش دادند. در تبریز علاوه بر مدرسه مموریال (۱۸۸۴ م) که کودکان مسلمان نیز در آن درس می‌خواندند مدرسه انات دختران را در سال ۱۸۷۴ میلادی ایجاد کردند.

در سال ۱۸۷۵ - ۱۲۵۳ ش مدرسه دخترانه امریکایی در تهران آغاز به کار کرد. این مدرسه که تا سال ۱۳۱۹ ش فعال بود با نام‌های منوچهری و رضا شاه کبیر به فعالیت خود ادامه داد و سال‌های زیادی از دبیرستان‌های معتبر تهران بود.

امریکایی‌ها فعالیت فرهنگی، آموزشی و شاید هم سیاسی خود را با عنوان هیأت مذهبی پروتستان فقط در ارومیه، تبریز، همدان و تهران گسترش می‌دادند ولی در اصفهان که در جلفایش آرامنه مسیحی زندگی می‌کردند و همچنین روستاهای فریدن و چهارمحال بختیاری هیچگونه فعالیتی نداشتند. افزون بر این دو مدرسه پسرانه و دخترانه در سال‌های (۱۹۰۲ - ۱۲۸۱ ش) و (۱۹۰۰ - ۱۲۷۹) در رشت دایر کردند همدان نیز از شهرهایی بود که امریکایی‌ها اقدام به تأسیس یک مدرسه دخترانه و پسرانه کردند این مدرسه‌ها در سال ۱۳۰۶ و به دستور وزارت معارف تعطیل می‌شوند در اسناد شماره ۵۶/۳ - ۵۴/۴، ۵۶/۵ - ۵۶/۶ سخن از نگرانی مستر فیشر رئیس مدرسه و بویس و همچنین اعتراض دانش‌آموزان دیده می‌شود در این اسناد اشاره‌ای هم به مدرسه بهایی‌ها شده است که در سند شماره ۵۶/۶ آمده است برای اینکه بهتر به اصل قضیه پی‌بریم بهتر است فقط چند سطر از سند شماره ۵۶/۶ خوانده شود:

«تا سه سال عموم اطفال کلیمی و بهائی به این مدرسه می‌رفتند: پس از آن بهایی‌ها ملتفت شده اطفال آن‌ها که در مدرسه آلیانس تحصیل کردند عقیده سخیف و مجهول پدران جاهل و غیر عالم خود را ترک کرده دیگر متابعت آن‌ها را



نمی‌کردند مدتی در صدد تهدید آن‌ها برآمدند نتیجه نداد. چون که نه تنها متابعت نمی‌کردند بلکه شروع به مسخره و تنقید مذهب من درآوردی نموده، گذشته از این والدین مبلغین و غیره علناً تنقید کردند. والدین و مبلغین، تدبیری که به نظرشان رسید این بود که مدرسه‌ای باز کنند تا اطفالشان به مدرسه آلیانس نروند فوراً مدرسه‌ای به اسم مدرسه تأیید برای اطفال ذکور و مدرسه‌ای به اسم موهبت برای بنات با همان پول‌هایی که سالی مبالغی به عکا و حالیه به حیفا می‌فرستند تأسیس کردند و تمام اطفال بهایی آن‌جا رفتند و چون آن‌جا اغلب این‌ها کلیمی بودند و بهایی شدند برای این‌که مدرسه روزهای شنبه و اعیاد یهود عمداً باز باشد و مورد ایراد نباشد روزهای جمعه بسته و شنبه باز کردند. معلمین او کجا و کی بوده؟ تحقیق فرمایند تا چند ماه قبل که وزارت معارف پیشنهاد شرعیات را در مدرسه نمود این پیشنهاد را فوض^۱ عظیمی دانستند استقبال کردند چنانکه در اصل مذهب این‌ها تقیه مباح است در این خصوص که به طریق اولی. منتهی امریکایی‌ها گفتند نمی‌کنیم برای اینکه دروغ نمی‌گویند این‌ها می‌گویند می‌کنیم اما نمی‌کنند^۱.

سند شماره ۵۶/۳

به تاریخ: ۲۸ آذرماه ۱۳۰۶

مقام محترم حکومت جلیله همدان و مضافات دامت شوکته

چنانکه خاطر مبارک مسبوق است در نتیجه‌ی مناقشات و سوءتفاهم بین وزارت جلیله معارف و اوقاف، و مدارس آمریکایی، مدرسه ذکور و اناث تعطیل، متجاوز از چهارصد نفر اولاد با [این] که هر یک از یک الی شش هفت سال عمر گرانبهای خود را در آن مدرسه صرف و اغلب آن‌ها ترقیات و پیشرفت‌های قابل

۱. فوز

۲. اصطلاح یهود بهایی:

وقتی که فلسطینی‌ها از فروش زمین‌های خود به اسرائیلی‌ها (یهودیان) سرباز زدند. برخی از یهودیان ایران به آیین بهایی درآمدند در حالی که هیچ باوری به آیین بهایی نداشتند و پس از آن توانستند به عنوان مسلمان حقیقی (اصطلاحی که بهایی‌ها برای پنهان‌کاری دینشان به کار می‌بردند) باز هم از اعراب زمین بخرند این یهودهای بهایی شده. با عنوان جهود بهایی شناخته شده‌اند. (نگارنده)

تمجیدی داشته و عده [ای] که بایستی در بهار آینده فارغ التحصیل شوند توی کوچه و بازار متواری و بی کار، معلوم است در نتیجه بی کاری اخلاق آنها فاسد و چه بدبختی هایی را دچار خواهند شد. به علاوه از محسنات و حسن اخلاق و امتیازات دیگری که این مدرسه دارا است از حیث نظم و ترتیب و همه چیز که بر افراد ایرانیان به خوبی معلوم و قابل انکار نیست از آن جهت اولاد عزیز خود را آنجا فرستادیم. آیا ممکن است بعد از چند سال زحمت و تحصیل در یک رشته و زبان آن را ترک کرده رشته دیگری را در جلو گرفت و کجا؟ لذا از حضور محترم به نام سعادت اطفال بی گناه درخواست می نمایم عرایض ما را به مقامات مربوطه ابلاغ، استدعای ادامه مدرسه را نموده به بیکاری و ولگردی چهارصد نفر اطفال خاتمه داده که بیش از این بر بیکارها و ولگردهای مملکت افزوده نشود. مزید تشکر ما اولیای اطفال و دعاگویی شش هزار محصل درجه اول این مملکت خواهد بود. [مهر و امضای شانزده نفر از اولیای دانش آموزان مدرسه آمریکایی همدان]

سند شماره ۵۶/۴

به تاریخ: ۲۲ ماه دسامبر [۱۹۲۷]

با حضور محترم حضرت اشرف آقای آقا سید محمد تدین وزیر معارف دام اجلاله العالی با کمال احترام خاطر مبارک را مستحضر می دارد: مستر فیشر رئیس مدرسه آمریکایی همدان از بنده درخواست نموده است که تلگراف ذیل را تقدیم حضور مبارک نمایم:

وزارت معارف - تهران

«حکم تعطیل مدرسه آمریکایی واصل امروز، اطاعت می شود. متأسفیم که از اخراج شاگردان مسلمان سوء تفاهمی روی داده است. مقصود ما لطمه به حیثیات معارف نبوده است. فقط سعی می کردیم مطابق پروگرام رسمی رفتار شود. بنابر تشریح معروضه استدعا می نمایم که حکم مذکور را ملغی فرمایید. مراتب را مشروحاً توسط مراسله معروض خواهد داشت. فیشر»



در تلگرافی که مستر فیشر به خود بنده نموده است مستدعی است که حضرت اشرف جواب را مستقیماً به خود ایشان در همدان ارسال دارید. بنده نیز مفتخرم که چنانچه امر فرمایید جواب را به ایشان برسانم. موقع را مغتنم شمرده احترامات فائهام را تقدیم می‌دارم.

[امضا: بویس]

سند شماره ۵۶/۵

[تاریخ: ۲ دی ماه ۱۳۰۶]

کپیه: ساحت مقدس درالشورای ملی، آقای رئیس‌الوزرا، آقای

ظهیرالاسلام

حضور مبارک بندگان حضرت مستطاب اجل اکرم افخم آقای تیمورتاش دامت شوکتہ مدت زمانی است در اثر عناد کارکنان وزارت جلیله معارف باب تحصیل به روی زیاده از پانصد نفر دختران و جوانان محصلین در همدان و بیش از پنج هزار نفر در سایر بلاد ایران بسته [و] مدرسه آمریکایی مسدود مانده است. بدون ترحم بر احوال اینان که هر یک در قسمت خود با صرف جان و مال و مخارج فوق‌الطاقه اغلب والدین فقیر این بیچارگان تحمل نموده به انتظار چندین سال از عمر تا به مقامی نایل شده‌ایم که اغلب در کلاس‌های نه و ده تدریس می‌نماییم، حال که موقع اخذ نتیجه رسیده است به اغراض مغرضین مواجه، ویلان و سرگردان کوچه و خیابان نه قوه مسافرت به خارج را داریم و نه به دل مانع به جای آن. کارکنان وزارت جلیله معارف، به فرض آنکه محصلین در آنجا مبادا خدای نخواستہ با دیدن انجیل، مسیحی شوند غافل از آنکه همین محصلین در صورت دوام تعطیل مدارس آمریکایی عموماً به مدارس «موهبت» و «تأئید» کارخانه بهایی سازی بهائیان وارد، داخل مراکز و مؤسسه تبلیغ امر بهایی با هزاران هلله و شادمان پذیرفته شده‌اند.

برای چه؟ برای آنکه پس از مدت زمانی هشتاد درصد همین جوانان مبلغین بهایی خواهند شد. حال اینکه در همه مدت پنجاه سال پنج نفر مسلمان مسیحی نشده است و نخواهد شد، نتیجه به عکس داده کارکنان وزارت جلیله معارف از

یک تیر دو نشان کرده اولاً ترویج و ارتقای امر بهائیت داده ثانیاً [باعث] قطع دو میلیون^۱ تومان از دولت سرشار آمریکایی‌ها که از این ممر به چندین هزار نفر فقیر [و] مستمند ایرانی اعانت [داده] در هر سالی صدها جوانان تحصیل کرده بیرون می‌دهد، می‌شود آفرین بر این اقدامات. چشمش را هم کور کرد. ای وای که به نشد و بدتر شد. بنابراین ما محصلین آن مدرسه در همدان حضرتت را به نام مقدسین قسم می‌دهیم مسأله را با یک دقت نظر، صلاح‌اندیشی فرمایید. این اقدام در مقابل کدامین خدمات انکارناپذیر میسیون مدارس آمریکایی بوده است؟ تلافی ایجاد چندین [نفر] از هزار نفرات فارغ‌التحصیل از آن مدارس که در ظرف این مدت پنجاه سال هر یک به مقامات و معلومات عالی نایل با یک حسن اخلاق و نیت پاک خدمت به ملک و ملت را ذمه‌دار بر عهده خود وظیفه دارند؟ با این حال چگونه به اغراض مواجه شوند؟ در عین احوال و سایل سعادت هزاران نونهالان موجوده و آیندگان بعد دچار بدبختی و سیه‌روزماری زمان حتمی است. ما این ظلم را از دایگان مهربان‌تر از مادر دیده، غرض و تأیید و مساعدت به مدارس بهائیان خواهیم شناخت.

عده [ای] از شاگردان مدرسه آمریکایی همدان

سند شماره ۵۶/۶

[تاریخ:] ۵ دی ماه ۱۳۰۶

کپی: ساحت مقدس دارالشورای ملی، آقای رئیس الوزرا، آقای

حاجی ظهیرالاسلام

حضور مبارک بندگان حضرت مستطاب اجل اکرم افخم آقای تیمورتاش دامت شوکت در تعقیب عریضه سه روز قبل راجع به تعطیل مدارس آمریکایی همدان، جمله [ای] در خصوص مدرسه بهائی‌ها عرض شده بود. برای اثبات عرایض خودمان که تصور بر غرض‌رانی و تهمت یا القای شبهه نباشد، این است تاریخچه [ای] از تأسیس مدرسه مزبور که به عرض می‌رسانم و حضرت مستطاب



عالی را به مقدسین عالم قسم می‌دهم تحقیق فرمایند این طور است یا خیر و در صورت صحت آیا به طوری که در عریضه قبل عرض شد این اقدام غیر ترویج بهائیت و تقویت مدرسه تأیید نتیجه خواهد داشت؟ و آن اینکه از بیست [و] پنج سال قبل که مدرسه آلیانس در همدان باز شد تا سه سال عموم اطفال کلیمی و بهایی به آن مدرسه رفته پس از آن بهائی‌ها ملتفت شده اطفال آن‌ها که در مدرسه آلیانس تحصیل کردند عقیده سخیف و مجهول پدران جاهل و غیر عالم خود را ترک کرده دیگر متابعت آن‌ها را نمی‌کردند مدتی در صدد تهدید آن‌ها برآمدند نتیجه نداد. چون که نه تنها متابعت نمی‌کردند بلکه شروع به مسخره و تنقید مذهب «من درآوردی» نموده گذشته از والدین مبلغین^۱ و غیره علناً تنقید کردند. والدین و مبلغین تدبیری که به نظرشان رسید، این که مدرسه‌ای باز کنند که دیگر اطفالشان^۲ به مدرسه آلیانس نروند فوراً مدرسه به اسم «مدرسه تأیید» برای اطفال ذکور و مدرسه‌ای به اسم «موهبت» برای بنات با همان پول‌هایی که سالی مبالغی به عکا و حالیه به حیفا می‌فرستند تأسیس، تمام اطفال بهائی آن‌جا رفتند و چون آن‌جا اغلب این‌ها کلیمی بودند و بهایی شدند برای این که مدرسه روزهای شنبه و اعیاد یهود عمداً باز باشد و مورد ایراد نباشد روزهای جمعه بسته و شنبه باز کردند. معلمین از کجا و کی بوده؟ تحقیق فرمایید تا چند ماه قبل که وزارت معارف پیشنهاد تدریس شرعیات را در مدرسه نمود این پیشنهاد را فوز^۳ عظیمی دانستند استقبال کردند چنانکه در اصل مذهب این‌ها تقیه مباح است در این خصوص که به طریق اولی. منتها امریکایی‌ها گفتند نمی‌کنیم برای اینکه دروغ نمی‌گویند این‌ها می‌گویند می‌کنیم اما نمی‌کنند کی می‌پرسد؟ مدرسه‌ای که برای تبلیغ و پروپاگاندا بهائیت علناً تأسیس شده و برای چه تأسیس شده؟ مسئول کیست؟ معلمین که؟ پول از کجا؟ اما برای مدارس آمریکایی که پنجاه سال است در ایران تأسیس شده بیش از یکصد میلیون تومان تا به حال خرج کرده‌اند و آنچه تحصیل کرده، تربیت شده، با اخلاق،

۱. در اصل: مبلغین.

۲. در اصل: اطفالشان.

۳. در اصل: فوض.

وطن دوست، امین، درست با عاطفه و هر چه داریم از این‌ها است. برای اغراض شخصی عده [ای] قربانی و مدرسه تأیید لاترقی و بهائیت را ترویج دهند. این است اسلامیت ما؟ این است وطن پرستی؟ این است نوع دوستی؟ آقای مدیر روزنامه تجدد می نویسد: «این دو هزار نفر بی پدر و مادر نیستند مگر شهریه نمی دهند؟ در عین حال اعتراف دارند که در تهران مدرسه خیلی زیاد نیست، اگر در تهران نیست آقای مدیر هیچ فکر نمی کنند که در شهرهای دیگر هیچ نیست پس غیر از ویلانی و کوچه گردی و ... کجا بروند پیش کدام باجی ملا؟ یا ملا مکتبی؟ هستند که از شش الی ده سال در مدرسه آمریکایی با این نظم و ترتیب تحصیل کرده بار دیگر به مکتب خانه کدام سر کوچه بروند؟ غیر اینکه به مدرسه «تأیید؟» باز هم به قرآن مجید قسم می دهیم با نظر دقت این عریضه را خوانده تحقیقات خارج نموده بیش از این راضی به بدبختی ما محصلین مدرسه آمریکایی نباشید.

عده [ای] از شاگردان مدرسه آمریکایی همدان

مدرسه ژاندارک

به نوشته هما ناطق مدرسه‌ای بود که زبان فرانسه را در آن خوب یاد می گرفتند به طوری که می توانستند تکلم کنند بدیهی است فرانسوی‌ها قصدشان ترویج فرهنگ فرانسه و ایجاد رابطه اقتصادی و سیاسی با ایران بود. / ص ۱۱۲. مدرسه ترسایان.

در سال ۱۲۶۵ ش را زاریست‌های فرانسوی مدرسه‌ای با عنوان سن ژوزف در تهران تأسیس کردند برابر آمار سال ۱۳۰۶ ش وزارت معارف، مدرسه در آن سال ۳۰۵ دانش آموز و ۳۳ آموزگار داشت و ۶۵ نفر از دانش آموزان رایگان درس می خواندند در این مدرسه به دو زبان فارسی و فرانسه تدریس می شد در سال ۱۳۱۲، این مدرسه با نام منوچهری به کار خود ادامه داد بر طبق اطلاعات مندرج در کارنامه زنان مشهور ایران این مدرسه در سال ۱۳۳۲ ش بنا بر تقاضای خواهران فرانسوی به صورت دبستان و دبیرستان کامل با مدیریت خانم بدرالملوک مصفا و با نام ژاندارک در تهران فعال شد.

دایره المعارف با اندکی تغییر



دبیرستان ژاندارک برابر احصائیه ۱۳۱۵ ش ، ۵ کلاس و ۷۲ دانش آموز داشته و در سال ۱۳۱۶ ش با ۸۹ شاگرد فعال بوده است.

دبستان ژاندارک ۱۷۰ شاگرد در سال ۱۳۱۶ ش و ۱۰ شاگرد در سال ۱۳۱۵ ش با یک کلاس، از شاگردان این مدرسه می توان مهرانگیز منوچهریان اولین زن سناتور ایرانی را نام برد. دیگری: فخر عظمی ارغون که روزنامه نگار - شاعر و مهری آهی را نام برد. برابر اسناد شماره ۴۸ - ۴۸/۱ - ۴۸/۲ - ۴۸/۳ - ۴۸/۴ - ۴۸/۵ - ۴۸/۶ - می توان به چگونگی تدریس زبان فارسی و برنامه ی آن در سال ۱۳۰۴ پی برد.

سند شماره ۴۸

گزارشی از وضع نامطلوب تدریس زبان فارسی در مدرسه ژاندارک

اداره محترمه تفتیش کل

تدریس زبان فارسی کاملاً در مدرسه ژاندارک از سنه ماضیه معمول و مجری شده است و در امتحانات محصلات مدرسه ژاندارک که با سایر محصلات انجام داده اند از ۱۲ نفر داوطلب ده نفر پذیرفته شده اند. مع ذلک مقرر فرمایید مفتشه مخصوص به مدرسه رفته و تحقیقات لازم در موضوع فوق نموده، راپورت بدهد.

۱۴ آبان ۱۳۰۴

سند شماره ۴۸/۱

تاریخ: ۱۶ آبان ماه ۱۳۰۴

مقام رفیع وزارت جلیله معارف دامت شوکته

از آنجایی که تعلیم و تربیت عموم اطفال ایرانیان خاصه تدریس و ترویج زبان فارسی در کلیه مدارس موجود در مملکت ایران از وظایف و فریضه حتمی آن وزارت جلیله است و چون اولیای محترم دولت و مجلس شورای ملی نیز تصمیم تعلیم و تدریس اجباری موادی را [در] نظر گرفته اند، لازم آمد به استحضار خاطر محترم اولیای آن وزارت جلیله برسانم که عده [ای] از بنات ملل متنوعه، رعایای دولت علیه در مدرسه اناثیه موسوم به ژاندارک (Jeanne d'ark) که به مدیریت

دختران فرنگی تارک دنیا اداره می‌شود مشغول تحصیل هستند. فقط زبان فرانسه و زبان نژادی آنان تدریس می‌شود. دیگر زبان فارسی که زبان مملکت و تحصیل آن برای هر فردی واجب و لازم است بلکه اجباری است تدریس نمی‌شود و آنان را از این فیض محروم داشته‌اند. نظر به اینکه آن وزارت جلیله موظف به رفع و برطرف ساختن این قبیل نواقص معارفی است مقتضی است سریعاً اقدام به این امر فرموده به هر طریقی که صلاحدید است مدیره آن مؤسسه را قانع و مجبور فرموده که بالتساوی کلیه اطفال ایرانی [را] بدون فرق نژادی و ملیت به تحصیل زبان فارسی وادار بنماید که آن بیچارگان هم از این فیض و نعمت سهم باشند نه محروم.

[امضا: ناخوانا]

سند شماره ۴۸/۲

وزارت معارف و اوقاف و صنایع مستظرفه

[تاریخ: ۱۸ آبان ۱۳۰۴]

حسب الامر ۳ ساعت قبل از ظهر یوم مزبور به مدرسه ژاندارک برای تفتیش، حضور به هم رسانیده راجع به تحصیل زبان فارسی تحقیق شد. باسر (= خواهر) آیلشن که یکی از متعلمات مدرسه مزبوره است چنین اظهار داشت چون اعضای این مدرسه فرانسوی می‌باشند تمام روز از صبح تا ظهر زبان فرانسه تحصیل می‌شود. هیچ یک از متعلمات برای تحصیل زبان فارسی مجبور نیستند فقط متعلماتی که مایلند زبان امی خود را ترقی دهند تحصیل می‌نمایند آن هم بعدازظهر: مسلمان‌ها زبان فارسی، ارامنه زبان ارامنه [و] روس‌ها زبان روسی. چون معلمه زبان روسی در این مدرسه ندارند بعدازظهر اشخاصی که مایلند تحصیل نمایند به مدرسه [ای] که جزو همین مدرسه است واقع در خیابان ارامنه است می‌روند.

[امضا: حورا شفانی]



سند شماره ۴۸/۳

[شیر و خورشید]

وزارت معارف و اوقاف و صنایع مستظرفه

تاریخ پاک‌نویس: ۴ آذر

نمره‌ی عمومی: ۶۲۴۷

آقای رئیس محترم مدرسه سن‌لوئی - ژاندارک

به طوری که راپورت رسیده است در مدرسه ژاندارک توجه کامل به تدریس زبان فارسی نمی‌شود در صورتی که زبان فارسی بایستی برای کلیه متعلمات اجباری باشد. لازم است مقرر دارید همان طوری که در مدرسه سن‌لوئی و سایر مدارس تدریس زبان فارسی معمول و مجری است در مدرسه ژاندارک هم معمول دارند.

(امضای پیش‌نویس: ناخوانا)

پروگرام کلاس سوم مدرسه ژاندارک

	قبل از ظهر					بعد از ظهر				
	روز	ساعت	موضوع	روز	ساعت	روز	ساعت	موضوع	روز	ساعت
شنبه	دیکته	۳۰ دقیقه	شریعت	یک ساعت و ربع	فارسی	یک ساعت و نیم	تعلیم خط	یک ساعت و ربع		
یکشنبه	دیکته	۳۰ دقیقه	حساب	یک ساعت و ربع	فارسی	یک ساعت و نیم	علم الاشیاء	یک ساعت و ربع		
دو شنبه	دیکته	۳۰ دقیقه	حساب	یک ساعت و ربع	فارسی	یک ساعت و نیم	تاریخ	یک ساعت و ربع		
سه شنبه	دیکته	۳۰ دقیقه	حساب	یک ساعت و ربع	فارسی	یک ساعت و نیم	خیاطی	یک ساعت و ربع		
چهارشنبه	دیکته	۳۰ دقیقه	حساب	یک ساعت و ربع	فارسی	یک ساعت و نیم	جغرافیا	یک ساعت و ربع		
پنجشنبه	دیکته	۳۰ دقیقه	حساب	یک ساعت و ربع	فارسی	یک ساعت و نیم	جغرافیا	یک ساعت و ربع		
جمعه	دیکته	۳۰ دقیقه	حساب	یک ساعت و ربع	فارسی	یک ساعت و نیم	جغرافیا	یک ساعت و ربع		
ایام هفته	زنگ (۱)	کار	زنگ (۲)	ساعت کار	زنگ (۳)	ساعت کار	زنگ (۴)	ساعت کار		

دروس کلاس سوم - کتاب سوم ابتدایی وزارت جلیله معارف. مجموعاً ۲۵

ساعت در هفته. [مهر:] مدرسه ژاندارک

صورت کتب کلاس ششم ابتدایی

فرائد: میرزا عبدالعظیم خان

هندسه: میرزا سیدباقرخان

حساب مظفری: مترجم همایون

دستور: میرزا عبدالعظیم خان

معرفه الاشیاء: دکتر غلامرضاخان شیخ

تاریخ ایران سال ششم: از طرف وزارت معارف

جغرافی پنج قطعه عالم: از طرف وزارت معارف

[مهر] مدرسه ژاندارک

۴- حضور و غیاب و تعویق ورود مدیر و معلم در ماه: منظم است.

۵- الف) مراقبت و جدیت مدیر: خوب است.

ب) مراقبت و جدیت معلمین و طرز تدریس هر یک: خوب است.

۶- تغییراتی که در پرسنل مدارس در ظرف ماه به عمل آمده: —

۷- تغییراتی که در جدول ساعات دروس به عمل آمده: —



سند شماره ۷۶

[شیر و خورشید]

آمار شاگردان و وضع عمومی مدرسه ژاندارک

وزارت معارف و اوقاف و صنایع مستظرفه

اداره تفتیش - راپورت هفتگی

نمره دوسیه: ۴۰۹

تاریخ: ۱۳۱۱/۲/۴ شمسی

اسم مدیر: مسیوماری

اسم و آدرس مدرسه: ژاندارک

۱- احصائیه

مجانای	غائب	عده شاگرد
دولتی	کلاً ۲۱	اتاق تهیه
ندارد		اول ۱۵
۱	-	دوم ۳۵
ندارد	-	سوم ۲۵
۱	-	چهارم ۳۵
ندارد	-	پنجم ۱۷
ندارد	-	ششم ۱۷
۲	-	هفتم ۱۶
۲	-	هشتم ۱۳
۷	-	نهم ۲۵
۳	-	دهم ۱۰
۲	-	یازدهم ۸
	-	کلاس خصوصی فرانسه ۷۰

مجموع عده: ۴۷۹ کلاً ۱۹

ایرانی: ۲۹۰ نفر

مسیحی: ۱۸۹ نفر

۲- حفظ‌الصحه عمومی شاگردان - نظافت مدرسه: کلاس‌ها خوب ولی حیاط و پل‌ها کاملاً پاک نبود.

۳- عده مرضی (اخراج شده و آن‌ها که تحت معالجه هستند، معالجه شده) یک نفر حصبه‌ای دارند.

۴- حضور و غیاب و تعویق ورود مدیر و معلم در ماه

۵- الف: مراقبت و جدیت مدیر: خوب است مخصوصاً برای کلاس‌های فرانسه.

ب: مراقبت و جدیت معلمین و طرز تدریس هر یک: معلمات فرانسه کلاس‌های اول و دوم و سوم فرانسه و چهارم فارسی را دیدم خوب بودند ولی کلاس چهارم فرانسه چندان خوب نبود.

۶- تغییراتی که در پرسنل مدارس در ظرف ماه به عمل آمده: تغییرات ندارد.

۷- تغییراتی که در جدول ساعات دروس به عمل آمده: مطابق پروگرام است. احصائیه معلمات و ساعات تدریشان را در یک ماه قبل توسط خانم مطمئنه ارسال داشته‌اند. به این جهت مجدداً گرفته نشد و تغییری هم داده نشده است. به تمام کلاس‌ها سرکشی شد. قبل از ظهر غیر از کلاس‌های اول، دوم، سوم و چهارم تمام فرانسه تدریس می‌کنند و کلاس‌های ابتدایی فرانسه هم در قسمت آرامنه دیدم. بعضی‌ها خوب و بیشتر امتحانات متوسط بود.

۸- نظریات عمومی و دستورهایی که داده می‌شود: در کلاس‌های فرانسه امتحانات شد. جملات خیلی کوتاه فارسی به فرانسه را فقط می‌شد ترجمه کنند و این ترتیب یک غلط عمومی است که فرانسه یا زبان دیگر خارجی را مطابق فارسی ترجمه می‌کنند و رعایت قواعد دستوری نمی‌شود و این عیب در مدرسه ژاندارک هم هست. تذکر به مدیره دادم و خودش نیز معتقد بود و به معلمات دستورات داده شد. علت عمده این است که تمام معلمات فرانسوی را (بلد) نیستند و فرانسوی‌ها هم فارسی نمی‌دانند تا پی به علت ببرند و یا ترجمه فرانسه به فارسی خوب بفهمند. در کلاس مختص به آرامنه چون معلم ارمنی است فرانسه را به ارمنی



می فهماند. مدیره این قسمت را دقت داده به فارسی بفهماند و البته بهتر است که در عین حال فارسی را هم درست یاد بگیرند. به مدیره تذکر دادم که معلمه آن‌ها را از معلمات ایرانی فرانسه‌دان قرار دهند تا رفع این نقص بشود. مدیره اظهار نمود از طرف وزارت معارف امر شده است کلاس‌های ابتدایی فارسی فقط یک ساعت اول صبح فرانسه بخوانند و دو زنگ دیگر یا ساعات بعدازظهر فارسی بخوانند و این ترتیب خیلی به تحصیل محصولات ایرانی در یاد گرفتن فرانسه لطمه وارد می‌کند و آن‌ها در صورتی که به مراتب باهوش و کارکن تر از ارامنه هستند، همیشه از فرانسه عقب‌اند و در مدت سه سال متوسطه وقت کافی برای تکمیل زبان فرانسه ندارند و به این جهت مجبورند بعد از اتمام کلاس یازده باز هم تحصیل فرانسه بکنند. بنابراین تقاضا دارند اجازه داده شود تمام کلاس‌ها، مطابق پروگرام، فرانسه را قبل از ظهر و فارسی را بعدازظهر تحصیل کنند. البته با ترتیب فوق‌الذکر ممکن نیست پروگرام وزارت معارف را کاملاً مجری داشت ولی ممکن است روزی دو ساعت فارسی [بعدازظهر و یک ساعت قبل از ظهر تدریس بشود و روزی دو ساعت هم فرانسه داشته باشند].

[امضا: ناخوانا]

دستور

- مراتب ذیل را باید مفتشین و مفتشات در موقع تفتیش در نظر گرفته و خلاصه اطلاعات نسبت به هر یک را در راپورت بنویسند:
- ۱- اوضاع مادی مدرسه: اثاثیه، لوازم‌التدریس، نقشه، کره، حیاط، نور، نظافت، مستراح، بخاری.
 - ۲- انتظامات مدرسه: کلاس‌بندی شاگردان، ساعات دروس، تقسیم دروس نظامنامه‌های مدرسه.

سند شماره ۴۸/۶

اسامی معلمان کلاس‌های فارسی مدرسه ژاندارک

سوم ابتدایی، کلاس اول	۲۵ ساعت	البرز	قدرت خانم
کلاس ابتدایی، کلاس اول	۱۵ ساعت	شیرزاده	مریم خانم
کلاس دوم	۲۵ ساعت	هراتی	عفت خانم
کلاس سوم	۲۵ ساعت	افسری	فخری خانم
کلاس چهارم	۲۵ ساعت	اسکندری	شاهزاده ملوک
کلاس پنجم	۱۵ ساعت	منوچهریان	مهرانگیز خانم
کلاس ششم	۱۵ ساعت	عبیدی	اشرف خانم
کلاس هفتم	۱۵ ساعت	منوچهریان	زرین تاج خانم
کلاس هشتم، نهم، یازدهم	۳ ۱۱ - ۴ ساعت	راد	صغری خانم
کلاس هشتم، نهم	۵ ساعت و نیم	کامیاب تهرانی	فرح‌انگیز خانم
کلاس هشتم، نهم	۸ ساعت	ممقانی	ربابه خانم
کلاس یازدهم	۵ ساعت	احتشامی	بتول همایون
کلاس دهم، یازدهم	۱۷ ساعت	مشیری	عذرا خانم
کلاس هشتم، نهم، دهم	۸ ساعت	خراسانی فرجاد	آقای فاضل
کلاس یازدهم	۳ ساعت	خراسانی فرجاد	آقای گیتابادی
کلاس هشتم، نهم	۳ ساعت	همایون	افتخارالملوک
کلاس دوم، سوم، چهارم پنجم، ششم، هفتم	۶ ساعت	مرعی	عزت خانم

[مهره:] مدرسه ژاندارک



سند شماره ۷۶/۲

[شیر و خورشید]

وزارت معارف و اوقاف و صنایع مستظرفه

اداره تفتیش - راپورت هفتگی تاریخ: ۲۱ دی ماه ۱۳۱۱

اسم و آدرس مدرسه: ژاندارک نمره: ۱۳۲۳

ورود: در ساعت نه‌ونیم صبح تا یازده‌ونیم اسم مدیر مدرسه: کلمبان

خروج: عصر ساعت ۴ بعدازظهر

۱- احصائیه

مجانمی	عده شاگرد	فارسی	عده شاگرد	(پایه تحصیلی)
۲	۱۷	هفتم (فارسی)	۲۰	اول (فرانسه)
۲	۱۵	هشتم	۱۴	دوم
۴	۱۹	نهم	۱۰	سوم
۵	۲۱	دهم	-	چهارم
۴	۷	یازدهم	-	پنجم
-	-	دوازدهم	۲۱۶ در هفت کلاس برای تصدیق حاضر می شوند.	ششم
۱۷	۷۹		۲۶۰ کل عده است.	

مجموعه عده غایب: تقریباً ۲۱.

۲- حفظ الصحه عمومی شاگردان، نظافت مدرسه: خوب.

۳- عده مرضی اخراج شده و آنها که تحت معالجه هستند [و] معالجه شده:

مریض سخت و تحت معالجه ندارد بعضی موقتاً گریپ دارند.

تبرستان
www.tabarestan.info

اصفهان و نقش مدارس بیگانگان

گرچه منطقه جلغا که محل سکونت آرامنه اصفهان است در دوره صفویه شکل گرفته است شهرت مسیحیان این منطقه به ظاهر بیش از آرامنه تبریز و ارومیه می باشد ولی هیأت مذهبی پروتستان های امریکایی در این شهر فعالیت را آغاز نکردند اما فرانسوی ها که به کلیسای کاتولیک دل بسته اند، دو مدرسه پسران و دختران در سال ۱۸۷۵ تأسیس کردند مدرسه دخترانه فرانسوی ها مانند پسرانه بود. انگلیسی ها نیز دو مدرسه ایجاد کردند. پسرانه بروس مموریال (۱۸۷۵) که بانی آن دکتر بروس عضو جمعیت پروتستان های انگلیس بود و مدرسه دخترانه ی میسیون های پروتستان انگلیس، مدرسه دخترانه پروتستان ها در سال (۱۲۹۸ ش - ۱۹۱۹ میلادی) به دولت ایران واگذار شد و به دبیرستان بهشت آیین تغییر نام داد.

مدرسه دخترانه کاتولیک ها

کاتولیک های فرانسه در سال (۱۲۸۳ ش ۱۹۰۴) مدرسه ای در اصفهان تأسیس کردند که بعدها با نام «رودابه» به فعالیت خود ادامه داد.
در سند شماره ۷۸ و شماره ۷۸/۱ املی نورت آیدین تقاضای یک باب مدرسه ابتدایی و متوسطه اناث را کرده است.

سند شماره ۷۸

درخواست ا.ا.ن. آیدین (مدیره مدرسه دوشیزگان اصفهان) در

مورد صدور امتیاز مدرسه دوشیزگان مرسلین اصفهان

تاریخ: ۷ خرداد ۱۳۱۱

مدرسه دوشیزگان

نمره: ۳۹

اصفهان

مقام منبع وزارت جلیله معارف و اوقاف دامت شوکته

با کمال احترام خاطر مبارک را مستحضر می‌دارد که نوشتجات و اسناد لازمه و درخواست راجع به امتیاز مدرسه دوشیزگان مرسلین اصفهان (بهشت آیین) را تقدیم داشته و استدعا می‌کنم که امر فرمایید امتیاز مدرسه دوشیزگان مرسلین اصفهان (بهشت آیین) را به اسم یک موسسه که دارای شش کلاس ابتدایی و دو دوره کامل متوسطه، سیکل اول و دوم تا کلاس یازده صادر نمایند و به موجب همین ورقه تعهد می‌نمایم که پروگرام و نظامات و قوانین وزارت جلیله معارف ایران را راجع به مدارس خارجی متحدالمال نمره ۳۶۶۳ صادره از مقام وزارت جلیله را اطاعت نموده و مدلول آن را اجرا نمایم.

با تجدید احترامات فائقه

[امضا: ا.ن. آیدین]

مدیره مدرسه دوشیزگان اصفهان

سند شماره ۷۸/۱

اینجانب املی نورت آیدین امضا کننده ذیل قصد دارم یک باب مدرسه ابتدایی و متوسطه اناث در حدود تحصیلات ۶ ساله ابتدایی و دوره اول و دوم متوسطه به نام دوشیزگان (بهشت آیین) در شهر اصفهان تأسیس نمایم.

برای اثبات شرایط مقرر در ماده ۱۰ قانون اساسی معارف مدارک منظمه را تقدیم داشته ضمناً ملتزم و متعهد می‌شوم که مدلول مواد ۱۰، ۱۲، ۱۴، ۱۷، ۲۸، قانون مذکور را کاملاً متابعت کرده و پروگرام رسمی وزارت معارف را اجرا دارم.

به تاریخ ۲۰ تیرماه شمس ۱۳۱۲

[امضا: ا.ن. آیدین]

۱. باید تعیین نمود: مدرسه ابتدایی است یا متوسطه، ذکور است یا اناث.
۲. باید تعیین شود: در حدود تحصیلات چهار ساله ابتدایی است یا شش ساله ابتدایی، سه ساله دوره اول متوسطه است یا شش ساله متوسطه.
۳. باید معین کرد مدرسه در چه محل تأسیس می‌شود: شهر یا قریه یا دهکده، ایالت یا ولایت یا بلوک.

۴. مدارک لازمه عبارت است از: سجل احوال راجع به سن، تصدیق نامه تحصیلات، تصدیق معاریف راجع به عدم سوء عقیده و اخلاق، تصدیق عدلیه و نظمی راجع به عدم ارتکاب جنحه و جنایت.



تبصره: تقاضا کننده معادل مبلغ دو قران تمبر به این تقاضانامه باید الصاق نماید.

لازاریست‌های فرانسه

اینان هم به ایران آمده ارومیه را انتخاب کردند و کارشان را در روستای خسروآباد آغاز کردند زیرا ساکنان این ده مسیحی کاتولیک بودند، به نوشته هما ناطق در سال ۱۲۵۵ ق که فرمان آزادی فعالیت‌های مذهبی و فرهنگی ترسایان را محمد شاه قاجار صادر کرد بر اساس آن هیأت مذهبی لازاریست‌ها توانسته مدارس متعددی را در روستاهای مسیحی‌نشین ارومیه و سلماس برپا کنند.^۱

مدرسه دختران سن و نسان دوپل

فرانسوی‌های لازاریست توانستند ۷۴ مدرسه و ۲ یتیم‌خانه در ولایت رضائیه برپا کنند و در سال ۱۲۸۰ ق، ۱۸۶۳ م مدرسه دخترانه‌ای ایجاد کردند که در سال ۱۲۸۴ ق ۱۵۰ دانش‌آموز داشته است.

فرانسوی‌ها بر این باور بودند که این مدارس باید بر آموزش مذهبی تأکید زیادی داشته باشند و بهتر است فرهنگ فرانسه را گسترش دهند از این رو آموزش زبان و ادب فرانسه برایشان اهمیت داشت اما گاهی هیئت‌های مذهبی پدرهای روحانی را ناراحت می‌کرد زیرا در بعضی از این مدارس دختران و پسران یهودی، مسلمان، ارمنی‌ها و آشوری‌ها درس می‌خواندند. روحانیون به این فکر افتادند نوآموزان مذاهب دیگر را در کلاس‌های دیگر درس بدهند.

فرانسوی‌ها، در ارومیه، تبریز و تهران مدارس را تأسیس کردند، در تبریز مدرسه دخترانه سن و نسان دوپل (۱۸۶۳ میلادی) و مدرسه سن لویی در تهران که به سال ۱۸۶۲ پسرانه بود.

فرانسوی‌ها بر این باور بودند که هر کس با هر آیینی می‌تواند در این مدارس تحصیل کند و زبان فرانسه را رایگان بیاموزد مدرسه سن ژوزف که در سال (۱۸۸۰ م) به وسیله لازاریست‌های فرانسه ایجاد.

مدرسه انگلیسی‌ها در کرمان مدرسه دوشیزگان اتحادیه^۱

نام قبلی	دوشیزگان انگلیسی
نام‌های بعدی	بانوان، دارالمعلمات، بهمنیار
تاریخ تأسیس	۱۲۸۰ ش. ^۲
تاریخ تغییر نام	
محل مدرسه	ابتدا منزل مرحوم مستوفی واقع در بازار عزیز ^۳ بعد ساختمان مرحوم محمود معمارپور واقع در کوچه قدمگاه بعداً ساختمان دبیرستان پهلوی (سازمان آموزش و پرورش فعلی)
مؤسس	انگلیسی‌ها
اداره مدرسه	مؤسسات انگلیسی و شهریه
امکانات مدرسه	قرائت خانه (کتاب، مجله، روزنامه) - شطرنج - میز تنیس روی میز
نوع مدرسه از نظر جنسیت	دخترانه
شماره وزارتی	۱۵۱۹

انگلیسی‌ها بعد از تأسیس مدرسه پسرانه مرسلین، در مهرماه ۱۲۸۰ ش. مدرسه دخترانه‌ای به نام «دوشیزگان انگلیسی» - و بعدها «دوشیزگان اتحادیه» تأسیس کردند. این مدرسه به صورت مجتمع اداره می‌شد اما در سال ۱۳۱۲ ش. دبستان آن به این دلیل که کودکان زودتر تحت تأثیر تبلیغات مسیحیت کارگزاران مدرسه قرار خواهند گرفت - و این یکی از اهداف انگلیسی‌ها برای تأسیس مدرسه بود - تعطیل شد و فقط دبیرستان آن دایر ماند. تعطیلات هفتگی مدرسه روزهای جمعه و یکشنبه بوده اما مسئولین مدرسه روز جمعه، اغلب شاگردان را به گردش علمی در اطراف کرمان - مثل سیدی و جلال‌آباد - می‌بردند و در آنجا به تعلیم آداب و رسوم و

۱. اطلاعات این بخش از مصاحبه با دانش‌آموزان این مدرسه مثل خانم رفعت شبستری، خانم ایران رشیدفرخی، خانم پوران حکیم‌پور، خانم زهرا ابراهیم پاشا، خانم ربابه محمدجعفری و اسنادی که این بزرگواران در اختیار ما قرار داده‌اند، مثل کارنامه سال تحصیلی ۱۳۱۸ - ۱۳۱۷ خانم رشید فرخی و همچنین از گزارش‌های پایان سال ۱۳۲۰ - ۱۳۱۹ و ۱۳۲۱ - ۱۳۲۰ و گزارش ماهیانه بهمن ماه ۱۳۲۴ تهیه شده.

۲. در بعضی گزارش‌ها سال تأسیس مدرسه ۱۲۹۹ نوشته شده بدون ذکر شمسی یا قمری.

۳. با تعداد سه نفر دانش‌آموز به نام‌های: فاطمه رشید فرخی، فاطمه ناهیدی و خدیجه ناهیدی، مدرسه شروع به کار کرد.



نکات اخلاقی و مسائلی درباره حفظ محیط‌زیست و لطمه نزدن به آن و همچنین جمع‌آوری گیاهان و گل‌ها^۱ می‌پرداختند. روزهای یکشنبه هم بچه‌ها تشویق به رفتن به کلیسا می‌شدند اما اجباری در کار نبود. با این حال اکثر بچه‌ها در جشن کریسمس که در مدرسه برگزار می‌شد شرکت می‌کردند و هدایایی نیز به عنوان هدیه مسیح(ع) دریافت می‌نمودند.^۲

کلاس‌های دبستان که صبح و عصر دایر بود. عبارت بودند از: تهیه (آسادگی)، کلاس اول، کلاس دوم، کلاس سوم، چهارم، پنجم و ششم. در کلاس تهیه، بچه‌های زیر شش سال، به صورت مختلط، شرکت می‌کردند و برنامه درسی آن‌ها بیشتر نقاشی و قصه‌گویی بود.

مدرسه علاوه بر کلاس‌ها، دو آشپزخانه و یک ناهارخوری داشت تا دانش‌آموزانی که فاصله بین خانه و مدرسه‌شان زیاد بوده ناهار با خود بیاورند و در آنجا صرف کنند.

در ابتدا دانش‌آموزان با چادر به مدرسه می‌رفتند و سر کلاس موظف بودند با روسری و چادر نماز بنشینند - حتی اکثر با چادر مشکی به مدرسه می‌آمدند - اما پس از فرمان کشف حجاب رضاخان، در مدرسه حق پوشیدن چادر یا روسری را نداشتند - ولی خارج از مدرسه مجاز بودند - و به جای روسری می‌توانستند کلاه بپوشند. از این به بعد فرم مدرسه عبارت بود از: سارافون طوسی از پارچه ارمک یزدی با بلوز سفید و چهارخانه قرمز و کراوات همراه با آرمی نقره‌ای که در بازار کرمان ساخته و جلوی سینه دانش‌آموزان نصب می‌شد. نقش آرم مدرسه این شعر بود:

۱. از کارهای جالب مدیر مدرسه این بوده که کودکان را به جمع‌آوری گیاهان وادار می‌نمود و خود اسم آن‌ها را از کتاب‌های انگلیسی پیدا و زیر آن‌ها یادداشت می‌کرد.
۲. ابتدا فیلمی از زندگی حضرت مسیح(ع) نمایش داده می‌شد و چای و شیرینی به بچه‌ها می‌دادند. بعد، از دانش‌آموزان که آن‌ها را به ترتیب خاصی به صف کرده بودند، می‌خواستند تا در جعبه بزرگی که جایزه‌هایی چیده و لابلای آن‌ها کاه ریخته بودند، دست کنند و جایزه‌ای را که مسیح برای آن‌ها آورده، بردارند. ترتیب قرار دادن جوایز متناسب با سن و سال دانش‌آموزان بود. نمونه این جشن در مدرسه جم نیز با چراغانی کردن درخت سرو کریسمس برگزار می‌شده.

امید و اتحاد و محبت نشان ماست زین رو همیشه شاد، در شادمان ماست
لفظش اگرچه نقش شده در حجر ولی معنیش در دل و روح و جان ماست

اولین رئیس دبیرستان خانم تیورت^۱ بود و از سال ۱۳۰۹ خانم جانت اف وودراف مسؤولیت آن را بر عهده گرفت و خود علاوه بر مدیریت به تدریس زبان انگلیسی نیز می‌پرداخت.

خاطراتی از خانم وودراف

خاطره دیگر: هر روز صبح در مراسم صبحگاهی باید چشم خود را می‌بستیم و دعای ذیل را با صدای بلند می‌خواندیم: ای پدر ما که در آسمانی، نام تو مقدس باد. سلطنت تو چنان که در آسمان است، در زمین نیز کرده شود. نان کفاف ما را امروز به ما بده. گناهان ما را ببخش و ما را در آزمایش میاور. سلطنت از آن توست تا ابدالابد. آمین. اگر کسی از این اعمال تخطی می‌کرد روز بعد به دفتر احضار می‌شد و وودراف به او می‌گفت: شما خداوند را نمی‌شناسید که مسخره‌بازی درمی‌آورید! علاوه بر این حضور و غیاب دانش‌آموزان در مراسم صبحگاهی انجام می‌گرفت.

خاطره دیگر: منزل خانم وودراف، رئیس مدرسه، نزدیک مدرسه بود و تنها زندگی می‌کرد، چون شوهرش در جنگ جهانی اول کشته شده بود. او بسیار فرد منظمی بود و با خوردن تخمه و آجیل در محیط مدرسه خیلی مخالف بود. شاگردان را از این کار منع می‌کرد و از آن‌ها می‌خواست، که با خود یک بطری شیر برای خوردن در نیمروز به مدرسه بیاورند. اگر کسی یک پوست تخمه روی زمین حیاط می‌ریخت، تنبیه او یک ساعت روی پا ایستادن بود. با توجه به اینکه تنبیه بدنی وجود نداشت همه شاگردان از او خیلی حساب می‌بردند، چون شخصی بسیار با جذب و ابهت بود و خودش در مدرسه اتاق کوچکی برای فروش دفترچه و قلم و پاک‌کن اختصاص داده و خودش مسؤول فروش بود. ما حق رفتن به اتاق فراش (خورشید) را نداشتیم و اگر خانم وودراف می‌خواست تذکری به شاگردی بدهد، زنگ تفریح در حالی که دست به گردن او می‌انداخت، این کار را می‌کرد.

^۱Miss. Tyort



خاطره دیگر: خانم کُرکرایجرز^۱ پس از تعطیلی دبستان، آموزشگاه خیاطی و کاردستی تأسیس کرده بود و به بهانه آموختن این هنرها به شاگردان به مدرسه می‌آمد ولی کار اصلی او تبلیغ مذهبی و جاسوسی بود.

خاطره دیگر از پوران حکیم‌پور: ما ظهرها در بازگشت از مدرسه با دوستانمان درب خانه‌های اشخاص، دق‌الباب کرده و فرار می‌کردیم، صاحب خانه‌ها به شکایت نزد خانم وودراف آمدند، وی نیز ما را صدا زد و مورد بازخواست قرارداد. ما منکر شدیم وی بلافاصله گفت: تا حالا یک گناه داشتید، حال گناه دومتان از اولی بزرگ‌تر شد، چون دروغ گفتید. این برای ما درسی شد و من در زندگیم سعی کردم که هیچ وقت دروغ نگویم.

اکنون به ذکر آمار و نمونه‌هایی از گزارش‌های مدرسه می‌پردازیم. ابتدا نمونه‌ای کامل از گزارش پایان سال که اطلاعات تقریباً کاملی از کارکنان مدرسه در آن درج است آورده می‌شود:

جدول آمار کارکنان دبیرستان دوشیزگان در پایان سال تحصیلی ۱۳۲۱ - ۱۳۲۰

شماره ردیف	نام کارکنان	تاریخ تولد به سال شمسی	تاریخ ورود به خدمت	مقطع تحصیلی	حقوق ماهانه به ریال			مدرسه	موضوع تدریس	مدرک تحصیلی	عدد ساعات تدریس در هفته دوره متوسطه								
					اول	دوم	سوم				۱	۲	۳	۴	۵	۶	۷		
۱	گوانسیر بان آفاق	۱۲۹۷	۱۳۲۰	۲ دبیری	۱۶۲۰	-	۱۶۲۰	دبیری	روانشناسی اخلاق	لیسانس در فلسفه و علوم تربیتی	دبیرستان	کفالت	-	-	-	۵	۲	-	۱
۲	صفدانی فاطمه	۱۲۹۵	مهر ۱۳۱۱	قراردادی	۳۰۰	-	۳۰۰	قراردادی	ادبیات	دیپلمه دبیرستان و نظافت	دبیری و نظافت	ادبیات	۲	۱	۳	۲	۱	-	۱۵
۳	فروتن علت	۱۲۹۶	شهریور ۱۳۱۸	۲ آموزگاری	۸۰۰	-	۸۰۰	آموزگاری	طبیعیات	دیپلمه دانشرای مقدمانی	دبیری و دفترداری	طبیعیات	-	-	-	۴	۳	-	۱
۴	سکوده رخساره	۱۲۹۹	۱۳۱۹	۲ آموزگاری	۸۰۰	-	۸۰۰	آموزگاری	جغرافی صنایع دستی	دیپلمه دانشرای مقدمانی	دبیری	جغرافی صنایع دستی	۳	۶	۵	۲	۲	-	۱۸
۵	شکوری وجیه	۱۲۹۸	۱۳۱۸	قراردادی	۳۰۰	-	۳۰۰	قراردادی	خانه‌داری ادبیات	دیپلمه دبیرستان دوشیزگان	دبیری	خانه‌داری ادبیات	۴	۶	۲	۶	-	-	۱۸

^۱ Miss korkrajers

تبرستان

www.tabarestan.info

مدارس ایرانیان غیر مسلمان

۱- زردشتی‌ها ۲- کلیمی‌ها ۳- آرامنه

در کشور ایران از دیرباز کلیمی‌ها و مسیحیان در کنار مسلمانان زندگی مسالمت‌آمیزی داشته‌اند. آیین زردشتی که کیش کهن ایرانیان است نیز در یزد، کرمان، روستاهای این دو شهر و تهران پیروانی داشته و دارد، زبان و ادب و آئین رسوم این کیش چنان با فرهنگ ایرانیان مسلمان درهم آمیخته است که جدا کردنشان مشکل است اما آرامنه اگر چه ایرانی نیستند اما در تبریز، اصفهان، ارومیه، تهران، گرگان، رشت و ... چون سایر برادران مسلمان، زردشتی و کلیمی خود زندگی می‌کرده‌اند. بنابراین مدارس آرامنه، یهود و زردشتی را که پیش از مدارس جدید ایرانیان مسلمانان ایجاد شده‌اند باید در تاریخ ایجاد مدارس جدید چه پسران و چه دختران لحاظ کرد و بحث جدایی را نمی‌طلبد. با این همه برای اینکه علاقه‌مندان به پژوهش درباره آموزش جدید درباره هر یک از این آیین‌ها مدارکی در دست داشته باشند فصل مدارس ایرانیان غیرمسلمان را می‌گشائیم.

زردشتی‌ها و مدارس جدید

ای اهورامزدا فرزندی به من عطا فرما که با تربیت و دانا بوده و در هیأت اجتماعی داخل شده و به وظیفه خود رفتار نماید. فرزند رشید و محترمی که احتیاج دیگران را برآورد فرزندی که بتواند در ترقی و سعادت خانواده و شهر و مملکت خود بکوشد. (آتش نیایش، ۵۲ - ۵)

زن و فرزند خود را از تحصیل دانش و کسب هنر بازمدار تا غم و اندوه بر تو راه نیابد و در آینده پشیمان نشوی (پندنامه آذرباد ما را سپند).

اگر تو را فرزندی خردسال است. خواه پسر و خواه دختر او را به دبستان بفرست زیرا فروغ دانش دیده روشن و بیناست. (پندنامه آذرباد ما را سپند، بند ۵۸)

اگر شخص بیگانه یا همدین یا برادر یا دوستی برای تحصیل علم و هنر به نزد تو آید او را بپذیرید و آنچه خواهد به او تعلیم دهید.

(وندیداد فرگرد ۴ - بند ۴۴)

وندیداد دستور هوشنگ جاماست ص ۱۲۸

کسی که از اندک دانشی برخوردار باشد و دیگران را دانش آموزد در نزد خداوند پسندیده تر است از دانشمندی که دارای علم بسیار و دیگران را دانش نیاموزد.

(شکند گمانیک و بچار باب بند ۲۶ - باب یک)

پدر و مادر مسؤول تربیت فرزند بوده و از کارهای نیکی که طفل انجام دهد. اولیای او بهره مند می باشند در این صورت چنانچه پدر و مادر از پرورش کودک غفلت کنند عواقب اعمال زشت او گریبان گیر آنان خواهد شد. پیام نامه زردشت، ترجمه دکتر ماهیار نوایی ص ۱۸.

زردشتی ها هم ایرانی هستند هم با ایرانیان مسلمان مشترکاتی دارند.

الف - اشتراک زبانی.

ب - اشتراک در آیین های فرهنگی، مانند عید نوروز و شب چله

بنابراین ایجاد مدارس به وسیله بزرگان این کیش کهن ایرانی می تواند برای

ایرانیان چه مسلمان چه زردشتی مفید باشد.

تأسیس مدرسه جمشید در سال ۱۲۸۶ ش در تهران.

تأسیس مدرسه دخترانه زردشتیان تهران در سال ۱۲۸۷ ش

تأسیس مدرسه ایرج در ۱۲۹۳ ش

تأسیس مدرسه انوشیروان ۱۳۰۲ ش

دبستان شبانه روزی زردشتیان در تهران ۱۲۳۵ یزدگردی، و مدرسه پارسیان

پسرانه در تهران را باید مدارس ایرانی دانست نه بیگانه، آن گونه که برخی از

پژوهشگران به آن پرداخته اند.

مدارس زردشتی ها فقط در تهران، یزد و کرمان فعالیت داشته اند.



مدارس یزد:

- ۱- مدرسه کیخسروی ۱۲۶۸ ش
- ۲- مدرسه پسرانه خدادادی ۱۲۶۸ ش
- ۳- مدرسه دخترانه خورشاه ۱۲۸۲ ش
- ۴- مدرسه جهانیان ۱۳۲۹ ق
- ۵- مدرسه راحت آباد ۱۲۷۸ ش
- ۶- مدرسه هرمزدیاری ۱۲۷۹ ش
- ۷- دبستان دخترانه کوچک یک ۱۲۷۹
- ۸- مدرسه خورشید بانو ۱۲۸۸
- ۹- مدرسه مریاباده ۱۲۸۷
- ۱۰- مدرسه پسرانه خیرآباد ۱۲۸۶
- ۱۱- مدرسه قاسم آباد ۱۲۷۳
- ۱۲- مدرسه الله آباد ۱۲۸۶
- ۱۳- مدرسه مبارکه ۱۲۹۳
- ۱۴- مدرسه مزرعه کلانتر ۱۲۹۱
- ۱۵- دبیرستان دخترانه ایزدیان ۱۲۸۳
- ۱۶- مدرسه نرس آباد ۱۲۹۴ ش
- ۱۷- دبستان دیناری
- ۱۸- مدرسه دستورزاده ۱۳۳۴ ق
- ۱۹- مدرسه هوشنگ ۱۳۴۲ ق
- ۲۰- مدرسه دخترانه ابتهاجیه ۱۳۴۰ ق
- ۲۱- مدرسه دخترانه امید ۱۳۲۷ ق

در باره مدارس دخترانه خورشاه، جهانیان، کوچه گیلک، ایزدچیان، ابتهاجیه، آمید. در تاریخ آموزشگاه‌های دختران در فصل پیش از مشروطه و بعد از آن سخن خواهیم داشت.

مدارس کرمان

- ۱- دبستان دخترانه شهریار (۱۲۹۷ ش)
- ۲- مدرسه دخترانه زردشتیان کرمان در سال‌های آخر ناصرالدین‌شاه ایجاد شد
- ۳- مدرسه دخترانه جمشیدی
- ۴- مدرسه محله قبه سبز

مدارس پسرانه ایرانشهر، زردشتیان کرمان، پسرانه جمشیدی

کلیمیان ایرانی و مدارس کلیمی‌ها

آشنایی دو ملت ایران و یهود در حدود ۲۵۰۰ سال پیش آغاز شده است در کتاب مقدس، خصوصاً اسفار عزرا، تحمیا، استر، دانیال و تواریخ ایام شواهد تاریخی و لغوی در تأثیر این آشنایی یافت می‌شود نام شاهان ایران کورش، داریوش، خشایارشا، اردشیر و نیز لقب‌هایی مانند ساتراپ احشدریان، کلمه‌هایی مانند وات (قانون، مذهب) گنز (گنج) پردوس (فردوس) و بسیاری از لقب‌ها و کلمه‌های دیگر که ریشه ایرانی دارد در کتاب مقدس به چشم می‌خورد. / ص ۹ مقدمه کتاب منتخب اشعار فارسی^۱.

سکونت یهودیان در ایران به روزگاری برمی‌گردد که هنوز تاریخ مدوتی در دست نداریم وجود مقابر پیامبران و بزرگان مانند:

آرامگاه دانیال نبی در شوش، استر مردخای در همدان، حبوق در تویسرکان دیدارگاه سارج بت‌آشه در نزدیکی اصفهان، قیدار در زنجان، چهار پیامبر در قزوین و همین امامزاده هارون ولایت اصفهانی که سال‌های سال مورد اختلاف یهودیان جوواره و مسلمانان بود. اینان همه دلیل بر آن است که ملت ایران و یهود قرن‌های زیادی در کنار هم زیسته‌اند شاید جالب باشد دانسته شود که یهودیان خود از مروجان زبان فارسی بوده‌اند چنانکه در دوره ساسانیان به روایتی که از راب‌یوسف متوفی به سال ۳۲۳ بعد از میلاد که از رهبران یهودیان بابل بود از

۱. دکتر آنتون تنصر - کتاب منتخب اشعار فارسی یهودیان ایران انتشارات فرهنگ ایران زمین - زیر نظر ایرج



یهودیان درخواست دارد که تکلم به زبان یهودی را کنار بگذارند و به فارسی سخن گویند.

یهودیان در سراسر ایران در شهرهای بزرگ و کوچک و روستاها در کنار ایرانیان زندگی داشته‌اند. تاریخ نشان می‌دهد که ادبیات یهود ایران در حقیقت شاخه مهمی از ادبیات فارسی است درست است که یهودیان بسیاری از کتاب و نوشته‌های خود را به خط عبری می‌نوشتند اما زبان آنان فارسی بوده است و تعداد شاعران یهودی که به پارسی شعر دارند کم نیستند برخی از آنان منظومه‌های عاشقانه یوسف و زلیخا را به شعر کشیده‌اند و برخی زندگی دانیال را... زندگی یهودیان در شهرهایی مانند اصفهان، همدان، شیراز، تهران، خوزستان، ملایر، بروجرد، کاشان، دماوند و... به گونه‌ای بوده است که گاه شناخت یهودیان به ویژه نویسندگان، شاعران و اندیشمندان یهود را مشکل می‌سازد. من خود در گشت و گذاری که در روستاهای ایران داشتم به روستایی به نام ویدان رسیدم که در آنجا فقط ۱۰۰ خانوار زندگی می‌کردند که پنجاه خانوار آن یهودی بودند و شگفت این که مسجد ده دارای دو محراب بود یکی به سوی بیت المقدس و دیگری به سوی کعبه در مکه و این که دو مذهب اسلام و یهود در روستایی کوچک یک معبد داشتند که هر کدام حق داشتند در آن عبادت کنند، مسلمانان الله را و یهودیان، یهوه را ... بنابراین نباید مدارس این ایرانیان یهودی را مدارس بیگانگان دانست. بلکه مدارس ایرانی یهودیان است بحث درباره اسرائیل غاصب و صهیونیسم بین‌المللی نباید دو ملت یهود و مسلمان ایرانی را که سابقه‌ای کهن دارند به کین‌وا دارد.

مدارس یهودیان ایرانی

با آغاز فعالیت مدارس پسران و دختران، یهودیان ایران برای تأسیس مدرسه فعالیت خود را آغاز کردند این مدارس از تأسیسات اتحادیه جهانی یهود بود. چنانکه در سال ۱۳۱۵ ه. ق مدرسه آلیانس ذکور کلیمی و مدرسه آلیانس اناث کلیمی در تهران ایجاد کردند. در سال‌های ۱۳۰۲ ش هم دو مدرسه انگلیسی کلیمیان ۱- پسرانه ۲- دخترانه. تأسیس شد که این دو مدرسه را نمی‌شود مدارس بیگانه دانست.

اصفهان

در سال ۱۳۱۸ هـ. ق ۱۹۰۰ میلادی مدرسه انات آلیانس بنی اسرائیلیت در محله جوباره اصفهان تأسیس شد این مدرسه مانند سایر مدارس کلیمی با نام اتحاد نسوان به کار خود ادامه داد. در سال ۱۲۸۱ ش مدرسه دختران الیانس بنی اسرائیل در کرمانشاه تأسیس شد. در سال ۱۳۱۸ هـ. ق مدرسه دختران کلیمی در همدان شروع به کار کرد در سال ۱۲۸۱ ش مدرسه کلیمی‌های شیراز تأسیس شد و در سال ۱۲۹۴ ش مدرسه الیانس بروجرد.

اما برابر سند شماره ۶۱/۱ مورخ ۲۳ تیرماه ۱۳۰۸ ش ما در باره مدرسه گلپایگان و تویسرکان اطلاعاتی به دست می‌آوریم. بنابراین علاقه‌مندان می‌توانند به اسناد شماره ۶۱ و ۶۱/۱ مراجعه کنند. به‌طور کلی شهرهای شیراز، اصفهان، کاشان، کرمانشاه، کرد، قصرشیرین، همدان، تهران ... دماوند و ... گلپایگان تویسرکان و ... بسیاری از شهرهای ایران کلیمی‌ها برای خود مدارس داشته‌اند.

مدرسه دخترانه کاتولیک‌ها

کاتولیک‌های فرانسه در سال ۱۲۸۳ ش - ۱۹۰۴ مدرسه‌ای در اصفهان ایجاد کردند که بعدها به نام رودابه خوانده شد.

یزد و کرمان

در یزد مدرسه مرسلین انگلیس و در کرمان مدرسه مرسلین پسرانه کرمان در سال ۱۲۷۷ ش زیر نظر هیأت مذهبی انگلیس ایجاد شد.

مدرسه مرسلین دختران در کرمان

تا سال ۱۳۰۰ که مدرسه مرسلین دخترانه کرمان تأسیس شد تبلیغات مذهبی فقط به وسیله مدرسه پسران بود که در اوایل سلطنت مظفرالدین‌شاه تأسیس شده بود و ...

از دیگر مدارس بیگانگان باید مدرسه‌ی روس‌ها و آلمان‌ها را نام برد. مدرسه‌ی روس‌ها در گرگان، گیلان و تبریز.

مدرسه دخترانه پروتستان‌های انگلیس در سال ۱۲۹۸ ش (۱۹۱۹ میلادی) به دولت ایران واگذار شد و به دبیرستان بهشت آیین تغییر نام داد.



طرح انتقال مدرسه آلیانس گلپایگان به تویسرکان

تاریخ: ۵ تیر ماه ۱۳۰۸

نمره: ۸:

مقام منبع وزارت جلیله معارف و اوقاف و صنایع مستظرفه

دامت عظمته

پس از تقدیم مراسم عبودیت به آستان مبارک معروض می‌دارم که این بنده به موجب امتیازنامه نمره ۸۱۶۹/۸۱۹۹/۲۰ به مدیریت مدرسه شعبه آلیانس گلپایگان اشتغال داشتم. به واسطه تغییر مأموریت و تغییر محل جهت تأسیس مدرسه شعبه آلیانس اسرائیلیت به تویسرکان آمده‌ام. در تاریخ ۴ محرم الحرام توسط اداره محترمه معارف تویسرکان از آن مقام منبع تقاضای تبدیل اسم گلپایگان را به تویسرکان نمودم و به ملاحظه اینکه در این مدرسه چند نفر از محصلات بنات وارد شده و اشتیاق کامل جهت تحصیل و تعلیم دارند و لازم است چند کلاس انائیه نیز تشکیل گردد از آستان مبارک تقاضای اجازه و امتیازنامه مدیریت مدرسه انات را در ضمن امتیازنامه مدرسه ذکور تویسرکان می‌نمایم. زیاده امر، امر مبارک است.

فدوی ابراهیم‌زاده نورانی

سند شماره ۶۱/۱

نمره: ۱۲:

مورخه: ۲۳ تیر ۱۳۰۸

مقام محترم حضرت مستطاب ریاست مدرسه مبارکه آلیانس

اسرائیلیت دام بقائه

محترماً معروض می‌دارد که مراسله تاریخ ۱۷ تیر به انضمام سواد دستخط نمره ۸۶۲۳/۳۱۷۶ وزارت جلیله معارف و اوقاف دامت شوکت زیارت گردید. سه فقره سئوالاتی که شده [در] خصوص مدرسه شعبه گلپایگان این است جواباً عرض می‌شود:

۱- مدرسه شعبه گلپایگان به واسطه عدم استطاعت اهالی گلپایگان از دایر

نمودن مدرسه لذا فعلاً منحل [است].

۲- انائیه و لوازم آن مدرسه فقط ۱۸ نیمکت و یک میز و دو تخته سیاه بود که

در گلپایگان مانده و به تویسرکان انتقال داده نخواهد شد.

۳- [در] خصوص انتخاب نمودن مدیر جدید جهت شعبه گلپایگان البته در این باب آنچه رأی ریاست محترم مدرسه مرکزی اقتضا فرماید اجرا خواهد گردید. ولی از آنجایی که در اواخر مبالغی از حقوق خود بنده و سایر معلمین گلپایگان در محل باقی مانده و اهالی استطاعت پرداخت آن را نداشته و نپرداخته‌اند و قبلاً نیز به ریاست محترم اداره معارف تهران اطلاع دادم و کسب تکلیف نموده‌ام، هنوز به وصول طلب خود از گلپایگان نایل نگردیده‌ام. در این صورت تا اهالی گلپایگان تقاضا نمایند و کفیلی جهت متعهد شدن و پرداخت مخارج مدرسه تعیین نکنند مدیر جدیدی تعیین نمودن جهت آنجا موردی نخواهد داشت. استدعا می‌نمایم که حسب‌الامر ریاست محترم مدرسه تهران بنده جهت شعبه تویسرکان آمده‌ام امتیازنامه مدیریت بنده با قید مدرسه اناثیه در آن امتیازنامه که آن امتیازنامه مقید به مدرسه ذکور و اناث بوده باشد تبدیل به اسم تویسرکان گردد. از مقام منیع وزارت جلیله معارف و اوقاف دامت شوکته تقاضای صدور و ارسال گردد. در خاتمه احترامات فائقه را تقدیم می‌دارم.

ابراهیم‌زاده نورانی

مدارس ارامنه ایران

در قرن سوم و چهارم میلادی گاهی ارمنستان متعلق به روم بود و زمانی متعلق به ایران می‌شد در زمان سلطنت شاپور اول ارمنستان به ایران تعلق داشت اما در سال ۲۸۶ میلادی تیرداد با کمک رومیان ارامنه را به ضد ایرانیان برانگیخته خود را شاه ساخت و ارمنستان را از متصرفات روم گردانید این پادشاه ابتدا مسیحیان را جفا می‌نمود ولی قریب سال ۳۰۰ میلادی خودش به توسط گریگر (Greger) که رسول مشهور ارمنستان و معروف به نوربخش بود مسیحیت را قبول کرد و اولین پادشاهی است که به مسیح ایمان آورد. ولی چون معرفتی به آیین مسیح نداشت تمام اهالی ارمنستان را به زور مجبور به پذیرش آیین مسیح کرد و این نخستین باری بود که برای انتشار دین مسیح از شمشیر استفاده می‌شد / ص ۲۷۲ تاریخ کلیسای قدیم!

۱. تاریخ کلیسای قدیم در امپراطوری روم ایران. تألیف و.م. میلز: ترجمه علی نخستین به مساعدت عباس آرین‌پور



ارامنه ایران

در ایران لفظ ارمنی معادل مسیحی است و انگار هر که ارمنی بود باید مسیحی باشد همانگونه که تاریخ نشان می‌دهد ارمنی‌ها با مردم ایران پیوندهای فرهنگی نزدیک دارند و بسیاری از ارامنه قرن‌هاست که در کشور ایران و در کنار مسلمانان زندگی می‌کنند ارامنه ایران بیشتر در شهرهایی مانند اصفهان، تبریز، تهران، قزوین، مراغه، گرگان، رشت، اراک زندگی می‌کرده‌اند جدای از محله جلفا اصفهان. حتی در برخی از روستاهای چهارمحال بختیاری و فریدن اصفهان ارامنه ساکن هستند. ارامنه همیشه خود را ایرانی دانسته‌اند و به ایران عشق می‌ورزیده‌اند چنانکه در مشروطه مجاهدان ارمنی در تمام جبهه‌های آزادیخواهان فعالیت داشتند در انقلاب اسلامی نیز باید یادى از شهیدان ارمنی کرد. بنابراین با جنبش دانش پژوهی ارامنه نیز برای ایجاد مدارس جدید گام‌های ارزنده‌ای برداشتند. بدیهی است مدارس که به وسیله ارامنه جلفا یا ارومیه ایجاد شد جدا از مدارس است که میسیون‌های امریکایی، انگلیسی، روسی به وجود آوردند. بنابراین ایجاد این مدارس را نمی‌توان مدارس بیگانگان در ایران دانست. اکنون اشاره‌ای کوتاه به مدارس خواهد شد که در شهرهای ایران شکل گرفت.

مدارس ارامنه اصفهان

در باره مدارس ارامنه جلفای اصفهان گفتار معلم مؤلف ارمنی، بالتون میناسیان قابل ذکر است وی از معلمان ارمنی اصفهان است که به گفته خودش در سال ۱۲۹۹ ش در خویگان بالای فریدن، اصفهان دیده به جهان گشوده است. وی در سال ۱۳۷۸ در محل کارش (کلیسای وانگ) برایمان گفت:

مدرسه کلیسای وانگ اولین مدرسه جلفا در حیاط کلیسا بود وی که از پژوهشگران ارمنی است درباره مدرسه مریم فران کوه گفت: این مدرسه به وسیله دو خواهر ارمنی در سال ۱۲۷۰ ق در زمان ناصرالدین‌شاه ایجاد شد این مدرسه تا سال‌های پایانی سلطنت ناصرالدین‌شاه وجود داشت؛ با این حساب این مدرسه را باید بعد از دارالفنون، دومین مدرسه دانست. وی همچنین از مدرسه دخترانه مانوک هوردانیان حرف زد که در سال (۱۲۷۵ هـ.ق ۱۸۵۸ میلادی) در کلیسای دختران

تارک دنیا موسوم به کلیسای سیاه‌پوشان تأسیس شده است به گفته این معلم و محقق در روستاهای ارمنی‌نشین فریدن مانند: سنگ‌باغران. زرنند. خویگان، نماگر مدرسه وجود داشته است اما این مدرسه‌ها از سال ۱۳۱۹ ش دولتی شده است.

مدارس ارامنه مراغه

سابقه ایجاد مدرسه ارامنه در شهر مراغه به سال ۱۸۹۹ میلادی می‌رسد در این سال اولین مدرسه ارامنه تأسیس و ساختمان آن با هزینه دو نفر از ارامنه نیکوکار به نام‌های ملکم خالافیان و هاکوپ خاچاطوریان احداث و در اختیار مسئولین مدرسه گذاشته شد. در سال‌های اولیه تأسیس قسمتی از دبستان به پسرها و قسمت دیگر به دخترها اختصاص داشت اما بعد مدرسه به صورت مختلط اداره می‌شد، در سال ۱۹۰۲ هیأت امنایی مرکب از ۵ نفر به شرح زیر:

۱- پرویز راندکولوجیان ۲- ملکم خالافیان ۳- آردانس نظریان ۴- مهران باغدا ساریان ۵- آوادیس تمرازیان عهده‌دار مدرسه بودند در سال‌های اولیه کشیش‌های ساکن مراغه ضمن انجام مراسم مذهبی تدریس کلاس‌ها را عهده‌دار بودند در این مدرسه ضمن تدریس ادبیات ارمنی، ادبیات فارسی نیز تدریس و به دانش‌آموزان یاد داده می‌شد دانش‌آموزان پس از پایان کلاس پنجم ابتدایی (آخرین سال دبستان) جهت ادامه تحصیل به تبریز یا سایر شهرها اعزام می‌شدند / ص ۶۰۳.

مدارس ملی ارامنه تا سال ۱۹۲۴ - ۱۹۲۵ زیر نظر ارامنه و بدون دخالت دولت اداره می‌شد در سال ۱۹۲۴ مدارس زیر نظر دولت قرار گرفت و برنامه آموزشی مطابق با سایر مدارس گردیده و دبستان جدیدی به نام دبستان ادب تأسیس و فرزندان ارامنه (مختلط) در آن به تحصیل اشتغال ورزیدند. از این مدرسه مبارزانی مانند آوانیس میکائیلیان (سلطان‌زاده) برخاسته‌اند.

بندر انزلی

برابر مدارکی که از کتابخانه موزه کلیسای وانگ جلفای اصفهان در دست است مدرسه‌ای که ۹ شاگرد داشته است ۶ پسر و ۳ دختر. در شماره ۶ ص ۳ سال ۱۹۰۵ میلادی نشریه نورچوقایی لریر به معنی اطلاعات جلفای نو نوشته شده است که: انزلی دارای دو مدرسه دو کلاسه می‌باشد.



دبستان مریم آرامنه بندرانزلی: دبستان مریم برابر نامه شماره ۱۸۷
 می نویسد این دبستان در تاریخ ۱۲۷۵ ش تأسیس شده است.
 رابینو در ص ۱۵۴ دارالمرز گیلان می نویسد: در سال ۱۳۲۹ هـ ق (۱۲۹۰ ش)
 ۱۹۱۱ میلادی شاگردان مدرسه آرامنه دارای ۱۲ پسر و هفت دختر بوده است. ص
 ۲۹- تاریخ بندرانزلی جلد ۲ نوشته عزیز طویلی

مدارس آرامنه تبریز

- ۱- مدرسه آرمیان ۱۲۵۱ ق بانی آن مسروب طاعباقیان از آرامنه ایران
- ۲- مدرسه اناث آرامنه (۱۳۰۱ ق - ۱۸۸۳)
- ۳- مدرسه مختلط (دختر و پسر) هایکازیان تأسیس ۱۳۰۱ ق

تبرستان

www.tabarestan.info

جنبش مدرسه‌سازی و زنان فرهنگ‌دوست

ناصرالدین‌شاه وفات کرد. امین‌الدوله در ماه ذی‌قعدة الحرام ۱۳۱۴ هـ. ق (۱۲۷۵ ش) صدراعظم شد. وی از کسانی بود که به گسترش مدارس جدید علاقه‌مند بود به گفته یحیی دولت‌آبادی امین‌الدوله، طرح اساس سعادت‌ی برای ملت می‌ریزد که در حقیقت قابل ستایش است امین‌الدوله می‌داند که درد ملت نادانی است و دوی آن دانایی، از این رو بیش از هر کار به معارف اهمیت می‌دهد. از همین نقطه نظر است که ستوده می‌شود امین‌الدوله می‌فهمد که مملکت مرد می‌خواهد مرد علم و علم مکتب. این چیزی است که همه کس باید بفهمد / ص ۱۸۰ - جلد اول، حیات یحیی.

امین‌الدوله در آذربایجان بود که رشديه را یاری داد تا بتواند مدرسه جدید را فعال کند وقتی هم به تهران آمد رشديه را با خود به تهران آورد. تا کار خود را در تهران انجام دهد اما به فرموده حافظ عزیز: که عشق آسان نمود اول ولی افتاد مشکل‌ها.

تأسیس مدارس جدید چندان هم آسان نبود امین‌الدوله در این فکر بود که مدرسه ابتدایی به شیوه جدید تأسیس کند تا سرمشقی باشد برای کسانی که می‌خواهند مدرسه ایجاد کنند. وی آن مدرسه را رشديه می‌دانست مدارس می‌خواهند از هزینه آن را هم مردم عهده‌دار می‌شدند. در زمانی که امین‌الدوله به صدارت برگزیده شد، جعفرقلی خان نیرالملک که از دانش‌آموختگان دارالفنون بود وزیر علوم بود.^۱ وقتی نیرالملک به وزارت منصوب شد شصت و هفت سال داشت اما وی در مدت ۸ سال وزارتش به توسعه و ترقی مدارس و تدوین قوانین و نظام نامه‌های مفید موفق شد از نخستین کارهای ارزنده وی تشکیل انجمن معارف بود. به نوشته اقبال یغمایی: در آغاز انجمن‌های ثابت و معینی نداشت و غالباً در خانه

۱. وزارت علوم در سال ۱۲۳۷ شمسی یعنی ۶ سال پس از گشایش دارالفنون تأسیس شد اما از زمان تأسیس تا وزارت نیرالملک که سال ۱۲۷۵ ش بوده یعنی ۳۸ سال حتی یک مدرسه ابتدایی ایجاد نشد.



نیرالملک تشکیل می‌شد بعدها از جمادی‌الاول سال ۱۳۲۱ هـ. ق محل قدیم کتابخانه دارالفنون به محل تشکیل انجمن اختصاص و ائانه مختصر انجمن به این مکان انتقال یافت و روز سه‌شنبه هشتم جمادی‌الثانی ۱۳۲۱ جلسه در محل جدید تشکیل شد نخستین جلسه در یکی از روزهای ماه شوال ۱۳۱۵ با حضور ۱- وزیر علوم ۲- میرزا محمودخان احتشام السلطنه ۳- میرزا محمودخان مفتاح الملک ۴- یحیی دولت‌آبادی ۵- علی‌خان ناظم‌العلوم ۶- مهدی‌خان ممتحن‌الدوله ۷- عباس‌خان مهندس‌باشی در مدرسه رشديه تشکیل یافت و چون هدف اصلی انجمن ایجاد مدارس تازه بود و این کار بی‌وجود سرمایه کافی میسر نمی‌شد به راهنمایی و تشویق امین‌الدوله صدراعظم قرار بر این یافت که احتشام السلطنه دفتري به منظور جمع‌آوری اعانه نقدی آماده کند نخست دفتر را به حضور مظفرالدین‌شاه بردند و او تمهد کرد که دو هزار تومان بپردازد روز دیگر احتشام‌السلطنه دفتر اعانه را نزد امین‌الدوله صدراعظم برد. امین‌الدوله که بسیار بلند نظر و معارف پرور بود و می‌دانست تا سرمایه زیاد فراهم نشود گشودن مدارس جدید میسر نمی‌گردد به عهده گرفت دوازده هزار تومان بدهد.

دشمنان امین‌الدوله احسان بزرگ صدراعظم را با قیاس به بخشش شاه چنان جلوه دادند که قصدش تحقیر سلطان بوده است. مظفرالدین‌شاه آشفته و بدین بهانه و بهانه‌های سست و نادرست دیگر پانزدهم محرم سال ۱۳۱۶ چنان مرد نکواندیش و دانش‌پرور را از صدارت معزول کرد و امین‌السلطان را به جای او نشانده. / ص ۳۴ - یغمایی اقبال وزیران علوم.

به نوشته یغمایی: یکی از منتقدان اصفهان^۱ که مقارن این احوال در تهران بود بیش از دیگر معاندان معارف با تأسیس و فعالیت مدارس جدید دشمنی می‌کرد. او از قول پیشوایان دینی مقیم نجف تلگرام معمولی خطاب به مظفرالدین‌شاه میان مردم منتشر کرد و از شاه تعطیل کردن مدارس جدید را تقاضا کرد اما مظفرالدین‌شاه که قبلاً به وسیله وزیر علوم (نیرالملک) از دسیسه وی آگاه شده بود جواب تلخی به او داد / ص ۳۴، یغمایی.

۱. یحیی دولت‌آبادی در کتاب حیات یحیی این شخص را آقا نجفی دانسته است.



امین‌السلطان اگر چه با فعالیت مدارس جدید که آزادی و آزادیخواهی را به همراه می‌آورد مخالف بود ولی به علت نفوذ و فعالیت طرفداران تجدد و فرهنگ به ظاهر با جنبش معارف همراه شد با این همه نیرالملک را وزیر شایسته نمی‌دانست اما شاه از نیرالملک حمایت می‌کرد.

انجمن معارف سرانجام موفق شد تا چهار مدرسه متوسطه علمیه در چهار ضلع پایتخت دایر کند این مدارس عبارت بودند از: ۱- علمیه مظفریه ۲- علمیه ادب ۳- علمیه ثروت ۴- مظفریه علمیه. در ضمن سه مدرسه ابتدایی نیز ایجاد شد: ۱- رشدیه در خیابان باغ‌وحش ۲- مدرسه شرف در محله سنگلج ۳- کمالیه در حدود بازارچه نیرالملک.

علاوه بر این برنامه درسی مدارس نیز تدوین شد برای آگاهی فهرست دروسی را که باید خوانده می‌شد. در این جا می‌آورم.

برنامه درسی ابتدایی

- ۱- خواندن و نوشتن فارسی به طور صحیح
- ۲- تلاوت قرآن مجید با رعایت علم تجوید که علم قرائت باشد
- ۳- مسایل شرعیه ضروری از اصول و فروع
- ۴- حساب تا تناسبات اربع
- ۵- دوره مختصر جغرافیا
- ۶- کلیات تاریخ ایران و سیره حضرت رسول (ص)
- ۷- صرف و نحو زبان فارسی
- ۸- اخلاق در ضمن قصه و حکایت
- ۹- بدیهیات علوم در طی حکایات فارسی که ذهن اطفال را نزدیک به دریافت معارف کند

۱۰- مشق خط با سیاق به قدر کفایت

۱۱- دوره مختصر صرف عربی

۱۲- دوره مختصر نحو عربی

مدت تحصیل دوره ابتدایی ۴ سال بوده است.



برنامه مدارس متوسطه

- ۱- اصول و فروع دین با ادله کافی و شرح لازم
 - ۲- صرف و نحو زبان فارسی کامل
 - ۳- صرف و نحو زبان عربی کامل
 - ۴- منطق، عروض، معانی بیان
 - ۵- انشا و ادبیات
 - ۶- اخلاق اسلامی
 - ۷- ترجمه ظاهر آیات مبارکات با اشارات به تفسیر
 - ۸- ترجمه از عربی به فارسی و از فارسی به عربی
 - ۹- جغرافیای کامل
 - ۱۰- حساب با دلیل و جبر و مقابله
 - ۱۱- هندسه و مثلثات
 - ۱۲- اصول جرّ ائقال و حکمت طبیعی
 - ۱۳- تاریخ عالم
 - ۱۴- مشق خط و سیاق
 - ۱۵- زبان فرانسه به جهت تکلم و انشا و ترجمه
- دوره تحصیل در متوسطه ۵ سال است: که به دو دوره سه ساله و دو ساله تقسیم می‌شد مدت تحصیل دوره ابتدایی چهار سال است شاگرد در هفت سالگی پذیرفته می‌شد و در ۱۲ سالگی از مکتب خارج می‌شده است و اگر قصد ادامه تحصیل بیشتر را داشته است به مدرسه علمیه متوسطه می‌رفته است تا با مقدمات علوم آشنا شود.

تعطیلات مدارس

تعطیلات مدارس نیز در این زمان به شرح زیر معین شده است.

- ۱- عید نوروز ۵ روز
- ۲- سیزدهم نوروز ۱ روز
- ۳- تاسوعا ۱ روز



- ۴- عاشورا ۱ روز
- ۵- یازدهم محرم
- ۶- اربعین (چهلّم امام(ع))
- ۷- ۲۸ صفر، وفات حضرت محمد(ص) شهادت امام حسن(ع)
- ۸- تولد حضرت محمد (۱۷ ربیع‌الاول)
- ۹- ولادت حضرت فاطمه (س)
- ۱۰- ولادت حضرت علی (ع)
- ۱۱- عید مبعث
- ۱۲- تولد امام حسین(ع)
- ۱۳- تولد امام زمان (۱۵ شعبان)
- ۱۴- شهادت حضرت علی(ع)

اما باز هم سخن از ایجاد مدرسه دختران نیست نه انجمن معارف که اعضای آن از دولت مردان علم و سیاست هستند در اندیشه تأسیس مدارس دختران هستند و نه عالمان دینی. شگفت اینکه تأسیس مدارس پسران هم با مخالفت تنگ‌اندیشان کج فکر روبه رو می‌شود اما زنان نامداری خود دامن همت به کمر می‌زنند و به ایجاد مدارس برای دختران می‌پردازند. و در انجام این خدمت فرهنگی از هیچ‌گونه تهدید، آزار نمی‌ترسند. به‌طوری‌که تا پیش از صدور فرمان مشروطه افزون بر مدارس که به وسیله ارامنه ایران، کلیمی‌ها و زردشتی‌ها تأسیس شده است. زنان فرهنگ دوستی مانند: ربابه مرعشی، درّه‌المعالی، مه‌رتاج رخشان، توبا رشدیه و صدیقه دولت‌آبادی. برای آگاهی زنان و ایجاد مدارس دخترانه قدم‌های مؤثری برداشتند.

زنان پیشتاز در عرصه معارف ایران

سخن از زنانی است که در برهه‌ای از تاریخ کشورمان زندگی می‌کرده‌اند که در سرتاسر کشور حتی یک دبستان ابتدایی هم برای دختران وجود نداشته است. دوره‌ای که به زن اجازه داده نمی‌شد از خانه پا بیرون بگذارد. در آذر ماه ۱۳۳۸ ش که حکم معلمی خود را برای روستاهای دماوند از اداره فرهنگ دماوند دریافت کرده بودم به دیدن زنی پیر و تنها در باغی سرمازده رفتم



که می‌گفتند روزگاری خانم مدیر، بوده است وی که نخستین زن درس خواننده ایرانی بود از مبارزات زنان برای درس خواندن برایم گفت و من که در شهر ری درس خوانده بودم نمی‌توانستم باور کنم زنان کشورمان در نیم‌قرن پیش چنان مشکلاتی داشته باشند، اتفاقاً در سال ۱۳۴۱ ش بنا شد در آبعلی مدرسه مختلطی تأسیس کنم. مدت ۵۹ روز کشید تا توانستم به مردم روستاهای کریتون، آبعلی سادات محله بفهمانم که مدرسه رفتن بی‌دینی و بی‌اخلاقی در پی ندارد. برای من بیش از همه مردم مبارک‌آباد باعث تعجب شدند زیرا از فرستادن دختران خود به مدرسه خودداری می‌کردند و این در حالی بود که روستای ییلاقی مبارک‌آباد نه به تهران دور بود و نه مردم آن بیگانه با دانش جدید، از همه مهم‌تر آن‌که وزیر آموزش و پرورش دکتر عیسی صدیق کتاب تاریخ آموزش و پرورش خود را در یکی از ویلاهای آن روستا نوشته بود. این اتفاق باعث شد تا به اهمیت مبارزان زن آگاه شوم اکنون برای اینکه دختران فرهیخته امروز بدانند راه یافتن آنان به مدرسه، دبیرستان و دانشگاه را مدیون چه کسانی هستند به معرفی تنی چند از این پیشگامان نواندیش پرداخته می‌شود.

۱- ربابه مرعشی و مدرسه

وی نخستین پایه‌گذار مدرسه دختران در تهران است همسرش علی شمس‌المعالی از پزشکان دوره قاجاری بود. وی علاوه بر این که پزشک بود به تأسیس مدرسه اعتقاد داشت ربابه مرعشی به پایمردی همسرش و یاری وی توانست در سرای مسکونی خود مدرسه‌ای ایجاد کند و این درست در زمانی بود که هنوز برای زنان مدرسه‌ای وجود نداشت این مدرسه در سال ۱۲۷۰ ش شروع به کار کرد گرچه تنگ‌اندیشی و مخالفت‌های عوام کار را مشکل می‌کرد با این همه مدرسه‌ی او ۱۳ سال دوام آورد تا مدرسه‌ای به طور رسمی در تهران ایجاد شد.

۲- طوبی رشديه

وی همسر میرزا حسن رشديه بنیانگذار انجمن معارف است. طوبی رشديه از زنان فرهنگ دوست دوره مظفری است او در سال ۱۳۲۱ هـ. ق (۱۲۸۲ ش) در قسمتی از خانه مسکونی خود مدرسه‌ای دخترانه با نام پرورش بازگشایی کرد. این مدرسه فقط ۴ روز عمر کرد اما وی از پانزدهت و هفت سال بعد مدرسه دخترانه دیگری با نام عفاف بازگشایی کرد. طوبی رشديه مانند شوهر و دیگر افراد خانواده‌اش در راه تأسیس مدارس دخترانه رنج بسیار کشید در حالی که مردم عامی خانواده‌اش را نجس و کافر می‌دانستند و بارها آنان را به مرگ تهدید کردند. ناگفته نماند که وقتی مدرسه پرورش تأسیس شد پس از چهار روز مأموران دولتی با ناسزاگویی‌های خشونت‌آمیز تابلو مدرسه را پائین کشیدند.

۳- رخشان و مدرسه ام‌المدارس

بدرالدجی، مه‌رتاج رخشان دختر میرمحمدباقر رضوی ملقب به امام‌الحکما از پزشکان ارتش ناصری، در سال ۱۲۶۰ در تهران به دنیا آمد. به نوشته اولین زنان، وی در کودکی در کودکانستان امریکایی اصفهان و سپس در مدرسه امریکایی همین شهر به تحصیل پرداخت در همین شهر با صدیقه دولت آبادی آشنا شد و چندی مدیریت مدرسه او را به عهده داشت. / ص ۱۶۴، اولین زنان دژم



او شاعر و نویسنده‌ای متقد بود که این خصلت را از مادرش حمیده دختر حکیم سینا در سخن‌پردازی و سخن‌وری به ارث برده بود. به نوشته همین کتاب بزرگ‌ترین اقدام او تأسیس مدرسه‌ای به نام ام‌المدارس به همیاری پدرش بود. وی برای اولین بار با طراحی روپوش که یک کلاه به آن وصل شده بود و مانند چادر سر تا پا را می‌پوشاند، به همراه دانش‌آموزان خود به مدرسه رفتند ولی شرایط آن زمان برای پذیرفتن چنین تحولی مناسب نبود لذا پوشش طراحی شده مغایر شرع دانسته شد و مدرسه‌اش را نیز به همین دلیل بستند رخشان مدتی نیز ریاست یا دبیری مدارس شهرهایی مانند مشهد، گلپایگان، شاهرود، ملایر را عهده‌دار بود سرانجام به علت بروز اختلافی با رؤسای یکی از شهرستان‌ها از کار خود استعفا داد. / به اختصار از کتاب اولین‌ها ص ۱۶۵

به نوشته کتاب از کتیبه تا تاریخ^۱ وی نخستین زن ایرانی است که از مدرسه آمریکایی اصفهان دانشنامه خود را گرفته و چون با زبان‌های، انگلیسی، عربی فرانسه به خوبی آشنایی داشت و فرهنگ روبه تکامل جهان را می‌شناخت در کنار صدیقه دولت‌آبادی که از پیشروان مبارزات زنانه بود به نبرد با نادانی و خرافه‌پرستی پرداخت و پس از آن توانست با همیاری پدرش مدرسه‌ای به نام ام‌المدارس در تهران بازگشایی کند / ص ۹۲۱ فرخ‌زاد- پوران.

شاید در تاریخ معاصر، کمتر زنی را بتوان یافت که مانند مهترج رخشان زندگی پرفراز و نشیبی داشته باشد:

او نخستین دختر مسلمانی است که در مدرسه آمریکایی‌ها درس می‌خواند موفق به دریافت دیپلم می‌شود. مدرسه ام‌المدارس را پایه‌گذاری می‌کند و خود نخستین زن ایرانی است که در مدرسه آمریکایی‌ها تدریس می‌کند در کتاب دایرةالمعارف زن ایرانی می‌خوانیم که در سال ۱۲۱۸ ش. در تهران متولد شد^۲ پدرش نام بدرالدجی بر او نهاد اما او بعدها نام مهترج را برای خود برگزید.

۱. پوران فرخ‌زاد.

۲. تاریخ تولد وی را برخی ۱۲۶۰، برخی ۱۲۶۵، برخی ۱۲۱۸ و برخی ۱۲۸۱ نوشته‌اند... اما آنگونه که وی در سال ۱۳۳۸ در باغ مسکونی خود در دماوند برایم گفت تاریخ تولد وی ۱۲۶۰ می‌باشد.



تحصیلات ابتدایی خود را در خانه و تحت نظر پدر فرا گرفت و زبان انگلیسی را نزد پدر آموخت و تصمیم به ادامه تحصیل در مدرسه گرفت اما با مخالفت پدر علی‌رغم اینکه مردی روشنفکر بود روبه‌رو شد از این رو همراه خواهر خود به خانه علی اصغرخان آتابک صدراعظم معروف که از دشمنان پدرش بود رفت و یک ماه در آنجا ماند تا اینکه پدر رضایت به مدرسه رفتن او و خواهرش داد. بدین ترتیب بود که به مدرسه امریکایی‌ها رفت / ۵۰ - ۴۸.

در سال ۱۲۸۰ ش. اولین مدرسه دخترانه را در تهران بنیان نهاد وی ضمن تحصیل خود، مدیریت مدرسه را به عهده گرفت و همراه خواهر خود در آنجا به تدریس پرداخت در این میان علاوه بر مدیری و معلمی ام‌المدارس، به عنوان اولین معلم ایرانی در مدرسه امریکایی‌ها مشغول تدریس شد در همین وقت بنا به درخواست وزیر فرهنگ وقت مأمور تنظیم برنامه‌ای برای مدارس ایرانی به سبک مدارس امریکایی شد او با استفاده از کتاب‌های انگلیسی برنامه‌ای تنظیم کرد که در صفحه اول اولین شماره مجله معارف به چاپ رسید و نظامات مدارس دخترانه و پسرانه طبق آن منظم شد. مه‌رتاج رخشان به هنگام جشن فارغ‌التحصیلی به عنوان اولین دختر ایرانی که دیپلم می‌گرفت برای نخستین بار بی‌حجاب در میان جمع حضور یافت و به زبان انگلیسی سخنرانی کرد. / ص ۴۸۵

از کارهای دیگر وی می‌توان: مبارزات وی را نام برد زیرا وی در آغاز مشروطه وارد مبارزات سیاسی شد و به مخالفت با مورگان شوستر امریکایی پرداخت. زنان ام‌المدارس را جمع می‌کرد و برای تظاهرات به خیابان می‌برد در واقع او پشتیبان سرسخت مبارزات اقتصادی بود مصرف کالاهای خارجی را تحریم می‌کرد در این راستا به قهوه‌خانه‌ها می‌رفت و آنان را از مصرف قند و شکر وارداتی منع می‌کرد. مه‌رتاج رخشان پس از بسته شدن ام‌المدارس با سمت مدیری در گلپایگان، مشهد، شاهرود و ملایر مشغول کار شد / ص ۴۸۶

در سال ۱۳۱۱ به دماوند رفت و پرورشگاهی جهت نگهداری کودکان یتیم و بی‌سرپرست تأسیس کرد و خود مدیریت آن را عهده‌دار شد / ص ۴۱۶
به نوشته دایرةالمعارف زنان از محل مدفن وی اطلاعی در دست نیست.



اما در کتاب اولین زنان، دژم می‌نویسد که:

در سال ۱۳۱۱ باغی در دماوند خریداری کرد و در صدد برآمد که با تأمین یک پرورشگاه، تربیت کودکان بی‌سرپرست را بر عهده بگیرد. اما به سبب کمبود منابع مالی هرگز نتوانست به این آرزویش برسد / ص ۱۶۵

پرداختن به زندگی مهرتاج رخشان (بدرالدجی) شاعر، نویسنده، فعال سیاسی و اجتماعی مدیر و دبیر مدارس، پایه‌گذار مدرسه ام‌المدارس در تهران و ام‌المدارس در اصفهان، که به گفته خودش مدرسه را بنام نهادم ولی به نام دیگری شناخته شده است. اینکه ازدواج نکرده، رابطه‌اش با مردان و زنان روشنفکر دیگر، به انزوا در دماوند، سال‌های دوران کمال، سالمندی، بیماری در دماوند و در پایان وفات در دماوند، نیاز به پژوهشی دقیق دارد.

در سال ۱۳۳۸ (دی‌ماه) آن سال من وی را که زنی پیر اما زبان‌آور و خوش‌اندیشه بود در باغ محل سکونتش که در کنار رودخانه و کوه فضای وهم‌آوری داشت ملاقات کردم.

وی از مبارزات خود، شیوه درس خواندنش، اینکه مدرسه ام‌المدارس اصفهان را هم او تأسیس کرده است سخن گفت از رئیس فرهنگ ملایر، از چگونه درس خواندنش، از علاقه‌ای که به آگاهی و رشد فکری زنان کشورش دارد برآیم گفت و گفت که در تهران درس خوانده است مدرسه امریکایی‌ها و گفت که در آن زمان و زمان‌های دیگر امریکایی‌ها در اصفهان مدرسه نداشتند. فشرده سخن اینکه:

۱- نامش بدرالرجی بوده خود این نام را نپسندیده و مهرتاج را برگزیده است.
۲- در تهران به دنیا آمده از پدری که پزشکی خوانده و حقوق‌دان بوده و مادری به نام حمیده که خوش‌فکر بوده است.

۳- اولین زنی است که دیپلم از مدرسه امریکایی‌ها گرفته است.

۴- مدرسه ام‌المدارس را در سال ۱۲۸۰ ش. تأسیس کرده است.

۵- نظام‌نامه مدارس دختران و پسران را نوشته است.

۶- اولین معلم ایرانی است که در مدرسه امریکایی‌ها تدریس کرده است.

۷- لباس متحدالشکل را برای مدارس دختران طراحی کرده است.



- ۸- جوراب پوشیدن را بین زنان تهرانی مد کرده است.
 ۹- ساده‌پوشی و ساده‌زیستی را ترویج می‌کرده است.
 ۱۰- از برخی شاعران مانند عشقی آن هم به علت نوشتن نمایشنامه کفن سیاه ستایش کرده است.

۱۱- طرح خانه امید را پیشنهاد می‌کند طرحی که نشان فکر بلند و وسعت نظر اوست.

۱۲- مبارزه با بیگانگان و ...

۱۳- سخن پایان اینکه وی در پنجاه سالگی از ترواجه ۴۳ ساله خود را در دماوند آغاز می‌کند و علت این گوشه‌گیری را در شعری چنین بیان می‌کند:

هرچه می‌پوشم دو چشم از کار زشت مردمان باز می‌آید به گوشم داستان تازه‌ای
 گر ببندم چشم و گوش و جمله حسن ظاهری باز می‌آید به گوش و هوش من آوازه‌ای
 رشوه و طماعی و بی‌رحمی این جامعه هیچ نبود بر فساد و کارشان اندازه‌ای
 گر تو رخشان می‌توانی با چنین مردم بساز ورنه راه خویش بیرون‌گیر از دروازه‌ای

روزی که من مهرتاج رخشان را که مردم او را با نام خانم مدیر می‌شناختند در خانه باغش دیدم زنی بود هفتاد و هشت ساله که بیست و هفت سال از عمرش در آنجا به تنهایی گذارنده بود وقتی هم این شعر را برایم خواند گفت:

این سان بود که از دروازه تهران پا بیرون نهادم حالا این جا هستم از زندگی‌ام
 راضی‌ام سر بار کسی نیستم. مونس‌هایم خوبند، عروسک‌ها، سگ‌ها، طبیعت یا
 شب، روز، ماه، ستاره‌ها، رنگ ابرها ... رنگین‌کمان، بوی علف، بوی زندگی، فلسفه
 برف، سرما. این‌ها که می‌گویم عرفانی است که به من حس پرستش داده است اما
 خیلی دلم می‌خواست آرزوهایم و طرح‌هایم اجرا می‌شد اما نگذاشتند و نشد وقتی
 پرسیدم کدام طرح؟

گفت: طرح خانه امید و من سال‌ها بعد مقاله وی را درباره خانه امید خواندم.
 در این جا به فرازهایی از این مقاله می‌پردازم:

این دختران جوان مظلوم، دخترانی هستند که یک دفعه بدون قصد به واسطه
 دسایس دخیل بعضی از اشخاص پست‌فطرت بوالهوس لغزیده از خانه پدر که مأمین



آن‌هاست دور افتاده، رفته، رفته به واسطه بعضی حوادث روزگار خواهی نخواستی دچار زندگی پرخطری می‌شوند که باید مادام‌العمر بدون میل بدون اراده بلکه با کمال اجبار به ضرب شلاق آن شغل شنیع فحشا را پیشه نمایند و جامعه هم که ما هستیم درها را چنان محکم از عقب آن‌ها می‌بندیم که هیچ مجال گریز هم برای آن‌ها باقی نمی‌گذاریم. صدای ضجه و ناله آن‌ها را هم نمی‌شنویم آیا حسن‌انسانیت، حسن وطن‌پرستی، حسن نوع‌دوستی به ما اجازه می‌دهد که بگذاریم یک عده دختران وطن ما بدون قصد با چشم‌های بسته در این جهنم افتاده و تا ابد بسوزند و نابود گردند. می‌خواهم بدانم چه ثوابی بالاتر از این خواهد بود که روح یک عده دختران جوان بی‌سامان را از این عذاب ابدی و جنایت اجباری نجات دهیم؟ خواهران عزیز به خاطر می‌آورید که آن‌ها هم روزی جگر گوشه‌های والدین خود بوده و تا میل نداشتند کسی حق نداشت آن‌ها را از خواب بیدار کند.^۱

هما سرشار در مصاحبه‌ای که در شهریور ۱۳۴۸ با وی به عمل آورده است می‌نویسد: در تاریخ نهضت آزادی زن نام بدرالدجی ارزش ویژه دارد. او اولین زن ایرانی است که در اواخر دوره سلطنت ناصرالدین‌شاه به مدرسه رفت و در آستانه انقلاب مشروطیت دیپلم گرفت و از آن مهم‌تر او اولین زن ایرانی است که رمز رهایی خواهران خود را از قید خرافات و تعصبات زهر آگین زمان در این دید که به مدرسه روند و تحصیل کنند و روشندل گردند و به همین جهت نخستین مدرسه دخترانه را در سال ۱۲۸۰ شمسی علی‌رغم مخالفت محیط در تهران دایر کرد و در آن عصر این یک اقدام انقلابی بود که دیوارهای جهل و اسارت را در مقابل زن فرو می‌ریخت در آن روزگار در تهران فقط پسران به مدرسه می‌رفتند و عده‌ای انگشت‌شمار از دختران اعیان و اشراف شهری برای خواندن قرآن معلم سرخانه داشتند و هیچ‌گونه مدرسه عمومی برای نسوان وجود خارجی نداشت.

بدرالدجی که خود اولین دختر فارغ‌التحصیل از مدرسه امریکایی‌ها بود و طعم شیرین باسوادگی را چشیده بود با افتتاح مدرسه ام‌المدارس راه تحصیل را پیش پای

۱. اصل این مقاله در سال ۱۳۰۷ در روزنامه چاپ شده است در سال ۱۳۱۱ در گنگره زنان شرق خانه امید را مطرح کرد سی‌وهفت سال بعد نیز در مصاحبه‌ای که هما سرشار داشت به طرح خود اشاره کرد.



زن ایرانی گشود و برای برپا داشتن این مدرسه مبارزات بسیار کرد. فناتیک‌ها و متعصبین بارها به او سنگ زدند چند بار قصد آتش زدن مدرسه‌اش را داشتند چندبار جلو در مدرسه ریختند و از ورود دختران به کانون کفر و الحاد جلوگیری کردند در شهر شایع کردند که بدرالدجی کافر است و با باسوادکردن دختران می‌خواهد فحشا و بی‌دینی را در مملکت رایج کند و زن مومنه ایرانی را فرنگی بکند.

گرچه درباره زندگی وی، تاریخ تولدش، محل تحصیلش و پایان زندگی‌اش یا از نمی‌دانم‌ها استفاده شده است و یا بعضی از اشتباهی را رونویس کرده‌اند اما از آنجا که من از سال ۱۳۳۸ تا سال ۱۳۵۰ بیش از ۶۰ بار با او ملاقات داشته‌ام کوشیده‌ام همانگونه که خودش خواسته بود داستان زندگی‌اش را بنویسم، اما از تاریخ دقیق مرگش اطلاع نداشتم چنان‌که نویسندگان شرح حال وی نیز اظهار بی‌اطلاعی کرده‌اند من فقط می‌دانستم در دماوند وفات کرده است تا اینکه در دی‌ماه ۱۳۸۳ که برای تدریس کلاس‌های ضمن خدمت به آموزش و پرورش دماوند رفته بودم دبیری از دبیران دماوند^۱ برایم گفت: مرگش را به یاد دارد و پدرش بر مزار خانم مدیر (مهرتاج رخشان) روضه خوانده است این فرهنگی دماوندی که نامش حیدر اسدی است محل دفن را می‌دانست اما برفی که باریده بود امکان دیدن سنگ را نمی‌داد سرانجام در دی‌ماه ۱۳۸۴ مزار نخستین زن تحصیلکرده ایرانی را که نخستین مدرسه دختران را بنا نهاده بود به اتفاق معلمان ادبیات دماوند دیدم روی سنگ فقط نوشته بود.

مهرتاج رخشان

تولد ۱۲۶۰ش.

وفات ۲۹ شهریور ۱۳۵۳

من با شعری از وی که درباره آزادی است به سخن خود پایان می‌دهم^۲

۱. اسد حیدری از دبیران ادبیات آموزش و پرورش دماوند

۲. رمان خاتون معارف ایران بر پایه زندگانی مهرتاج رخشان به وسیله نشر واج در سال ۱۳۸۶ - انتشار یافته است.



آزادی

ای دل غمین برخیز کن بنای آزادی
 تا زنی همی جولان در فضای آزادی
 جهدها و کوشش‌ها بایدت درین میدان
 تما کنی اسیران را آشنای آزادی
 در روان آزادی زندگی جاوید است
 هان تو جسم فانی را کن فدای آزادی
 همچو کرم ابریشم پله را رها بنما
 تا پری چو پروانه در هوای آزادی
 با صدای اعلا ده این خبر به گمراهان
 علم و معرفت باشد رهنمای آزادی
 خیره می‌شود رخشان با حمایت یزدان
 رقص می‌کنند آن دم در نوای آزادی

۴- دره‌المعالی دختر ربابه مرعشی

دره‌المعالی متولد ۱۲۹۵ هـ. ق در تهران، فرزند پزشک فرهنگ دوستی مانند سیدعلی شمس‌المعالی پزشک مخصوص ناصرالدین‌شاه بود. مادرش ربابه مرعشی هم کسی بود که برای نخستین بار به کار آموزش پرداخت.

دره‌المعالی تحصیلات خود را نزد پدر آموخت آنگاه سایر علوم را از استادان زمان خود آموخت زیرا خانواده وی همه از فرهنگ دوستان بودند. در نظم و نشر مهارت داشت اشعاری نیز از وی باقی مانده است وی در سال ۱۳۲۲ ق (۱۲۸۳) مدرسه مخدرات اسلامی را در محله عرب‌های تهران تأسیس کرد. پس از آنکه تعداد دانش‌آموزان زیاد شد محل مدرسه خود را به خیابان پامنار کوچه صدراعظم نوری منتقل کرد وی معلمان مدرسه را از میان اطرافیان و بستگان خود که از زنان روشنفکر و آگاه بودند انتخاب می‌کرد و برای اینکه بتواند به رواج علم بپردازد، بسیاری از شاگردان را رایگان می‌پذیرفت و شهریه نمی‌گرفت. در کتاب اولین زنان درباره این زن فرهنگ‌خواه می‌خوانیم که:

«سال‌ها پیش از آنکه مؤسسات خیریه‌ای در کشور دایر شود دره‌المعالی با هزینه شخصی عده‌ای از اطفال بی‌سرپرست و یتیم را سرپرستی و نگهداری کرد و در واقع می‌توان او را بنیانگذار پرورشگاه دانست ضمن اینکه با استفاده از ثروت پدرش نخستین مدرسه دخترانه را به نام مخدرات اسلامی در سال ۱۲۸۱ در محله عرب‌ها دایر کرد و از زنان تحصیل کرده خانواده برای تدریس در این مدرسه بهره گرفت.»



دره‌المعالی

دختر سیدعلی شمس‌المعالی از شخصیت‌های فرهنگی عصر ناصری و طبیب مخصوص شاه بود که در خیابان سقاباشی با داروهای گیاهی به درمان مردم می‌پرداخت وی در منزل خود مدرسه‌ای به نام اشراف تأسیس کرده بود که بعدها صفوی خوانده شد بعد از درگذشت وی در سال ۱۲۸۵ ش به وزارت فرهنگ واگذار گردید دره‌المعالی علاوه بر کار فرهنگی به فعالیت‌های سیاسی نیز می‌پرداخت پس از قرارداد روس و انگلیس که ایران را به دو بخش تقسیم می‌کرد وی به همراه گروهی، دیگر زنان را به تحریم کالاهای خارجی تشویق و با کمک‌رسانی به آنان، زنان را در ادامه اعتراض یاری رساند و به همراهی صدیقه دولت‌آبادی به بازدید از قهوه‌خانه می‌پرداخت تا آنان را از مصرف شکر وارداتی باز دارند و با تشویق مردم به مصرف پارچه‌های بافت یزد و کرمان مبارزه هدفمندی را در پیش گرفت هم‌چنین با پخش شب‌نامه در آگاهی زنان کوشید وی هدایت گروهی از زنان را برای مبارزه با مجلس بر عهده گرفت و در این راه خواستار مواضع قوی مجلسیان علیه توافق روس و انگلیس شد مدرسه‌ای که وی ایجاد کرد بعدها به دبیرستان تبدیل شد وی از استادانی مانند مسیو احمدخان (درس فرانسه) مسیو علی‌خان (ریاضیات) و فاضل اعمی برای فقه و عربی برای آموزش بهتر دانش‌آموزان استفاده کرد.

وی در سال ۱۳۰۲ ش. مدرسه دیگری به نام دره‌المدارس در کوچه ناظم‌الدوله پشت مسجد سپه سالار تأسیس کرد. / ص ۱۵۶ - ۱۵۷ اولین‌ها - دژم

دره‌المعالی زن دینداری بود در ایام ماه رمضان به دیگران کمک مالی و معنوی می‌کرد جلسات قرائت قرآن در خانه داشت اما زنان و دختران را به آزادیخواهی و دستیابی به حق‌شان نیز تشویق می‌کرد.

وی ذوق شعری داشت ایرج میرزا نیز وی را ستوده از وی چهار فرزند ماند دو دختر و دو پسر، دخترانش به ادامه راه مادر و مادر بزرگ مدرسه را معبد خود



دانستند. وی در سال ۱۳۰۲ ش. در اثر سکت قلبی درگذشت و برابر وصیتش در منزل خود به خاک سپرده شد.

در کتاب از کتیبه تا تاریخ نوشته پوران فرخزاد می‌خوانیم که:

در سال ۱۳۰۲ موفق به بازگشایی مدرسه دیگری به نام درةالمدارس شد در کوچه ناظم‌الدوله پشت مدرسه سپه سالار با هزینه خود و هرگز حاضر نشد بابت تحصیل از شاگردان پولی دریافت کند. اینک سال‌هاست که مزار او زیارتگاه مردم ادب دوست است. / ص ۸۳۲

تبرستان

www.tabarestan.info

۵- مدرسه آزر و دختر درةالمعالی

گامی را که ربابه مرعشی آگاهانه برداشته بود. دخترش درةالمعالی دنبال کرد و پس از مرگ وی نوه ربابه مرعشی خانم شمس‌الضحا مدیریت مدارس: درةالمدارس و مخدرات را عهده‌دار شدند.

شمس‌الضحا هوشی (خاقانی) دختر کوچک بانوی مبارز، فرهنگی، درةالمعالی و نوه ربابه مرعشی که در محیطی فرهنگی پرورش یافته بود. در پایان تحصیلات در حالی که ۱۸ سال بیشتر نداشت مدیریت مدرسه درةالمدارس را که به همت مادرش تأسیس شده بود به عهده گرفت و به خاطر علاقه‌ای که به آموزش و پرورش دختران داشت تمام نیروی خود را صرف توسعه‌ی آن مدرسه کرد و در سال ۱۳۱۲ خورشیدی نام آن را به آزر تغییر داد.

او بیشترین سال‌های عمر خود را به این هدف بزرگ گذراند اما در گیرودار جنگ جهانی دوم و بروز بحران اجتماعی اقتصادی به ناچار مجبور به واگذاری مدرسه خود به وزارت فرهنگ شد ولی تا پایان عمر به خدمات آموزشی خود ادامه داد. عمر او در اول مرداد ۱۳۴۰ ش. به پایان رسید. شاعر بزرگ استاد نظام وفا در مرثیه‌ی او قصیده‌ای سروده است. / ص ۸۹۷ از کتیبه تا تاریخ

مشروطه، زنان، آزادی، مدرسه

انقلاب مشروطه به نتیجه رسید در این انقلاب زنان نیز همراهی داشتند. دلیری‌های زنان را مورخان از نظر دور نداشته‌اند.

ایوانف در مقاله‌ای می‌نویسد:

در بیستم ژانویه ۱۹۰۷ (ذی حجه ۱۳۲۴) میلیتاری از بانوان شهر تهران تشکیل شد که در آن ده ماده از خواسته‌های زنان و از آن جمله تأسیس مدارس دخترانه و تعدیل و تخفیف در میزان صداق به تصویب رسید.^۱

تربا باولویچ، وایرانسکی در رساله‌ای با نام انقلاب مشروطه ایران نوشته‌اند که: در نهضت مشروطه ایران، زنان ایرانی نیز پای در میان داشتند. عکس یک دسته شصت نفری از زنان چادر به سر و تفنگ به دست اکنون در اختیار ماست اینان نگهبانان یکی از سنگرهای تبریز بودند.^۲

کسروی، در ذکر وقایع روز یک‌شنبه ۱۳ ربیع‌الاول ۱۳۲۵ ق می‌نویسد امروز زنان تهران نیز در خیزش پا در میان داشتند و چنانکه جبل‌المطین نوشته پانصد تن از ایشان در جلو خان بهارستان گرد آمده بودند.^۳

سرانجام فرمان مشروطه صادر شد. نمایندگان مردم در مجلس شورای ملی گرد آمدند در این زمان کوشش برای ایجاد مدارس زیاد شد اما چون باید ذهن مردم برای انجام چنین کاری آماده می‌شد نخست در روزنامه به تبلیغ پرداختند چه مردان و چه زنان، و چه نمایندگان مجلس شورای ملی در باره تأسیس مدارس دختران نظریات گوناگونی داشتند، برخی اعتقاد داشتند که مردان نیاز به زنان باسواد و عالم دارند. اینان به گسترش مدارس دخترانه اعتقاد داشتند اما همین افراد شرکت زنان را

۱. ایوانف «تأثیر انقلاب ۱۹۰۵ در روسیه در» ۱۹۱۱ ایران مجله یادداشت‌های علمی مجله ۱، ۱۹۲۹، ص ۲۴۴.

۲. این رساله به وسیله م - هوشیار ترجمه و در سال ۱۳۳۰ ش. چاپ شده است.

۳. تاریخ مشروطه کسروی جلد ۲، ص ۳۴۴.

در مسایل سیاسی و اجتماعی قبول نداشتند. گروهی بر این باور بودند که محدودیتی نباید وجود داشته باشد زنان حق دارند درس بخوانند در مسایل سیاسی و اجتماعی شرکت کنند حق انتخاب نماینده دارند. گروهی از مشروطه خواهان با تأسیس مدارس دخترانه مخالف بودند و در نتیجه برای زنان حق رأی هم نمی‌پسندیدند اما زنانی بودند که از سال ۱۲۷۵ ش. تا به ثمر رسیدن مشروطه نشان داده بودند که هم دلیری لازم را در مبارزات انقلابی دارند، هم درک مسایل اجتماعی را.

شوستر مستشار امریکایی ایران از سازمان‌های زنانه یاد می‌کند و اعتراف می‌کند که اعضای این سازمان‌ها سوگند یاد کرده‌اند که با استقراض از روس و انگلیس که استقلال کشور را به خطر می‌اندخته است مبارزه کنند.

اتحادیه غیبی نسوان که از اولین تشکل‌های زنان پس از مشروطه به شمار می‌رود با همه عمر محدودی که داشته است نشان می‌دهد که به برقراری عدالت اجتماعی باور داشته‌اند این اتحادیه که در دوره اول مجلس شورای ملی فعالیت خود را شروع کردند پیش از هر کاری در این فکر بودند تا از استعداد و توانایی‌های نمایندگان باخبر شوند و بفهمند که آیا نمایندگان از آنان دفاع خواهند کرد یا نه؟ در جلسه ۵شنبه ۹ صفر ۱۳۲۶ (۱۲ مارس ۱۹۰۸) در باره فعالیت این انجمن مجلس به شور پرداخت.

میرزا علی آقا، نماینده مجلس گفت: اصل اجتماع شرعاً ضرری ندارد. اما توضیح داد که: «ما چون به طبیعت زن‌های مملکت خودمان مسیوق هستیم گمان نمی‌کنم که اشخاص با عفت و عصمت داخل این‌کار شوند و گمان می‌کنم اشخاصی مُفسد و مفرض هستند می‌خواهند به واسطه این اجتماعات بعضی فسادها کنند به این جهت نباید این اجتماعات حاصل شود و باید جلوگیری از فساد آتی‌ه شود».

برخورد مجلس با این انجمن، اتحادیه غیبی را بر آن داشت که خواسته خود را در نشریه ندای وطن به چاپ برسانند: در این نامه می‌خوانیم که:

¹ W.Morgan. Shuster, Iho sumamgof pensia. Lovelon. 1913, p.p 186-18.

ما روز و شب زندگی خود را به خواندن روزنامه سپری می‌کنیم تا ببینیم که مجلس چه گفته است و چه کرده است ما همه نشریات را مرور کرده‌ایم و به این نتیجه رسیده‌ایم که چهارده ماه از انقلاب گذشته و مجلس برای ملت هیچ کاری نکرده است. مجلس حتی یک یا دو قدم کوچک در راه خشنودی ملت برنداشته است و از این رو مردم از خود می‌پرسند که اگر ما می‌خواستیم شاه و وزیر امور کشور را اداره کنند پس چه ضرورتی داشت که خود را به زحمت اندازیم و انقلاب کنیم. اتحادیه به نمایندگان مجلس نوشته بودند اگر چهیل روز فقط اداره امور به دست زنان افتد «ما به تدوین قانون خواهیم پرداخت و کار پلیس را هماهنگ خواهیم گردانید. ما به انبارهای غلات ثروتمندان یورش خواهیم برد برای توزیع نان. ما حق مردم را از وزیران خواهیم گرفت و به تأسیس بانک ملی دست خواهیم زد. ما قوای عثمانی را پس خواهیم راند و زنان زارع قوچانی را به خانه‌هایشان باز خواهیم گرداند». البته عمر این اتحادیه چندان نپائید اما نگاهشان نگاه دقیقی است. اشاره به فروش دختران قوچانی و تشکیل بانک، اشاره به احتکار غلات / ص ۵۹ - ۶۰ به نقل از کتاب دایرةالمعارف زن ایرانی به اختصار.

از انجمن های دیگری که در صدر مشروطه به وجود آمد. انجمن مخدرات وطن است این انجمن در سال ۱۳۲۸ هـ. ق به کوشش ۶۰ تن از بانوان فعال و فرهنگ دوست که به مسایل اجتماعی علاقه‌مند بودند شکل می‌گیرد. بانو آغایبیگم، صدیقه دولت‌آبادی، بنیانگذار اولین مدرسه در اصفهان خانم درةالمعالی دختر سید علی درةالمعالی بنیانگذار مدرسه در تهران ماهرخ گوهرشناس مؤسس مدرسه ترقی بنات. از کارهای این انجمن می‌توان ۱- دفاع از استقلال میهن ۲- مخالفت با وام گرفتن از بیگانه ۳- جلوگیری از خرید کالاهای خارجی و تبلیغ استفاده از کار وطنی از جمله پوشیدن لباس از پارچه‌های ساخت وطن، از نخستین اقدام‌های انجمن، تأسیس مدرسه‌ای بود برای صد دانش‌آموز دختر در محله ولی‌آباد تهران جنوب شهر که هزینه آن از محل درآمدهای نیکوکارانه بود.

انجمن عفاف، این انجمن که پس از برقراری مشروطه در سال ۱۲۸۶ به وسیله همسر میرزا حسن رشدی در محل مدرسه پرورش دختران برپا شد. اهداف این

انجمن. ۱- پرورش دختران دبستانی ۲- فراهم کردن زمینه‌ای برای مشارکت زنان در امور اجتماعی و سیاسی ۳- ترویج استفاده از لباس‌های وطنی ۴- تحریم کالاهای خارجی

انجمن کارش را آغاز کرد. اما خیلی زود با اهداف انجمن مخالفت شد و مأموران حاکم تهران انجمن را تعطیل و مدرسه پرورش را نیز تعطیل کردند اما وزارت معارف بلافاصله اقدام به بازگشایی مدرسه کرد.

کشاکش میان طرفداران مشروطه، مدرسه، انجمن و مخالفان مدرسه و انجمن مشروطه ادامه یافت در حقیقت این کشاکش باید جدا از آزادی خواهان و استبداد دانست سرانجام موضوع به مجلس شورای ملی کشیده شد اما مجلس نیز پس از مدتی بحث صلاح دید که انجمن تعطیل شود و شد / ص ۲۵۶ - دایرةالمعارف به اختصار.

انجمن نسوان

در سال ۱۳۳۰ هـ. ق برابر با ۱۲۹۱ ش. گروهی از زنان تهرانی انجمن نسوان را با اهداف زیر تشکیل دادند.

۱- تأسیس مدرسه عالی نسوان ۲- ترویج علوم و هنر در میان نسوان
انجمن گرچه هرگز به اولین هدف خود که تأسیس مدرسه عالی نسوان باشد موفق نشد اما اولین حرف زده شد.

زنان، روزنامه، مدرسه

چه علت دارد که زن‌های ما چند دفعه جمع شده عریضه‌ها به مجلس شورای ملی و هیأت وزرا عرض کرده با کمال عجز و الحاح اجازه تشکیل مدرسه به طرز جدید و تربیت انجمن نسوان خواستند هر دفعه و کلا و وزرای ما گذشته از این‌که همراهی نکردند ضدیت نمودند.

(صوراسرافیل سال اول شماره ۳ - ۵شنبه ۱۱ جمادی‌الاول ۱۳۲۶ هـ. ق)

زنان حق رأی نداشتند آنان در عداد ورشکستگان به تقصیر و محجورین به حساب می‌آمدند عده‌ای از زنان اتحادیه‌ای تشکیل دادند به نام اتحادیه غیبی، این

اتحادیه به کار نمایندگان اعتراض دارند اما بیشتر زنانی که واقع بین تر بودند بر این اعتقاد بودند که تأسیس مدارس دختران و علم‌آموزی دختران اصلی‌ترین کار خواهد بود. زیرا زنان خواندن و نوشتن نمی‌دانستند و این کار آسانی نبود زیرا مخالفان زیادی داشت چنانکه در سال ۱۳۲۰ هـ. ق که علیا جناب نسا خانم که از قفقاز به تهران آمده بود تا مدرسه‌ای ایجاد کند موفق نشد یک سال بعد خانم طویی رشديه مدرسه پرورش را تأسیس کرد در سه روز اول ۱۷ دانش‌آموز ثبت نام کردند اما روز چهارم فراشان تابلو مدرسه را برداشتند و مدرسه تعطیل شد / ص ۱۴۸ - رشديه - شمس‌الدین^۱.

کوشش زنان فرهنگ دوست و دلسوز برای ایجاد مدارس اگر چه با کارشکنی و کج‌اندیشی برخی از متعصبان روبه‌رو می‌شد اما پشتکار زنان از یک سو و همراهی روزنامه‌نگاران زن از سوی دیگر به آگاهی مردم می‌افزود. روزنامه‌هایی که زنان عهده‌دار نشر آن بودند، علاوه بر این که به آزادی زنان و حقوق اجتماعی آنان توجه می‌کردند به مسایلی مانند حفظ‌الصحه اطفال، خانه‌داری، بچه‌داری، تربیت دوشیزگان، مدارس دخترانه و گسترش آن، مبارزه با خرافه‌پرستی و اخلاق تکیه داشتند به طوری که انتشار این روزنامه‌ها می‌توانست در میل به دانش‌اندوزی و گسترش علم و سوادآموزی دختران و زنان مؤثر باشد.

روزنامه دانش به مدیریت خانم دکتر کحال^۲، در تهران

روزنامه شکوفه به مدیریت مریم مزین السلطنه در تهران

زبان زنان صدیقه دولت‌آبادی در اصفهان

نامه بانوان صدیقه دولت‌آبادی در تهران

۱. سوانح عمر - تهران - نشر تاریخ ایران.

۲. روزنامه دانش، مدیر خانم کحال تأسیس ۱۳۲۸ هـ ق (۱۹۱۰ م) محل نشر تهران به نوشته و پژوهش لیلا رستگار در پژوهشنامه تاریخ مطبوعات ایرانی: شماره ۱ سال ۱- ۱۳۷۶. دکتر کحال زن چشم پزشکی است که به جز روزهای جمعه در محل روزنامه دانش بیماران را هم ویزیت می‌کرد. به تحلیل دکتر محیط طباطبایی در اغلب شماره‌های این روزنامه اخبار مربوط به مدارس دخترانه چاپ می‌شده است چنانکه در شماره ۲۹ روزنامه از امتحانات مدرسه هنر دختران که دبستانی مربوط به شرکت علمیه فرهنگ بوده مطلب مفصلی چاپ شده است همراه با شعر و خطابه ادیب الممالک و خواهر او شاهین.

را باید از روزنامه‌هایی دانست که ویژه زنان بودند. خانم دکتر کحال خود پزشک بود مزین السلطنه به ایجاد مدارس دل‌بسته بود خود نیز موفق شد در سال ۱۲۹۲ ش. مدرسه دارالعلم و الصنایع مزینیه را افتتاح کند.

خانم صدیقه دولت‌آبادی خود از مدرسه سازان بود بنابراین نشریه زنان جدا از جنبش گسترش و ایجاد مدارس بررسی نباید شود.

اما روزنامه شکوفه از روزنامه‌هایی است که هدفدار است من فقط به نقل چند سطر از این روزنامه بسنده می‌کنم.

«هیچ مملکتی پا به دایره تمدن و ترقی نگذاشت مگر به واسطه روزنامه، روزنامه است که تنفیذ افکار و تربیت نطق و گفتار می‌دهد و طریقه زندگانی و تحصیل مکتب و ثروت را به ما نشان می‌دهد چون اول زمانی است که ما زن‌های ایرانی می‌خواهیم قدم در دایره ترقی بگذاریم و اغلب از ماها بلکه عموماً هنوز از فواید علم و صنعت و هنر معیشت بی‌بهره و بی‌نصیب مانده حتی حساب دو شاهی پول را نمی‌توانیم داشته باشیم. در صورتی که اطفال اقلأ تا سن هفت سالگی در تحت تربیت امهات می‌باشند و آنچه ملکه طبیعت آن‌ها می‌شود با شیراندرون شده و با جان به در شود... اما به چه وسیله می‌توان این عقاید و عادات را که در نهاد ما رسوخ پیدا کرده ترک شود اما این کار ممکن نمی‌شود مگر به واسطه روزنامه و جرایدی که مخصوص خود خانم‌ها و به زبان خودشان که مأنوس هستند ایشان را از خواب غفلت بیدار و از اثر تخدیر مرفین جهل هوشیار کرد. هیچ وقت نباید خیال کرد که زن‌ها نباید در جرگه متمدنین عالم بشوند نه چنین است شیر که از بیشه بیرون آید نر و ماده ندارد سال‌ها بود که در این خیال بودم که چه جهت دارد از ما زن‌های ایرانی هیچ آثار علم و دانشی به عرصه بروز و ظهور نرسد، هیچ وقت خیال نمی‌کردم که باید علم و دانش منحصر به صنف رجال باشد و زن‌ها از این فیض عظمی محروم و مأیوس باشند در صورتی که قادر متعال هر دو را یک‌سان آفریده و به علاوه چون خود زنان مربی اطفال می‌باشند در زیادت ادب و تربیت اخلاق آن زیادتر باید سعی شود. / ص ۵۹۰ مقاله لیلا رستگار در پژوهشنامه تاریخ مطبوعات ایران، در شماره یک روزنامه شکوفه (مورخ ذی‌حجه ۱۳۳۰ هـ. ق) در

مورد تفکر حاکم بر جامعه مبنی بر این که زنان نباید علم و خط و سواد داشته باشند، آمده است:

ای خانم‌های محترمه چشم باز کنید حواس ظاهره و باطنه خودتان را جمع کنید و سخنان و اقوال بعضی از عوام را دور اندازید که زن‌ها نباید علم و خط و سواد داشته باشند، این حرف‌ها شنیدنی و گوش دادنی نیست و بدون تأمل و تحقیق است این‌ها یعنی چه؟ پیغمبر اکرم فرمود که تحصیل علم فریضه هم مسلم و هم مسلمه است / ص ۵۹۱ مقاله.

در شماره هجدهم روزنامه شکوفه با بررسی مقایسه‌ای بودجه مدارس دختران و پسران را ذکر کرده است. «دولت در سال مبالغی مخارج مدارس پسران می‌نماید ولی در سال پنج تومان اعانه نمی‌دهد به مدارس نسوان این بیچاره‌ها مدیران مدارس نسوان تا کی باید قرض کنند و مخارج مدارس نمایند البته آنچه به جایی نرسد فریاد است / ص ۵۹۱

صدیقه دولت‌آبادی در نشریه زبان زنان که سه سال پس از تعطیل شدن روزنامه شکوفه در اصفهان شروع به کار کرد در مطالب خود بیشتر به زنان، دوشیزگان و کارهای مربوط به آن توجه داشت اما کم کم به مسأله آزادی و استبداد روی آورد سرانجام این روزنامه را به بهانه نوشتن مقاله‌ای علیه قرار داد ۱۹۱۹ که در شماره ۴۸ سال دوم چاپ شده بود تعطیل کردند اما پس از کودتای ۱۹۱۹ با شیوه‌ای تازه در تهران به زیر چاپ رفت به نوشته پری شیخ‌الاسلامی رئیس نظمی به هنگام ابلاغ توقیف به خانم دولت‌آبادی می‌گوید:

خانم شما صد سال زود به دنیا آمدید! پاسخ می‌شود که: آقا، من صد سال دیر متولد شدم چون در غیر اینصورت نمی‌گذاشتم امروز زنان چنین خوار و خفیف و در زنجیر شماها اسیر باشند / ص ۹۸، زنان اندیشمند و روزنامه‌نگار ایران.

نامه بانوان نیز در سال ۱۳۳۸ هـ ق در تهران آغاز به کار کرد این روزنامه با شعار زنان نخستین آموزگار مردانند و این روزنامه برای بیداری و رستگاری زنان بیچاره و ستمکش است، تنها به مسایل زنان نمی‌پرداخت!

۱. نامه بانوان به مدیریت شهناز آزاد در سال ۱۳۲۸ تأسیس شد شهناز آزاد دختر میرزا حسن رشدیه و همسر میرزا ابوالحسن آزاد مراغه‌ای بود.

نشریه عالم نسوان با مدیریت نوابه صفوی هر دو ماه یک بار منتشر می‌شود. در روی جلد هر شماره از نشریه ابیاتی چاپ می‌شده است.

نسوان:

نگ و ذلت و پستی تا چند، در حالت نیستی و هستی تا چند

بازچه بودن به دست رندان تا کی؟

در قید هوا و مدپرستی تا چند؟

همت، همت که روز یی‌داری ماست غیرت غیرت که وقت هشیاری ماست فرصت، فرصت که کار با یاری ماست جرات که عصر دلداری ماست

«منگنه» و مجله بی بی

محترم اسکندری، نورالهدی منگنه، ارغون، ژاله قائم‌مقامی و بسیاری دیگر از زنان بر این باور بودند که با روزنامه‌نگاری، شعر و تشکیل انجمن‌هایی برای بانوان می‌توانند برای رهایی زنان از قید جهل و خرافات آنان را به حقوق خود آشنا کنند چنانکه خانم دکتر کحال در روزنامه دانش اصرار داشت که به مخاطبان بفهماند این نشریه جنبه سیاسی ندارد. در شماره دوم روزنامه می‌خوانیم که روزنامه اطلاعات اخلاقی و ادبی و مسلک مستقیمش تربیت نسوان و دوشیزگان و تصفیه اخلاق زنان است، وی کوشش دارد که نشان دهد که مخاطبش فقط زنان هستند او می‌خواهد زنان باسواد شوند در یکی از مقاله‌ها که با تیتربسم‌الله‌الرحمن‌الرحیم آغاز شده است می‌خوانیم.

بر ارباب دانش و بینش مخفی نیست که خالق عقل و دانش و رزاق کل آفرینش تربیت نوع بشر را از پسر و دختر به عهده کفایت و قوه درایت امهات نهاده و این موهبت را به طایفه نسوان داده زیرا تمام موالید از زمان تولد تا نزدیک ده سال کسب اخلاق و تربیت از مادر می‌نمایند و تقلید از حالات و اخلاق آن‌ها می‌کنند خاصه بنات که آن‌ها نیز در آتیه امهات هستند و هر گاه مادرها صاحب اخلاق رذیله باشند ناچار اولاد صاحب اخلاق حسنه نخواهد شد پس چه باید کرد که مادرها بتوانند از عهده این خدمت به خوبی برآیند. / ص ۴۴۸ دایرةالمعارف زن

ایرانی



خانم دکتر کحال درباره خود نیز چنین می‌نویسد:

برای اینکه به خانم‌های محترمت وطن و مادرهای عزیز صاحب عقل و فن تعلیم خانه‌داری و شوهرداری و بچه‌داری بنمائیم و بر دانش آن‌ها بیفزائیم این کمیته خانم دکتر صبیبه مرحوم میرزا محمد حکیم‌باشی جدیدالاسلام، این جریده موسوم به دانش را علی‌الحساب هفته‌ای یک نمره تقدیم ارباب ذوق و دانش می‌سازم.

نورالهدی منگنه زنی نویسنده، روزنامه‌نگاری آگاه که در انجمن نسوان وطن خواه با محترم اسکندری همراه بود این زن که از مدافع زنان بود براین اعتقاد بود که زنان نیز باید در کلاس‌های بزرگسالان درس بخوانند منگنه برای دفاع از تحصیل زنان و برای مبارزه با عوام که درس خواندن را عامل فساد اخلاق می‌دانستند با بسیاری از روحانیون تماس می‌گرفت در این گفتگوها توضیح می‌داد که زنان در صورت باسوادی هرگز هنگام نوشتن نامه به همسرانشان اسرار خانوادگی خود را برملا نخواهند کرد. بلکه با خواندن او را و ادعیه بیشتر به اسلام خواهند گروید از طرفی چون تأسیس کلاس اکابر پس از کسب اجازه از روحانیون با مشکلات مادی نیز همراه بود وی در منزل شخصی خود واقع در خیابان شاهپور کوچه «وزیر نظام» نمایشی به نفع دایر کردن کلاس اکابر ترتیب داده بدیهی است چنین کارهایی بی‌مخاطره نبود. ولی در اقدام دیگری ... کارت‌هایی برای عروسی فروخت و برای مراسم جشن از رئیس آگاهی، «محمد درگاهی»، مجوز هم گرفت ولی مأموران نظمی به وسط نمایش به خانه وی ریختند، نورالهدی را مورد ضرب و شتم قرار دادند اسباب منزلش را غارت کردند اما وی از پاننشست به خانه‌ای دیگر رفت و سرانجام موفق شد با پول‌های جمع‌آوری شده از طریق فروش بلیط‌ها کلاس‌های اکابر را تأسیس کند بدیهی است فعالیت زنانی مثل نورالهدی منگنه و مبارزانی مانند صدیقه دولت‌آبادی محترم اسکندری زمینه را برای گسترش مدارس فراهم می‌ساخت.

هدف محترم اسکندری از تشکیل جمعیت نسوان وطن‌خواه

الف - تربیت و پرورش دختران ب - ترویج صنایع میهنی ج - باسواد کردن زنان د - نگاهداری از دختران بی‌سرپرست ه - تأسیس بیمارستان برای زنان درمانده و تشکیل تعاونی برای تکمیل صنایع داخلی.

تفکر محترم اسکندری با مخالفت‌هایی از سوی عده‌ای از مردان که رفتار او را بر نمی‌تابیدند روبه‌رو می‌شد.

یکی از کارهای وی که باعث بازداشت وی شد این بود که جزوه مکر زنان را آتش زد. بنابراین می‌توان وی را به عنوان اولین زنی که در تاریخ معاصر به جرم شورش بازداشت شد شناخت.

آشنایی با زنان روزنامه‌نگار

- ۱- دکتر کحال ۲- صدیقه دولت‌آباده ۳- فخرآفاق پارسا ۴- نوابه صفوی
- ۵- شهناز آزاد ۶- محترم اسکندری ۷- ملوک اسکندری ۸- مریم مزین‌السطنه ۹- شمس‌الملوک جواهرکلام

شهناز آزاد

نامه بانوان در سال ۱۳۳۸ ه. ق. ۱۹۲۰ م هر دو هفته یکبار در تهران منتشر می‌شد، مدیر و سردبیر این نشریه شهناز آزاد بود. وی دختر میرزا حسن رشدیه و همسر میرزا ابوالحسن آزاد مراغه‌ای بود. این روزنامه مانند روزنامه دانش و شکوفه فقط به مسائل زنان نمی‌پرداخت شعار این روزنامه چنین بود که: زنان نخستین آموزگار مردانند این روزنامه برای بیداری و رستگاری زنان بیچاره و ستمکش ایران است.

نوابه صفوی

روزنامه عالم نسوان، صاحب امتیاز و مدیرش نوابه صفوی است این نشریه هر دو ماه یکبار منتشر می‌شد.

دکتر کحال

نخستین چشم‌پزشک زن ایرانی است وی دختر یعقوب جدیدالاسلام همدانی بود. نشریه دانش را در سال ۱۲۸۶ ش انتشار داد.

نشریه دانش نخستین نشریه فارسی زبانی است که موضوع آن به زنان مربوط می‌شده است. هدف از انتشار این روزنامه تربیت نسوان و تصفیه اخلاق آنان بوده است.



صدیقه دولت‌آبادی

این زن فرهنگ دوست که پایه‌گذار مهدکودک و مبتکر آموزش بزرگسالان در ایران بود در سال ۱۲۶۵ ش به دنیا آمد. خانواده‌اش روحانی بودند مجله جهان زنان را برای روشن شدن اندیشه زنان منتشر کرد. دولت‌آبادی از جمله زنانی است که باید درباره‌اش پژوهشی درخور انجام گیرد. اولین نشریه‌ای که نام زنان در آن گنجانده شده بود (زبان زنان) از اوست.

فخر آفاق پارسا

در سال ۱۲۷۷ در تهران به دنیا آمد. پدرش با تحصیل موافق نبود اما با حضور وی در مکتب‌خانه موافقت شد. اما پس از ۶ سالگی مادر فخر آفاق بود که دور از چشم پدر دخترش را به مدرسه‌ای برد که خود در آنجا خیاطی و گلدوزی درس می‌داد. نام این مدرسه دخترانه دوشیزگان وطن بود. سرانجام پس از ۶ سال این راز آشکار شد و این زمانی بود که وی ۱۲ ساله شده بود. پافشاری وی برای ادامه تحصیل پدر را بر آن داشت تا اجازه دهد در خانه درس بخواند. فخر آفاق دو زبان عربی و فرانسه و دیگر درس‌ها را در خانه فراگرفت و پس از مدتی از وی خواسته شد تا در یکی از دبستان‌های تهران درس بدهد. در سال ۱۲۹۱ ش که چهارده سالش بود با فرخ‌دین، پارسا ازدواج کرد فرخ‌دین پسر مدیر مدرسه‌ای بود که فخر آفاق در آن درس می‌داد.

فخر آفاق و روزنامه‌نگاری

فرخ‌دین مدیر داخلی روزنامه ارشاد بود. این موضوع باعث شد تا با کار مطبوعاتی آشنا شود. وقتی محل کار آنان به مشهد انتقال یافت فخر آفاق در مدرسه فروغ کار تدریس را آغاز کرد. در این شهر بود که امتیاز مجله جهان زنان را دریافت کرد. چون در مقاله‌های جهان زنان سخنانی نوشته می‌شد که مورد اعتراض بعضی از متعصبان قرار گرفت قوام‌السلطنه که والی خراسان بود وی را به تهران تبعید کرد. اما فخر آفاق پس از مدتی مجله جهان زنان را در تهران منتشر کرد فقط ۵ شماره از مجله منتشر شده بود که مجله توقیف شد علت آن هم مقاله‌ای بود که

برابری درس برای دختران و پسران را خواسته بودند. هم روزنامه توقیف شد هم فخرآفاق به قم تبعید شد وی دو سال در تبعید قم بود و فرزند وی را که باردار بود در سال ۱۳۰۱ ش در قم به دنیا آورد و نام فرزند را فرخرو گذاشت پس از تبعید و آمدن به تهران در اندیشه نشر مجدد مجله بود اما این «امکان» به وی داده نشد فخرآفاق هیچگاه دست از مبارزه برنداشت و با فعالیت در مجله عالم نسوان به پیشبرد افکارش ادامه داد. فرزند دختری که در قم به دنیا آمده بود، پس از تحصیل در مدرسه، دبیرستان، دانشسرای مقدماتی و عالی و دانشکده پزشکی سرانجام نماینده مجلس شد و بعد معاون آموزش و پرورش و در پایان وزیر آموزش و پرورش شد پس از پیروزی انقلاب اسلامی محکوم به اعدام شد.

مادرش فخرآفاق در تهران وفات یافت و در محل خانقاه صفی علی شاه به خاک سپرده شد.

شمس الملوک جواهر کلام

شمس الملوک جواهر کلام، نویسنده، مؤلف، سخنران و مبارز اجتماعی تحصیلاتش را در مدرسه‌ی ناموس به مدیریت توپا آرموده و مدرسه‌ی امریکایی به پایان آورد. سپس به آموزگاری و نویسندگی در زمینه‌ی حقوق زنان روی آورد. او ۴ سال پس از ازدواج با نویسنده و روزنامه‌نگار معروف، علی جواهر کلام در ۱۲۹۶ ش. با او به تفلیس گرجستان و پس از ۳ سال به استانبول رفت و مدتی را در مدارس ایرانی به تدریس ادبیات فارسی گذراند. در بازگشت به تهران در حالی که به نوشتن مقالاتی درباره‌ی حقوق اجتماعی زنان و راهبری فکری آنان ادامه می‌داد به عنوان یکی از زنان مبارز آن دوران شناخته شد و با سخنرانی‌های پرشور شنوندگان بسیاری به دست آورد، سپس در ۱۳۱۴ به کانون بانوان پیوست و در کنار صدیقه دولت‌آبادی و دیگر زنان حق‌طلب به مبارزات منسجم‌تری ادامه داد. او که مادر ۳ فرزند بود در ۱۳۳۸ کتابی را به نام «زنان اسلامی در ایران» انتشار داد و از آن پس در شورای شهرداری شمیران به خدمات اجتماعی پرداخت.

از تاریخ مرگ شمس الملوک «جواهر کلام» نشانی به دست نیامد.



مریم عمید (۱۳۳۷ - ۱۲۹۸)

مریم عمید که بیشتر به نام مزین السلطنه شهرت دارد، از فرهنگ‌دارترین بانوان خطه‌ی کومش «سمنان - دامغان - شاهرود» است که در تاریخ فرهنگ و ادب ایران نقش بسزایی را ایفا کرده است. او یگانه دختر پزشک نامبردار قشون ایران به زمان ناصرالدین‌شاه، رئیس‌الاطباء سمنانی «میر سیدرضی» و خواهر میرزا سید ابراهیم‌خان عمیدالسلطنه سمنانی نخستین نماینده‌ی مردم کومش در مجلس شورای ملی بود و از آنجا که در خانواده‌ای فرهیخته متولد شده بود، زیر نظر پدر اندیشمند خود مقدمات خواندن و نوشتن را فرا آموخت. سپس به سبب ششور و علاقه‌ای که به دانش‌اندوزی داشت، به محفل اساتید فن راه یافت و تا پایان زندگی لحظه‌ای از این مهم غافل نماند و در زمانه‌ای که زنان حق سوادآموزی نداشتند، نه تنها زبان فرانسه که فن عکاسی را نیز آموخت.

او در آغاز جوانی یعنی شانزده سالگی با یکی از شاهزادگان قاجار به نام عمادالسلطنه سالور ازدواج کرد، اما این پیوند به درازا نکشید و پس از گذشت یک سال به جدایی انجامید. اما هفت سال بعد باری دیگر با مرد ادیب و خرد پیشه‌ای به نام قوام‌الحکماء پیوند ازدواج بست که نه تنها با دانش‌آموزی همسرش هیچ مخالفتی نداشت که همواره تشویق‌کننده و همیار او نیز بود.

خانم مریم عمید در سال ۱۲۹۲ هجری به سبب علاقه‌ای که به سوادآموزی بانوان داشت، فعالیت فرهنگی خود را نه تنها با انتشار روزنامه شکوفه^۱ که با تأسیس مدرسه‌ی دخترانه‌ی «دارالعلوم و الصنائع مزینیه» به گونه‌ی رسمی آغاز کرد و از آنجا که این نخستین باری بود که روزنامه‌ای ویژه‌ی دوشیزگان و بانوان آن هم به مدیریت یک بانو در ایران منتشر می‌شد که جز بهبود شرایط اجتماعی زنان هدف دیگری را دنبال نمی‌گرفت و در این راه چنان شورمندانه پیش می‌رفت که حتی از بسیاری از شاگردان به طور مجانی ثبت‌نام می‌کرد. او هم از سوی مردمی که چشم به راه آینده‌ی زنان ایران داشتند و هم از سوی وزارت معارف و اوقاف و فوائد عامه، بارها مورد تمجید و تشویق قرار گرفت و درباره‌ی مدرسه‌ی مزینیه اشعار

۱. ادیب‌المالک فراهانی درباره روزنامه زنانه شکوفه چکامه‌ای در ۲۵ بیت سروده‌اند.

زیادی سروده شد^۱ و نوشتارهایی به رشته‌ی تحریر درآمد. خانم مریم عمید «مزین السلطنه» در سال‌های پایانی زندگی به انجمن «همت خواتین ایران» پیوست و روزنامه‌ی خود را در اختیار آن انجمن قرار داد و از هیچ‌گونه کوشش در راه به ثمر رسیدن هدف‌های آن انجمن کوتاهی نکرد.

این بانوی فرهیخته که از پیش‌آهنگان نهضت‌های آزادی خواهانه زنان ایران است در سوم شوال سال ۱۳۳۷ خ. در سمنان به سبب عارضه‌ی قلبی دیده از زندگی فرو بست و سرانجام زندگانی جسمانی‌اش به پایان رسید، اما نامش پیوسته به نیکی در تاریخ زنان ایران زنده خواهد ماند.

زنددخت شیرازی (۱۳۳۱ - ۱۲۸۸)

بانو زنددخت شیرازی دارای یکی از آن ارواحی بود که هر هزار سال یک‌بار در قالبی تجلی می‌کنند تا زمانی کوتاه نشانگر لطف و مهربانی و انسان‌دوستی باشند. او در سال ۱۲۸۸ خورشیدی در شهر شیراز پای به دنیا گذاشت و در خانواده‌ای فرهیخته تربیت و بالنده شد و دوران کودکی را گذراند. این بانوی

۱. ادیب‌المالک فراهانی چکامه‌ای نیز در ۲۶ بیت درباره مدرسه مزینه بنات (دختران) سروده‌اند.

من فقط به آوردن چند بیت از آن بسنده می‌کنم:

مزینیه کنون رونق‌سی دگر دارد

مزینیه چو سیم‌غ پر و بال دارد

مزینیه ز دوش‌سوزگان خود چو

مزینیه بود بیشه‌ای که اندر وی

تفاوت بشر از جانور به معرفت است

کسی که گنج درون آکند به گوهر علم

کسی که نقد معارف به دل ذخیره کند

درباره مدیر مدرسه می‌گوید:

فرشته‌ای است موکل درین سرا که مدام

آن قبل نظر حق بر این فرشته بود

مدیر مدرسه ماست آن فرشته نور

که از سعادت اولاد خود خبر دارد

هزار بیضه زرین به زیر پر دارد

سهیل و مشتری و زهره و قهر دارد

غزال ماده، فزونی ز شیر نر دارد

جز این چه فخر و فضیلت به جانور دارد

چه احتیاج به گنجینه گهر دارد

چه اعتنا به در و لعل و سیم و زر دارد

خدای جل و جلاله به او نظر دارد

که این فرشته نظر بر رخ بشر دارد

که شاخ معرفت از همتش ثمر دارد

پراحساس و نیک نهاد بر شیوه‌های معمول آن زمان در ده سالگی به خانه‌ی شوهری رفت که با او هیچ تجانسی نداشت، اما پس از رسیدن به سن شناخت و اندیشه‌ورزی به سبب عشقی که به هم نوعان خود و خدمات اجتماعی داشت، به زودی آن رشته‌ی نامأنوس را از دست و پای خود باز کرده و بر آن شد تا زندگی‌اش را از آن پس پای‌ریزی دنیای ادب و شعر و خدمات اجتماعی کند.

او در حقیقت با رسالتی بزرگ به دنیا آمده بود و تنها در این آرزو به سر می‌برد که روزی بتواند هم جنسان خود را با نیکی، زیبایی و خیرآشتی دهد و با این آرمان بود که سرانجام یکی از جالب‌ترین نشریات زنانه‌ی آن زمان را به نام مجله‌ی «دختران ایران» به انتشار درآورد.

شماره‌ی اول این مجله در تاریخ اول مرداد ماه ۱۳۱۰ به دست مردم رسید و از آن پس به زودی با چاپ مقالات سنگین ادبی و عرفانی و اجتماعی جای خود را در اجتماع باز کرد و به خصوص دوستانداران زیادی در میان زنان و دختران به دست آورد.

زنددخت پس از شیراز به تهران انتقال یافت و در خیابان فردوسی بالاخانه‌ای را اجاره کرد به ادامه‌ی انتشار مجله‌ی دختران ایران پرداخت. او بانویی موقر، متین، صبور و بردبار بود و با آنکه از ناملایمات روزگار و دشواری کار مجله‌ی خود سخت دل‌آزرده و افسرده بود، اما همچنان به کار فرهنگی خود ادامه می‌داد. اگر چه جسمش چنان رو به فرسودگی می‌رفت که سرانجام در سال ۱۳۱۶ به پریشانی حواس گرفتار شد و در اوج این بیماری در سال ۱۳۳۱ با زندگی بدرود گفت.

زنددخت در سراسر زندگی به خاطر مبارزات اجتماعی در راه به دست آوردن حقوق زنان و حق برابری آنان با مردان جنگید و تنها هدف او در این راه بیداری زنان ایران بود. نوشتارها و اشعار این بانوی فرهیخته در بیشتر نشریات آن زمان به خصوص در «حبل‌المتین» دیده می‌شود. او در زمان بیماری نیز به کارهای مورد علاقه‌ی خود سرگرم بود و حتی کتاب آسمانی قرآن مبین را نیز به شیوایی به نظم عربی درآورد. زنددخت شیرازی اگر چه از پایه‌گذاران مهم نهضت آزادی زن ایرانی به شمار می‌رود، اما در حقیقت خود او نیز قربانی این مهم شد و جان بر سر مقصود نهاد.

ملوک اسکندری

از زنان مبارز و عضو هیئت مدیره جمعیت نسوان وطن خواه و صاحب امتیاز و مؤسس مجله جمعیت نسوان وطن خواه، او دختر محمدعلی میرزا اسکندری معروف به شاهزاده علی خان و مؤسس انجمن آدمیت و خواهر محترم اسکندری، مؤسس جمعیت نسوان وطن خواه بود. ملوک با تشکیل جمعیت نسوان وطن خواه به عضویت آن درآمد و جزء ده نفر هیئت مدیره آن شد و به سمت نایب رئیس جمعیت نسوان وطن خواه منصوب شد. او همراه دیگر اعضای سوسیال در تہذیب و تربیت دختران، ترویج صنایع وطنی با سواد کردن دختران، نگهداری از دختران بی سرپرست، تأسیس مریم خانہ برای زنان فقیر، تشکیل هیئت تعاونی به منظور تکمیل صنایع داخلی و مساعدت مالی و معنوی نسبت به مدافعین وطن در موقع جنگ داشت. ملوک همچون نصرت الزمان مشیری و مہرانگیز اسکندری از معلمین مدارس دخترانہ تہران بود و ہمراہ سایر بانوان، عضو جمعیت نسوان وطن خواه به سوزاندن نسخه‌هایی از کتابچہ مکر زنان در میدان توپخانہ تہران اقدام کرد کہ سروصدای زیادی به راه انداخت. در پی گسترش فعالیت جمعیت نسوان وطن خواه ایران در ۱۳۰۲ ش. هیئت مدیرہ این جمعیت به ضرورت انتشار نشریہ‌ای کہ دیدگاہ و هدف‌های آنان را ترویج و تبلیغ کند، واقف شدند. از این رو ملوک اسکندری امتیاز ماہنامہ‌ای بہ نام مجلہ جمعیت نسوان وطن خواه ایران را در ۱۳۰۲ ش. دریافت کرد.

محترم اسکندری (۱۳۰۳ - ۱۲۷۴)

بانو محترم اسکندری در سال ۱۲۷۴ خ. در خانہ‌ی محمدعلی میرزای اسکندری «شاهزادہ علی خان» زندگی را آغاز کرد بنا بہ روش آن زمان کہ زنان از حق آموزش عمومی بی بهره بودند در خانہ نزد پدر فرہیختہ‌اش بہ تحصیل پرداخت. سپس زبان فرانسه و ادبیات و تاریخ را نزد میرزا محمدعلی خان محقق آموخت و بہ سبب مہری کہ از این آشنایی بہ وجود آمدہ بود، بہ زودی شاگرد و آموزگار با یکدیگر پیمان ہمسری بستند و زندگانی سازگاری را در پیش گرفتند.



چون پدر محترم اسکندری، محمدعلی میرزای اسکندری در زمان کودکی دخترش با چند نفر از پیشگامان نهضت مشروطیت در انجمن آدمیت به فعالیت مشغول بود و بدین گونه محترم نیز از اوان کودکی با ستمکاری‌ها و نابرابری‌های اجتماعی آشنا شد و در نوجوانی افکارش آنچنان روشنی گرفته بود که برخلاف معمول زمان با دوستان پدرش به گفت‌وگو درباره‌ی موضع زن می‌پرداخت و شور و شوقش در راه کسب آزادی زنان دم‌به‌دم پیش‌تر و بیش‌تر می‌شد و در خانه‌ی شوی نیز به روش دیرین ادامه می‌داد تا به جایی که پس از انحلال انجمن آدمیت و برپایی انجمن دیگری به نام انجمن حقوق، از شهری پدر و یارانش، که از دست‌اندرکاران مجله‌ی حقوق بودند با آنان به همکاری مستقیم پرداخت. اگر چه انتشار این مجله نیز به زودی با روی کار آمدن استبداد متوقف شد. در آن زمان بانو اسکندری همچنان به آزادی زن می‌اندیشید اما پس از آنکه از پیروزی آزادی خواهان نیز، آن چه را که می‌اندیشید به دست نیاورد و به این حقیقت رسید که باز هم کسی در فکر حقوق حقه زنان ایران نیست، به ناچار به گونه‌ی رسمی به اجتماع قدم گذاشت و با یاری عده‌ی کمی از زنان همفکرش جمعیتی را تشکیل داد که خود نیز ریاست آن را بر عهده داشت او اگر چه در آن زمان به نقص جسمی دچار شده و به سبب درد ستون فقرات با پشت خمیده راه می‌رفت، اما همچنان راه خود را ادامه می‌داد. و با جدیت تمام می‌کوشید تا بتواند با پشتیبانی یاران خود و جمعیت را به سوی دیدگاه‌های بهتری سوق دهد و هرچه بیشتر به هدف‌هایی که دنبال می‌کرد دسترسی پیدا کند. هدف جمعیت او تربیت و پرورش دختران، ترویج صنایع میهنی، باسواد کردن زنان، نگاهداری از دختران بی‌سرپرست، تأسیس بیمارستان برای زنان درمانده، تشکیل هیئت تعاونی به منظور تکمیل صنایع داخلی و یاری مادی و معنوی نسبت به مدافعین میهن در زمان جنگ بود که متن این اساسنامه خود بیان راستینی بر فرهیختگی این بانوی پیشگام است.

اولین زن که در تاریخ معاصر به جرم شورش بازداشت شد و مؤسس اولین جمعیت زنان، به نام «نسوان وطن‌خواه» در سال ۱۲۷۴ چشم به دنیا گشود. وی در خانه پدر شاهزاده علی‌خان (محمد میرزا اسکندری) به کسب دانش پرداخت. ۹

سال بیشتر نداشت که بر اثر ضربه وارده به ستون فقرات در اثر افتادن، دچار مشکل در این ناحیه از بدن شد. با شروع نوجوانی تکمیل درس‌های فرانسه و تاریخ ادبیات او به میرزامحمد محققى واگذار گردید. این آشنایی سبب ازدواج استاد و شاگرد شد.

پیشینه آزادی‌خواهی در خانواده‌اش او را نیز به این راه کشاند. پدر از آزادی‌خواهان مبارزی بود که سال‌ها پیش از انقلاب مشروطیت انجمن آدمیت را با کمک سلیمان میرزا و یحیی میرزا که از پیشگامان نهضت مشروطیت بودند تشکیل داد. با انحلال این انجمن، پس از انقلاب مشروطه «انجمن حقوق» شکل گرفت که نشریه‌ای به نام حقوق منتشر کرد. این همان نشریه‌ای بود که محترم اسکندری نیز مستقیماً با آن همکاری کرد و درباره آزادی زنان مقالاتی در آن به چاپ رساند. با حاکمیت مجدد استبداد انتشار حقوق متوقف شد ولی تلاش محترم اسکندری برای احقاق حقوق زنان ادامه یافت و این بار تحت تشکلی به نام «جمعیت نسوان وطن خواه» به فعالیت پرداخت.

از تأسیس مدرسه دوشیزگان به بعد

فعالیت و مبارزه زنان فرهنگ دوست سرانجام به بار نشست با صدور فرمان مشروطیت جنبش مدرسه سازی فعال شد. سرانجام در اواخر سال ۱۳۲۴ ق (۱۲۸۵ ش.) شرایط مناسبی برای تأسیس مدارس دختران فراهم شد ولی باز هم این مصراع از شعر حافظ مصداق داشت که:

عشق آسان نمود اول ولی افتاد مشکل‌ها

در اول صفر ۱۳۲۵ (۱۲۸۶ ش) دبستان دوشیزگان بی بی خانم وزیراف تأسیس شد برابر آماری که از سالنامه‌های وزارت معارف به دست آمده است از آغاز مشروطه تا ۱۲۹۷ ش. بیش از ۱۰ مدرسه دولتی و ۲۴ مدرسه غیردولتی در تهران تأسیس شد.

مدارس دختران دولتی تهران

۱- نوروز تأسیس ۱۲۹۷

۲- عفاف تأسیس ۱۲۹۷

۳- پوراندخت تأسیس ۱۲۹۷

۴- منیژه تأسیس ۱۲۹۷

۵- رودابه تأسیس ۱۲۹۷

۶- روشنگر ۱۲۹۷

۷- نادر ۱۲۹۷

مدارس غیر دولتی از ۱۲۸۵ تا ۱۲۹۷ ش.

۱- دوشیزگان تأسیس ۱۲۸۶ ش

۲- عصمتیه تأسیس ۱۲۸۶ ش

۳- درةالمدارس تأسیس ۱۲۸۶ ش

۴- نصرتیه تأسیس ۱۲۸۷ ش

- ۵- تربیت دختران تأسیس ۱۲۸۷ ش
- ۶- تربیت نسوان تأسیس ۱۲۸۷ ش
- ۷- ناموس تأسیس ۱۲۸۷ ش
- ۸- فیروز بهرام تأسیس ۱۲۸۷ ش
- ۹- ساداتیه تأسیس ۱۲۸۷ ش
- ۱۰- قدسیه تأسیس ۱۲۸۸ ش
- ۱۱- حشمتیه دوشیزگان تأسیس ۱۲۸۸ ش
- ۱۲- شوکتیه تأسیس ۱۲۸۸ ش
- ۱۳- مخدرات اسلامی تأسیس ۱۲۸۸ ش
- ۱۴- عصمتیه تأسیس ۱۲۸۸ ش
- ۱۵- زهراویه تأسیس ۱۲۸۸ ش
- ۱۶- محمودیه دوشیزگان تأسیس ۱۲۸۸ ش
- ۱۷- حسنات تأسیس ۱۲۸۸ ش
- ۱۸- فاطمیه تأسیس ۱۲۹۱ ش
- ۱۹- اعظمیه تأسیس ۱۲۹۱ ش
- ۲۰- معصومیه تأسیس ۱۲۹۱ ش
- ۲۱- تهیه پرورش تأسیس ۱۲۹۵ ش
- ۲۲- خواتین عاصمیه تأسیس ۱۲۹۵ ش
- ۲۳- نوباوگان تأسیس ۱۲۹۵
- ۲۴- شمس‌المدارس تأسیس ۱۲۹۵

بی‌بی خانم وزیراف و مدرسه دوشیزگان

از مدرسه‌های دخترانه‌ای که در سال ۱۲۸۶ با همت و پشتکار بی‌بی خانم وزیراف تأسیس شد و پایدار ماند مدرسه دوشیزگان وزیراف است. این بانوی فرهنگ دوست و مبارز که عمری را برای پیشرفت دختران و زنان ایرانی گذراند از شهامت، ایمان و دانایی ویژه‌ای برخوردار بود. وی نه تنها در امر تعلیم و تربیت کوشا بود بلکه با تمام فعالیت‌های فرهنگی، اجتماعی و سیاسی به تربیت هفت

فرزند خود چنان توجه داشت که هر یک از آنان از مردان و زنان برگزیده کشور شدند.

- ۱- مولود وزیرى ملقب به اعلم السلطنه، مؤسس مدرسه پرورش دوشیزگان
- ۲- علی نقی وزیرى پدر موسیقی نوین ایران
- ۳- فتح علی وزیرى از شاگردان کمال الملک و معاون مدرسه صنایع مستظرفه
- ۴- خدیجه افضل وزیرى معلم دبستان دوشیزگان
- ۵- علی رضا معروف به شمشیر از طرفداران قیام کلنل محمدتقی خان پسیان
- ۶- علی اصغر متولد ۱۳۱۲ ش.
- ۷- ابوالحسن

در این جا کوشش شده است. تا به مبارزه این زن سترگ و دخترانش در راه تعلیم و تربیت جدید اشاره شود.

برای آشنایی بیشتر با زندگانی این بانوی فرهنگ دوست و مبارز بهتر است به ص ۲۱۹ و ۲۲۰ و ۲۲۱ دایرةالمعارف زن ایرانی که به معرفی بی بی خانم پرداخته است مراجعه شود ضمناً درباره مبارزه وی با مردانی که تادیب النساء را نوشته اند صلاح دیدم قسمت ۲۳-۲۷ از سیاست در اندرنامه ها را نقل کنم باشد که به کار آید.

توبا آزموده و مدرسه ناموس

توبا آزموده مؤسس مدرسه دختران سال ۱۲۸۷ ش. و نخستین دبیرستان دخترانه در سال ۱۳۰۷ ش، وی آرزومند بود که راه برای ورود دختران به دانشگاه باز شود وی یک سال پیش از آنکه با زندگی این جهانی وداع کند ورود ۱۲ تن از دختران را که به دانشگاه راه یافتند دید. آزموده در سال ۱۲۵۷ به جهان آمد و سال ۱۳۱۵ ش. وفات کرد. به حق باید وی را مادر معارف جدید دانست. فرهنگ ناموران معاصر این بانوی فرهنگی را بدینگونه معرفی می کند که طوبی آزموده فرزند میرزا حسن خان سرتیپ در تهران متولد شد در دورانی که وی هنوز کودک بود تحصیل زنان در ایران معمول نبود از این رو وی در خانه پدر آموزش یافت در ۱۴ سالگی به همسری عبدالحسین خان میرپنج که فردی تحصیل کرده بود درآمد

چون صاحب فرزند نبود عبدالحسین خان همسرش را تشویق به ادامه تحصیل کرد^۱ و برای وی معلمانی خصوصی گرفت و ادبیات فارسی و زبان‌های عربی و فرانسه را نزد آنان فرا گرفت.

در جامعه آن عصر زنان و دختران از آموزش و تعلیم و تربیت محروم بودند و آموزش آنان بدعت محسوب می‌شد آموزه که از محرومیت زنان از آموختن دانش رنج می‌کشید بر آن شد تا در میهن خود این نقیصه اجتماعی و فرهنگی را برطرف سازد و زنان را در جرگه طالبان علم آورد وی خود را وقف این وظیفه حساس کرد. کاری که وی بر عهده گرفته بود ساده نبود و قطعاً با مخالفت‌های فراوان روبه‌رو می‌گردید و بسا اقدام وی به تحریک تعصبات مذهبی می‌انجامید وی با احتیاط تمام در این راه گام برمی‌داشت در ابتدا تعلیم دختران نونهال خردسال را در منزل خویش آغاز کرد.

در همان دوران نیز در گوشه و کنار کشور زمزمه‌های مشروطه‌خواهی و آزادی‌خواهی برخاسته بود با باز شدن فضای فرهنگی و سیاسی کشور به ویژه بعدها با پیروزی مشروطه‌خواهان آموزه رسماً پا به عرصه فعالیت‌های فرهنگی نهاد و در راه تحقق آرمان دیرینه خویش بیش از پیش جدیت ورزید در ۶ جمادی‌الاولی ۱۳۲۷ برابر با ۱۲۸۷ ش. یک سال پس از تأسیس مدرسه خود توانست توسط میرزا جوادخان سرتیپ از وزارت معارف برای آن مدرسه به نام ناموس مجوز دریافت کند این مجوز با حکم در کتاب بدرالملوک بامداد گردآوری شده است. شایان یادآوری است که پیش از تأسیس مدرسه ناموس اولین مدرسه دخترانه ایران در سال ۱۳۱۵ ق. در قریه چالباس از توابع کرمان دایر گردیده بود (تاریخچه معارف ایران^۲).

۱. در کتاب از کتبه تا تاریخ آمده است که: او در نوجوانی به عقد مردی نظامی به نام عبدالحسین‌خان میرپنج درآمد اما عمر پیوند آنان بلند نبود و او که جز ادامه تحصیل و دانش‌اندوزی هدف دیگری نداشت پس از جدایی

از شوهر سالی چند را به یادگیری علوم مختلف گذراند. ص ۳۹

۲. دلیل و سندی مبنی بر تأسیس این مدرسه در دست نیست.



تأسیس مدرسه ناموس به مساعدت و همراهی میرزا حسن رشديه بانی و مؤسس مدارس جدید صورت گرفت این مدرسه که محل آن همان منزل شخصی آزموده بود در خیابان شاهپور نزدیک چهارراه حسن آباد واقع بود (بامداد ۴۱)

آموزشگاه با استقبال بسیاری از سوی خانواده‌های فرهنگ دوست ایران روبه‌رو شد، در نظام‌نامه آن نیز ثبت گردید که پیوسته یکی از دختران خانواده میرزا حسن رشديه در آن مدرسه تعلیم دهد (رشديه ۱۴۸) فعالیت و اهتمام توپا آزموده پس از تأسیس دو چندان گردید. زیرا کار آموزشی و فرهنگی وی همچنان مورد مخالفت بسیاری که به رغم تحولات اجتماعی پس از مشروطه تحصیل زنان را خلاف شرع می‌دانستند قرار داشت این مخالفت‌ها در آغاز چندان ظاهر نبود اما سپس علنی و آشکار گردید. اشعار هجوآمیزی درباره مدرسه وی ساخته شد و بر زبان‌ها افتاد و دختران مدرسه متهم به بی‌عصمتی شدند. شب‌نامه‌هایی به مدرسه می‌افکندند و در آن مدیر و سرپرست آن را تهدید می‌کردند. (مختصری از احوال ۸) با وجود این عزم آزموده سستی نگرفت و دشواری‌ها را تاب آورد و سعی بیشتر در جلب نظر اولیای کودکان ورزید چنان که در جلسات سخنرانی خود برای آنان از فواید آموزش عمومی سخن می‌گفت و زنان را تشویق به آموختن علم و ادب می‌کرد تا آنکه رفته رفته بر اثر پشت‌کار وی مؤسسه فرهنگی او روبه ترقی نهاد (مرگ یک زن نیکوکار) در سال ۱۳۰۷ ش. دبیرستان دخترانه ناموس را نیز افتتاح کرد. که باید آن را نخستین دبیرستان دخترانه ایران دانست. برابر سالنامه ۱۳۱۴ - ۱۳۱۵ و ۱۳۱۵ - ۱۳۱۶.

دبیرستان ناموس در سال ۱۳۱۵: ۵ کلاس با ۱۴۲ شاگرد و ۱۲ معلم زن و یک معلم مرد فعالیت می‌کرده است.

و در سال ۱۳۱۵ - ۱۳۱۶ تعداد دانش‌آموزان ۱۵۵ نفر بوده است.

بررسی درباره زندگی آزموده فصلی جداگانه را می‌طلبد ولسی آنچه اهمیت دارد این است که همان گونه که وی آرزو داشت، بسیاری از فرهیختگان دبستان و دبیرستان ناموس از زنان بنام، کارآمد و ماندنی کشور شدند که برای نمونه می‌توان

از:

- ۱- مریم فیروز، فعال سیاسی
 - ۲- زهراکیا خانلری، استاد ادبیات فارسی دانشگاه تهران دکتری در رشته ادبیات نوه پسر شیخ فضل‌اله نوری
 - ۳- شمس‌الملوک جواهر کلام، از زنان نویسندگان و مبارز
 - ۴- ملک‌زاده بیانی، محقق، پژوهشگر، ایران‌شناس
- نام برد.

خواهران مستغنی و مدرسه شمس‌المدارس

در سال ۱۲۸۸ ش، مدرسه دختران شمس‌المدارس تهران به مدیریت خانم عطایی در خیابان عین‌الدوله تأسیس شد. مؤسس این مدرسه که بعد تبدیل به دبیرستان دخترانه شد، خواهران مستغنی بودند که از زنان فاضل و هنرمند زمان خود بودند. بانو نصرت مستغنی زبان، ریاضیات، علوم طبیعی و هنر را در دبیرستان تدریس می‌کرد و موچول خانم مستغنی ادبیات، تاریخ، جغرافی تدریس می‌کرد. این مدرسه در حدود ۳۰ سال فعالیت داشت. (برگرفته با اندک تغییر از دایرة‌المعارف زن ایرانی - ص ۸۲۸)

دبیرستان شمس‌المدارس در سال تحصیلی ۱۳۰۹ - ۱۳۱۰ دارای چهار کلاس متوسطه بوده است کلاس اول ۱۹، کلاس دوم ۱۴، کلاس سوم ۱۵، کلاس چهارم ۲۶، کلاس پنجم ۱۰ نفر

دبستان شمس‌المدارس در سال تحصیلی ۱۳۰۹ - ۱۳۱۰ سال تهیه ۱۴ نفر، سال اول ۲۳، سال دوم ۲۴، سال سوم ۱۹، سال چهارم ۱۷، سال پنجم ۱۸، سال ششم ۲۰ نفر.

برابر سالنامه ۱۳۱۴ - ۱۳۱۵ دبیرستان شمس‌المدارس دارای ۵ کلاس و ۱۰۰ دانش‌آموز دختر بوده است. این آمار در سال ۱۳۱۵ - ۱۳۱۶، ۱۰۳ نفر.

دبستان شمس‌المدارس در سال ۱۳۱۴ دارای ۱۸۱ دانش‌آموز دختر ۳۶ شاگرد پسر است در این سال ۲۱ دانش‌آموز قبول شده‌اند.

موچول خانم و نصرت خانم مستغنی چه کسانی بودند: با اختلاف ۵ سال^۱ در سال ۱۲۷۷ هـ. ش دو خواهر در تهران به دنیا آمدند که بعدها از پیش‌گامان و

ابداع کنندگان رشته‌های هنری شدند موجه و نصرت مستغنی در خانواده‌ای رشد یافته که پدر و مادر غرق در کار نقاشی بودند از پرورش این دو کودک غافل مانده بودند اما این دو خواهر، با هوش سرشار خود در ردیف هنرمندان و مبتکرین زمان خود در ایران شدند. / به نوشته اولین زنان، از بین دو خواهر نصرت ذوق و علاقه بیشتری به نقاشی از خود نشان می‌داد. وی برای آموزش نقاشی، به هنگام کار برادرش پشت سر او می‌ایستاد و از وی تقلید می‌کرد. سپس با تمرین مداوم یافته‌هایش را به حد اعلای تکامل رساند. وی در برخورد بلهر فردی که دانشی داشت، کسب اطلاع می‌کرد و برای تکمیل این اطلاعات با مراجعه به دایرةالمعارف در صدد افزایش این آگاهی برمی‌آمد.

سرانجام در اثر تلاش و ممارست نصرت به آن پایه در هنر نقاشی رسید که کمال‌الملک در مورد هنرش گفت: «کار من نسبت به کار نصرت مستغنی مزیتی ندارد».

وی علاوه بر نقاشی، تابلوهای نقاشی‌اش را با ابریشم می‌دوخت و یا به صورت قالی می‌بافت. او در این هنرها نیز در چنان درجه‌ای از مهارت و استادی بود که تشخیص تابلو نقاشی و ابریشم‌دوزی بسیار دشوار بود.

این دو خواهر نابغه قریب ۲۰ رشته هنری اختراع کردند. از جمله کار آنان به آرایش مبل با ساقه‌های گندم می‌توان اشاره کرد که کاری بسیار دشوار بود. این دو در صنعت میناکاری نیز زبان‌زد عصر خود بودند.

این دو خواهر که هیچ‌گاه به مدرسه نرفتند، در سال ۱۲۹۸ مدرسه شمس‌المدارس را تأسیس کردند که بعدها به دبیرستان تبدیل شد و نامش هم به آفتاب تغییر کرد.

نصرت مستغنی در این مدرسه به تدریس ریاضیات و علوم طبیعی و هنری و زبان می‌پرداخت و موجه نیز تدریس ادبیات و تاریخ و جغرافی را بر عهده داشت. مدرسه‌ای که دایر کرده بودند مدت ۳۰ سال فعال بود ولی سرانجام به سبب عدم حمایت وزارت معارف مجبور به تعطیل آن شدند.

موجول با تعطیلی مدرسه ازدواج کرد و صاحب دو فرزند شد. دو پسرش دکتر خسرو وارسته به استادی فلسفه و ادبیات فرانسه در دانشگاه‌های آمریکا رسید و دیگری پرویز وارسته معلم زبان فرانسه شد. اما خواهر دیگر، هیچگاه ازدواج نکرد و می‌گفت: من با هنر و علم ازدواج کرده‌ام و نمی‌توانم کسی را خوشبخت کنم.

مجموعه‌ای که نصرت فراهم آورده بود، موزه کم‌نظیری بود که پنج اتاق بزرگ خانه را پر کرده بود. مردم اجازه داشتند از این موزه خصوصی او بازدید کنند. ولی هیچگاه آن‌ها را از محل خصوصی خود خارج نکردند و هنرمندان ایرانی و خارجی در بازدید از این مجموعه هنری و تنوع آن دچار شگفتی می‌شدند. او بیشتر شبانه‌روز را به کارهای هنری سرگرم بود و هرچند ماه یک رشته تازه هنری ابداع می‌کرد.

با این همه تلاش و هنر آفرینی، این دو خواهر پایان زندگی غم‌انگیزی داشتند. خواهر بزرگ‌تر که علاقه وافری به فرزند کوچکش پرویز داشت، شاهد مرگ او در عنفوان جوانی بود و با فاصله کمی از مرگ او درگذشت.

نصرت (خواهر کوچکتر) چند سالی به تنهایی زندگی کرد و تا آخرین روزهای زندگی با دست‌های بهم پیچیده که درد رماتیسم آن را از فرم انداخته بود، هنر آفرینی کرد. وی شبی در سال ۱۳۴۱ در خانه‌ای محقر در تنهایی از تخت به زیر افتاد و دیگر برنخاست.

ماه سلطان امیر صحی و مدرسه تربیت نسوان

به نوشته کتاب از کتیبه تا تاریخ وی در سال ۱۲۹۴ خورشیدی متولد شد که به نظر می‌آید باید تاریخ تولد وی ۱۲۹۴ ق. باشد. وی نیز از پایه‌گذاران مدارس دختران ایران و از زنان مبارز و آزادی‌خواه صدر مشروطیت است. اگر چه در دایرة المعارف زن ایرانی از سنگ‌باران شدن تابلوی مدرسه و مخالفت عوام یاد شده است اما به تاریخ تأسیس مدرسه اشاره‌ای نشده است چنانکه در کتاب از کتیبه تا تاریخ نیز فقط زندگی ماه سلطان صحی و نام مدرسه‌اش آمده است اما در سالنامه و آمار سال تحصیلی ۱۳۱۴ - ۱۳۱۵ اداره کل انطباعات که به وسیله وزارت معارف

و اوقاف و صنایع مستظرفه به چاپ رسیده است تاریخ تأسیس این مدرسه را سال ۱۲۸۷ نوشته‌اند. به استناد این سالنامه: دبستان تربیت نسوان دارای ۶ کلاس با ۲۰۳ دانش‌آموز دختر و ۱۸ دانش‌آموز پسر بوده است. در این سال ۱۱ نفر تصدیق ششم گرفته‌اند و مدرسه ۸ معلم داشته است. در همین سال ۱۳۱۴ - ۱۳۱۵ مدرسه نسوان دارای ۳ کلاس متوسطه بوده است با ۲۲ دانش‌آموز دختر و ۳ دبیر زن و یک دبیر مرد در سال ۱۳۱۵ - ۱۳۱۶ تربیت نسوان ۴۸ شاگرد داشته است. با ۳ معلم زن و ۳ معلم مرد.

دبستان تربیت نسوان نیز در این سال تعداد ۲۳۹ دختر و ۲۷ پسر و دارای هفت معلم زن بوده است.

ماهرخ گوهرشناس و مدرسه دخترانه ترقی بنات

ماهرخ گوهرشناس یکی از نخستین پایه‌گذاران مدارس دخترانه در تهران دختر یکی از بازاریان توانمند به نام حاج میرزا جعفر و همسر بازرگانی معروف به نام میرزا محمدباقر تاجر بود او که بانویی باسواد - روشنفکر و مبارز بود در مقام جنبش مشروطیت جمعیتی را از بانوان موافق تشکیل داد و با شوری که در سر داشت به جمع سیاسیون پیوست و با هم‌اندیشان خود در تظاهرات قرارداد ۱۹۰۷ که ایران را به طور رسمی زیر نفوذ انگلستان و روسیه درمی‌آورد، شرکت کرد و با جمعی دیگر از بزرگان با استفاده از کالاهای خارجی به مخالفت پرداخت و در کار این فعالیت‌ها به سبب عشقی که به سوادآموزی زنان داشت سرانجام مدرسه‌ای را به نام مدرسه «ترقی بنات» تشکیل داد که به رغم خواسته‌های آن زمان مدرسه‌ای مختلط بود و چون در آن زمان آموزگاران زن بسیار کم بودند آموزگاران مرد در آن درس می‌دادند.

ماهرخ گوهرشناس پس از آن که عمری را به کار و کوشش و فعالیت در امور اجتماعی به ویژه فرهنگ‌سازی گذراند سرانجام در هفتاد سالگی با زندگی وداع گفت.

(از کتیبه تا تاریخ - فرخزاد)

در دایره‌المعارف زن ایرانی تاریخ تولد وی را ۱۲۸۸ق. نوشته‌اند. به نوشته دایره‌المعارف، زن در جریان انقلاب مشروطه با گروهی از همفکران خود جمعیتی را برای احقاق حقوق زنان پایه‌گذاری کرد و با هم سوگند یاد کردند که در این راه از هیچ نوع جان‌فشانی دریغ نورزند این جمعیت دارای نشان مخصوصی بود که حکایت از درستی و یک‌دلی و همیاری آنان می‌کرد. این نشان دو دست بهم فشرده بود که در روی انگشتری حک شده و همه اعضا آن را در انگشت داشتند: او برای نجات زنان تلاش بسیار کرد و در عین حال نیز از بسیاری آنان ناسزا می‌شنید و مورد آزار قرار می‌گرفت. (ص ۷۹۴ - دایره‌المعارف)

او مدرسه ترقی بنات را در کوچه ظهیرالاسلام تأسیس کرد. شوهرش با او مخالف بود از این رو تأسیس مدرسه را از وی پنهان کرد بعدها مدرسه پیشرفت زیادی کرد. ماه‌رخ در سال ۱۳۰۸ هـ ق عضو انجمن مخدرات وطن شد.

صفیه یزدی و مدرسه عفتیه

تولد ۱۲۶۵ خورشیدی. صفیه یزدی همسر شیخ محمدحسین یزدی یکی از پنج تن مجتهد طراز اول تهران بود. وی که از زنان مبارز و دیندار بود. برخلاف کسانی که سواد آموزی را برای زنان گناه می‌دانستند برای گشایش مدرسه دخترانه فعالیت بسیاری کرد در این راه از حمایت همسرش برخوردار شد. زیرا وی تحصیل علم را برای زنان مغایر با اصول دین اسلام نمی‌دید سرانجام صفیه یزدی در سال ۱۲۸۹ ش. مدرسه‌ی دخترانه‌ای را در خیابان سیروس تهران با نام عفتیه بازگشایی کرد. (به نوشته کتاب از کتیبه تا تاریخ)

مدرسه او یک مدرسه عادی نبود و این بانوی پیشرو و آزاداندیش به خواست همسرش به جز برنامه‌های تحصیلی برای دختران درباره مقام و موقعیت و حقوق زن به عنوان یک شهروند اجتماعی، سخنرانی‌های آتشی می‌کرده سرانجام منجر به دادن اخطارهایی از طرف وزارت معارف شد که به جز برنامه درسی مسایل دیگری را برای شاگردان مطرح نکند / ص ۹۰۳

از معلمانی که: در مدرسه عفتیه تدریس می‌کردند: ابوالقاسم نراقی، میرزا محمدخان نراقی، آقا شیخ احمد اشکوری، بدرالملوک وثیقی، نصرت تقوی و محترم لطفی را می‌توان نام برد. / دایره‌المعارف زن ایرانی، ص ۸۳۷

۱- مدرسه ملی درةالمدارس تهران:

مدرسه‌ای تأسیس یافته پس از مشروطیت. این مدرسه از نخستین مدارس ملی دخترانه است که در تهران قبل از سال ۱۳۰۰ ش. به مدیریت شمس‌النهار مهدوی (دختر درةالمعالی) افتتاح شد و در سال ۱۳۰۵ ش. که شمس‌النهار امتیاز مدرسه مخدرات را گرفت، امتیاز درةالمدارس را به خواهرش شمس‌الضحی خاقانی واگذاشت و او تا سال ۱۳۲۳ - ۱۳۲۴ که مدرسه دولتی گردید و به نام آزمون موسوم شد مدیریت آن را بر عهده داشت، (دایره‌المعارف فارسی به سرپرستی غلامحسین مصاحب فرانکلین تهران ۱۳۴۱ ش. قویمی - فخری کارنامه زنان مشهور ایران - وزارت آموزش و پرورش تهران ۱۳۵۲).

۲- مدرسه کوكیبه تهران:

مدرسه‌ای دخترانه تأسیس یافته پس از مشروطیت در اوایل سال ۱۳۰۱ ش. ایران و خاور خسرو خاور اقدام به ایجاد مدرسه‌ای به نام کوكیبه سعادت در خیابان شاهپور نمودند در سال ۱۳۰۵ ش. این مؤسسه فرهنگی جهت پیشبرد تعلیم و تربیت دوشیزگان و نوباوگان به دبیرستان تبدیل شد و چند سال بعد به دبیرستان خسرو خاور موسوم شد. از سرانجام این مؤسسه آموزشی اطلاعی در دست نیست. (قویمی - فخری - کارنامه زنان مشهور ایران، وزارت آموزش و پرورش تهران ۱۳۵۲)

۳- مدرسه قدسیه:

دبستانی دخترانه تأسیس یافته پس از مشروطیت، این مدرسه به مدیریت آغاییگم خانم در تهران و در کوچه غریبان واقع شده بود این مدرسه ۲ کلاس درس و ۳۱ دانش‌آموز داشت که ۵ نفر آن به صورت رایگان تحصیل می‌کردند در

آمار منتشره در نشریه شکوفه در سال ۱۲۹۲ تعداد دانش آموزان که شهریه می پرداختند ۲۱ نفر و دانش آموزان با تحصیلات رایگان ۸ نفر ذکر شده است از تاریخ تأسیس مدرسه و سرانجام آن اطلاعی در دست نیست.

به نقل از ص ۸۳۹ دایره المعارف زن ایرانی

۴- مدرسه نوامیس تهران

دبستانی دخترانه تأسیس یافته پس از مشروطه، مدیر این مدرسه ربابه خانم بود و در تکیه و باغ خانه تهران قرار داشت در این مدرسه ۲ کلاس درس وجود داشت از ۱۰ دانش آموز ۷ دانش آموز رایگان تحصیل می کردند در آمار منتشره در نشریه شکوفه در سال ۱۲۹۲ تعداد دانش آموزان رایگان ۶ نفر و با شهریه ۱ نفر ذکر شده است.

ص ۸۴۴ دایره المعارف زن ایرانی

۵- مدرسه نصرتیه پردگیان تهران

مدرسه ای دخترانه تأسیس یافته پس از مشروطه در آمار عده فارغ التحصیلان دوره شش ساله ابتدایی از مدارس نسوان در سال ۱۲۹۷ ش. ۲۰ دانش آموز و آمار دیگری از صورت مدارس سه ساله متوسطه در سال ۱۳۰۴ - ۱۳۰۵ ش، این مدرسه ۴ داوطلب داشته که هیچ یک از آنها قبول نشده اند. دیگر اطلاعی از این مدرسه در دست نیست.

به نقل از ص ۸۴۴ دایره المعارف زن ایرانی

۶- مدرسه نصرتیه فرهنگ تهران:

پس از مشروطه، این مدرسه تأسیس یافت، مدیریت آن با فاطمه خانم بود. مدرسه در محل چاله میدان تهران بود. مدرسه دارای ۵ کلاس و ۳۰ دانش آموز بود که ۱۷ نفر از آنان رایگان درس می خواندند در سال ۱۲۹۷ ش. از ۱۶ نفر دانش آموزان ۶ نفر داوطلب امتحان بودند و هر ۶ نفر آنها با موفقیت فارغ التحصیل شدند در آمار منتشره در نشریه شکوفه در سال ۱۲۹۲ ش. تعداد دانش آموزانی که



در این مدرسه شهریه می‌پرداختند ۲۷ نفر و تعداد دانش‌آموزان رایگان ۱۱ نفر ذکر شده است اطلاعات دیگری در مورد این مدرسه در دست نیست. / ص ۸۴۴ - دایرةالمعارف

برابر آمار رسمی دبستان‌ها در سال ۱۳۱۵-۱۳۱۴ این مدرسه فعال بوده و تاریخ تأسیس آن ۱۳۰۱ می‌باشد در سال ۱۳۱۵ دارای ۶ کلاس با ۹۹ شاگرد دختر بوده است.

۷- مدرسه نوباوگان تهران

دبستان و سیکل اول متوسطه پس از مشروطه در سال ۱۳۰۴ ش. تأسیس یافت فرح‌الملوک قوامی مدیر مدرسه فرحیه به تقاضای خودش و اجازه وزارت معارف دبستانی با ۱۹ شاگرد رایگان و ۵۱ نفر با اخذ شهریه به بانو کوکب ناصر ضربایی که در آن تاریخ اولین دانش‌آموز فارغ‌التحصیل از دبستان فرحیه بود و ۵ سال هم سابقه معلمی و نظافت داشت انتقال داد. وزارت معارف در سال ۱۳۰۴ ش. انتقال دبستان را به این شرط اجرا کرد که کاملاً مقررات قانونی و دستورهای وزارت معارف و مواد درسی اجرا شود پس از اینکه بارها بانو ضربایی مورد تشویق و تقدیر قرار گرفت این مدرسه به نام نوباوگان معروف شد. در سال ۱۳۱۴ ش. بنا به تقاضای اولیاء دانش‌آموزان کوکب ناصری با کسب اجازه از وزارت فرهنگ دوره دوم متوسطه را هم در همان مدرسه دایر کرد. در سال ۱۳۱۶ ش. با اجازه وزارت فرهنگ اقدام به تأسیس کودکانستان هم کرد. در سال ۱۳۱۱ ش. قسمت علمی و بعداً ششم طبیعی و ادبی را هم جهت رفاه دخترانی که مایل به ادامه تحصیل بودند دایر کرد. سرانجام خانم ضربایی مدرسه را به رایگان در اختیار وزارت فرهنگ گذاشت.

۸- مدرسه فرحیه نوباوگان تهران

دبستان دخترانه تأسیس یافته پس از مشروطه در سال ۱۳۳۵ ق ۱۲۹۷ ش. بانو فرح‌الملوک قوامی همسر حاج ابوالقاسم خان مترجم و منشی سابق سفارت هلند اقدام به تأسیس دبستان دخترانه فرحیه نوباوگان نمود فرح‌الملوک جز معدود زنان دارای مدرک دیپلم رسمی به شمار می‌رفت ملک مدرسه استیجاری بود. و در چهارراه حاج شیخ هادی قرار داشت.

۹- مدرسه علمیه حَسَنات تهران

دبستان دخترانه علمیه حسنات در سال ۱۲۹۸ - ۱۲۹۷ ش، ۶ کلاس داشته است دانش‌آموزان سال آخر دبستان علمیه حسنات ۱۳ نفر بوده‌است که از ۷ داوطلب امتحان ۴ نفر قبول شده‌اند اطلاعات دیگری در مورد این مدرسه در دست نیست. (قاسمی پویا - اقبالی مدارس جدید در دوره قاجاریه نشر دانشگاهی ۱۳۷۷ ش)

در سالنامه و آمار سال ۱۳۱۵ ش، مدرسه دختران حسنات در سال ۱۲۸۸ ش تأسیس شده است و برابر آمار ۶ کلاس دارد یا ۲۰۴ دانش‌آموز دختر و ۱۲ دانش‌آموز پسر و تعداد قبول‌شدگان ۲۶ نفر است.

۱۰- مدرسه فرانکوپرسان

دبستان و دبیرستان دخترانه پس از مشروطیت در سال ۱۳۱۰ ش، بانو خدیجه هرمزی (اسعدالملوک) از وزارت معارف وقت تقاضای تأسیس دبستانی به نام فرانکوپرسان نمود اما از آنجا که پیش از این تاریخ وی امتیاز دبستانی به نام پردگیان سیروس را کسب کرده بود به وی اجازه دومین دبستان را ندادند و قرار شد دبستان پردگیان سیروس به نام فرانکوپرسان شود که در آن زمان ۶ کلاس ابتدایی داشت و ۵ کلاس متوسطه در سال ۱۳۱۱ ش که کلیه اسامی خارجی ملغی شد دبیرستان فرانکو پرسان نیز به نام اسعدیه بانوان تغییر نام داد. اسعدیه چون لغت عربی بود به لاله تبدیل شد این مدرسه تا سال ۱۳۲۴ ش. ادامه داشت خانم هرمزی چون بیمار شد و نیاز به استراحت داشت مدرسه را به وزارت آموزش و پرورش اهدا کرد.

قویی - فخری کارنامه زنان مشهور ایران وزارت آموزش و پرورش ۱۳۵۲ ش

۱۱- مدرسه خسرو خاور

کودکستان، دبستان، دبیرستان دخترانه تأسیس یافته در سال ۱۳۰۱ ش. دو خواهر روشنفکر به نام‌های خاور و ایران خسرو خاور در خیابان شاهپور سابق خیابان آرامنه مدرسه‌ای تأسیس کردند در سال ۱۳۰۵ ش. دبیرستان و در سال ۱۳۱۸



ش کودکستان هم به آن اضافه شد سال‌ها بعد این مدرسه به وزارت فرهنگ واگذار شد.

قومی - فخری کارنامه زنان مشهور ایران وزارت آموزش و پرورش تهران ۱۳۵۲

۱۲- مدرسه خواتین عاصمیه تهران

در سال ۱۲۹۲ ش. یکی از زنان روشنفکر به نام فرخ‌لقا خانم موفق شد تا امتیاز تأسیس دبستان خواتین عاصمیه را بگیرد. محل مدرسه در محله دولت پشت مسجد ناصر بود که به دو شکل غیردولتی اداره می‌شد در آمار منتشره در نشریه شکوفه در سال ۱۲۹۲ تعداد دانش‌آموزان با تحصیلات رایگان ۱۵ نفر ذکر شده است ۵۸ نفر نیز شهریه می‌داده‌اند.

دایره‌المعارف زن ایرانی ص ۸۲۵

۱۳- مدرسه دختران ایرانی تهران

در سال ۱۲۹۵ ش. این مدرسه به مدیریت قمر خانم نامی، در محله سنگلج تهران تأسیس شد. در آمار منتشره در نشریه شکوفه، از ۱۹ دانش‌آموز این مدرسه در سال ۱۲۹۷ ش، ۵ نفر داوطلب امتحان شدند که هر ۵ نفر قبول شدند.

دایره‌المعارف زن ایرانی ص ۸۲۶

۱۴- مدرسه عصمت تهران

مدرسه دخترانه تأسیس یافته پس از مشروطیت، مدیر این مدرسه آسیه خانم و محل مدرسه در کوچه وزیر دفتر بوده است. تعداد کلاس‌های مدرسه ۳ کلاس و تعداد دانش‌آموزان آن ۳۷ نفر بوده که ۱۰ نفر رایگان درس می‌خوانده‌اند.

دایره‌المعارف زن ایرانی ص ۸۳۶

۱۵- مدرسه عفتیه تهران

دبستانی دخترانه تأسیس یافته پس از مشروطیت با مدیریت «خانم خانم‌ها» در خیابان عین‌الدوله این مدرسه ۶ کلاس داشت با ۷۱ دانش‌آموز که ۱۵ نفر رایگان درس می‌خواندند.

تأسیس پس از مشروطیت با مدیریت خانم عفت‌السادات در خیابان ماشین این مدرسه یک کلاس داشت با ۴ دانش‌آموز که ۲ نفر رایگان درس می‌خواندند.

تأسیس سال ۱۲۸۹ ش توسط مؤسس خانم صفیه یزدی همسر شیخ محمدحسین یزدی. درباره این مدرسه در بحث تأسیس مدارس دختران پس از مشروطیت سخن رفته است.

تأسیس پس از مشروطیت با مدیریت ربابه خانم در محله شهرنو تهران. این مدرسه ۳ دانش آموز داشت که ۱ نفر رایگان درس می خواند. در سال ۱۲۹۷ تعداد قبول شدگان مدرسه ۱۲ نفر بوده است.

دایره المعارف زن ایرانی ص ۸۳۷

تبرستان

www.tabarestan.info

۱۶- مدرسه ترقی نسوان

این مدرسه پس از مشروطیت تأسیس یافت. محل مدرسه در بازارچه حاجی قاسم و مدیریت آن با صدیقه خانم بوده. این مدرسه ۲ کلاس و ۱۲ محصل داشت که ۸ نفر آنها رایگان درس می خواندند.

دایره المعارف زن ایرانی ص ۸۳۴

۱۷- مدرسه صدریه تهران

مدرسه ای که پس از مشروطیت تأسیس شد محل مدرسه خیابان فرمانفرما و مدیریت آن با صدرالملوک خانم بود. مدرسه چهار کلاس داشت که تعداد ۳۴ نفر در آن درس می خواندند. از تاریخ دقیق تأسیس آن اطلاعی در دست نیست.

دایره المعارف زن ایرانی ص ۸۳۵

۱۸- مدرسه طبیات

این مدرسه پس از مشروطیت در پارک امین الدوله تأسیس شد. مدیریت آن به عهده زبیده خانم بود. در این مدرسه که ۳ کلاس داشت ۲۳ دانش آموز درس می خواندند.

دایره المعارف زن ایرانی ص ۸۳۶

۱۹- مدرسه صنعتی تهران

مدرسه ای دخترانه که پس از مشروطیت بانو عفت الملوک خواجه نوری فرزند ابوتراب خواجه نوری (نظم الدوله) و همسر کاظم خواجه نوری (نظم الملک) در



سال ۱۳۰۲ امتیاز تأسیس آن مدرسه صنعتی را از وزارت فرهنگ وقت گرفت و به مدت ۷ سال به خرج خود آن مدرسه را اداره کرده. این مدرسه بعدها به هنرستان تبدیل شد و از سرانجام آن اطلاعی در دست نیست.

۲۰- مدرسه محمودیه دوشیزگان تهران

در سال ۱۲۹۵ ش، مدرسه محمودیه دوشیزگان تهران با مدیریت معصومه ملقب به عزت‌الشریعه همسر حاج سیدجواد سلطان‌المحدثین تأسیس شد. بانو عزت‌الشریعه با فروش ارث پدری خود مدرسه‌ای را در کوچه شاهزاده عمیدالدوله محله سنگلج بنا نهاد. این مدرسه در سال ۱۳۱۹ ش. به نام خورشید نامیده شد. پس از درگذشت بانو عزت‌الشریعه دخترش خانم منصوره سلطان‌زاده مدیر مدرسه شد بعدها با رواج مدارس دولتی عواید این مدرسه کاهش یافت و در نهایت مدرسه به وزارت فرهنگ واگذار شد. بانو عزت‌الشریعه معلومات فارسی و عربی داشت و تدریس در مدرسه را به عهده داشت. از سرانجام کار این مدرسه اطلاعی در دست نیست.

قومی - فخری - کارنامه زنان مشهور ایران وزارت آموزش و پرورش تهران ۱۳۵۲

۲۱- محمودیه دوشیزگان در سال ۱۳۰۹ - ۱۳۱۰

این مدرسه در مقطع ابتدایی ۶۴ دانش‌آموز در مقطع تهیه داشته است. در کلاس‌های اول، دوم، سوم، چهارم، پنجم و ششم به ترتیب ۵-۱۸-۱۰-۷-۸-۶ دانش‌آموز درس می‌خواند این مدرسه ضمناً در همین سال کلاس‌های اول و دوم متوسطه نیز داشته است. کلاس اول متوسطه با ۲ دانش‌آموز و کلاس دوم متوسطه ۴ تا دانش‌آموز.

این مدرسه در سال ۱۳۱۴ - ۱۳۱۵ دارای شش کلاس بوده با ۱۰۵ شاگرد دختر و ۴۲ شاگرد پسر. دبیرستان محمودیه دارای ۳ کلاس متوسطه بود با ۱۰ دانش‌آموز به استناد سالنامه و آمار سال ۱۳۱۴ - ۱۳۱۵. تاریخ تأسیس محمودیه دوشیزگان ۱۲۸۸ می‌باشد.

در سال ۱۳۱۶ دبیرستان محمودیه ۱۶ شاگرد داشته است با دو معلم زن دبستان محمودیه: ۱۱۲ شاگرد دختر و ۳۶ پسر.

عزت الشریعه، معصومه کیست؟

جوان‌ترین مدیر و مؤسس مدرسه از جمله زنانی است که در صدر مشروطیت به احداث مدرسه برای دختران همت گماشت. ویژگی او جوان بودنش است. وی در سال ۱۲۷۰ ش در تهران متولد شد. پدر او که از بانیان نهضت مشروطیت بود تعلیم او را تا سن هفت سالگی خود بر عهده گرفت و به آموزش قرآن، اخبار و احادیث همت گماشت. پس از آن او را نزد استادان دیگر فرستاد. وی با آموزش صرف و نحو و ادبیات فارسی و عربی و دیگر علوم متداول زمانه، جایی در بین فرهنگیان آن روزگار یافت و در سن پانزده سالگی از سوی مدارس ناموس، فارسی و دختران ایرانی که از مدارس معتبر پایتخت بودند به همکاری دعوت شد. در همان ایام برای تأسیس دبستان درخواست جواز کرد. با گذشت ایام و درک نیاز جامعه به مدرسه دخترانه بر آن شد تا با فروش میراث پدری مدرسه جدیدی دایر کند. در سال ۱۲۹۵ مدرسه محمودیه را تأسیس کرد.

منصوره سلطان‌زاده تنها دخترش می‌گوید: «نوباوگانی که در کلاس‌های درس تحت تعلیم قرار داشتند در اولین دوره امتحانات ششم ابتدایی، دانش‌آموزان داوطلب مدرس توانستند امتحانات مشکل آن روزها را با موفقیت به پایان ببرند».

وی می‌افزاید: «در سال ۱۳۱۰ سرانجام برابر امتیاز رسمی وزارت معارف و اوقاف و صنایع مستظرفه به نام بانو عزت‌الشریعه صادر و مدرسه ابتدایی محمودیه دوشیزگان به رسمیت شناخته شد. زیرا تا پیش از این تاریخ گشایش مدرسه به صدور امتیاز رسمی از وزارت فرهنگ نیاز نداشت».

وی در سال ۱۲۹۸ با مرحوم حاج سید جواد سلطان‌زاده ازدواج کرد مشروط به اینکه او از کارهای اجتماعی باز داشته نشود. دخترش از چگونگی ابراز و انجام این شرط می‌گوید: «مادرم با صراحت به پدرم گفت که زن آشپزخانه نیست و پدرم هم در نامه‌ای با نوشتن این شعر:

بالا بلند عشوه‌گر نقش باز من کوتاه کرد قصه زهد دراز من

نوشت: من خانم خانه می‌خواهم.

بنابراین مادرم تمام سعی خود را برای پیشرفت کار تعلیم و تربیت نوجوانان و دو فرزندش به کار بست».

ثمره این ازدواج یک دختر و یک پسر بود.

وی تا سال ۱۳۲۴ شمسی به اداره مدرسه که دبیرستان خورشید نامیده می‌شد پرداخت. اما در زمستان همان سال بیماری اجازه ادامه کار به او نداد و اداره مدرسه به دخترش واگذار شد. این مدرسه تا سال ۱۳۳۷ از طرف خانواده او اداره شد و سپس به اداره فرهنگ ناحیه ۱۰ تهران اهداء گردید.

تبرستان

www.tabarestan.info

وزارت معارف

در دوم تیرماه ۱۲۸۷ میرزا حسن خان مشیرالدوله وزیر معارف و اوقاف کشور شد. عمر وزارت وی چندان نپائید در ۱۵ دی ماه ۱۲۸۷، مهندس الممالک وزیر معارف شد اگرچه وزیر معارف خود از دانشمندان ارجمند بود و از وی چندین کتاب علمی به جا مانده است مانند: مثلثات، هندسه تحلیلی، جبر و مقابله اعلی، حساب اصلی و تفاضلی، علم هیأت، قوا و حرکت. اما در بسیاری از شهرهای ایران حتی یک دبستان ابتدایی هم وجود نداشت، وانگهی عمر وزارت وی از ۱۵ دی ماه ۱۲۸۷ تا ۱۲ اردیبهشت ۱۲۸۸ ش بیشتر نبود و بدیهی است در این مدت کم امکان خدماتی برای گسترش مدارس ابتدایی و متوسطه نبود. در سال ۱۲۸۷ وزارت معارف به عهده موتمن الملک گذاشته شد وی بر این باور بود که مردم باید در اثر آموزش از خواب گران بی خبری بیدار شوند از این رو برای گسترش معارف تا حد توان کوشید و چون برای انجام چنین امری نیاز به بودجه داشت توانست دولت را بر آن وا دارد که عوارضی برای تحصیل درآمد جهت تأسیس مدارس ابتدایی و متوسطه تصویب کند عمر وزارت این مرد از چهارماه ونیم تجاوز نکرد.

عوارض معارف

عوارض معارف به پیشنهاد موتمن الملک در چهار ماده به تصویب دولت

رسید:

ماده اول: از سال ۱۳۳۶ ه. ق. ۱۲۸۸ ش عوارض ذیل به اسم عوارض معارف برای تأسیس مدارس ابتدایی و متوسطه در ایالات و ولایات بر مالیات های مستقیم نقدی و جنسی برقرار می شود.

الف - بر مالیات نقدی از قرار تومانی (دویست دینار).

ب - بر مالیات جنسی از قرار خرواری یک قران .



ماده دوم: عوارض فوق توسط مأمورین مالیه در واقع در موقع اخذ مالیات وصول و حساب آن علی حده نگاه داشته شده بر حسب حواله وزارت جلیله معارف پرداخته خواهد شد.

ماده سوم: عوارض فوق مخصوص مدارس است و به هیچ وجه محل مصارف اداری و مقرری مأمورین اداره وزارت معارف نتواند شود. رئیس مالیه نظارت خواهند داشت که این نظر محفوظ و وجوه هر ولایتی صرف مدرسه آن محل شود.

ماده چهارم: تأسیس مدارس ابتدایی بر مدارس متوسطه مقدم است و مسادامی که در شهرهای مهم یک ولایت یا ایالت که عوارض را می‌دهد مدارس ابتدایی دایر نشود. از این وجوه صرف مدارس متوسطه نمی‌شود. / (به نقل از ص ۱۱۰ وزیران علوم، یغمایی اقبال)

سازمان اداری وزارت معارف

به موجب قانون اداری مورخ ۲۶ شعبان ۱۳۲۸ ه.ق برابر با ۱۱ شهریور ۱۲۸۹ ش وزارت معارف دارای اداره‌های ویژه‌ای است که هر یک عهده‌دار کاری هستند در رأس کلیه تشکیلات وزارت معارف وزیر اوقاف و صنایع مستظرفه می‌باشد و هم عضو هیأت دولت. وزارت معارف در این زمان دارای دو اداره است. ۱- اداره تعلیمات عمومی ۲- اداره معارف

وظیفه اداره تعلیمات عمومی

این اداره عهده‌دار تعلیمات ابتدایی، متوسطه و تهیه کتاب و قلم و اصلاح مکاتب و جمع‌آوری آثار و ایجاد مدارس ایتام و اکابر و شبانه‌روزی است.

وظیفه اداره معارف

این اداره عهده‌دار امور مدارس عالی و محصلین اعزام به خارج و تشکیل کتابخانه و انجمن‌های علمی و نظارت بر حفریات، عتیقه‌جات است.

در ماده ۷: درباره ملت‌های غیرمسلمان، مانند زردشتی، مسیحی، کلیسی آمده است که ملل غیراسلامی در مدارس دولتی حق تقاضای تحصیل مذهب خودشان را ندارند و مجبور به تحصیل شرعیات اسلامی نیز نخواهند بود.

تنظیم کنندگان بدین نکته توجه داشته‌اند:

الف: بچه‌های غیرمسلمان می‌توانند در مدارس دولتی ایران درس بخوانند و اعتقاد دینی آنان مانع درس خواندنشان نمی‌شود.

ب: اما در این مدارس نمی‌توانند مسایل دینی خود را بیاموزند.

ج. اما مجبور به خواندن درس دینی مسلمانان نیستند.

در ماده ۱۳ آمده است که:

مدارسی که از اموال اوقاف دایر است نیز از حیث امور اخلاقی و حفظ الصحه و تربیت تعلیمات و امتحانات و غیره‌ها تا اندازه‌ای که با غرض واقف موافقت کند در تحت نظر وزارت معارف است.

در ماده ۱۴ یادآوری می‌شود که:

وزارت معارف باید تدریس کتبی را که مضر به اخلاق و دین محصلین است ممنوع نماید و کتبی که از طرف وزارت معارف ممنوع شده باشد در هیچ مدرسه نباید تدریس شود.

ماده ۲۸: مجازات بدنی در مکاتب و مدارس ممنوع است.

در ماده ۱۵: چهار نوع مدرسه را معرفی می‌کند:

۱- مکاتب ابتدایی دهکده ۲- مکاتب ابتدایی بلدی (شهری) ۳- مدارس متوسطه ۴- مدارس عالییه.

در ماده ۱۷ تصریح می‌شود که:

پروگرام (برنامه) مکاتب و مدارس ابتدایی و متوسطه باید تعلیم واجبات دینی را به قدر لزوم شامل شود.

در ماده ۱۰، شرایط کسانی که می‌خواهند مدرسه افتتاح کنند اینگونه آورده است.

۱- مدیر مدرسه کم‌تر از سی سال نباید داشته باشد.

۲- بنای مدرسه را موافق ملاحظات حفظ‌الصحه که از طرف وزارت معارف مقرر شده است فراهم نماید.

۳- در مدارس ابتدایی مدیر باید دارای تصدیق‌نامه تحصیلات مدارس متوسطه و در مدارس متوسطه تصدیق‌نامه تحصیلات عالییه را داشته باشد.

۴- مدیر مدرسه باید معروف به سوء عقیده و اخلاق و عادات ذمیمه نبوده و مرتکب جنحه و جنایتی نشده باشد و معلمینی را هم که انتخاب می‌کنند باید علاوه بر شرایط مزبور هر کدام در فن خود تصدیق رسمی وزارت معارف را دارا باشد.

نخستین کسانی که تصدیق نامه ۶ ساله ابتدایی گرفته‌اند

در سال ۱۲۹۰ ش که قانون اساسی معارف نوشته شد در ماده ۱۸، وزارت معارف ترتیب و درجات مراتب تحصیلات را معین می‌کند و برای تصدیق نامه باید از عهده امتحانات درآیند تا بتوانند از مزایای قانونی تصدیق نامه استفاده کنند و داخل به مشاغل دولتی شدن مستلزم داشتن تصدیق نامه‌هاست: وقتی ماده ۱۸ نهم عقر به تصویب می‌رسد آبان ۱۲۹۰ ش بود و بی‌تردید در آن سال تحصیلی برخی از دانش‌آموزان پسر و دختر در کلاس ششم ابتدایی درس می‌خواندند اینان بایستی در خرداد ۱۲۹۱ ش از عهده امتحان برآیند:

برابر آمار: در خرداد ۱۲۹۱ تعداد ۱۳۸ دانش‌آموز پسر درس می‌خوانده‌اند که داوطلب شرکت در امتحان نهایی ششم ابتدایی شده‌اند از این تعداد فقط ۴۴ نفر قبول شده‌اند. اما تعداد دانش‌آموزان دختری که در این سال مشغول تحصیل در کلاس ششم ابتدایی بودند ۹ نفر بوده است که ۳ نفر موفق به دریافت تصدیق نامه شده‌اند.

این رقم در سال ۱۲۹۲ به ۱۰ نفر می‌رسد و در سال ۱۲۹۳ نیز ۱۰ نفر و در سال ۱۲۹۴، ۴۳ نفر و در سال ۱۲۹۵ به ۸۹ نفر در سال ۱۲۹۶، ۱۳۵ نفر، در سال ۱۲۹۷ به ۱۴۱ نفر می‌رسد

سال ۱۲۹۷ ش. سال گسترش مدارس دولتی

خرداد سال ۱۲۹۷ ش در سراسر ایران ۶۹۰ دانش‌آموز ۵۴۹ پسر و ۱۴۱ دختر موفق به اخذ تصدیق ششم ابتدایی شدند، گسترش مدارس دخترانه در تهران و استقبالی که روشن‌اندیشان از تأسیس مدارس به عمل آوردند به گونه‌ای بود که وزارت معارف به فکر افتاد تا با هزینه دولت مدارس تأسیس کند. وزارت معارف با عنایت به ماده ۳ که تعلیمات ابتدایی را برای عموم مردم اجباری داشته بود در



جلسه دوم برج میزان (مهر) ۱۲۹۷ برابر با ۱۸ ذی حجه ۱۳۳۴ در آن به موجب پیشنهاد وزارت معارف، هیأت وزیران تصویب کردند. اول چهل مدرسه ابتدایی (مجانی) دولتی و ۶ باب مدرسه متوسطه غیرمجانی که فقط کسر بودجه آن را دولت به طور اعانه خواهد داد تأسیس کند. در نتیجه در سال تحصیلی ۱۲۹۷-۱۲۹۸ ۳۰ دبستان مجانی پسرانه دوکلاسه تا چهارکلاسه و ده دبستان دخترانه و نه باب دبیرستان یک یا دوکلاسه با کلاس‌های ابتدایی در تهران تأسیس شد و چندین مدرسه ابتدایی نیز در شهرستان‌ها شروع به کار کرد

وظایف رئیس هر حوزه (رئیس معارف و اوقاف)

رئیس معارف نماینده وزارتخانه است قوانین و نظامات مربوطه به معارف را اجرا می‌کند، بر مدارس ایران نظارت می‌کند، اجازه پرداخت حقوق و مصارف را بر حسب بودجه مصوب می‌دهد. عزل و نصب اعضا را پیشنهاد می‌کند، بر امتحانات رسمی ریاست می‌کند. در اوقاف نظارت می‌کند و حق‌النظاره دریافت می‌دارد بعضی از موقوفات را رسماً اداره می‌کند و به همین علت هم او را رئیس معارف و اوقاف می‌گویند.

مدارس خصوصی

به موجب قانون اساسی معارف مصوب ۱۳۲۹ (۱۲۹۰ ش) مدارس خصوصی تحت نظر اولیای دولت است زیرا کسانی که بخواهند مدرسه باز کنند باید از وزارت معارف اجازه دریافت کنند و از جهت سن، معلومات و اخلاق واجد شرایط معینی باشند در ثانی معلمان باید اوصافی داشته باشند، مدرسه نیز باید ساختمانش برابر اصولی باشد که تعیین شده است، چهارم اینکه صلاحیت او باید از سوی شورای عالی معارف تصدیق شود.

پس از افتتاح مدرسه: مدیر باید عین برنامه رسمی را که معارف تعیین کرده است در مدرسه اجرا کند و بازرسان دولتی (مفتش) می‌توانند هر موقع که خواستند داخل مدرسه شده تحقیق نمایند.

گواهی نامه ششم ابتدایی

پس از اینکه در امتحان ششم ابتدایی که زیر نظر وزارت معارف انجام می شود به آنان گواهی نامه (تصدیق نامه ششم ابتدایی) داده می شود این گواهی نامه ها که نظر به ماده هجدهم قانون اساسی معارف مصوب نهم عقرب ۱۲۹۰ ش و نظر به نظامنامه امتحانات مصوبه شورای عالی معارف، صادر می شود باید به امضای وزیر معارف، رئیس کل معارف و تعلیمات رئیس امتحانات برسد.

نهم عقرب ۱۲۹۰ ش برابر با نهم آبان ماه ۱۲۹۰ ش

از سال ۱۲۸۰ ش تا سال ۱۲۹۰ ش در حدود ۳۶ مدرسه دخترانه در تهران و

شهرهای ایران به شرح زیر دایر گردید:

تهران	۲۳	مدرسه	دختران
اصفهان	۳	مدرسه	دختران
خوزستان	۱	مدرسه	دختران
گیلان	۳	مدرسه	دختران
یزد	۳	مدرسه	دختران
همدان	۱	مدرسه	دختران
تبریز	۱	مدرسه	دختران
مازندران	۱	مدرسه	دختران

اما تا سال ۱۲۹۰ ش هیچ دانش آموزی از این مدارس تصدیق ششم ابتدایی

دریافت نکرد.

در نهم عقرب (آبان ماه) ۱۲۹۰ ش، قانون اساسی فرهنگ به تصویب رسید: این قانون در ۲۸ ماده تنظیم و به تصویب رسید. این قانون اساسی را می توان پایه آموزش و پرورش جدید دانست. در ماده ۱، این تعریف از مکتب و مدرسه شده که: «مکتب و مدرسه عبارت است از تأسیساتی که برای تربیت اخلاقی و علمی و بدنی ابناء نوع بشر دایر می گردد.»

در این تعریف: به ۳ موضوع توجه شده است اول اخلاق دوم علم و سوم بهداشت و پرورش جسم. این نشان می دهد که تنظیم کنندگان این قانون بر آن بوده اند تا مدارس جدید برپایه ای درست، قانون مند و هدفدار شکل بگیرد.



ماده دو: پروگرام مدارس و مکاتب از طرف وزارت معارف معین می‌گردد و باید در هر پروگرام حیثیت علمی و صنعتی و نشو و نماى بدنى محفوظ باشد.

ماده سوم: «تعلیمات ابتدایی برای عموم ایرانیان اجباری است»

بدیهی است زمانی این ماده مورد عنایت تنظیم کنندگان قانون اساسی معارف بوده است که در بسیاری از شهرهای ایران مدرسه ابتدایی وجود نداشته است. اما گنجاندن این ماده در قانون اساسی در عمل دولت را موظف می‌کرد که مقدمات اجرای این ماده فراهم شود.

ماده ۴: طریق تحصیل آزاد است لیکن هرکس باید آن اندازه از معلوماتی را که دولت برای درجه ابتدایی معین نموده است تحصیل کند: در اجرای این ماده است که گواهی‌نامه‌های ششم ابتدایی که برای فارغ‌التحصیلان دوره ابتدایی صادر شده است، این گونه شروع می‌شده است که: نظر به ماده هجدهم قانون اساسی معارف مصوب نهم عقرب ۱۲۹۰ ش و نظر به نظامنامه امتحانات مصوب شورای عالی معارف ...

ماده هجدهم تصریح دارد که: وزارت معارف ترتیب درجات و مراتب تحصیلیه را معین نموده برای هر کدام امتحانات و تصدیق‌نامه‌ها برقرار خواهد نمود که دخول در خدمات دولتی موقوف به داشتن آن تصدیق‌نامه‌ها خواهد بود. در این قانون اساسی ماده ۵ تصریح شده است که: هرکس مکلف است اطفال خود را از سن هفت سالگی به تحصیل معلومات ابتدائیه وادارد اعم از اینکه در خانه باشد یا در مدرسه.

قانون اداری وزارت معارف

در زمان زمامداری مستوفی‌الممالک که وزیر معارف اسداله میرزا شهاب‌الدوله بود قانون اداری وزارت معارف و اوقاف به تصویب مجلس شورای ملی رسید این قانون که ۱۱ شهریور ۱۲۸۹ ش که رئیس مجلس ذکاالملک بود به تصویب رسید تا سال ۱۲۹۷ ش برخی از ادارات آن شکل گرفته بود، یکی از این اداره شورای عالی معارف بود.

قانون اداری در سه فصل و ۱۲ ماده تصویب شده بود، در ماده ۵۸ فصل اول شعبه‌های اداره‌های مرکز معارف را به شرح زیر معرفی می‌کند.

۱- دایره وزارت مشتمل بر وزیر و کابینه وزیر

۲- مدیر کل

۳- اداره تعلیمات عمومی

۴- اداره معارف

۵- اداره اوقاف

۶- دایره تحقیقات

۷- دایره تفتیش

۸- دایره محاسبات

۹- هیأت شورای معارف

قانون شورای عالی معارف

قانون شورای عالی در ۲۰ اسفند ۱۳۰۰ ش تصویب می‌شود اما اعضاء شورا در ۱۴ مهرماه ۱۲۹۷ ش انتخاب شدند و اولین جلسه آن در ۲۷ مهر (میزان) به کار آغاز کرد.

اعضای شورا

۱- نصیرالدوله وزیر معارف، رئیس

۲- رضا قلی خان نیرالملک معاون کل معارف، عضو

۳- دکتر اعلم‌الدوله، رئیس کل معارف، عضو

۴- شاهزاده فیروزمیرزای نصرت‌الدوله وزیر عدلیه (دادگستری)، عضو

۵- حاجی آقا شیرازی، عضو

۶- عبدالحسین خان سردار معظم خراسانی، عضو

۷- میرزا ابوالحسن خان فروغی، عضو

۸- ملک‌الشعراى بهار، عضو

۹- صدراالفاضل، عضو



- ۱۰- مخبرالدوله، عضو
- ۱۱- میرزا علی اکبرخان مزینالدوله، عضو
- ۱۲- حاج سید محمد سلطان العلما مدیر مدرسه نمره ۶ متوسطه، عضو
- ۱۳- سید محمد حجت رئیس مدرسه ۲۲ ابتدایی، عضو
- ۱۴- قویمالدوله، عضو
- ۱۵- سید محمد تدین، عضو
- ۱۶- دکتر احمدخان عمادالملک رئیس کابینه، دفتر دارالبرستان

شورای عالی معارف در نیمه دوم سال ۱۲۹۷ ش اصول زیر را

تصویب کرد:

- ۱- تقسیم مدارس به محلات به نسبت جمعیت هر محله و تعیین شش مدرسه متوسطه که در آن سال تأسیس یافته بود.
- ۲- تعیین ارزش مدارس ملی که به وزارت معارف واگذار شده بود.
- ۳- تعیین شاگردان مجانی و غیرمجانای مدارس ملی که به مدارس دولتی انتقال یافته‌اند.
- ۴- تعیین شرایط پذیرفتن شاگردان مجانی در مدارس دولتی.
- ۵- تجدیدنظر در برنامه مدارس ابتدایی پسران.
- ۶- تهیه برنامه مخصوص مدارس ابتدایی دختران.
- ۷- تأسیس دارالمعلمین و دارالمعلمات تشکیل مدرسه نسوان. افتتاح مدرسه دندان‌سازی. استخدام چند معلم اروپایی برای تکمیل کادر آموزشی دارالفنون. تأسیس مدرسه موزیک و تدوین نظام نامه‌های دقیق و مفید برای حسن جریان امور معارف، اصلاح پروگرام مدارس متوسطه و تأسیس اداره تفتیش از کارهای بدر بود.

تاریخ خورشیدی به جای تاریخ قمری

از آغاز تاریخ اسلام تا سال ۱۳۳۷ ه.ق برابر با ۱۲۹۷ ش، در تمام وزارتخانه‌ها و دوائر دولتی و همچنین نوشتن تاریخ و وقایع از روز و ماه و سال با تاریخ قمری استفاده می‌شد اما از سال ۱۲۹۷ ش به موجب تصویب دولت در همه اداره‌های دولتی سال خورشیدی به کار رفت در این سال بود که دولت برای وزارت معارف اقداماتی کرد از جمله:

- ۱- بودجه معارف را از ۱۳۴۰۰۰۰ تومان به ۲۶۰۰۰۰۰ تومان افزایش داد.
 - ۲- دارالمعلمین مرکزی را تأسیس کرد که در سال ۱۲۹۹ به دانشسرای مقدماتی تبدیل شد.
 - ۳- دارالمعلمیات و چهل مدرسه ابتدایی و ۸ مدرسه متوسطه را ایجاد کرد و برای تأسیس مدارس جدید فعالیت‌های مناسبی به عمل آورد.
- در زمانی که این اقدامات صورت گرفت: وزیر معارف میرزا احمدخان نصیرالدوله بدر بود.
- به نوشته یغمایی:

از کارهای دیگر معارف که به وسیله «بدر»^۱ انجام گرفت تصویب نظام‌نامه‌ای بود که به استناد آن نااهلان را از کار دوا فروشی و طبابت باز می‌داشت. وزارت معارف کلیه دوا فروشان را برای نمایاندن صلاحیت خود دعوت کرد و دکتر محمودخان شیمی، یا یاریان مدیر داروخانه لاله‌زار، مشیرالماک رئیس امور اطبا و دوا فروشان، مدیر داروخانه شورین، حکیمان مدیر داروخانه کار نیک و منتصرالسلطان را به امتحان کردن و تشخیص صلاحیت علمی آنان مأمور کرد. نمونه‌ای از این گواهی‌نامه‌ها که اجازه دواسازی و دوافروشی گرفته است مربوط به سید محمود صموتی است که فتوکپی آن در فهرست تصاویر خواهد آمد.

از کارهای باارزش وی یکی هم تأسیس دارالمعلمیات بود. بدر، تأسیس دارالمعلمیات را بر تشکیلات مدرسه فرانکو پرسیان دختر بنا کرد. این مدرسه که در سال ۱۳۲۳ ق برابر ۱۲۸۴ ش دایر شده بود علاوه بر دوره کامل ابتدایی سه کلاس



متوسطه داشت و شاگردان مستعد پس از دوره ابتدایی در این کلاس درس می‌خواندند... وزیر معارف برای تربیت و پرورش معلم زن. این مدرسه را به دارالمعلمت تبدیل کرد و دستور داد دو نفر از شاگردان هفته‌ای ۳ روز برای یادگیری درس‌های مربوط به بیماری زنان و فن قابلمگی به بیمارستان نسوان بروند. دوره دارالمعلمت چهار سال بود، در سه سال اول درس‌های متوسطه را می‌خواندند در سال چهارم علاوه بر آن اصول تعلیم و تربیت را فرا می‌گرفتند و برای تمرین فن معلمی و تدریس در کلاس‌های ابتدایی ضمیمه دارالمعلمت درس می‌دادند.

بدر علاوه بر این کارها ده مدرسه در قصبات تهران دایر کرد. تا سال ۱۲۹۷ فقط مدرسه عظیمیه شهر ری در حومه تهران فعال بود و دو مدرسه هم در صاحبقرانیه.

تبرستان

www.tabarestan.info

نگاهی به تهران به استناد سرشماری سال ۱۳۰۱ شمسی

با وجودی که در مهر ۱۲۹۷ به موجب پیشنهاد وزارت معارف چهل مدرسه ابتدایی مجانی و ۶ مدرسه متوسطه غیرمجانمی در تهران ایجاد می‌شود که ۱۰ مدرسه آن دخترانه بوده است اما نگاهی به سرشماری سال ۱۳۰۱ ش نشان می‌دهد که تهران پایتخت آن زمان نه تنها از لحاظ فرهنگی و علمی در سطح بسیار پائینی قرار داشته بلکه از لحاظ اجتماعی نیز موقعیت قابل قبولی نداشته است و این در حالی بوده است که در بسیاری از شهرهای ایران یک مدرسه ابتدایی هم وجود نداشته است و تأسیس مدارس ابتدایی دختران و پسران نیز با مشکلاتی روبه‌رو بوده است و مردم مؤسسان این قبیل مدارس را بی دین، بایی می‌دانستند و در واقع مدارس را باعث بی‌اعتقادی و فساد عقیده می‌دانستند. اکنون آمار است که تصویری از تهران ۱۳۰۱ ش را به ما نشان می‌دهد.

در سال ۱۳۰۱ ش تهران فقط ۱۹۶۲۵۵ نفر جمعیت داشته است این جمعیت در ده محله تهران به ترتیب زیر زندگی می‌کرده‌اند:

ناحیه ۱ (ارک)، ناحیه ۲ (دولت)، ۳- حسن آباد، ۴- سنگلج، ۵- قنات آباد، ۶- محمدیه، ۷- قاجاریه، ۸- بازار، ۹- عودلاجان، ۱۰- شهرنو

در سال ۱۳۰۱ در این ده محله ده مدرسه دخترانه وجود داشت که از سال ۱۲۹۷ ش ایجاد شده بود. در این ۱۰ مدرسه ۹۲۸ دختر به شرح زیر درس می‌خواندند.

- ۱- مدرسه شماره ۳۱ در ناحیه ارک به مدیریت فرنگیس خانم با ۱۰۵ شاگرد.
- ۲- مدرسه شماره ۳۲ در ناحیه دولت به مدیریت افسرالملوک خانم با ۱۱۰ شاگرد.
- ۳- مدرسه شماره ۳۳ در ناحیه حسن‌آباد به مدیریت درخشنده خانم با ۱۱۴ شاگرد.

۴- مدرسه شماره ۳۴ در ناحیه سنگلیج به مدیریت حشمت خانم با ۱۱۲ شاگرد.

۵- مدرسه شماره ۳۵ در ناحیه قنات آباد به مدیریت محترم خانم با ۱۱۴ شاگرد.

۶- مدرسه شماره ۳۶ در ناحیه محمدیه به مدیریت فاطمه خانم با ۳۵ شاگرد.
۷- مدرسه شماره ۳۷ در ناحیه قاجاریه (ری) به مدیریت سکینه خانم اعزازی با ۱۲۵ شاگرد.

۸- مدرسه شماره ۳۸ در ناحیه بازار به مدیریت حاجیه خانم با ۱۰۴ شاگرد.
۹- مدرسه شماره ۳۹ در ناحیه عودلاجان به مدیریت مرصع خانم با ۱۰۴ شاگرد.

۱۰- مدرسه شماره ۴۰ در ناحیه شهرنو به مدیریت کوکب السادات با ۲۵ شاگرد.

به این مدارس برابر احصائیه‌هایی که در دست است تا سال ۱۳۰۹ ش فقط ۹ دبستان اضافه شده است:

اما سرشماری سال ۱۳۰۱ تعداد دانش آموزان پسر، دختر، مسلمان، کلیمی، مسیحی، زردشتی و سایر ملل را و جمعیت باسواد و بی سواد را اینگونه معرفی کرده است.

تعداد دانش آموزان مسلمان، مسیحی، کلیمی، زردشتی

۱- تعداد دانش آموزان ۱۴۱۳۰ نفر که ۹۹۰۴ پسر و ۴۲۲۲۶ دختر بوده‌اند.

۲- تعداد محصلان ارمنی ۶۰۹ نفر که ۳۲۰ پسر و ۲۸۹ دختر بوده‌اند.

۳- تعداد محصلان کلیمی ۱۱۱۰ نفر که ۷۸۹ پسر و ۳۲۱ دختر بوده‌اند.

۴- تعداد محصلان زردشتی ۷۵ نفر که ۵۲ پسر و ۲۳ دختر بوده‌اند.

تعداد مسلمانان باسواد و بی سواد

باسوادان مسلمان:

در سال ۱۳۰۱ از تعداد ۱۷۶۵۲۴ نفر جمعیت مسلمان تهران فقط ۳۱۰۱۹ نفر

باسواد بوده‌اند: ۲۲۸۶۱ مرد و ۸۱۵۸ نفر زن



جمع جمعیت بی سواد تهران ۱۴۵۵۰۵ نفر

تعداد مردان بی سواد مسلمان ۶۲۹۴۱ نفر

تعداد زنان بی سواد مسلمان ۸۲۵۶۴ نفر

تعداد مردان و زنان باسواد و بی سواد کلیمی

باسواد

مردان باسواد کلیمی ۱۳۴۹ نفر

زنان باسواد کلیمی ۴۲۳ نفر

جمع ۱۷۷۲ نفر

بی سواد

مردان بی سواد ۱۳۳۸ نفر

زنان بی سواد ۲۲۲۳ نفر

جمع ۳۶۱۱ نفر

زنان و مردان باسواد و بی سواد عیسوی

باسواد

۱- مردان باسواد ۶۲۶ نفر

۲- زنان باسواد ۴۱۰ نفر

جمع ۱۰۳۶ نفر

زنان و مردان باسواد و بی سواد زردشتی

باسواد

مرد زردشتی ۱۸۰ نفر

زن زردشتی ۲۸ نفر

جمع ۲۰۸ نفر

بی سواد

مرد زردشتی ۱۶۳ نفر

زن زردشتی ۲۱۰ نفر

جمع ۳۷۳ نفر

تعداد سوادداران سایر ملل: ۱۳۹۰ نفر

تعداد مدارس

در سال ۱۳۰۱ در تهران ۹۹ مدرسه ابتدایی دولتی و خصوصی، و متوسطه وجود داشته است در این آمار مدارس سایر ملل و ادیان نیز لحاظ شده است. اما تعداد دانش آموزانی که در این مدارس تحصیل می کنند در حدود ۱۵۹۱۴ نفر می باشد.

باسوادان و بی سوادان تهران

از جمعیت ۱۹۶۲۲۵ نفری تهران در حدود ۴۶۹۳۳ نفر باسواد بوده اند که از این تعداد ۱۵۹۱۴ نفر محصل، که در ۹۹ مکان آموزشی درس خواندند.

کتاب فروشی و مشروب فروشی

برابر سرشماری ۱۳۰۱ ش. در برابر ۱۴۵ مشروب فروشی در تهران فقط ۳۹ کتاب فروشی دایر بوده است در این آمار مشروب فروشی های خانگی محاسبه نشده است.^۱

مشاغلی که با تربیت دینی و آئینی مردم سروکار داشته اند.

عالم مذهبی	۱۰۸ نفر
پیش نماز	۱۰۳ نفر
طلبه	۲۱۰ نفر
واعظ	۹۰ نفر
روضه خوان	۳۹۱ نفر
مداح	۱۰۷ نفر
نوحه خوان	۸۵ نفر

۱. دقت شود که در شهری که فقط ۱۹۶۲۲۵ نفر جمعیت دارد، وجود ۱۴۵ مشروب فروشی جای اندیشیدن دارد.



قاری (قرآن خوان)	۹۲ نفر
متولی و خدمه امامزاده و مسجد	۱۸۰ نفر
مدرس	۱۸ نفر
تلقین خوان	۱۶ نفر
مرده شوی زن	۶ نفر
مرده شوی مرد	۸ نفر

مشاغل دولتی

افسر «صاحب منصب نظام»	۵۱۵ نفر
افراد زیر دست	۱۴۵ نفر
افسر پلیس	۵۶ نفر
افراد زیر دست	۵۵ نفر
افسر ژاندارم (امنیه)	۶۵ نفر
افراد زیر دست	۷۴ نفر
وزیر	۱۰ نفر
وکیل مجلس	۱۰۹ نفر
کارکنان دولت	۵۳۸۷ نفر
کارکنان بلدیة (شهرداری)	۳۲۰ نفر
وزرای مختار	۳ نفر
سفرا و قونسولها	۱۲ نفر
اعضا اتباع خارجه	۵۰ نفر
مستخدمین ایرانی شاغل در سفارتخانهها	۵۹ نفر
مأمور، فراش، قراول	۱۸۰ نفر
زندان بان	۱۲ نفر
شکنجه گر (نسق چی)	۵ نفر
میر غضب	۱ نفر

تبرستان

www.tabarestan.info



مشاغل غیرمجاز

مشاغلی مانند: دزد خانه بر، جیب بر، دخل زن، بقچه گردان، قمارباز خال، سیاه بند، مال خر، مرده گردان، کفن دزد، و...

در این سال با وجودی که فقط ۱۰ مدیر رسمی، ۱۵ معلم رسمی، ۲۱ پرستار مرد، ۶۸ پرستار زن، ۱۸ روزنامه‌نگار، ۶ معلم موسیقی زن، ۴ روزنامه‌فروش، ۱۱ ماما به کارهایی مشغولند که به سلامت روح، جسم و اندیشه مردم کمک می‌کنند، مشاغل غیرمجاز، آماري چشمگیر دارد که باید آن را نتیجه عدم بهره‌وری از فرهنگ سالم، آگاهی، دانش و خرد جمعی دانست این آمار دردناک و حیرت‌آور است اما:

شاید باور کردنش سخت باشد که از جمعیت ۱۹۶۲۲۵ نفری تهران هفت درصد از آنان از مشاغلی مانند تن‌فروشی زندگی می‌کنند زنان، مردان یا پسران و واسطه‌هایی که از این جهت ارتزاق می‌کنند بالغ بر ۱۳۷۳۷ نفر می‌باشد و افراد صحیح‌العقل و منظم در تهران فقط نیم در هزار است و افراد نامنظم و بی‌حساب ۹۵٪ جمعیت تهران را تشکیل می‌دهند در خرداد این سال در سراسر کشور ایران فقط ۹۷۸ دانش‌آموز موفق به اخذ ششم ابتدایی می‌شوند.

در این سال در تهران ۱۰ مدرسه (ابتدایی) تأسیس شده‌اند و در سایر شهرهای ایران ۳۰ مدرسه ابتدایی و ۸ دبیرستان ایجاد شده است.

هنرستان، دبیرستان و ...

هنرستان دختران

به نوشته مؤلف تاریخ سمنان، مدرسه دخترانه تأسیس یافته پس از مشروطیت، مریم عمید سمنانی (مزین السلطنه) در سال ۱۳۳۱ هـ. ق (۱۲۹۲ ش) مدرسه دخترانه دارالعلم و الصنایع مزینیه را در سمنان افتتاح کرد و خود مدیریت آن را بر عهده گرفت شعار این مدرسه که تشویق و ترغیب دختران و زنان به درس خواندن بود چنین اعلام شده بود که: در برابر ۲ نفر شاگرد با شهریه یک شاگرد مجانی پذیرفته می‌شود.

این مدرسه دو شعبه داشت شعبه اول در سال ۱۳۳۲ هـ. ق (۱۲۹۳) با ۷۹ شاگرد (۴۰) نفر با شهریه و ۳۹ نفر مجانی فعالیت می‌کرد در این شعبه دختران به فراگیری خواندن و نوشتن فارسی، فرانسه، عربی، تاریخ، جغرافیا و هندسه و فنون دستی مشغول بودند و هر سال در امتحانی که برای آنان ترتیب داده می‌شد شرکت می‌کردند.

شعبه دوم مدرسه که بیشتر جنبه دارالصنایع داشت در آنجا فنون قالی‌بافی، جوراب‌بافی، زری‌دوزی، توربافی، پیچه‌بافی، خیاطی و سایر مهارت‌های دستی رایج در ایران را به دختران می‌آموختند رئیس شعبه خیاطی مدرسه مزینیه خانم خان‌زاده بود که طراحی و نقاشی را در پاریس آموخته بود. معلمان این دبیرستان که اول، شاگرد دارالمعلم بودند پس از اخذ دیپلم به سمت آموزگاری انتخاب می‌شدند عبارت بودند از:

بانو عزت، بانو حرمت صفاالملک، رابعه خانم برهان‌الملک، زکیه خانم حایری، خانم زین‌العابدین رهنما، رقیه خانم و کوچک خانم حایری، محل شعبه اول مدرسه مزینیه در باغ آصف‌الدوله و شعبه دوم در کوچه آب‌منگل واقع شده بود. مدیر



شعبه دوم خانم صدرالحاجیه و ناظم آن خانم زهرا خانم شفا و مدرسان آن عذرا خانم اربابزاده، شیخ فاضل (نابینا) مدرس فقه و اصول، آقا خلیل خان ریاضیات علی قوام‌الحکما مدرس فرانسه و فیزیک بودند.

مزین السلطنه از موفقیت‌های خود برای پیشرفت بیشتر نسوان منتهای استفاده را می‌برد، برای نمونه ایجاد آموزشگاه به منظور تربیت معلم و تشکیل هیأت ممتحنه و تخصیص و صرف بودجه معارف برای تأسیس مدارس دختران برای اولین بار از آثار و پیشنهادات وی بود.

شهرین خودرزی، ستوده، رشديه ص ۸۴۱

www.tabarestan.info

هنرستان خواجه نوری

در سال ۱۳۰۲ ش، عفت الملوک خواجه نوری امتیاز مدرسه صنعتی را از وزارت فرهنگ گرفت و مدت هفت سال با خرج خود این مدرسه را اداره کرد تا این‌که وزارت پیشه و هنر مدرسه‌ای به نام دارالتعلیم صنعتی نسوان را به وزارت معارف منتقل کرد. وزارت معارف به پاس خدمات خواجه نوری آن را به نام هنرستان خواجه نوری نامگذاری کرد و با همین نام ماندگار ماند و عفت‌الملوک خواجه نوری به مدیریت آن منصوب شد در این هنرستان انواع کارهای هنری، نقاشی، آشپزی، خیاطی، مینیاتور، منبت‌کاری، آرایش و ... تدریس می‌شد.

دایره‌المعارف زن ایرانی ص ۹۱۴

از سال ۱۳۰۲ تا ۱۳۰۵

از فروردین ماه ۱۳۰۲ ش تا سال ۱۳۰۵ ش ۱- محتشم‌السلطنه ۲- حکیم‌الدوله ۳- سلیمان میرزا محسن ۴- مستشارالدوله ۵- مشارالدوله حکمت ۶- مشیر فاطمی ۷- مشار اعظم ۸- تدین وزیر معارف شدند: موقعیت سیاسی از سال ۱۲۹۹ تا سال ۱۳۰۵ به گونه‌ای بود که کم‌تر به وزارت معارف توجه شده است با این همه و تنگنهایی که وجود داشته است وزیرانی مانند محتشم‌السلطنه، سلیمان میرزا محسن، مستشارالدوله، حکمت، مشاراعظم، تدین کوشش‌هایی به عمل آورده‌اند.



در سال ۱۳۰۲ هم محترم السلطنه وزیر بود هم حکیم الدوله و هم سلیمان میرزامحسن، اما عمر وزارت هر یک از آنان کم بود این وزیران پیش از اینکه بتوانند قدمی برای معارف بردارند جای خود را به دیگری واگذاشتند.

محترم السلطنه با همه علاقه‌ای که به پیشرفت فرهنگ و گسترش معارف داشت اما به دلایل زیر نتوانست موفقیتی به دست آورد.

۱- آشفتگی و نابسامانی کشور ۲- خالی بودن خزانه دولت ۳- اختلاف میان بزرگان و رجال سیاسی باین همه از کارهای وی می‌توان به این کارها اشاره کرد.

۱- اقامه نماز و تدریس شرعیات در مدارس اجباری شد

۲- انتخاب حاج جواهرخان صدیق‌الحرم به سمت ریاست مدارس نسوان

او به مجلس شورای ملی پیشنهاد کرد:

الف) حقوق دانش جویانی را که به خرج دولت در اروپا تدریس می‌کردند تا انقضای تحصیل بپردازند.

ب) ماهی ۱۰۰۰ تومان برای مخارج تحصیل ماهیانه ۲۰ شاگرد در اروپا به وسیله وزارت معارف پرداخت شود.

ج) وزارت مالیه ماهی ۲۵۰ تومان برای تحصیل ۵ نفر طلبه که در عتبات عالیات علوم شرعیه را می‌آموزند به وسیله وزارت معارف پرداخت نماید.

بعد از وی حکیم الدوله چند ماهی وزیر معارف شد.

حکیم الدوله به گسترش دانش و آگاهی علاقه‌مند بود اما وضع به گونه‌ای بود که روزنامه‌ها علیه معارف مقاله‌هایی می‌نوشتند و از حکیم الدوله می‌خواستند تا به وضع آشفته معارف پایان دهد. حکیم الدوله نیز به این انتقادات واقف بود اما در عمر کوتاه وزارتش نتوانست کاری انجام دهد.

خرابی اوضاع وزارت معارف و ولایات نه به حدی است که بتوان در جزئیات آن داخل شد و به شرح درآورد. این وزارتخانه که باید برای مملکت رجال کار آزموده تهیه نموده و زمامداران آگاه برای جامعه ایران آماده نماید امروزه به منزله یک دارالمعجزه شده که تمام کارکنانش از ایفای وظیفه خود عاجز بوده و مثل آدم‌های بیچاره و مضطرب دست به روی دست نهاده منتظر قضا و قدر نشسته‌اند.

با این همه در سال ۱۳۰۲ تعداد ۲۲ مدرسه ابتدایی در شهرهای ایران تأسیس می‌شود در این سال نخستین هنرستان دختران به وسیله خانم خواجه نوری شروع به کار می‌کند.

سلیمان میرزا برای بهبود مدارس کوشش‌هایی کرد. وی به مدرسه‌های دولتی و ملی مراجعه می‌کرد تا به دشواری کارشان پی ببرد روزی به مدرسه‌ای رفت که شاگردانی را فلک می‌کردند هم ناراحت شد هم عصبانی. چوب و فلک را در آتش سوزاند و به تمام مدارس بخشنامه کرد که شاگردان را با مهربانی به درس علاقه‌مند کنند نه با شکنجه، از کارهای دیگر اینکه: وقتی فهمید که ظل‌السلطان قصد فروش عمارت مسعودیه را دارد از سردار سپه خواست که آن را بخرد و به معارف اهدا کند و همین شد که وزارت معارف که در بالا خانه‌های دارالفنون بود به عمارت جدید آمد علاوه بر این مدرسه طب، داروسازی، سیاسی به آنجا منتقل شد.

مستشارالدوله وزیر معارف شد. دوران وزارت وی از چهار ماه کم‌تر بود وی با آنکه مردی آزادی‌خواه، آگاه، مبارز و فرهنگ دوست بود ولی نتوانست خدمتی شایسته انجام دهد. جمع مدارس در دوره وی ۴۹۰ باب بود با ۵۳۰۰۰ دانش‌آموز شاید توضیح این نکته ضروری باشد که در دوره وزارت وی: امور صحی مملکت تابع وزارت معارف بوده از طرفی دکتر گیلور برابر تقاضای دولت ایران از طرف جامعه ملل برای بررسی وضع بهداشت به ایران آمده بود. مستشارالدوله برای این که وی راحت‌تر بتواند سرکشی کند اتومبیلی خرید و در اختیار وی گذاشت این اتومبیل بعد از بازگشت دکتر گیلور متعلق به وزیر معارف شد بنابراین وی اول وزیر معارف است که موفق به استفاده از اتومبیل گردید.

اما حکمت:

در زمانی که حکمت وزیر معارف شد یعنی سال ۱۳۰۳ اعتبار وزارت معارف ۸۰۰ هزار تومان بود که از این مبلغ ۱۳۶۳۷۰ تومان هزینه بیمارستان‌ها و مؤسسات وابسته به امور صحی می‌شد، ناگفته نماند که در آن تاریخ امور صحی جزو وزارت معارف بود.

از آنجا که حکمت علاقه‌مند به گسترش مدارس و بودجه معارف بود توانست کارهای مفیدی انجام دهد.



- ۱- صد و ده هزار تومان به بودجه معارف افزود
 - ۲- تشکیل ششم ادبی دبیرستان دارالفنون
 - ۳- قانون استخدام معلمان
 - ۴- تأسیس کلاس سوم مدرسه داروسازی
 - ۵- فراهم آوردن مقدمات تأسیس مدرسه دندانسازی
 - ۶- انتشار مجله تعلیم و تربیت
 - ۷- کوشش جهت تدوین کتاب‌های درسی
 - ۸- تشکیل دارالترجمه عالی
- مجموع مدارس ابتدایی دولتی در سراسر کشور ۱۵۶ باب
مجموع مدارس متوسطه دولتی در سراسر کشور ۱۸ باب
مجموع مدارس عالی در سراسر کشور ۶ باب

به نوشته یوسف مشاراعظم، با همه لیاقت و کاردانی که داشت به سبب نامساعد بودن شرایط در پیشرفت فرهنگ کامیاب نشد بودجه معارف در سال ۱۳۰۴ فقط ۷۷۳۱۳۸ تومان بود. جز این مبلغ ده هزار تومان برای خریداری زمین و ساختن ورزشگاه و دویست تومان حق‌الزحمه معلم فوتبال و اعتبار کلاس ژیمناستیک و هزار تومان برای خرید اثاثیه در اختیار این وزارتخانه نهاده بودند / ۲۸۴ یغمائی

در این سال بودجه فرهنگ: ۹/۴۰۰۰۰۰۰ تومان

بودجه وزارت داخله	۱/۵۸۲۰۰۰ تومان
بودجه وزارت پست و تلگراف	۱/۶۷۸۰۰۰ تومان
بودجه عدلیه	۶۳۰۰۰۰ تومان
فواید عامه	۷۵۱۸۲۷ تومان
ضمیمه کل مملکتی	۱۳۶۳۷۰ تومان
امور خارجه	۷۵۱۵۴۸ تومان
جمع کل بودجه مملکتی	۲۴/۷۱۵۹۰۷ تومان

بود. / ص ۲۸۴ یغمائی

با این همه یوسف مشاراعظم موفق شد که برای دارالمعلمین آزمایشگاه‌هایی فراهم کند و برای مدرسه صنعتی ایران ابزار و آلات صنعتی از آلمان وارد کند.

وی در سال ۱۳۰۴ در تبریز یک دارالمعلمین برای تربیت معلم مرد و یک دارالمعلمات برای تربیت معلم زن تأسیس کرد:

مبلغ ۳۱ هزار تومان برای تأسیس مدارس ابتدایی در نقاط سرحدی اختصاص داد. در زمان وی بود که یک باب سینما برای نشان دادن فیلم‌های اخلاقی و اجتماعی به شاگردان مدارس تأسیس شد و یکی از سالن‌های دارالفنون برای این کار در نظر گرفته شد.

برابر احصائیه وزارت معارف:

در سال ۱۳۰۵ در سراسر ایران دو باب مدرسه عالی طب و سیاسی با ۱۳۰۱ دانشجو وجود داشته است در تهران ۸ باب دبیرستان پسران با ۲۴۶۱ دانش‌آموز بود که فقط دارالفنون و دارالمعلمین دوره کامل داشت.

در تبریز دو باب دبیرستان با ۴۴۱ دانش‌آموز و ۷۵ دانش‌آموز خراسان یک باب دبیرستان

دوره اول متوسطه در بعضی از شهرها دایر بوده است.

- ۱- تهران ده باب با ۴۴۱ شاگرد
 - ۲- آذربایجان ۳ باب با ۴۳۶ شاگرد
 - ۳- اصفهان ۱ باب با ۲۰۹ شاگرد
 - ۴- فارس ۱ باب با ۱۸۱ شاگرد
 - ۵- قزوین ۱ باب با ۲۳ شاگرد
 - ۶- کرمانشاه ۱ باب با ۱۶۷ دانش‌آموز
 - ۷- کردستان ۱ باب با ۶ دانش‌آموز
 - ۸- کرمان ۱ باب با ۱۹۷ دانش‌آموز
 - ۹- گیلان ۱ باب با ۵۳۹ دانش‌آموز
 - ۱۰- مازندران ۱ باب با ۱۳۲ دانش‌آموز
 - ۱۱- همدان ۱ باب با ۲۷۹ دانش‌آموز
- جمع ۱۶ باب با ۲۸۲۰ شاگرد



آمار مدارس ۶ کلاسه دخترانه در سال ۱۳۰۱

۱- تهران	۹	مدرسه	۲۴۵۹	شاگرد
۲- آذربایجان	۲	مدرسه	۱۵۷	شاگرد
۳- اصفهان	۱	مدرسه	۶۱	شاگرد
۴- فارس	۱	مدرسه	۱۶۸	شاگرد
۵- کرمانشاه	۱	مدرسه	۱۴۲	شاگرد
۶- گیلان	۲۸	مدرسه	۲۹۱	شاگرد
۷- سمنان	۱	مدرسه	۱۴۵	شاگرد
۸- همدان	۱	مدرسه	۱۲۸	شاگرد
۹- یزد	۱	مدرسه	۱۲۸	شاگرد
جمع	۴۵		۳۵۵۰	

مدارس چهار کلاسه ابتدایی در ایران

۱- حومه تهران	۲	۸۶
۲- آذربایجان	۴	۳۵۳
۳- آستارا	۱	۵۴
۴- اصفهان	۲	۱۵۴
۵- اراک	۱	۱۴۴
۶- گیلان	۳	۲۸۲
	۱۳	۱۰۷۳

مدرسه مختلط:

۱- باب - باغچه اطفال در تبریز با ۲۹ شاگرد

تعداد معلمان زن در سال ۱۳۰۴ - ۱۳۰۵

در مدارس متوسطه	۱۹ نفر
در مدارس ابتدایی دولتی	۲۷۲ نفر
مدارس متوسطه ملی	۱۲۴ نفر
ابتدایی ملی	۳۹۸ نفر
در مدارس خارجی	۱۳۶ نفر

فارغ التحصیلان سال ۱۳۰۵

مدارس عالی	۵۱ نفر
متوسطه پسران	۱۱۰ نفر
متوسطه دختران	فارغ التحصیل است
دوره اول متوسط	۳۳۰ پسر
	۲۵ دختر
ششم ابتدایی	۹۱۶ پسر
	۱۶۰ دختر

دارالمعلمت از ۱۲۹۶ ش تا ۱۳۱۴ ش

نصیرالدوله بَدْر برای تربیت و پرورش معلم زن به فکر تأسیس دارالمعلمت افتاد وی برای اجرای این منظور اساس تأسیس دارالمعلمت را بر تشکیلات مدرسه فرانکوپرسان دختران بنا نهاد. مدرسه فرانکوپرسان مدرسه‌ای دخترانه بود که رئیس آن یوسف‌خان مودب‌الدوله بود. مدرسه فرانکوپرسان در سال ۱۲۸۵ ش. دایر شده بود. وزیر معارف این مدرسه را به دارالمعلمت تبدیل کرد. و دستور داد دو نفر از شاگردان هفته‌ای ۳ روز برای فراگیری دروس مربوط به بیماری‌های زنان و فنِ قابلگی به بیمارستان نسوان بروند. دوره دارالمعلمت چهار سال بود در سه سال اول درس‌های متوسطه را می‌خواندند و در سال چهارم علاوه بر اینکه اصول تعلیم و تربیت را می‌آموختند به منظور فن تدریس در کلاس‌های ابتدایی ضمیمه دارالمعلمت درس می‌دادند / برگرفته از ص ۱۸۴ و ۱۸۵ کتاب وزیران علوم.

جشن پایان کلاس‌های قسمت اول دارالمعلمات در مدرسه فرانکوپرسان برگزار شد و از طرف وزیر معارف دو جلد کلام الله مجید به خانم بدرالملوک بامداد شاگرد اول کلاس سوم و حرمت سپانلو شاگرد اول پایه اول هدیه شد. در سال ۱۳۰۰ ش. دارالمعلمات از مدرسه فرانکوپرسان جدا شد و خانم فصیح‌الملوک مهام که از فارغ‌التحصیلان دارالمعلمات بود عهده‌دار مدیریت آن شد.

در سال ۱۳۰۲ که عیسی صدیق رئیس تعلیمات نسوان شد بانویی فرانسوی به نام هلین هیس را برای اداره امور دارالمعلمات دعوت کرد. او تغییراتی در روش آموزش و پرورش داد. این بانو تا سال ۱۳۱۱ ش مدیره دارالمعلمات بود در دی‌ماه ۱۳۱۰ ش دولت اجازه استخدام مادام هیس را به مدت دو سال تمدید کرد. در سال ۱۳۱۱ ش خانم هاجر تربیت رئیس دارالمعلمات شد وی طرح روپوش (یونیفورم) مدرسه را که در تبریز با موافقت روبه‌رو شده بود برای داخل مدرسه در تهران پیاده کرد و در سال ۱۳۱۳ (اسفندماه) کادر آموزشی و مدرسه با لباس‌های متحدالشکل و مرتب در مدرسه و اجتماع ظاهر شدند.

هاجر تربیت در سال ۱۳۱۴ کانون بانوان را پایه‌گذاری کرد در این کانون با تشکیل کلاس‌های سوادآموزی برای بزرگسالان و زمین‌های ورزشی و کتابخانه امکانات آموزشی زنان را فراهم آوردند. در سال ۱۳۱۴ دارالمعلمات تبدیل به دانشسرای دختران شد:

قانون اجازه استخدام مادام هیس مدیره مدرسه دارالمعلمات

مصوب ۷ دی‌ماه ۱۳۱۰

ماده واحده: دولت مجاز است قرارداد استخدام مادام آندره هیس تبعه فرانسه را برای مدت دو سال از اول خرداد ۱۳۱۰ به جهت معلمی و مدیر مدرسه دارالمعلمات در حد مقررات قانون مصوب ۱۷ حوت ۱۳۰۳ تجدید و تمدید نماید. حقوق مادام آندره هیس سالیانه یک هزار و هشتصد تومان به علاوه یکصد و هشتاد پهلوی خواهد بود در موقع ختم قرارداد در صورتی که کتترات مشارالیه تجدید نشود مبلغ ۵۰ تومان خرج سفر تأدیه خواهد شد.

از سال ۱۳۰۵ تا ۱۳۰۷

آجر به جای حقوق

فکر نمیکنم کنایه نانش را آجر کردن مربوط به این دوره تاریخی از تاریخ معارف ایران باشد اما، تدین که وزیر معارف شد، دوره حکومت قاجاریه به پایان رسیده و رضاخان شاه شده بود.

تدین که در آغاز مشروطه در محله بازار کوچه غریبان مدرسه‌ای به نام تدین تأسیس کرده بود دیده بود که دولت به جای حقوق کارمندان، معلمان به سبب خالی بودن خزانه، حواله کاه، جو، آجر به آنان می‌داد. وی که برای معلمان مدرسه‌اش حرمت قایل بود می‌کوشید تا سه روز به آخر ماه ۲۷ تا ۳۵ قران حقوق معلمان را جداگانه در پاکت نهاده به آنان بدهد. این مدرسه با همه دشواری‌های مالی بیش از سی و چند سال دایر بود. تدین که در تاریخ ۱۸ بهمن ۱۳۰۵ به‌عنوان وزیر معارف به شاه معرفی شد لباس روحانیت برتن داشت و عمامه به سر بود اما روز بعد که به وزارتخانه آمد کلاه بر سر داشت اما چون سید بود نوار سبزی بر آن بسته بود و کراواتی هم به گردن داشت.

تدین و ورزش اجباری

از کارهای تدین یکی هم ورزش اجباری برای مدارس بوده وی برای انجام این کار لایحه‌ای تقدیم مجلس کرد. وی بر این اعتقاد بود که: ورزش باید در تمام مدارس اجباری شود در مجلس «سید رضا فیروزآبادی»^۱ مخالفت کرد و گفت:

این قبیل چیزها مثل این است که ما تابع اروپایی‌ها شده‌ایم در صورتی که خیلی فرق دارد. هوای انجا سرد است و رطوبت دارد. ثانیاً مردم اروپا همه چیز دارند. غذا و لباس دارند و ما نداریم. ورزش این مردم این است که این‌ها را سیر کنید و فکر نان باشید چاق می‌شوند و محتاج ورزش نیستند که در این مجلس گفته شود ضعیفه داشته‌ایم و می‌خواهیم قویه داشته باشیم.

۱. فیروزآبادی نماینده تهران از روحانی‌های آگاه و آزادی‌خواه است که از سال ۱۳۱۳ خورشیدی بیمارستان فیروزآبادی را تأسیس و وقف فقرا و ابن سبیل کرد.



۱۵ مرداد ۱۳۰۴

تا ۱۵ مرداد ۱۳۰۴ ش که مشارالدوله حکمت وزیر معارف بود در سراسر ایران فقط ۱۵۶ مدرسه ابتدایی دولتی وجود داشت. مدارس متوسطه دولتی ۱۸ و مدارس عالی ۶ باب در سال ۱۳۴۶ مدرسه دارالمعلمات در تبریز تأسیس شد در خرداد ۱۳۰۵ که یوسف مشاراعظم وزیر معارف بود، در سراسر ایران ۲ مدرسه طب و سیاسی در پایتخت دایر بود. که ۳۰۱ دانشجو داشت ۸ باب مدرسه متوسطه پسران با ۲۴۶۱ دانش آموز از این ۸ مدرسه متوسطه تنها دارالفنون و دارالمعلمین دارای دوره کامل است. اما در تهران: فقط یک مدرسه متوسطه دخترانه وجود داشت با ۱۵۷ دختر در این سال در سراسر ولایت ایران فقط دو مدرسه ۳ کلاسه دختر با ۵۷ نفر دانش آموز در آذربایجان دایر بود.

آمار مدارس دختران در تهران و شهرستان‌ها

۱- تهران	۹ مدرسه	در حومه تهران مدرسه‌ی دخترانه نداشتیم
۲- آذربایجان	۲ مدرسه دخترانه	
۳- اصفهان	۱ مدرسه دخترانه	
۴- فارس	۱ مدرسه	
۵- کرمانشاه	۱ مدرسه	
۶- گیلان	۲ مدرسه	
۷- همدان	۱ مدرسه	
جمع	۱۷ مدرسه دخترانه	

ناگفته نماند که مدرسه‌های همدان و کرمانشاه یک کلاس دبیرستان را در ۶ کلاس ابتدایی داشته‌اند بنابراین جزو مدارس اول متوسطه به حساب آمده‌اند. در سال تحصیلی ۱۳۰۴ - ۱۳۰۵ در سراسر کشور ۵۱ نفر از مدارس عالی و ۱۱۰ نفر از مدارس متوسط فارغ‌التحصیل شده‌اند اما مدرسه متوسطه دخترانه در این سال فارغ‌التحصیل نداشته است اما ۲۵ دختر گواهی‌نامه دوره اول متوسطه و ۱۶۰ دانش آموز دختر گواهی‌نامه ششم ابتدایی گرفته‌اند.

آمار مدارس دختران در سال ۱۳۰۶ و ۱۳۰۷ ش

تبریز:

- ۱- دبیرستان پروین (غیردولتی) دختران ۱۲۶۰ ش
- ۲- دبیرستان شاهدخت دولتی (دختران) ۱۳۰۰ ش
- ۳- دانشسرای مقدماتی (دختران) ۱۳۰۴ ش

اصفهان

بهشت آیین (دولتی) ۱۲۹۹ ش

خمسه دبیرستان غیردولتی دختران ۱۳۰۱ ش

اهواز دبیرستان غیردولتی شاهپور ۱۳۰۵ ش

خرمشهر دبیرستان غیردولتی شرافت ۱۲۸۸

آبادان دبیرستان غیردولتی فردوسی ۱۳۰۵

مسجدسلیمان دبیرستان غیردولتی سیروس ۱۰۳۶

(عراق) اراک غیردولتی دختران ۱۳۰۱

شیراز دخترانه شه‌دخت ۱۳۰۲

سندج دخترانه دولتی ۱۳۰۵

کرمان

۱- دختران دولتی تهران ۱۳۰۶

۲- غیردولتی دختران (دوشیزگان) ۱۲۹۹

کرمانشاه دبیرستان دولتی دختران ۱۳۰۱

رشت دبیرستان شاهدخت رشت دختران ۱۳۰۶

رشت مهستی رشت غیردولتی ۱۲۸۲

سعادت نسوان رشت ۱۳۰۰



فلاحت بندر پهلوی (انزلی) رشت ۱۲۹۸:

ساری

۱- ایراندخت ساری (دولتی) ۱۲۹۸ ش

۲- شاهدخت بابل ۱۲۹۸ ش

بیرجند

دختران شوکتی غیردولتی ۱۳۰۱ ش

همدان

۱- دبیرستان دولتی دختران ۱۲۹۷

۲- هستی همدان ۱۲۸۵

یزد

۱- دختران دولتی ۱۲۹۸

۲- غیردولتی ایزدجیان ۱۲۸۳

۳- مارکار ۱۳۰۶

این آمار به استناد آمار رسمی دبیرستان‌ها در پایان سال تحصیلی ۱۳۱۴ - ۱۳۱۵ تهیه گردیده است بنابراین با توجه به نام دبیرستان‌ها و این که بسیاری از آن‌ها در سال تأسیس دبستان بوده است نمی‌توان گفت در سرتاسر ایران فقط ۲۳ دبیرستان وجود داشته است در این احصائیه دبیرستان‌های دخترانه تهران نیامده است و فقط ۲۱ شهر ایران دبیرستان داشته است آن هم با یک کلاس، اول ص دبیرستان‌های تهران (دخترانه) تا سال ۱۳۰۷

۱- نور ۱۲۷۶ ش

۲- کوکیه سعادت ۱۳۰۷ ش

۳- عفتیه ۱۲۸۷ ش

۴- حشمتیه دوشیزگان ۱۲۸۸ ش

۵- عصمتیه اسلامی ۱۲۸۶ ش

- ۶- ناموس ۱۲۸۶ ش
 ۷- آزرَم (دره‌المدارس) ۱۳۰۰ ش
 ۸- میهن (ترقی نبات) ۱۲۸۷ ش
 ۹- مخدرات اسلامی ۱۲۸۶ ش
 ۱۰- نوباوگان ۱۲۸۸ ش
 ۱۱- عصمت ۱۲۸۸ ش
 ۱۲- نوین (حجاب نسوان) ۱۳۰۰ ش
 ۱۳- نواختران ۱۳۰۷ ش
 ۱۴- ساداتیه ۱۲۸۷ ش
 ۱۵- محمودیه دوشیزگان ۱۲۸۸ ش
 ۱۶- شمس‌المدارس ۱۲۹۵ ش
 ۱۷- بانوان ۱۲۸۳ ش
 ۱۸- حسنات ۱۲۸۸ ش
 ۱۹- تربیت دختران ۱۲۸۷ ش
 ۲۰- بدریه ۱۳۰۰ ش
 ۲۱- کهن (نصرتیه پردگیان) ۱۲۷۵ ش
 ۲۲- انتظامیه ۱۲۹۹ ش
 ۲۳- تربیت نسوان ۱۲۸۷ ش
 ۲۴- فیروز بهرام ۱۲۸۷ ش
 ۲۵- منوچهری ۱۲۶۵ ش
 ۲۶- نوربخش ۱۲۵۴ ش
 جمع: ۲۶ دبیرستان دخترانه غیردولتی

از این ۲۶ دبیرستان غیردولتی که در احصائیه سال ۱۳۱۴ - ۱۳۱۵ آمده است فقط ۵ دبیرستان هستند که در آغاز شروع به کار دبیرستان بوده‌اند.
 (۱- آزرَم ۲- عصمت ۳- ساداتیه ۴- نوربخش ۵- عصمتیه)



در سال ۱۳۰۷ از مجموع دبیرستان‌های دخترانه فقط ۴۰ نفر به اخذ دیپلم نائل شده‌اند ناگفته نماند که برای گرفتن دیپلم فقط ۱۱ سال درس می‌خوانده‌اند و هنوز ششم دبیرستان برای دختران لحاظ نشده بود.

سند شماره ۶۰

آمار مدارس دخترانه ایران و وضعیت تحصیل دانش‌آموزان در مدارس خارجی
احصائیه مدارس اناث کل مملکتی در آخر سال تحصیلی ۱۳۰۶ - ۱۳۰۷



نمره	اسم محل	دولتی		ملی		خارجی	
		عده شاگرد	عده مدارس	عده شاگرد	عده مدارس	عده شاگرد	عده مدارس
۱	تهران، حومه	۲۶۹۳	۱۳	۴۵۳۴	۴۱	۱۶۰۳	۶
۲	آذربایجان	۲۱۰۴	۱۶	۶۹۱	۱۱	۱۰۳۶	۵
۳	آستارا	۱۲۴	۱	-	-	-	-
۴	استرآباد	۸۴	۱	-	-	۱۹	۱
۵	اصفهان	۱۸۰	۲	۱۴۳	۲	۴۱۱	۴
۶	بنادر جنوب	۶۸	۱	۸۰	۱	-	-
۷	خراسان	۴۰۹	۴	۱۶۰	۲	-	-
۸	یزد	۹۵	۲	۳۱۵	۵	۱۳۶	۲
۹	خوزستان	۳۰۰	۵	-	-	-	-
۱۰	قزوین	۱۶۹	۲	۳۰۸	۵	-	-
۱۱	عراق	۱۶۲	۱	۱۴۱	۲	-	-
۱۲	فارس	۴۶۳	۵	۴۸۳	۶	-	-
۱۳	لرستان	۶۴	۲	۱۸۸	۳	-	-
۱۴	گیلان	۷۷۲	۷	۱۰۹۰	۱۲	۳۵۴	۵
۱۵	کردستان	۹۴	۱	-	-	-	-
۱۶	همدان	۲۰۱	۲	۳۲۷	۲	۴۱۵	۲
۱۷	کرمانشاهان	۱۵۵	۱	۴۱۴	۵	-	-
۱۸	کرمان	۲۸۶	۵	۲۷۸	۵	۱۰۶	۱
۱۹	مازندران	۴۷۹	۲	۶۰	۲	۴۳	۱
۲۰	تنکابن	-	-	۲۲	۱	-	-
۲۱	ملایر و نهاوند	-	-	۱۰۳	۲	۳۴	۱
۲۲	زنجان	-	-	۷۸	۲	-	-
۲۳	دامغان	-	-	۸	۱	-	-
۲۴	کاشان	-	-	۵۵	۱	-	-

[ملاحظات براساس نمره ردیف جدول:]

- ۱- خارجی: ۱۵ نفر هم ذکور در مدرسه خارجی تحصیل می کنند.
- ۲- ملی: ۱۱۲ نفر ذکور هم مخلوط است. خارجی: ۳۷۲ نفر هم ذکور در مدرسه خارجی تحصیل می کنند.
- ۴- خارجی: ۲۱ نفر ذکور هم در مدرسه خارجی تحصیل می کنند.
- ۱۴- خارجی: ۳۲۸ نفر ذکور هم مخلوط دارد.
- ۱۶- خارجی: ۵۴۳ نفر ذکور هم مخلوط دارد.
- ۱۷- ملی: ۷۳ نفر ذکور هم مخلوط دارد.
- ۱۸- ملی: ۱۰ نفر ذکور هم مخلوط دارد.
- ۱۹- خارجی: ۴۴ نفر ذکور هم مخلوط دارد.

نخستین دختران دیپلمه

سال ۱۳۰۷ را باید اولین سالی دانست که تعداد چهل دختر موفق به دریافت دیپلم شدند.

برابر احصائیه وزارت معارف در سال ۱۳۰۷ ش ۴۸ دانش آموز داوطلب در امتحانات ششم دبیرستان بوده اند که از این تعداد ۴۰ نفر موفق به اخذ دیپلم شده اند این تعداد در سال ۱۳۰۸ به ۶۶ نفر افزایش یافت در سال ۱۳۰۹ به ۴۸ نفر و در سال ۱۳۱۰ به ۹۵ نفر.

از سال ۱۲۹۱ تا ۱۳۰۷ ش. تعداد ۲۹۷۱ دانش آموز دختر فارغ التحصیل شده اند و این در حالی است که در سال ۱۲۹۱ فقط ۳ دانش آموز تصدیق نامه ششم ابتدایی گرفته اند اما تا سال ۱۳۰۷ مدارس متوسطه دختران فقط ۴۰ دانش آموز موفق به ششم متوسطه شده اند.

سال ۱۳۰۷ و اعزام محصل به اروپا

در سال ۱۳۰۷ که اعتمادالدوله (قراگزلو) وزیر معارف بوده قانون اعزام محصل به اروپا در جلسه اول خرداد ۱۳۰۷ به تصویب مجلس شورای ملی رسید و در همان سال صد و ده نفر محصل برای ادامه تحصیل به اروپا اعزام گردیدند. اما همه این محصلان پسر بودند.



سال ۱۳۰۷ و تأسیس مدرسه موسیقی

از دیگر کارهای اعتمادالدوله تأسیس مدرسه موسیقی دولتی بود که به ریاست علی نقی وزیری شروع به کارکرد مدت تحصیل ۵ سال بود و گواهی‌نامه آن ارزش دیپلم متوسطه را داشت این مدرسه در خیابان لاله‌زار افتتاح شد.

سال ۱۳۰۷ و کتاب‌های درسی مدارس

کتاب‌هایی که این تاریخ در مدارس تدریس می‌شد نه علمی بود و نه یکدست و این اولین باری بود که با شرکت عده‌ای از صاحب‌نظران و آگاهان به دانش‌های جدید متن کتاب‌هایی برای دوره ابتدایی تهیه گردید و برابر بخشنامه از کلیه مسؤولان مدارس ابتدایی خواسته شد تا کتاب‌های اول، دوم، سوم و چهارم ابتدایی را که کمیسیون وزارت معارف تألیف کرده است تدریس کنند قیمت کتاب نیز برای کلاس اول دو قران و برای کلاس دوم سه ریال تعیین شد.

اردیبهشت ۱۳۰۸ ش و اعزام محصل به خارج و مسأله زنان

در اردیبهشت سال ۱۳۰۸ ش. مقدمات اعزام دومین دسته محصلان به اروپا فراهم شد. در این سال آنان که طرفدار پیشرفت زنان و ترقی آنان بودند پیشنهاد کردند عده‌ای از دختران مستعد و واجد شرایط به خارج فرستاده شوند این پیشنهاد مخالفان زیادی داشت اما موافقان هم از قدرت استدلال برخوردار بودند کار مخالف و موافق به روزنامه‌ها کشید خانم قمرکیا در شماره ۲۹۵۶ سال دوازدهم روزنامه ایران مورخ جمعه سوم خرداد ۱۳۰۸ برابر با چهارم ذی‌حجه ۱۳۴۷ مقاله مفصلی نوشت با این همه در ۲۱ شهریور سال ۱۳۰۸ تعداد ۷۲ دانش‌آموز پسر به اروپا اعزام شدند اما مسأله اعزام دختران به فراموشی سپرده نشد.

سال ۱۳۰۹ ش و اعزام دختران به خارج

به نوشته اقبال یغمایی: اعزام دختران فارغ‌التحصیل مدارس متوسطه به اروپا یکی از آرزوهای روشنفکران بود. در زمان اعتمادالدوله این آرزو برآورده شد در دی ماه ۱۳۰۹ ش، هفت دختر به شرح زیر به خارج فرستاده شدند.



- ۱- دختر وحیدالملک شیبانی ۲- دختر آقا سیدحسن قمشه‌ای عضو استیناف
 ۳- دختر میرزا سید محمدخان نصر ۴- دختر فرزین وزیرمختار ایران در برلن ۵-
 دختر معتمدالملک راد مستشار دیوان عالی تمیز ۶ و ۷- دو دختر دیگر به اروپا
 اعزام شدند (ص ۳۰۸ وزیران علوم)

آیا این دختران بی‌نام بودند؟

از هفت دختری که به خارج اعزام شدند ۵ نفرشان را با عنوان دختر فرزین، یا نصر یا معتمدالملک یا شیبانی یا قمشه‌ای ذکر کرده‌اند. و در باره دو دختر دیگر نیز نه نامی از آنان یاد شده و نه نام پدرشان به نظر می‌آید که اگر این دختران بی‌نام بودند نمی‌توانستند ادامه تحصیل دهند در یادداشت‌ها و توضیحات کتاب دانشجویان ایرانی در اروپا از ۱۳ دختر نام برده شده است نام چهارتن از اینان در فهرست کسانی است که در سال ۱۳۰۹ به پاریس اعزام شده‌اند.

۱- خانم آنما امامزاده قمشه دختر سیدحسن قمشه‌ای عضو وزارت دادگستری جزو اولین گروه دخترانی بود که در سال ۱۳۰۹ ش به اروپا اعزام شد وی برای ادامه تحصیل به فرانسه رفت.

۲- عفت‌الملوک دولتداد دختر محمدباقر میرزا خسروی به نظر می‌آید وی یکی از دو دختری است که نام پدرش هم ذکر نشده است وی در ۱۶ سالگی به عقد معاون‌السلطنه درآمد اما چون علاقه‌ای به ازدواج نداشت مخالفت خود را با این ازدواج اعلام کرد. وی پس از طلاق برای ادامه تحصیل به مدت ۱۵ سال در بلژیک اقامت کرد و چون نتوانست طب بخواند به تحصیل علم تعلیم و تربیت پرداخت و پس از بازگشت به ایران در وزارت معارف استخدام شد و بعد از مدتی اولین کودکان را تأسیس کرد که در آن کودکان شاهزادگان را تعلیم می‌داد نام این کودکان شکوفه بود.

۳- طاهره راد. دختر احمدخان معتمدالملک (راد) مستشار دیوان عالی تمیز و سناتور مجلس متولد ۱۲۸۶ تهران از مدرسه شمس‌المدارس تهران دیپلم گرفت و چون پدرش به وزارت مختاری ایران در مصر منصوب شد به همراه خانواده به قاهره رفت در آنجا پس از تصویب فرستادن دختران به خارج برای ادامه تحصیل

جزو اولین گروه دخترانی بود که به سال ۱۳۰۹ به فرانسه رفت وی پس از اخذ لیسانس در زبان و ادبیات فارسی از دانشگاه سوربن مجدداً به قاهره بازگشت در سال ۱۳۲۵ ش. با مهندس یحیی خان ممتاز پسر اسماعیل ممتازالدوله ازدواج کرد و در ایران سکونت کرد. وی شغل دولتی نیافت تنها با جمعیت خیریه ثریا پهلوی همکاری داشت.

۴- ملکه شقاقی: دختر تیمسار شقاقی و تحصیل کرده مدرسه ژاندارک و جزو اولین دختران اعزامی در سال ۱۳۰۹ ش. بود که در بلژیک ازدواج کرد. اما درباره سه دختر بی نام دیگر که با عنوان ۱- دختر وحیدالملک شیبانی ۲- دختر میرزا سیدمحمد خان نصر ۳- دختر فرزین هیچ گونه آگاهی نداریم به نظر می آید از این هفت دختر اعزام شده به خارج هیچ کدام نتوانسته اند گامی در جهت آگاهی زنان و دختران ایرانی بردارند. اما کم نیستند دخترانی که با هزینه خود در اروپا تحصیل کرده اند و به ایران برگشته اند و خدمات های شایسته ای انجام داده اند اما چگونه؟



نگاهی به زندگی دخترانی که در اروپا تحصیل کرده‌اند

در سال ۱۳۰۷ تعداد ۴۰ نفر از دختران ایرانی موفق به دریافت مدرک تحصیلی ششم متوسطه شدند در سال ۱۳۰۸ تعداد فارغ‌التحصیلان دختر به ۶۶ نفر رسید و در سال ۱۳۰۹ ش. فقط ۴۸ نفر موفق به اخذ دیپلم شدند. سال ۱۳۰۹ که هفت دختر به خارج اعزام شدند تعداد دیپلمه‌های زن ۱۵۲ نفر بودند.

بدون شک اعزام دختران به خارج برای تحصیل کار بسیار ارزنده‌ای بوده است اما پرسش این است که آیا این دخترانی که به هزینه دولت به خارج رفتند یا آنان که با هزینه خود در اروپا درس خواندند توانستند برای کشور مفید باشند؟ پاسخ را باید در کارهای آنان پیدا کرد. تا آنجا که می‌دانیم از هفت نفری که به اروپا رفتند نه از زنان نام‌آور کشور شدند و نه توانستند سهمی در اعتلای فکری و علمی زنان ایرانی داشته باشند وانگهی کسانی هم که با هزینه خود به اروپا رفتند از طبقات برگزیده مرفه جامعه بودند و وابستگی به مقام‌های عالی مملکتی داشتند، برای مثال:

۱- ملکه شقایق از دختران اعزامی به اروپاست وی با مردی بلژیکی ازدواج می‌کند و در آن کشور زندگی می‌کند.

۲- هما عظمی به اروپا می‌رود که تربیت بدنی بخواند اما در دریا غرق می‌شود.

۳- گلوریا علایی او عروس میرزا حسن خان پیرنیاست و پسراش در امریکا زندگی می‌کنند.

۴- آمنه قدس اعظم نوه مظفرالدین‌شاه است وی از آغاز در اروپا زندگی می‌کرد، همان‌جا تحصیل کرد بعد هم همسر مهندس احمد مصدق پسر دکتر مصدق شد نسلی هم از وی باقی نمانده است خود نیز در اثر آتش سیگار دچار سوختگی می‌شود و می‌میرد.

۵- مریم مشیری از وی نیز فقط نامی باقی مانده است.

۶- دولتداد که کودکستان شکوفه را برای اشراف و اعیان دایر می‌کند.

۷- هما دیبا که ساکن امریکا می‌شود.

زنان نامداری که در اروپا درس خوانده و به مردم ایران خدمت

کردند:

زنانی که در زمینه‌های گوناگون راه گشای زنان ایرانی بوده‌اند کم نیستند اینان گرچه در اروپا تحصیل کردند اما نتیجه آموخته‌های خود را جهت پیشرفت ایران هزینه کرده‌اند.

مانند صفیه فیروز، عفت‌الملوک نحوی، توران اعلم، صغری آزرسی، ملک‌زاده بیانی، توران اعلم، فاطمه سیاح، پری آقا بابایف، مهری آهی، مهرانگیز دولت‌شاهی، سکینه پری، شکوه ریاضی و ...

بدیهی است در جای خود به معرفی این چهره‌های ماندگار پرداخته خواهد شد علاوه بر این کسانی هم بوده‌اند که در خارج درس خوانده‌اند و گواهی تحصیلی آنان در سال‌های ۱۳۱۲، ۱۳۱۳ ارزیابی شده است اینان نیز در تغییر وضع زنان و آگاهی دادن به آنان مؤثر بوده‌اند.

اعتمادالدوله وزیر معارف

اعتمادالدوله که از ۲۹ آبان ۱۳۰۷ تا ۱۶ خرداد ۱۳۱۲ ش. وزیر معارف و اوقاف بود در زمان وزارت خود توانست قدم‌های مفیدی برای اعتلای معارف ایران بردارد. فهرست کارهای وی به این شرح است.

- ۱- اعزام پنج دسته محصل به اروپا
- ۲- با اجازه مجلس شورای ملی از پروفیسور ارنست هر تسفلد آلمانی خواسته شد تا تدریس زبان‌های باستانی و تاریخ کهن ایران را به عهده گیرد.
- ۳- سازمان وزارت معارف ولایت را به هفت ناحیه تقسیم کرد.
 - ۱- آذربایجان
 - ۲- ناحیه غرب
 - ۳- ناحیه کرمان
 - ۴- ناحیه فارس
 - ۵- ناحیه خوزستان
 - ۶- ناحیه خراسان
 - ۷- ناحیه دارالمرز و برای هر ناحیه رئیس تعیین کرده
- ۴- تأسیس نخستین کتابخانه وزارت معارف
- ۵- استخدام ۸ معلم فرانسوی به مدت ۳ سال برای تدریس در کلاس‌های مدارس عالی متوسطه
 - ۶- تأسیس مدرسه موسیقی
 - ۷- کمک به مدارس ملی
 - ۸- تأسیس دانشسرای عالی
 - ۹- رسمیت یافتن مدارس پسرانه و دخترانه ملی
 - ۱۰- قانون حفظ آثار ملی که دوم آبان‌ماه ۱۳۰۹ به تصویب رسید
 - ۱۱- ایجاد نخستین کودکانستان در سال ۱۳۱۰

کودکستان

با اینکه در قانون اساسی معارف از مدارس ابتدایی (دهکده، شهری) متوسطه و عالی نام برده شده است اما اشاره‌ای به ایجاد کودکانستان نشده است به نوشته عیسی



صدیق، علت اینکه از کودکانها در قانون اساسی معارف نامی برده نشده است شاید این باشد که مردم عموماً مؤسساتی را که در آن درس داده نشود و با کتاب سروکار نداشته باشند مدرسه نمی دانند.

از آنجا که اول مردم به تأسیس مدرسه ابتدایی اقدام کردند و بعد دولت دنباله کار مردم را گرفت و کم کم خوانندگی امر شد و برای دبستانها آئین نامه نوشت، درباره احداث کودکانها و لزوم آن، در آغاز این مردم بودند که نخستین گامها را برداشتند چنانکه از سال ۱۲۹۷ که معارف جدید توسعه یافت در شهرهای بزرگ کودکانهایی ایجاد شد. تا اینکه در سال ۱۳۱۲ دولت یک باب کودکان دولتی ایجاد کرد. و آئین نامه کودکانها نیز در ۱۶ آبان ۱۳۱۲ به تصویب شورای عالی فرهنگ رسید.

تاریخ کودکان

از پزشکان ظل السلطان میرزاتقی خان کاشانی را باید ارج ویژه ای نهاد چرا که وی با وجودی که حکیم باشی مخصوص پسر شاه بود اما در باره نظام آموزشی اندیشه ای باز دارد و از شیوه تعلیم و تربیتی که خود در آن می زیسته است بیزار است وی نخستین کسی است که به ایجاد کودکان برای اطفال اعتقاد دارد و پیشنهاد می کند بهتر است کودکان پیش از رفتن به مدرسه ابتدایی، به کودکان بروند وی کودکان را دارالامان اطفال می نامد. بدیهی است این حکیم باشی درباری که با شیوه تعلیم و تربیت فرانسه آشنا بوده است تحت تأثیر فرهنگ فرنگ بوده است پیشنهاد وی برای کودکان جالب بوده است.

کودکان دو تا پنج ساله در تمام مدت روز که اقوام و پرستاران وی به کسب و کارهای خود مشغولند در این کودکانها نگهداری می شوند تا از گزندها و آفتها محفوظ بمانند. ورود به این عمارت هم می تواند رایگان باشد و هم با شهریه مختصر، برای نگهداری کودکان لازم است زنی ناظمه معین کرد.

برنامه کار چنین است که ساعت های روز را برای کارهای آسان تقسیم می کنند و اطفال را به کارهای مختصر و آوازه ها و بازی های ساده مشغول می کنند.



لازم است برای هر یک از این کودکانها پزشکی تعیین گردد تا هم هنگام ورود کودکان آنان را معاینه کند که به امراض مسریه و متعدیه مانند جرب و کچلی و آبله و غیره گرفتار نباشند و دیگران را مریض نکنند و به هنگام تربیت کودکان مواظب آنها باشند یکی دیگر از وظایف پزشک این است که هنگام ثبت نام کودکان مواظب باشد که کودکان از نظر هوا، بهداشت شایسته باشد و اتاقها به اندازه شایسته بزرگ باشد و هوا به آسانی بتواند در آنها آمد و شد کند و تازه شود. همچنین وظیفه پزشک است که اطفال ناتوان و بیمار را چنانکه باید و شاید بازدید نماید و هرگاه لازم دید وضع آنان را به خانواده‌شان اطلاع دهد. / ص ۱۶۹ قاسمی پویا

به نوشته شمس‌الدین رشديه: نخستین کودکان را نیز خارجیان در ایران گشودند یکی از این کودکانها، کودکان زاردن و انغان است که مسیوریشارد فرانسوی (موب‌الملک) برای فرزندان اروپایی دایر کرد. / ص ۳۳۲

کودکستان تمدن

نخستین کودکان در سال ۱۲۸۳ ش. به همت ناصح‌الممالک دایر شد و چند سالی برپا بود.

در سال ۱۳۰۲ ش. ابوالقاسم فیوضات رئیس معارف آذربایجان شد از کارهای خوب وی یکی هم ایجاد کودکان بود.

وی نام آن را باغچه اطفال گذاشت که ترجمه کلمه به کلمه لاتین -Kinds garden بود اعلان گشایش کودکان به سال ۱۳۰۳ ش. در روزنامه آذر چاپ شد در این اعلامیه غرض از تشکیل کودکان را «کاشتن تخم علم و ادب و اخلاق و نظافت» بیان داشته است. / ص ۳۵۱

کودکستان آرامنه در اراک

در سال ۱۳۰۵ ش. در کودکانی در محل مخصوص مدرسه شرق ایجاد شد پس از مدتی سلیم شاهیناس بنای فعلی کودکان را به این مؤسسه تربیتی اهدا

کرد. در بدو کار کارکنان کودکان کودکستان به زبان فارسی آشنا نبودند اطفال فارسی زبان نیز بدان جا مراجعه نمی کردند پس از چندی این نقیصه مرتفع گردید. مدیر کودکستان، مکوبدیان، و مادام سیرانوش آموزگار و خانم روزا طاوسیان عهده دار نوآموزان فارسی زبان بود. / ص ۱۰۸ سالنمای عراق (اراک)

کودکستان نوین در اراک

به تشویق خانم استیانیان در آخر آبان ماه ۱۳۱۴ کودکستانی به نام نوین افتتاح شد. (ص ۱۰۹) در سال ۱۳۱۰ ش، کودکستان برسابه شروع به کار کرد. اعتمادالدوله وزیر معارف که به اهمیت پرورش کودکان آگاه بود به تشویق کسانی می پرداخت که صلاحیت تأسیس کودکستان را داشته باشند به راهنمایی وی بود که نخستین کودکستان تهران را در ۱۳۱۰ به سرپرستی خانم برسابه هوسپیان در خیابان شاه آباد کوچه ممتازالدوله تأسیس شد. بنابراین اولین کودکستان ایرانی با اجازه و تصویب نمره ۱۰۱۵۷ - ۴۴۵۶ مورخ ۳۱ تیرماه ۱۳۱۰ وزارت جلیله معارف تأسیس شد. (ص ۳۱۹، وزیران علوم)

در سال ۱۳۱۱، در کنگره انجمن زنان شرق به ایجاد کودکستان یا باغچه اطفال اشاره گردید.

خانم دولت داد نیز که از نخستین زنان اعزامی به خارج بود پس از بازگشت به ایران به تأسیس کودکستان شکوفه اقدام کرد. اما آیین نامه و برنامه کودکستان در ۱۶ آبان ماه ۱۳۱۲ ش. به تصویب شورای عالی معارف رسید.

باغچه اطفال به گزارش ثمین باغچه بان

ثمین باغچه بان از قول پدرش می نویسد که:

در سال ۱۳۰۲ با اقدام و پشتیبانی آقای فیوضات که در رأس فرهنگ آذربایجان قرار گرفته بودند باغچه اطفال تبریز - کودکستان تبریز - را تأسیس کردم و نام خانوادگی «باغچه بان» را برای خود انتخاب نمودم. کتاب الفبای آسان و روش استفاده از آن از نوشته با چاپ سنگی به چاپ رساندم با استفاده از قصه هایی که از بچگی به یاد داشتم برای بچه ها نمایشنامه، شعر، سرود، چیستانها



نوشتم، ماسک انواع حیوانات و حشرات و پرنده‌ها و دکورهای نمایش را هم با دست خودم می‌ساختم چند بچه کر و لال را هم که در مدارس معمولی پذیرفته نمی‌شدند در کودکستانم پذیرفتم و دیری نکشید که فکری در سرم جرقه زد. آیا نمی‌شود راهی برای یاددادن خواندن و نوشتن و حتی حرف زدن به بچه‌های کرولال پیدا کرد؟ و اقدام کردم و موفقیت‌هایی پیدا کردم و در همان ایام روش ابتکاری آموزش کرولال‌ها پایه‌ریزی شد.^۱ / ص ۲۰۷، ۲۰۸ باغچه‌بان، ثمین

از باغچه اطفال تا مدرسه ناشنوایان
 به فکر تأسیس دبستانی برای کرولال‌ها افتادم اما موافقت نشد من از پانزدهم
 و با نصب اعلانی به دیوار کودکستان مبارزه با کری و لالی را آغاز کردم اعلان
 این بود.

«در باغچه اطفال کلاس رایگان برای یاددادن خواندن و نوشتن و حرف زدن
 به بچه‌های کرولال افتتاح شد» پس از اعلان عده‌ای مرا شاید - خُقه‌باز و حتی
 جادوگر نامیدند اما گوش من بدهکار نبود من یقین پیدا کرده بودم که توانایی این
 مبارزه را دارم و پیروز خواهم شد.

دو سه روز بعد از این اعلان، سه بچه کرولال مراجعه کردند یکی از آن‌ها
 برادر لطفعلی رعدی آذرخشی بود که اولین شاگرد کرولال من است. / ص ۲۱۸ -
 باغچه‌بان - ثمین

اولین دختر کرولال در تهران

مرد جوانی به نام دکتر لتیان دختر کسرولالش (صوفیا) را به مؤسسه آورد.
 ساعتی با هم مصاحبت کردیم من روشم را به او توضیح دادم و در همان جلسه دو
 سه کلمه‌ای به صوفیا یاد دادم که جلو پدرش به زبان آورد.

دکتر لتیان به من اعتماد کرد و روز بعد یک میز و نیمکت و تخته سیاه خریده
 و به مؤسسه اهدا کرد. صوفیا لتیان اولین شاگرد کرولال من در تهران است که در
 سال‌های بعد توانست با بچه‌های معمولی در امتحان نهایی ششم ابتدایی شرکت

۱. چهره‌هایی از پدرم: نوشته ثمین باغچه‌بان - نشر نظر، تهران - ۱۳۸۲، چاپ اول

کند، و تصدیق رسمی ششم ابتدایی را به دست آورد. مدت‌ها بود که پی برده بودم که صدا از طریق استخوان جمجمه و پیشانی و دندان‌ها هم به مغز می‌رسد فکر می‌کردم که اگر مرکز شنوایی مغز سالم باشد می‌شود از طریق استخوان صدا را به مغز کرها رساند به فکر اختراع وسیله‌ای برای شنیدن کرها افتادم و اسم آن را هم انتخاب کردم تلفن گنگ. / ص ۲۲۲، باغچه‌بان - ثمین

این اختراع را در تاریخ ۱۸ فروردین ماه ۱۳۱۳ به شماره ۱۱۸ در اداره ثبت شرکت‌ها و علایم تجارتمی و اختراعات به ثبت رساندم. / ص ۲۲۲
مدرسه کرولال باغچه‌بان در سال ۱۳۱۲ تأسیس شد.

ملکه بقایی کرمانی مؤسس نخستین کودکستان در حومه تهران متولد ۱۳۰۰ هـ ش. در کرمان به دنیا آمد پدرش میرزا شهاب از رجال کرمان بود. وقتی پدرش از کرمان نماینده مجلس شد وی نیز به تهران آمد در دارالمعلمات تحصیل کرد. از راه مکاتبه در رشته روان‌شناسی و تربیت کودک به تحصیل پرداخت سپس به پاریس رفت تحصیلات دانشگاهی را به پایان برد در بازگشت به تهران کودکستانی را در تجریش به نام شهر ایجاد کرد وی در سال ۱۳۲۳ برای دفاع از حقوق معلمان مبارزات دامنه‌داری را آغاز کرد. و سرانجام موفق شد گام‌های مؤثری را در راه بهترسازی زندگی مادی معلمان بردارد داستان‌های کوتاه شکسته بالان - عشق و شهوت - قلب من از زبان یک مُرده، چوب خدا صدا ندارد، جنایت، انتقام و وظیفه‌شناسی پاداش از کارهای اوست. از تاریخ مرگ وی اطلاعی در دست نیست و شاید هم زنده باشد.

آیین‌نامه و برنامه کودکستان

قسمت اول بنای کودکستان

ماده اول:

کودکستان گذشته از داشتن وسعت کافی حیاط و باغچه برای تفریح و تفرج اطفال باید دارای ساختمان به شرح ذیل باشد.

۱- اطاق انتظار ۲- اطاق لباس اطفال ۳- اطاق مدیر و معلمات ۴- اطاق ناهارخوری ۵- اطاق دستشویی ۶- اطاق ورزش ۷- به تعداد هر ۲۵ نفر طفل یک اطاق

قسمت دوم مقررات کودکانستان

ماده اول: سن اطفالی که به کودکانستان برده می‌شوند باید کمتر از چهار و بیشتر از ۷ سال تمام نباشد.

ماده دوم: برای هر ۲۵ طفل یک معلم لازم است.
ماده سوم: حداقل ساعات کار کودکانستان سه ساعت و حداکثر آن ۵ ساعت خواهد بود.

ماده چهارم: از اولیا اطفال به عنوان دادن نمایش یا تهیه اثاثیه و لوازم کار و امثال آن‌ها به هیچ وجه نباید تقاضای اعانه شود و قبول انواع تحف و هدایا از اولیاء اطفال اکیداً ممنوع است.

قسمت سوم وظایف مدیر

ماده اول: مدیره کودکانستان ملزم است که برای هر نفر یک حوله - صابون با یک پیش دامن - ظرف آب خوری و دستمال سر میز تهیه کند و مراقبت کامل به عمل آورد که اطفال فقط اشیاء متعلق به خود را استعمال نمایند.

ماده دوم: مدیر ملزم است در نظیف اطاق‌ها و صحن عمارت و اشیاء مخصوصه متعلقه به اطفال نهایت مراقبت را به عمل آورد.

ماده سوم: اگر در کودکانستان طفلی را کسالت عارض شود که عادت اعزام او نزد اولیاءش ضروری است مدیره ملزم است که در اسرع اوقات او را به اولیاءش برساند.

ماده چهارم: مدیره نباید اطفال را برای شرکت در بازی‌ها و عملیاتی که فوق طاقت آن‌هاست خسته کند.

ماده پنجم: تنبیه اطفال منحصر است از محروم کردن آن‌ها از بازی‌های عمومی

ماده ششم: مدیره ملزم است کلیه وسایل تعلیماتی و بازی‌هایی که باید بر طبق پروگرام مصوب کودکان به اطفال آموخته شود به نحو اعم و اکمل در کودکان حاضر داشته باشد.

قسمت چهارم شرایط ورود به کودکان

ماده اول: هر کس بخواهد طفل خود را به کودکان بسپارد باید مدارک ذیل را به تقاضای کتبی خود منظم کرده به مدیره مسئول تسلیم نماید.

الف: تصدیق صحت مزاج طفل از یکی از اطبا معتمد و مشهور

ب: سواد ورقه هویت (شناسنامه)

ج: ورقه تصدیق تلقیح آبله

قسمت پنجم: شرایط مدیره

ماده اول: مدیره کودکان باید دارای شرایط ذیل باشد.

الف: سن مدیره نباید کم‌تر از ۲۰ و متجاوز از پنجاه سال باشد.

ب: مدیره باید تصدیق عدم ارتکاب جنحه، جنایت و سوء سابقه از عدلیه و

نظمیه محل در دست داشته باشد.

ج: مدیره باید تبعه ایران و مشهور به فساد اخلاق و معتاد به استعمال افیون و

الکل نباشد.

د: مدیره باید به حسن خلق و سلوک مشهور باشد.

ه: مدیره باید دارای دیپلم تخصصی از یکی از کودکان‌های تخصصی

خارج یا صاحب تصدیق نامه دوره اول متوسطه باشد و در صورت نداشتن مدرک

کتبی ثابت کند که مدت شش سال با داشتن اجازه رسمی، مدیره مدرسه، ابتدایی یا

متوسطه بوده است.

و: تمکن مالی مدیره کودکان با وزارت معارف (اداره تفتیش خواهد بود)

ماده دوم: در صورتی که مدیره کودکان از لحاظ زیادی عده اطفال محتاج

به معاون می‌شود باید کسی را که دارای شرایط مندرجه در جز (الف) و (ج) و (د)

از ماده اول قسمت میم و صاحب تصدیق نامه دوره اول متوسطه (سیکل) باشد

انتخاب کند.



تبصره: هر کس بخواهد کودکان تأسیس کند در صورتی که تمکن مالی او مورد تصدیق اداره تفتیش وزارت معارف باشد باید با تعیین مدیر، که واجد شرایط مندرجه در جز (الف) و ج و د ماده اول قسمت پنجم باشد تقاضای صدور اجازه کند.

قسمت ششم پروگرام (برنامه) کودکان

ماده اول: بازی‌های کم زحمت متناسب با سن اطفال
 ماده دوم: حرکات مرتب و موزون ورزش با آهنگ موسیقی
 ماده سوم: تعلیم و مشق صحبت حفظ اشعار سهل و مختصر، تقریر حکایات ساده

ماده چهارم: تعلیم نقاشی و رسم‌های کم زحمت
 ماده پنجم: خواندن سروده‌های وطنی و ملی بالاجتماع
 ماده ششم: درس اخلاق، خداپرستی، وطن دوستی، راستگویی، محبت و احترام نسبت به والدین و اقربا و مردم، رعایت نظم و ترتیب و وفاداری، صبر، قناعت، نوع دوستی، تعاون

تبصره: تمام این‌ها باید در ضمن قصص و حکایاتی که معلم قبلاً ساخته و پرداخته باشد بیان شود. بدون اینکه باعث خستگی دماغ و روح گردد. ضمناً باید دانست که قصص نباید از افق فهم طفل خارج باشد. گاهی باید از زبان حیوانات گاهی از قول نباتات زمانی از طرف اطفال حرف زد در تمام دوره کودکان باید حکایت مختلفه غیر متشابه که فهم موضوعات فوق باشد تکرار شود. گاهی شاگرد را با نقل یکی از حکایاتی که شنیده است وادار کرد و فهم او را به واسطه گفتگوهای مختصر پرورش داد و سؤالات بسیار مختصر و ساده راجع به قصه‌ای که شنیده یا خود گفته است بدون آنکه موجب خستگی دماغ (اندیشه) اطفال شود از او کرد.

ماده هفتم: ساختن حروف مقوا و ترکیب الفبا و کلمات کوچک و مختصر باحروف مقوایی

ماده هشتم: گل کاری و باغچه‌بندی‌های کوچک و امثال آن‌ها

تبرستان

www.tabarestan.info

تدریس کتب رسمی در مدارس ابتدایی

برابر بخشنامه نمره ۲۹۸۰ - ۱۳۷۲۵ مورخ ۸ اسفندماه ۱۳۱۰ ش. در کلاس‌های اول و دوم و سوم و چهارم ابتدایی باید منحصراً کتب وزارتی و شفاهاً حساب در کلاس سوم و چهارم و هندسه در کلاس چهارم و قرآن و مشق خط و نی قلم در کلاس ۵ و ۶ تاریخ و جغرافیا از روی کتاب وزارتی و سایر مواد بر طبق پروگرام فعلی تدریس گردد لازم است مفاد این متحدالمال (بخشنامه) را به کلیه مدارس حوزه مأموریت خود اعم از دولتی و ملی ابلاغ نموده، تخلف از این دستور موجب مسئولیت شدید خواهد بود، وصول این متحدالمال را نیز اطلاع دهید. به نقل سالنامه ۱۳۷۰ ص ۴۵

برابر بخشنامه نمره ۶۸۰۸ - ۲۳۷۸۰ مورخ ۲۰ آذرماه که از طرف اداره محاسبات تصریح شده است آمده است که:

چون به موجب ماده ۶ قانون کل بودجه سال ۱۳۱۰ مملکتی هیچ وجهی از خزانه دولتی نباید پرداخته شود مگر اینکه در مقابل آن برای دولت خدمتی انجام یا مالی خریداری یا اجاره داده شده باشد و نظر به اینکه مسؤول تصدیق خدمت آقایان معلمین و سایر مستخدمین آن مدرسه در مرحله اول آقایان روسای مدارس می‌باشند علی‌هذا برای اینکه پرداخت حقوق هر یک از کارکنان آن مدرسه مطابق مقررات قانون کل بودجه و سایر مقررات مالی بعمل آمده باشد اوراق مخصوصی از طرف وزارتخانه تصدیق انجام خدمت مطابق نمونه ذیل طبع و به آن مدرسه ارسال می‌شود لازم است از آذرماه به بعد از آخر هر ماه بر طبق شرحی که در اوراق مزبور درج گردیده انجام خدمت کلیه کارکنان آن مدرسه را اعم از مستخدمین رسمی یا کتراتی و اعم از مستخدمین دختر یا مرد روی صفحه اول اوراق طبع شده و می‌توان ساعات غیبت و تأخیر ورود آن‌ها را با توضیح اینکه چند ساعت از غیبت با عذر موجه و چند ساعت غیبت بدون عذر موجه بوده است



به شرحی که در ص ۲ (ظهر ورقه تصدیق انجام خدمت) مندرج است به استثنا مبلغ جرائم که در خود وزارتخانه معین خواهد شد تصدیق نموده و پس از امضای مفتش آن مدرسه تا آخر روز سوم ماه بعد به توسط مفتش مدرسه و پس از اخذ رسید از مشارالیه به اداره محاسبات ارسال دارید. / به نقل از ص ۲۹ - ۳۰ سالنامه و آمار ۱۳۱۱ ش. وزارت معارف

قابل توجه:

با اینکه رعایت این بخشنامه برای همه مدارس است ولی همه جا سخن از آقایان است انگار در بخشنامه نیز نباید اشاره‌ای به خانم‌ها می‌شده است. اما در نمونه ورقه تصدیق انجام وظیفه اعضای مدرسه نام خانم‌ها هم ذکر شده است.

نمونه:

ورقه تصدیق انجام مدت خدمت اعضای مدرسه

مدرسه - تصدیق می‌نماید که آقایان / خانم‌ها ذیل (اعضا و اجزا این مدرسه) در ماه - سال - ۱۳۱ در تمام ساعات مقرر به استثنای ساعات غیبتی که در ظهر این ورقه صورت داده شده است حاضر و به انجام خدمات محوله اشتغال داشته‌اند.

مفتش مدرسه

رئیس مدرسه

ظهر ورقه تصدیق نامه

ماه ۱۳۱۰ صورت غیبت و تأخیر ورود آقایان اعضاء مدرسه

ملاحظات	مبلغ جریمه			مدت غیبت		تاریخ	اسم و نام خانوادگی
	تومان	قران	دینار	ساعت	دقیقه		

محل امضاء مفتش مدرسه

محل امضاء مدیر مدرسه

مواد برنامه سال اول و دوم و سوم و چهارم ابتدایی

(پسران و دختران)

آیات منتخبه

سال سوم: قرائت (آیات منتخبه با ترجمه فارسی).

سال چهارم: قرائت (آیات منتخبه با ترجمه فارسی).

شرعیات

سال اول: تعلیم وضو و نماز عملاً.

سال دوم: اصول دین و مذهب با معانی اجمالی آنها - ترتیب وضو و نماز و ترتیب بجا آوردن آن.

سال سوم: اصول دین و مذهب بدون ذکر دلایل متکلمین - شماره عبادات از فروع دین با تعریف اجمالی هر یک از آنها - ذکر بعضی از معاصی کبیره از قبیل: قتل - سرقت - غیبت - و نمایی - دروغ - تهمت - توضیح قبیح این معاصی در ضمن بیانات و تشکیلات نزدیک به فهم اطفال.

سال چهارم: نخست - اصول دین و مذهب با دلایل اجمالی آنها.

دوم - فروع دین

از نماز فقط نمازهای یومیه و شرائط صحت آنها بدون ذکر شکایات و سهویات. از روزه: روزه ماه رمضان با ذکر شرائط صحت آن و از مفطرات فقط اکل و شرب.

از خمس: اشیائی که خمس به آنها تعلق می‌گیرد.

از زکوه: اشیائی که زکوه به آنها تعلق می‌گیرد بدون ذکر نصابها.

از حج، به ذکر حج تمتع و شرائط وجوب آن که استطاعت مالی و بدنی و عدم خوف و ضرر است اکتفا شود.

از جهاد: قسمت دفاع از میهن با دقت تعلیم شود و مورد اهمیت خاص قرار گیرد - امر به معروف و نهی از منکر با توجه به اینکه وظیفه هر فردی در جامعه دعوت مردم است به کارهای نیک و اجتناب از زشتی - ذکر بعضی از معاصی کبیره مانند: ظلم و غصب حق دیگران و شرب خمر و سائر مسکرات و توضیح قبیح این معاصی.

فارسی - قرائت

سال اول: حروف مفرد - ترکیبات دو حرفی - ترکیبات سه حرفی - کلمات و عبارات بسیار آسان و متناسب با ذوق اطفال - قطعات منظوم بسیار ساده و



بچه‌گانه که معانی آن را بتوان به طفل فهمانید - حکایات ساده و مختصر و متناسب با ذوق اطفال راجع به مطالب ذیل:

نخست - مذمت دروغگوئی - بیان مضرات بی‌ادبی - وظیفه طفل نسبت به پدر و مادر و اعضاء خانواده و محبت به ایشان - تکلیف طفل نسبت به اولیاء مدرسه - محسنات راستی و درستی - تنفر از تبلی و بیکاری - بیان آداب معاشرت و اکل و شرب.

دوم - اطلاعات بسیار ساده راجع به بدن انسان - پوست - گوشت - عضله - حواس خمسسه و اعضاء آنها - دست و پا - انگشت و ناخن - شناسائی راست و چپ - اسامی ایام هفته - حیوانات اهلی عمده و فوائد آنها - نشان دادن درختان میوه‌دار و غلات و حبوبات عمده و سبزی‌های خوردنی.

سوم - پندهای ساده و مختصر در فوائد پاکیزگی - شستن دست و روی و دهان و دندان و پاک نگاه داشتن ناخن و مو و جامه - زیان بسیار خوردن و بسیار آشامیدن و عدم نظافت - مقدار خواب در بیست و چهار ساعت و بهترین هنگام آن.

سال دوم: قرائت قطعات منظوم اخلاقی مناسب با فهم طفل - حکایات و

قطعات راجع به مطالب ذیل:

نخست - تنفر از عیب‌گوئی و عیب‌جوئی - مذمت تصرف در مال غیر - فوائد عفو و اغماض - محسنات خوشروئی و خوش‌خلقی - زیان تندى و درشتى و مردم‌آزاری - آسیب‌نرسانیدن به حیوانات بی‌آزار.

دوم - پوست - مو - دندان - سوراخ‌های پوست - عرق - استخوان‌بندی - سال و ماه و فصول - نام ماه‌های شمسی - نام چهار فصل - نوشتن ابزار و لوازم تحصیل شاگرد مدرسه - تشخیص حیوان و نبات و جماد به اختصار - فلزات از قبیل آهن مس - نقره - طلا - سرب - روی - نیکل

سوم - زیان استعمال مسکرات و دخانیات مخصوصاً تریاک.

قرائت مطالب جغرافیائی:

نخست - جغرافیای موضعی - فهماندن نقشه مدرسه - شکل و جهت امتداد

کوچه و خیابان چگونگی شهر و اطراف آن.

دوم - جغرافیای عمومی: زمین و تقسیم سطح آن فقط به آب و خاک - اصطلاحات عمده جغرافیائی - جوی - رود - دریا - دریاچه - خلیج - اقیانوس - جزیره - شبه جزیره - کوه - کوه آتشفشان - جلگه - صحرا جهات اصلیه و طریق یافتن آنها به عمل - ایران و شهرهای عمده آن بدون ذکر استانها و شهرستانها.

سال سوم: قرائت قطعات نثر و نظم بسیار ساده در خور فهم طفل شرح آثار طبیعی از قبیل: رود - شط - دریا - کوه - دشت - جنگل - چمن و فوائد آنها - قصص و روایات ساده راجع به مطالب ذیل:

وظائف انسان راجع به خدای متعال - جوانمردی و فرومایگی - خلق نیکو و خوی زشت - دلیری و ترس - فروتنی و کبر - راستی و دروغ - قناعت و اسراف - عدل و ظلم - عفو و انتقام - امانت و خیانت - آداب معاشرت - دوستی میهن - اطلاعات ساده از بدن انسان قدری مفصل تر از سال پیش به علاوه قلب - رگها - (شریان و ورید)

تبصره - کلیه آموزشها (تعلیمات) راجع به اندامهای (اعضاء) بدن باید از روی نقشه باشد شش - معده - رودهها - اقسام سه گانه دندان - زیان مسکرات و دخانیات مخصوصاً تریاک - نژادهای عمده انسان - جانوران عمده - پوست جانوران - چرم - پشم - شیر - کره - روغن - پنیر - ابریشم - عسل - موم - پرتیور - چوب و برگ گل - میوههای خوردنی - پارچههای علفی - مواد غذایی - قند - آرد - نشاسته - نان - سنگهای ساختمانی - آهک و ساروج - گچ - خاک رس - آجر - کوزه - ظرف چینی و بدل چینی و گلین - شیشه و بلور - انواع رنگ - ذغال سنگ - فلزات عمده - حالات سه گانه اجسام - هوا و فوائد آن - باد - باران - برف - نگرگ - آب - تندرستی - رنجوری - خواب - بیداری - حرکت و سکون - سرما و گرما - چهار فصل سال - ماههای قمری و پنج قطعه زمین - ساعات شبانه روز و تقسیم آن برای امور زندگی - آب مشروب و فاسد اغذیه و نوشابههای (اشربه) سودمند و لازم - اغذیه و نوشابههای (اشربه) زیان آور مضر - منزل و شرائط محل سکونی.

قرائت مطالب جغرافیائی:

جغرافیای عمومی: شکل زمین و دو حرکت آن - اقیانوس‌ها - پنج قطعه عالم
اصطلاحات جغرافیائی مطابق سال پیش به اضافه تعریف کشور و استان و شهرستان
و بخش و دهستان و قصبه و دهکده - جغرافیای ایران مشتمل بر ذکر بزرگ‌ترین
کوه‌ها و مهم‌ترین رودها و معتبرترین شهرها و استان‌ها و شهرستان‌ها و محصولات
طبیعی و مصنوعی به اختصار.

قرائت مطالب تاریخی:

از سلسله پیشدادیان و کیان.
کیومرث - هوشنگ - جمشید - ضحاک - فریدون - کیکاووس - کیکاد - کیکاوس -
کیخسرو - گشتاسب - بهمن - دارا.
از هخامنشی:

کوروش - داریوش - خشایارشا و داریوش سوم - اسکندر.
از سلسله اشکانیان:

ارد (اشک سیزدهم).

از سلسله ساسانیان:

اردشیر بابکان - شاپور اول - شاپور دوم - بهرام گور - انوشیروان عادل -
خسرو پرویز - یزدگرد سوم.

سال چهارم: قرائت قطعات نثر و نظم مفید و نافع در خور فهم اطفال مشتمل
بر بیان تعاون - اخوت - رعایت زیر دستان - تنفر از شیادی و چاپلوسی - عفت
و پرهیزکاری - رازپوشی - حفظ شرف و آبرو - وفای به عهد - حفظ قول و
امضاء - احتراز از خودپسندی - انفاق - احسان - ترحم - فوائد شغل و کار
مشروع - لزوم درستکاری در معاملات و احتراز از مفتخواری - حسد و بخل -
خلف وعده - لثامت و خست - اتهام - افترا - زیان‌های (مضار) تنبلی و بیکاری
و نومیدی - اطلاعات مفید در امر کشاورزی (فلاحت) و تجارت و صناعت به
اختصار - آزادی و تفاوت آن با خودسری - بی‌نظمی - احترام قانون و لزوم
اطاعت آن.

اطلاعات ساده از بدن انسان - استخوان بندی - جمجمه - بازو - ارش (ساعد) و انگشتان - ران و ساق - قدم - بند (مفصل) - ماهیچه ها (عضلات) - دماغ - مخ - پی ها (اعصاب) - عمل گوارش (هضم) - آب دهان (بزاق) اقسام دندان - معده - ریتین - حنجره - قصبه الریه - تنفس - خون - قلب - شریان و ورید:

تبصره: کلیه آموزش ها (تعلیمات) راجع به اندام های (اعضاء) بدن باید از روی نقشه باشد.

زمین و سیارات - هوا - میزان الحراره - میزان الهوا - تغییرات هوا - آتش و آب - ساختمان و مصالح لازمه آن - چوب و درودگری (نجاری) - زغال سنگ - نمک - بزرک و شاهدانه - پنبه - پارچه بافی - لامپا - چراغ های معمولی - شمع گچی و پیپی - گاز نفت - سوخت - غلات - ادویه - شوکلات - کاکائو - چای - قهوه - ساختن کاغذ - آهن - فولاد - چدن - مس - مفرغ - برنج - سرب - قلم - نیکل - روی طلا - نقره - ذکر اجمالی از فرش و قالی و رنگ طبیعی و مصنوعی - بیان مضرات رنگ های جوهری - وسائل حرکت از قبیل: راه آهن - اتومبیل - هواپیما (طیاره) - طرز تکثیر گیاه ها (نباتات) - اقسام پیوندها - پیوند اسکنه و شکمی - تأکید در نظافت لباس و بدن و گذرها (معابر) و مجاری آبها - تکرار مواد بهداشت سال پیش قدری مفصل تر و قرائت نامه های ساده.

خواندن مطالب جغرافیائی:

جغرافیای عمومی - اصطلاحات جغرافیائی - جغرافیای طبیعی و سیاسی عالم با ذکر آب و هوای مناطق پنجگانه کشورهای ذیل با ذکر پایتخت های آن.
نخست در اروپا: انگلستان - فرانسه - آلمان - ایتالیا - بلژیک - جماهیر شوروی - سوئیس.

دوم در آسیا: افغانستان - عراق - ترکیه قفقاز - حجاز - هندوستان - چین و ژاپن.

سوم در افریقا: مصر.

چهارم در آمریکا: اتازونی.



جغرافیای ایران قدری مفصل تر از سال پیش.
قرائت مطالب تاریخی:
از صفاریان: یعقوب ابن لیث.
از سامانیان: اسمعیل.
از غزنویان: سلطان محمود.
از آل بویه: عضدالدوله.
از سلجوقیان: آلب ارسلان و جلال الدین ملکشاه تبرستان.
از مغول: چنگیزخان و صدمات او به ایران و هلاکو خان.
از تیموریان: امیر تیمور و مفاصد او در ایران.
از صفویه: شاه اسمعیل و وقایع مهمه زمان او - شاه عباس کبیر - شاه سلطان حسین - انقراض آن سلسله.
از افشاریه و زند: نادرشاه و ذکر اجمالی از فتوحات او و کریم خان زند.
از قاجاریه: آقا محمدخان و سایر سلاطین قاجار - دوره انحطاط - مشروطیت ایران - انقراض قاجاریه - سلطنت اعلیحضرت شاهنشاه پهلوی و ذکر ترقیات اخیر. ذکر رجال و علماء و حکماء از این قرار:
در دوره سامانیان: رودکی.
در دوره غزنویان: فردوسی - ابوعلی سینا.
در دوره سلجوقیان: نظام الملک - عمر خیام - حسن صباح
در دوره مغول: سعدی - خواجه نصیر طوسی.
در دوره تیموری: حافظ.
در دوره قاجاریه: حکیم سبزواری - میرزا تقی خان امیرکبیر - قانلی.
تبصره - در نگارش این قسمت های تاریخی باید رعایت اختصار و سهولت مطالب و آسانی عبارات بشود.

املاء

سال سوم - از کتاب قرائتی همین سال و رونویسی از همان کتاب.
سال چهارم - از کتاب قرائتی همین سال و رونویسی از همان کتاب.



انشاء

سال سوم - انشاء موضوعات آسان از قبیل سرگذشت طفل در منزل و در آموزشگاه (مدرسه) و امثال آنها.
سال چهارم - مانند سال سوم به اضافه نوشتن نامه‌های ساده.

خط

سال اول - نوشتن حروف و کلمات و عباراتی از روی دروس.
سال دوم - عبارات و حکایات خوانده شده به طریق رونویسی و غیره - جمله‌های ساده از خارج.
سال سوم - نستعلیق درشت.
سال چهارم - مشق درشت و ریز نستعلیق.

ریاضیات

سال اول - شماره لفظی و خطی تا صد.
سال دوم - شماره لفظی و خطی تا هزار و تقسیم آن به احاد و عشرات و مات - جمع و تفریق - ضرب حالت اول و دوم در همان حدود - مقیاسات طول و وزن و نفود ایران با ارائه نمونه آن‌ها در کلاس - شناختن و خواندن ساعت - مسائل و تمرینات کتبی در حدود دستور فوق.
سال سوم - شماره لفظی و خطی تا طبقه سوم اعداد - چهار عمل اصلی صحاح - اطلاعات ساده عملی از مقیاسات ایران تا حدی که برای حل مسائل جاریه لازمست - مسائل و تمرینات کتبی و شفاهی.
در هر یک از چهار عمل اصلی صحاح باید یک امتحان اکتفا نمود از این قرار امتحان جمع عکس ترتیب - امتحان تفریق به عمل جمع - امتحان ضرب به تغییر محل دو عامل - امتحان تقسیم به عمل ضرب.
سال چهارم - نخست حساب: تکرار و تکمیل مواد سال پیش به اضافه چهار عمل اصلی در اعشار تعریف کسر متعارفی و بیان کشور تسعه - مقیاسات قانونی ایران و مقایسه آن‌ها با مقیاسات قدیم - حل مسائل و تمرینات شفاهی و کتبی.

دوم هندسه: شناختن اشکال هندسی - مثلث - مربع - مستطیل - متوازی‌الاضلاع - ذوزنقه - لوزی - کثیرالاضلاع - دایره - بیضی - دستور تعیین محیط دایره و مساحت این اشکال با تمرین در ضمن مسائل حساب. این اشکال را با قطعات مقوائی قبلاً ساخته در کلاس به شاگردان ارائه داده آنان را تشویق کنند که نظیر آنها را با کاغذ بسازند.

رسم و نقاشی

سال دوم: نقاشی: نقاشی اشکالی که در خور فهم اطفال باشد.

رسم: رسم خطوط افقی و قائم و مایل بر روی کاغذ شطرنجی.

سال سوم:

نقاشی: مطابق سال پیش.

رسم: رسم اشکال ساده از ترکیب خطوطی که در سال پیش ترسیم آنها تعلیم

داده شده است.

سال چهارم:

نقاشی: مطابق سال پیش.

رسم: تقسیم خط مستقیم به اجزاء متساویه - ترسیم صور عمده هندسی -

اشکال ستاره - کثیرالاضلاع.

ورزش

از روی برنامه مخصوص

سرود

سال اول و دوم و سوم:

در کلاس‌های اول و دوم و سوم دبستان‌ها سرودهایی که جنبه تفریح و بازی

جهت کودکان داشته باشد و اشعار آن هم با فهم اطفال نزدیک باشد خارج از

برنامه ممکن است آموخته شود.

سال چهارم:

نوتها - حامل - خطوط اضافه - کلید - گام - شکل نوتها - سکوت - سه بر

دو - نقطه - معمول‌ترین میزان‌های ساده - ده درس سرایش (سلفژ) به اضافه پنج



شماره سرود که ابتدای هر سال تحصیلی مخصوص این کلاس از طرف وزارت معارف تعیین و ابلاغ می‌شود.

ساعات درس‌ها در هفته

سال اول		سال دوم	
نوشتن	۱۴ ساعت	فارسی و نوشتن	۱۶ ساعت
حساب	۲ ساعت	حساب	۳ ساعت
ورزش	۵ ساعت	نقاشی و رسم	۲ ساعت
سرود	۱ ساعت	ورزش	۶ ساعت
		سرود	۱ ساعت
جمع:	۲۲ ساعت	جمع:	۲۸ ساعت
سال سوم		سال چهارم	
فارسی و نوشتن	۱۲ ساعت	فارسی و نوشتن	۱۲ ساعت
آیات منتخبه	۲ ساعت	آیات منتخبه	۲ ساعت
نقاشی و رسم	۲ ساعت	تعلیم خط	۱ ساعت
تعلیم خط	۱ ساعت	حساب و هندسه	۴ ساعت
حساب و هندسه	۴ ساعت	نقاشی و رسم	۲ ساعت
ورزش	۶ ساعت	ورزش	۶ ساعت
سرود	۱ ساعت	سرود	۱ ساعت
جمع:	۲۸ ساعت	جمع:	۲۸ ساعت

تبصره ۱- مقصود از نوشتن «املاء و رونویسی و انشاء» است و در سال‌های اول و دوم تکالیف شبانه به شاگردان نباید داده شود و به همان نوشتن و تمرینات روزانه باید اکتفا کرد.

تبصره ۲- مدیر دبستان باید ساعات دروس مشکل را با آسان ترکیب نموده و حتی‌الامکان سعی نماید که دروس مشکل‌تر در صبح تدریس شود.

تبصره ۳- دبستان‌ها در بعدازظهر روز پنجشنبه تعطیل خواهد بود.



برنامه (پروگرام) سال پنجم و ششم ابتدایی دختران
تصویب شده شورای عالی فرهنگ در تاریخ ۶ اردیبهشت ماه ۱۳۱۷
سال پنجم (آیات منتخبه)
خواندن بعضی آیات با ترجمه فارسی.

شرعیات

اصول دین و مذهب - عبادات - نماز - روزه - حج - خمس - زکوة - دفاع
- امر به معروف و نهی از منکر - تجارت و پیشه (کسب) - معاصی و حسنات
معاصی کبیره و صغیره - معاصی کبیره.

اخلاق

وظائف انسان نسبت به خدا - تکالیف و وظائف نسبت به خود - دستور رفتار
کودکان در خانه و نسبت به پدر و مادر - وظائف راجع به میهن (وطن) - دستور
رفتار کودکان نسبت به خدمه و زیردستان - پرهیزکاری - سرپوشی - شرافت -
عدالت - نجابت - سخاوت - امانت - زیان (ضرر) - خشم - تکالیف پدر و مادر
نسبت به فرزند - تکالیف برادران و خواهران نسبت به یکدیگر - تکالیف نسبت به
آموزگاران - وظائف هم‌شاگردی - تحصیل دانش و لزوم مداومت آن - آداب
معاشرت.

فارسی

۱- خواندن قطعات نثر و نظم ادبی و اخلاقی با توجه به معانی لغات و فهم
مقصود - مطالب سودمند (نافع) از قبیل: شرح حال مخترعین بزرگ و اختراعات
عمده آنها و ترجمه حال مشاهیر رجال عالم به اختصار - شرح حال و آثار
دانشمندان بزرگ ایران - شرح حال بعضی از جهانگردان (سیاحان) بزرگ و
چگونگی اکتشافات جغرافیایی به اختصار - فوائد تجارت و کشاورزی (فلاح) و
صناعت قرائت‌نامه‌ها (مراسلات) و تحریرات ساده متداول.

۲- تمرین: مشق درسی املاء - انشاء از قبیل ساده کردن حکایات و نوشتن
نامه‌های (مراسلات) ساده و موضوعات آسان و حفظ بعضی قطعات خوانده شده.



علم الاشياء

رده‌های (طبقات) جانوران (حیوانات) و گیاه‌ها (نباتات) به اختصار -
اطلاعات مختصر راجع به کشاورزی (فلاحت) و باغبانی - طرز تکثیر گیاه‌ها
(نباتات) اقسام عمده پیوند - تعریف جنگل و بیشه و چمن و کشت‌زار و فوائد
آن‌ها.

بهداشت (حفظ‌الصحه)

وظائف خانه‌داری - قرائت: معنی بهداشت (حفظ‌الصحه) - هوای سالم -
رطوبت - حرارت - برودت منازل - تنفس در هوای آزاد - اثر اکسیژن و
اسیدکربنیک - مدخلیت آفتاب و نور در پرورش حیوانات (جانوران) و گیاه
(نباتات) و سلامت منازل - اغذیه - کم‌خوری و پرخوری - گوارش (هضم) غذا -
مضرات افراط ادویه تند - دستورالعمل بهداشت (حفظ‌الصحه) دندان‌ها و مضرات
اشتراک مسواک و شانه - لزوم اکل اغذیه سریع‌الهضم برای اشخاص ضعیف و
کم‌بینه - فائده تغذیه نمودن در اوقات معینه - شرح مختصری از ماکولات - آب
چشمه - آب گوارا - آب مقطر - امتحان آب توسط پختن سبزی و کف صابون -
آب‌های کثیف - میکروب و مضار آن - مضرات استعمال دوا بدون تجویز پزشک
(طیب) استحمام جلد بدن - تنفس جلدی - عرق آب سرد و گرم - شست‌وشوی
بدن اطفال با آب گرم تا سن پنج و شش سالگی - ناخن بلند و معایب آن - شستن
سر و صورت با آب سرد - معایب حوض - لطیف نگاه داشتن مو - مضار استعمال
مایعاتی که برای رنگ کردن یا تقویت مو معمول است - کثافت و شپش - امراض
مسریه از قبیل: کچلی و سودا - محافظت گیسوان و دستورالعمل آن - جای مزبله و
مطبخ و طویله و مستراح در خانه - اطاق خواب و تشک و متکا و لحاف و باد
دادن آن در هوای آزاد بخصوص در آفتاب - احتراز از سکونت در اطافی که
مبتلایان به امراض که مبتلایان به امراض مسریه در آن‌ها بوده‌اند - استعمال
ضدعفونی - چراغ و مضرات نور شدید برای چشم - دود نفت - مجرای بخاری
برای تغییر هوا - بادگیر - گهواره - هوای محبوس برای اطفال - ضرر چراغ در



اطاق خواب - البسه - اقسام لباس‌ها - لباس روز و لباس خواب - لباس ضیافت و لباس خدمت - لباس ناراحت و تنگ - البسه زمستانی و تابستانی - کفش راحت و تنگ - منع استعمال کفش‌های پاشنه بلند - خاکه تنباکو - نفتالین و کافور برای رفع بید از ملبوس پشمی و خز - پارچه‌های پشمی و کتان و ابریشمی.

تاریخ ایران

هخامنشیان - اشکانیان - ساسانیان - (در ضمن شرح سلسله‌های مذکور تاریخ مصر و کلد و آشور و بنی‌اسرائیل و یونان و روم باید تا اندازه‌ای که با تاریخ سلسله‌های مزبور تماس دارد به اختصار گفته شود. ظهور اسلام مختصری از سیره پیغمبر و امامان(ص) - حمله اعراب به ایران - تشکیل و توسعه کشورهای (ممالک) اسلامی - بنی‌امیه - بنی‌عباس تا آخر خلافت مأمون - مختصری از تمدن اسلامی در عصر عباسیان و دخالت ایرانیان در ظهور و تکمیل آن دولت.

جغرافیا

تعریف جغرافیا و فوائد آن - تقسیم جغرافیا - ثوابت - و سیارات و اقمار - شکل زمین - حرکات زمین - مناطق پنجگانه - نمایش زمین - جهات اصلیه و فرعیه افق - محور زمین - استوا - مدارات - نصف‌النهار - نقشه‌ها و کره‌های جغرافیایی - جغرافیای طبیعی - جغرافیای سیاسی و اقتصادی - زندگانی اجتماعی و حکومت و قانون - نژادهای مختلف - اصطلاحات جغرافیای سیاسی.

آسیا: اوضاع طبیعی آسیا - اوضاع سیاسی آسیا.

اروپا: اوضاع طبیعی اروپا - کشورهای اروپا.

آفریقا: اوضاع طبیعی آفریقا - اوضاع سیاسی آفریقا - کشورهای (ممالک)

مستقل آفریقا.

امریکا:

امریکای شمالی: اوضاع طبیعی امریکای شمالی - اوضاع سیاسی امریکای

شمالی کشورهای (ممالک) امریکای جنوبی.



امریکای مرکزی

امریکای جنوبی: اوضاع طبیعی امریکای جنوبی - اوضاع سیاسی امریکای جنوبی کشورهای (ممالک) امریکای جنوبی.
اقیانوسیه: اوضاع طبیعی اقیانوسیه - اوضاع سیاسی اقیانوسیه.

حساب

قابلیت تقسیم اعداد بر (۲-۳-۴-۵-۶-۸-۹-۱۰) تعریف کسر متعارفی - اقسام سه‌گانه کسر - رفع - تجنیس - غیرممکن التحویل نمودن کسرها. راه قابلیت تقسیم اعداد - تحویل کسور به مخرج مشترک به عمل ضرب اجزاء چهار عمل اصلی در کسور - تحویل کسر متعارفی به اعشاری بدون ذکر تناوب و اقسام آن - تعریف نسبت و تناسب عددی و هندسی بدون ذکر خواص آنها - اربعه متناسبه به قاعده تحویل به واحد - مراجعه به مقیاسات ایران و سلسله متری حل مسائل فکری - تمرینات شفاهی و کتبی.

هندسه

مساحت اشکال مسطحه که در سال پیش ذکر شده است - مسائل و تمرینات کتبی و شفاهی.

خیاطی و کارهای دستی

رفو کردن جوراب - ترکی دوزی - جا ماندگی دوزی - شلال - تو زدن لب پارچه و پس دوزی کردن - بریدن و دوختن لباس خیلی کوچک به این شرح: پیراهن - پیراهن زیر - پیراهن بلند - شلوار (تنکه) - درزهای لباس‌های مذکور باید دو دفعه دوخته شود که از پشت لباس نخ نمایان نباشد.
تبصره - آموزگار باید الگوهای لباس‌های خیلی کوچک را با کاغذ بریده و به هر یک از شاگردان علیحده بدهد.

رسم نقاشی

مراجعه و تکمیل مواد سال چهارم.

تعلیم خط

مطابق دستور مخصوص.

ورزش

مطابق دستور مخصوص.

سرود

معمول ترین میزان های ترکیبی - دو بترسه - خط اتحاد - خط اتصال - ضرب های قوی و ضعیف - ضد ضرب - تازش - حروف کوچک - قلاب (گروپتو) غلت (تری) - مردان - ایست - برگشت - مسافت بین نوتها - علامات گرداننده - شناختن گام بزرگ بطور اختصار - ده درس سرایش (سلفژ) بعلاوه پنج شماره سرود که ابتدای هر سال تحصیلی مخصوص این کلاس تعیین و ابلاغ می شود.

سال ششم (آیات منتخبه)

خواندن بعضی آیات با ترجمه فارسی.

شرعیات

اصول و فروع دین - احکام فرعیه - اقسام فروع دین - عبادات و حکمت آن - آداب پیشه (کسب) و تجارت - اقسام پیشه (کسب) و تجارت - بیع و شروط آن - اقسام بیع - خیارات - معاصی کبیره.

اخلاق

مواد سال پیش به اضافه معنی تکلیف و تعلق آن به شخص عاقل - تکالیف اجتماعی فداکاری در راه دین و شرف و میهن (وطن) - فرمان برداری از قوانین رعایت آزادی دیگران - انصاف - وفای به عهد - اهمیت قول و امضاء - ثبات رأی - زیان (ضرر) دو دلی و تردید - عیوب تکاهل و اهمال - قدر و قیمت زمان - دوری از بدان - معاشرت دانشمندان و نیکان - عزت نفس - مدافعه از حقوق - پاس شرف و آبرو و احترامات دیگران - دوری از چاپلوسی و دو بهم زنی.

فارسی

خواندن نظم و نثر ادبی با توجه به معانی لغات و فهم مقصود و مواد سال پیش قدری مفصل تر.

دستور زبان فارسی

اقسام کلمات از اسم و صفت و ضمیر و فعل و غیره با تمرینات کتبی و شفاهی تجزیه کلمات - اقسام کلمات - اقسام کلمات از اسم و صفت و کنایات و عدد و فعل و غیره - متعدی و لازم - وجوه و صیغ افعال زمانها - جعل و اجزاء آن - تمرینهای کتبی و شفاهی - تجزیه و ترکیب جمل و عبارات

تعلیمات مدنی

تعریف تعلیمات مدنی - ملت - حقوق ملت - اختیارات افراد - برابری در مقابل قانون حاکمیت ملت - اقسام حکومت‌های مختلف - میهن (وطن) و حفظ آن - حقوق و وظایف ملت در مقابل شاه و میهن (وطن) و افراد - نظام وظیفه - اساس دولت ایران تعریف قانون و لزوم اطاعت آن - اختیارات دولت - قوه مقننه و چگونگی آن به اختصار شرائط نمایندگی ملت - شرائط انتخاب کنندگان - کیفیت انتخاب - قوه مجریه - هیئت دولت - قوه قضائیه - دادگاهها (محاکم) - کیفیت اداری استانها (ایالات) و شهرستانها (ولایات) - فرماندار (حاکم) - بخشدار - دهبانان - مالیات و لزوم آن - ثبت اسناد و لزوم آن - ارتش (قشون) و نیروهای (قوی) مختلف - آمار (احصائیه) و ثبت احوال.

تبصره - راجع به تعلیمات مدنی باید جزوه حاوی مطالب برنامه (پروگرام) تهیه و به کتاب سال ششم ابتدایی افزوده شود.

علم‌الاشیاء

هوا و بادها - آب و اشکال آن - گردش (جریان) آب - تبخیر آب - ابر باران - برف - چشمه‌ها - رودخانه‌ها - دریا و سواحل - کوه‌های آتش‌فشان - میزان‌الحراره - میزان‌الهواء - حرارت و الکتریسیته به اختصار - ماشین بخار -

برق گیر - تلگراف - تلفن - فلزات و املاح معمولی از قبیل: نمک طعام - جوش شیرین - سولفات دو سود

بهداشت (حفظ الصحه)

قرائت: بهداشت (حفظ الصحه) امراض مسریه - احتیاط و پرهیز - میکروب‌های غیر مرئی - اجتناب و دفع حشرات موزیه از قبیل: کپک - ساس - شپش که اخیراً معلوم شده است اسباب سرایت و تولید بعضی از اقسام تب‌ها و حصه می‌شود - ممانعت از شستن لباس‌های مریض در آب‌های جاری بخصوص در سرچشمه و قنوات - لزوم جوشانیدن لباس‌های اشخاص مبتلا به امراض مسریه - آبله و آبله کوبی - مخملک و سرخجه - دیفتری - تب حصه - وباء - سل و غیره - آداب پرستاری بیماری (مریض) - پزشک (طیب) حاذق - لباس خادم بیمار (مریض) دوا - غذا - تعیین درجه حرارت بدن - سوختگی و اقسام آن گزیدن جانوران (حیوانات) موزیه: مار - عقرب - زنبور - و غیره - تب‌های نوبه پشه - معالجه غریق - بچه‌داری - تعیین اوقات برای شیر دادن به اطفال - ناخوشی اطفال در موقع بیرون آوردن دندان - منع از ترساندن بچه‌ها هنگام طفولیت - مفسد و مضار طبابت جاهلانه زنان.

تاریخ ایران

پادشاهان ایران پس از اسلام - صفاریان - سامانیان - غزنویان - دیلمیان - سلجوقیان - خوارزمشاهیان - اتابکان فارس و آذربایجان - استیلاء مغول و نتایج آن در ایران - استیلاء تیمور و سلسله گورکانی - انقراض گورکانیان در ایران - سلسله صفویه و خدمات آن‌ها به ملیت ایران با توجه خاص به سلطنت شاه اسمعیل و شاه عباس کبیر - سلسله افشار و زند با توجه خاص به نادر شاه و کریم‌خان زند - قاجاریه - روابط جدید ایران با سایر کشورها (ممالک) عالم - مقدمات انقلاب ایران و استقرار مشروطیت - جنگ بین‌المللی - انقراض قاجاریه.

جغرافیای ایران

جغرافیای طبیعی ایران - جغرافیای سیاسی ایران - جمعیت ایران - زبان ایران.
مذهب ایران - حکومت ایران - استان‌ها (ایالات) و شهرستان‌های (ولایات) ایران
جغرافیای اقتصادی ایران.

حساب

تکمیل مواد سال پیش - تناسب مرکب - ربح مفرد - حل مسائل ساده راجع
به تسهیم به نسبت و مشارکت و اختلاط و امتزاج - مسائل و تمرینات راجع به
کلیه مواد خوانده شده کتباً و شفاهاً و اعمال در اعداد مرکبه - مشق نگاهداری
حساب جمع و خرج ماهانه به طریق دفترداری در ضمن حل مسائل.

هندسه

تعریف و مساحت احجام عمده ذیل:

منشور - هرم - مخروط و کرده - مسائل و تمرینات کتبی و شفاهی

خیاطی و کارهای دستی

لباس‌های مذکور در برنامه (پروگرام) سال قبل را آموزگار باید روی تخته
بزرگ کند و دوختن آن‌ها را به اندازه خود شاگردان به آنان بیاموزد ولی برش
لباس‌ها باید به دست خود آموزگار باشد - بریدن و دوختن لباس رو (رب) -
بریدن از روی متر - لباس‌هایی که در کلاس پنجم فقط خیلی کوچک دوخته شده
در این کلاس باید به وسیله متر بزرگ کرده و طرز بریدن و دوختن آن‌ها آموخته
شود.

رسم و نقاشی

تکرار اعمال سال پیش

تعلیم خط

مطابق دستور مخصوص



ورزش

از روی برنامه (پروگرام) مخصوص

سرود

شناختن گام کوچک به طور اختصار - گام کرماتیک - نیم پرده‌های کرماتیک - و دیاتونیک - تهای هم‌آهنگ - فاصله‌ها خیلی به اختصار - ده درس سرایش سلفژ به علاوه پنج سرود مخصوص این کلاس که ابتدای هر سال تحصیلی تعیین و ابلاغ می‌شود.

جدول ساعات هفتگی مواد برنامه‌های سال پنجم و ششم ابتدائی دختران

سال ششم		سال پنجم	
عده ساعات	مواد	عده ساعات	مواد
۱	آیات منتخبه	۲	آیات منتخبه
۷	خواندن و نوشتن	۸	خواندن و نوشتن کتاب
۲	تاریخ ایران و دستور	۲	معارف
۲	زبان	۲	تاریخ ایران
۳	جغرافیا	۵	جغرافیا
۵	تعلیمات مدینه	۲	حساب و هندسه
۲	حساب و هندسه	۱	خیاطی و کارهای دستی
۱	خیاطی و کارهای دستی	۱	رسم و نقاشی
۱	رسم و نقاشی	۱	تعلیم خط
۱	تعلیم خط	۴	سرود
۴	سرود		ورزش
جمع: ۲۹ ساعت	ورزش	جمع: ۲۸ ساعت	

نهضت نسوان شرق

روز ۵شنبه ۲۶ آبان ماه ۱۳۱۱ در شماره ۳۹۵۵ - ص ۱ روزنامه ایران درباره کنگره نسوان شرق می خوانیم که در ساعت ۱۰ صبح روز چهارشنبه بنا به دعوت خانم تویا آزموده مدیره مدرسه متوسطه ناموس^۱ نمایندگان محترمه نسوان شرق به اتفاق جمعی از خانم های فاضله و مدیرات و معلمات و دیپلمه های مدارس متوسطه تهران و مخیرین جراید در مدرسه ناموس حضور بهم می رسانند و برنامه جلسه به وسیله خانم فخر عادل به اطلاع حضار می رسد.

نخست خانم شکوه نفیسی ناظم مدرسه ناموس خطابه ای غرا به زبان عربی ایراد می کند در این خطابه به زنانی که از کشورهای عربی آمده اند مصر، سوریه، عراق خوشامد می گوید این خطابه را خانم پروین آزموده به زبان فارسی ترجمه می کند. آنگاه خانم مهین اختر شهابی درباره آزادی زنان و مقایسه گذشته و حال زنان ایران سخن می گویند. چهارمین سخنران، بانو اختر شهابی در اطراف آزادی زنان و عدم لزوم کشف حجاب سخن می گوید خانم عدل الملک خلعتبری راجع به عفت می گوید. البته مهم ترین حد اشاره به تشکیل کنگره نسوان شرق این است که درباره گفتگوهایی که در این کنگره شده است داوری شود. من می خواهم از سال ۱۳۱۱ ش. بگویم دیپلمه های زن از سال ۱۳۰۷ تا ۱۳۱۱ از ۳۴۹ نفر تجاوز نمی کنند و هنوز دخترانی که در سال ۱۳۰۹ (فقط ۷ تن) به اروپا برای ادامه تحصیل رفته اند به ایران بازنگشته اند و کسانی که موقعیت زندگی شان به گونه ای بوده است که خود در خارج از ایران درس خوانده اند هنوز به ایران برنگشته اند تا مدارک تحصیلی آنان ارزیابی شود زیرا اولین گروه از این تحصیل کرده ها در سال ۱۳۱۲، مدارک

۱. سال ۱۳۰۷ - ۴۰ نفر ۱۳۰۸ - ۶۶ سال ۱۳۰۹ - ۴۸، سال ۱۳۱۰ - ۹۵، سال ۱۳۱۱ - ۱۲۰ نفر.

خود را برای ارزشیابی به شورای عالی معارف تقدیم کرده. بنابراین سال ۱۳۱۱ در سراسر کشور ایران فقط ۳۴۹ دیپلمه دختر داریم ناگفته نماند که اینان دیپلمه‌هایی هستند که فقط ۱۱ سال درس خوانده‌اند زیرا در این سال برابر آماري که در دست دارم فقط مدرسه دخترانه امریکایی‌ها دارای ۶ کلاس متوسطه است و فقط دبیرستان‌های ناموس - عفتیه اسلامی - مخدرات اسلامی - شمس‌المدارس - تربیت - فرانکوپرسان دوره دوم متوسطه را داشته‌اند آن هم فقط دو کلاس و دبیرستان‌های دیگر فقط یک یا دو کلاس داشته‌اند و آن همه مهم‌تر اینکه در تهران حتی یک متوسطه دولتی در این زمان نداشته‌ایم. اکنون می‌توان به اهمیت شأن مدیران مدارس در این کنگره پی برد. زنانی که در این کنگره سخن می‌گویند در دوره‌ای عهده‌دار تعلیم و تربیت هستند که هنوز مقدمات راه‌یافتن دختران ایرانی برای ورود به دوره عالی فراهم نشده است بنابراین ما بدون اظهار نظر و فقط به نقل قسمت‌هایی از این سخنرانی‌ها می‌پردازیم تا ببینیم: این زنان آگاه و روشن‌بین چه نگاهی به زن، آزادی، تحصیل زن و کار زن داشته‌اند.

چون در نزد اهل بصیریت و دانش مسلم شده است که خواستن کوشیدن است این است که امروز که از ایام تاریخی نهضت زنان شرقی محسوب می‌شود ما همه گرد هم آمده‌ایم تا آنچه را که می‌خواهیم بگوئیم و برای تحصیل آنچه که داریم بکوشیم.

بهترین نکته‌ای که برای پیشرفت ما لازم است و تغییرات عمده به وضع و حالت کنونی ما تواند داد اسلوب صحیح تعلیم و تربیت و تساوی بین زن و مرد در کلیه مدارس و تحصیلات عالی است. جوانان یک ملت هر چند تربیت شوند تا روزی که دوشیزگان آن ملت تربیت نشده‌اند نتیجه و حاصلی از تربیت خود نمی‌برند. بلکه اساساً تربیت جوانان بدون تربیت دختران ممکن نیست چه آنکه اولاً مهم‌ترین دوره تربیت طفل آغوش مادر و اولین مدرسه اخلاقی او کانون خانواده است بنابراین اگر دختران امروز که مادران فردا هستند تربیت نشوند اطفالی بی‌تربیت و پست و ناقص به بار خواهند آورد. و جوانانی سست و زیبون تقدیم جامعه خواهند کرد. / ص ۸۸ - ۸۹ نهضت نسوان شرق

ثانیاً اگر دختران تربیت شده نباشند جوانان چون تحصیلاتی کردند و ترقیات متحیر و شایان تقدیر ملل دیگر را دیدند با دختران بی علم و تربیت شده مزاجت و مواصلت نخواهند کرد و البته تصدیق می فرمایند که حق با آن هاست که می روند و از اجانب دختر می گیرند ولی خود در ضمن عاقل هستند که اگر زن بیگانه وارد خانواده می شود اساس ایمان و وطن پرستی و اخلاق ملی آن خانواده را متزلزل می کند. / ص ۸۸

به عبارت اخری نقصی که زن در این مرحله دارد. باید مرتفع شود و حقوق حقه طبیعی او به وی مسترد گردد یعنی هر یک از امور مدنی، اقتصادی، اجتماعی، سیاسی زن به سهم خود حق شرکت داشته باشد لااقل یک زن فهمیده باسواد بتواند به اندازه یک مرد بی سواد و بی دانش از آزادی و حقوق خود کامیاب گردد. / ص ۸۸

برای نیل به مقصود و طی مراحل ترقی، نسوان ایران باید نکات ذیل را بخوانند و بکوشند که هر چه زودتر به مراعات آن موفق شوند.

۱- اصلاح پروگرام فعلی معارف ۲- تساوی تعلیم و تربیت دختران و پسران در کلیه مدارس عالی ۳- تأسیس مدارس اکابر در تهران و ولایات برای تعلیم علوم زندگی، حفظالصحه فامیلی و تربیت اطفال، جمعیت نسوان وطن خواه
برای اجرای این منظور کوشیده مدتی است که مدرسه اکابر برای خانم های تهران تأسیس کرده است ولی البته این یک مدرسه مقصود ما را تأمین نمی کند و باید صدها قبیل از این مدارس تأسیس شود.

۴- تشکیل باغچه های اطفال یا کودکستان مطابق طریقه های مونت سوری ایتالیایی برای تربیت اولیه کودکان

۵- روانه داشتن عده ای از دختران به خارج برای کسب اصول لازمه تعلیم و تربیت این پنج شرط مثل پنج انگشت برای دست اجتماع لازم و ضروری است و تا موقعی که این پنج شرط عملی نشده است وضع اجتماع ما حکم همان دست بی انگشت را دارد و مثمرتری نیست. / ص ۹۰ - نسوان شرق.

آنچه به اختصار نقل شد از سخنان فاطمه خانم انصاری بود. اما درباره حفظالصحه خانم رخشان گفته که:

«بنده خود مدتی مدیره بعضی مدارس بوده‌ام و آنچه که به تجربه دریافته‌ام این است که یکی از نقایص مدارس ما ضعف تربیت اخلاقی در مدارس و عدم توجه» آن است و حال آنکه اصلاح اخلاق طفل در مرحله اول اهمیت است خلاصه آنکه در مدارس ما زیاد به اخلاق محصل و محصله و ناظم و معلمه توجه نمی‌شود یکی دیگر از نقایص قسمت حفظ‌الصحه است که کمتر مورد توجه مدارس است من خود وقتی مدیر مدرسه ملایر بودم می‌خواستم حفظ‌الصحه درس بدهم رئیس معارف به من گفت: چرا وقت شاگردها را تلف می‌کنید.

استعمال الکحل که در غرب عمومیت دارد در مذهب شرعی حرام و کاملاً مذموم است آیا باده‌نوشان جز بد اخلاقی و از دست دادن مزایای شرافتی و ترک گفتن صحت هیچ ثمره دیگری می‌برند؟ ما دوشیزگان ایرانی تشکرات خود را به خانم‌های محترمه تقدیم و ضمناً این نکته را خاطر نشان می‌نمایم که استفاده ما شرقی‌ها از تمدن غرب باید فقط از هنر و معلومات آن‌ها باشد چه روحیات و اخلاق و عواطف و احساسات شرقی قابل احترام و ستایش است و چیزی کسر و نقصان ندارد. راستی، درستی، امانت، محبت حقیقی به خانواده در شرق کاملاً حکمفرماست بنابراین بهتر است که مزایای اخلاقی خود را محفوظ داشته و علوم و صنایع غرب را هم بر آن بیفزاییم آن وقت است که ما شرقی‌ها با نهایت سربلندی و افتخار می‌توانیم ادعا کنیم که بهترین مرام انسانیت را دارا بوده و اول تمدن دنیای حاضر هستیم. (تاج احمد احمدی)

اینک این بنده که در مقاصد و آرزوی بانوان شریک و سهیم است بی‌پرده عرض می‌نماید که ما میل داریم حقوقمان محفوظ بماند و همان‌طوری که مردها نمی‌توانند تحمل نمایند دست‌گیری به دامان عفت همسرشان برسد ما هم مایل نیستیم دست همسرمان به دامان‌گیری برسد زنان می‌خواهند دستخوش اغراض و بازیچه‌ها و هوس مردان نباشند و مردان بر اثر شهوت‌پرستی دیگری را بر آن‌ها نگزینند یا به کلمه منحوسه (طلاق) که از زندگانی چندین ساله‌شان که با چه خون دل و رنج فراوان مرتب کرده و محروم‌شان ندارند که به حکم ناچاری از دامنی به دامنی انتقال یابند.

حقوق زنان به دست پاره‌ای مردان تا این درجه پامال شده که از حدود شرع و فرمان خدا تجاوز نموده، مثنی ثلاث و رباع را آویزه گوش و این خفتم الا تعدلو را فراموش کرده.

زنها می‌خواهند دارای همسران صالحی باشند که در کنف حمایت و تحت تربیت آنها روزگاری به ترقی و آسایش گذرانیده آنچه آتیه خود و شوهران خود را تأمین نمایند زیرا زنها با عقبه بر مردها معتقدند و در امور زندگانی مشرق و بندر نیستند نه اینکه مردان زنها را امر به پرده‌نشینی کرده، خودشان راه و روش پرده دری را پیش گرفته، حاصل ایام جوانی و نتیجه دسترنج خویش را صرف هوا و هوس نفسانی نموده و عائله‌ای را به پرتگاه افلاس و نیستی شدن سوق دهند. / ص

۹۵

تغییر نام موسسه یا آموزشگاه‌های معارف در سال ۱۳۱۲ ش

به موجب تبصره ماده اول قانون تربیت معلم مصوب ۱۹ اسفند ۱۳۱۲ اصطلاحات زیر برای مؤسسه‌های معارف وضع شده است:

- ۱- مدرسه ابتدایی - دبستان
- ۲- معلم مدرسه ابتدایی - آموزگار
- ۳- مدرسه متوسطه - دبیرستان
- ۴- معلم مدرسه متوسطه - دبیر
- ۵- مدرسه صنعتی - هنرستان
- ۶- معلم مدرسه صنعتی - هنرآموز
- ۷- دارالفنون (اونیورسیتته) - دانشگاه
- ۸- هر یک از رشته‌های دانشگاه - دانشکده
- ۹- معلم دانشگاه - استاد
- ۱۰- معاون معلم دانشگاه - دانشیار
- ۱۱- مدرسه تربیت معلم - دانشسرا

تبرستان

www.tabarestan.info

شورای عالی معارف - شورای عالی فرهنگ

در ۲۰ اسفند ۱۳۰۱ قانونی به تصویب رسید در این قانون تشکیلات و وظایف و اختیارات شورای عالی معارف تعیین می‌شد. به موجب این قانون اعضای رسمی شورا ده نفر تعیین شدند.

۱- یک نفر از روسای مدارس عالی

۲- یک نفر از استادان

۳- یک نفر از روسای دبیرستان

۴- یک نفر از دبیران

۵- یک نفر از مجتهدان جامع‌الشرایط

۶- ۵ نفر از دانشمندان

به موجب این قانون شورا می‌تواند ده نفر عضو افتخاری نیز داشته باشد. تصمیماتی که شورای عالی معارف می‌گیرد حکم قانون دارد و باید اجرا شود. یکی از این مصوبات: ارزش دیپلم اشخاص را که در خارج تحصیل کرده‌اند معین می‌کند.

در سال ۱۳۱۲ شورای عالی معارف، به دانش‌نامه‌های ۸ نفر از کسانی که در خارج تحصیل کرده بودند رسیدگی کرد.

۱- خانم صفیه رفعت محل تحصیل مسکو، رشته طب، ارزش نوشتنامه دکتر طب، در تاریخ ۲۹ آذر ۱۳۱۲ تصویب شد.

۲- خانم ملوک اکبرزاده شیروانی، محل تحصیل مسکو، رشته مامایی، مامایی در زایمان طبیعی، در تاریخ ۲۹ آذر ۱۳۱۲ تصویب شد.

۳- فروغ‌الزمان دولت‌آبادی، محل تحصیل بروکسل، رشته تعلیم و تربیت، معادل لیسانس، در تاریخ ۲۹ آذر ۱۳۱۲ تصویب شد.

- ۴- شمس النهار خانم مجازی، محل تحصیل بیروت، رشته مامایی، ماما در زایمان طبیعی، در تاریخ ۲۷ دی ماه ۱۳۱۲ تصویب شد.
- ۵- خانم فاطمه رضازاده سیاح، محل تحصیل روسیه، رشته علوم اجتماعی، عالی، در تاریخ ۲۵ بهمن ۱۳۱۲ تصویب شد.
- ۶- آدلانیدکیب، محل تحصیل کالیفرنیا، رشته طب، دکتر طب، در تاریخ ۲۵ بهمن ۱۳۱۲ تصویب شد.
- ۷- خانم مازنی انزیو، محل تحصیل پاریس، رشته قابلگی، مامای درجه ۱ زایمان طبیعی، در تاریخ ۱۶ اسفند ۱۳۱۲ تصویب شد.
- ۸- امیلی نوارث آیدین، محل تحصیل لندن، اجازه افتتاح آموزشگاه ابتدایی و متوسطه به مدیریت مشارالیها

در سال ۱۳۱۳ ش. به وسیله شورای عالی معارف این دانشنامه‌ها به تصویب رسید:

- ۱- شوشانیک گریگویان، بیروت، مامایی، ماما در زایمان طبیعی، ۱۲ اردیبهشت ۱۳۱۳ ش.
- ۲- قدسیه پاهر، پاریس، مامایی، ماما در زایمان طبیعی، ۳۰ خرداد ۱۳۱۳
- ۳- صدیق‌الملک بهین، بروکسل، مامایی، ماما در زایمان طبیعی، ۶ تیرماه ۱۳۱۳
- ۴- اسماعیل جلایر، دانشگاه تولوز، زبان فرانسه می‌تواند در دبیرستان‌های دخترانه تدریس کند، ۶ تیرماه ۱۳۱۴
- ۵- بی‌بی نصر، بلژیک، دندانساز، دندانساز شناخته شده، ۳ مرداد ۱۳۱۳
- ۶- ودیعه فرخ‌زاد، بیروت، مامایی، ماما در زایمان طبیعی، ۱۳ شهریور ۱۳۱۰
- ۷- امیلی ییلی، بیروت، طب، باکالوار به طب شناخته شده، ۱۳۱۳/۸/۱
- ۸- طیبه میردامادی، نیویورک، علوم، معادل لیسانس، ۱۳۱۳/۸/۱
- ۹- مادلین گاس، پاریس، علوم طبیعی، معادل لیسانس، ۱۳۱۳/۸/۱
- ۱۰- فرخنده فرخ‌زاده، فرانسه، مامایی، پرستار در زایمان، ۱۳۱۳/۸/۱
- ۱۱- توران هژیر، بیروت، معادل با تحصیلات دانشسرای مقدماتی دختران شناخته شده، ۱۳۱۳/۸/۱

۱۲- نایتین گل، سانترال میردولف بوره. قابلیتگی، ماما در زایمان طبیعی، ۶ آذر

۱۳۱۳

۱۳- وراء شیدایی، نفیس، مامایی، ماما در زایمان طبیعی، ۱۶ بهمن ۱۳۱۳

۱۴- ناهید شاهرخ، بلژیک، باستان‌شناسی، لیسانس، ۶ دی ماه ۱۳۱۳

۱۵- آلیس ورندر، انگلیس، مامایی، در زایمان طبیعی، ۱۶ بهمن ۱۳۱۳

۱۶- خدیجه کشاورز، تولوز، حقوق، دکتر در علم حقوق، ۱۴ اسفند ۱۳۱۳

۱۷- طاهره امامی، لوزان، ادبیات فرانسه، لیسانس، ۱۴ اسفند ۱۳۱۳

۱۸- شورا معصومه نیکه سکویایی، مسکو، تصویب شد وارد مدرسه مامایی

شده، ۱۴ اسفند ۱۳۱۳

در سال ۱۳۱۴

۱- خانم ریموند ماری رحیمی، پاریس، مامایی، ماما در زایمان طبیعی، ۱۸

آذر ۱۳۱۴

۲- فروغ‌الزمان پیروزبخت، بیروت، مامایی، ماما در زایمان طبیعی شناخته

شده، ۱۸ آذر ۱۳۱۴ ش

۳- جلالیه اجزایی، بیروت، مامایی، ماما در زایمان طبیعی، ۷ بهمن ۱۳۱۴ ش

سال ۱۳۱۵

۱- ماکارت میچل، بیرمنگام، طب، دکتر در طب شناخته شده، ۱۳۱۵/۲/۱۱

۲- مستور متمدن، بیروت، ادبیات، معادل لیسانس، ۱۳۱۵/۵/۲۵

۳- ارنی اوفانیاس، پاریس، طب، دکتر در طب، ۱۳۱۵/۶/۲۴

۴- رز فرانسوا شیبانی، پاریس، علوم، معادل لیسانس ۱۳۱۵/۷/۷

۵- فاطمه مسعود انصاری، برلن، متوسطه، دوره کامل متوسطه، ۱۳۱۵/۷/۷

۶- جمیله مهتاب، استانبول، مامایی، مامایی در زایمان طبیعی، ۱۲ آبان ۱۳۱۵

۷- بدری تیمورتاش، بلژیک، دندان‌سازی، معادل دوره کامل متوسطه و

دندانساز، ۱۳ مرداد ۱۳۱۵

۸- طاهره دیمباد، هندوستان، ادبیات، عالی شناخته شده، ۱۸ اسفند ۱۳۱۵

۹- تمارا، مارکف، بلژیک، فلاحت عمومی، عالی شناخته شده، ۱۸ اسفند

۱۳۱۵

درجات مدارس

به نوشته دکتر عیسی صدیق، درجات تعلیم (آموزش) از لحاظ مدارج تحصیلی مطابق ماده ۱۵ قانون اساسی معارف به چهار درجه تقسیم می‌شود:

۱- مدارس ابتدایی دهکده ۲- مدارس ابتدایی شهری ۳- مدارس متوسطه ۴- عالی و کودکانها که در قانون منظور نشده است.

مدارس دهکده و شهر فقط از حیث سال‌های تحصیلی با هم اختلاف دارند - در دهات دوره تحصیلی چهار سال در شهرها ۶ سال است. تعلیمات ابتدایی برای تمام افراد کشور یکی است و تمام طبقات از اعیان و اشراف و متوسطین و غیره نیز در دبستان‌های مشابه تحصیل می‌کنند. دوره دبیرستان‌های پسران ۶ سال است و دختران ۵ سال است. اما درباره کودکانها به نوشته عیسی صدیق:

علت اینکه اسمی از کودکانها در قانون اساسی معارف برده نشده است شاید این باشد که مردم عموماً مؤسساتی را که در آن درس داده نشود و با کتاب سروکار نداشته باشند مدرسه نمی‌دانند مع‌ذلک از سال ۱۲۹۷ که معارف جدید توسعه حاصل کرد عده‌ای در شهرهای بزرگ به تأسیس کودکانها اقدام کردند دولت در سال ۱۳۱۲ یک باب کودکانها در تهران تأسیس کرده اما آئین‌نامه کودکانها در ۱۶ آبان ۱۳۱۲ ش. به تصویب شورای عالی فرهنگ رسید.

آئین‌نامه دبستانها

تصویب شده شورای عالی فرهنگ در ۸ آبان ۱۳۱۳ ش

ماده اول: مدیر دبستان در امور مربوط به اداره دبستان و تعلیم و تربیت شاگردان مسئول وزارت معارف است.

ماده دوم: دستورات لازمه را مدیر دبستان از اداره مربوطه خواهد گرفت.

ماده سوم: وظایف مدیر دبستان

۱- اجرای برنامه رسمی تحصیلات و نظام‌نامه‌ها و مقررات وزارتی



- ۲- دادن هرگونه اطلاع و توضیحی که از طرف اداره معارف و بازرسان معارفی خواسته می‌شود و ارسال گزارش منظم ماهیانه از جریان امور دبستان و نتیجه امتحانات بر کلاس در آخر سال تحصیلی.
 - ۳- تنظیم امور حسابداری
 - ۴- حضور در دبستان لااقل نیم ساعت قبل از شروع مدارس و عدم خروج از آن مادام که تمام شاگردان خارج نشده‌اند اداره کردن کلاس در صورت غیبت آموزگار
 - تبصره ۱: مراقب احوال شاگردان مادام که در دبستان هستند به عهده مدیر یا یکی از کارکنان دبستان است که از طرف او تعیین شده باشد.
 - تبصره ۲: مدیر دبستان در ساعات کار حق آمدن به وزارت معارف در مرکز یا اداره معارف در ولایات نخواهد داشت مگر آنکه قبلاً اجازه خواسته یا احضار شده باشد در هر حال در موقع غیبت باید یکی از آموزگاران را به جای خود بگمارد.
 - ۵- تنظیم جدول ساعات درس و ابلاغ آن به آموزگاران و شاگردان تا پانزدهم شهریور و ارسال یک نسخه از آن به اداره مربوطه.
 - ۶- حفظ مهارت و اثاثیه دبستان و مراقبت در اینکه برای منظور دیگری به کار نرود مگر به اجازه اداره مربوطه.
 - ۷- قید حضور و غیاب آموزگاران در دفتر مخصوص و تحصیل اطلاع به طور منظم از علت غیبت شاگردان از اولیای آنها.
 - ۸- مراقبت کامل در نظافت و بهداشت و تربیت بدنی شاگردان و پذیرفتن بیش از ۳۵ نفر شاگرد در هر کلاس.
 - ۹- تشکیل شورای آموزگاران با رعایت مواد ۲۳- ۲۷- ۳۳
 - ۱۰- مفتوح داشتن دفتر دبستان در مدت تابستان دو روز در هفته پیش از ظهر
 - ۱۱- رسیدگی ماهیانه به کتب و لوازم تحصیلی شاگردان
 - ۱۲- تنظیم کارنامه بر طبق دستورات و ارسال آن برای اولیا شاگردان.
- وظایف آموزگار: ماده چهار آموزگار در کلیه امور مربوط به دبستان مسؤول مدیر است و دستورات لازمه را از او می‌گیرد.

ماده پنجم: وظایف آموزگار از این قرار است.

- ۱- اجرای برنامه رسمی تحصیلات و دستورهایی که از طرف مدیر دبستان راجع به تعلیم و تربیت شاگردان داده می‌شود.
 - ۲- حضور مرتب در ساعات دروس خود و امضاء دفتر مخصوص در موقع ورود و خروج والا ساعات تدریس نبودن امضاء به منزله غیبت محسوب می‌شود.
 - ۳- تعیین حاضر و غایب شاگردان به محض ورود به کلاس و قید آن در دفتر
 - ۴- ورود به کلاس قبل از شاگردان و خروج بعد از آنها.
 - ۵- مطلع داشتن مدیر دبستان در مواردی که از شاگردان کاری مختل نظم دبستان یا مخالف اخلاق و تربیت مشاهده نماید.
 - ۶- مراقبت در نظافت و بهداشت شاگردان در کلاس و دادن گزارش‌های لازم به مدیر دبستان.
 - ۷- دادن صورتی از محصلین ضعیف کلاس در هر دو ماه یک مرتبه با ذکر نظریه خود به مدیر دبستان تا از طرف او اقدام در رفع نقائص شاگردان مزبور بشود.
 - ۸- قید خلاصه درسی که داده شده است در دفتر کلاس.
 - ۹- دقت کامل در دادن نمره‌ها و قید آن در دفتر کلاس - نمرات باید از روی استحقاق و حقانیت داده شود و پس از قید در دفتر قابل تجدیدنظر نخواهد بود.
 - ۱۰- در صورتی که لااقل دو ثلث عده کلاس در امتحان پذیرفته نشوند آموزگار مسؤول است و تشخیص درجه مسؤولیت او با اداره مربوطه می‌باشد.
 - ۱۱- کارکنان دبستان غیر از ایام تعطیل تابستان به هیچ وجه حق مرخصی ندارند مگر آن که مریض باشند و یا عذر موجه قوی داشته باشند که در این صورت ممکن است فقط تا یک ماه با استفاده از حقوق از مرخصی استفاده نمایند مشروط بر اینکه مدیر جانشین واحد شرایط به مدیر معرفی کند و صلاحیت جانشین را ادارات مربوط تصویب نمایند و اگر مرخصی از یک ماه تجاوز نماید اداره معارف می‌تواند معلم دیگری را به جای او استخدام کند.
- تبصره - تشخیص عذر موجه با اداره معارف مربوط است.



۱۲- آموزگار حق تنبیه و اخراج شاگرد را از کلاس ندارد. هرگاه عملی از شاگرد برخلاف نظم و ترتیب دیده شود باید به مدیر گزارش کند. در ۲۱ فروردین ۱۳۱۱ به شماره ۵۰۹-۱۲۲۰ بخشنامه‌ای صادر می‌شود که ساعات کار مدارس دخترانه را به شرح زیر تعیین می‌کند.

قبل از ظهر

از اول شهریور تا آخر آبان ماه چهار ساعت و ربع کم قبل از ظهر تا یک ربع بعدازظهر

بعدازظهر

دو ساعت و ربع کم بعدازظهر تا چهار بعدازظهر
از اول آذر تا آخر اسفند:

سه ساعت و نیم قبل از ظهر تا ظهر

بعدازظهر یک ساعت و نیم بعدازظهر تا چهار و ربع کم

از اول فروردین ماه تا ۱۵ خرداد

صبح: چهار ساعت قبل از ظهر تا نیم ساعت قبل از ظهر

عصر: دو ساعت و ربع کم بعدازظهر تا چهار ساعت بعدازظهر

نیمه آخر خرداد و تیرماه

۵ ساعت قبل از ظهر تا نیم ساعت قبل از ظهر

شهریور

چهار ساعت درس و سه ربع صبح‌ها بعدازظهر تعطیل

ساعات کار در ماه رمضان به موجب متحدالجمال جداگانه به مدارس ابلاغ می‌شود.

به نقل از سالنامه ۱۳۰۹ - ۱۳۱۰، ص ۴۸

تبرستان

www.tabarestan.info

ماجرای کشف حجاب

ساده‌اندیشی است که روز ۱۷ دی‌ماه ۱۳۱۴ ش را که دستور کشف حجاب داده شد گامی به سوی آزادی و حقوق زن بدانیم زیرا در این روز به زنان ایرانی گفتند که چادر سر نکنید، روسری خود را بردارید، آزاد یا روی باز، موی رها به کوچه و بازار بیایید. حتی این عبارت را هم نگفتند که زنان در انتخاب پوشش آزادند. سخن از آزادی نبود سخن از دستور بود، تعیین تکلیف و این چیزی نبود که زنان آگاه آن دوره می‌خواستند متأسفانه برخی از ستایشگران برای خوشایند طراحان کشف حجاب نام بسیاری از مدرسه‌های دخترانه را نیز ۱۷ دی گذاشتند و چنین وانمود کردند که با برداشتن چادر زنان به آرزوی خود رسیده‌اند و حقوق از دست رفته خود را در طی قرن‌ها بازیافته‌اند. در حالی که زن همچنان دچار ستمی بود که قانون برای وی تعیین می‌کرد.

ماده ۱۱۱۷ قانون مدنی تصریح داشت که شوهر می‌تواند زن خود را از حرفه یا صنفی که منافی مصالح خانوادگی یا حیثیات خود یا زن باشد منع کند، زن در این زمان حق رأی دادن نداشت او نه حق انتخاب شدن داشت و نه حق انتخاب کردن زیرا ماده ۱۱۱۷ قانون مدنی به مرد اجازه می‌داد که یک تا چهار زن بگیرد و... پاسبان‌ها دستور داشتند تا در کوی و برزن چادر را از سر زنان بردارند. حرمت آنان را زیر سؤال ببرند و قانون مدنی ۳ ماده ۱۱۶۹ آن، نگهداری فرزند دختر را تا ۷ سال حق مادر می‌دانست و پسر را تا دو سال و بعد از آن حق پدر بود که حضانت فرزند را به مادر بدهد یا نه؟ شگفت‌تر از این که ماده ۱۱۳۳ قانون مدنی به مرد اجازه می‌داد هر زمان که اراده کند زوجه خود را طلاق دهد حتی غیابی و بی‌حضور وی، باید دانست که زنان در کنگره زنان شرق به این مسائل پرداختند و درباره آن سخن گفتند که مربوط به حقوق زنان بود. آنان نمی‌خواستند همسرشان

دو زن داشته باشد ایرادی که به هوو می گرفتند نشان علاقه به زندگی مشترکشان بود آنان حتی در این باره هم تند روی نداشتند و این شعر خوانده شد که:

زنان گویند اگر مردی دو زن گیرد ستم باشد شب و روز از برای خود بلای جان و تن دارد
چرا زن شوهری گیرد که جز او همسری دارد خدا را، این بلا را زن برای خویشتن دارد
اگر خواهد که این روز سیه آید به سر باید زن دانا نگرده همسر مردی، که زن دارد

دانایی، سوادآموزی، بهداشت را برای زنان می خواستند و اینکه تحقیر نشوند
آنان کوشش می کردند که به زنان بیاموزند که هویت ایرانی خود را به عنوان یک
زن مسلمان حفظ کنند: از این روست که گویند:

کم تر زنی است که در خانه بی کار باشد آیا ناخن بلند که امروز کاملاً در
غرب پسندیده در شرق جز مخالفت با صحت و بیکارکردن خانمها، ثمره و
نتیجه ای دارد. آیا توالد زیاد و استعمال پودر و ماتیک و عطر و غیره جز تضييع
وقت زن و مخارج گزاف هیچ ثمری می بخشد؟ مثلاً دانس و رقص که حتی در
غرب هم بین خانواده های محترم مطلوب نیست آیا برای اخلاق زن های ایرانی
پسندیده است؟ ممکن است در عوض آموختن رقص، ماشین نویسی را بیاموزند که
هنری است قابل تقدیس برای زندگانی؟

بدیهی است که کشف حجاب چیزی نبود که زنان درس خوانده ما
می خواستند. پروین اعتصامی که می گوید:

کس چو زن اندر سیاهی قرن ها منزل نکرد کس چو زن در معبد سالوس قربانی نبود
از خود آرایی زنان خرسند نیست و دردمندانه می سراید که:

از زر و زیور چه سود؟ آنجا که نادان است زن زیور و زر پرده پوش عیب نادانی نبود
عیبها را جامه پرهیز پوشانده است و بس جامه حجب و حیا بهتر ز عریانی نبود
و اوست که می گوید:

نه بانوست که خود را بزرگ می شمرد به گوشواره در و به یاره مرجان
برای گردن و دست نکو پروین سزاست گوهر دانش نه گوهر الوان

در حقیقت، کشف حجاب، تا مدتی توانست خودباوری زن ایرانی را به تأخیر
بیاندازد و آنان که فریب ظاهر را می خوردند کشف حجاب را نشانه تمدن



می‌دانستند و آزادی زن، در حالی که پس از قانون حمایت خانواده هم باز زن از حقوق ساده و ابتدایی خود محروم بود چنانکه در ماده ۱۶ بند سوم قانون حمایت تصریح شده بود که:

هرگاه زن به عللی از شوهر تمکین نکند مرد می‌تواند همسر دوم اختیار کند و براساس بند ششم این ماده هرگاه زنی عقیم باشد همسر می‌تواند زن دیگر اختیار کند.

از این جهت که بگذریم که جا دارد صاحب‌نظران این مسأله را بررسی کنند - از سال ۱۳۱۴ از لحاظ آموزشی امکان دسترسی دختران به دبیرستان، دبیرستان و دانشگاه زیاد شد.

از سال ۱۳۱۴ به بعد

در سال ۱۳۱۴ فرهنگستان ایران کار خود را آغاز کرد. کار فرهنگستان اصلاح زبان و ادبیات فارسی بود. بسیاری از شهرها و روستاها که در اثر مرور زمان نام‌های دیگر یافته بودند با توجه به تاریخ و پیشینه آن شهرها نام واقعی آنان پیشنهاد شد و نتیجه کار فرهنگستان، در سال ۱۳۱۶ منتشر شد. در آمار حوزه‌های معارفی آن سال بسیاری از نام‌هایی که به وسیله فرهنگستان انتخاب شده است لحاظ شده است. مانند:

۱- آبادان نام فارسی شهری و جزیره‌ای است در دهانه کارون که کارخانه‌های تصفیه نفت در آن ساخته شده است و آن را (عبادان) می‌نامیدند.

۲- اراک به جای عراق و نام ایستگاه شماره ۱۹ راه آهن که بیشتر (سلطان آباد عراق) گفته می‌شد. در تاریخ مدارس اراک تصویری از دختران اراک را داریم که در زیرنویس آن به جای اراک، عراق نوشته شده است.

۳- بهشهر در مازندران به جای اشرف

۴- مهاباد به جای «ساوجبلاغ مگری»

۵- تهران «در نوشتن ط» نوشته می‌شد هم «ت» فرهنگستان بر آن شد تا تهران فقط با «ت» نوشته شود زیرا تهران واژه‌ای فارسی است.

۶- شادگان نام کهن شهری است در خوزستان که مدتی آن را فلاحیه

می‌گفتند.

- ۷- «شاهین دژ» به جای صائین قلعه در آذربایجان غربی
- ۸- گرمسار به جای قشلاق خوار
- ۹- پیشوا به جای امامزاده جعفر ورامین
- ۱۰- به جای خفاجیه «سوسن گرد»
- ۱۱- به جای محمره «خرمشهر»
- ۱۲- به جای بنی طرف «دشت میشان»

کانون بانوان

در سال ۱۳۱۴ برای توسعه و پرورش بانوان، کانون بانوان تأسیس شد این کانون در سال ۱۳۱۶ و ۱۳۱۷ خدماتی به زنان ایران ارائه داد.

سازمان کانون

کانون بانوان دارای ۵ انجمن بود به شرح زیر:

- ۱- انجمن ادبی ۲- انجمن خیریه ۳- انجمن ورزش ۴- انجمن تشویق به
- سادگی ۵- انجمن نمایش

بهداری آموزشگاهها

روز ۲۲ بهمن ماه در سال ۱۳۱۴ «اداره صحنه مدارس» در ساختمانی که به همین منظور در کنار مدرسه دارالفنون ساخته بودند افتتاح شد. این اداره که بعدها به نام بهداری آموزشگاهها تغییر نام داد کارش رسیدگی به بیماری و درمان دانش آموزان، دبیران، کارکنان مدارس وزارت معارف و بهداشت مدارس بود.

بخش‌های تخصصی این اداره بدین گونه بود:

- ۱- بیماری‌های عمومی ۲- چشم پزشکی ۳- بیماری‌های گوش و حلق و بینی
 - ۴- دندانسازی ۵- اشعه مجهول برای درمان کچلی.
- هر مدرسه‌ای چه ابتدایی چه متوسطه هر یک ماه، یک بار به وسیله پزشکان بهداری آموزشگاه معاینه می‌شد این پزشکان درباره بهداشت مدرسه، تهیه آب خوراکی، پاکیزگی کلاس‌ها، دستوره‌های لازم را می‌دادند.

تحصیل دختران در مدارس عالی

در سال ۱۳۱۴، برای اولین بار تعدادی از دختران اجازه یافتند تا در دانشسرای عالی ادامه تحصیل دهند.

خلاصه مقررات راجع به خانم‌ها

تصویب شده شورای عالی معارف در تاریخ سی دی ماه ۱۳۱۴ و ۲۷ مرداد ماه ۱۳۱۵ خانم‌هایی که دارای گواهی‌نامه دوره دوم متوسطه نسوان بوده و مایل به ورود به دانشسرای عالی باشند باید مدت یک سال در کلاس (علمی یا ادبی) به تحصیل پردازند و چنانچه در امتحان توفیق پیدا کردند به دانشسرای عالی وارد شوند و از حیث سپردن تعهدنامه و تادیه شهریه و امتحانات تابع مقرراتی خواهند بود که نسبت به پسران معمول می‌باشد. به علاوه به موجب ماده مصوب در سیصدوسومین جلسه شورای عالی معارف (سه‌شنبه ۲۷ مرداد ۱۳۱۵)

اولاً خانم‌هایی که در کلاس مخصوص به تحصیل اشتغال دارند در صورتی که داوطلب شغل معلمی باشند و برای این منظور تعهدنامه کتبی بسپارند از پرداخت شهریه معاف خواهند بود.

ثانیاً محصلانی که داوطلب شغل معلمی نباشند و تعهد نمایند بایستی مطابق نظام‌نامه شهریه مدارس عالی مبلغی ماهیانه (بیست ریال) پردازند.

موادی که در کلاس مخصوص علمی تدریس می‌شود. عبارت است از ریاضی، فیزیک یا شیمی، علوم طبیعی و زبان خارجه.

در کلاس مخصوص ادبی فارسی، عربی، زبان خارجه، فلسفه و تاریخ ایران آموخته می‌شود امتحانات کلاس‌های مخصوص بر طبق نظام‌نامه و مقررات امتحانات دانشسرای عالی صورت می‌گیرد.

دختران و مدارس عالی

گرچه اولین فارغ‌التحصیلان دبیرستان‌های ایران در خردادماه ۱۳۰۷ به ۴۰ نفر رسیدند اما تا سال ۱۳۱۴ که ۲۱۱ نفر به دریافت دیپلم نایل گردیدند، هیچ یک از دختران به مدارس عالی راه نیافته بودند اما در همین سال تعداد ۳۰ نفر از دخترانی که در پاریس و بیروت تحصیل کرده بودند مدارکشان در شورای عالی فرهنگ مورد تأیید قرار گرفته بود یکی از اینان خانم فروغ‌الزمان پروزیخت بود که در بیروت رشته مامایی خوانده بود. به هر حال برابر نظامنامه‌ای که در شورای عالی فرهنگ به تصویب رسید عده‌ای از بانوان با دادن امتحان کتبی در دانشکده ادبیات و دانشکده علوم پذیرفته شدند.

در سال ۱۳۱۴ بین ۱۹ نفر داوطلب ۱۲ نفر از عهده امتحانات مقرر برآمده، وارد دانشکده ادبیات گردیدند. و کسانی که امتحان ندادند در کلاسی که به اسم کلاس مخصوص تأسیس شده بود خود را برای ورود به دانشکده آماده نمودند: عده محصلات کلاس مخصوص ۴۵ نفر بود.

اسامی خانم‌هایی که در سال ۱۳۱۴ - ۱۳۱۵ برای ادامه تحصیل در دانشکده ادبیات پذیرفته شدند.

- ۱- زهرا اسکندری
- ۲- فروغ پروزیخت
- ۳- شمس سمیعی
- ۴- طوسیہ حایری مازندرانی
- ۵- فروغ کیا
- ۶- شمس‌الملوک مصاحب
- ۷- بدرالملوک بامداد
- ۸- بتول سمی زاده
- ۹- شایسته صادق
- ۱۰- زهرا کیا
- ۱۱- مهرانگیز منوچهریان
- ۱۲- تاج‌الملوک نخعی



علاوه بر عده مذکور خانم سراج النسا بیکم که از اهالی حیدرآباد کن هستند و برای تحصیل ادبیات فارسی به کشور ما آمده‌اند به واسطه داشتن درجه B.A دانشگاه حیدرآباد بدون امتحان به دانشکده ادبیات پذیرفته شدند و خانم همایون احتشامی بواسطه داشتن گواهی‌نامه متوسطه کامل از برلن وارد دانشکده علوم گشتند. ص ۱۸۷ و ۱۸۸ سالنامه دانشسرای عالی سال ۱۳۱۴

از این دوازده نفر، فروغ پیروزبخت مدرک مامایی از بیروت داشتند اما در رشته ادبیات ادامه تحصیل دادند از این تعداد تا آنجا که تحقیق شده است خانم زهرا اسکندری، طوسی حایری، فروغ کیا، شمس‌الملوک مصاحب، بدرالملوک بامداد، زهرا کیا، و مهرانگیز منوچهریان از زنانی هستند که صاحب نام و آوازه‌ای شدند و برای مردم کشورمان افتخارآفرین بوده‌اند.

نامگذاری مدارس از ۱۲۸۰ تا ۱۳۱۷

مهرتاج رخشان نام مدرسه‌ای را که در تهران ایجاد کرد «ام‌المدارس» گذاشت شاید وی بر این باور بود که این، مادر مدرسه‌هاست و مدرسه‌های دخترانه دیگری به وجود خواهند آمد که چنین هم شد. ایجاد کنندگان مدارس که زنانی فاضل، مبارز و علاقه‌مند به دانایی بودند هر کدام برای مدرسه خودنامی می‌گذاشتند که برای نامگذاری هم دلیل یا دلیل‌هایی داشتند مانند عصمتیه، فاطمیه، معصومیه، قدسیه، مفرتیه، عفتیه، ساداتیه، بدریه، انتظامیه، اکرمیه اما بعضی از نام‌ها به چندین مدرسه در شهرهای گوناگون نهاده شد مانند: دوشیزگان، ناموس، بنات، نسوان. البته گاهی این نام‌ها با پسوند یا پیشوندی، نام قدیمی، نام جدیدی می‌شد مانند ادب دوشیزگان، محمودیه دوشیزگان، پرورش ناموس، تربیت نوامیس، نسوان ایران، حشمتیه دوشیزگان، ترقی بنات، حجاب نسوان، هستی بنات و یا نام‌هایی مانند: مخدرات اسلامی، عفتیه اسلامی، البته گاهی نیز نام شاعری بر مدرسه‌ای دخترانه نهاده می‌شد مانند نام مهستی گنجوی و یا مستوره کردستانی که فقط من این دو نام را دیدم که بر مدرسه‌های دختران از سال ۱۲۸۵ تا ۱۳۱۷ به مدت ۳۲ سال گذاشته‌اند. اما این نام‌ها نیز دست خوش دگرگونی شد.

از سال ۱۳۰۵ که سلطنت به رضاشاه رسید کم‌کم بسیاری از مدارس دختران نام شاهدخت به خود گرفت و شگفت‌تر از این که نام مهستی نیز عوض شد حتی مدرسه دخترانه مستوره که مریم ازدلان آن را در سندج پایه‌گذاری کرده بود پس از دولتی شدن، اداره معارف بر آن بود که نام مریم را بر آن بگذارد تا از خدمات ازدلان سپاسگزاری شده باشد اما وی نام مستوره کردستانی را که شاعری ایرانی و کرد بود بر مدرسه نهاد تا این که در سال ۱۳۰۶ ش. ستایشگران قدرت، آن را به شاهدخت تغییر دادند.

در ۱۷ دی ماه ۱۳۱۷ که کشف حجاب شده نام بسیاری از مدرسه‌های دختران که سال‌ها نام دیگری داشتند به ۱۷ دی تغییر کرد و از این تاریخ به بعد بود که بسیاری از رؤسای معارف مدارس دخترانه‌ای را که تأسیس می‌کردند نام ۱۷ دی می‌نهادند تا تائیدی باشد بر مساله کشف حجاب و در نتیجه خوشایند ارباب قدرت چنان که در روز اول مهر ۱۳۱۶ یعنی آغاز سال تحصیلی ۱۳۱۶ - ۱۳۱۷ تعداد ۳۵ مدرسه دخترانه در ۳۳ حوزه معارفی ایران با نام ۱۷ دی ۱۵ مدرسه با نام ۱۵ بهمن و ۸ مدرسه ابتدایی با نام شاهدخت و ۸ دبیرستان دختران با نام شاهدخت در شهرهای ایران آغاز به کار کردند ناگفته نماند فقط در ۱۶ حوزه معارفی از ۳۳ حوزه معارف مدرسه متوسطه دختران وجود داشته است این شیوه نامگذاری و تغییر نام‌ها گذشته از اینکه بررسی و پژوهش در باره مدارس دختران را با مشکل روبه‌رو می‌کند این تصور را پیش می‌آورد که تا سال ۱۳۱۷ ش. در کشور ما هیچ زن اندیشمندی را تاریخ نشان ندارد و حال آنکه اگر متولیان اداری و اجرایی کشور کم‌ترین مطالعه‌ای در تاریخ ایران به ویژه تاریخ ادبی ایران داشتند می‌توانستند در زمینه عرفان، شعر، نجوم، هنر، زنان بزرگی را بیابند و نام آنان را بر پیشانی مدارس دخترانه ثبت کنند.

سال تحصیلی ۱۳۱۶ - ۱۳۱۷ به پایان رسید در حالی که دختران در مدارس ابتدایی، دبیرستان، دانشسرای مقدماتی، دانشسرای عالی، هنرستان، آموزشگاه پرستاری مشغول تحصیل بودند، سال تحصیلی ۱۳۱۷ - ۱۳۱۸ هنگامی شروع شد که در سراسر کشور ۹۳ دبستان دخترانه دولتی و ۴۳۴ دبستان مختلط و ۱۰۹ دبستان غیردولتی با ۷۲۷۵۰ تعداد دانش‌آموز مشغول درس بودند.



آمار دانش‌آموزان دبیرستانی دولتی و غیردولتی و دانشسرای مقدماتی ۵۶۵۰ و تعداد دبیرستان‌های دختران دولتی ۲۲ واحد غیردولتی ۱۵۱ واحد، و دانشسرای مقدماتی دختران ۱۰ واحد بود.

در این سال تعداد دخترانی که در دوره عالی به تحصیل اشتغال داشتند به این شرح بوده است:

- ۱- داروساز ۴ نفر
 - ۲- دندانسازی ۱۰ نفر
 - ۳- آثار باستانی ۳ نفر
 - ۴- فیزیک و شیمی ۳ نفر
 - ۵- زبان ۲۶ نفر
 - ۶- کلاس‌های ادبیات فارسی ۲۹ نفر
 - ۷- تاریخ و جغرافی ۳ نفر
 - ۸- ادبیات فارسی ۱۰ نفر
 - ۹- ریاضیات ۱۳ نفر
 - ۱۰- طبیعیات ۱ نفر
 - ۱۱- فلسفه و علوم تربیتی ۳ نفر
 - ۱۲- مامایی ۷۵ نفر
 - ۱۳- کالج البرز ۲ نفر
- جمع ۱۸۲ دانشجو

در آغاز این سال دانشجویانی که در سال ۱۳۱۴ به دانشسرای عالی راه یافته بودند، به دریافت لیسانس نایل شده بودند لذا کسانی که مایلند با برنامه تحصیلات متوسطه از این تاریخ آشنا شوند می‌توانند، آیین‌نامه‌هایی را که درباره مدارس متوسطه دانشسرای مقدماتی دختران، آموزشگاه پرستاری، هنرستان موسیقی تنظیم و به تصویب رسیده است مطالعه کنند اما بیش از آن بهتر است درباره ۱۲ دانشجوی راه یافته به دانشسرای عالی کمی شناخت پیدا کنیم؟

سرانجام نخستین دانشجویان دختری که به دانشکده ادبیات راه یافتند، در سال ۱۳۱۷ خورشیدی موفق به دریافت لیسانس شدند. ما از میان ۱۲ دانشجویی که به

دانشسرای عالی راه یافتند تا در رشته ادبیات فارسی تحصیل کنند فقط با زندگی ۶ نفر از آنان آشنائیم که کوشش شده است تا به معرفی آنان در این فصل پرداخته شود.

۱- شمس الملوک مصاحب

۲- مهرانگیز منوچهریان

۳- بدرالملوک بامداد

۴- زهرا کیا

۵- طوسی حابری

۶- زهرا اسکندری

۷- فروغ کیا

درباره زهرا اسکندری اطلاعات زیادی در دست نداریم جز اینکه وی خواهر سلیمان میرزا محسن بوده و با تشکیلات دموکراتیک زنان همکاری داشته است و پس از بهمن ۱۳۲۷ از فعالیت دست برمی دارد وی تا سال ۱۳۲۷ فعال سیاسی در حزب توده بوده است.

شمس الملوک مصاحب

یکی از ۱۲ دانشجویی که در سال ۱۳۱۴ به دانشسرای عالی راه یافتند، شمس الملوک مصاحب است که در ۱۲۹۶ ش در تهران متولد شد مدرسه متوسطه را در تهران به پایان برده و بعد در سال ۱۳۱۴ به دانشسرای عالی راه یافت سرانجام از دانشگاه تهران موفق به دریافت دکترای ادبیات شد سپس به امریکا رفت و رشته تعلیم و تربیت در دانشگاه‌های لاروال در کانادا و فلوریدا در امریکا پرداخت در بازگشت به خدمت فرهنگ درآمد و رئیس دبیرستان دختران تهران شد.

مشاغل وی

۱- تدریس ۲- ریاست دبیرستان ۳- ریاست بازرسی فنی تعلیمات دختران ۴- رئیس تعلیمات متوسطه و تربیت معلم و مشاور وزیر فرهنگ در امر مبارزه با بیسوادی ۵- معاون آموزش و پرورش ۶- سناتور انتصابی در چهار دوره از دوره چهارم تا هفتم



تالیفات وی

- ۱- ساده‌نویسی در زبان فارسی
- ۲- راهنمای آموزش سالمندان بعد از باسوادی به زبان فارسی و انگلیسی
- ۳- حماسه جاویدان
- ۴- افسانه‌های شیرین ترجمه
- ۵- قصه‌های برگزیده از هزارویک شب
- ۶- باغ اسرارآمیز
- ۷- سرزمین مردم اسپانیا
- ۸- غرور و تعصب

وی از زنان شاعر نیز هست اما کمتر به شعر و شاعری پرداخته است.

در کتاب زنان سخنور آمده است که: پدرش دکتر علی محمد مصاحب پزشک و از پرورش یافتگان دسته‌های نخستین دارالفنون بوده و در دانش‌های دیرینه دست داشت. ص ۱۹۴ - مشیر سلیمی - از استادان مصاحب در دوره دانشسرای عالی، ملک‌الشعراى بهار بوده است مرگ استاد وی را سخت می‌آزرد من در این جا شعری را که در سوگ استاد سروده است نقل می‌نمایم.

به کشور سخن امروز شهریار نماند به گلشن ادب، آوخ که برگ و بار نماند
گسست عقد سخن از هم و فرو پاشید مگر که واسطه العقد برقرار نماند
به نظم معنی و عرفان و ذوق و لطف و بیان هزار حیف که آن در شاهوار نماند
زابر تند خزان ریخت آب دانش و فضل فسرده گلشن معنی، مگر بهار نماند
زملک مردمی و فضل رخت بست ملک ثبات رفت ز ملکى که شهریار نماند
گذشت سیصد و سی سال چون ز بعد هزار به بوستان سخن سنجی آن هزار نماند
بزرگوارا استاد ارجمند ما مرا به سوگ تو جز ناله‌های زار نماند
ترا به ملک سخن سروری مسلم بود در این سخن به من انگار روزگار نماند
مگر ن و القلم از حق مراد کلک تو بود وگر نه بر قلم این قدر و افتخار نماند
سخن چه باید گوید کنون ز بعد تو کس که در بسیط سخن رکن استوار نماند
اگر به نظم سخن هست آمدم نه عجب که طبع ناطقه را روی و اختیار نماند

مهرانگیز منوچهریان

در سال ۱۲۹۳ در تهران به دنیا آمد نام پدرش منوچهر و نام مادرش دره‌التاج تحصیلات خود را در دبیرستان عفتیه و فرانکوپرسان و سپس در دارالمعلمیات تمام می‌کند. سال ۱۳۱۴ جزو ۱۲ دانشجویی است که برای تحصیل در دانشسرای عالی پذیرفته می‌شود در سال ۱۳۱۷ از دانشکده فلسفه و علوم تربیتی لیسانس می‌گیرد وی به موسیقی علاقه داشت هنگامی که به تحصیل در دانشسرای عالی مشغول بود از راه مکاتبه با مدرسه عالی موسیقی فرانسه دوره تئوری‌سازشناسی را می‌گذراند. مهرانگیز علاوه بر موسیقی، فلسفه، ادبیات به روان‌شناسی نیز دلبسته بود و علاقه وی باعث خلق آثار ارزشمندی شد مانند محیط طفل در ایران از بدو تولد تا هفت سالگی، نظری به فلسفه شوپنهاور ایمان از نظر روان‌شناسی، روان‌شناسی از نظر پرورش کودکان، وی دوره حقوق را نیز در دانشکده حقوق گذراند مدتی را هم به شغل وکالت در دانشسرای عالی مشغول بود از آثار وی در زمینه حقوق کتاب‌های «وضع حقوقی زن در جهان»^۱ طرح قانون خانواده ۱۳۴۲ ش انتقاد قوانین اساسی و مدنی و کیفری ایران از نظر حقوق زن ۱۳۴۲ ش تربیت سیاسی و اجتماعی زن ۱۳۴۷ ش نام برد.

برگرفته از کتیبه تاریخ

به نوشته کتاب اولین زنان:

وی در سال ۱۳۲۶ با حسینقلی حسینی نژاد دکتر در رشته حقوق بین‌الملل و هم‌دوره‌اش در دانشگاه تهران ازدواج کرد. اما دارای فرزند نشد. مهرانگیز منوچهریان اگرچه با تحصیل در دارالمعلمیات کارش را شروع می‌کند و لیسانس فلسفه می‌گیرد اما سرانجام در رشته حقوق موفق می‌شود دکتری حقوق جزا را به دست آورد وی پایه‌گذار اتحادیه زنان حقوقدان ایران وابسته به اتحادیه بین‌المللی زنان حقوق‌دان است. پروین‌دخت معاضد یکی از شاگردان منوچهریان می‌گوید:

۱. این کتاب ترجمه است و سال ۱۳۳۲ ترجمه و چاپ شده است.



دانشجوی دانشکده حقوق بودم که شنیدم خانم منوچهریان از تز دکترایش درباره جرایم اطفال دفاع می‌کند. در آمفی تاتر دفاع جانانه‌اش را شنیدم و گفته شد که اولین زن ایرانی است که به دانشکده حقوق راه یافته است آن هم با مبارزه بسیار زیرا تا قبل از آن زن‌ها در دانشکده حقوق پذیرفته نمی‌شدند.

خانم منوچهریان به خوبی دریافته بود که زنان مورد ستم واقع می‌شوند و از لحاظ حقوق نیز حق آنان تضییع می‌شود بر پایه همین باور بود که در سال ۱۳۳۸ کتاب انتقاد بر قانون مدنی ایران از نظر حقوق زن را منتشر کرد که با مخالفت‌های شدید روبرو شد.

اولین زنان، ص ۲۹۹ تا ۲۳۱

وی کلیه اعلامیه‌های حقوق بشر سازمان ملل متحد در رابطه با حقوق زنان و کودکان را ترجمه و منتشر ساخت.

تلاش‌های او در احقاق حقوق کودکان و زنان و تألیفات و تحقیقات متعددش در این زمینه سبب شد که در سال ۱۹۶۸ میلادی (۱۳۴۷ش) جایزه حقوق بشر را از دست اوتانت دبیرکل وقت سازمان ملل متحد دریافت کند. در همان سال شش نفر از تمام دنیا این جایزه را که عنوانش «کوشش چشم‌گیر در راه حقوق بشر» بود، دریافت کردند که در میان آن‌ها دو زن دیده می‌شدند. دکتر مهرانگیز منوچهریان و خانم روزولت که دخترش جایزه مادر مرحوم را دریافت کرد.

پس از دریافت این جایزه دکتر منوچهریان از طرف تمام اعضای اتحادیه بین‌المللی زنان حقوقدان به عنوان رییس مادام‌العمر افتخاری این اتحادیه انتخاب شد. وی موفق شد که جایزه دیگری به عنوان «صلح از طریق حقوق» را از کشور سوئد دریافت دارد.

او به زبان‌های فرانسه، انگلیسی، آلمانی، و عربی آشنایی کامل داشت.

دکتر منوچهریان در تابستان سال ۱۳۷۹ درگذشت.

وی در طول عمر خود بیش از ۴۵ تألیف و تعدادی ترجمه پدید آورد که برخی از آن‌ها عبارت است:

محیط طفل در ایران از بدو تولد تا هفت سالگی، ایمان از نظر روانشناسی، روانشناسی از نظر پرورش کودکان، زیبایی‌شناسی از نظر روانشناسی.

تعدد زوجات و حمایت خانواده، انتقاد قوانین اساسی و مدنی و کیفری ایران از نظر حقوق زن، طرح قانون خانواده بر مبنای اعلامیه جهانی حقوق بشر، جرایم اطفال، نابرابری‌های حقوقی زن و مرد در ایران، طرح قانون حمایت صغار، تفسیر اعلامیه جهانی حقوق بشر از نظر حقوق زن، وضع حقوقی زن در جهان، تربیت سیاسی و اجتماعی زن، مقایسه هبه در قانون ایران با هبه در قانون فرانسه و...

بدرالملوک بامداد

بدرالملوک بامداد فرزند حاجی آقا تکین در سال ۱۲۹۰ در تهران به دنیا آمد، تحصیلات ابتدایی را در خانه پدری آموخت و بعد به مدرسه فرانسوی‌ها رفت و وی پس از تأسیس دارالمعلمت از دخترانی بود که برای تحصیل به آنجا رفت از کودکی به نوشتن مقاله علاقه داشت در آغاز جوانی برخی از مقاله‌های وی در مجله ایرانشهر چاپ شد پس از آنکه درس خانه‌داری جزو برنامه‌های درسی دارالمعلمت قرار گرفت بدرالملوک تکین (بامداد) عهده‌دار تدریس این فن شد تا پیش از آن کتاب خانه‌داری دختران که از زبان فرانسه ترجمه شده بود تدریس می‌شد اما بدرالملوک بر آن شد که خود کتابی در این باره بنویسد اما کتابی را که وی نوشته بود مسئولان معارف نپذیرفتند و چون خواندن آن را وقت تلف کردن می‌دانستند از قبول و چاپ آن خودداری کردند اما بدرالملوک تکین به کار خود اعتقاد داشت. نامه‌ای به دربار نوشت: پاسخ تیمور تاش وزیر دربار امیدوارکننده بود. سرانجام کتاب چاپ شد و سال‌ها در مدارس کشور تدریس شد. «عزت خانم خواجه نوری» که تحصیلات خود را در مدرسه شمس‌المدارس تهران به پایان برده است (۱۳۱۳ ش) در پاسخ من که پرسیدم، آیا در فن «خانه‌داری هم» در مدرسه درسی وجود داشت: گفته کتاب تدبیر منزل نوشته، خانم تکین را می‌خواندیم و برای اثبات گفته خود برخاست و از گنجی یادبودهایش، تصدیق ششم ابتدایی و کتاب تدبیر منزل را برایم آورد من فتوکپی تصدیق ششم و نامه وزیر دربار را درباره کتاب تدبیر منزل در این یادداشت‌ها آوردم جا دارد که بگویم سال‌ها پس از این گفتگوی خانوادگی با عزت خانم بود که فهمیدم خانم تکین دکتر بدرالملوک بامداد است.



بامداد از ۱۲ دانشجویی است که به دانشسرای عالی راه یافت او نیز مانند زنان آزاداندیش و روشنفکر آن زمان دل به دانایی سپرده بود در سال ۱۳۱۷ موفق به دریافت دانشنامه لیسانس در رشته فلسفه و علوم تربیتی شد. در سال ۱۳۱۸ ش که رادیو ایران شروع به کار کرده از وی برای همکاری دعوت شد.

در سال ۱۳۲۵ برای ادامه تحصیل به امریکا رفت و از دانشگاه نیویورک در رشته مدارس متوسطه «تربیت جوانان» فوق لیسانس گرفت و پس از بازگشت به ایران کتاب تعلیم و تربیت (دموکراسی در ایران) را چاپ کرد. در سال ۱۳۳۰ براساس آموخته‌های خود اولین مدرسه مختلط را تأسیس کرد. از آثار وی کتاب‌های زیر را می‌توان نام برد.

- ۱- اخلاق و آداب معاشرت
- ۲- روان‌شناسی تربیتی. این کتاب بعدها در دانشسراهای مقدماتی پسران و دختران تدریس شد.
- ۳- خانه‌داری برای دوم متوسطه
- ۴- هدف پرورش زنان
- ۵- هنر طباطبائی
- ۶- زن ایرانی از انقلاب مشروطه تا انقلاب سفید

زهرا کیا (خانلری)

زهرا کیا فرزند «هادی» نوری از نواده‌های شیخ فضل‌اله نوری است. وی در سال ۱۲۹۴ در تهران به دنیا می‌آید دوره دبستان را در مدرسه ناموس به پایان می‌برد و دوره متوسطه را در دانشسرای مقدماتی دختران و از نخستین گروه دانشجویان دختری است که در سال ۱۳۱۴ به دانشسرای عالی راه یافت و موفق به اخذ لیسانس در رشته ادبیات فارسی شد آنگاه در رشته تازه تأسیس دکتری ادبیات فارسی به تحصیل ادامه داد در سال ۱۳۲۳ فارغ‌التحصیل شد. مدتی را در دبیرستان نوریبخش دبیر بود آنگاه رئیس دبیرستان شد و پس از مدتی دانشیار دانشکده ادبیات شد و سرانجام به مقام استادی رسید.

در سال ۱۳۲۰ با پرویز ناتل خانلری ازدواج کرد. حاصل این ازدواج دو فرزند بود یک دختر و یک پسر، پسرش در ۸ سالگی درگذشت و از آن تاریخ وی از فعالیت‌های اجتماعی دست کشید و تنها به کارهای ادبی پرداخت.

به نوشته صغری دژم در کتاب اولین زنان:

وی از ۱۷ سالگی نوشتن را تجربه کرده بود نخستین اثرش «پروین و پرویز» نام داشت که با شروع کار در مجله سخن، نوشتن داستان، مقاله و ترجمه را گسترش داد. در سال ۱۳۳۹ برای مطالعه در باره کتاب‌های درسی به فرانسه و انگلیس رفت و در بازگشت با گروهی از همکارانش در سازمان کتاب‌های درسی دست به تغییر و تحولی بزرگ زد در کتاب‌های درسی مدارس کار را از اولین کتاب دبستانی آغاز کرد و سبک کتاب‌های قدیم را به کلی تغییر داد. کتاب‌های تازه با استفاده از آخرین روش تألیف کتب درسی دنیا با توجه به فرهنگ و زبان ایرانی نوشته و چاپ شد برای بازدهی بهتر آموزشی برای آموزگاران نیز روش تدریس نوشت. همکاری او برای تنظیم و نوشتن کتب درسی تا سطح اول دبیرستان ادامه یافت و کتاب سال پنجم و ششم را شخصاً نوشت این کتاب‌ها از سال ۱۳۴۱ به تدریج جایگزین کتاب‌های قبل و به طور رسمی در سراسر کشور مورد استفاده قرار گرفت.

بی‌اطلاعی دانش‌آموزان از داستان‌های منظوم و معروف ادبی زبان فارسی که همواره دغدغه او بود او را بر آن داشت که با خلاصه کردن این داستان‌ها و به نشر درآوردن آن به آسانی در دسترس قرار گیرد این مجموعه به شیوه خاصی نوشته شد و به نام «داستان‌های دل‌انگیز ادبیات فارسی» منتشر گردید این اقدام او سبب شد جایزه سازمان فرهنگی ملل متحد (یونسکو) را دریافت دارد.

دکتر زهرا خانلری (کیا) در اقدامی دیگر کتاب فرهنگ لغتی منتشر ساخت که شامل معرفی بزرگان و رجال ادب ایران و نام و احوال اشخاص بزرگ داستانی و پیامبران یا کسانی است که به نحوی در ادبیات فارسی مورد مثال و اشاره قرار دارند. / ص ۱۴۰ - ۱۴۱ اولین زنان

وی از ۱۲ دانشجویی است که در سال ۱۳۱۴ به دانشسرای عالی راه یافت و نخستین زنی است که به دریافت دکتری ادبیات موفق شد عنوان پایان‌نامه وی



(سبک ادبی تواریخ ایران بعد از اسلام تا قرن نهم) می‌باشد. استاد راهنمای وی ملک‌الشعراى بهار بوده است. بد نیست دانسته شود در سال ۱۳۱۴ که برای اولین بار دختران ایرانی برای تحصیلات عالی به دانشگاه راه یافتند. ملک‌الشعراى بهار از استادان دانشسرای عالی بود و این دوازده دانشجو در آغاز ورود به مدرسه عالی از کلاس‌های درس وی بهره بردند.

زها کیا (خانلری) از چهره‌های نامی فرهنگی کشور ایران می‌باشند وی و همسرش دکتر پرویز ناتل خانلری با دقت، علاقه و شوق در پیشرفت فرهنگ و غنای معنوی آن کوشا بودند.

زها کیا ۶ ماه پس از مرگ شوهرش در سال ۱۳۷۱ دیده از جهان فرو بست.

طوسی حایری مازندرانی

در سال ۱۲۹۶ در شهر مشهد به دنیا آمد اما وی را طوسی صدا می‌کردند درباره این‌وجه تسمیه در مرداد ماه ۱۳۴۳ که با وی آشنا شدم چنین گفت: من در طوس به دنیا آمدم (مشهد) پدرم محمد باقر که استاد دانشکده حقوق و کارشناس عالی ثبت و رئیس تجدیدنظر محکمه شرع بود، مردی فرهنگ‌دوست و آزاداندیش بود وی به تربیت و درس من و برادرانم علاقه زیاد داشت من تنها دختر خانواده هستم، وقتی به دنیا آمدم پدرم گفته طوسیه یعنی این بچه متعلق به شهر طوس است و نامش را با خودش آورده و این‌طور بود که نام کوچک من طوسی شد. از سویی پدرم به فردوسی علاقه‌مند بود. من مدتی را هم در قم زندگی کردم چون پیشه پدرم جوری بود که ما نمی‌توانستیم در یک شهر زندگی کنیم.

خانم طوسی حایری از نخستین زنانی بود که برای اولین بار امکان ادامه تحصیل در دانشگاه را پیدا کردند سال ۱۳۱۴ بود که دانشسرای عالی موافقت کرد که تعدادی دانشجوی دختر ادامه تحصیل دهند تا پیش از این تاریخ کسانی که امکان فرستادن فرزندانشان (فرزند دختر) را به اروپا یا امریکا یا مدرسه امریکایی بیروت داشتند اگر به دانش جدید معتقد بودند فرزندان خود را به خارج می‌فرستادند. اما امکان تحصیل دختران برای دوره دانشسرای عالی وجود نداشت بنابراین بسیاری از استعدادهاى بالقوه دخترانی که یا توان مالی نداشتند که به

خارج روند یا اگر توان مالی داشتند خانواده‌شان با تحصیل عمدتاً و با تحصیل در خارج خصوصاً مخالف بودند. بنابراین پذیرش چنین دانشجویانی را باید آغاز شکوفایی استعدادهایی در دوره‌های بعد دانست، به قول خانم طوسی من از محدود دختران خوش اقبالی بودم که پس از اخذ دیپلم توانستم بلافاصله به دانشکده راه پیدا کنم وقتی من به دانشکده راه یافتم، ۱۸ سال داشتم و در خرداد ۱۳۱۴ دیپلمه شده بودم و در مهر دانشجو شده بودم. ما ۱۲ نفر بودیم. یکی از دختران، در مدرسه بیروت درس خوانده بود هفت سال بود که دختران دیپلمه شده امکان راه یافتن به دانشکده را نداشته یعنی از خرداد ۱۳۰۷ تا مهر ۱۳۱۴ ش.

در کتاب اولین زنان می‌خوانیم که:

وی نخستین گوینده زن رادیو در سال ۱۲۹۶ در مشهد به دنیا آمد. و در عباراتی می‌خوانیم که در بین سال‌های ۱۳۲۸ - ۱۳۲۹ دکتری ادبیات فرانسه را از دانشگاه سوربن دریافت کرد. در بازگشت به ایران در امتحان گویندگی رادیو شرکت کرد و به عنوان اولین گوینده زن به دلیل صدای مناسب و تحصیلات عالی به رادیو راه یافت. / ص ۱۲۴.

اما آنچه از گفته‌های وی به یادمانده است این است که در سال ۱۳۱۹ به رادیو راه یافتم وی خاطره‌ای را که از اولین روز گویندگی داشت هیچگاه فراموش نکرد. گرچه خاطره خوشایندی نبود زیرا وقتی صدای وی از رادیو شنیده می‌شود، مخالفان رادیو به‌ویژه مخالفان صدای زن در رادیو، خانه آنان را سنگباران می‌کنند. و شیشه‌های خانه آنان را می‌شکنند بنابراین به گفته خود: اولین ستایش که از گویندگی من شد شکستن شیشه‌های خانه‌مان بود.

طوسی حایری چون از دانشسرای عالی موفق به دریافت لیسانس ادبی شده بود به استخدام وزارت معارف درآمد که بعدها به فرهنگ تغییر نام یافت. در سال ۱۳۳۵ با احمد شاملو شاعر و مترجم ازدواج کرد ولی این پیوند چندان ادامه نیافت:

«وقتی من و همسر من که در آن سال نامزد بودیم یعنی سال ۱۳۴۲ ش با طوسی حایری آشنا شدیم وی از شاملو جدا شده بود او درباره جدایی‌اش حرف‌هایی



می‌زد که گزارش آن در اینجا مناسب نیست. همیشه، تا آن‌جا که من به یاد دارم از شعر، شاملو نه خودش، به نیکی یاد می‌کرد و گاه نیز برخی از اشعار وی را با صدایی مناسب می‌خواند و خود نیز به تحسین از شعر می‌پرداخت او در مجله هفته آشنا با شاملو همکاری داشت برای مجله ماهانه زیبایی و زندگی که صاحب امتیازش دکتر حسین آیدین بود مقاله می‌نوشت با نام ط - ح

در ترجمه کتاب پا برهنه‌ها با شاملو همکاری داشت. وی به شعر، تناتر، نقاشی، ادبیات علاقه داشت وی که سال‌ها در ناحیه ۲ تهران دبیر ادبیات بود، در زندگی خود معلم بود و هر که را استعدادی داشت شناسایی می‌کرد. تشویقش می‌کرد با فروغ فرخزاد رابطه صمیمانه داشت و از او به عنوان یک شاعر بزرگ نام می‌برد. در سال ۱۳۴۶ که وزارت فرهنگ به دو وزارتخانه - آموزش و فرهنگ و علوم عالی تقسیم شد «حایری یگانه» که از خویشان وی بود از او خواست که به وزارت علوم منتقل شود طوسی حایری از سال ۱۳۴۳ ش تا بازنشستگی کارمند عالی رتبه وزارت علوم بود اما هیچگاه حاضر به قبول پست بالا نشد. وی درباره علاقه‌اش به تناتر از زمان نوجوانی می‌گفت:

آخرهای سال سوم دانشکده بودم که نمایشنامه‌ای در خرداد ۱۳۱۵ روی صحنه آمد به نام فرهاد و بیستون این نمایشنامه بر پایه داستان خسرو و شیرین نظامی تهیه شده بود من نقش شیرین را بازی کردم و مهدی فروغ نقش فرهاد را وی در سال ۱۳۱۷ که کانون بانوان تأسیس شد با خانم بامداد و منوچهریان همکاری داشت طوسی حایری در ۱۳۷۱ ش در تهران وفات کرد.

تصویب‌نامه راجع به افتتاح آموزشگاه پرستاری اصفهان و شیراز

تصویب شده

وزارت فرهنگ در تاریخ ۲۳۷ خرداد ۱۳۱۶

وزارت مالیه

هیأت وزرا در جلسه ۲۴ خردادماه ۱۳۱۶ طبق پیشنهاد شماره ۱۰۷۶۳ وزارت معارف و اوقاف در تعقیب تصویب‌نامه شماره ۲۶۸۰۴۸ شهریور ماه ۱۳۱۵ موارد ذیل را تصویب می‌نماید.

ماده ۱- در سال تحصیلی ۱۳۱۶ - ۱۳۱۷ آموزشگاه پرستاری در اصفهان و شیراز دایر شود.

ماده ۲- برای ۵ آموزشگاه پرستاری کشور پنج خانم پرستار تبعه امریکا برای مدت یک سال از اول مهرماه ۱۳۱۶ به طریق روزمزد استخدام شوند. دستمزد سه نفر خانم پرستار مأمور تبریز و اصفهان و شیراز که از امریکا اعزام می‌شوند در سال از نه هزار ریال به علاوه پانصد دلار که به اقساط مساوی ماهیانه کارسازی شود تجاوز ننماید و نیز به آنان نفری پانصد دلار هزینه مسافرت تأدیه شود و دستمزد دو نفر خانم پرستار دیگر در ماه از یک هزار ریال تجاوز ننماید.

ماده ۳- در صورتی که در جریان سال تحصیلی یک یا چند نفر از خانم‌های پرستار از کار کناره‌گیری نمایند یا از طرف وزارت معارف به خدمتشان خاتمه داده شود به جای آن‌ها برای بقیه مدت خدمت خانم‌های تبعه امریکا استخدام شوند.

آموزشگاه پرستاری

در ۲۶ شهریور ۱۳۱۵ اساسنامه و برنامه افتتاح آموزشگاه پرستاری در تهران و مشهد و تبریز به تصویب رسید که برای آگاهی مواد آن درج می‌شود.
ماده ۱- در سال تحصیلی ۱۳۱۵ - ۱۳۱۶ آموزشگاه پرستاری در تهران و مشهد و تبریز دایر نماید.

ماده ۲- دوره تحصیلات این آموزشگاه مطابق برنامه و نظامنامه خاص خواهد بود که به تصویب شورای عالی معارف رسیده و دانش‌آموزان در یکی از بیمارستان‌های کشور به فراگرفتن دروس فنی و عملی پردازند.

ماده ۳- در سال آینده ۱۳۱۶ - ۱۳۱۷ دو آموزشگاه، پرستاری در شیراز و اصفهان تأسیس گردد.

ماده ۴- در سال ۱۳۱۵ - ۱۳۱۶ سه نفر خانم پرستار تبعه امریکا به موارد روزمزد آنها را برای انجام وظیفه در آموزشگاه‌های پرستاری استخدام نماید و حق الزحمه روزانه آنها به ترتیبی تادیه نماید که مجموعه حق الزحمه هر یک از خانم‌ها در ظرف ماه از یک‌هزار ریال تجاوز ننماید.

ماده ۵- در صورتی که در سنه آتیه محل یک نفر از سه نفر خانم پرستار خالی بماند وزارت معارف خرج سفر پرستار جدید را مطابق مقررات می‌پردازد.

تصویب نامه راجع به حقوق مدیریت‌های آموزشگاه‌های پرستاری

تصویب شده وزارت فرهنگ در تاریخ ۲۷ آذرماه ۱۳۱۶

وزارت مالیه

هیأت وزرا در جلسه ۲۴ آذرماه ۱۳۱۶ طبق پیشنهاد شماره ۴۲۲۴۱ - ۲۶۵۰۶ مورخ ۱۳۱۶/۹/۲۱ وزارت معارف و در تکمیل تصویب‌نامه شماره ۴۶۳۱ مورخ ۱۷ خرداد ۱۳۱۶ تصویب می‌نماید که حقوق هر یک نفر از سه خانم پرستار تبعه

آمریکا مأمور در مشهد و تبریز و شیراز در سال نه هزار ریال و پانصد دلار و حقوق هر یک از دو نفر خانم مأمور اصفهان و تهران در ماه یک هزار ریال پرداخته شود. وزارت معارف اجازه دارد که محل خدمت هر یک از آنان را با همان حقوق که دارند تغییر و تبدیل بدهد.

اساسنامه و برنامه مدرسه پرستاری زنانه

مصوب دوم تیرماه ۱۳۱۵

برای تربیت پرستاران متخصص مدارس پرستاری زنانه در پایتخت و مراکز مهم کشور مطابق اساسنامه ذیل تأسیس می‌شود:

ماده اول: دوره تحصیلات پرستاری دو سال است.

ماده دوم: مدرسه پرستاری مجانی و در صورت امکان شبانه‌روزی و ضمیمه یک مریض‌خانه خواهد بود ولی برای تمرین در سرویس‌های مختلفه مانع نخواهد بود. که شاگردان در مریض‌خانه‌های دیگر نیز به عملیات تمرینی بپردازند.

ماده سوم: داوطلبان ورود به مدرسه پرستاری باید دارای شرایط ذیل باشند:

۱- تصدیق‌نامه سه ساله متوسطه را داشته یا امتحان ورودی معادل آن بدهند.

۲- از شانزده سال کمتر و از ۲۵ سال بیشتر نداشته باشند.

۳- صحیح المزاج باشند.

۴- شوهر نکرده باشند.

۵- معروف به فساد اخلاق نباشند.

تبصره: برای خانم‌های پرستار که قبل از تأسیس، لااقل مدت سه سال در مؤسسات صحتی مشغول خدمت بوده‌اند شرط دوم و چهارم الزامی نیست.

ماده چهارم: تحصیلات هر سال، مرکب از تمرینات فنی و دروس علمی مطابق برنامه مخصوص خواهد بود و دارندگان گواهی‌نامه این مدرسه حق ورود به مدرسه قابلیت را خواهند داشت.

ماده پنجم: برنامه تحصیلات هر سال و مدتی که برای تحصیل هر یک از قسمت‌های زنانه مقرر است به قرار ذیل می‌باشد: هر سال تحصیلی از اول شهریور شروع می‌شود:



تبصره ۱- برنامه تفصیلی دروس علمی بعد از تصویب شورای دانشکده طب قابل اجرا می‌باشد.

تبصره ۲- برنامه تفصیلی دروس عملی بعد از تصویب شورای دانشکده طب قابل اجرا می‌باشد.

برنامه آموزشگاه پرستاری

مصوب دوم تیرماه ۱۳۱۵

۱- برنامه علمی - سال اول

ماده ۱ و ۲ و ۳- تشریح و معرفت الاعضا Anatomy physiology (۴ درس در هفته) میکروبی شناسی Microbiology (۲ درس در هفته) - آداب پرستاری (۱ درس در هفته) حفظالصحه شخصی Hygiène private (۲ درس در هفته) طرز عمل پرستاری (۶ درس در هفته) - زبان خارجه (۳ درس در هفته) - قسمت عملی (۳۰ درس در هفته).

ماده ۴- تشریح معرفت الاعضا (۴ درس در هفته) - میکروب شناسی (۲ درس در هفته) - تاریخ پرستاری (۱ درس در هفته) - ادویه شناسی (۲ درس در هفته) - طرز عمل پرستاری (۲ درس در هفته) - زبان خارجه (۳ درس در هفته) - قسمت عملی (۳۲ درس در هفته).

ماده ۵ و ۶- تشریح و معرفت الاعضا (۴ درس در هفته) - پرهیز و رژیم Dièt regime (۱ درس در هفته) - ادویه شناسی (۲ درس در هفته) طرز عمل پرستاری (۳ درس در هفته) - زبان خارجه (۳ درس در هفته) - قسمت عملی (۳۲ درس در هفته).

ماده ۷ و ۸- کلیات معرفت الامراض Pathology gèneral (۳ درس در هفته) - امراض جراحی Pathology surgical (۳ درس در هفته) - زبان خارجه (۳ درس در هفته) - قسمت عملی (۳۹ درس در هفته).

ماده ۹ و ۱۰- امراض طبی Pathology mèdical (۴ درس در هفته) - امراض جراحی (۳ درس در هفته) - زبان خارجه (۳ درس در هفته) - قسمت عملی (۳۸ درس در هفته).

ماده ۱۱- چشم و گوش و حلق و بینی (۴ درس در هفته) - زبان خارجه (۳ درس) - قسمت عملی (۴۱ درس در هفته).

ماده ۱- سل Tuberculosis (۱ درس در هفته) - امراض نسوان (۲ درس هفته) - زبان خارجه (۳ درس در هفته) - قسمت عملی (۴۲ درس در هفته)

ماده ۲- امراض مسریه (۳ درس در هفته) - امراض نسوان (۲ درس در هفته) زبان خارجه (۳ درس در هفته) - قسمت عملی (۴۰ درس در هفته)

ماده ۳ و ۴- امراض اطفال (۳ درس در هفته) - شکسته بندی (۱ درس در هفته) - زبان خارجه (۳ درس در هفته) - قسمت عملی (۴۱ درس در هفته).

ماده ۵ و ۶ - امراض دماغی **Maladies mental** (۱ درس در هفته) - قابلیت (۳ درس در هفته) - قسمت عملی (۴۱ درس در هفته)

ماده ۷- امراض جلدی (۲ درس در هفته) - قابلیت (۳ درس در هفته) - زبان خارجه (۳ درس در هفته) - قسمت عملی (۴۰ درس در هفته)

ماده ۸- معالجات مخصوص برق و غیره (۱ درس در هفته). کمک‌های علاجی مقدماتی (۲ درس در هفته) زبان خارجه (۳ درس در هفته) - قسمت عملی (۴۲ درس در هفته)

ماده ۹ و ۱۰ و ۱۱- قسمت‌های تخصصی پرستاری یعنی هر پرستار می‌تواند یکی از قسمت ذیل را انتخاب کرده در آن تخصص یابد.

۱- پرستاری در خانه‌ها.

۲- کدبانویی مریض‌خانه.

تخصص در قسمت جراحی یا طبیبی یا اطفال یا تیمارستان و غیره.



۲- برنامه عملی

نظافت و نظم

- ۱- نظافت اناثیه و اطاق‌ها.
- ۲- نظافت هوا - تهویه.
- ۳- نظافت ملافه‌ها.
- ۴- نظافت مطبخ مریض‌خانه.

درست کردن تختخواب

- ۱- تختخواب برای مریضی که می‌تواند راه برود.
- ۲- تمیز کردن تختخواب برای پذیرفتن مریض جدید.
- ۳- حاضر کردن تختخواب برای پذیرفتن مریض بیهوش.

عملیات مختلفه مانند

- ۱- پر کردن کیسه آب جوش.
- ۲- پر کردن کیسه یخ.
- ۳- لگن دادن.
- ۴- بستن بندهای مختلفه (شکم‌بند و سینه‌بند) به استثنای بانداژها.
- ۵- عوض کردن لباس‌های مریضی ناتوان.

حاضر کردن مریض^۱ برای شب

- ۱- تمیز کردن صورت و دست‌ها و دندان‌ها.
- ۲- تمیز کردن پشت و مالش با الکل.
- ۳- صاف و مرتب کردن ملافه‌ها.
- ۴- دادن آب تازه و رسیدگی به تمام درخواست‌های مریض.
- ۵- مرتب کردن اطاق.

اقدامات برای راحتی مریض

- ۱- ترتیب دادن بالش‌ها.
- ۲- حرکت مریض در تختخواب.
- ۳- بلند کردن مریض.
- ۴- جلوگیری از ناسور شدن از فشار یا خوابیدن.

نبض و تنفس و حرارت بدن

- ۱- طرز گرفتن.
- ۲- طرز نوشتن.
- ۳- حمام در تختخواب و طرز عوض کردن ملافه‌ها در حالی که مریض در تختخواب است.

مواظبت دهان و دندان‌ها

- ۱- روش یومیه.
- ۲- مواظبت مخصوص برای مریضی تب‌دار و زنان باردار و غیره.

مواظبت موی سر

- ۱- به توسط تزریق تحت‌الجلدی یا در عضله.
- ۲- به توسط تنفس.
- ۳- به توسط مالش دادن ادویه روی جلد.
- ۴- به توسط مقعد - شیاف یا تنقیه‌های کوچک.

شستشوها

- ۱- شستشویهای مهبل.
- ۲- شستشویهای دماغ و گلو.
- ۳- شستشویهای چشم.
- ۴- شستشویهای مقعد.



حاضر کردن اسباب‌های استریل برای

- ۱- خون گرفتن (فصد).
- ۲- گرفتن آب نخاع.
- ۳- خون دادن.
- ۴- کشیدن چرک یا آبسه از سینه.
- ۵- میل زدن و شستشوی ممانه.
- ۶- حمام‌های مختصر با آب سرد و یا نیم‌گرم برای پایین آوردن تب.
- ۷- حوله‌های آب داغ برای عرق کردن.
- ۸- شستن معده و غذا دادن با لوله.
- ۹- مواظبت مریض مجزا یا مسری.
- ۱۰- مواظبت مرده.
- ۱۱- وظایف پرستار شب.

وظایف عادی برای عمل

- ۱- حاضر کردن موضع عمل به طوری که جراح دستور دهد.
- ۲- دستورات قبل از عمل و بعد از عمل به توسط جراح.
- ۳- بانداژ.
- ۴- تزریق تحت‌الجلدی مقدار زیادی آب نمک (سرم فیزیولوژی) یا گلوکز.
- ۵- امتحان ادرار برای وزن مخصوص - الیومین - قند.

رشته‌هایی که در دوره متوسطه تدریس شده است

- ۱- دانشسرای مقدماتی دختران که برای تربیت معلم برای مدارس دختران تشکیل شده است.
- ۲- در آغاز این مرکز به صورت دارالمعلمات بود.
- ۳- هنرستان‌های موسیقی دوره ابتدایی تا متوسطه.
- ۴- آموزشگاه‌های پرستاری.
- ۵- متوسطه علمی یا ادبی.

تبرستان

www.tabarestan.info

دانشسرای مقدماتی دختران

گسترش مدارس دختران در تهران و شهرستان‌ها، نیاز به تربیت معلم متخصص را می‌طلبد از این رو در سال ۱۲۹۶ ش اولین دارالمعلمات در تهران ایجاد شد و در جشن پایانی کلاس‌های اول دارالمعلمات که در مدرسه فرانکو پرسیان برگزار شد از طرف وزیر معارف «نصیرالدوله» دو جلد قرآن به خانم بدرالملوک بامداد که شاگرد اول سال سوم بود و خانم حرمت سپانلو که شاگرد اول کلاس بود هدیه شد.

مقررات مربوط به دانشسرای دختران

مصوب ۲۵ شهریورماه ۱۳۱۵

طبق ماده اول نظامنامه اجرای قانون تربیت معلم مصوب ۷ مرداد ۱۳۱۳ در هذمه السنه یک باب دانشسرای دختران در که مرکز حوزه مأموریت شماست دایر می‌گردد. اینک مقرراتی راجع به تأسیس این دانشسرا در ده ماده و یک تبصره ذیلاً ابلاغ می‌گردد که با رعایت آن‌ها شروع به تأسیس و تشکیل سال اول دانشسرای دختران بنمایید.

۱- برای آنکه این قدم اساسی که به منظور تربیت آموزگار و تعمیم معارف و تعلیم و تربیت برداشته می‌شود صحیح و توأم با اصول پسندیده اخلاقی باشد باید نهایت دقت در انتخاب دبیران به عمل آید علاوه بر دارا بودن معلومات کافی صاحب خصایل ممتاز تقوی و سلامت نفس بوده از معایبی که موجب فساد اخلاق باشد مبری باشند.

۲- از آنجا که این دانش‌آموزان امروزی آموزگاران فردا خواهند بود بایستی نهایت دقت را نموده عده‌ای که واقعاً از مزایای اخلاقی برخوردارند انتخاب شوند

و برای این مقصود باید از سال سوم متوسطه با هوش‌ترین و با اخلاق‌ترین محصلات را در نظر گرفته برای ورود به دانشسرا تشویق نماید.

۳- در حین تحصیل علاوه بر تعلیم مواد و وظایف عمده که بعداً به عهده آنان محول است گوشزد نموده متذکر شوند که در پرتو تدریس و تعلیم آنان ممکن است موجبات راحتی و آسایش عده‌ای را فراهم آورند و نماینده‌ی ترقی و تعالی باشند.

مقررات عمومی راجع به تأسیس دانشسرای دختران

ماده ۱- دانشسرای دختران بر طبق قانون تربیت معلم در مرکز و ولایات تأسیس می‌شوند.

ماده ۲- دانشسراهای دختران در نقاطی که دانشسرای پسران دایر شده تأسیس خواهد گردید.

ماده ۳- دانشسراهای دختران دارای برنامه و نظامنامه امتحانات مخصوص خواهد بود که پس از تصویب شورای عالی معارف ابلاغ خواهد شد.

ماده ۴- تحصیل در دانشسراهای دختران مجانی و لذی‌الاقتضاء در سنوات آتیه به محصلات ممکن است کمک خرج تأدیه شود.

ماده ۵- داوطلبان ورود به دانشسرای دختران مطابق ماده هفتم قانون تربیت معلم باید تعهد خدمت آموزگاری بپارند.

ماده ۶- در نقاطی که تأسیس دانشسرای دختران در نظر گرفته می‌شود کلاس چهارم متوسطه نسوان تبدیل به کلاس اول دانشسرا خواهد شد. هرگاه عمده داوطلب ورود به دانشسرا به حد نصاب (در سال ۱۳۱۵ سی نفر) رسید و برای سال چهارم متوسطه نسوان داوطلبان یافت شوند ممکن است کلاس چهارم متوسطه را در محل دیگر تأسیس نمود مشروط بر این که عده داوطلبان آن از ده نفر کمتر نباشند.

ماده ۷- فارغ‌التحصیلان دانشسرای دختران از مزایای قانون تربیت معلم بهره‌مند و میزان مقرری آنان همه ساله بر طبق بودجه معین خواهد شد.



ماده ۸- هر یک از دانشسراهای دختران یک دبستان شش کلاسه ضمیمه مطابق ماده نهم اساسنامه دانشسراهای مقدماتی برای تمرین آموزگاری محصلات خواهد داشت. عده شاگردان هر یک از کلاس‌های دبستان ضمیمه نباید از سی نفر تجاوز نماید.

ماده ۹- دبیران دانشسراهای دختران به مسئولیت آقایان رؤسای معارف در صورت لزوم از میان دبیران شایسته وثوق مدارس متوسطه ذکور محل که متأهل باشند انتخاب خواهند نمود.

تبصره: دبیر تعلیم و تربیت دانشسرای پسران برای تدریس تعلیم و تربیت در دانشسرای دختران اولویت خواهد داشت.

تبصره ۱۰- رؤسای معارف مکلفند دقت خاصی در حسن اداره دانشسرای دختران به عمل آورند.

هنرستان مقدماتی موسیقی

در زمانی که «اعتمادالدوله» وزیر معارف بود مدرسه موسیقی دولتی با برنامه جدید به ریاست علی نقی وزیری تأسیس شد. دوره این مدرسه ۵ سال بود و برنامه آن فرا گرفتن کامل موسیقی ایران، شناسایی سازها، موسیقی اروپایی، ادبیات فارسی، زبان فرانسوی، موزیک نظام به اختیار شاگرد و اداره ارکستر بود گواهی‌نامه آن ارزش دیپلم متوسطه داشت این مدرسه پانزدهم شهریورماه ۱۳۰۷ در خیابان لاله‌زار افتتاح شد.

اساسنامه و برنامه هنرستان موسیقی

مصوب ۱۵ دیماه ۱۳۱۵ - قسمت اول

ماده اول: منظور از تأسیس هنرستان موسیقی تعلیم تمام رشته‌های صنعت موسیقی است به پسران و دختران در رشته‌های تخصصی ذیل:

آلات بادی فلزی - آلات بادی چوبی - آلات زهی و سیمی - پیانو - آواز - کمپوزیسیون - مدیریت ارکستر - موسیقی نظام - آموزگاری سرود.

تبصره: هنرستان موسیقی در موقع مقتضی دارای شعبه اپرا و نمایش نیز خواهد

شد.



ماده دوم: هنرستان موسیقی از لحاظ فنی به سه دوره تقسیم می‌شود: ابتدایی - متوسطه - عالی.

دوره ابتدایی

ماده سوم: دوره ابتدایی هنرستان موسیقی شش سال است که برنامه آن مطابق سایر دبستان‌ها است و به علاوه مبادی نظری و موسیقی و ساز بر حسب استعداد فنی و جسمانی به تشخیص اداره هنرستان به دانش‌آموزان تعلیم داده خواهد شد. ماده چهارم: دوره ابتدایی از نظر فنی دو قسمت می‌شود. سه سال تهیه، سه سال مقدماتی.

الف - سه سال تهیه عبارت از سه سال اول که مخصوص تربیت گوش و تحریک ذوق موسیقی است.

ب - سه سال مقدماتی عبارت از سه سال دوم که مخصوص آزمایش ذوق موسیقی است.

ماده پنجم: شرط ورود به دوره ابتدایی از این قرار است

الف - سن کمتر از هفت سال نباشد.

ب - داشتن تصدیق صحت مزاج.

ج - استعداد جسمانی برای فراگرفتن تعلیمات فنی موسیقی.

دوره متوسطه

ماده ششم: دوره متوسطه هنرستان موسیقی شش سال است که علاوه بر دروس علمی و عملی موسیقی فارسی و ریاضی و تاریخ و جغرافیا و فیزیک و زبان خارجه (مطابق برنامه جداگانه) نیز در آن تدریس می‌گردد از کلاس چهارم به سه شعبه تقسیم می‌شود:

۱- شعبه مقدمات تخصص در کمپوزیسیون و مدیریت ارکستر و موزیک هارمونی.

۲- شعبه مقدمات تخصص در ساز و آواز.

۳- شعبه آموزگاری سرود.



ماده هفتم: طول مدت تحصیل در شعبه آموزگاری سرود و موسیقی (بعد از طی کلاس سوم) دو سال خواهد بود.

ماده هشتم: گواهی نامه هر یک از شعبه های دوره متوسطه هنرستان موسیقی دارای ارزش گواهی نامه متوسط کامل است.

ماده نهم: شرایط ورود به دوره متوسطه از این قرار است:

الف - داشتن گواهی نامه رسمی دوره ابتدایی.

ب - صحت مزاج.

ج - ذوق موسیقی و استعداد جسمانی برای فرا گرفتن تعلیمات موسیقی.

ماده دهم: اساسنامه و برنامه دوره عالی هنرستان موسیقی بعدها معین خواهد شد.

ماده یازدهم: دانش آموزان هنرستان موسیقی که واجد قریحه و استعداد موسیقی باشند و تعهد کرده باشند که پس از خاتمه تحصیلات به خدمت آموزگاری موسیقی وارد شوند از پرداخت شهریه معاف خواهند بود و عنداللزوم کمک خرج تحصیلی نیز به آنها داده خواهد شد سایر دانش آموزان دوره متوسطه و عالی بر طبق مقررات عمومی باید شهریه بپردازند.

ماده دوازدهم: هنرستان موسیقی دارای نظامنامه داخلی و نظامنامه امتحانات مخصوصی خواهد بود که از طرف هنرستان تنظیم و پیشنهاد و پس از تصویب وزارت معارف به موقع اجرا گذارده خواهد شد.

برنامه مواد دروس موسیقی دوره ابتدایی

سال ششم		سال پنجم		سال چهارم	
ساعات دروس	مواد دروس	ساعات دروس	مواد دروس	ساعات دروس	مواد دروس
۱	ساز	۱	ساز	۱	ساز
۱	سلفژ برای اطفال	۱	تربیت گوش	۱	نت خوانی
۲	سرود	۲	سرود	۲	سرود
۴		۴		۴	

برنامه مواد دروس دوره اول متوسطه

کلاس سوم		کلاس دوم		کلاس اول	
ساعات دروس	مواد دروس	ساعات دروس	مواد دروس	ساعات دروس	مواد دروس
۴	فارسی	۵	فارسی	۶	فارسی
۵	زبان خارجه	۵	زبان خارجه	۶	زبان خارجه
۲	تاریخ	۲	تاریخ	۲	تاریخ
۲	جغرافی	۲	جغرافی	۲	جغرافی
—	—	۲	جبر	۲	حساب
۲	فیزیک	۲	فیزیک	—	—
۴	ساز	۲	ساز	۲	ساز
۱	موسیقی نظری	۱	موسیقی نظری	۲	موسیقی نظری
۲	سلفژ	۲	سلفژ	۲	سلفژ
۲	سرود جمعی	۱	سرود جمعی	۱	سرود
۲	ورزش	۲	ورزش	۲	ورزش
۲۶		۲۶		۲۷	



برنامه مواد دروس کلاس چهارم متوسطه

شعبه آموزگاری سرود		شعبه مقدمات تخصص در کمپوزیسیون مدیریت ارکستر و موزیک هارمونی		شعبه مقدمات تخصص در ساز و آواز	
ساعات دروس	مواد دروس	ساعات دروس	مواد دروس	ساعات دروس	مواد دروس
۴	فارسی	۴	فارسی	۴	فارسی
۴	آواز فردی و جمعی	۲	هارمونی	۴	ساز تخصصی یا آواز همنواز
۱	دیکته موسیقی	۲	دیکته موسیقی	۲	(ارکستر زهی)
۲	پیانو غیر تخصصی	۲	پیانو غیر تخصصی	۱	دیکته موسیقی
۱	سلفژ	۱	سلفژ	۲	پیانو غیر تخصصی
۲	فلوت یا قره‌نی	۲	ساز زهی یا بادی	۱	سلفژ
۱	اصطلاحات موسیقی به زبان خارجه	۲	آواز جمعی	۲	آواز جمعی
۶	زبان خارجه	۶	زبان خارجه	۶	زبان خارجه
۲	روانشناسی از لحاظ تربیت	۲	ورزش	۲	ورزش
۲	ورزش				
۲۵	کسانی که دوره اول متوسطه‌ساز آنها فلوت یا قره‌نی بوده در دوره دوم متوسطه ساز زهی خواهند زد.	۲۳		۲۴	

تبصره ۱- دانش‌آموزانی که رشته تخصصی آنها آواز است در دوره دوم متوسطه به جای کلاس هم‌نواز یا ارکستر آواز جمعی و دانش‌آموزانی که رشته تخصصی آنها ساز است به جای آواز جمعی ارکستر خواهند داشت.

تبصره ۲- دانش‌آموزانی که ساز تخصصی آنها پیانو است به جای کلاس هم‌نواز یا ارکستر کلاس آکمپایمان خواهند داشت و ماده پیانو غیر تخصصی برای آنها لازم نیست.

برنامه مواد دروس کلاس پنجم متوسطه

شعبه آموزشگاری سرود		شعبه مقدمات تخصص در کمپوزسیون مدیریت ارکستر و موزیک هارمونی		شعبه مقدمات تخصص در ساز و آواز	
ساعات دروس	مواد دروس	ساعات دروس	مواد دروس	ساعات دروس	مواد دروس
۴	ادبیات فارسی	۴	ادبیات فارسی	۴	ادبیات فارسی
۲	آواز و سرود	۲	هارمونی	۴	ساز تخصصی یا آواز
۲	آواز جمعی و تعلیم طرز اداره آن	۲	دیکنه موسیقی	۴	ارکستر
۱	دیکنه موسیقی	۲	پیانو غیر تخصصی	۱	دیکنه موسیقی
۲	پیانو غیر تخصصی	۱	سلفژ	۲	پیانو غیر تخصصی
۲	قره‌نی یا فلوت	۲	ساز زهی یا بادی	۱	سلفژ اصطلاحات
۱	تاریخ سازندگان موسیقی	۱	اصطلاحات	۱	موسیقی به زبان انگلیسی
۲	هارمونی	۲	آواز جمعی	۲	آواز جمعی
۶	زبان خارجه	۶	زبان خارجه	۶	زبان خارجه
۲	ورزش	۲	ورزش	۲	ورزش
۲۴		۲۴		۲۷	



برنامه مواد دروس کلاس ششم متوسطه

شعبه مقدمات تخصصی در کمپوزسیون و مدیریت ارکستر		شعبه مقدمات تخصصی در ساز و آواز	
ساعات دروس	مواد دروس	ساعات دروس	مواد دروس
۴	ادبیات فارسی	۴	ادبیات فارسی
۲	هارمونی عملی و سودولاسیون	۴	ساز تخصصی یا آواز
۲	شناسایی ترکیباتی موسیقی	۴	ارکستر
۱	دیکته موسیقی	۱	دیکته موسیقی
۲	پیانو غیر تخصصی	۲	پیانو غیر تخصصی
۴	ساز زهی یا بادی با شرکت در ارکستر	۲	هارمونی
۲	آواز جمعی	۲	آواز جمعی
۱	تاریخ سازندگان	۱	تاریخ و شرح حال استادان موسیقی
۶	زبان خارجه	۶	زبان خارجه
۲	ورزش	۲	ورزش
۲۶		۲۸	

شیمی

سال اول

توضیحات و دستورهای کلی راجع به طریق استفاده از اسباب‌های شیمیایی - ترکیب آن - ترکیب گاز کربنیک - قوانین عددی - ترکیبات شیمیایی از حیث حجم و جرم، سمبل - معادلات شیمیایی - طرز تهیه اجسام - مراجعه مختصری به فلزات و شبه فلزات، برنامه دوره اول - عمل اسید و بازها و املاح - اکسیدها - هیدرات‌های فلزی اطلاعات عمومی راجع به استخراج فلزات و صنایع فلزی - املاح قلیایی تو آهکی - کودهای شیمیایی آلومینیوم - آلومین - گل راست - زاج - مس - قلع - سرب.

سال دوم - یک ساعت در هفته

کرمورهای هیدروژن - نفت‌ها و بنزین - استیلن - اجسام چرب طبیعی و اسیدهای آن - گلیسرین - اسید الکسالیک - اسید طرطریک - گلوکز - ساکارز -



نشاسته آرد - سلولز - کاغذ - فنسول - جفت مازو - دباغی - جوهر سقز -
آلکالوئیدها - مواد ازته - آلومین کازین - فیبرین - (تخم مرغ و شیر و گوشت و
نان) تخمیر الکلی - انقلاب - سرکه - متعفن شدن مواد اولیه - طریق حفظ مواد
غذایی - مایه های تخمیر شیشه - آجر و سفال - سیمان - الکل - شمع - صابون -
مواد ملوئه.

تبصره ۱- در برنامه شیمی سال دوم (از مواد ازته به بعد) باید بیشتر موارد
استعمال مواد شیمیایی توضیح داده شده و از قسمت های عملی آن صرف نظر گردد.

زبان خارجه

در هر هفته در هر سال

مکالمه به وسیله طریقه مستقیم - قرائت - نوشتن موضوعات خیلی ساده

سال اول هفته: ۳ ساعت

سال دوم هفته: ۲ ساعت

برای برنامه تفصیلی مراجعه به ماده چهار شود.

ماده چهارم: ورزش باید نوعی تعلیم شود که فارغ التحصیل های دانشسرا
بتوانند به شاگردان دبستان ها تعلیم ورزش نمایند. دستور تعلیم ورزش دانشسراها را
وزارت معارف تهیه و به موقع اجرا خواهد گذاشت.

ماده پنجم: در هر یک از ساعات تمرین آموزگاری محصلات سال دوم به شش
دسته تقسیم و هر دسته به یکی از کلاس های دبستان ضمیمه خواهد رفت و یکی از
آنان تحت نظر آموزگار کلاس به تعلیم پرداخته و بقیه مجتمع خواهند بود.

برنامه تحصیلات متوسطه دختران

سرآغاز

تربیت دختران امروز که مدیر خانواده‌های آتی و در حقیقت مربی جوانان آینده کشور هستند اهمیتی به سزا دارد چه، وقتی می‌توان به پرورش یک نسل تندرست درست کردار امیدوار بود که آموزشگاه‌های ما دختران کارآزموده، خانه‌دار، قادر به تربیت کودکان و رفع احتیاجات زندگانی نوین بار آورند. بنابراین تعلیمات متوسطه دختران باید بیشتر اطلاعاتی را در برداشته باشد که در زندگانی خانوادگی و پرورش کودکان به کار آید در عین حال باید برای بانوان با استعداد راه را باز گذاشت که بتوانند در دانشگاه به تحصیلات عالی بپردازند و در فنون مختلف به خصوص فنون مربوط به پزشکی و بهداری و علوم تربیتی تخصص یابند در این برنامه هر دو منظور تأمین گردیده به این ترتیب که در سه سال اول متوسطه اطلاعات لازم راجع به خانه‌داری و خیاطی به دختران تعلیم و اطلاعات عمومی در قسمت دروس فارسی و تاریخ - جغرافیا - اخلاق - ریاضیات - فیزیک و شیمی - علوم طبیعی - زبان خارجه به اندازه برنامه پسران تعلیم می‌شود. تا دخترانی که بخواهند دوره دوم متوسطه را تکمیل و به تحصیلات عالی بپردازند دارای پایه و مایه صحیح علمی باشند.

بر طبق این برنامه دوشیزگانی که سه سال اول متوسطه را به پایان رسانده و قصد تکمیل تحصیل دارند بر حسب ذوق و استعداد به یکی از سه راه ذیل می‌توانند به مقصود برسند.

۱- در آموزشگاه‌های اختصاصی مانند دانشسرای مقدماتی دختران آموزشگاه پرستاری و امثال آنها وارد و تحصیلات خود را طبق برنامه این آموزشگاه‌ها تکمیل و مشاغل شریفی مانند آموزگاری و پرستاری را عهده‌دار گردند.

۲- دوشیزگانی که بخواهند تحصیلات متوسطه را تکمیل و به دانشگاه وارد شوند برنامه سه ساله دوم متوسطه را مانند برنامه متوسط پسران فرا خواهند گرفت با این تفاوت که در ساعت‌های تعلیمات نظامی پسران به دختران کارهای خانه‌داری و پرورش کودکان و پرستاری و خیاطی تعلیم خواهد شد.

۳- برای دوشیزگانی که بخواهند تحصیلات اختصاصی متوسطه دختران را فرا گیرند. برنامه خاصی تدوین گردیده بر طبق این برنامه در مدت دو سال علاوه بر تعلیم دروس مفید و لازم کلیه مواد و مطالبی که دانش‌تین آن برای هر بانوی کاردان و خانه‌دار لازم است از قبیل صنایع ظریفه مخصوص بانوان - موسیقی - اخلاق و آداب معاشرت - خانه‌داری - پرستاری - پرورش کودکان - خیاطی و لباس‌دوزی - طباشی و قسمت‌هایی از علوم فیزیک و شیمی و طبیعی که مربوط به کارهای خانه و زندگی اجتماعی است تعلیم می‌گردد فارغ‌التحصیل‌های این دوره به اخذ گواهینامه پایان تحصیل متوسطه دختران نایل می‌شوند.

کارکنان آموزشگاه‌ها و اشخاصی که خدمت مهم تربیت دختران را عهده‌دار می‌شوند باید پی به اهمیت کار خود برده و موقعی قبول مسئولیت کنند که از هر جهت آماده و مجهز برای انجام این وظیفه دقیق باشند. بنابراین سفارش می‌شود:

۱- در انتخاب دبیران دبیرستان‌های دخترانه دقت مخصوص در حسن سابقه و دارا بودن ملکات پسندیده آنان به عمل آید.

۲- درجه علمی دبیران دبیرستان‌هایی که دختران داوطلب تحصیل در دانشگاه را می‌پذیرند باید در حدود لیسانس و این گونه دبیرستان‌ها باید دارای آزمایشگاه‌های فیزیک و شیمی و طبیعی باشند.

۳- در دبیرستان‌های متوسطه کامل دختران باید کارگاه‌های مخصوص و وسایل کافی برای تعلیم عملی موادی که در برنامه منظور شده مانند خیاطی - لکه‌گیری - اتوکشی - طباشی موجود و به وسیله راهنمایان آزموده و دقیق قسمت‌های علمی برنامه به خوبی تمرین گردد به طوری که دوشیزگان دانش‌آموز پس از پایان تحصیل متوسطه بتوانند مدیران شایسته برای خانواده‌ها باشند. به این

دلیل است که به قسمت‌های عملی این برنامه باید اهمیت خاص داده شود چنانکه ضریب این مواد در امتحانات نهایی بیش از دروس نظری پیش‌بینی گردیده است.

سه سال اول متوسطه

۱- فارسی (مقدمه)

۱- برای قرائت از نظم و نثر آنچه برای دانش‌آموزان سودمند باشد از قبیل خداشناسی و شاه‌پرستی و اخلاق پاک و میهن‌دوستی و کوشش و کار انتخاب کنند با رعایت استعداد دانش‌آموزان.

۲- در تدریس قطعات برگزیده دانش‌آموزان را به مورد استعمال لغات و طرز به کار بردن جمل و معانی خاصه آنها و مراد گوینده متوجه سازند چنانکه دانش‌آموزان از منظور شاعر یا نویسنده آگاه گردند به خصوص در سال چهارم و پنجم نظایر عبارت‌ها و تعبیرها که در ضمن قرائت به نظر می‌رسید بر دانش‌آموزان عرضه دارند و آنان را به استخراج مفاد آنها در حد امکان مکلف گردانند چندان که ملکه استخراج و دریافت مقاصد ادب‌اء به فراخور تحصیلات برای ایشان حاصل شود.

۳- برای املاء لغاتی را که مورد حاجت و در استعمال شایع است با رعایت درجات تحصیل بر لغات مهجور مقدم دارند و حتی‌الامکان از املاء لغت‌های غریب که اکنون مستعمل نیست و تنها در یک یا دو کتاب به کار رفته اجتناب کنند.

۴- در تعلیم انشاء و ورزش فکر دانش‌آموزان را منظور دارند و ابتدا موضوع‌های انشاء را از محسوسات و آنچه فکر دانش‌آموزان بدان محیط تواند شد انتخاب کنند و چندانکه در تحسین و درست کردن الفاظ دانش‌آموزان می‌کوشند در معانی نوشته‌های آنان نیز نظر داشته باشند و آنان را به حفظ روابط افکار و تناسب اجزا موضوع در حد استعداد و قوه ایشان متوجه گردانند و تا ممکن است سعی کنند که دانش‌آموزان در هر موضوع به ابداع فکری موفق گردند و در انتظام عبارات شیوه زبان فارسی را از دست ندهند و همچنین از تعبیرها و الفاظ بیگانه که نسبت به زبان فارسی متداول بیگانه است دوری جویند و در جمل و ترکیبات فارسی قواعد عربی را که با طرز و اسلوب فارسی مخالف است رعایت ننماید.

۵- در تدریس تاریخ ادبیات باید پس از دقت در اوضاع علمی و سیاسی و چگونگی اسلوب تبلیغات در هر عهد به طریق کلی تأثیر آنها را در افکار ادباء و شعراء و پیشرفت علوم و فنون خاطر نشان دانش آموزان نمایند. نیز در شرح حال هر یک از ادباء رابطه افکار آنان را حتی الامکان با حوادث زندگی ایشان در نظر گیرند و در بیان و شرح اوضاع هر عهد مقدمات و نتایج بعضی از جریان‌های فکری و سبک‌های ادبی را مورد بحث قرار دهند تا دانش آموزان از روی دقت سیر زبان فارسی و تحول افکار بزرگان ایران را فی‌الجمله ادراک کنند به خصوص در شرح حال شعراء و نویسندگان تا ممکن است اهمیت آثار آنان را به دانش آموزان نشان دهند و ایشان را از رنج‌های بزرگان ایران در طریق اکتساب و نشر معارف آگاه گردانند.

سال اول

- ۱- قرائت: قطعات نظم و نثر از آثار فصحاء بزرگ با رعایت نکات اخلاقی و سهولت و اشکال آنها نسبت به قوای دانش آموز و حفظ بعضی از آنها.
- ۲- املاء: از روی کتاب قرائت.
- ۳- انشاء: موضوع‌های مختلف راجع به وصف مشاهدات و نقل داستان‌ها و شرح وقایع زندگانی.
- ۴- دستور زبان فارسی: یک دوره دستور زبان به نحو اختصار.

سال دوم

- ۱- قرائت: به شرح سال قبل قدری مشکل‌تر.
- ۲- املاء: از روی کتاب قرائت.
- ۳- انشاء: به شرح سال قبل.
- ۴- دستور زبان فارسی: اقسام کلمه - اسم - صفت - فعل - کنایات با تمرینات بسیار.

سال سوم

- ۱- قرائت: به شرح سال قبل قدری مشکل‌تر.
- ۲- املاء: از روی کتاب قرائت.

۳- انشاء: به شرح سال قبل به اضافه بسط یا تخیص موضوع‌های خوانده شده و تبدیل قطعات نظم به نثر.

۴- دستور زبان فارسی: قیود - حرف اضافه - حرف ربط - اصوات - تعریف جمله و اقسام آن - اجزاء جمله - تجزیه و ترکیب - قواعد ترکیب حروف به یکدیگر - تمرین بسیار و ذکر شواهد متعدد از کلام قدما.

۲- عربی - (مقدمه)

تدریس زبان عربی در دبیرستان‌ها برای چند مقصود است. دبیرستان اول - چون زبان و ادبیات فارسی آمیخته به زبان عربی است جوانان به واسطه فراگرفتن اصول زبان عربی در زبان فارسی داناتر شوند و کتب ادبی فارسی را بهتر بفهمند و به نکات آنها بهتر بربخورند.

دوم - برای اینکه جوانان یک اندازه قوه فهم عبارات عربی پیدا کنند که پس از فراغت از دبیرستان به اندک مدت و توجهی بتوانند کتب علمی و ادبی عربی را بفهمند و از آنها استفاده کنند.

سوم - به واسطه انس به معارف عربی فرهنگ و ادب جوانان قوت گیرد و معلومات سودمند در خاطرشان اندوخته شود.

چهارم - جوانان مستعد شوند برای اینکه اگر در زندگانی با مردمان عربی زبان معاشرت نمایند یا خواستند از روزنامه‌ها و کتاب‌های جدید عربی استفاده کنند با مختصر صرف وقت و مساعی به مقصود برسند.

در تدریس زبان عربی دبیر باید به هیچ وجه نظر به فضل نمایی و بیان الفاظ و عبارات غیر مأثوس نداشته باشد و نیز وارد تفصیل نشود و قواعد صرف و نحو را از شاخ و برگ‌ها و فروع غیرلازم پیراسته کند و به مطالب ضروری اکتفا کند و از صیغه‌سازی و اشتقاق و ذکر شواهد و نوادر و افاداتی که چندان محل حاجات نیست پرهیز نماید و در ضمن تاریخ ادبیات عرب باید مقام بلندی را که ایرانیان در توسعه و تهذیب و تکمیل زبان و ادبیات عرب داشته‌اند مورد توجه خاص قرار دهد.

سال اول

قرائت جمل ساده و سهل و عبارات متداول با مختصری از اصول صرف و نحو از این قرار:

از صرف تصریف فعل ماضی و مضارع و امر از افعال صحیح و شناختن صیغه‌های آنها بدون صیغه‌سازی و بدون تعریف مجرد و مزید از نحو بیان اعراب و ذکر فاعل و مبتدا و خبر و اعراب آنها به اختصار - ترجمه از عربی به فارسی.

سال دوم

۱- قرائت: جمل و عبارات متداول و حکایات ساده و سودمند و بعضی اشعار ساده ترجمه از عربی به فارسی و از فارسی به عربی از جمل خوانده شده.

۲- صرف: تعریف صرف - تقسیم کلمه به اسم و فعل و حرف تعریف هریک. اقسام اسم: صحیح - منقوس - مقصور - ممدود - علامات تأنیث - مؤنث حقیقی و مجازی - نکره معرفه - منصرف و غیر منصرف - تمرینات.

فعل: ماضی و مضارع و امر - لازم و متعدی - معلوم و مجهول - مجرد و مزید.

وجوه هفت گانه: صحیح - مثال - مهموز - مضاعف - اجوف - ناقص - لفیف - نمونه از طرف هر یک از وجود هفت گانه بدون صیغه‌سازی و بدون ذکر اعلال و ادغام و ابدال - تمرینات.

حرف: حروف جاره - حروف ناصبه - حروف جازمه - حروف شرط - نون تأکید ثقیله و خفیفه.

۳- نحو: مواضع رفع و نصب و جزم فعل مضارع - انواع اعراب اسم. مرفوعات: فاعل - نایب فاعل - مبتدا و خبر - اسم افعال ناقصه - اسم افعال مقاربه - تمرینات.

سال سوم

۱- قرائت: حکایت مختصر و قطعات نثر و نظم سودمند و حفظ بعضی از آنها ترجمه از عربی به فارسی و از فارسی به عربی.

۲- صرف: مراجعه به مطالب سال قبل به اضافه بقیه مواد به طور اختصار -
تمرینات.

۳- نحو: مراجعه به مطالب سال قبل به اضافه بقیه مواد به طور اختصار -
تمرینات.

۳- زبان فرانسه

غرض از آموختن زبان فرانسه هم از تکلم به این زبان هم فراگرفتن قواعد صرف و نحو آن می‌باشد - برای حصول این مقصود بهتر است در سه سال بیشتر به تلفظ صحیح و آموختن لغات متداول و ترکیب عبارات ساده و مکالمه توجه شود و در سال چهارم و پنجم قرائت قطعات منتخب و صرف و نحو زبان بیشتر مورد توجه قرار گیرد.

طرز تدریس: در سه سال اول متوسطه غرض از تدریس زبان فرانسه این است که شاگرد تکلم به این زبان را فراگیرد و برای نیل به این مقصد باید کلمات متداول را شفاها بیاموزد بعد آنها را با یکدیگر صحیحاً ترکیب نموده و جمله‌سازی کند و به این ترتیب معتاد به حرف زدن بشود - در اوایل باید نهایت کوشش در آموختن تلفظ صحیح کلمات به عمل آید به این ترتیب که معلم ابتدا کلمات را خود ادا نموده پس از آن محصلین را گاهی منفرداً و گاهی مجتمعاً به تلفظ وادار کند و همین که محصلین تلفظ صحیح را خوب آموختند معلم باید کلمات را روی تخته بنویسد تا املاء آنها مرکوز ذهن شاگرد بشود.

تعلیم لغات باید به وسیله ارائه اشیاء با تصویر آنها انجام بگیرد و برای محاوره و مکالمه ممکن است از نقوشات دیواری استفاده کرد.

موضوع‌هایی که در سه سال اول بیشتر باید مورد توجه باشد از این قرار است: احتیاجات و اعمال شاگرد در آموزشگاه - اسباب و لوازم تحصیل در اطاق درس - روابط شاگرد با رفقا و دبیران خود - کارهای عمده که در کلاس صورت می‌گیرد از قبیل خواندن و نوشتن و نشست و برخاست و غیره - قسمت‌های مختلف کلاس - موارد استفاده از اشیاء کلاس - تفریح و بازی - اعداد - چهار عمل اصلی ساده - اوقات و درجه حرارت - تقسیم اوقات به روز و هفته و سال - فصول چهارگانه

به اختصار - گرما و سرما - بدن انسان و احتیاجات آن - قسمت‌های مختلف بدن - غذا - لباس - اعمال حواس خمسسه - سلامت و مرض - خانه و خانواده - قسمت‌های مختلف خانه اطاق تحریر و غذاخوری و پذیرایی و غیره اثاثیه خانه - اعضاء خانواده و مشاغل آنها - دهات و مناظر آنها - ییلاق - آثار جوی - نباتات و حیوانات - کارهای روستایی از زراعت و باغبانی - حیوانات اهلی و فواید آنها - آلات و ادوات زراعتی - تفریحات روستایی از قبیل شکار و صید ماهی - گرفتن اعیاد - شهر (کوچه - خیابان - پستخانه - مهمانخانه - تئاتر و موزه - کتابخانه - مغازه - بازار) - حرف مختلف - وسایل نقلیه از قبیل درشکه و اتومبیل و غیره - طبیعت - دریا - رودخانه - کوه - جلگه - جنگل - آسمان.

مختصری از حال کاشفین بزرگ و رجال مهم عالم و اطلاعات ساده راجع به فلاح و صنایع و تجارت و امثال آنها.

املاء و دستور زبان و تکالیف کتبی در حدود قوای دانش آموزان.

در هر سال دانش آموزان باید چند قطعه منتخب متناسب با قوه خودشان از بر نمایند.

تبصره: برنامه تدریس زبان انگلیسی یا آلمانی یا روسی در حدود برنامه فوق خواهد بود.

۴- تاریخ

سال اول

۱- تاریخ ایران: پادشاهان بزرگ ساسانی - دین زرتشت - روابط ساسانیان یا دولت روم - استیلای عرب - تمدن و وضع حکومت و صنایع در دوره - ساسانیان - احوال عرب قبل از اسلام به اختصار - سیرت رسول اکرم - خلفای راشدین و خلفای اموی به اختصار - تاریخ ایران - طاهریان - صفاریان - سامانیان - آل بویه - آل زیار - غزنویان - سلجوقیان - خوارزمشاهیان - تمدن و وضع حکومت و علوم و ادبیات و اخلاق ایرانیان از انقراض ساسانیان تا استیلای مغول - فتنه مغول - حکومت ایلخانان مغول در ایران تجزیه دولت مغول.

۲- تاریخ عالم: فنودالیته و مقدمات تشکیل دول معظمه اروپا تا انقلاب کیبر

فرانسه به اختصار

سال سوم

۱- تاریخ ایران: حمله تیمور به ایران - پادشاهی اولاد تیمور - تجزیه دولت تیموری ترکمانان و آق‌قویونلو - تأسیس دولت صفویه - پادشاهان معتبر صفویه روابط سیاسی صفویه و دول اروپا - فتنه افغانه - تمدن و علوم و صنایع و ادبیات در دوره صفویه - ظهور نادرشاه و فتوحات او - اهمیت ظهور نادر برای ایران - جانشیان نادر - کریمخان زند و جانشیان او - سلسله قاجاریه روابط سیاسی قاجاریه با دول بزرگ اروپا - مشروطیت - انقراض قاجاریه - تأسیس پهلوی - ترقیات ایران در عصر حاضر.

۲- تاریخ عالم: تاریخ دول بزرگ اروپا از انقلاب فرانسه تاکنون - ادبیات و علوم و صنایع اروپا در قرون معاصر - جنگ بین‌المللی علل و نتایج آن.

۵- جغرافیا

سال اول

جغرافیای آسیا: مختصری از اوضاع طبیعی آسیا و کشورهای مجاور ایران و همچنین جغرافیای ژاپن و چین و علل ترقیات ژاپن و سایر کشورهای آسیا به طور اختصار.

جغرافیای افریقا: مختصری از اوضاع طبیعی افریقا و جغرافیای کشورهای مصر - مراکش - الجزیره - تونس - کشورهای متحده افریقای جنوبی.
جغرافیای اقیانوسیه: مختصری از اوضاع جغرافیای اقیانوسیه.

سال دوم

جغرافیای اروپا: مختصری از اوضاع طبیعی اروپا - جغرافیای کشورهای درجه اول (انگلیس - فرانسه - روسیه - آلمان - ایتالیا) و کشورهای درجه دوم (بلژیک - سوئیس - هلند - لهستان) از لحاظ طبیعی و سیاسی و اقتصادی و جغرافیای سایر کشورهای اروپا به طور اختصار.

جغرافیای امریکا: مختصری از اوضاع طبیعی امریکا و کشورهای آن (جغرافیای اتازونی - کانادا - مکزیک - آرژانتین - برزیل قدری مفصلتر تدریس شود)

سال سوم

۱- کلیات جغرافیا - تعریف جغرافیا و تقسیمات آن.

الف - تعریف جغرافیای طبیعی - وضع زمین در فضا - شکل و محور و قطبین زمین - تعریف مدارها و نصف‌النهارها - تعریف طول و عرض جغرافیایی مناطق زمین - اختلاف ساعات دو نقطه - تعریف خشکی‌ها - تعریف کوه و فلات و جلگه و فواید و تأثیر آنها در زندگانی بشر - تعریف آتش‌فشان و خطرات آن - اقیانوس‌ها - دریاها - حرکات آب دریا و تأثیرات آن - سواحل و اهمیت جغرافیایی آنها - تعریف آب و هوا باد و باران و انواع آنها - تعریف رود و دریاچه و ذکر اهمیت رودخانه در زندگانی بشر.

ب - جغرافیای انسانی - ظهور بشر و اهمیت آن در ادوار مختلف - نژادها و مساکن ایشان - ادیان و مذاهب.

ج - جغرافیای اقتصادی - محصولات زراعتی و صنعتی - معادن - راه ارتباطی و تجارت و بنادر درجه اول عالم.

۱- جغرافیای مفصل طبیعی و سیاسی و اقتصادی ایران.

۶- فیزیک

تدریس فیزیک در کلیه سال‌ها باید با آزمایش توأم باشد.

سال اول

کار در آزمایشگاه یکساعت در هفته: آزمایش‌های ساده از قبیل سنجش اول - سطح - حجم - سنگینی (وزن) - زمان - تکائف - نیرو (قوه) فشار - تندی (سرعت) و مانند آنها.

در هر یک از سنجش‌ها باید میزان تقرب معلوم گردد.

سال دوم



نیرو سنگینی: تعریف تجربی نیرو - سنگینی و توده - نیروی سنگینی - شاغول - خط شاغولی - گرانیگاه (مرکز ثقل) - نیروسنج - ترازو.
سنگینی ویژه - تکلیف و اندازه گیری آن (برای جامد و مایع) - تعادل جسم جامد (به طریق تجربی) - اهرم.

تعادل مایع ها: فشار - فشار وارد بر دیوارهای ظرف از طرف مایع - قانون پاسکال - منگنه آبی - قانون ارشمیدس - اجسام شناور غوطه ور - سطح آزاد مایع - ظروف مرتبط - تراز - چاه های معمولی و آرتزین - فواره - توزیع آب در شهرها.

تعادل گازها: تعمیم قانون های تعادل مایع در باره گاز - فشار هوا - آزمایش تریچلی - بارومتر جیوه و فلزی - واحد فشار - فشارسنج - تنج پذیری (قابلیت تراکم) گازها - قانون ماریت - سنگینی ویژه گازها - بالون تلمبه.
گرما: درجه حرارت - میزان الحرارة - مقدار گرما - کالریتر - گرمای ویژه - انبساط جامدها و مایع ها تغییر حالت (ذوب - انجماد - تبخیر)

سال سوم

نور: انتشار نور به خط مستقیم - اجسام کدر و شفاف و نیم شفاف - انعکاس نور - آینه ها (مسطح - مقعر - محدب) تصویر حقیقی و مجازی تعریف انکسار - عدسی ها - معیوب به وسیله عینک - اطلاعات مختصر راجع به ذره بین و میکروسکوپ - دوربین و اسباب عکاسی - تجزیه نور - (بدون فرمول)
صوت: سرعت - صدا.

مکانیک: حرکت آزاد جسم - کار - توان و واحدهای آنها در سلسله (سانتیمتر - گمر - ثانیه) و واحدهای عملی.

آهن ربایی: آزمایش آهن ربایی شکسته - میدان آهن ربایی - میدان آهن ربایی زمین.

برق: جریان برق و خاصیت های آن - الکترولیز - اقسام پیل - آکومولاتور - مقدار برق - کولومب - شدت جریان برق - آمپر - گرمای تولید شده به وسیله جریان برق - مقاومت - اهم - قانون ژول - چراغ برق - قانون اهم - اختلاف

بتانسیل و قوه الکتروموتوری - میدان آهنربایی جریان برق - قانون دست راست - قانون پیچ بطری - ماریچج برقی - آمپر متر و ولت متر زنگ اخبار - تلگراف. تبصره: تدریس فیزیک در سه سال اول متوسطه باید فقط جنبه تجربی داشته باشد و باید تمام قواعد و قوانین فقط به وسیله تجربه در آزمایشگاه به ثبوت برسد بیان قضایای نظری و استدلالی به کلی ممنوع است.

۷- شیمی

تعلیم شیمی باید با تجربه شروع و همواره با تجربه توأم باشد. به طوری که دانش آموز مطالب شیمی را به تدریج به وسیله تجربه فهمیده و در مغز خود جا دهد.

سال اول

در ابتدای سال فقط هشت درس اختصاص به تجربیات ابتدایی داده شود به نحوی که دانش آموز علم شیمی را جادوگری و حقه بازی نپندارد و از این تجارب استنباط نماید که تعریف و موضوع و فایده شیمی چیست.

آزمایش اول - مخلوط و مرکب: مخلوط کردن نمک و خاک ذغال - نمک و گچ ساییده گوگرد و آهن.

آزمایش دوم - بسیط و مرکب: تجزیه آب - تجزیه جیوه قرمز.

آزمایش سوم - میل ترکیبی: ترکیب گوگرد و مس - ید و فسفور - محلول امانیاک و محلول جوهر نمک.

آزمایش چهارم - فلز و اسید - روی و جوهر گوگرد - مس و جوهر گوگرد - بدون حرارت و با حرارت.

آزمایش پنجم - تجزیه: قند - تجزیه کات کبود - تجزیه ملح آمونیم.

آزمایش ششم - معرفات شیمیایی: اثر آنها بر اسید و باز (جوهر گوگرد - جوهر نمک - سود آمونیاک) معرفات شیمیایی دیگر مثل اثر پرمنگنات و هیوسولفیت ید و نشاسته - آزمایش تفریحی رنگ های پرچم - رسوب یک جسم غیر قابل حل با رنگ مثل نیدرات مس یا نیدرات آهن یا اکسید جیوه - آبی پروس (فقط و فقط به شاگرد نشان داده شود که از روی این تغییر رنگ یا تولید رسوب



می‌توان فهمید چه اجسامی در این محلول‌ها وجود ندارد بدون اینکه فرمول یا تست عملی آن شرح داده شود).

آزمایش هفتم - محلول - حلال - قابلیت انحلال جسم - جسم نامحلول - اثر حرارت در قابلیت انحلال (جسم قابل حل مثل نمک طعام یا قند - جسم غیرقابل حل مثل کربنات دو کلسیم یا گچ معمولی) مخصوصاً اثر حرارت در انحلال کلرور دو پلمب در آب.

آزمایش هشتم - نشان دادن چند آلت مقدماتی آزمایشگاه و فایده و موارد استعمال آن مثل لوله امتحان - گیلان پایه‌دار لوله مدرج - قیف - کاغذ صافی و غیره. برای تمام این آزمایش‌ها دانش‌آموزان باید دفتر یادداشتی تهیه نموده و دبیر با زبان ساده علمی مختصراً آنها را بعد از انجام آزمایش دیکته و انشاء نماید. بعد از اینکه این هشت آزمایش کاملاً انجام گرفت دبیر می‌تواند آنها را به وسیله یک دانش‌آموز لایق تکرار نماید و به شرح ذیل نتیجه علمی آنها را بیان کند: تعریف و موضوع و فایده شیمی - حالات سه گانه اجسام - آثار فیزیکی - آثار شیمیایی و فرق آنها - اجسام ساده و مرکب - مخلوط و مرکب - تجزیه و ترکیب - میل ترکیبی اجسام - تقسیم‌بندی اجسام ساده - فلزات و شبه‌فلزات - تفاوت آنها - علامات و رموز شیمیایی برای عناصر مهم - اتم و مولکول - جرم اتمی و جرم مولکولی - ترکیب و تجزیه اجسام دوتایی مانند گوگرد و آهن - اکسیژن و مس - اکسیژن و تیدروژن.

سال دوم

۱- بیان ثابت ماندن جرم اجسام در تجزیه و ترکیب شیمیایی یا مثال‌های مختلف.

۲- ظرفیت - تعریف ظرفیت - ظرفیت فلزات و شبه فلزات مهم - دستور نوشتن اجسام دوتایی با رعایت ظرفیت (در این قسمت به دانش‌آموز تمرین زیاد داده شود و مخصوصاً از فهمیدن او اطمینان حاصل گردد).

۳- فرمول و معادلات شیمیایی و نتایج آنها - ذکر فرمول چند حجم معمولی: آب آمونیاک - نمک طعام - اکسید جیوه و بالاخره نشان دادن کلیه آزمایش‌های بالا و سال قبل به وسیله فرمول شیمیایی.

- ۴- هوا - اکسیژن - نیدروژن - آب - دو خاصیت مهم از هر کدام از این دو عنصر - ذکر اکسیدها و تعریف علمی آنها (بدون ذکر اکسید بزرگ و اکسید اسید).
- ۵- کالر - اسید کلریدریک - ذکر نام - نام فامیل هالوژن‌ها - نمک طعام - ذکر قابل حل بودن کلوروها به غیر از کلرور و نقره و کلرور سرب (در آب سرد)
- ۶- گوگرد - نیدروژن سولفور - ذکر خاصیت اسیدی آن و غیر قابل حل بودن بعضی از سولفورها

- ۷- ازت - آمونیاک - اسیدنیتریک.
- ۸- کربن - اسید کربنیک.
- سال سوم

در این سال باید به فرمول‌ها بیشتر اهمیت داده شود به طوری که دانش‌آموزان از عهده نوشتن کلیه فرمول‌های شیمیایی برآیند.

- ۱- نام‌گذاری و دستور نوشتن فرمول اجسام دوتایی و سه‌تایی.
- ۲- اکسیدها - اکسیدهای بزرگ - اکسیدهای اسید - اسید قلیا - نمک - نمک بازیگ و نمک اسید - با ذکر امثله، متعدد و تجربه‌های سال قبل و تجارب جدید.
- ۳- ائیدرید سولفور - ائیدرید سولفوریک - اسید سولفوریک - اسید نیتریک - خواص اسیدی این اجسام بدون تهیه و طرز تهیه و موارد استعمال آنها.
- ۴- کلوروها - سولفورها - سولفات‌ها - ازتات‌ها - کربنات‌ها - طرز تهیه و خواص.

- ۵- فلزات مهم - خواص عمومی - کانی‌ها - اصول استخراج فلزات به طور کلی و مربوط ساختن این اصول به چند فلز مهم مانند آهن - مس - قلع - آلومینیوم - نیکل بدون این که وارد بحث استخراج و آلات صنعتی آن بشوند.
- ۶- شیمی آلی - تعریف - موضوع - فایده - رابطه آن با زندگی حیوانی و نباتی نیدروکربور - شرح خیلی مختصر از چند جسم معمولی مثل نفت و استیلن - نیدروکربور اکسیژن‌دار - شرح خیلی مختصر از الکل - سرکه - شمع - قند صابون - نیدروکربور ازت‌دار - اوره - برای شیمی آلی به هیچ وجه نباید وارد مبحث خواص و فرمول منبسط آنها شد.



۸- علوم طبیعی

سال اول - آثار کنونی

تعریف علوم طبیعی و تقسیم آن.

تعریف هر یک از قسمت‌های آن.

آثار کنونی.

آب - گردش طبیعی آب - ابر - باران - برف - یخ و یخچال و بهمن
 آب‌های روان (رودخانه - دریاچه - آبشار با ذکر مثال‌های محلی) - سیل - خطر
 سیل و جلوگیری از آن - آب‌های فرورو - چشمه‌ها - چاه و فئات - دریا -
 مصبرود - جریان‌های دریایی - عمل آب دریا - تشکیل سنگ‌های رسوبی و
 چین‌خوردگی‌ها به طور اختصار - هوا - تعریف هوا - باد و اقسام آن - تپه‌های
 شنی - آثار موجودات زنده در زمین - ذغال سنگ - نفت - جزیره‌های مرجانی -
 گل سفید - آتش‌فشان و ساختمان آن - علائم ظهور آتش‌فشان‌ها - مواد آتش‌فشانی
 - زمین‌های آتش‌فشانی - آثار فرعی آتش‌فشانی با ذکر مثال‌های محلی - زلزله و
 شرح یکی از زلزله‌های معروف - آثار زلزله در سطح زمین و پیش‌بینی که برای
 جلوگیری از خطر زلزله در ساختمان‌ها باید به عمل آید. (دبیر باید دانش‌آموزان را
 به وسیله امثله محلی به اهمیت رودخانه - سیل - آتش‌فشان - زلزله و طوفان
 متوجه سازد).

سال دوم

حیوان‌شناسی

تعریف زیست‌شناسی - ساختمان بدن موجودات زنده (ذکر اسم سلول) تقسیم

زیست‌شناسی بر حیوان‌شناسی و نبات‌شناسی.

تعریف حیوان‌شناسی - طریق شناسایی حیوانات - لزوم طبقه‌بندی و فایده آن

- اصول طبقه‌بندی - تعاریف لازمه راجع به جنس - نوع - طایفه - دسته - طبقه

شعبه - با ذکر یک مثل (سگ).

هشت شعبه مهم حیوانات (آغازین - اسفنج‌ها - مرجانیان - خارپوستان - کرم‌ها - مفصلی‌ها - نرم‌تنان - استخوان‌داران).

شعبه اول - آغازیان با یک سلولی‌ها: صفات عمومی (خیلی به اختصار) با ذکر این سه مثل:

آمیب مولد اسهال خونی - میکرب نوبه - حیوانات مولد مواد گل سفید.
شعبه دوم - اسفنج‌ها: اسفنج ساده و مرکب با ذکر اسم سه نوع اسفنج و شرح اسفنج معمولی و طریق به دست آوردن به طور خیلی مختصر.
شعبه سوم - مرجانیان: صفات عمومی ظاهری - مرجان ساده با ذکر یک مثل و مرجان مرکب با ذکر دو مثل - مرجان‌های مشکل اراضی مرجانی.
شعبه چهارم - خارتنان: صفات - صفات عمومی ظاهری به طور اختصار و ذکر ستاره دریایی به عنوان مثال.

شعبه پنجم - کرم‌ها، صفات عمومی و ظاهری - دو طبقه مهم کرم‌ها - کرم‌های انگل - کرم‌های غیر انگل - ذکر دو مثل از غیر انگلی - کرم خاکی و زالو - ذکر یک مثل از انگلی (کرم روده)

شعبه ششم - مفصلی‌ها یا پا مفصلیان: صفات عمومی و ظاهری به طور اختصار - چهار طبقه مهم یا مفصلیان: حشرات - عنکبوتان - هزارپایان - سخت‌پوستان.

۱- طبقه حشرات - پوست بدن - سر و قسمت‌های مختلف آن - سینه - شکم یک حشره مثلاً زنبور - تغییر شکل حشرات (دگرگونی) با ذکر یک یا دو مثل از هر طبقه - کفش‌دوز - مورچه‌گیر - مورچه - زنبورزرد - زنبور قرمز - زنبور عسل - بید به عنوان حشره مضر و پروانه ابریشم به عنوان حشره مفید - مگس - پشه - کپک و شرح مضار هر یک خیلی به اختصار و شناسایی پشه مالاریا - ملخ حاصل یا ملخ بوستانی - آبدزدک - سیرسیرک - سنجاکک - موربانه - شته - شن - ساس - شپش - خر خاکی و مضار آنها به طور اختصار - نظر اجمالی و طبقه‌بندی حشرات از روی مثال‌های فوق.

۲- طبقه عنکبوتان: صفات عمومی (عنکبوت پادراز معمولی یا خاکی - رطیل - کنه - کژدم) نظر اجمالی به طبقه‌بندی عنکبوتان از روی مثال‌های فوق:



۳- طبقه هزارپایان: شرح مختصری راجع به علت تسمیه و شکل ظاهری بدن آنها - هزارپای زرد خاکی.

۴- طبقه سخت پوستان: صفات عمومی - تشریح ظاهری بدن خرچنگ معمولی و ذکر یک مثل از سخت پوست (خاکشیر)

شعبه هفتم - نرم تنان - صفات عمومی ظاهری - صدف مروارید - حلزون نرم تن - مرکب - نظر اجمالی به طبقه بندی نرم تنان.

شعبه هشتم - استخوان داران: طبقات عمومی و ممیزه استخوان داران - طبقه بندی استخوان داران بر پنج طبقه.

ماهیان - ذو حیاتین - خزندگان - پرندگان و پستانداران. ماهیان اول - ماهیان - صفات عمومی - ماهی حوض - ماهی خاویار طریق مختلف شکار ماهی و تکثیر آنها.

طبقه دوم - ذو حیاتین - صفات عمومی - تغییر شکل ذو حیاتین با ذکر یک مثل - (قورباغه معمولی)

طبقه سوم - خزندگان - صفات عمومی - مارمولک - مار آبی - افعی - لاک پشت خاکی یا معمولی - نهنگ.

طبقه چهارم - پرندگان - صفات عمومی طیور - پر - بال - پنجه یا چنگال طیور - منقار و منخرین و چشم طیور - تشکیل جوجه - لانه طیور - پرستاری جوجگان - مهاجرت طیور - گوشتخواران - قرقی - جغد - دارکوب - کبوتر معمولی - خروس و مرغ معمولی - بوقلمون - اردک معمولی - لک لک - گنجشک معمولی - نظر اجمالی به طبقه بندی طیور.

طبقه پنجم - پستانداران: صفات عمومی و ظاهری - ذو جنبتین ها - کرگدن - بال - فیل آسیائی - اسب - اسب آبی - خوک اهلی - شتر - گاو معمولی - گوسفند - موش خانگی - جوجه تیغی - خرگوش - خفاش - سمور - خرس معمولی - کفتار - سگ و گربه معمولی - میمون معمولی - شامپانزه - انسان و نژادهای مختلف آن - نظر اجمالی به طبقه بندی پستانداران.

سال سوم

گیاه‌شناسی

تعریف نبات‌شناسی - لزوم طبقه‌بندی در شناسایی نباتات - مبنای طبقه‌بندی گیاه - مراتب طبقه‌بندی چنان‌که در حیوان‌شناسی مذکور شد با ذکر یا مثل (بنفشه) - ذکر اسامی اعضاء مشکل بدن نباتات جهت آگاهی دانش‌آموز - باکتری‌ها با ذکر دو باکتری مولد مرض در انسان - آلگ‌ها با ذکر یک مثل (آلگ‌های معمولی آبی حوض) - قارچ‌های کچلی - زنگ گندم - قارچ خوراکی معمولی - کپک - مختصری در خصوص قارچ‌های زهری و اجتناب از خوردن آنها - لیکن - خزها - نظر اجمالی به طبقه‌بندی نباتات بی‌گل - سرخس‌ها و ادم‌اسبان و پاگرگی‌ها - نظر کلی به طبقه‌بندی بی‌گلان ریشه‌دار.

شرح کاج معمولی - نرگس - زنبق - نخل - گندم - نظر اجمالی به طبقه‌بندی نباتات یک لپه - گلدارهای دولپه - آلاله - خشخاش - شب‌بو - میخک - ختمی - باقلا - توت‌فرنگی - گیلاس - گل‌زرد - جعفری - بادنجان - گل میمون - گاوزبان - پونه - گل‌بهار - روناس - مینا - گزنه - گردو - بلوط - بید - نظر اجمالی به طبقه‌بندی نباتات گل‌دار دولپه.

۹- بهداشت

سال اول

اغذیه: تعریف غذا - اقسام اغذیه به نظر شیمیایی و به نظر طبیعی - عمل غذا - مقدار غذا - غذای اطفال شیرخوار - غذای خردسالان - غذای جوانان - غذای پیران - آب - آب مشروب و صفات آن - آب‌های سنگین و ناسالم و ذکر اسم برخی امراض منتشره به وسیله آب - آب رودخانه - چشمه - چاه - حوض - آب‌انبار - باران - تصفیه آب - تصفیه شهری و اقسام آن - تصفیه خانگی و اقسامش - تصفیه به وسیله جوشانیدن و تصفیه شیمیایی.

اغذیه حیوانی: گوشت و اقسام آن - انگل‌های موجود در گوشت و امراض حادثه به وسیله آنها به طور اختصار - مضار استعمال گوشت‌های فاسد و مانده -



مضار گوشت محفوظ در جعبه‌های تجارتي - شیر و ترکیب آن به طور اختصار -
 امراضی که به وسیله شیر سرایت می‌کند - طرز حفظ شیر و عقیم نمودن آن -
 مشتقات شیر (کره - روغن - پنیر) مراعات نکات صحیح در استعمال شیر جهت
 اطفال - تخم مرغ و طرز استعمال آن - مضار تخم مرغ فاسد.
 اغذیه نباتی: نان و اقسام آن - سبزیجات - بقولات - میوه‌جات - قارچ‌ها -
 مرباجات ادویه و چاشنی‌ها.

مشروبات: مشروبات الکلی و اقسام آن - الکل و مسمومیت بدن - خطرات
 وارد بر شخص معتاد به الکل (در جهاز هاضمه) - جهاز دوران خون - سلسله
 اعصاب اشخاص معتاد به الکل - خطرات اجتماعی الکل - مشروبات معطره (چائی
 - قهوه - کاکائو) - مشروبات عادی (شربت - دوغ - لیموناد) - ضررهای تریاک و
 اجتناب از استعمال آن - مسمومیت از تریاک و مضار آن - دخانیات و مضار آنها.
 بهداشت دستگاه هضم - پاکیزگی دهان و دندان‌ها - کرم خوردگی دندان‌ها و
 مضار آن - پیوره و عواقب و مضار آن - دستورات لازمه در کیفیت خوردن غذا
 (موقع غذا - کیفیت جویدن - انتخاب غذا - مقدار غذا) - اغذیه معمولی با قید بد
 و خوب بودن هر یک از نظر بهداشت.

سال دوم

بهداشت دستگاه تنفسی - هوا - ترکیب هوا به طور اجمال - مقدار هوا برای
 تنفس - هوای فاسد و علل فساد آن) - ذکر اسم امراض مهمی که به وسیله هوا
 منتقل می‌شوند.
 تهویه و اقسام آن - خستگی و طرز جلوگیری آن - اندرزه‌های مهم در بهداشت
 دستگاه تنفسی.

بهداشت دستگاه حرکت: ورزش و اقسام آن: فوائد ورزش و تأثیر ورزش در
 نمو استخوان - در عضلات - در سلسله اعصاب - در تنفس - در هضم - افراط در
 ورزش - طریق راه رفتن و نشستن (در مواقع مختلف) - بهداشت پوست بدن -
 کثافت پوست و مضار آن - شست‌وشوی بدن و طریق آن - فوائد استعمال آب
 سرد - کثافت پوست سر و مضار آن - مقررات راجع به نظافت سر و استعمال

عطریات و روغن‌ها و کیفیت نگاهداری مو - بهداشت چشم و گوش و بینی و با
پاره اندرزاها و دستورات لازم - مسکن - محل مسکن - جهت بنا - ابعاد اتاق -
نور - وضعیت بنا از نظر رطوبت و کیفیت تهویه - پاکیزگی اتاق‌ها -
جاروب کردن و آبپاشی اتاق‌ها - گرم کردن منازل و طرق مختلف آن و فوائد و
مضار هر یک از آنها از نظر بهداشت.

سال سوم

بهداشت اجتماعی

تعریف بهداشت اجتماعی - مختصری در چگونگی امراض مسریه (اکتشافات
پاستور به طور خلاصه) - شرح مختصر در خصوص موجودات ذره‌بینی و طریق
زندگی آنها - عقیم کردن و طرق مختلف آن (ذکر یکی یا دو طریق کافی است) -
ذکر معدودی از مواد ضدعفونی کننده - ضدعفونی نمودن اماکن به طور اجمال -
تربیت میکروب‌ها - دفاع بدن در مقابل میکروب‌ها و اصول ساختن واکسن و سرم
و فوائد هر یک - امراض مسریه مهم - خناق - علائم مرض و میکروب آن - طرق
سرایت - مراعات نکات صحی - تهیه سرم آن به طور اختصار - مثل سیاه‌زخم -
کریپ - حصه - هاری - کزاز - مالاریا - وبا - طاعون - آبله - سرخک -
مخملک - شرح هر یک بطور اجمال با مراعات نکات صحی به قسمی که در خناق
مذکور شد.

۱۰- ریاضیات

سال اول - الف - حساب

کمیت - عدد - شمار لفظی و کتبی صحاح و اعشار - اعمال اصلیه در اعداد
صحاح و اعشار با متعلقات آنها - حل مسائل زیاد در اعمال اصلیه با استفاده از
قاعده تحویل به واحد - قابلیت تقسیم اعداد - اعداد اول و قاعده عملی تجزیه -
کوچک‌ترین مضرب مشترک مابین دو یا چند عدد - کسور متعارفی - تحویل
چندین کسر به مخرج مشترک و به کوچک‌ترین مخرج مشترک - سنجش کسر با
واحد و سنجش دو و چند کسر با یکدیگر - تحویل کسر متعارفی به اعشار با ذکر



حالات تناوب و بالعکس - اعمال اصلی در کسر متعارفی - مقیاسات متری - حل مسائل متعدد مختلف و تمرین در محاسبات ذهنی - نسبت و تناسب چهارم جزء تناسب - کمیاتی که به تناسب مستقیم یا معکوس تغییر می‌کنند - حل مسائل تناسب از راه تحویل به واحد - مرابعه ساعده و تنزیل تجارتي - تقسیم به نسبت و مشارکت - اختلاط و امتزاج - حل مسائل مربوط.

ب - هندسه

تعریف نقطه و خط و سطح و حجم - اقسام خط و سطح - قطعه - خط و خط شعاعی - تعریف مکان هندسی به کمک تعریف دایره - قوس دایره - واحد قوس - تعریف زاویه و اندازه آن - احکام راجع به زوایا - عمود و مایل - آلات ترسیم - کثیرالاضلاع - مجموع زوایای مثلث و مجموع زوایای کثیرالاضلاع محدب - مثلث و اقسام آن - احکام راجع به مثلث - حالات تساوی دو مثلث - احکام راجع به مثلث متساوی الساقین و قائم الزاویه ارتفاع و منصف الزاویه و میانه و عمود منصف در مثلث - خطوط متوازیه و احکام راجع به آنها - چهار ضلعی و اقسام آن - متوازی الاضلاع و اقسام آن و احکام راجع به آنها - محل تقاطع ارتفاعات و محل تقاطع میانه‌های مثلث - ذوزنقه و اقسام آن - حل مسائل.

سال دوم

الف - حساب

حل مسائل فکری هم از راه حساب و هم از راه جبر - جذر و کعب با تقریب اعشاری معین - دفترداری ساده به طور اختصار (فقط حساب جمع و خرج و حساب سرمایه) حل مسائل.

ب - هندسه

دایره - قوس و وتر - قاطع و مماس - زاویه مرکزی و محاطی و ظلی و اندازه هر یک - خواص راجع به اوتار در یک یا دو دایره مساوی - اوضاع نسبی دو دایره - مماس بر دایره - مماس مشترک در دایره و رسم آن - دایره محاطی و محیطی - مثلث و رسم آنها - چهارضلعی محاطی و محیطی - و احکام راجع به آنها - اشکال

مساوی و معادل - مساحت شکل مستوی - مساحت مستطیل و متوازی‌الاضلاع و مثلث و ذوزنقه و چهارضلعی و کثیرالاضلاع منظم و غیرمنظم - تبدیل بعضی اشکال به اشکال دیگر معادل با آنها - قضایای فیثاغورث دو مثلث - حل و رسم مسائل.

ج - جبر

نمایش کمیات به وسیله حروف - ساختمان دستور از روی حل بعضی مسائل حساب با معادله - تشخیص کمیاتی که در جهت تغییر می‌کند مانند طول و زمان و درجه حرارت و غیره - تعریف اعداد جبری - جمله و اجزاء آن - جمله متشابه - جمع و تفریق دو یا چند جمله - تحویل جمله متشابه - عبارت جبری یک جمله و دو جمله و چند جمله و تشخیص درجه آن - ضرب و تقسیم در عبارات جبری - تعریف اتحاد و معادله و تفاوت آنها - طبقه‌بندی معادلات از حیث مجهول و درجه - اتحادهای مهم جبر و از برکردن آنها - حل معادلات ساده درجه اول یک مجهولی - تبدیل عبارت به حاصل ضرب عوامل - اعمال کسری - تمرین زیاد.

سال سوم

الف - هندسه

نسبت دو قطعه خط و تناسب - تناسب در مثلث - رسم چهارم جزء تناسب و واسطه هندسی - تقسیم خط بر نسبت ذات وسط و طرفین - حالات تشابه دو مثلث - صفحه - فصل مشترک دو صفحه - فصل مشترک سه صفحه که دو به دو تقاطع نموده باشند - خط و صفحه متقاطع - خط عمود بر صفحه - قضیه سه عمود - عمود و مایل - خط و صفحه موازی - اوضاع نسبی دو صفحه صفحات متقاطع - مسطحه - فرجه - اندازه فرجه - صفحات عمود بر یکدیگر - صفحات متوازیه - تصویر نقطه بر محور و بر صفحه.

تعریف اجسام هندسی و دستورهای سطح و حجم آنها بدون استدلال - حل مسائل و تمرین زیاد.

ب - جبر



تمرین زیاد راجع به فاکتورگیری - عبارات اصم - بحث معادله کلی درجه اول و نامعادله درجه اول یک مجهولی - حل و بحث دستگاه دو معادله دو مجهولی درجه اول - قاعده کلی برای حل دستگاه چند معادله چند مجهولی درجه اول - به معادله گذاشتن بعضی مسائل ساده و حل آنها - علامت دو جمله درجه اول - مختصات نقطه نسب به دو محور قائم و استفاده از آن برای ترسیم نمودار بعضی عوامل متغیر از قبیل درجه حرارت و میزان رسیده‌ها و فرستاده‌های کشور و غیره - حل معادله درجه دوم یک مجهولی - روابط بین ضرب‌ها و ریشه‌ها - مسائل و تمرین زیاد.

۱۱- رسم

سال اول

مثال‌های ساده راجع به دروس هندسه و ترسیم جواب‌های آنها به مدد آلات ستاره و گونیا و پرگار و نقاله.

سال دوم

ترسیم اشکال مرکب از خطوط مستقیم و دوائر - موارد استعمال این اشکال در پاکتاژ و کارلاژودالاژ - استعمال مرکب چین و رنگ‌آمیزی بعضی از این ترسیمات (با الوان)

سال سوم

مطابق سال دوم قدری مفصل‌تر.

۱۲- نقاشی

منظور از این برنامه بیداری و تهییج ذوق دانش‌آموز است و دبیر مجبور نیست تمام آن را تعلیم دهد بلکه باید برحسب ذوق شخصی و وسایلی که دانش‌آموزان در دست دارند از بین نمونه‌ها و کارهایی که منظور شده است انتخاب نماید.

۱- نقاشی در کلاس

الف - اشیاء معمولی ساده.

ب - حیوانات و نباتات.

- ج - انسان با لباس.
 د - نمونه از روی آثار صنایع ملی و آثار یونان و روم
 ه - اشیایی که در رسم به کار برده شد.
 ۲- تزئینات
 ۳- نقاشی و طرح از خط.
 ۴- نقاشی در خارج از کلاس با مداد و رنگ و غیره مخصوصاً برای توضیح و تکمیل موضوعاتی که بسط می‌دهند.
 ۵- ترسیم قطعات معماری.
 ۶- نمونه‌سازی.
 ۱۳- خانه‌داری

سال دوم

- ۱- صفات بانوی خانه‌دار - تنظیم و تقیم کارهای خانه
 ۲- هزینه و درآمد خانه: تنظیم فهرست هزینه به تناسب درآمد با منظور داشتن پس‌انداز - اهمیت صرفه‌جویی - دفتر هزینه روزانه - دفتر دارایی - اثاثیه خانه ...
 ۳- اثاثیه خانه: انتخاب اثاثیه با ملاحظه صرفه‌جویی بهداشت - راحتی و زیبایی - حسن سلیقه در تنظیم اثاثیه و جور کردن مبل و پرده و غیره - پاک‌کردن و لکه‌گیری اثاثیه و ظرف‌ها.
 ۴- آذوقه: موقع خرید - طرز نگاهداری - میزان خرید با تناسب احتیاجات خانه.
 ۵- غذای خانواده: مواد غذایی با ذکر ترکیبات و خواص هر یک - تمیز جنس خوب از بد و طرز نگاهداری آنها - اثاثیه و لوازم آشپزخانه - طرز محافظت و پاکیزه کردن آنها - پختن غذاهای معمولی و غذای بیمار - تهیه شیرینی‌ها و مرباها - تقسیم غذاها - تنظیم صورت غذای روزانه با ملاحظه موقع و فصل - سفره‌چینی و خدمت سر سفره.

سال سوم

- گرم کردن و روشنایی خانه: اقسام بخاری‌های معمولی - عیب و حسن هر یک - سوخت‌های متداول - احتیاط برای جلوگیری از آتش‌سوزی - وسائل معمولی



روشنایی (چراغ برق - چراغ نفتی معمولی - چراغ توری) با بیان طرز به کار بردن و محاسن و معایب هر یک.

- ۳- لباس - شناختن اقسام پارچه‌ها و پوست‌های نرم - سلیقه در انتخاب و تهیه لباس با تناسب فصل و درآمد و بهداشت - شست‌وشو و لکه‌گیری و اطوکشی و آهارزنی - تمیز کردن لباس‌هایی که شسته نمی‌شود - پاک‌کردن کفش کلاه و دستکش - ضد عفونی کردن لباس - نگاهداری لباس از بیدزدگی و مثل آن.
- ۴- آداب معاشرت: با افراد خانواده و خویشاوندان - دوستان و سایر طبقات اجتماعی طرز پذیرایی میهمان‌ها - آداب نامه‌نگاری در مواقع مختلف مانند (دعوت - اعتذار - تسلیت تبریک ...)

۱۴- خیاطی

سال اول

- ۱- لباس نوزادگان تا دو سال - پیراهن لباس بلند - ژاکت - سینه‌بند - کلاه - جوراب و کفش بافتنی و قنداق به طرز جدید.
- ۲- لوازم تخت خواب نوزاد - ملافه و روبالش و غیره - کامادوزی - بردری دوزی - ژورهای ساده (برای تزئین لباس‌های فوق)
- ۳- آموختن طرز به کار بردن ماشین خیاطی

سال دوم

- ۱- لباس زیر و روی دخترانه تا پنج سال - شلوار و جلیقه سرهم پیراهن زیر - پیراهن رو - پیش‌بند - کلاه
- ۲- لباس زیر روی پسرانه تا پنج سال - شلوار و جلیقه سرهم پیراهن زیر و پیراهن و شلوار رو
- ۳- مغزی - اقسام مختلفه چین‌ها.

سال سوم

- ۱- طراحی و برش لباس‌های ساده از روی قاعده ۲- آزمایش روی مجسمه و بدن انسان ۳- جور کردن دو طرف لباس پس از آزمایش ۴- دوخت ۵- اطو ۶-

تعلیم اقسام مختلف آستین یقه و جیب ۷- ژاکت و شلوار پسرانه با آستر تا پنج سال ۸- اصلاح و مرمت لباس های پشمی (وضالی - رفو روی پارچه های پشمی و نخى تکه دادن پارچه) ۹- لباس تنیس و اقسام دیگر لباس های ورزش.

۱۵- ورزش

(مطابق با برنامه مخصوص)

جدول ساعات دروس و تمرین های عملی در هفته

سال سوم	سال دوم	سال اول	
۵	۵	۵	فارسی
۲	۲	۳	عربی
۲	۲	۱	فیزیک
۲	۲	۱	شیمی
۲	۲	۲	طبیعی و بهداشت
۲	۲	۲	تاریخ
۲	۲	۲	جغرافیا
-	۱	۳	حساب
۲	۲	۲	هندسه
۵	۵	۶	زبان خارجه
۳	۲	-	جبر
۱	۱	۱	رسم و نقاشی
۲	۲	-	خانه داری
۲	۲	۲	خیاطی
۲	۲	۲	ورزش
-	-	۲	پیش آهنگی
۳۴	۳۴	۳۴	

تبصره - به اضافه ساعات های ورزش که در جدول ذکر شده باید اقلأ در هفته دو ساعت خارج از برنامه صرف ورزش شود.



دوره دوم متوسطه دختران

۱- فارسی و زبان خارجه

برنامه درس فارسی و زبان خارجه در حدود برنامه سال ۴ و ۵ متوسطه پسران می باشد ولی در انتخاب کتابها باید دقت نمایند. کتابهایی که مخصوص بانوان است از قبیل کتابهای مربوط به خانه داری - بچه داری - اخلاق خانوادگی و امثال آنها انتخاب شود. به علاوه یک کتاب قرائت مخصوص این دوره باید تألیف شود که در آن کلیه مطالبی که دانستن آنها برای بانوان لازم ولی اهمیت و تفصیل آن به قدری نیست که موضوع یک درس بخصوص قرار گیرد مانند: بعضی اطلاعات تاریخی و جغرافیایی برای تکمیل مطالبی که در دوره اول متوسطه خوانده شده - تاریخچه بانوان مشهور دنیا و خدماتی که هر یک به جامعه نموده اند - اطلاعات حقوقی و اقتصادی - اطلاعات لازم از تعلیمات مدنی مخصوصاً موادی از قانون مدنی که مربوط به حقوق بانوان - زناشویی - رهایی و غیره است - شرح بعضی اکتشاف مهم ... درج به وسیله قرائت به دانش آموزان تعلیم گردد.

۲- خانه داری

سال چهارم

کلیات: خانه و خانواده - مقام و اهمیت مادر در خانواده وظایف انفرادی و اجتماعی مادران - صفات بانوی خانه دار - تنظیم و تقسیم کارهای خانه - اثاثیه لازم برای یک خانواده نوزاد.

درآمد و هزینه خانه: تنظیم فهرست هزینه به تناسب درآمد با منظور داشتن پس انداز - نگاهداری دفتر خرج روزانه - نگاهداری دفتر دارایی و اثاثیه خانه - صرفه جویی و طریقه های عملی برای آن مانند خرید لوازم در فصل خود - نگاهداری خواروبار - استفاده از اثاثیه و لباس های مستعمل.

پاکیزه کاری: پاکیزگی افراد خانواده - تمیز کردن قسمت های مختلف خانه - اثاثیه خانه - لباس ها - فرش - مبل - شیشه ها - ضد عفونی کردن نقاط لازم مانند

محل شست‌وشوی حمام و مستراح - تناسب و سلیقه در سازمان خانه - چیدن اثاثیه و تزئین قسمت‌های مختلف خانه با در نظر داشتن موقع و محل هر اطاق - اطاق پذیرایی - اطاق کار - اطاق خواب - راه‌روها و پله‌ها - باغچه و حیاط منزل - وسایل تزئین - تناسب رنگ‌های مبیل و پرده و غیره در هر اطاق - طرز روشنایی - گل کاری و مواظبت باغچه.

تبصره - تدریس مواد فوق همواره با عمل و تمرین باید توأم باشد.

۳- تهیه غذا

سال چهارم

۱- بهداشت خوارک و مسمومیت غذایی.

۲- کلیات راجع به مواد غذایی متداول از نباتی و حیوانی با ذکر خصائص و فوائد هر یک به طور اختصار - خصائص و طریق تشخیص جنس تازه از کهنه و فاسد و همچنین طرق نگاهداری و خاصیت غذایی.

گوشت - تخم‌مرغ - شیر - کره - روغن - میوه‌ها - سبزی‌ها - نان و مسمومیت‌های مواد مانده از آنها باید به تفصیل و با دلایل و توضیحات آموخته شود.

۳- ساختمان آشپزخانه - اثاثیه آشپزخانه - آشپز و وظایف او.

۴- پاکیزگی آشپزخانه - ظرفشویی - پاکیزگی و نگاه‌داشتن ظروف و اثاثیه و کارد و چنگال.

۵- شناختن و به کار بردن اثاثیه مکانیکی آشپزخانه (مانند یخچال الکتریکی - گرم‌خانه - سردخانه ...)

۶- طبقه‌بندی اقسام مختلف غذاها و آشامیدنی‌های گرم و سرد و شیرینی‌ها و مرباها و ترشی‌ها.

۷- تعلیم علمی و عملی تهیه انواع غذاها و ایرانی مانند اقسام آبگوشت - پلو - کباب - خورش - کوییده - تاس کباب - دلمه - آش - بورانی - کوسو و خوارکی‌های محلی.



سال پنجم

مراجعه و تکمیل مواد سال پیش و تعلیم علمی و عملی تهیه اقسام سوپ و پتاژ - سالاد - ماهی - پرنده - خوراک‌های مختلف که با گوشت و حبوبات تخم‌مرغ و غیره تهیه می‌شود - اقسام مربا - ترشی - شربت - دسر و نگاهداری آنها - اقسام شیرینی‌های ایرانی و فرنگی غذای اطفال - غذای مریض - غذای سرد.

موارد استعمال غذاها در چاشت - ظهر - عصر - شام.

تنظیم صورت خوراک‌ها (منو) با ذکر مثال‌های متعدد نسبت به فصول مختلف و مقام مهمانان.

انتخاب غذا با ملاحظه مقدار مواد غذایی هر یک - تعیین میزان غذا به تناسب عده افراد - ترتیب چیدن میز و تزیینات آن - پیشخدمت‌ها و وظایف و طرز کار و آداب و رسوم خدمتگزاری سر میز و لباس آنها.

۴- خیاطی و لباس‌داری

سال چهارم - قسمت نظری

قواعد و دستورهای عمومی راجع به خیاطی - طرز شناختن پارچه - نخ‌های مختلفی که در پارچه‌ها به کار می‌رود - قسمت‌های مختلف پارچه - امتحان دوام پارچه - تمیز رنگ و غیر ثابت - اقسام لباس‌ها و مواقع پوشیدن هر یک - تناسب پارچه از حیث جنس و رنگ برای لباس‌های مختلف - رنگ کردن پارچه.

قسمت عملی

۱- مراجعه و تکمیل موادی که در سال سوم تعلیم شده ۲- طراحی و الگوبرداری اقسام مختلف لباس‌های ضخیم رو مانند ژاکت - دامن - پالتو - پسرانه و دخترانه - پالتو زنانه ساده - پی‌جامه ۳- برش لباس‌های فوق ۴- آزمایش روی مجسمه و بدن ۵- دوخت یک یا دو نمونه ۶- اطوکشی ۷- آهارزنی ۸- تمرین عملی قسمت نظری و به کار بردن دستورهایی که در درس شیمی برای لکه‌گیری و تمیز کردن پارچه‌ها آموخته شده.

سال پنجم

۱- تکرار و تکمیل مواد سال پیش ۲- تهیه لباس‌هایی که در سال قبل ذکر شده از روی طرح با کمک قواعدی که در سال چهارم تنظیم شده. ۳- دوخت دو نمونه لباس.

۵- بچه‌داری

سال چهارم

۱- توضیح چگونگی نشو و نمای طبیعی بچه

نوزاد، از روز تولد تا ۱۵ روز (بند ناف - چشم‌ها - پوست بدن - استخوان - سر - وزن - مدفوع - ادرار - زردی طبیعی بچه) - بچه تا دو سالگی.

۲- اطاق بچه

درجه حرارت اطاق - طریقه گرم کردن اطاق - گهواره یا تخت خواب - مبیل و اثاثیه دیگر - قفسه مخصوص برای اسباب قنداق بچه.

۳- بهداشت عمومی بچه

لباس پوشانیدن طفل و ترتیب آن در مواقع مختلف - قنداق - شرایط کهنه بچه و شست‌وشوی آن.

۴- بهداشت روزانه بچه

نظافت روزانه طفل و حمام - توجهات لازم برای چشم‌ها و گوش‌ها و بینی - شستشوی دهان - ناخن‌ها - عوض کردن قنداق - خواب بچه - پستانک و مضار آن - راه رفتن طفل و اولین قدم‌هایی که برمی‌دارد.

۵- تغذیه طفل

الف - تغذیه با شیر مادر و ترجیح آن بر سایر شیرها. شرایط زنان شیرده - ابتدای شیردادن با پستان و مشکلات آن (نظافت پستان و جلوگیری از عوارضی که ممکن است تولید شود).



احتیاط‌هایی که برای دایه منظور می‌شود - شیردادن بچه در هفته اول - طرز شیر دادن بعد از هفته اول - عوارضی که در شیر مادر پیدا می‌شود.

ب - تغذیه با دو شیر (شیر مادر و شیر گاو).

انتخاب شیر - از بین بردن میکروب‌های شیر - تغییر شیر گاو به وسیله قند زدن - چربی گرفتن - اضافه کردن آب میوه تا دارای خاصیت شیر مادر می‌شود - فواصل ساعات غذا و اهمیت آن - طرز استعمال پستانک و نگهداری آن - توجهات لازم در موقع شیردادن با پستانک و عوارض آن.

عوارض دستگاه گوارش (دل‌درد - یبوست - استفراغ)

عوارض گوش (گوش درد - چرک گوش ...)

عوارض چشم - عوارض سلسله اعصاب (حمله غش و ضعف - درد سر - بی‌خوابی) گرما و آفتاب‌زدگی - عوارض پوست (سوختن - گزیدن حشرات - زخم ...)

سایر عوارض از قبیل سرماخوردگی - کوفتگی و شکستگی - خون‌دماغ - مسمومیت - حمله مارگزیدگی - گلودرد - خفگی.

۶- نقاشی

سال چهارم

الف - کشیدن هرگونه اشیاء معمولی از روی طبیعت با سایه روشن.

ب - طرح‌های مختلف از حیوانات - نباتات - گل‌ها و طیور با سایه روشن برای هنرهای دستی و بافندگی انواع و اقسام لباس‌ها و قلاب‌دوزی و گل‌دوزی و ابریشم‌دوزی روی پارچه جهت رومیزی و حاشیه و دستمال و پرده - روی بالشی و غیره.

ج - طراحی از مناظر به طور ساده و دورنماسازی از روی سرمشق و رنگ‌آمیزی مختصری با مداد برای آشنا شدن به قسمت‌های تزئینی که آنها را در نقشه‌های روی پارچه به کار می‌برند.

د - تنظیم مختصری از مناظر و مزایا برای آشنا شدن به تناسبات دورنما و تزئینات که در هنرهای دستی به کار برده می‌شود.

سال پنجم

الف - کشیدن هر گونه شیئی از روی طبیعت با سایه روشن و سیاه‌قلم سازی از روی صورت انسان.

ب - دورنما سازی از روی سرمشق با مداد رنگی برای تکمیل هنرهای دستی و طرح نقشه‌های تزئیناتی از گل و میوه و هر رقم حاشیه برحسب ذوق دانش‌آموزان و یا دستور دبیر.

ج - مناظر و مزایا کامل‌تر از سال قبل که کمکی در تناسبات تزئیناتی شده باشد.

تبصره - برنامه نقاشی برای کمک و تکمیل هنر و صنایع دستی است و دانش‌آموزان بر حسب ذوق و استعداد شخصی با راهنمایی دبیر می‌توانند طرز تهیه طرح‌های لازم را برای منبت‌کاری و مشبک‌کاری و امثال آن فرا گیرند.

۷- صنایع دستی

تعلیم و تمرین کارهای دستی مربوط به بانوان از قبیل گلدوزی - توربافی - کاماودوزی - کشبافی از روی طرح.

۸- اخلاق و آداب معاشرت

سال چهارم

مهر و شادی - اخلاق نیک - حسن سلوک - بردباری - قناعت - امانت - راستی - پاکدامنی - مضار تزویر و دورویی و خودنمایی و اسراف.

سال پنجم

وظایف و تکالیف زن و شوهر - وظایف بانو نسبت به افراد خانواده (خویشاوندان خود - اطفال - خدمتکاران) - وظایف فرزندان نسبت به پدر و مادر - شرایط حصول توافق اخلاق با شوهر.

شرایط محبوب شدن میان افراد خانواده با حسن سلوک و اخلاق - راه عملی تربیت اخلاق کودکان.



آداب معاشرت

با افراد خانواده - طبقات مختلف اجتماعی - شیوه رفتار و سخنگویی در هر موقع و مقام با تناسب درجات اجتماعی طرز رفتار در میهمانی‌ها و مجالس رسمی - طرز پذیرایی مهمان - تشریفات معمولی مملکت مانند اعیاد - جشن‌ها - سوگواری‌ها - اصول نامه‌نگاری در مواقع مختلف (دعوت - اعتذار - تسلیت - تبریک).

۹- فیزیک

سال چهارم

گرما

تولید گرما - سوخت‌های متداول در منازل و موارد استعمال هر یک - طریقه های مختلف متداول برای گرم کردن منازل - اجسام عایق و هادی گرما - بخاری‌های معمولی - گرم‌خانه - بخاری الکتریکی (شرح اختصاری دستگاه‌ها و طرز عمل با بیان محاسن و معایب هر یک).

نور

تولید نور - وسایل مختلف متداول برای روشنایی منازل - چراغ‌های معمولی نفتی - چراغ فشاری نوری چراغ برق روشنایی مستقیم و غیر مستقیم - مقدار روشنایی لازم برای هر اطاق - عکاسی.

سال پنجم

الکتریسیته

وسایل الکتریکی متداول در منازل - اتو و سماور - جاروب الکتریکی - دستگاه سرماگر - تلفن زنگی اخبار (مختصری از چگونگی ساختمان و طرز به کار بردن آنها) - خطرات حاصل از جریان برق و نکات لازم برای جلوگیری از آن - عوض کردن چراغ و فوزیبل - موتور الکتریکی به اختصار - مختصری راجع به رادیو و طرز استفاده از آن.

صوت

تولید صوت - انتشار صوت - صوت‌های موسیقی - فاصله و گام‌های موسیقی -
 ثبت صوت - گرامافون مختصری راجع به سینمای ناطق.
 عوامل جو - مختصری راجع به اهمیت علم فیزیک و رابطه آن با تمدن جدید.

۱۰- شیمی

سال چهارم

الف - کلیات

مختصری راجع به تهیه و خواص شیمیایی کلر و گوگرد به طور مفصل و برم و ید و کربن به طور اختصار با ذکر ترکیبات آنها (آب‌کلر و آب‌برم و آب‌ید و کلرات‌ها و هیپوکلریت‌ها و خواص اکسیدکننده آنها) ترکیبات گوگرد (انیدرید سولفور و اسیدسولفوریک و هیپوسولفیت) شرح اکسیدکننده‌های ذیل (پرمنگنات پتاسیم و آب اکسیژنه و جوهر شوره و کلرات‌ها و آب ژاول و برات‌ها بدون طرز تهیه). احیاء کننده‌ها (انیدرید سولفور و نیدروژن سولفور و هیپوسولفیت):

تبصره - خاصیت‌های اجسام مذکور را باید با مثال‌های عملی و ساده بیان نموده و ضمناً سعی کرد که دانش‌آموز فرق میان اکسیده کردن و اکسیژنه کردن و احیا کردن را خوب استنباط نماید.

ب - موارد استعمال

پس از شرح کلیات باید دانش‌آموزان را به موارد استفاده از خواص شیمیایی اجسام مذکور در زندگانی خانوادگی آشنا ساخت و به ترتیب زیر از خواص شیمیایی آنها استفاده کرد.

۱- طرز نگاهداری و تمیز کردن لباس‌ها به وسایل شیمیایی - رخت‌شویی و سفید کردن لباس - شرح خاصیت‌های موادی که برای این کار مصرف می‌شوند از قبیل جوش شیرین - آب اکسیژنه - آب ژاول کلرور دوشو - آب لاباراک - پرسیل - پربرات‌ها و غیره با ذکر موارد استعمال و امتیاز و طرز به کار بردن هر یک.



- ۲- پاک کردن لکه‌های مختلف - چربی - مرکب - شمع - مگس - میوه ها - شراب - پوست گردو و انار - خون و سرکه و رنگ و روغن و ورنی و واکس و رنگ آهن و غیره از روی پارچه‌های (نخی و ابریشم و پشم و فلانل) رنگی و غیر رنگی و نمد کلاه‌های سبدي و غیره و کفش‌های چرمی و ورنی.
- ۳- طرز پاک کردن لوازم توالت از قبیل اسفنج و شانه و مسواک و ماهوت پاک‌کن و غیره و طرز تمیز کردن سایر لوازمات خانواده مثل مشمع و بخاری و در و پنجره و غیره.
- ۴- طریقه ضد عفونی کردن منازل و طرز معطر ساختن آنها و طرز از بین بردن حشرات.
- ۵- طریقه‌های مختلف تهیه کنسروهای میوه و سبزی‌ها و گوشت‌ها و غیره.

سال پنجم

- ۱- کلیات راجع به خواص شیمیایی فلزات مهم مثل آهن و مس و روی و قلع و سرب و آلومینیم و فلزات قیمتی (طلا و نقره و طلای سفید) با شرح مختصر و موجزی از طرز استخراج آنها.
- ۲- شرح آلیاژهای مهمی که در ساختن لوازمات خانواده مثل کارد و چنگال و زینت‌آلات به کار می‌روند بدون طرز ساختن آنها.
- ۳- شرح آب کاری مختلف (آب نقره و آب نیکل و آب طلا و آب کرم) با ذکر مختصری از طریقه آبکاری ولی امتیاز آبکاری‌ها را بر یکدیگر و درجه خوبی و مقاومت آنها را شرح دهند.
- طرز پاک کردن کارد و چنگال و ظروف و سایر اشیاء به وسایل شیمیایی و طریقه براق کردن آلات تزیین و غیره.
- ۴- شرح کتان و پنبه و پشم و نخ و ابریشم‌های طبیعی و مصنوعی و ذکر خواص شیمیایی آنها - امتحان ثابت بودن رنگ‌های آنها - امتحان محکمی و دوام و طرز شناختن پارچه‌های مختلفی که از آنها می‌بافند - طریقه تشخیص ابریشم‌های طبیعی و مصنوعی و پشم و نخ.
- ۵- امتحان قابل نفوذ بودن در مقابل آب و امتحان معایب پارچه‌ها - پوست‌های نرم و طرز نگاهداری آنها.

۶- مختصری راجع به عطرهاى مصنوعى و طبيعى و امتياز آنها و اندكى راجع به تهيه ساده آنها در منازل شرح مختصرى از لوازم توالى از قبيل كرمها و پودرها و خميرهاى دندان و ذكر موادى كه آنها را تشكيل مى دهند.

ذكر داروهاى شيميايى كه در منازل استعمال مى شوند و مخصوصاً آنهايى كه ممكن است باعث مسموم شدن شوند و راه معالجه آنها.

۱۱- علوم طبيعى

سال چهارم

كليات راجع به گياهشناسى و تربيت گياهها - بافتههاى گياه - ساقه - ريشه - گل (دبير بايد براى ايجاد ذوق به كارهاى دستى دانش آموزان را به ترسيم انواع مختلف گل از روى طبيعت عادت دهد) دانه - ميوه - اهميت رستنىها از نظر غذاهاى انساني - گياههاى خوردنى: ريشه و ساقههاى زيرزمينى - هويج - چغندر - ترب - سيبزمينى - پياز - پيازچه - برگهاى خوردنى مانند نعنا - جعفرى: گل كلم - دانهها - نخود - لوييا - طرز نگاهدارى و پرورش گياههاى مفيد به طور اختصار - باغچهبندى - گلكارى - درختهاى ميوه و روش پرورش آنها - پيوند - گياههاى مضر به طور كلي.

سال پنجم

كليات راجع به ساختمان بدن انسان - ياخته - بافت به طور اختصار - دستگاهها - خون و گردش خون - دم زدن - هوا - مقدار هواى لازم براى تنفس انسان - رفتار و آلايش هوا - غبار و ميكروبهاى هوا - اختناق - گوارش خوردنىهاى حيوانى و گياهى - غذاى كودك - غذاى كامل و ويتامينها مقدار غذاى انسان - روش اندازه گرفتن درجه حرارت بدن - دفع مواد زائد از راه پوست و كليه - مختصرى از ساختمان پوست و دستگاه ادرار - ترشحهاى داخلى به طور اختصار و اهميت غدههاى ترشحى - استخوانبندى - كارهاى عمومى سلسله - پيها.

كليات راجع به جانوران - جانوران يك ياخته مولد امراض - آميب مولد مالاريا - جانوران پرياختههاى - انگلها - كرمها - حشرهها - اهميت حشرهها در



انتقال بیماری‌ها - مختصری از وسائل گرفتن و از بین بردن حشرات - حشرات مفید - ماهی‌ها - پرندگان - پستانداران.

۱۲- روان‌شناسی از لحاظ پرورش کودکان

سال پنجم

- ۱- روانشناسی کودکان و روان‌شناسی عمومی
- ۲- چگونگی رشد اطفال - رشد جسمانی و رشد روحانی و مناسبات آنها
- ۳- حواس ظاهره و قوه مشاهده - طریقه پرورش آنها
- ۴- دقت (انتباه) و سیر تکاملی آن
- ۵- حافظه کودکان و تشخیص انواع آن
- ۶- تخیل اختراعی در خردسالان و در سالمندان
- ۷- ظهور فکر منطقی در اطفال و سیر تکاملی آن
- ۸- هوش و وسیله آزمایش آن - روش تست - تست‌های بینه و سیمن و تغییراتی که به آنها داده شده است.
- ۹- زبان و مراحل مختلف آن
- ۱۰- ترس خشم و کم‌رویی در اطفال و وسایل معاوضه با آنها
- ۱۱- حس خودخواهی طفل - حب خانوادگی - میهن‌پرستی
- ۱۲- حس کنجکاوی - ذوق صنعتی و سیر تدریجی آن - حس دینی و حس اخلاقی و تأثیر محیط در تحول آنها - اصول دینی و اخلاقی که باید به اطفال داده شود
- ۱۳- عادت - تقلید - اراده
- ۱۴- شخصیت و منش - اقسام منش‌ها

۱۳- موسیقی نظری

سال چهارم

- ۱- اشکال حروف موسیقی - حامل - خطوط اضافی - اسامی هفت نت - کلیدها - علامات تغییر دهنده اصلی و عرضی.



۲- گام دیاتنیک بزرگ - درجات گام و اسم آن - پرده و نیم پرده دیاتنیک -
فواصل پیوسته و گسسته و اسامی آنها - فواصل بالا رونده و پایین رونده فواصل
ترکیبی و اسامی آنها - فواصل معکوس
۳- پرده شناسی و گامها: تنالیته یا تن - صداها ی هارمونیک - تشکیل تنالیته و
گامها

۴- نیم پرده دیاتنیک و کرما تیک - فواصل بزرگ و درست - فواصل کوچک
و کاسته و افزوده - فواصل ترکیبی و معکوس
۵- مد بزرگ و کوچک
۶- گام کرما تیک بالا رونده و پایین رونده

سال پنجم

۱- ارزش حروف موسیقی - سکوتها - نقطه خط اتحاد
۲- میزان - خط میزان زدن - ضرب قوی و ضعیف - میزان ساده و ترکیبی اعداد
معرف میزانها
۳- حرکات و اصطلاحات آن - حالات و علامات آن
۴- نت های زینت و اختصارات



جدول ساعات دروس و تمرین‌های عملی

مجموع	سال پنجم		سال چهارم			
	درس	عملیات	مجموع	عملیات	درس	
۴	-	۴	۴	-	۴	فارسی
۴	-	۴	۴	-	۴	زبان خارجه
۱	-	۱	۱	-	۱	اخلاق و آداب معاشرت
۲	۱	۱	۲	۱	۱	فیزیک
۲	۱	۱	۲	۱	۱	شیمی
۲	۱	۱	۲	۱	۱	طبیعی
۲	-	۲	۲	-	۲	بچه‌داری
۱	-	۱	-	-	-	روانشناسی
۲	-	۲	-	-	-	پرستاری
۲	۱	۱	۴	۳	۱	خانه‌درای
۳	۲	۱	۴	۳	۱	خیاطی
۱	۱	-	۱	۱	-	صنایع دستی
۱	۱	-	۱	۱	-	نقاشی
۴	۳	۱	۴	۳	۱	طب‌باخی
۱	-	۱	۱	-	۱	موسیقی
۲	۲	-	۲	۲	-	ورزش
۳۴	۱۳	۲۱	۳۴	۱۶	۱۸	

تبصره: به اضافه ساعات ورزش که در جدول ذکر شد باید اقلأً هر هفته پنج ساعت خارج از برنامه صرف ورزش شود.

۳- برنامه خانه‌داری و خیاطی و پرورش کودکان و پرستاری برای دخترانی که سه سال آخر متوجه را مطابق برنامه کامل متوسطه پسران تحصیل کرده و به دانشگاه وارد می‌شوند.

۱- خانه‌داری (یک ساعت در هفته)

سال چهارم

خانه و خانواده - مقام و اهمیت مادر در خانواده - وظایف انفرادی و اجتماعی بانوان - صفات بانوی خانه‌دار - تنظیم و تقسیم کارهای خانه - تنظیم فهرست هزینه به تناسب درآمد با منظور داشتن پس‌انداز - نگاهداری دفتر خرج روزانه - نگاهداری دفتر دارایی و ااثیه خانه - صرفه‌جویی و طریقه‌های عملی برای آن مانند خرید لوازم در فصل خود - نگاهداری خواروبار.

سال پنجم

پاکیزه‌کاری: پاکیزگی افراد خانواده تمیز کردن قسمت‌های مختلف خانه - ااثیه خانه - لباس‌ها - شیشه - ضد عفونی کردن نقاط لازم مانند محل شستشو - حمام - مستراح.

تناسب و سلیقه در سازمان خانه - چیدن ااثیه و تزئین قسمت‌های مختلف خانه با در نظر داشتن موقع و محل هر اطاق.
تهیه غذا:

- ۱- بهداشت خوراکی‌ها و مسمومیت غذایی.
- ۲- کلیات راجع به مواد غذایی متداول از نباتی و حیوانی با ذکر خصایص و فواید هر یک به طور اختصار خصایص و طریق تشخیص جنس تازه از کهنه و فاسد و همچنین طریق نگاهداری و خاصیت غذایی - گوشت - تخم‌مرغ - شیر - روغن - میوه‌ها - سبزی‌ها و مسمومیت‌های مواد مانده از آنها.
- ۳- ساختمان آشپزخانه - ااثیه آشپزخانه - آشپز و وظایف او.
- ۴- پاکیزگی آشپزخانه - ظرف‌شویی - پاکیزگی و نگاهداشتن ظروف و ااثیه و کارد و چنگال.
- ۵- شناختن و به کار بردن ااثیه مکانیکی آشپزخانه (مانند یخچال الکتریکی - گرم‌خانه - سردخانه ...)
- ۶- طبقه‌بندی اقسام مختلف غذاها و آشامیدنی‌های گرم و سرد و شیرینی‌ها و مرباها و ترشی‌ها.



سال ششم

۷- طرز تهیه انواع غذاها مانند اقسام آبگوشت - پلو - کباب - خورش - کوبیده - تاس کباب - دلمه - آش - بورانی - کوکو و خوراکی‌های محلی - اقسام سوپ و پتاژ - سالاد - ماهی - پرنده - اقسام مربا - شیرینی - ترشی - شربت - دسر و نگاهداری آنها.

موارد استعمال غذاهای نامبرده در چاشت - غذای ظهر - عصرانه - شام - تنظیم صورت خوراکی‌ها با ذکر مثال‌های متعدد بسته به محصولات مختلف و مقام میهمانان - ترتیب چیدن میز و تزیینات آن. پیشخدمت‌ها و وظایف و طرز کار و آداب و رسوم خدمتگذاری سر میز و لباس آنها.

۲- خیاطی و تهیه لباس (یک ساعت در هفته)

سال چهارم

قواعد و دستورهای عمومی راجع به خیاطی - طرز شناختن پارچه و نخ‌های مختلف که در پارچه‌ها به کار می‌رود - قسمت‌های مختلف پارچه - امتحان دوام پارچه - تمیز رنگ ثابت و غیر ثابت - اقسام لباس‌ها و مواقع پوشیدن هر یک - تناسب پارچه از حیث جنس و رنگ برای لباس‌های مختلف - رنگ کردن پارچه.

سال پنجم

طراحی و الگوبرداری - اقسام مختلف لباس‌های ضخیم رو مانند ژاکت - دامن - پالتو پسرانه و دخترانه - پالتو زنانه ساده - بی‌جامه - برش لباس‌های فوق - آزمایش روی مجسمه و بدن - دوخت یک یا دو نمونه - اطوکشی - آهارزنی - تعلیم مطالبی که در برنامه شیمی دوره اختصاصی دختران برای لکه‌گیری و تمیز کردن پارچه‌ها ذکر شده.

سال ششم

۱- تکمیل مواد سال‌های پیش.

- ۲- تهیه لباس‌هایی که در سال پیش ذکر شده از روی طرح با کمک قواعدی که در سال چهارم تعلیم شده.
- ۳- دوخت یک نمونه لباس.

۳- پرورش کودکان (یک ساعت در هفته)

سال چهارم

- ۱- نشو و نمای طبیعی بچه
- ۲- اطاق بچه
- درجه حرارت اطاق - طریقه گرم کردن اطاق - گهواره یا تخت خواب - مبیل و اثاثیه دیگر.
- ۳- بهداشت عمومی بچه
- لباس پوشیدن طفل و ترتیب آن در مواقع مختلف - قنناق - شرایط کهنه بچه و شستشوی آن.
- بهداشت روزانه
- نظافت روزانه طفل و حمام - توجهات لازم برای چشم‌ها و گوش‌ها و بینی - شستشوی دهان - ناخن‌ها - عوض کردن قنناق - خواب بچه - پستانک و مضار آن - راه رفتن طفل و اولین قدم‌هایی که برمی‌دارد.

۴- تغذیه طفل

الف - تغذیه با شیر مادر و ترجیح آن بر سایر شیرها

شرایط زنان شیرده - ابتدای شیردادن با پستان و مشکلات آن (نظافت پستان و جلوگیری از عوارضی که ممکن است تولید شود - احتیاط‌هایی که برای دایه منظور می‌شود - شیردادن بچه در هفته اول - طرز شیر دادن بعد از هفته اول - عوارضی که در شیردادن مادر پیدا می‌شود.

ب - تغذیه با دو شیر (شیر مادر با شیر گاو)

انتخاب شیر - از بین بردن میکروب‌های شیر - تغییر شیر گاو به وسیله قندزدن - چربی گرفتن - اضافه کردن آب میوه تا دارای خاصیت شیر مادر شود - فواصل



ساعات غذاها و اهمیت آن - طرز استعمال پستانک و نگاهداری آن - توجهات لازم در موقع شیردادن با پستانک و عوارض آن.

ج - فرنی و غذا دادن تا آخر سال اول

باز گرفتن بچه از شیر مادر - اولین غذا (فرنی) انتخاب و تهیه آردها - عوارض تغذیه با آرد - تنظیم رژیم غذایی بچه تا یکسال - رژیم غذایی در مدت سال دوم - صورت غذاها در سال دوم.

سال پنجم

مراجعه و تکرار مواد سال قبل.

۵- حفاظت اطفال از امراض مسریه

بهداشت عمومی - بهداشت منزل - آبله کوبی - و تلقیح مایه‌های دیگر مانند ضد دیفتری - و حصبه و کزاز و سل با دستور پزشک و واکنش‌های (عکس‌العمل) آنها - توجه به نشور و نما و سلامتی بچه‌ها.

۶- پرستاری طفل مریض

علایم ناخوشی طفل و طرز پرستاری آن - احتیاط‌های لازم پیش از رسیدن پزشک.

۷- بیماریهای بچه

دستگاه گوارش - درمان فوری تا رسیدن پزشک - کارهایی که بدون دستور پزشک نمی‌توان کرد - بیماری دهان و دندان - بیماری‌های بینی و گلو و گوش‌ها - تشنجات طفل تب‌دار - سرفه و تنگی نفس - بیماری‌های پوست بدن - امراض ثبوری - بزرگ شدن غده‌های لنفاتیک - نشو و نمای طبیعی اندام و قسوی درونی بچه و پیش آمدهای غیرطبیعی.

۸- طرز اجرای دستورهای پزشک

حمام - تنفیه و شیاف - پانسمان‌ها و یخ‌گذاردن - مشمع خردل یا پیچیدن پارچه با خردل - روغن مالی بدن کودک - توجه دهان و دماغ و گلو و گوش‌ها.

۹- کلیات، راجع به پرورش کودک و ترتیب آموختن آداب از

کوچکی

۱۰- بهداشت آبتن

وسایل و اسباب‌هایی که لازم است پیش از زایمان تهیه شود - مراقبت‌های لازم هنگام زایمان.

۶- پرستاری و اطلاعات مختصر از بیماری‌های معمولی

سال پنجم

۱- سلامتی و بهداشت شخصی - نظافت - بهداشت دهان - استراحت - خواب - تفریح - تغذیه - تأثیر عادات و تورات در شخص.

۲- خانه و محیط سالم - نظافت - روشنایی - تهویه - گرم کردن - شستشوی البسه با آب شُرب.

۳- پیش‌بینی سلامت مزاج اعضاء خانواده - معاینه طبی عمومی مرتب در هر سال معاینه دندان‌ها - پیش‌بینی برای جلوگیری امراض عمومی و مسری و تمیز کردن آنها.

۴- علایم و مشخصات مرض - علایم بدنی و دماغی در بیماری‌ها و یادداشت آنها - درجه حرارت - تنفس و وضع آن.

۵- لوازم اطاق بیمار و محافظت او - انتخاب اطاق مریض - اناثیه - تهویه - حرارت - روشنایی - نظافت - ترتیب کمک‌کردن به بیمار - حرکت دادن - گرداندن و بلند کردن بیمار - بستن زخم - لباس پوشاندن - ضمه‌گذاری - داروهای لازم در منزل - محافظت داروها - فایده هر دارو و موارد استعمال آن.

تغذیه بیمار

غذاهای بیمار - طرز غذا دادن بیمار - طرز غذا دادن به بیماری که خود از عهده غذا خوردن برنیاید.

انجام اعمال عادی روزانه بیمار



مواظبت صبح - بلند کردن - شستشو کردن - ملاقات با بیمار - مواظبت عصر
- استراحت شب - نکات لازم برای مواظبت بیمارهای رو به بهبودی (تذکر به لزوم
پیشرفت تدریجی - متوجه داشتن فکر به زندگی عادی - گردش و تفریح) مواظبت
اشخاص مسن (گرم کردن - تغذیه - دفع - به کار انداختن تدریجی اعضا که از
کار افتاده بوده‌اند).

مواظبت مبتلایان به بیماری های ساری (جدا کردن مریض و ضد عفونی کردن
خانه).

مواظبت مسلولین

بیماری های معمولی و کمک های لازم پیش از رسیدن پزشک

تبرستان

www.tabarestan.info

پیشینه مدارس دختران در شهرهای ایران

از سال ۱۲۷۶ ش. تا ۱۲۹۱ ش. در حوزه‌های تهران، تبریز، اصفهان، شیراز، کرمان، گیلان فقط ۲۹ مدرسه ابتدایی دختران وجود داشته است در سال ۱۲۹۱ ش. بود که ۳ دانش آموز دختر در تهران موفق به دریافت تصدیق ششم ابتدایی شدند. صدور گواهی نامه شش ساله ابتدایی در نهم عقرب ۱۲۹۰ ش (نهم آبان ماه ۱۲۹۰) به عضویت شورای عالی معارف رسیده بود از سال ۱۲۹۱ ش. تا ۱۲۹۷ ش. فقط حوزه‌های معارفی مشهد در سال ۱۲۹۳ ش. قزوین ۱۲۹۴ ش، همدان ۱۲۹۷ ش. دارای مدرسه دختران شدند. در همین سال بود که تاریخ ۱۲۹۷ ش. جایگزین تاریخ ۱۳۳۷ هـ. ق. شد و برابر بخشنامه در تمام اداره‌های دولتی و مؤسسه‌های خصوصی تاریخ خورشیدی، تاریخ رسمی کشور شد.

در سال ۱۲۹۸ فقط مدرسه دختران بابل تأسیس شد و در سال ۱۲۹۹ ش. مدرسه دختران بهشت آئین اصفهان تأسیس شد.

تاریخ تأسیس نخستین مدرسه دختران در شهرهای ایران و تهران

۱- از سال ۱۲۷۶ ش. تا ۱۳۱۷ ش.

الف - از آغاز تا مشروطه، ب - از مشروطه تا ۱۳۱۷ ش.

۱- تهران، دبستان دخترانه کهن ۱۲۷۶ ش

۲- تهران، دبستان دخترانه بانوان ۱۲۷۶ ش

۳- اصفهان، دبستان دخترانه اتحاد ۱۲۷۶ ش

۴- تهران، دبستان دخترانه ام‌المدارس ۱۲۸۱ ش

۵- تهران، دبستان دخترانه بانوان آسیه ۱۲۸۳ ش

۶- یزد دبستان دخترانه ایزد پیمان ۱۲۸۳ ش

۷- تهران، دبستان دخترانه بنات ۱۲۸۴ ش

۸- تهران، دبستان دخترانه تربیت نوامیس ۱۲۸۵ ش

- ب - از سال ۱۲۸۵ تا ۱۳۱۷ ش
- ۹- تهران، دبستان دخترانه عفتیه ۱۲۸۶ ش
 - ۱۰- تهران، دبستان دخترانه درةالمدارس ۱۲۸۶ ش
 - ۱۱- تهران، دبستان دخترانه ناموس ۱۲۸۷ ش
 - ۱۲- تهران، دبستان دخترانه فیروز بهرام ۱۲۸۷ ش
 - ۱۳- تهران، دبستان دخترانه تربیت نسوان ۱۲۸۷ ش
 - ۱۴- تهران، دبستان دخترانه تربیت دختران ۱۲۸۷ ش
 - ۱۵- تهران، دبستان دخترانه شوکتیه ۱۲۸۸ ش
 - ۱۶- تهران، دبستان دخترانه قدسیه ۱۲۸۸ ش
 - ۱۷- تهران، دبستان دخترانه حشمتیه دختران ۱۲۸۸ ش
 - ۱۸- تهران، دبستان دخترانه زهراویه ۱۲۸۸ ش
 - ۱۹- تهران، دبستان دخترانه حسنات ۱۲۸۸ ش
 - ۲۰- تهران، دبستان دخترانه محمودیه دوشیزگان ۱۲۸۸ ش
 - ۲۱- رشت، دبستان دخترانه بانوان ۱۲۸۹ ش
 - ۲۲- رشت، دبستان دخترانه مخدرات اسلامی ۱۲۸۸ ش
 - ۲۳- شیراز، دبستان دخترانه ایراندخت ۱۲۸۹ ش
 - ۲۴- شیراز، دبستان دخترانه عفتیه ۱۲۸۹ ش
 - ۲۵- رشت، دبستان دخترانه بنات اسلامی ۱۲۸۹ ش
 - ۲۶- رشت، دبستان دخترانه اعظمیه ۱۲۹۱ ش
 - ۲۷- رشت، دبستان دخترانه فاطمیه ۱۲۹۱ ش
 - ۲۸- رشت، دبستان دخترانه معصومیه ۱۲۹۱ ش
 - ۲۹- کرمان، دبستان دخترانه عصمتیه ۱۲۹۱ ش
 - ۳۰- تبریز، دبستان دخترانه فرهنگ ۱۲۹۲ ش
 - ۳۱- مشهد، دبستان دخترانه فروغ غیردولتی ۱۲۹۳ ش
 - ۳۲- مشهد، دبستان لطف آباد غیردولتی ۱۲۹۴ ش
 - ۳۳- قزوین، دبستان دخترانه دوشیزگان قزوین ۱۲۹۴ ش
 - ۳۴- تهران، دبستان شمس المدارس ۱۲۹۵ ش



- ۳۵- تهران، تهیه پرورش ۱۲۹۵ ش
- ۳۶- تهران، خواتین عاصیه ۱۲۹۵ ش
- ۳۷- تهران، نوباوگان ۱۲۹۵ ش
- ۳۸- تهران، بانوان ۱۲۹۵ ش
- ۳۹- تهران، دبستان نوروز ۱۲۹۷ ش
- ۴۰- تهران، دبستان عفاف ۱۲۹۷ ش
- ۴۱- تبریز، دبستان فخریه ۱۲۹۷ ش
- ۴۲- تبریز، دبستان پوراندخت ۱۲۹۷ ش
- ۴۳- تبریز، دبستان منیژه ۱۲۹۷ ش
- ۴۴- تبریز، دبستان رودابه ۱۲۹۷ ش
- ۴۵- تبریز، دبستان همای ۱۲۹۷ ش
- ۴۶- تبریز، دبستان روشنگر ۱۲۹۷ ش
- ۴۷- تبریز، دبستان نادر ۱۲۹۷ ش
- ۴۸- تبریز، دبستان مازیار ۱۲۹۷ ش
- ۴۹- تهران، دبستان آرمیدخت ۱۲۹۸ ش
- ۵۰- بابل، دبستان شاهدخت ۱۲۹۸ ش
- ۵۱- اصفهان، دبستان بهشت آئین ۱۲۹۹ ش
- ۵۲- تهران، دبستان ترقی بنات ۱۲۹۹ ش
- ۵۳- تهران، دبستان منیژه ۱۲۹۷ ش
- ۵۴- تبریز، دبستان دولتی شاهدخت ۱۳۰۰ ش
- ۵۵- تبریز، دبستان غیر دولتی قدسیه ۱۳۰۰ ش
- ۵۶- تبریز، دبستان دولتی ناموس ۱۳۰۰ ش
- ۵۷- بروجرد، دبستان دولتی اعتضادیه ۱۳۰۰ ش
- ۵۸- خرم‌آباد تنکابن دبستان سنایی ۱۳۰۰ ش
- ۵۹- مشهد دبستان غیردولتی کوبیه ۱۳۰۰ ش
- ۶۰- رشت دبستان دولتی سعادت نسوان ۱۳۰۰ ش
- ۶۱- لاهیجان دبستان بنات اسلامی ۱۳۰۰ ش

- ۶۲- کاشان دبستان طلعیته ۱۳۰۰ ش
- ۶۳- تبریز دبستان دولتی بانوان ۱۳۰۱ ش
- ۶۴- تهران دبستان غیردولتی عفتیه اسلامی ۱۳۰۱ ش
- ۶۵- تهران دبستان غیردولتی نصرتیه فرهنگ ۱۳۰۱ ش
- ۶۶- زنجان دبستان دولتی تربیت نسوان ۱۳۰۱ ش
- ۶۷- عراق (اراک) دبستان دوشیزگان عراق ۱۳۰۱ ش
- ۶۸- قزوین دبستان ناموس ۱۳۰۱ ش
- ۶۹- کرمانشاه دبستان دولتی عصمتیه ۱۳۰۱ ش
- ۷۰- کرمانشاه دبستان دولتی ایراندخت ۱۳۰۱ ش
- ۷۱- بیرجند دبستان شوکتی ۱۳۰۱ ش
- ۷۲- تهران دبستان نسوان ایران ۱۳۰۲ ش
- ۷۳- مشهد دبستان گوهریه ۱۳۰۲ ش
- ۷۴- آباده دبستان زنهاریه ۱۳۰۲ ش
- ۷۵- رشت دبستان غیردولتی پیک سعادت ۱۳۰۲ ش
- ۷۶- همدان دبستان مخدرات ۱۳۰۲ ش
- ۷۷- یزد دبستان غیردولتی قاسم‌آباد ۱۳۰۲ ش
- ۷۸- رشت دبستان غیردولتی ناموس ۱۳۰۳ ش
- ۷۹- لاهیجان دبستان عصمت ۱۳۰۳ ش
- ۸۰- شیراز دبستان ادب بنات ۱۳۰۳ ش
- ۸۱- اهواز دبستان دولتی عصمت ۱۳۰۳ ش
- ۸۲- رودسر دبستان تربیت نسوان ۱۳۰۳ ش
- ۸۳- خوی دبستان شاهدخت ۱۳۰۳ ش
- ۸۴- مراغه دبستان ایراندخت ۱۳۰۳ ش
- ۸۵- تبریز دبستان دولتی بنات پهلوی ۱۳۰۴ ش
- ۸۶- رضائیه دبستان ناموس ۱۳۰۴ ش
- ۸۷- بروجرد دبستان غیردولتی دختران ۱۳۰۴ ش
- ۸۸- مشهد دبستان غیردولتی مخدرات اسلامی ۱۳۰۴ ش



- ۸۹- شیراز دبستان بدر ۱۳۰۴ ش
- ۹۰- کرمانشاه دبستان اتحاد کرمانشاهان ۱۳۰۴ ش
- ۹۱- یزد دبستان غیردولتی رحمت‌آباد ۱۳۰۴ ش
- ۹۲- ملایر دبستان غیردولتی فخریه ۱۳۰۴ ش
- ۹۳- یزد دبستان خیرآباد ۱۳۰۵ ش
- ۹۴- رشت دبستان دولتی تربیت نسوان ۱۳۰۵ ش
- ۹۵- گرگان دبستان دولتی دوشیزگان ۱۳۰۵ ش
- ۹۶- سنندج دبستان شاهدخت ۱۳۰۵ ش
- ۹۷- کاشان دبستان عفتیه ۱۳۰۵ ش
- ۹۸- شیراز دبستان بهجتیه ۱۳۰۵ ش
- ۹۹- شوشتر دبستان بنات ۱۳۰۵ ش
- ۱۰۰- خرم‌شهر دبستان مهستی ۱۳۰۵ ش
- ۱۰۱- آبادان دبستان عفت ۱۳۰۵ ش
- ۱۰۲- بوشهر دبستان عفت ۱۳۰۵ ش
- ۱۰۳- اصفهان دبستان ناموس ۱۳۰۵ ش
- ۱۰۴- رضاییه دبستان شاهدخت ۱۳۰۵ ش
- ۱۰۵- تبریز دبستان سعادت نسوان ۱۳۰۵ ش
- ۱۰۶- تبریز دبستان منیژه ۱۳۰۵ ش
- ۱۰۷- اردبیل دبستان پوراندخت ۱۳۰۵ ش
- ۱۰۸- آستارا دبستان تربیت بنات ۱۳۰۵ ش
- ۱۰۹- خرم‌آباد دبستان شاهدخت ۱۳۰۶ ش
- ۱۱۰- دزفول دبستان بنات ۱۳۰۶ ش
- ۱۱۱- شاهرود دبستان غیردولتی اشرفیه ۱۳۰۶ ش
- ۱۱۲- شیراز دبستان ناموس ۱۳۰۶ ش
- ۱۱۳- رشت دبستان غیر دولتی سعادت نسوان ۱۳۰۶ ش
- ۱۱۴- آمل دبستان شاهدخت ۱۳۰۶ ش
- ۱۱۵- یزد دبستان خرم شاه ۱۳۰۶ ش

- ۱۱۶- کرمان دبستان نمره یک ۱۳۰۶ ش
- ۱۱۷- اصفهان دبستان دختران ۱۳۰۶ ش
- ۱۱۸- سیرجان دبستان نسوان ۱۳۰۶ ش
- ۱۱۹- کازرون دبستان دختران ۱۳۰۶ ش
- ۱۲۰- همدان دبستان عفتیه ۱۳۰۶ ش
- ۱۲۱- بروجرد دبستان ناموس ۱۳۰۶ ش
- ۱۲۲- یزد دبستان شاهدخت ۱۳۰۶ ش
- ۱۲۳- تهران دبستان کوییه سعادت ۱۳۰۷ ش
- ۱۲۴- تهران دبستان نواختران ۱۳۰۷ ش
- ۱۲۵- شاپور رضاییه دبستان دوشیزگان ۱۳۰۷ ش
- ۱۲۶- مهاباد دبستان یرماس ۱۳۰۷ ش
- ۱۲۷- اصفهان دبستان عفتیه ۱۳۰۷ ش
- ۱۲۸- شاهرود دبستان دختران ۱۳۰۷ ش
- ۱۲۹- کازرون دبستان دختران ۱۳۰۷ ش
- ۱۳۰- نی‌زیر دبستان دختران ۱۳۰۷ ش
- ۱۳۱- اصطهبانات دبستان دختران ۱۳۰۷ ش
- ۱۳۲- لار دبستان دختران ۱۳۰۷ ش
- ۱۳۳- جهرم دبستان دختران ۱۳۰۷ ش
- ۱۳۴- شیراز دبستان غیردولتی مهرآیین ۱۳۰۷ ش
- ۱۳۵- بزم دبستان نسوان ۱۳۰۷ ش
- ۱۳۶- ماهان دبستان تمهید ۱۳۰۷ ش
- ۱۳۷- بندر پهلوی دبستان نزهتیه ۱۳۰۷ ش
- ۱۳۸- بابل دبستان دوشیزگان ۱۳۰۷ ش
- ۱۳۹- ساری دبستان سعادت دوشیزگان ۱۳۰۷ ش
- ۱۴۰- زابل دبستان دختران ۱۳۰۷ ش
- ۱۴۱- یزد دبستان اهرستان ۱۳۰۷ ش
- ۱۴۲- زنجان دبستان شاهدخت ۱۳۰۷ ش



- ۱۴۳- بروجرد دبستان دوشیزگان ۱۳۰۷ ش
- ۱۴۴- مشهد دبستان عصمتیه ۱۳۰۷ ش
- ۱۴۵- شاهرود دبستان دختران ۱۳۰۷ ش
- ۱۴۶- کرمانشاه دبستان فرهنگ ۱۳۰۸ ش
- ۱۴۷- کاشان دبستان دانش دوشیزگان ۱۳۰۸ ش
- ۱۴۸- سمنان دبستان دوشیزگان ۱۳۰۸ ش
- ۱۴۹- مشهد دبستان شماره ۱ روز ۱۳۰۸ ش
- ۱۵۰- مشهد دبستان ناموس ۱۳۰۸ ش
- ۱۵۱- فسا دبستان دختران ۱۳۰۸ ش
- ۱۵۲- تهران دبستان مازیار ۱۳۰۹ ش
- ۱۵۳- تهران دبستان استخر ۱۳۰۹ ش
- ۱۵۴- تبریز دبستان تربیت نسوان ۱۳۰۹ ش
- ۱۵۵- اصفهان دبستان دانش نسوان ۱۳۰۹ ش
- ۱۵۶- یزد دبستان رضاآباد ۱۳۰۹ ش
- ۱۵۷- یزد دبستان اتحاد ۱۳۰۹ ش
- ۱۵۸- یزد دبستان شریفآباد ۱۳۰۹ ش
- ۱۵۹- گرگان دبستان شاهدخت ۱۳۱۰ ش
- ۱۶۰- مشهد دبستان قدس ۱۳۱۰ ش
- ۱۶۱- شهرری دبستان دوشیزگان ۱۳۱۰ ش
- ۱۶۲- تبریز دبستان عزت ۱۳۱۰ ش
- ۱۶۳- تبریز دبستان دولتی بهزاد ۱۳۱۱ ش
- ۱۶۴- تبریز دبستان امیری ۱۳۱۱ ش
- ۱۶۵- اهر دبستان ناموس ۱۳۱۱ ش
- ۱۶۶- دهخواران دبستان عصمتیه ۱۳۱۱ ش
- ۱۶۷- نجفآباد اصفهان دبستان طلوع دانش ۱۳۱۱ ش
- ۱۶۸- عباسی (بندر عباس) دبستان عفت ۱۳۱۱ ش
- ۱۶۹- تهران دبستان دولتی دماوند ۱۳۱۱ ش

- ۱۷۰- تهران دبستان دولتی ری ۱۳۱۱ ش
- ۱۷۱- تهران دبستان راستی ۱۳۱۱ ش
- ۱۷۲- نیشابور دبستان دوشیزگان ۱۳۱۱ ش
- ۱۷۳- کرمان دبستان ۱۷ دی ۱۳۱۱ ش
- ۱۷۴- رشت دبستان نواختران ۱۳۱۱ ش
- ۱۷۵- همدان دبستان اکباتان ۱۳۱۱ ش
- ۱۷۶- درجز خراسان دبستان عفتیه ۱۳۱۱ ش
- ۱۷۷- همدان دبستان عفتیه ۱۳۱۲ ش
- ۱۷۸- کرمان دبستان شکاره ۳ دختران ۱۳۱۲ ش
- ۱۷۹- شیراز دبستان مخدرات ۱۳۱۲ ش
- ۱۸۰- اراک دبستان غیردولتی شاهدخت ۱۳۱۲ ش
- ۱۸۱- مشهد دبستان شاهرضا ۱۳۱۲ ش
- ۱۸۲- تهران دبستان الوند ۱۳۱۲ ش
- ۱۸۳- مشهد دبستان ارض اقدس ۱۳۱۲ ش
- ۱۸۴- ماکو دبستان فردوسی ۱۳۱۳ ش
- ۱۸۵- میاندوآب دبستان شاهدخت ۱۳۱۳ ش
- ۱۸۶- خوی دبستان فردوسی ۱۳۱۳ ش
- ۱۸۷- اصفهان دبستان شاهدخت ۱۳۱۳ ش
- ۱۸۸- اصفهان دبستان شهرضا ۱۳۱۳ ش
- ۱۸۹- اصفهان دبستان صارمیه ۱۳۱۳ ش
- ۱۹۰- سنگی دبستان ایراندخت ۱۳۱۳ ش
- ۱۹۱- سبزوار دبستان دوشیزگان ۱۳۱۳ ش
- ۱۹۲- قم دبستان دختران ۱۳۱۳ ش
- ۱۹۳- راور کرمان دبستان دختران ۱۳۱۳ ش
- ۱۹۴- زرنند کرمان دبستان دختران ۱۳۱۳ ش
- ۱۹۵- بافت دبستان دختران ۱۳۱۳ ش
- ۱۹۶- گمش تپه گرگان دبستان هما ۱۳۱۳ ش



- ۱۹۷- گنبد کاووس دبستان آذرمیدخت ۱۳۱۳ ش
- ۱۹۸- بیجار دبستان دختران ۱۳۱۳ ش
- ۱۹۹- ساری دبستان ایراندخت ۱۳۱۳ ش
- ۲۰۰- اشرف دبستان ایراندخت ۱۳۱۳ ش
- ۲۰۱- شاهی دبستان دوشیزگان ۱۳۱۳ ش
- ۲۰۲- ساری دبستان غیردولتی ادب دختران ۱۳۱۳ ش
- ۲۰۳- رضائیه دبستان اشنویه ۱۳۱۴ ش
- ۲۰۴- خوی دبستان دوشیزگان ۱۳۱۴ ش
- ۲۰۵- بروجرد دبستان آرامنه ۱۳۱۴ ش
- ۲۰۶- بروجرد دبستان شاهدخت ۱۳۱۴ ش
- ۲۰۷- تهران دبستان ناهید ۱۳۱۴ ش
- ۲۰۸- تهران دبستان نو ۱۳۱۴ ش
- ۲۰۹- تهران دبستان ایران نو ۱۳۱۴ ش
- ۲۱۰- تهران دبستان شاهدخت ۱۳۱۴ ش
- ۲۱۱- تهران دبستان بزرگمهر ۱۳۱۴ ش
- ۲۱۲- تهران دبستان پروین ۱۳۱۴ ش
- ۲۱۳- تهران دبستان مینو ۱۳۱۴ ش
- ۲۱۴- تهران دبستان کیوان ۱۳۱۴ ش
- ۲۱۵- تهران دبستان پروانه ۱۳۱۴ ش
- ۲۱۶- تهران دبستان دخت ۱۳۱۴ ش
- ۲۱۷- قوچان دبستان پهلوی ۱۳۱۴ ش
- ۲۱۸- خرم‌آباد لرستان کودکستان ۱۷ دی ۱۳۱۴ ش
- ۲۱۹- شیراز دبستان اتحادیه ۱۳۱۴ ش
- ۲۲۰- شیراز دبستان پارس ۱۳۱۴ ش
- ۲۲۱- شیراز دبستان هدایت ۱۳۱۴ ش
- ۲۲۲- شیراز دبستان پهلوی ۱۳۱۴ ش

نگاهی به جدول ص ۳۱۷ و ۳۱۸ نشان می‌دهد از ۳۳ حوزه فرهنگی که در سال ۱۳۱۶ - ۱۳۱۷ تحصیلی در سراسر ایران فعال بوده است فقط ۱۶ حوزه فرهنگی دبیرستان داشته است به شرح زیر:

- ۲۲۳- تبریز ۵ دبیرستان
- ۲۲۴- ارومیه ۴ دبیرستان
- ۲۲۵- اراک ۶ دبیرستان
- ۲۲۶- بروجرد ۱ دبیرستان
- ۲۲۷- تهران ۳۰ دبیرستان
- ۲۲۸- خراسان ۲ دبیرستان
- ۲۲۹- دامغان ۱ دبیرستان
- ۲۳۰- فارس ۲ دبیرستان
- ۲۳۱- قزوین ۱ دبیرستان
- ۲۳۲- کاشان ۱ دبیرستان
- ۲۳۳- کردستان ۳ دبیرستان
- ۲۳۴- کرمان ۳ دبیرستان
- ۲۳۵- گیلان ۹ دبیرستان
- ۲۳۶- مکران ۱ دبیرستان
- ۲۳۷- همدان ۳ دبیرستان
- ۲۳۸- یزد ۲ دبیرستان
- جمعاً ۶۹ دبیرستان

از این ۶۹ دبیرستان فقط ۱۸ دبیرستان دولتی است و بقیه غیردولتی بوده‌اند. وانگهی از مجموع دبیرستان‌های دختران ۳۰ دبیرستان در تهران فعالیت داشته است بنابراین شهرهای قابل اعتنا، همدان، یزد، کرمان هر یک با ۳ دبیرستان عبارتست از تهران با ۳۰ دبیرستان، ۲- گیلان با ۹ دبیرستان، ۳- همدان ۳ دبیرستان، ۴- یزد با ۴ دبیرستان، ۵- کرمان ۳ دبیرستان، ۶- خراسان ۲ دبیرستان

آمار آموزشگاه‌های دختران، دبستان، دبیرستان، در سال تحصیلی ۱۳۱۶ - ۱۳۱۷

نام حوزه فرهنگی	دبستان		دبیرستان		دانشسرای دختران
	دولتی / مختلط	غیردولتی	دولتی	غیردولتی	
۱. آذربایجان شرقی	۲۳+۳	۱۹+۱	۳	۲	۱
۲. آذربایجان غربی	۲۸+۵	۲	۲	۱	۱
۳. اراک	۴+۱	۳+۱	۱	۱	-
۴. اصفهان	۵+۷	۲+۶	-	۱	۱
۵. بروجرد	مختلط/۵	مختلط/۵	۱	-	-
۶. بنادر جنوب ^۱	۳+۱	۳+۱	-	-	-
۷. تنکابن	۲+۲	۱ مختلط	-	-	-
۸. تهران و حومه	۵۳+۱۵	۴+۵۰	-	۳۰	۱
۹. خراسان	۷+۶	۲+۱۰	۲	-	۱
۱۰. خرم‌آباد	۲+۱	مختلط ۱	-	-	-
۱۱. خمسه ^۲	۳+۲	-	-	-	-
۱۲. خوزستان	۱۲+۱۶	-	-	-	-
۱۳. دامغان	مختلط ۲	-	یک	-	-
۱۴. ساوه	۱+۱	-	-	-	-
۱۵. سبزوار	۸+۱	۱+۱	-	-	-
۱۶. سمنان	۱+۱	مختلط ۱	-	-	-
۱۷. شاهرود	۱+۱	۱	-	-	-
۱۸. فارس	۲۳+۸	۱۳+۴	۱	۱	۱

۱. قشم، بندر لنگه، هرمز، برازجان، خورموج، بوشهر، کنگان، دیلم، گناوه، جاسک

۲. مقصود از زنجان: خرمدره، ابهر، سلطانیه و...

آمار آموزشگاه‌های دختران، دبستان، دبیرستان، دانشکده، در سال ۱۳۱۶ - ۱۳۱۷

دانشسرای دختران	دبیرستان		دبستان		نام حوزه فرهنگی
	غیردولتی	دولتی	غیردولتی	دولتی/مختلط	
-	-	۱		۱۶+۲	۱۹. قزوین
-	-	-		۱۲+۱	۲۰. قم
-	۱	-	-	۱+۱	۲۱. کاشان
-	-	-		۶+۱	۲۲. کردستان
۱	۲	۱	۱+۲	۳۵+۷	۲۳. کرمان
-	-	-		۹+۲	۲۴. کرمانشاه
-	-	۱	۱۰+۳۰	۳۰+۱	۲۵. گرگان
-	-	-	۳+۷	-	۲۶. گروس
۱	۸	۱	-	۲۸+۶	۲۷. گیلان
۱	-	۲	مختلط ۱	۲۷+۵	۲۸. مازندران
-	۱	-	-۲	۴+۱	۲۹. مکران
-	-	-	-	۷+۴	۳۰. گلپایگان
-	-	۱	۱+۱	مختلط ۱۵	۳۱. ملایر
۱	۲	۱	۴	۱۲+۳	۳۲. همدان
-	۲	۱	۱۲	۵+۲	۳۳. یزد

حوزه‌های معارف

حوزه‌های معارف برابر احصائیه سال ۱۳۱۶-۱۳۱۷، به شرح زیر است:

- ۱- آذربایجان شرقی ۲- آذربایجان غربی ۳- اراک ۴- اصفهان ۵- بروجرد ۶-
- بنادر جنوب شامل (۱. بوشهر ۲. بندرعباس ۳. برازجان) ۷- تنکابن ۸- تهران ۹-
- خراسان ۱۰- خرم‌آباد ۱۱- خمسه شامل (۱. زنجان ۲. ابهر ۳. سلطانیه، خرمدره،
- انگوران) ۱۲- خوزستان ۱۳- دامغان ۱۴- ساوه ۱۵- سبزوار ۱۶- سمنان ۱۷-
- شاهرود ۱۸- فارس ۱۹- قزوین ۲۰- قم و محلات ۲۱- کاشان ۲۲- کردستان ۲۳-
- کرمان ۲۴- کرمانشاه ۲۵- گروس (بیجار) ۲۶- گرگان ۲۷- گیلان ۲۸- مازندران
- ۲۹- مکران (بیرجند، زابل) ۳۰- محال ثلث (گلپایگان، خمین، خوانسار) ۳۱-
- ولایات ثلث (ملایر، نهاوند، تویسرکان) ۳۲- همدان ۳۳- یزد

نگاهی به این تقسیم بندی نشان می‌دهد که بسیاری از حوزه‌های معارفی هنوز شهرستان هستند و تابع استانی نیستند مانند: ۱- بروجرد ۲- تنکابن ۳- دامغان ۴- ساوه ۵- سبزوار ۶- شاهرود ۷- کاشان ۸- گروس ۹- گلپایگان ۱۰- خمین،... گروس (بیجار)

از برخی از این حوزه‌های معارف نامی نیست مانند مکران که شهرهای بیرجند و زابل را شامل می‌شده است اما در حال حاضر زابل جزء استان سیستان و بلوچستان است و بیرجند خود مرکز استانی به نام خراسان جنوبی، امروز بنادر جنوب تبدیل شده است به استان بوشهر و برازجان هم یکی از شهرهای آن است. بندرعباس هم نام استان هرمزگان را به خود گرفته است.

و بحرین که امروز کشوری است مستقل و جزء بنادر جنوب بوده است برابر آماري که در دست است در سال ۱۳۱۵ - ۱۳۱۶ بحرین ۲۳۴ دانش‌آموز داشته

است اما تا سال ۱۳۱۷ که مورد بحث ماست هنوز دختران در این جزیره که بعدها استان چهاردهم ایران شناخته شده درس نمی خواندند. اکنون جا دارد که به معرفی هر یک از این حوزه های معارف پرداخته شود.

آذربایجان شرقی

پیش از آنکه به تاریخ آموزشگاه های دختران تبریز پرداخته شود بهتر است مطلبی را که حسین امید مولف تاریخ فرهنگ آذربایجان در مورد اوضاع فرهنگی آذربایجان در صدر مشروطیت نوشته است، نقل کنم.

غارت مدارس

کثرت مدارس و ترقیات روزافزون آنها جمعی از مخالفان معارف و طرفداران غفلت و جهالت عمومی را متوحش ساخت و هر آن در پی بهانه ای بودند که این مدارس را از بین ببرند. این بهانه به زودی به دست آمد. در این موقع رئیس گمرک تبریز (پریم) بلژیکی بود که نام او در تاریخ مشروطیت ایران ذکر شده است. این شخص به قسمت نان و غله شهر نیز رسیدگی می نمود. محتکرین و کسانی که می خواستند نان را به قیمت بیشتر بفروشند و قحطی و گرانی مصنوعی به وجود آورده بودند با اقدامات او که می خواست نان را ارزان بکند مخالفت نموده عده ای از علما را نیز با خود هم داستان نمودند.

به نوشته حسین امید، این حرف ها در مردم تأثیر کرد و به مدرسه کمال، مدرسه لقمائی و مدرسه ثریا هجوم بردند و همه جا را غارت کردند و اموال مدرسه را هم به غارت بردند ...

مدارس دختران

اولین مدرسه پسران در تبریز به سال ۱۲۸۶ تأسیس شد. این مدرسه با نام حکمت شروع به کار کرد اما اولین مدرسه دختران غیردولتی به نام فرهنگ در سال ۱۲۹۲ ش در تبریز شروع به کار کرد. و اولین مدرسه دخترانه دولتی با نام شاهدخت در سال ۱۳۰۰ تأسیس شد و در همین سال محمدعلی تربیت رئیس اداره معارف آذربایجان مدرسه دخترانه ناموس را هم تأسیس کرد.



به نوشته «قاسمی پویا» این مدرسه بعدها به هفده دی تغییر نام داد... آنچه در احصائیه معارف آمده است مدرسه دخترانه دولتی ناموس در سال تحصیلی ۱۳۱۴ - ۱۳۱۵ به همین نام دارای ۶ کلاس، ۱۸۱ شاگرد دختر و ۲۸ شاگرد پسر بوده است در این سال ۳ دانش‌آموز دختر فارغ‌التحصیل شده‌اند.

مدرسه شاهدخت نیز که ۱۳۰۰ تأسیس شده است در سال تحصیلی ۱۳۱۴ - ۱۳۱۵ دارای ۶ کلاس و ۲۰۰ شاگرد دختر و ۱۶ شاگرد پسر بوده است.

در سال تحصیلی ۱۳۱۴ - ۱۳۱۵ در تبریز فقط ۷ مدرسه دخترانه دولتی به نام‌های: شاهدخت - بنات پهلوی - بهزاد - سعادت نسوان - بانوان - منیژه - ناموس - دارای ۶ کلاس ابتدایی بوده است و در همین سال ۶ مدرسه غیردولتی دختران به نام‌های ۱- فرسیک ۲- فخریه ۳- قدسیه ۴- نواختران ۵- عزت ۶- تربیت نسوان فعال بوده است مجموع شاگردان این ۶ مدرسه: ۵۸۸ دختر بوده است. اما در سال ۱۳۱۴ - ۱۳۱۵ ش: فقط در شهرهای اردبیل، مراغه، آستارا، دهخوارقان، اهر... هرکدام فقط یک مدرسه به شرح زیر وجود داشته است.

۱- پوراندخت اردبیل تأسیس ۱۳۰۵ ش تعداد کلاس ۶ تا تعداد شاگرد ۱۸۸ دختر و ۲ پسر.

۲- ایراندخت مراغه تأسیس ۱۳۰۳ ش تعداد کلاس ۲ با ۱۸۲ شاگرد.

۳- آستارا تأسیس ۱۳۰۵ ش تعداد کلاس ۶ با ۲۲۱ شاگرد دختر.

۴- عصمتیه دهخوارقان تأسیس ۱۳۱۱ ش تعداد کلاس ۲ با ۶۴ شاگرد.

۵- ناموس اهر تأسیس ۱۳۱۱ ش تعداد کلاس ۲ با ۹۱ شاگرد دختر و ۲۵ پسر.

اما در همین سال شهرهای نمین، خیاو، بیله سوار، انگوران، گرمی، بناب، ملک‌کندی، عجب‌شیر، ویرمونی، باغچه‌سرا، کشفی، ممقان، شاهین دژ، میانه، شبستر، خامنه، گاوگان، تسوج، شرفخانه، اسکو، خسروشاه، میلان، مرند، دیزج‌علیا، زنوز، علمداد، گرگر، جلفا، خلخال، سراب، باسمنج، سراسکان، مدرسه دخترانه نداشته است. اما مدرسه‌های چهار کلاسه و ۶ کلاسه پسرانه داشته است.

در این سال در سراسر شهرها و قصبه‌های تبریز فقط یک دبیرستان شاهدخت دولتی با یک کلاس و ۲۲ شاگرد شروع به کار می‌کند.

و دانشسرای مقدماتی دخترانه‌ای هم با ۵ کلاس و ۱۱۰ دختر فعال است این دانشسرا در سال ۱۳۰۴ تأسیس یافته است.

بانوان فرهنگدوست و فرهنگی تبریز

بانو سید پیران

علویه سیدپیران فرزند میرمحمد در سال ۱۲۸۶ ش در تبریز به دنیا می‌آید. تحصیلات خود را به طور خصوصی ادامه می‌دهد زیرا در آن زمان مدرسه‌ای برای دختران نه تنها در تبریز بلکه در سراسر ایران وجود نداشت و مدارس هم که فعال بود مربوط به بیگانگان می‌شد.

خانم سید پیران در سال ۱۳۲۶ ق یعنی درست دو سال پس از پیروزی مشروطه یک مدرسه ملی به نام عزت تاسیس کرد وی تا پایان عمر در مدیریت مدرسه عزت انجام وظیفه کرد. پس از مرگش دولت به پاس خدمات فرهنگی وی مدرسه را با نام عزت و نظارت مستقیم خود دایر نگه داشت. / ص ۵۳ - نشریه شماره ۶ - فرهنگ استان سوم - مرداد ۱۳۳۲ - چاپخانه فرهنگ

مدرسه عزت در سال تحصیلی ۱۳۱۴ - ۱۳۱۵ - تعداد ۷۳ شاگرد داشته است و در سال تحصیلی ۱۳۱۵ - ۱۳۱۶ - تعداد ۷۷ شاگرد داشته است. اما مدرسه از سال ۱۳۱۴ - ۱۳۱۵ با نام عزت دولتی شده است.

منیره حراف

بانو حراف دختر حاجی محمدعلی در سال ۱۲۷۵ ش. در تبریز متولد شد. مقدمات ادبیات فارسی و ریاضیات را در منزل پدرش به طور خصوصی پیش آقای میرزا حسن تبریزی معروف به مدرس خواند و عربی و فرانسه را نیز از محضر اساتید دیگر استفاده کرد. در سال ۱۲۹۳ ش. به رشت رفت و چند سال در مدرسه بنات اسلامی رشت به تدریس اشتغال ورزید و در اثر انقلاب رشت در سال ۱۲۹۹ به تبریز مراجعت و به تاسیس یک مدرسه دخترانه اقدام نمود و با عشق و علاقه فراوان در آن مدرسه که نامش بنات اسلامی بود به انجام وظیفه مشغول شد و به علت نبودن بانوان آموزگار تدریس مواد چند کلاس را خود به تنهایی به عهده گرفت و از هیچ‌گونه فداکاری حتی از تادیه مخارج کتاب و لوازم تحصیلی دانش‌آموزان بی‌بضاعت خودداری ننمود. بانو منیره حراف در سال ۱۳۱۲ ش. اسم



دبستان بنات اسلامی را به دبستان قدسیه عوض کرد و در سال بعد به اخذ امتیاز دوره اول دبیرستان موفق شد و تا سال ۱۳۲۰ کلاس‌های متوسطه را در مدرسه قدسیه دایر نمود. در سال ۱۳۲۰ به واسطه پیش‌آمدی اثابیه دبیرستان و حتی کتابخانه‌ای که از چندی قبل در دبیرستان دایر شده بود از بین رفت ولی دبستان قدسیه به دست خانم حراف تا امروز پابرجاست و او مثل همیشه با ذوق و علاقه وافر به تعلیم و تربیت اولاد وطن مشغول است ... / فرهنگ استان سوم ص ۲۶ - ۲۷ نشریه شماره ۶ برابر احصائیه سال ۱۳۱۴ - ۱۳۱۵ دبستان قدسیه تأسیس ۱۳۰۰ دارای ۱۳۸ شاگرد بوده است.

آمار دبستان قدسیه تبریز در سال ۱۳۱۵ - ۱۳۱۶، ۲۱۲۰ دختر و ۵ پسر و در سال ۱۳۱۶-۱۳۱۷ تعداد دختران قدسیه ۲۳۷ دختر و ۷ پسر بوده است.

اردبیل

با این که در سال ۱۳۳۱ هـ ق (۱۹۱۳) کنسولگری روسیه برای تعلیم و تربیت کودکان اتباع روسیه تزاری یک باب مدرسه جنب کنسولگری احداث می‌کند که در آن مدرسه بعضی از مردم اردبیل نیز کودکان خود را به مدرسه می‌فرستند تا مانند فرزندان اتباع روسیه تحصیل کنند. اما با ایجاد مدرسه برای دختران رغبتی از خود نشان نمی‌دادند حتی مخالفت هم می‌کنند:

هستی بنات

دبستانی دخترانه تأسیس یافته پس از مشروطیت آن هم پس از کودتای ۱۲۹۹ ش. با مخالفت کهنه‌پرستان روبرو می‌شود.

حتی در سال ۱۳۰۴ ش. گروهی به مدرسه هجوم می‌برند و می‌خواهند با بیل و کلنگ سقف اتاق‌ها را بر سر دانش‌آموزان خراب کنند که سرانجام مدیر مدرسه ناگزیر می‌شود تا از ارتش طلب کمک کند. با آمدن سربازان مهاجمان متفرق می‌شوند ولی مدرسه برای مدتی عملاً فعالیت نداشت:

برابر احصائیه سال ۱۳۱۴ - ۱۳۱۵ در شهر اردبیل ... دو مدرسه پسرانه با نام‌های سنایی تأسیس ۱۲۹۸ و سعدی تأسیس ۱۳۰۲ ش. و مدرسه پروین (مختلط)

تأسیس ۱۳۱۳ ش. فعال بوده است در این سال فقط یک دبستان دخترانه به نام پوراندخت که تاریخ تأسیس آن ۱۳۰۵ ش. بوده، فعالیت داشته است، با ۶ کلاس و ۱۲۸ دختر و ۱۱ پسر.

در سال ۱۳۱۵ - ۱۳۱۶ و ۱۳۱۶ - ۱۳۱۷ در اردبیل مدرسه معرفت اردبیل (غیردولتی) که مختلط بوده است فعال بوده.

در سال ۱۳۱۵ - ۱۳۱۶ به ۲۱ شاگرد دختر و ۲۳۴ پسر

در سال ۱۳۱۶ - ۱۳۱۷ به ۲۸ شاگرد دختر و ۲۸۳ پسر

مدارس مختلط:

۱- سعدی در اردبیل ۲- حکمت ۳- پروین

در سال ۱۳۱۵ - ۱۳۱۶ در مدرسه مختلط سعدی اردبیل ۲ شاگرد دختر و ۳۳۸

پسر درس می خوانده اند.

در سال ۱۳۱۶ - ۱۳۱۷ تعداد دختران ۱ نفر و پسر ۳۳۶ نفر بود.

اما مدرسه حکمت:

در سال ۱۳۱۵ - ۱۳۱۶ تعداد ۲۳ دختر و ۱۴۸ پسر درس می خواندند.

در سال ۱۳۱۶ - ۱۳۱۷ تعداد ۹۵ دختر و ۵۳ پسر درس می خواندند.

با وجودی که در احصائیه سال ۱۳۱۴ - ۱۳۱۵ ... مدرسه پوراندخت اردبیل

که در سال ۱۳۰۵ تأسیس شده است ۶ کلاس با ۱۲۸ شاگرد دارد اما در سال ۱۳۱۶

و ۱۳۱۷ نامی در این مدرسه دیده نمی شود.

دبیرستان دخترانه

تا سال ۱۳۱۷ در شهر اردبیل دبیرستان دخترانه ای وجود ندارد.

دبیرستان قدسیه

در سال ۱۳۱۵ - ۱۳۱۶ دبیرستان قدسیه با ۱۲ دختر کار خود را آغاز می کند.

در سال ۱۳۱۶ - ۱۳۱۷ شاگردان این دبیرستان ۲۴ نفر بودند.

مراغه

پس از تبریز، مراغه از اهمیت خاصی برخوردار بوده است. مساله ایجاد

مدارس در مراغه نیز با مشکلاتی روبه رو بوده است اما خاندان شکوهی در پیشبرد

و رواج مدارس جدید سهم ارزنده ای داشته اند.



به نوشته و پژوهش یوسف مروارید در کتاب مراغه ... پس از نهضت مشروطه عبدالاحد تدین معروف به ادیب‌العلماء در شهر مراغه اولین مدرسه را در ساختمان بیرونی حاجی میرزا حسین شکوهی تشکیل داد اما پس از آن‌که حاج میرزا حسن رشديه اولین مدرسه را به شیوه جدید به سال ۱۳۱۱ هـ. ق (۱۲۷۳ ش) در تبریز افتتاح کرد. تدین به تبریز رفت و از نزدیک با روش جدید آشنا شد و پس از بازگشت به مراغه در سال ۱۳۱۷ هـ. ق ۱۲۷۹ ش مدرسه‌ای با نام سرتیپه افتتاح کرد که در اثر حمله معاندین مدرسه خراب و تعطیل شد. در سال ۱۳۲۴ (۱۲۸۵ ش) مدرسه سعديه و در سال ۱۳۲۵ هـ. ق ۱۲۸۶ ش. مدرسه شکوهی و در سال ۱۳۴۱ هـ. ق (۱۳۰۱ ش) مدرسه فتوحیه افتتاح شد. در سال ۱۳۰۷ مدرسه ملی ادیبه و در سال ۱۲۹۴ ش. مدرسه فخریه بنات.

مدرسه دخترانه ۱۳۰۳ ش

اولین مدرسه به صورت نوین در شهر مراغه به همت و کوشش مرحوم میرزا حسن شکوهی نام‌گذاری شد. در سال ۱۳۲۶ هـ. ق برابر با ۱۲۹۶ ش. به نام تربیت بنات نام‌گذاری شد. با توجه به مشکلات عدیده و امتناع مردم از فرستادن دختران خود به مدرسه مرحوم شکوهی اولین فردی بود که دو تا دختر خود را جهت تحصیل به مدرسه مذکور فرستاد. این مدرسه تا سال ۱۳۰۶ ش. به صورت ملی اداره می‌شد در آذرماه همین سال مدرسه دولتی شد و به نام مدرسه بنات نامیده شد. در سال ۱۳۰۹ ش. اسم آن مجدداً به تربیت البنات تغییر یافت این مدرسه تا سال ۱۳۱۲ ش. دوره اول دبیرستان به آن اضافه گردید چون در این سال این مدرسه به ساختمان وقفی صدرالسادات انتقال یافته بود، از این تاریخ به نام مدرسه صدریه نامیده شد.

شکوهی و مدرسه دخترانه در مراغه

در سال‌های ۱۳۲۵ و ۱۳۲۶ هـ. ق شاهزاده ظهیرالسلطان نامی، حاکم مراغه بود. شکوهی با منشی‌باشی آمد و رفت خانوادگی داشت لذا دختران منشی‌باشی را که در مدرسه پروتستان تبریز تحصیل کرده بودند و بالنسبه معلوماتی داشتند به باز کردن یک باب دبستان دخترانه که تا آن زمان معمول و مرسوم نبود تشویق می‌نماید.

بالاخره تمایل آنها را جلب و در کوچه شیخ تاج حوالی میدان کردعلی آقا، حاجی میرزا حسن شکوهی با قبول هزینه مدرسه انائی به نام تربیت البنات با مدیریت و سرپرستی دختران منشی‌باشی افتتاح و برای اولین بار در آن را به روی دوشیزگان مراغه باز می‌کند ولی با آن افکار عقب‌مانده قدیمی آیا کسی پیدا می‌شد که دختر خویش را به مدرسه بگذارد؟ بنابراین فتح‌الباب خودش پیشقدم شد و در نخستین روز افتتاح مدرسه دو تا از دختران خود را به مدرسه نامبرده می‌فرستد و پس از دو روز دختر برادرش نیز در آنجا اسم‌نویسی می‌کند. تا یک ماه این سه دوشیزه در مدرسه تنها بودند. هم شاگردی نداشتند که به تدریج شکوهی کسانی را تشویق و دختران ایشان را با سلام و صلوات به مدرسه می‌فرستند و کم‌کم مدرسه رسمیت می‌یابد: ص ۱۸۰ - ۱۷۹ - مروارید - یونس ...

در این جا جا دارد که از دو بانوی ارجمند و پیش‌کسوت مدارس دختران مراغه نیز یاد می‌شود.

۱- خانم سرور جیلیان ۲- خانم بزرگ آذرپور

گرچه فعالیت فرهنگی آنان به بعد از سال ۱۳۱۸ ش. مربوط می‌شود.

دبیرستان دختران

برابر آمار سال‌های ۱۳۱۴، ۱۳۱۵، ۱۳۱۶، ۱۳۱۷، در مراغه تا خرداد ۱۳۱۷

دبیرستان دخترانه‌ای وجود نداشته است.

ارومیه

ارومیه مرکز استان آذربایجان غربی است با وجودی که از سال ۱۳۵۰ هـ. ق فعالیت مسیونرهای مذهبی ایجاد مدرسی را در ارومیه، و روستاهای پیرامون شهر باعث شد ولی تأسیس مدارس جدید به وسیله ایرانیان از سال ۱۲۹۸ ش. با ایجاد دبستان خسروی خوی و پهلوی رضائیه (ارومیه) شکل گرفت.

مدرسه دختران دوشیزگان رضائیه

پس از مشروطه در سال ۱۳۳۷ هـ. ق برابر با سال ۱۳۰۵ ش. دبستان دوشیزگان

رضائیه «به اهتمام رئیس سازمان فرهنگی آذربایجان دکتر احمد محسنی در شهر رضائیه تأسیس شد پس از جدا شدن دبستان‌ها - دبیرستان این مدرسه شاهدخت نام گرفت مدیران این دبیرستان عبارت بودند از: خانم زهره نیکخو همسر رئیس



فرهنگ رضائیه ۲- نادره امین ۳- بانو سرمد ۴- زینبده امینی ۵- اکرم فرشچی و دکتر زهرا تسلیمی در سال ۱۳۳۴ش. ریاست این دبیرستان مجدداً به خانم زینبده امین محول شد. / تمدن، محمد، اوضاع ایران در جنگ اول یا تاریخ رضائیه، ۱۳۱۴ش. مؤسس دبستان دوشیزگان رضائیه خانم بدرالملوک انصاری بوده این مدرسه در سال ۱۳۰۸ ش. دارای ۱۸۰ دانش‌آموز بوده است.

دبستان ناموس

در سال ۱۳۰۴ ش. مدرسه ناموس به وسیله خانم بتول رضایی در ارومیه تأسیس شد مدیریت مدرسه با خانم رضایی بود. وزارت فرهنگ ماهانه ۶۰۰ ریال به عنوان کمک هزینه به مدرسه می‌پرداخت.

به استناد احصائیه سال ۱۳۱۴ - ۱۳۱۵ وزارت معارف دبیرستان دولتی شاهدخت رضائیه در سال ۱۳۱۱ و دبیرستان شاهدخت خوی در سال ۱۳۱۳ تأسیس شده است شاهدخت رضائیه با ۵ کلاس فقط ۶۰ شاگرد داشته است و شاهدخت خوی با ۱ کلاس و ۴ دانش‌آموز.

در سال تحصیلی ۱۳۱۶ - ۱۳۱۷ دبیرستان دختران ارومیه ۶۳ شاگرد داشته است و دبیرستان خوی ۳۹ شاگرد.

از سال ۱۳۱۶ دانشسرای دختران رضائیه با ۱۵ شاگرد شروع به کار کرده است.

آمار دبستان‌های دخترانه در سال تحصیلی ۱۳۱۶ - ۱۳۱۷

۱۳۱۷ ، ۱۳۱۶	۱۳۱۶ ، ۱۳۱۵	
۲۱۷ شاگرد	۲۶۴ شاگرد	۱- شاهدخت رضائیه
۱۶۷ شاگرد	۱۶۵ شاگرد	۲- دوشیزگان شاهپور
۲۱۲ شاگرد	۱۵۱ شاگرد	۳- دوشیزگان ماکو
۱۲۳ شاگرد	۸۵ شاگرد	۴- پرماس مهاباد

دبستان‌های غیر دولتی

۱۳۱۷ ، ۱۳۱۶ ۱۳۱۶ ، ۱۳۱۵

۱۵۴ شاگرد	۱۵۸ شاگرد	۱- ناموس رضائیه
۴ دختر و ۴۱ پسر	در سال ۱۳۱۶ - ۱۳۱۷ ،	۲- مختلط، چپانه
۱۶ دختر و ۱۷ پسر	در سال ۱۳۱۶ - ۱۳۱۷ ،	۳- مختلط، اشنویه
۴- رضائیه دختران که در سال ۱۳۱۶ تأسیس شده است در اولین سال ۱۰۲ شاگرد داشت.		

اصفهان

درست در زمانی که مدارس ارامنه در روستاهای ناشناخته فریدن فعالیت داشتند در شهر اصفهان که آن را نصف جهان خوانده‌اند، شهری که مرکز هنر، معماری، صنعت و ذوق است و آثار دیداری‌اش هر بیننده‌ای را به شگفتی وامی‌دارد. حتی یک دبستان دخترانه نداشته است بنابراین آنان که همت کرده به تأسیس مدرسه دخترانه اقدام کردند با اتهام بی‌دینی، «بابی‌گری»، فساد عقیده روبه‌رو می‌شوند. سید محمد علی جمال‌زاده در کتاب سروه یک کرباس وقتی از مکتب رفتن خود و بعد از مدرسه‌های جدید یاد می‌کند خاطره‌ای را نقل می‌کند که برای مردم امروزی به طنز بیشتر شبیه است تا حقیقت تاریخی، فشرده خاطره وی چنین است که:

از مکتب‌خانه‌ها خاطره خوشی ندارد نه فضای مکتب‌خانه را مناسب ذوق خود می‌دید، نه شیوه تنبیه و تدریس را. وقتی مدرسه جدید در اصفهان شروع به فعالیت می‌کند سید جمال واعظ که مردی روشن‌بین و روحانی آزادی خواهی بوده است پسر را به مدرسه جدید می‌سپارد. وی درباره این مدرسه می‌گوید که کیفی داشتم، لباس مرتب و خوشحال، که روزی در می‌زنند. محمدعلی با عجله در را باز می‌کند و چشمش به دو روحانی می‌افتد که دایی‌های اویند با خوشحالی سلام می‌کند لابس انتظار داشته از این که لباس مدرسه پوشیده و عازم مدرسه است او را تشویق کنند اما دایی‌ها اخم می‌کنند و حاضر نمی‌شوند توی خانه بیایند فقط می‌گویند با پدردت کار داریم. سید جمال دم در می‌رود اکراه علما را می‌بیند آنان از اینکه او فرزندش را به مدرسه جدید گذاشته ناراضی‌اند و به سید جمال می‌گویند این مدرسه‌ها مرکز فاسدالعقیده‌ها و بابی‌هاست تو اگر اهل علم هستی چرا بچعات را به این مدارس می‌فرستی. سید جمال که می‌داند بحث فایده ندارد. محمدعلی را صدا می‌کند و می‌گوید: برو این لباس را از تنت بیرون بپار و دیگر مدرسه نرو و در برابر اندوه پسرش می‌گوید. که باید به حرف علما بود محمدعلی ناراحت گوشه‌ای کز می‌کند دایی‌ها به درون می‌آیند و پس از مدتی صحبت می‌روند. همین که در بسته می‌شود سید جمال پسرش را صدا می‌کند و می‌گوید: محمد علی کیفیت را بردار و برو مدرسه. با این همه مدرسه‌هایی تأسیس می‌شد که با مخالفت عوام و یا دینداران



قشری روبه‌رو می‌شد چنانکه در سال ۱۳۴۳ ق. ماه رمضان برابر با ۱۳۰۴ ش. مردم سده^۱ مدرسه دولتی را خراب کردند زیرا مدارس جدید را مخالف دین و مذهب می‌دانستند و چون از سوی دولت تعقیب شدند. خراب‌کنندگان مدرسه به منزل حاجی آقا نوراله سده‌ی رفته و آنجا متحصن شدند و گفتند ما مدرسه نمی‌خواهیم. انتقاد شاعر منتقد اجتماعی اصفهان، مکرم اصفهانی را می‌شود در نوحه‌ای که به گویش اصفهانی سروده است دید در این‌جا مناسب دیدم که شعر این وکتر ایرانی را برای آگاهی علاقه‌مندان به تاریخ مدارس جدید نقل کنم.

ای آقای ما، سرور ما، مدرسه حروم‌س

ای رهبر ما، در بر ما، مدرسه حروم‌س

و ادار درشا بیندند

بوگو تو روما نخندند

این مدرسه از علم بود ریش‌دار و کوسه

هر کس بره توش «بابی» می‌شه بی‌سوسه موسه

حروم‌س این زبان‌ها

خصوصاً در جوان‌ها

در دالون این مدرسه هر کس سرازیر شد

چار پنج تا لغت یاد می‌گیره می‌خاد وزیر شد

یا آنکه به قسطنطنیه بره سفیر شد

یا دست کمش در همدان می‌خاد دبیر شد

و ادار درشا بیندند

بوگو تو روما نخندند

ما لازم و جازم نداریم زیون فرنگی

با کُلا لگنی ما ندارم الاکلنگی

جیم ناستیک و ورزش چی می‌خاد بچه مافنگی

بهرتر که باشه وافوری و چرسی و بنگی

و ادار درشا بیندند

بوگو تو روما نخندند

اتهام بی‌دینی، بابی‌گری و در مدارس دخترانه بی‌حیایی و فساد اگرچه نگرانی‌هایی برای خادمان فرهنگ جدید به همراه داشت اما جلوی گسترش دانش جدید را نتوانست بگیرد سرانجام در سال ۱۳۳۰ ق / ۱۹۱۱ به کوشش میرزا آقاخان مصطفی (محاسب الدوله) اولین مدرسه دخترانه اصفهان تأسیس شد گرچه این مدرسه یک‌سال‌ونیم بیشتر دوام نیاورد در سال (۱۳۳۴ ق / ۱۹۱۵ م) در محله گل بهار مدرسه دخترانه‌ای به همت سید سعید طباطبایی و مدیریت «بی‌بی خانم جناب» تأسیس شد این مدرسه ۵ سال دوام آورد.

اگر چه مخالفت با مدارس دختران بیش از پسران بود اما در اصفهان تأسیس مدارس پسران نیز کار آسانی نبود.

صدیقه دولت‌آبادی و مدرسه مکتب شریعت

صدیقه دولت‌آبادی متولد ۱۲۶۰ خورشیدی در خانواده‌ای روحانی دیده به جهان گشود وی از تبار آخوند ملاعلی مجتهد حکیم نوری بود و دختر میرزا هادی دولت‌آبادی، از کودکی در کنار برادران و خواهران خود به تحصیل پرداخت و در ۱۶ سالگی چشم بسته به ازدواج اعتضادالحکما درآمد این ازدواج به سامان نرسید اختلاف سن و عقیده او را بر آن داشت که از همسرش جدا شود. مدتی در تهران بود به اصفهان که رفت مدرسه دختران «مکتب‌خانه شریعت» تأسیس کرد و چون به سبب تعصبات خانوادگی نتوانست ریاست آن را عهده‌دار شود این کار را به عهده خانم رخشان گذاشت. با این همه خیلی زود راز ایشان آشکار شد و چون بازکردن مدرسه برای زنان را در آن زمان جرم می‌دانستند او را نه تنها مورد ضرب و شتم قرار دادند بلکه مدت سه ماه او را در وزارت فرهنگ زندانی ساختند و از خانواده‌اش تعهد گرفتند که پس از آن در این زمینه به هیچ فعالیتی نپردازد / ص ۸۷۰ از کتیبه تا تاریخ در باره صدیقه دولت‌آبادی در کتاب از کتیبه تا تاریخ^۱ و اولین زن‌ها^۲ و دایرةالمعارف زنان داوری‌هایی شده است. از جمله در باره مدرسه شریعت، درباره روزنامه زبان زنان، درباره شرکت وی در کنگره شرق. اگر چه در

۱. پوران فرخ‌زاد.

۲. دژم



مقاله موجود کاستی‌ها و یا اشتباهاتی دیده می‌شود ولی در تمام این نوشته‌ها به یک نکته توجه شده است که دولت‌آبادی به آگاهی زنان زمانه خود می‌اندیشیده است او نیز مانند برادرش یحیی دولت‌آبادی مقاوم، دلیر و تسلیم‌ناپذیر بوده است و از همه مهم‌تر این که به گسترش مدارس و بالاتر بردن سطح فکری زنان ایرانی باور داشته است.

وقتی مدرسه او را می‌بندند از پا نمی‌نشیند.

به نوشته پوران فرخزاد:

یک سال بعد دست به تشکیل انجمن زنانه‌ای زد که به زودی به نام شرکت خواتین اصفهان شروع به کار کرد پس از آن هم انتشار نخستین روزنامه زنان ایران را با نام (زبان زنان) آغاز کرد. گروه بی‌شماری از کوردلان و تاریک‌بینان علم مخالفت با او را بر دوش گرفتند و نه تنها دفتر روزنامه‌اش را آتش زدند بلکه خودش را هم به لعن و طعنه گرفتند اما این بانوی پردل سه سال تمام به کار مطبوعاتی خود ادامه داد تا سرانجام پس از چاپ مقاله‌ای انتقادی، از سوی وثوق‌الدوله حاکم وقت دستور توقیف آن صادر شد. خانم دولت‌آبادی در سال ۱۳۰۰ به تهران آمد.

دبستان‌های دولتی دختران اصفهان

نام دبستان	سال تأسیس	تعداد شاگرد	تعداد کلاس	۱۳۱۵-۱۳۱۶
ناموس	ش ۱۳۰۵	۱۵۹	۶	۲۱۲ دختر
دوشیزگان	ش ۱۳۰۶	۱۱۶	۶	۲۱۹ و ۵۰ پسر
دانش نسوان	ش ۱۳۰۹	۱۲۱ ختر ۱۶ پسر	۶	۱۷۶ و ۲۱ پسر
شاهدخت	ش ۱۳۱۳	۲۱۵ ختر ۸ پسر	۶	۱۰۸ دختر
شهرضا	ش ۱۳۱۳	۱۲۴ ختر ۴ پسر	۶	۱۳۰ دختر و ۷ پسر

دبستان‌های غیردولتی

- ۱- بهشت آئین ۱۲۹۹ ش، ۱۶۵ دختر و ۳۰ پسر در سال ۱۳۱۵ - ۱۳۱۶ و ۱۷۱ دختر و ۴۰ پسر در سال ۱۳۱۶ - ۱۳۱۷
- ۲- اتحاد ۱۲۷۸ ش، ۱۵۱ دختر و ۸ پسر در سال ۱۳۱۵ - ۱۳۱۶ و ۳۷ و دختر ۵۷۱ پسر در سال ۱۳۱۶ - ۱۳۱۷



- ۳- صارمیه ۱۳۱۳ ش، ۱۵۹ دختر و ۷ پسر در سال ۱۳۱۵ - ۱۳۱۶ و ۱۳۱۶ و ۱۶۹ دختر و ۱۴ پسر در سال ۱۳۱۶ - ۱۳۱۷
- ۴- عصمتیه ۱۳۰۷ ش، ۱۰۵ دختر و ۱۹ پسر در ۱۳۱۵ - ۱۳۱۶ و ۱۱۲ دختر و ۱۴ پسر در ۱۳۱۶ - ۱۳۱۷
- ۵- کاهه ۱۳۰۳ ش، ۱۲۵ دختر و ۴۱ پسر در ۱۳۱۵ - ۱۳۱۶ و ۱۱۶ دختر و ۳۷ پسر در ۱۳۱۶ - ۱۳۱۷
- ۶- کاتولیک جلفا ۱۲۵۶ ش، ۱۲۴ دختر و ۸۴ پسر در سال ۱۳۱۵ - ۱۳۱۶ و ۱۱۸ دختر و ۱۱۱ پسر در ۱۳۱۶ - ۱۳۱۷
- ۷- شاه‌عباس، طلوع دانش نجف‌آباد ۱۳۱۱ ش، ۱۴۱ دختر و ۱۴۵ پسر در سال ۱۳۱۵ - ۱۳۱۶ و ۲۳۵ دختر و ۲۲۶ پسر در سال ۱۳۱۶ - ۱۳۱۷

دبیرستان‌های دولتی

- ۱- بانوان ۱۳۱۳ ش، ۴۵ شاگرد، ۵ کلاس در سال ۱۳۱۴ - ۱۳۱۵
- ۲- شاهدخت ۱۳۱۳ ش، ۱۲ شاگرد، ۱ کلاس در سال ۱۳۱۴ - ۱۳۱۵
- #### دبیرستان‌های غیر دولتی
- ۱- بهشت آئین غیردولتی ۱۲۲۹ ش، ۹۷ شاگرد در سال ۱۳۱۵ - ۱۳۱۶ و ۱۳۰ نفر در سال ۱۳۱۶ - ۱۳۱۷
- ۲- دانشسرای دختران اصفهان، در سال ۱۳۱۶ - ۱۳۱۷، ۸۷ نفر
- ۳- مریم بیگی اصفهان و انوشیروان، ۵ شاگرد در سال ۱۳۱۶ اما در سال ۱۳۱۷ شاگردی نداشته است.

انجمن بانوان

خانم صدیقه دولت آبادی با همراهی ۲۹ نفر از برای دختران تهی‌دست، پایه‌های انجمنی را به نام آزمایش بانوان پی‌ریزی کرد و از آن پس با تمامی توانی که داشت فعالیت‌های فرهنگی خود را ادامه دادند. با این همه چون تحصیلات خود را کامل نمی‌دانستند و خود را به تحقیق و پژوهش‌های بیشتری نیازمند می‌دیدند در سال ۱۳۰۱ ش. پس از سفر به بیروت، راهی فرانسه شد تا در دوره کالج زنان سالمند به تحصیل روان‌شناسی تربیتی بپردازد و در فرانسه نوشتارهایش در چند

روزنامه‌ی پراعتبار بر زمینه‌ی لزوم، آزادی و استقلال زن در ایران انتشار یافت و چنان مورد توجه قرار گرفت که او را در سال ۱۳۰۵ ش. به کنگره‌ی جهانی زنان در پاریس دعوت کردند و با سخنرانی مؤثری که در کنگره ایراد کرد برای نخستین بار اذهان زنان کشورهای دیگر دنیا را متوجه زن ایرانی ساخت این بانوی بزرگ سرانجام در سال ۱۳۱۶ کانون بانوان ایران را در تهران تأسیس کرد. در سال ۱۳۲۱ بار دیگر انتشار مجله جهان زنان را آغاز کرد و تا پایان مرداد ماه ۱۳۴۰ ادامه یافت:

به هنگام طرح قرارداد ننگین وثوق‌الدوله با انگلستان روزنامه‌وی، زبان زنان تنها روزنامه‌ی مخالفی بود که در اصفهان دلیرانه به وثوق‌الدوله حمله برد و بسته شدن آن قرارداد را خیانتی بزرگ به ایران دانست و چنان شجاعانه به حاکم وقت ناخت که تیراژ روزنامه‌اش به دو هزار رسید. / ص ۸۷۶، ۸۷۷ از کتیبه تا تاریخ

روزنامه زبان زنان

در سال ۱۳۳۷ ق ۱۹۱۹ م به صاحب امتیازی و مدیریت صدیقه دولت‌آبادی در اصفهان منتشر شد دفتر این روزنامه در ابتدا در مدرسه ام‌المدارس اصفهان بود سپس به دفتر شمس‌آباد عباس‌آباد و دروازه دولت انتقال یافت. روزنامه در آغاز در یک برگ و بعد در چهار صفحه در چاپخانه جبل‌المتین چاپ می‌شد. این روزنامه سومین جریده‌ای است که زنان نوشته‌اند اما اولین نشریه زنان در شهرستان‌هاست، و همین اولین نشریه‌ای است که موضوع آن زن است شماره اول ۲۰ شوال ۱۳۳۷، ۱۹ ژوئن ۱۹۱۹ اولین شماره سال دوم و رجب ۱۳۳۸ اول هر ۱۵ روز یک بار منتشر می‌شد در سرلوحه کلیه شماره‌های آن، زبان زنان تصریح شده است که تنها آثار زنان و محصلان دختر را چاپ می‌کند و حق‌التألیف نیز بستگی به توافق نویسنده با دفتر روزنامه دارد.

بروجرد

در سال ۱۳۰۳ ش. زمانی که جناب آقای همایون سیاح ریاست دارایی بروجرد را عهده‌دار بودند به کمک آقایان علیرضا خسروانی و اعتضاد رازانی (رئیس فرهنگ) و عده‌ای دیگر از معارف محل اعاناتی جمع‌آوری و ضمن ترمیم حقوق

مستخدمین دبستان دولتی دو باب آموزشگاه دیگر یکی پسرانه جمالیه به نام سیدجمال‌الدین اصفهانی («واعظ» که مقبره وی در محل شهرداری است^۱) و دیگری دخترانه به نام مکتب البنات فاطمیه تأسیس می‌نماید.

پرواضح است که تأسیس و افتتاح اولین آموزشگاه دخترانه در آن تاریخ کار آسانی نبوده چنان‌که در بادی امر با بعضی از اقدامات مخالف نیز مواجه گردیده است لیکن برای جلب اطمینان عمومی موحومه آغا خانم خسروانی مادر آقای علی‌رضا خسروانی که خود از زنان فاضله و روشنفکر و در خدمات فرهنگی نیز سابقه زیادی داشته قبول این مهم را می‌نماید و مدیریت آموزشگاه جدید دخترانه که روز سیزدهم رجب ۱۳۴۳ ق. برابر با سوم بهمن ۱۳۰۳ خورشیدی در بروجرد افتتاح شد را به عهده می‌گیرد / ص ۵ سالنامه معارف بروجرد.

آمار مدارس دخترانه بروجرد از سال ۱۳۱۴ تا ۱۳۱۷

در سال ۱۳۱۴ - ۱۳۱۵ در حوزه معارف بروجرد ۸ مدرسه پسرانه ۲ تا در بروجرد با نام ۱۵ بهمن و فردوسی وجود داشته این دو مدرسه هر کدام ۶ کلاسه بوده‌اند و ۵ مدرسه نیز در چاپلق، بریرور، امامزاده قاسم و اشرنریان فعال بوده است در این سال دبستان دخترانه ناموس بروجرد با ۶ کلاس با ۷۴ دانش‌آموز، دوشیزگان با ۱۱۹ شاگرد و شاهدخت با ۴۳ شاگرد وجود داشته است این سه مدرسه دولتی بوده است در این سال فقط یک دبستان دخترانه غیردولتی دختران با ۶ کلاس و ۱۲۴ دختر به کار مشغول بوده است که تاریخ تأسیس آن را ۱۳۰۴ نوشته‌اند.

در سالنامه بروجرد می‌خوانیم که صدیقه خانم خسروانی بعد از مادر سرپرست مدرسه دخترانه فاطمیه بودند وی در سال ۱۳۲۶ - ۱۳۲۷ ش. ریاست مدرسه ایران‌دخت را داشتند.

۱. سیدجمال واعظ، آزادبخواه، مشروطه‌طلب که در بروجرد شهید شد. محمدعلی جمال‌زاده که از نخستین داستان‌نویسان معاصر است فرزند اوست.

بنادر جنوب

بوشهر، بندرعباس، بحرین

برابر احصائیه سال ۱۳۱۴، ۱۳۱۵ اولین مدرسه پسران بوشهر در سال ۱۲۸۵ ش. با نام جاوید عباسی ایجاد شده است در احصائیه این سال در سراسر بنادر جنوب یعنی بوشهر، سنگی، برازجان، خورموج، اهرم، کنگان، بندریک، گناوه، دیلم، جاسک، عباسی، فین چاه بهار، خمین، میناب، سعدآباد، امامزاده ۲۰ مدرسه پسرانه و ۳ مدرسه دخترانه‌ی دولتی و ۹ مدرسه غیردولتی پسران بوده است که در قشم، هرمز، تنگه، بحرین، فعال بوده است و یک مدرسه دختران غیردولتی با ۸۴ شاگرد که تاریخ تأسیس آن مشخص نیست. اما قدیمی‌ترین مدرسه دولتی دختران در سال ۱۳۰۵ در بوشهر تأسیس یافته است و عفت عباسی (در بندرعباس) در سال ۱۳۱۱ ش.

به نوشته فخری قویمی:

در سال ۱۳۰۵ ش. نخستین دبستان دخترانه بوشهر به همت بانو شوکت سدامی و همسرش عباس سدامی (وکیل دادگستری) تأسیس شده. شوکت سدامی متولد همدان او پس از ازدواج در بدو ورود به بوشهر این مدرسه را بنا نهاد. اطلاع دیگری در باره این مدرسه در دست نیست / کارنامه زنان مشهور ایرانی

به نوشته فخری قویمی:

دبستان دخترانه تأسیس یافته پس از مشروطیت به وسیله ملاباجی در بندر بوشهر ایجاد شد وی ابتدا مکتب علوم دینی و زبان فارسی را اداره می‌کرد و سپس به تأسیس مدرسه همت گمارد. ملاباجی در میان بانوان جنوب ایران محبوبیت زیادی داشته است اما شوکت سدامی که خواستار رهبری زنان جنوب بود سرانجام موفق شد تا او را از کار برکنار کند.

در احصائیه سال ۱۳۱۴ - ۱۳۱۵ فقط نام سه مدرسه دخترانه به شرح زیر دیده

می شود.

۱- شاهدخت بوشهر، تأسیس ۱۳۰۵، ۶ کلاس با ۱۲۲ شاگرد در این سال ۸ دانش آموز تصدیق ششم ابتدایی گرفته اند.

۲- دبستان دولتی ایرانداخت سنگی، تأسیس ۱۳۱۳، با ۲ کلاس و ۵۰ شاگرد

۳- عفت عباسی در بندرعباس، تأسیس ۱۳۱۱، با ۴ کلاس و ۸۳ شاگرد دختر

و ۴۴ پسر در این سال فقط یک مدرسه غیردولتی در بوشهر وجود داشته است با ۸۴ دانش آموز اما از تاریخ تأسیس و نام مدرسه اطلاعی نداریم.

آمار مدرسه شاهدخت بوشهر در سال ۱۳۱۵ - ۱۳۱۶، ۱۳۹ نفر و ۱۳۱۶ و

۱۳۱۷، ۱۷۲ دختر

دبیرستان دختران:

برابر آمار سال ۱۳۱۶ - ۱۳۱۷ کلاس اول دبیرستان دختران در سال ۱۳۱۶

تأسیس و در این سال، هفت دختر درس می خوانده اند.

بحرین

امروز بحرین کشوری است مستقل اما در سال ۱۳۱۴ و ۱۳۱۵ ش. بحرین جزو

بنادر جنوب ایران بوده است:

برابر آمار رسمی وزارت معارف در سال ۱۳۰۲ ش. مدرسه اتحادیه بحرین

تأسیس می شود. این مدرسه در سال ۱۳۱۴ ش. دارای ۶ کلاس و ۱۹۹ شاگرد پسر بوده است.

در خرداد ۱۳۱۵ از کلاس ششم مدرسه ۵ دانش آموز موفق به دریافت تصدیق

ششم ابتدایی می شوند.

تعداد شاگردان مدرسه بحرین در سال ۱۳۱۵ - ۱۳۱۶ برابر آمار رسمی ۲۳۴

نفر و در سال ۱۳۱۶ - ۱۳۱۷، ۲۰۳ نفر بوده است، بدیهی است تا سال ۱۳۱۷ در

بحرین مدرسه دخترانه ای وجود نداشته است.^۱

۱. بحرین در سال ۱۳۴۷ از ایران جدا شد و کشوری مستقل شد.



تنکابین

در سال ۱۳۰۰ ش. اولین مدرسه پسران در خرم‌آباد تأسیس شد از سال ۱۳۰۱ تا سال ۱۳۰۶ در تنکابین (شهسوار، سلمان، عباس‌آباد، رامسر، خرم‌آباد، حسن کیفا، کردی چال، بوشهر، املش، رحم‌آباد، بی‌بالان، رودسر) تعداد ۱۴ مدرسه تأسیس شد که برابر آمار سال ۱۳۱۴ - ۱۳۱۵ فقط مدرسه دختران رودسر تأسیس ۱۳۰۳، دارای ۴ کلاس دخترانه با ۶۴ شاگرد بوده است.

مدراس مختلط:

خسروی نوشهر، تأسیس ۱۳۰۵، ۶ کلاس با ۱۳ دختر و ۵۷ پسر
 پهلوی مختلط شهسوار، تأسیس ۱۳۰۴، ۵ کلاس با ۳۶ دختر و ۹۶ پسر
 ۱۷ دی سلمان، تأسیس ۱۳۰۱، ۴ کلاس ۲۳ دختر و ۴۷ پسر
 در سال ۱۳۱۵ - ۱۳۱۶ فقط رودسر یک مدرسه دخترانه دارد. به نام تربیت
 نسوان با ۱۰۴ دختر

در سال ۱۳۱۶ - ۱۳۱۷ دو مدرسه دختران است.

۱- تربیت نسوان با ۱۳۳ شاگرد دختر و ۹ پسر

۲- علی شیرفرد با ۱۸ دختر و ۵۹ پسر

دبیرستان:

تنکابین تا سال ۱۳۱۷ فقط یک مدرسه پسران به نام پهلوی شهسوار دارد با ۲۰ شاگرد.

حومه تهران

در آمار سال ۱۳۰۹ - ۱۳۱۰ در حومه تهران ۳۲ مدرسه دایر بوده است با ۲۸ کلاس تهیه، ۸۵۱ کلاس اول، ۴۴۳ کلاس دوم، ۳۰۲ کلاس سوم ۱۹۸ کلاس چهارم، ۳۳ کلاس پنجم و ۳۴ شاگرد در کلاس ششم؛
 تعداد کل دانش‌آموزان ابتدایی در سال ۱۳۰۹ - ۱۳۱۰، ۱۸۸۹ نفر که ۱۷۳۶ پسر و ۱۵۳ دختر بوده‌اند.

۱- شهرری: قدیمی‌ترین مدرسه‌های حومه، مدرسه عظیمیه شهرری هست که

در سال ۱۳۰۹ - ۱۳۱۰ دارای ۶ کلاس و ۱۹۴ دانش‌آموز پسر بوده است.

- ۲- ورامین با ۵ کلاس و ۶۶ شاگرد فعال بوده است.
- ۳- کرج با یک مدرسه ۳ کلاسه و ۶۶ دانش آموز
- ۴- فیروزکوه با یک مدرسه چهار کلاسه ۵۵ شاگرد
- ۵- امامزاده جعفر (پیشوا) با چهار کلاس ابتدایی و ۵۵ شاگرد
- ۶- جوادآباد با ۴ کلاس و ۳۹ شاگرد
- ۷- علیشاه عوض (شهریار) با ۴ کلاس و ۴۲ شاگرد
- ۸- رباط کریم با چهار کلاس و ۵۶ شاگرد
- ۹- کن با چهار کلاس و ۱۲۵ شاگرد
- ۱۰- تجریش با چهار کلاس و ۱۲۵ شاگرد
- ۱۱- صاحبقرانیه با چهار کلاس و ۶۷ شاگرد
- ۱۲- دماوند با چهار کلاس و ۹۵ شاگرد
- ۱۳- ناران لواسان (گلندوک) با چهار کلاس و ۴۱ شاگرد
- ۱۴- کیلان دماوند با چهار کلاس و ۴۸ شاگرد
- ۱۵- برغان با چهار کلاس و ۴۲ شاگرد
- ۱۶- خوار (گرمسار فعلی) با چهار کلاس و ۴۷ شاگرد
- ۱۷- ایوانکی با چهار کلاس و ۵۸ شاگرد
- ۱۸- فشم با ۳ کلاس و ۳۴ شاگرد
- ۱۹- قاسم آباد قندی شاه با ۳ کلاس و ۳۵ شاگرد
- ۲۰- ارادان (گرمسار) با چهار کلاس و ۵۸ شاگرد
- ۲۱- فردوس شهریار با چهار کلاس و ۵۵ شاگرد
- ۲۲- اشتهارد با چهار کلاس و ۴۲ شاگرد
- ۲۳- اوین با چهار کلاس و ۴۶ شاگرد
- ۲۴- لویزان با چهار کلاس و ۵۸ شاگرد
- ۲۵- قلهک با ۳ کلاس و ۵۲ شاگرد
- ۲۶- رودهن با ۳ کلاس و ۲۲ شاگرد
- ۲۷- کردان با ۳ کلاس و ۴۹ شاگرد



دختران حومه

- ۱- در این سال مدرسه تجریش با ۴ کلاس و ۶۸ شاگرد
 - ۲- صاحبقرانیه با ۴ کلاس و ۴۶ شاگرد
 - ۳- دماوند با ۳ کلاس و ۳۹ شاگرد فعالیت داشته‌اند.
- تعداد معلمان حومه ۵۸ نفر بوده است که از این تعداد ۵ معلم زن درس می‌داده‌اند.

تبرستان

www.tabarestan.info

- مدراس دختران حومه تا سال ۱۳۱۷ ش. در سال تحصیلی ۱۳۱۴ - ۱۳۱۵
- ۱- مدرسه قلهک با ۷۸ پسر و ۱۳ دختر
 - ۲- لویزان با ۴۰ پسر و ۱ دختر
 - ۳- یافت‌آباد با ۳۸ پسر و ۸ دختر
 - ۴- دروس با ۱۵ پسر و ۱۹ دختر
 - ۵- رودهن با ۱۷ پسر و ۱۴ دختر
 - ۶- ورامین با ۹۳ پسر و ۹ دختر
 - ۷- جوادآباد با ۳۱ پسر و ۱ دختر
 - ۸- امامزاده جعفر با ۸۳ پسر و ۷ دختر
 - ۹- ایوانکی با ۷۹ پسر و ۱۴ دختر
 - ۱۰- قشلاق خوار (گرمسار) با ۶۷ پسر و ۱۲ دختر
 - ۱۱- ارادان خوار با ۴۷ پسر و ۱۴ دختر
 - ۱۲- پلشت با ۲ پسر و ۱ دختر
 - ۱۳- خوار با ۳۳ پسر و ۱۱ دختر
 - ۱۴- اشتهارد با ۱۲۵ پسر و ۲۱ دختر
 - ۱۵- فردوسی با ۴۶ پسر و ۱۹ دختر
 - ۱۶- آدران با ۲۴ پسر و ۲ دختر
- جمعاً در سال ۱۳۱۴ - ۱۳۱۵ تعداد ۲۱۰ دختر در ۱۶ مدرسه به تحصیل مشغول بوده‌اند.

آمار مدارس حومه دختر و پسر

مدارس حومه در سال‌های ۱۳۱۵ - ۱۳۱۴، ۱۳۱۶ و ۱۳۱۷ مختلطند در این

سال تعداد ۲۸ مدرسه مختلط در حومه فعال بوده است به شرح زیر:

نام مدرسه	تعداد دختر ۱۳۱۵	تعداد پسر ۱۳۱۶	تعداد دختر ۱۳۱۶	تعداد پسر ۱۳۱۷
۱- همایون تجریش	۱۰۶	۲۳۱	۹۱	۹۳
۲- بوعلی صاحبقرانیه	۳۴	۸۷	۳۴	۱۱۴
۳- بهرام رستم‌آباد	۳۶	۵۵	۵۷	۶۹
۴- گلستان اوین	۱۲	۶۳	۱۲	۴۴
۵- جم قلهک	۲۹	۴۴	۴۷	۱۰۷
۶- بوستان لویزان	۶	۴۰	۶	۳۴
۷- کوشش رودهن	۱۶	۲۵	۱۹	۲۳
۸- دانایی دماوند	۷۷	۱۱	۱۰۸	۳۰
۹- گلزار ماتریس	۱۹	۶۴	۱۹	۵۷
۱۰- تهران کردان	۲۷	۵۷	۱۸	۵۱
۱۱- ابوریحان برغان	۱۲	۴۰	۱۴	۱۱
۱۲- فرخی فشند(قشم)	۲۳	۶۱	۳۳	۶۱
۱۳- جلوه اشتهارد	۲	۱۰۷	۴	۱۱۰
۱۴- حاجی علیشاه‌عوض (شهریار)	۹	۵۴	۱۹	۸۶
۱۵- جهان فردستی شهریار	۲۵	۶۲	۲۸	۷۶
۱۶- شهریور آدران	۱۸	۳۳	۱۷	۳۳
۱۷- شهریار رباط کریم	۳۳	۷۸	۲۲	۷۵
۱۸- کوشیار شهر ورامین	۴۶	۱۲۰	۷۵	۱۳۵
۱۹- شهداد جوادآباد	۱	۶۶	۳	۵۸
۲۰- پیشوا امامزاده جعفر	۱۳	۱۲۲	۴۰	۱۴۳
۲۱- ارزنگ ایوانکی	۱۴	۸۴	۱۵	۱۱۴
۲۲- آفتاب قشلاق خوار	۲۲	۷۹	۳۲	۱۰۰
۲۳- سهراب ارادان خوار	۱۸	۶۲	۲۶	۸۲
۲۴- شادی یافت‌آباد	۱۴	۴۶	۳۰	۷۵
۲۵- اردیبهشت پلشت ورامین	۲۳	۲۹	۲۵	۳۶
۲۶- جهان آفرین نجم‌آباد	۵	۲۸	۷	۳۵
۲۷- ارمغان سوهانک	۲۵	۳۴	۲۵	۳۴
۲۸- گلشن دروس	۲۲	۱۵	-	۴۲



در سال ۱۳۱۶، ۱۳۱۷ مدارس مختلط زیر فعال بوده است.

پسر	دختر	
۴۲	۲۵	۱- روان بخش امامزاده قاسم
۳۳	۱۳	۲- سینا شمشک
۶۶	۲۷	۳- داراب ریکان خوار
۳۵	۱۲	۴- جاماسب منجیل آباد
۳۰	۳۴	۵- جاوید قسطانک
۵۰	۱۵	۶- گلبن جلیل آباد
۱۰۰	۷۵	۷- فخررازی ری
۱۶	۷	۸- سپهر رینه
۲۵	۵	۹- ایجدانک

از ۳۷ مدرسه فوق نه مدرسه جزو شمیرانات است و بقیه از شهرهای ری - دماوند - شهریار - کرج - رباط کریم - ورامین - گرمسار

مشهد (خراسان)

پس از مشروطه، به سال ۱۲۹۴ ش / ۱۹۱۵ م. مدرسه دخترانه به همت خانم فروغ آذرخشی ملقب به فروغ السلطنه ایجاد شد. حاج مرتضی میرزا قهرمان که از شاهزادگان قاجار بود در احداث این مدرسه سهم موثری داشت مدرسه فروغ در سال ۱۲۹۶ ش. پنج کلاس و هفت آموزگار داشت در فهرست مدارس دختران مشهد در سال ۱۳۰۴ ش. عده دانش آموزان ۱۴۵ نفر و تعداد کلاس ها ۶ تا بوده است محل عواید مدرسه از شهریه و ماهی ۳۰ تومان از شرکت فرهنگ ذکر شده است در سال ۱۳۰۵ تعداد شاگردان مدرسه بالغ بر ۱۶۹ نفر بود که ۲۷ نفر از آنان رایگان درس می خواندند تعداد فارغ التحصیلان مدرسه تا سال ۱۳۰۵ ش. بالغ بر ۱۹۳ اعلام شده است برابر احصائیه سال ۱۳۱۴ - ۱۳۱۵ مدرسه فروغ دارای ۶ کلاس با ۳۶۱ دانش آموز بوده است. پس از چند سال اولین دبیرستان مشهد فروغ نام داشت.

مدرسه دختران ارض اقدس مشهد:

پس از استقرار مشروطه در سال ۱۳۳۵ ق / ۱۲۹۵ ش. این مدرسه تأسیس شد و مدیریت آن با خانم ملکه ابوالملوکی قاجار بود و تا سال ۱۲۹۷ این مدرسه ۳ کلاس و ۳ آموزگار داشت. در صورت مدارس دخترانه شهر مشهد در سال ۱۳۰۴ ش. تعداد دانش آموزان ۸۴ نفر ذکر شده است که در ۶ کلاس درس می خوانده اند. محل عواید مدرسه در آن سال از شهریه اطفال و اعانه گمرک تأمین می شده است در احصائیه ۱۳۱۴ - ۱۳۱۵ مدرسه گوهریه ۶ کلاس و ۱۲۷ شاگرد داشته است اما تاریخ تأسیس مدرسه را ۱۳۱۲ نوشته اند که باید اشتباه باشد.
مدرسه گوهریه:

در سال ۱۳۰۳ ش. به مدیریت زرین تاج خانم هوشیار این مدرسه تأسیس شد براساس فهرست مدارس شهر در سال ۱۳۰۴ تعداد دانش آموزان ۳۲ نفرند و در سال ۱۳۰۶، (۴۳) نفر و ۳ نفر از محصلان رایگان. همان سال فارغ التحصیلان ۷ نفر و معلمان ۴ نفر بوده اند در سال ۱۲۹۹ مدرسه دختران دیگری با نام بانوان وجود داشته است که از چگونگی آن بی اطلاع هستیم ولی در آمار سال ۱۳۱۳ - ۱۳۱۴ تاریخ تأسیس این مدرسه را ۱۲۹۶ ش. و تعداد کلاس ها را ۶ و تعداد شاگردان مدرسه را ۲۳۰ نفر گزارش کرده اند.

در سال ۱۳۱۳ - ۱۳۱۴ تحصیلی مشهد دارای هفت مدرسه دخترانه غیردولتی بوده است.

۱- فروغ ۲- بانوان ۳- مخدرات اسلامی ۴- گوهریه ۵- ارض اقدس ۶- کوکبیه ۷- علم و هنر آمار مدارس دختران مشهد در سال های ۱۳۱۴ - ۱۳۱۵ و ۱۳۱۵ - ۱۳۱۶ و ۱۳۱۶ - ۱۳۱۷

۱- دختران شماره ۱ مشهد (دولتی) تأسیس ۱۳۰۸ ش، ۲۵۶ شاگرد

۲- ناموس ۱۳۰۸ ش، ۲۱۷ شاگرد

۳- شاهرضا ۱۳۱۲ ش، ۱۹۷ شاگرد

۴- شاهرضا شماره ۲، ۲۱۴ شاگرد

در سال ۱۳۱۴ و ۱۳۱۵ تحصیلی فقط دبستان دوشیزگان سبزواری که در سال ۱۳۱۳ ش. تأسیس شده است ۹۹ شاگرد مدرسه داشته است آن هم با ۴ کلاس،



مدرسه تربت حیدریه تأسیس ۱۳۱۲ دو کلاسه با ۴۶ شاگرد در سال ۱۳۱۵، ۱۳۱۶ مدارس دختران دولتی مشهد مشخصات زیر را دارند.

- ۱- گوهرشاد مشهد به جای دختران شماره ۱ با ۳۳۰ شاگرد و در سال ۱۳۱۶ - ۱۳۱۷ تعداد شاگرد ۴۳۱ نفر
- ۲- آذری مشهد به جای ناموس با ۲۰۶ شاگرد و در سال ۱۳۱۶ - ۱۳۱۷ تعداد شاگرد ۳۰۶ نفر
- ۳- ایراندخت مشهد به جای شاهرضا با ۲۷۲ شاگرد و در سال ۱۳۱۶ - ۱۳۱۷ تعداد شاگرد ۴۳۱ نفر
- ۴- پوران، مشهد به جای شماره ۲ با ۲۶۷ شاگرد و در سال ۱۳۱۶ - ۱۳۱۷ تعداد شاگرد ۴۹۳ نفر

مدارس دختر غیر انتفاعی

نام	تأسیس	تعداد کلاس	سال ۱۴-۱۵	۱۵-۱۶	۱۶-۱۷
۱- فروغ	۱۲۹۳ش	۶	۳۶۱ شاگرد	۳۹۸ شاگرد	۳۶۸ شاگرد
۲- بانوان	۱۲۹۹ش	۶	۲۳۰ شاگرد	۲۵۴ شاگرد	۲۳۸ شاگرد
۳- مخدرات اسلامیة	۱۳۰۴ش	۶	۱۹۷ شاگرد	۲۴۹ شاگرد	۲۴۲ شاگرد
۴- گوهریه	۱۳۰۲ش	۶	۱۶۴ شاگرد	۲۱۹ شاگرد	۱۸۶ شاگرد
۵- ارض اقدس	۱۳۱۲ش	۶	۱۲۷ شاگرد	۱۸۸ شاگرد	۲۰۴ شاگرد
۶- کویبیه	۱۳۰۰ش	۶	۶۹ شاگرد	۱۱۹ شاگرد	۱۶۶ شاگرد
۷- علم و هنر	۱۳۰۲ش	۶	۱۰۵ شاگرد	۱۲۷ شاگرد	۹۳ شاگرد

دبیرستان

نخستین دبیرستان دخترانه مشهد در سال ۱۳۰۸ ش. تأسیس شده است برابر آمار سال ۱۳۱۴ - ۱۳۱۵ دبیرستان شاهرضا مشهد با ۵ کلاس، ۱۰۰ دختر شاگرد داشته است. و مدرسه نمره یک مشهد تأسیس ۱۳۰۸ ش. دارای ۳ کلاس و ۵۷ شاگرد بوده است.

آمار سال ۱۳۱۵، ۱۳۱۶ و ۱۳۱۶، ۱۳۱۷ تحصیلی

در سال ۱۳۱۵، ۱۳۱۶، دبیرستان ایراندخت با ۷۵ دانش آموز فقط فعال بوده است این آمار در سال ۱۳۱۶، ۱۳۱۷ به ۹۲ نفر می رسد.

دانشسرای مقدماتی دختران که در سال ۱۳۱۵ - ۱۳۱۶ شروع به کار می‌کند دارای ۱۲۰ دانش‌آموز است این آمار در سال تحصیلی ۱۳۱۶ - ۱۳۱۷ به ۱۱۹ نفر است.

خرم‌آباد (لرستان)

در سال تحصیلی ۱۳۱۵ - ۱۳۱۶ در خرم‌آباد مرکز لرستان و الیستر، طرهان، کره‌کاه، چفلوند، ملاوی، چگنی، خاوه ۱۴ دبستان وجود دارد که ۱۰ مدرسه آن پسرانه است و ۲ مدرسه غیردولتی دختران.

۱- شاهدخت که در سال ۱۳۰۶ ش. ایجاد شده است در سال ۱۳۱۴ - ۱۳۱۵ دارای ۵ کلاس با ۷۸ دختر و ۲۷ پسر
 کودکستان ۱۷ دی‌ماه که در سال ۱۳۱۴ تأسیس شده است با ۲ کلاس و ۳۴ دانش‌آموز

از هشت مدرسه ایران مدرسه ۱۵ بهمن خرم‌آباد ۶ کلاسه با ۲۱۳ شاگرد تا سال ۱۳۱۷ به صورت مختلط در خرم‌آباد فعال بوده است.

خمسه

خمسه یکی از حوزه‌های ۳۳ گانه وزارت معارف است در زنجان، ابهر، خرمدره، سلطانیه، قیدار، انگوران، نیک‌پی در سال تحصیلی ۱۳۱۴ - ۱۳۱۵ فقط ۱۱ مدرسه وجود دارد که شاهپور و دوسی مدارس پسرانه‌اند و در سال ۱۲۹۸ ش. تأسیس یافته‌اند از این ۱۱ مدرسه فقط یک مدرسه دخترانه به نام شاهدخت که در سال ۱۳۰۶ ش. تأسیس یافته است فعال است این مدرسه در سال ۱۳۱۵ - ۱۳۱۶ تعداد ۱۳۵ شاگرد و در سال ۱۳۱۶ - ۱۳۱۷ تعداد ۲۴ شاگرد داشته است تا سال ۱۳۱۷ هیچ دبیرستانی در شهرهای خمسه فعال نیست. در ضمن در سال ۱۳۱۷ در شهر سلطانیه ۷ دختر و در قیدار ۱ دختر در عمیدآباد ۱ دختر در هدایت زنجان ۳۱ دختر در ۱۵ بهمن ۶۸ دختر و در ۱۷ دی ۱۹ نفر دختر درس می‌خوانده‌اند.

خمسه (زنجان)

از سال ۱۲۹۸ که اولین مدرسه پسرانه در زنجان خمسه تأسیس شد تا سال ۱۳۱۴ در شهرهای زنجان ۲- ابهر ۳- خرمدره ۴- انگوران ۵- سلطانیه ۶- نیک‌پی



۷- امر، ... تعداد ۵ مدرسه تأسیس شده است که فقط شاهدخت که در سال ۱۳۰۷ تأسیس شده است دخترانه دولتی بوده است.

۲- دبستان تربیت نسوان غیردولتی تأسیس ۱۳۰۱

در سال ۱۳۱۵ - ۱۳۱۶ با یک مدرسه دولتی دختران با ۱۳۵ شاگرد که سال ۱۳۱۶ - ۱۳۱۷ تعداد شاگردان ۱۶۵ رسیده است.

۳- غیردولتی دختران با ۹۱ شاگرد، که در سال ۱۳۱۶ - ۱۳۱۷ شاگردی نداشته است دبیرستان دخترانه‌ای هم در خمسه که امروزه استان زنجان شده است وجود نداشته است زیرا کل دانش‌آموزان دخترانه در خمسه از ۳۴۰ دانش‌آموز تجاوز نمی‌کرده است.

خوزستان

در سال ۱۳۰۹ ش. در خوزستان ۵۹ باب مدرسه در شهرهای ۱- ناصری ۲- محمره ۳- شوشتر ۴- آبادان ۵- دزفول ۶- مسجد سلیمان ۷- نبی‌طرف ۸- بهبهان دایر بوده است از این ۵۹ مدرسه فقط یک مدرسه متوسطه به نام شاهپور وجود داشته است که فقط ۳ کلاس داشته است کلاس اول ۲۱ نفر دوم ۱۷ نفر سوم ۸ نفر جمع دانش‌آموز پسر متوسطه ۴۶ شاگرد.

یک دبستان دخترانه به نام دولتی بنات در ناصری

یک دبستان دخترانه به نام مهستی در محمره (خرمشهر)

یک دبستان دولتی به نام بنات در آبادان

یک دبستان دولتی به نام بنات در دزفول

در مسجد سلیمان مدرسه دخترانه نبوده است اما کودکانی غیردولتی مختلط وجود داشته است که مربوط به آرامنه می‌شده است.

در بنی طرف فقط ۴ مدرسه پسرانه در خفاجیه، حویزه - بساتین، وجود داشته است در بهبهان نیز فقط ۴ مدرسه پسران در بهبهان - فلاحیه - معشور - رامهرمز، هندی‌جان و خلف‌آباد دایر بوده است.

در آبادان یک مدرسه ابتدایی غیردولتی کلیمیان و یک مدرسه غیردولتی نمونه

دایر بوده است.

تغییر نام اسامی شهر

برابر مصوبه فرهنگستان برای نام بعضی از شهرها معادل فارسی آن انتخاب شده است که در آمار سال تحصیلی ۱۳۱۵ - ۱۳۱۶ نام‌های مصوب فرهنگستان لحاظ شده است این نام‌ها عبارتند از:

۱- محمره = خرمشهر

۲- بساتین = بستان

۳- خفاجیه = سوسن‌گرد

۴- حویزه = هویزه

۵- بنی‌طرف = دشت میشان

۶- عبادان = آبادان

۷- فلاحیه = شادگان

در سال ۱۳۱۴ - ۱۳۱۵ در استان خوزستان فقط ۵ مدرسه دولتی دخترانه دایر بوده است.

۱- عصمت اهواز ۱۳۰۳ ش، ۶ کلاس، ۲۲۸ دانش‌آموز

۲- بنات شوشتر ۱۳۰۵ ش، ۲ کلاس، ۲۸ دانش‌آموز

۳- مهستی خرمشهر ۱۳۰۵ ش، ۵ کلاس، ۹۰ دانش‌آموز

۴- بنات دزفول ۱۳۰۶ ش، ۴ کلاس، ۴۷ دانش‌آموز

۵- عفت آبادان ۱۳۰۷ ش، ۵ کلاس، ۱۸۳ دانش‌آموز

مدرسه متوسطه

در سال ۱۳۱۵ ش. مدرسه متوسطه اهواز به نام عصمت با ۹ دانش‌آموز کار خود را آغاز کرد. این مدرسه در سال تحصیلی ۱۳۱۶ - ۱۳۱۷ تعداد ۲۵ شاگرد در دو کلاس داشته است.

در سال تحصیلی ۱۳۱۶ - ۱۳۱۵ و ۱۳۱۷ - ۱۳۱۶ تعداد مدارس دختران خوزستان هیچ تغییری نداشته است فقط تعداد دانش‌آموزان دختر افزایش یافته است.



دامغان

تا سال ۱۳۱۷ ش. در دامغان نه دبیرستان دخترانه‌ای تأسیس شده است نه دبستان دخترانه مستقلی، اما برابر آمار وزارت معارف در سال تحصیلی ۱۳۱۵ - ۱۳۱۶ مدرسه مختلط ۱۷ دی با ۶۶ دختر و ۲۲ پسر شروع به کار کرده است این آمار در سال ۱۳۱۶ - ۱۳۱۷، ۷۱ دختر و ۱۴ پسر می‌باشد جالب اینکه در سال ۱۳۱۶ - ۱۳۱۷ در دامغان فقط ۳ معلم زن کار می‌کرده‌اند.

شاهرود

در سال ۱۳۰۶ ش. مدرسه غیردولتی اشرفیه دختران در شاهرود تأسیس می‌شود این مدرسه در سال ۱۳۱۴ - ۱۳۱۵ فقط ۴۶ دانش‌آموز داشته است در سال ۱۳۰۷ ش. نخستین مدرسه دولتی شاهرود تأسیس می‌شود این مدرسه در سال تحصیلی ۱۳۱۴ - ۱۳۱۵ دارای ۳ کلاس و ۱۰۷ دانش‌آموز بوده است. برابر آمار ۱۳۱۶ - ۱۳۱۷ مدرسه دختران ۱۷ دی شاهرود ۱۶۴ دانش‌آموز داشته است مدرسه مختلط ۱۵ بهمن شاهرود ۷۰ دختر و ۲۱ پسر تا سال ۱۳۱۷ در شاهرود دبیرستانی برای دختران وجود نداشته است.

عراق (اراک)

در سال ۱۲۸۶ ش. نخستین مدرسه غیردولتی در سلطان‌آباد (اراک) تأسیس شد و نخستین مدرسه دولتی پسران در سال ۱۲۹۸ ش. شروع به کار کرد اما به نوشته: سالنامه معارف عراق که مربوط به سال‌های تحصیلی ۱۳۱۳ - ۱۳۱۴، ۱۳۱۴ - ۱۳۱۵ می‌باشد نخستین دبستان دخترانه اراک در سال ۱۳۰۱ ش. با نام دوشیزگان شروع به کار می‌کند این مدرسه در آغاز چهار کلاسه بوده است ولی در سال ۱۳۰۷ کلاس پنجم ابتدایی به آن اضافه می‌شود و در سال ۱۳۰۸ کلاس ششم ابتدایی در آنجا دایر می‌گردد در سال تحصیلی ۱۳۰۸ - ۱۳۰۹ اولین گروه از دانش‌آموزان ششم ابتدایی این مدرسه برای شرکت در امتحان نهایی ششم ابتدایی معرفی می‌شوند.

برابر احصائیه سال ۱۳۱۴ - ۱۳۱۵ وزارت معارف در اراک فقط یک دبستان دخترانه با نام دوشیزگان دولتی بوده است این مدرسه ۶ کلاسه در سال ۱۳۱۴ - ۱۳۱۵ دارای ۶ کلاس و ۱۶۷ شاگرد بوده است در آن سال ۲۱ دانش آموز تصدیق ششم ابتدایی گرفته‌اند.

دبستان مختلط منصوری

هنگام اجاره دادن موقوفات مجهول‌التولیه، حاجیه طوطی خانم منصوری اداره معارف آقای فریور مستاجر موقوفه مزبور را حاضر نمود که ماهیانه ۱۰۰۰ ریال برای مخارج یک دبستان دخترانه از مهر ۱۳۱۴ به بعد در اختیار اداره بگذارد. از تاریخ مزبور با این مبلغ آموزشگاه افتتاح و به مناسبت نام و نشان واقفه به منصوری موسوم گردید. / ص ۱۰۶ سالنامه

این مدرسه در سال ۱۳۱۴ - ۱۳۱۵ دارای ۲۲ دانش آموز دختر و ۶ دانش آموز پسر بوده است.

دبستان شرافت آرامنه

مدرسه شرافت نخستین مدرسه‌ای است که در سال ۱۲۸۶ به وجود آمد. این مدرسه را آرامنه سلطان‌آباد در سال ۱۲۸۶ برابر با اکتبر ۱۹۰۷ میلادی تأسیس کردند. هیأتی از آرامنه که عهده‌دار این کار فرهنگی شدند عبارت بودند از:

- ۱- گریگور هوسپیان ۲- عادر تروسیان ۳- مؤسس ایثانیان، که وظیفه پیدا کردند تا با یاری آرامنه مدرسه‌ای با دو کلاس افتتاح کنند تا سال ۱۲۹۶ ش. این مدرسه چهار کلاسه بود از سال ۱۳۱۳ ش. مدرسه ۶ کلاسه شد اداره معارف عراق (اراک) در سال ۱۳۱۳ ماهیانه سیصد ریال از بودجه مصوب به عنوان کمک خرج برای این مدرسه تعیین کرد. این دبستان در سال تحصیلی ۱۳۱۴ - ۱۳۱۵ دارای ۶ کلاس و ۱۷۱ شاگرد بوده است که ۷۰ شاگرد آن دختر بوده است.

دبستان غیردولتی شاهدخت

در سال ۱۳۱۲ دبستان دخترانه شاهدخت تأسیس شد. این دبستان در سال ۱۳۱۵، ۶ کلاس و ۱۵۰ دانش آموز دختر داشته است.

دبیرستان دخترانه

۱- در سال ۱۳۱۴ دبیرستان دولتی عراق دارای ۱ کلاس و ۹ دانش‌آموز بوده است این دبیرستان ضمیمه دبستان دوشیزگان بود که در سال ۱۳۰۱ تأسیس یافته بود.

دبیرستان شاهدخت

در سال ۱۳۱۲ ش. دبیرستان شاهدخت تأسیس شد برابر احصائیه سال ۱۳۱۴ - ۱۳۱۵ این دبیرستان در سال تحصیلی ۱۳۱۴ - ۱۳۱۵ دارای سه کلاس و ۳۲ شاگرد بوده است. اداره معارف عراق در سال ۱۳۱۷ به اراک تغییر نام داده شد. در فهرست واژه‌های تصویب شده فرهنگستان تا آخر سال ۱۳۱۷ نام ایستگاه شماره ۱۹ راه آهن جنوب که سلطان آباد عراق بود به اراک تبدیل شد و بعد این نام با شهر اراک یکی شد.

از مدرسه شمس‌المخدرات تا دبیرستان مهستی

در سال ۱۳۳۲ هـ. ق (۱۹۱۳) خانم شمس الضحا مدیر دبستان شمس‌المخدرات بود این دبستان در سال ۱۳۳۵ هـ. ق به دنبال جنگ جهانی تعطیل شد پس از انحلال مدرسه خانم صبیحه ملکی که از فارغ‌التحصیلان دانشسرای دخترانه تهران بود زمین و ساختمان مدرسه را خریداری کرد. کلاس اول متوسطه را که خانم مزبور به ذوق خود دایر کرده بود جزو این مؤسسه قرار داد و از نوآموزان فارغ‌التحصیل شمس‌المخدرات، سال اول و دوم دبیرستان را دایر کرد و برای اولین بار به همت خانم ملکی یک دبیرستان دخترانه به وجود آمد در سال ۱۳۱۴ - ۱۳۱۵ اداره معارف در توسعه دبیرستان همت کرد و ماهیانه ۵۰۰ ریال از محل درآمد اوقاف برای آن تخصیص داد و از ساعات بیکاری بعضی از مریبان نیز استفاده نکرد و کلاس سوم متوسطه را در آنجا برقرار کرد نام این دبیرستان در آغاز مهستی^۱ بود. در سال ۱۳۱۴ که شاهدخت پهلوی به اراک آمد نام دبیرستان شاهدخت شد.

۱. مهستی، (یعنی خانم بزرگ) مه = بزرگ، ستی = خانم - و نام شاعری بزرگ در سده ششم هـ. ق که به نام مهستی گنجوی معروف است.

ساوه و مدرسه دختران

در سال تحصیلی ۱۳۱۵ - ۱۳۱۶ در ساوه، حومه آن و خرقان، خلجستان زرنند، جعفرآباد، فقط یک مدرسه دخترانه دولتی با ۵۱ شاگرد دختر و یک مدرسه مختلط با ۱۶ دختر و ۳۷ پسر شروع به کار می‌کند.

در سال تحصیلی ۱۳۱۶ - ۱۳۱۷ دانش‌آموزان دختر در مدرسه دخترانه دولتی و مختلط ۸۲ نفر است. بدیهی است در این سال در ساوه هیچ دانش‌آموزی تصدیق ششم دریافت نکرده است. تا چه رسد به دبیرستان.

سمنان

تا سال ۱۲۸۹ که دبستان همت (غیر دولتی) تأسیس می‌شود در سمنان و شهرهای شه میرزاد - سنگسر و سرخه مدرسه‌ای پسرانه یا دخترانه وجود نداشته است نخستین مدرسه دخترانه در سال ۱۳۰۸ ش. تأسیس می‌شود: برابر آمار رسمی وزارت معارف دبستان دوشیزگان سمنان در سال ۱۳۱۴ - ۱۳۱۵ دارای ۴ کلاس ابتدایی و ۱۰۸ دانش‌آموز دختر بوده است.

در سال ۱۳۱۵ - ۱۳۱۶ تحصیلی تنها مدرسه دخترانه سمنان که بعد از ۱۷ دی ماه ۱۳۱۴ از دوشیزگان به ۱۷ دی تغییر نام داده است، فقط ۱۲۲ دانش‌آموز دارد این تعداد در سال ۱۳۱۶ - ۱۳۱۷ به ۱۴۷ نفر می‌رسد.

خلاصه سخن این که تا خرداد ۱۳۱۷ ش. در سمنان، سنگسر و سرخه ... فقط یک مدرسه دخترانه ابتدایی وجود دارد. و هیچ دبیرستان دخترانه‌ای در سمنان افتتاح نشده است.

دبستان نسوان سیستان

دبستان نسوان نصیرآباد قدیمی‌ترین مدرسه دخترانه سیستان و بلوچستان است که در سال ۱۳۰۷ تأسیس شد این دبستان ابتدا دو کلاسه بود در سال تحصیلی ۱۳۱۴ چهار کلاسه شد و به ۱۷ دی تغییر نام داد و در سال ۱۳۱۷ - ۱۳۱۸ شش کلاسه شد.



در سال ۱۳۰۷ - ۱۳۰۸ مدرسه نسوان دارای یک مدیره و معلم و یک نفر خادمه است در سال ۱۳۰۹ کلاس اول ۵ نفر دوم ۶ نفر سوم ۸ نفر و چهارم ۸ نفر جمعاً ۲۹ نفر شاگرد داشته است این آمار در سال ۱۳۱۴ به ۴۹ نفر می‌رسد.

سمت و حق‌الزحمه کارکنان

- ۱- خانم مریم رئوفی، مدیر و آموزگار کلاس ۲، ۲۰۰ ریال
 - ۲- کوکب باریک بین، آموزگار کلاس ۴، ۲۵۰ ریال
 - ۳- کبری نعمتی پور، آموزگار کلاس ۳، ۳۰۰ ریال
 - ۴- ملوک نقدی، آموزگار کلاس ۱، ۲۵۰ ریال
 - ۵- بهرام بُری، خدمتگزار، ۸۰ ریال
 - ۶- معصومه پنجه کوبی، خادمه، ۶۰ ریال
- مدیریت دبستان ۱۷ دی از اول مهر ۱۳۱۶ تا شهریور ۱۳۱۷ به عهده خانم فاطمه ناصح و از مهر ۱۳۱۷ تا آخر شهریور ۱۳۱۹ بر عهده مریم رئوفی قرار داشته است.

شیراز

مدرسه عفتیه شیراز

در سال ۱۳۳۹ ق، برابر با سال ۱۲۹۹ ش. بانو سکینه عفت آغازی به تشویق رحمت رئیس معارف وقت در خانه شخصی خود یک باب مدرسه دخترانه چهار کلاسه دایر کرد اقدامات رئیس معارف و ایستادگی مدیر مدرسه در برابر اعتراض گروهی از مردم، دبستان را پابرجا نگاه داشت این مدرسه از اول آذر ماه ۱۳۰۳ ش. در پی کوشش‌های سید محمد سلطانی رئیس معارف فارس به صورت مدرسه دولتی درآمد و در سال ۱۳۰۳ و ۱۳۰۴ ش. کلاس‌های پنجم و ششم هم به آن افزوده شد در خرداد ماه ۱۳۰۴ ش. ۱۲ نفر از شاگردان این مدرسه در امتحانات نهایی شرکت کردند و همگی با موفقیت فارغ‌التحصیل شدند این نخستین امتحانی بود که به صورت نهایی از دوشیزگان مدارس شیراز به عمل می‌آمد. در سال ۱۳۰۸ - ۱۳۰۷ ش. کلاس اول متوسطه در این دبستان دایر شد و در سال‌های بعد به صورت یک دبیرستان کامل درآمد. / قاسمی پویا



مدرسه عصمتیه شیراز

دبستان دخترانه تأسیس یافته پس از مشروطیت در سال ۱۳۳۹ ق / ۱۳۹۹ ش. عصمت خانم جاوید مادر محمد خوشنویس زاده این مدرسه را تأسیس کرد مدرسه در آغاز چهار کلاسه بود و به تدریج شش کلاسه شده / قاسمی پویا - اقبال - مدارس جدید.

مدرسه فاطمیه شیراز

دبستانی دخترانه تأسیس یافته پس از مشروطیت در ذی حجه ۱۳۳۹/۱۲۹۹ ش بانو حبیه عظیمی این مدرسه چهار کلاسه را بنا نهاد پس از چندی اداره معارف وقت اعانه‌ای برای آن مقرر داشت در سال ۱۳۴۹ ق، ۱۳۰۹ ش مدیر مدرسه فوت کرد و مدرسه منحل شد. قاسمی پویا - اقبال

مدرسه ملی ادب بنات شیراز

دبستان ملی بنات شیراز در سال ۱۳۳۹ ق ۱۲۹۹ ش به همت بانو بیگم آغا شیوا و با همکاری همسرش سید محمد شیوا که از ادبا و شعرای شیراز بود تأسیس شد.

مادر مدارس دخترانه شیراز

سکینه (عفت) آغازی شیرازی که به حق باید وی را مادر مدارس دخترانه شیراز دانست چنان که شیرازی‌هایی که به تاریخ مدارس دختران آگاهند بر این باورند و قدر وی را می‌دانند از زنان پیشرو و آزاداندیش است که در سال‌های انقلاب مشروطه بر آن شد تا با باسواد کردن دختران و زنان به آنان آگاهی دهد، وی که در شیراز او را به نام خانم مدیر می‌شناسند در سده سیزده زاده شد. نام کوچک وی سکینه بود ولی چون از آغاز او را عفت می‌خواند همه او را به این نام می‌شناختند و مدرسه‌ای را هم که ایجاد کرد به نام عفتیه خواند. همسرش سید محمد حسن ثقه الاسلام از بازرگانان شناخته شده شیراز و نماینده دوره اول مجلس شورای ملی بود در سال ۱۲۹۶ خورشیدی وفات کرد. از این نماینده مجلس و خانم عفت آغازی ۳ فرزند باقی ماندند. یکی از آنان دکتر حمیدی شیرازی شاعر و استاد دانشگاه تهران بود و فرزند دیگری به نام تقی حمیدی که در تهران کارمند اداره کل درآمد بود.



وی برای نخستین بار دبستان دخترانه ای را به نام عفتیه در خانه شخصی خود تأسیس کرد این مدرسه در سال ۱۳۰۳ دولتی شد و تا سال ۱۳۳۹ در شیراز دایر بود. آغازی در زمانی دست به این کار زد که هنوز درس خواندن برای دختران ممنوع بود.

«شمس الحیا - منصوری»

در سال ۱۲۷۹ متولد شد و در سال ۱۳۵۲ وفات کرد وی دختر یکی از آزادیخواهان فارس بود وی خواندن و نوشتن را از پلن آموخت ۱۲ ساله بود که ازدواج کرد در ۱۵ سالگی توانست به تحصیلات خود ادامه دهد با این اندیشه از تهران به زادگاهش شیراز رفت و در آنجا به طور خصوصی به ادامه تحصیل سرگرم شد در سال ۱۳۰۲ که معارف شیراز تصمیم گرفت مکتب خانه ها را تبدیل به مدرسه کند وی با همه جوانی کار کردن در خارج از خانه را شروع کرد و در کنار چند بانوی دیگر داوطلب تدریس شد و در کنار تدریس کار بازرسی مدارس را هم عهده دار شد در آن زمان بارها دبستان ها مورد حمله مخالفان دانایی قرار می گرفت و گاه به زنان آموزگار حمله می شد سنگسار کردن مدرسه، آموزگاران و شاگردان هم امکان داشت وی تا هفتاد سالگی به کار فرهنگی خود ادامه داد.

دبیرستان دخترانه

در سال تحصیلی ۱۳۱۴ - ۱۳۱۵ در شیراز دو دبیرستان دخترانه مشغول کار و فعالیت بود.

۱- دبیرستان دخترانه شه دخت (دولتی) تأسیس ۱۳۰۲ ش با ۵ کلاس و ۸۲

شاگرد

۲- دبیرستان دخترانه مهرآیین (غیردولتی) تأسیس ۱۳۰۷ ش با ۵ کلاس و ۴۰

شاگرد

آمار مدارس دخترانه شیراز در سال های ۱۳۱۴ تا ۱۳۱۷

نام	تأسیس	تعداد کلاس	سال ۱۴-۱۵	سال ۱۵-۱۶	سال ۱۶-۱۷
۱- عفتیه دولتی	۱۲۹۸	۶ کلاس	۱۹۷	۲۴۴	۳۲۶
۲- ناموس دولتی	۱۳۰۶	۶ کلاس	۱۶۷	۲۹۷	۳۵۸
۳- مخدرات غیردولتی	۱۳۱۲	۵ کلاس	۱۱۶	۲۲۹	۳۵۷
۴- مهر آئین	۱۳۰۷	۶ کلاس	۱۴۹	۱۷۱	۱۸۶
۵- بدر	۱۳۰۴	۶ کلاس	۱۹۹	۱۶۵	۱۲۸
۶- ادب بنات	۱۳۰۳	۶ کلاس	۲۸۷	۳۲۶	۲۷۸
۷- بهجتیه	۱۳۰۵	۶ کلاس	۷۱	۷۱	۷۲
۸- پهلوی	۱۳۱۴	۶ کلاس	۱۶۹	۱۸۲	۱۷۶
۹- هدایت	۱۳۱۴	۶ کلاس	۱۷۶	۹۳	۱۷۳
۱۰- پارس	۱۳۱۴	۴ کلاس	۱۶۳	۲۴۲	۲۰۸
۱۱- عصمتیه	۱۳۰۳	۶ کلاس	۱۵۳	۱۶۶	۱۵۱
۱۲- افتخاریه	۱۳۱۴	۶ کلاس	۱۰۹	۱۵۰	۱۲۳
۱۳- علوی	۱۳۱۵	۵ کلاس	۷۸	۱۲۷	۱۵۶

در سال تحصیلی ۱۵ - ۱۶ و ۱۶ - ۱۷ «دو دبیرستان دخترانه» فعال بوده است.

قزوین

در سال ۱۳۲۰ ه. ق. نخستین انجمن معارف در شهر قزوین به وجود آمد. میرزا صالح خان باغ میشه ای ملقب به سالار اکرم (آصف الدوله بعدی) حکمران قزوین که مردی فرهنگ دوست و حکمرانی دلسوز بود اولین مدرسه قزوین را در سال ۱۳۲۰ ه. ق. پایه گذاری کرد نام این مدرسه امید بود. مدرسه چهار کلاس داشت ۳۰ شاگرد نیم مجانی و ۳۰ دانش آموز ماهانه بده. در سال ۱۳۲۲ ه. ق. عده ای از رجال سرشناس و علاقه مند در ضلع شرقی ورودی عالی قاپو مدرسه ای را ایجاد کردند که مولا علی معروف به قاضی ارداقی مدیر شد اما مدرسه با مخالفت ملایان روبرو شد و آن را مدرسه بابی ها دانستند. از همین رو مردم از ترس اینکه مهر بابی گری به آن ها زده شود از فرستادن فرزندان خود به مدرسه خودداری کردند. در زمان محمد علی شاه هم قاضی ارداقی مدیر مدرسه بود وی دستگیر و کشته شد. در چنان فضایی ایجاد مدرسه دختران هم کار آسانی نبود. شاید مردم قزوین از این می ترسیدند که دختران درس خوانده آنان، ترک دین گویند چنان که دیده یا شنیده



بودند که قرآلعین، دختر یکی از علما و همسر یکی از روحانیون چگونگی روبروی علما ایستاده با آنان بحث کرده بود و سرانجام به بسایی گری روی آورده بود. بنابراین تأسیس مدرسه دوشیزگان را باید یکی از مهم ترین کارهای فرهنگ دوستان این شهر دانست. این مدرسه در سال ۱۳۳۲ ق (۱۳۰۱ ش) تأسیس شد و خواهران بینش به دستیاری میرزا حسن حیاط استخدام و از تهران به قزوین آمدند تا عهده دار اداره مدرسه باشند.

در سال ۱۳۲۶ مدرسه توکل بنات ایجاد شد (۱۲۸۷) در سال تحصیلی ۱۳۱۴ - ۱۳۱۵ دوشیزگان قزوین دارای ۶ کلاس و ۱۹۷ شاگرد - ناموس دارای ۶ کلاس و ۱۵۰ شاگرد در سال ۱۳۰۱ بوده. مدرسه ناموس در سال ۱۳۰۱ ش بوسیله سید مرتضی ملقب به وثوق الاسلام رئیس اداره اوقاف و معارف قزوین تأسیس شد این مدرسه در سال ۱۳۰۶ ش ۵ آموزگار و ۶۰ دانش آموز داشت.

مدرسه دختران قم در سال ۱۳۰۶ ش

(۱ معلم و ۱۵ دانش آموز) اگر چه نخستین مدرسه پسران قم در سال ۱۲۸۷ آغاز به کار می کند اما نخستین مدرسه دختران با عنوان دوشیزگان قم در سال ۱۹۱۹/۱۲۹۸ تأسیس می شود با وجودی که فرهنگیان خوشنام قم مانند خانواده رضایی مدرسه احمدیه را و مدرسه ایام را طی سال های ۱۳۳۱ ق / (۱۹۱۲) م و ۱۳۳۲ ق (۱۹۱۳) میلادی تأسیس می کنند اما مدرسه دخترانه قم که در سال ۱۲۹۸ به وجود می آید پس از ۸ سال فعالیت برابر احصائیه سال ۱۳۰۶ ش دارای ۱۵ دانش آموز بوده که ۳ تن آنان رایگان درس می خوانده اند این مدرسه فقط یک آموزگار داشته است.

مدرسه دختران قم در سال تحصیلی ۱۳۱۶ - ۱۳۱۵ دارای ۵ کلاس و ۱۱۳ شاگرد بوده است: برابر احصائیه ۱۳۱۵ این مدرسه در سال ۱۳۱۳ تأسیس شده برابر احصائیه ۱۳۱۵ - ۱۳۱۶ و ۱۳۱۶ - ۱۳۱۷ این مدرسه به ترتیب ۹۹ شاگرد و ۱۲۰ شاگرد داشته است.

ناگفته نماند که در سال ۱۳۱۶ - ۱۳۱۷ چندین مدرسه مختلط نیز وجود داشته

است مانند:

مدرسه جاسب با ۱۲ دختر و ۷۴ پسر

مدرسه دستجرد ۱ دختر و ۳۱ پسر ۶ دختر و ۳۸ پسر در سال های تحصیلی

۱۳۱۶ - ۱۳۱۷ و ۱۳۱۵ - ۱۳۱۶

مدرسه راهبرد ۲ دختر و ۱۴ پسر ۵ و ۲۷

محلات «شبللی» ۱۱ دختر و ۶۴ پسر ۱۱ و ۶۹

نراق ۱۱ دختر و ۶۸ پسر ۱۶ و ۷۷

دلیجان ۱ دختر و ۴۴ پسر ۳ و ۴۳

اردهال ۱ دختر و ۳۶ پسر ۳ و ۳۳

۱۷ دی قم ۲۶ دختر و ۳۵ پسر ۲۶ و ۳۰

محلات، ۲۲ دختر و ۶ پسر ۲۳ و ۷

البته دلیجان، محلات، نراق که روزگاری جزو قم بوده هر کدام برای خود در حال حاضر شهرستانی هستند، در سال ۱۳۱۴ - ۱۳۱۵ دبیرستانی در قم وجود ندارد. فقط در این سال یک دبیرستان پسرانه با نام حکمت با ۲ کلاس، ۸۳ شاگرد و ۳ معلم فعال است. تا سال ۱۳۱۷ که مورد بحث است قم دبیرستان دخترانه نداشته است.

کاشان، مدرسه دانش دوشیزگان

پس از مشروطه، درخشنده گوهر نراقی اولین زنی بود که در اجتماع کاشان به خدمات فرهنگی روی آورد. وی که با حسن نراقی (نویسنده) ازدواج کرده بود. مسجدی را که متعلق به خانواده نراقی بود با همکاری شوهرش و کسب اجازه از اوقاف و وزارت فرهنگ وقت به صورت مدرسه درآورد. و در سال ۱۳۰۸ ش امتیاز مدرسه به طور رسمی آماده شد و به نام دبستان دانش دوشیزگان کاشان نام گذاری گردید و برای آن تابلو نصب شد از آنجا که خانواده نراقی از خانواده های قدیمی و سرشناس کاشان بود و همچنین به سبب علاقه اولیا اطفال که متوجه اهمیت سواد و تحصیل علم برای فرزندان خود شده بودند رفته رفته تعداد شاگردان این مدرسه از



پنج یا شش نفر به صد نفر رسید. دختران با چادر تا مدرسه می‌رفتند و داخل مدرسه چادرها را برداشته و با روپوش به کلاس درس وارد می‌شدند طرح روپوش و همچنین لباس ورزش که شامل بلوز سفید و شلوار سیاه و حتی پایون سفید برای تزئین می‌شد از طرح‌های درخشنده نراقی محسوب می‌شود او در سال ۱۳۱۴ ش. دبیرستان دانش دوشیزگان را تأسیس کرد که تا سال ۱۳۵۱ هم برقرار بود.

(قویمی - فخری - کارنامه زنان مشهور ایران وزارت آموزش تهران ۱۳۵۲)

دبیرستان غیردولتی دانش دختران کاشان در سال ۱۳۱۴ ایجاد شد و سال ۱۳۱۵ تعداد ۳ کلاس با ۱۶ شاگرد ۱ معلم زن، ۲ معلم مرد، جمعاً ۳ معلم

در سال ۱۳۱۶ تعداد شاگردان این مدرسه ۳۰ با چهار معلم - ۲ زن، ۲ مرد

در سال ۱۳۱۷ تعداد شاگردان این مدرسه ۳۳ نفر با ۵ معلم - ۱ زن، ۳ مرد.

دبستان غیردولتی دانش دختران در سال ۱۳۱۵ ۶ کلاس با ۸۵ شاگرد دختر و

۱۲ شاگرد پسر در سال‌های ۱۳۱۶ - ۱۳۱۷ تعداد ۱۲۸ + ۱۹ پسر در سال ۱۳۱۵ -

۱۴۲ + ۱۴ پسر

عفتیه کاشان ۱۳۰۵ - ۶ کلاس ۵۳ دختر، ۴ پسر در سال‌های ۱۳۱۶ - ۱۳۱۷

تعداد ۶۳ دختر و ۹ پسر

طلعتیه کاشان ۱۳۱۰ - ۶ کلاس ۴۲ دختر، ۶ پسر در آمار ۱۳۱۶ و ۱۳۱۷ نامی

از مدرسه حکیم نیست.

کردستان

اگر چه در سال ۱۲۸۶ مدرسه معرفت سنندج با یاری حاجی فتح‌الملک اردلان

و معرفت گروهی از فرهنگیان خوش فکر گشایش یافت اما عمر این مدرسه بیش از

یک سال نبود تا اینکه سال‌ها بعد مدرسه احمدیه در سال ۱۲۹۳ تأسیس شد اما

اولین مدرسه دخترانه در سال ۱۳۰۲ ایجاد شد.

این مدرسه به کوشش مریم اردلان که از فعالان فرهنگی بود به افتخار مستوره

کردستانی شاعر بزرگ کردستان به نام مستوره نامگذرای و شروع به کار کرد. اما

در سال ۱۳۰۶ ش. این مدرسه به شاهدخت تغییر نام داد.

مدرسه دخترانه شاهدخت در سال ۱۳۱۰ ش. سه دانش‌آموز ششم ابتدایی

داشته است در سال ۱۳۱۴ - ۱۳۱۵ مدرسه شاهدخت با ۶ شاگرد و یک کلاس

ضمیمه به صورت مدرسه و دبیرستان درمی آید و از همین تاریخ است که مدرسه شاهدخت با نام دبستان دولتی دختران شناخته می شود.

دبیرستان شاهدخت در سال ۱۳۱۵ - ۱۳۱۶ تعداد ۲۳ شاگرد دبیرستانی داشته است و در سال ۱۳۱۶ - ۱۳۱۷ فقط ۳۱ شاگرد.

آمار مدارس دختران در سال ۱۳۱۴ - ۱۳۱۵

در سال تحصیلی ۱۳۱۴ - ۱۳۱۵ فقط یک مدرسه دخترانه دارد بنا ۶ کلاس و ۱۹۶ دانش آموز دختر و در مدارس مختلط (پسر و دختر) ۱۷ دی سندج ۴۵ دختر و ۱۵ پسر و در مدرسه دانش سندج ۸۳ دختر و ۱۸ پسر مشغول تحصیل بوده اند.

شهرهای کردستان و حومه

۱- در سقز مدرسه شاهپور که در سال ۱۲۹۷ تأسیس شده فقط ۱۹۷ پسر درس می خواندند و مدرسه حکمت که در سال ۱۳۰۷ تأسیس شده است ۱ دختر درس می خواند با ۴۱ پسر

۲- بانه، مدرسه پهلوی بانه در سال ۱۲۰۳ ایجاد می شود در سال ۱۳۱۴ - ۱۳۱۵ دارای ۶ کلاس است با ۵ شاگرد دختر و ۱۲۱ پسر

۳- سردشت، مدرسه پرورش سردشت در سال ۱۳۰۸ تأسیس شده است و در سال ۱۳۱۴ - ۱۳۱۵ دارای ۵ کلاس است با ۱۵ دختر و ۷۲ پسر

۴- دیواندره، نوسود، پاوه در سال تحصیلی ۱۳۱۴ - ۱۳۱۵ دانش آموز دختر نداشته اند.

۵- دزلی مدرسه انقلاب، تأسیس ۱۳۱۱، تعداد ۳ دختر و ۲۷ پسر در چهار کلاس

۶- زراب تأسیس ۱۳۰۷ ش. تعداد ۲ دختر و ۱۹ پسر

۷- مریوان تأسیس ۱۳۰۶ ش با ۳ دانش آموز دختر و ۳۲ دانش آموز پسر

۸- قروه ۱۵ بهمن قروه، تأسیس ۱۳۰۵ با ۳ دختر و ۴۶ پسر و ۶ کلاس

اما جوانرود - بیساران - رشت - صلوات آباد - دزج - در سال ۱۳۱۴ -

۱۳۱۵ دانش آموز دختر نداشته است.



مدرسه مستوره در سنندج

مدرسه نسوان - مستوره کردستانی - بانو مریم شامیر فرزند میرزا میکائیل خان منتسب به خانواده اردلان در سال ۱۹۱۵ میلادی که تازه به همسری غلامعلی خان پسر حاج فتح‌الملک اردلان درآمده بود. به اتفاق همسرش به سنندج آمد تا از راه آذربایجان به ترکیه محل مأموریت شوهرش که نایب اول سفارت کبرای ایران در ترکیه بود بروند اما آتش جنگ جهانی همه جا را گرفته بود و مانع از رفتن آنان شد، بانو مریم شامیر که بعدها به خانم اردلانی شهرت یافت در منزل خود به امر تعلیم و تربیت زنان و دوشیزگان سنندجی پرداخت و مدرسه کوچکی را برپا نمود و زنان و دختران را خواندن و نوشتن می‌آموخت و کسانی را که ذوق گلدوزی و خیاطی داشتند تعلیم می‌داد. در سال ۱۳۰۳ مظفرخان سردار انتصار حاکم معارف پرور و شرافتمند به او پیشنهاد می‌کند که حاضر است در بودجه مدارس پسرانه مبلغی برای گسترش مدرسه خصوصی او در اختیار ایشان بگذارد، خانم اردلانی از پذیرفتن این پیشنهاد، خودداری نموده و از وی می‌خواهد که اقداماتی برای دولتی شدن مدرسه دخترانه بنماید، در نتیجه تلاش سردار انتصار در سال ۱۳۰۵ وزارت معارف با تبدیل مدرسه خصوصی به دولتی و به ریاست خود بانو مریم اردلانی موافقت می‌نماید و حکم صادر می‌شود. به خانم اردلان پیشنهاد می‌شود تا مدرسه را به مریمیه نام‌گذاری کنند. اما او نپذیرفته می‌گوید نام مستوره شاعر معروف سنندجی را انتخاب کرده‌ام. زیرا مستوره بانویی شاعر و ادیب و مورخ بوده و به حق از افتخارات ایران بخصوص کردستان است.

به دستور بانو مریم اردلانی بر روی تابلوی مدرسه نوشتند (طَلَبُ الْعِلْمِ فَرِيضَةٌ عَلَى كُلِّ مُسْلِمٍ وَ مُسْلِمَةٍ) این بانوی متهور و شجاع زمانی این شعار را بر در مدرسه نصب کرد که پسران را از مدرسه رفتن منع می‌کردند و به بانیان و خدمتگزاران مدرسه نسبت کفر و الحاد می‌دادند. خانم مریم اردلانی تا پایان سال ۱۳۰۷ سرپرستی مدرسه مستوره را به عهده داشت از آن پس به خاطر تحصیلات فرزندانش و ضرورت زندگی ناچار به رفتن به تهران شد و اختر صادق وزیری فرزند محمود را به جانشینی خود به وزارتخانه پیشنهاد نمود و حکم صادر شد.

این مدرسه تا سال تحصیلی ۱۳۱۳ - ۱۳۱۴ یک دبستان کامل شش کلاسه و به نام مستوره کردستانی بود و همچنان اختر صادق وزیری مدیر آنجا، در همان تاریخ کلاس اول متوسطه به آن افزوده شد و نام مدرسه به دبیرستان شاهدخت مبدل گشت و سکینه امیر حسامی فرزند حسام همایون صادره از تهران به مدیریت آنجا برگزیده شد در سال ۱۳۱۴-۱۳۱۵ کلاس دوم افتتاح و در سال ۱۳۱۵ - ۱۳۱۶ دارای کلاس نهم یعنی سوم دبیرستان شد و خانم اشرافیه ثابت فرزند قدیر صادره از تاشکند را ابلاغ مدیریت و سرپرستی دادند و از آن پس هر سال یک کلاس بر حسب ضرورت به آن افزوده می‌گشت در این سال کتابخانه مدرسه دارای ۲۴۰ جلد کتاب بوده است و دانش‌آموزان در ساعت مخصوص به مطالعه می‌پرداختند.

در سال تحصیلی ۱۳۱۷ - ۱۳۱۸ دبستان شش کلاسه از آن جدا و با نام دبستان شاهدخت به مدیریت دوشیزه اختر صادق وزیری در ساختمان نوسازی جنب فرمانداری و نزدیک حمام طلیمه خانم شروع به کار نمود و اداره دبیرستان به بانو عزت‌الملوک نیک آئین فرزند ربیع صادره از تهران سپرده شد محل برپایی مدرسه مستوره ابتدا در کوچه شجاع لشکر جای منزل آقای مسلم روحانی مقابل منزل شجاع لشکر که مدتی محل اداره غله و بعد زندان شهربانی در آن زمان بود و بعد پشت مسجد جامع، با ریاست اختر صادق وزیری قرار داشت.

دبیرستان شاهدخت به محل کارخانه برق پشت دخانیات و به مدت دو سال به منزل آقای حاج علی بزرگی پائین مسجد پیر عمر و بعد به ساختمان جدیدالاحداث واقع در انتهای خیابان ۱۷ شهریور و ابتدای قبرستان شیخان تغییر مکان داد در اینجا تابلوی دبیرستان به نام مستوره بود. در طی سال‌های بعد از انقلاب اسلامی ساختمان این دبیرستان دگرگون شد و نام آن نیز تغییر یافت.

کرمان

تاریخ مدارس کرمان را باید با یاری زردشتیان علاقه‌مند به مدارس جدید آغاز کرد مداری که با تلاش زردشتیان در کرمان تأسیس و اداره می‌شده‌اند براساس تاریخ عبارت‌اند از:

۱- دبستان ملی ایرانشهر تاریخ تأسیس ۱۲۸۵ ش



۲- دبستان دخترانه شهرداری تاریخ تأسیس ۱۲۹۷ ش

۳- دبستان ملی گیو اردشیر کاریانی تاریخ تأسیس ۱۳۰۳ ش

۴- دبیرستان دخترانه کیخسرو و شاهرخ تاریخ تأسیس ۱۳۲۹ ش

درباره تأسیس این مدارس، تنها به ذکر خاطرات زنده‌یاد کیخسرو شاهرخ که سهم عمده‌ی در احداث و اداره اینگونه مدارس داشته است بسنده می‌کنیم وی در سال ۱۲۷۲ ش به منظور کمک و مساعدت به زردشتیان از بمبئی هندوستان به کرمان آمد و در خاطراتش می‌نویسد:

در ابتدای ورودم به کرمان فقط یک مکتب‌خانه در محله شهر وجود داشت که یک اتاق خشتی بدون کاهگل و عاری از هرگونه فرش و تقریباً مخروبه بود آن را تعمیر و آباد نمودم و ۳ باب مدرسه دخترانه که آن روزها دایر نمودنش حیرت‌انگیز می‌نمود به ترتیب در جوار قبه یا گنبد سبز از بناهای دوره قراختائیان کرمان در قرن هفتم و دیگری بیرون دروازه ناصریه یکی از ۶ دروازه قم کرمان و سومی به همت مرحوم جمشید جهانگیر در محله شهر و یک مدرسه پسرانه علاوه بر مدارس دخترانه‌ای که ذکر شد در محله فرموتن یا فرمتین یکی از محله‌های شهر کرمان نام چشمه‌ای بزرگ در ماهان و یک مدرسه در قناتستان و مدرسه‌ای دیگر در اسماعیل‌آباد جویار احداث نمودم و بر همه نظارت و مدیریت داشته در سال دهم توقفم یعنی سال ۱۲۸۲ ش. با کمک جمعیت زردشتیان کرمان و تعدادی انسان خیرخواه مدرسه ملی پسرانه‌ای به نام دبیرستان ایران‌شهر در بیرون دروازه ناصریه ساختم که زمین آن را مرحوم ارباب شهریار خدابخش سروشیان از اراضی باغ مرحوم ارباب گشتاسب دینیار اهدا نمودند و متعاقب آن دبیرستان کامل دخترانه به نام کیخسرو شاهرخ و دبستان‌های دخترانه شهرداری و پسرانه کاویانی که از هر نژاد و کیش و آئینی در آن‌ها مشغول به تحصیل بودند بسا بودجه و هزینه افراد زردشتی و انجمن زردشتیان کرمان به نحوی مطلوب و آبرومندانه دایر گردید.

به نقل از سالنامه آموزش و پرورش سال ۱۳۳۶ ش

کشور مزدیسنا و مدرسه دخترانه شهریاری

خانم کشور مزدیسنا فرزند کیخسرو در سال ۱۲۹۰ ش. در شهر کرمان متولد شد نامبرده از سال ۱۳۰۲ ش. به سمت آموزگار دبستان دخترانه شهریاری مشغول خدمت گردید و حقوق وی از انجمن زردشتیان کرمان تأمین می‌شده است خانم مزدیسنا از سال ۱۳۱۵ به مدیریت دبستان شهریاری منصوب شد. خانم ایران رشد فرخی، دانش آموز سال ۱۳۱۲ دبستان شهریاری در معرفی خانم مزدیسنا و شخصیت و نحوه مدیریت نامبرده می‌گوید: «ایشان از فرهنگیان بسیار فعال، جدی و سخت‌کوش بودند و در دوران مدیریت به تمام دانش‌آموزان رسیدگی می‌کردند و بخصوص روی مسئله حجاب و مسائل اخلاقی خیلی تأکید داشتند».

خانم مزدیسنا از تاریخ دی‌ماه ۱۳۳۳ ش. به مدیریت دبیرستان کیخسرو شاهرخ منصوب شد و در زمان ریاست فرهنگ وقت، آقای عبدالعلی دستغیب (بهمن ماه ۱۳۳۴) رسماً به استخدام وزارت فرهنگ درآمد.

حقوق نامبرده در اول شهریور ماه ۱۳۲۰، ماهی ۴۵۰ ریال و آخرین حقوق ماهانه ایشان در تاریخ ۱۳۳۴ بعد از ۳۸ سال خدمت ۲۶۰۰ ریال بوده است.

در معرفی خانم کشور مزدیسنا، آقای دکتر محمد ابراهیم باستانی پاریزی که خود سال‌ها با وی همکاری نزدیک داشته است (کشور خانم مدیر دبیرستان کیخسرو شاهرخ) و (دکتر باستانی مدیر دبیرستان بهمنیار)، در کتاب پیر سبزپوشان چنین می‌نویسد: «این کشور خانم نیز از عجایب زنان تاریخ کرمان است. هشتاد سال عمر کرد پنجاه شصت سال آن را در مدارس زردشتیان به تدریس گذرانید و سال‌ها مدیر مدرسه دخترانه کرمان بود. زنی بود عارفه از نوع رابعه عدویه، هرگز شوهر نکرد و طبعاً فرزندی نداشت و آخر کار، خانه‌ی کوچک خود را هم در تهران وقف هم‌کیشان خود نمود و هیچ مدیر مدرسه زنانه‌ای در کرمان، حتی «میس وودراف» که مدرسه‌ی دوشیزگان را به سبک انگلیسی‌ها اداره می‌کرد و روحانیت کشیش هم داشت، به اندازه او روحیه‌ی پشتکار و سازگاری و حلم نداشت».

برابر آمار معارف در سال ۱۳۰۹ ش. مدرسه غیردولتی شهریاری زردشتی: دارای ۶ کلاس بوده است:

کلاس اول ۱۲۹ نفر، کلاس دوم ۱۸ نفر، سوم ۱۵ نفر، چهارم ۱۶ نفر، پنجم ۲۰ نفر و ششم ۶ نفر در این سال مدرسه دخترانه عفتیه با ۶ کلاس به ترتیب ۶۵-۲۳ - ۱۰-۸-۳ و ۵ دانش آموز

مدرسه نسوان دولتی نیز با ۵ کلاس به ترتیب ۹۶-۲۷-۲۷-۲۰-۱۰ شاگرد مدرسه متوسطه دولتی دارالمعلمات با ۲ کلاس به ترتیب ۳-۵ شاگرد. در سال تحصیلی ۱۳۱۴-۱۳۱۵ در کرمان و شهرهای تابع ۹ مدرسه دختران به شرح زیر فعال بوده است.

۱- نمره ۱ کرمان	تأسیس ۱۳۰۶	تعداد کلاس ۶	تعداد شاگرد ۱۷۸
۲- ۱۷ دی	تأسیس ۱۳۱۱	تعداد کلاس ۶	تعداد شاگرد ۲۲۴
۳- نمره ۳	تأسیس ۱۳۱۲	تعداد کلاس ۴	تعداد شاگرد ۸۹
۴- دختران رفسنجان	تأسیس ۱۳۰۶	تعداد کلاس ۴	تعداد شاگرد ۱۰۸
۵- نسوان سیرجان	تأسیس ۱۳۰۶	تعداد کلاس ۴	تعداد شاگرد ۹۱
۶- نسوان بم	تأسیس ۱۳۰۷	تعداد کلاس ۵	تعداد شاگرد ۱۴۴
۷- بافت	تأسیس ۱۳۱۳	تعداد کلاس ۲	تعداد شاگرد ۲۸
۸- زرنند	تأسیس ۱۳۱۳	تعداد کلاس ۲	تعداد شاگرد ۲۱
۹- راور	تأسیس ۱۳۱۳	تعداد کلاس ۲	تعداد شاگرد ۲۱

دبستان غیردولتی دختران

۱- عفتیه کرمان	تأسیس ۱۲۹۱	تعداد کلاس ۶	تعداد شاگرد ۱۶۷
۲- شهریاری کرمان	تأسیس ۱۲۹۷	تعداد کلاس ۶	تعداد شاگرد ۲۵۶
۳- دختران پاریز	تأسیس ۱۳۰۶	تعداد کلاس ۳	تعداد شاگرد ۲۰
۴- نعمتیه ماهان	تأسیس ۱۳۰۷	تعداد کلاس ۴	تعداد شاگرد ۴۸

در سال تحصیلی ۱۴-۱۳۱۵:

در کرمان فقط یک دبیرستان دولتی دختران وجود داشت با ۴ کلاس و ۲۱ شاگرد که در سال ۱۳۰۶ تأسیس شده بود و یک دبیرستان غیردولتی به نام دوشیزگان تأسیس ۱۲۹۹ با ۵ کلاس و ۴۶ دختر

آمار مدارس دختران کرمان در سال تحصیلی	۱۶ - ۱۵	۱۷ - ۱۶
۱- بافت، دولتی دختران	۳۶	۳۳
۲- زرنند، دولتی دختران	۴۵	۲۰
۳- راور، دولتی دختران	۲۸	۲۱
۴- غیر دولتی، آینده دختران	۱۳	۱۶
۵- مریمیه	-	۹۰

مدارس مختلط

در سال ۱۳۱۵ - ۱۳۱۶ و ۱۳۱۶ - ۱۳۱۷ مدرسه شماره یک و ۱۷ دی و نمره ۳ و هدایت رفسنجان، فردوسی بم، بردسیر، جیرفت، کراوک، رفسنجان، فهرج (نرماشیر) شهداد، رابر، سیرجان، جویبار، باغین، کوغر، ماهان، سیرج، سیرجان، زنگی آباد، خواجوی کرمانی، ارمغان کرمان، سرآسیاب شمس، قاسم آباد، جبال بارز، سردر، درختنگان، اسفندقه، بروات بم، بهرام جرا، اختیارآباد، کشکونیه، ختامان، از مدارسی بوده‌اند که دختر و پسر در آن‌ها با هم درس می‌خوانده‌اند.

دبیرستان‌های دخترانه

- ۱- دانشسرای دختران در سال ۱۳۱۵ - ۱۳۱۶ ، ۴۰ شاگرد و در سال ۱۳۱۶ - ۱۳۱۷ ، ۶۸ شاگرد
- ۲- غیر دولتی دوشیزگان کرمان در سال ۱۳۱۵ - ۱۳۱۶ ، ۷۰ شاگرد و در سال ۱۳۱۶ - ۱۳۱۷ ، ۹۸ شاگرد

کرمانشاه و مدارس دخترانه

نخستین مدرسه پسرانه کرمانشاه در سال ۱۳۱۷ هـ. ق ۱۲۷۸ ش. به همت میرزا حسین علی خان مهندس که از شاگردان مدرسه دارالفنون بود تأسیس شد اما نخستین مدرسه دخترانه در سال ۱۳۰۱ ش. به نام دوشیزگان عضدیه تأسیس شد این مدرسه برابر احصائیه ۱۳۰۹ - ۱۳۱۰ دارای ۶ کلاس ابتدایی و ۳۰۲ شاگرد بوده است.



اما پیش از تأسیس مدرسه دخترانه اتحادیه جهانی یهود یک باب مدرسه دخترانه به نام الیانس اسرائیلیت دخترانه در کرمانشاه تأسیس کرده بود. این مدرسه در سال تحصیلی ۱۲۷۴ - ۱۲۷۵ ش. بالغ بر ۱۵ شاگرد داشته است.

در سال ۱۳۰۲ مدرسه آرامنه کرمانشاه با ۱۲ دانش آموز دختر و ۶ دانش آموز پسر شروع به کار می کند برابر آمار سال ۱۳۰۹ - ۱۳۱۰ در کرمانشاه فقط ۲ مدرسه دخترانه وجود دارد.

۱- عضدیه تأسیس ۱۳۰۱ ش

۲- عفتیه تأسیس ۱۳۰۱ ش

اما در آمار سال تحصیلی ۱۳۱۴ - ۱۳۱۵ نامی از مدرسه عضدیه نیست مدارس دخترانه دولتی و غیردولتی کرمانشاهان در سالهای ۱۳۱۵ - ۱۳۱۶ - ۱۳۱۷ به شرح ذیل است:

نام	تأسیس	تعداد کلاس	سال ۱۴-۱۵	۱۵-۱۶	۱۶-۱۷
عفتیه دولتی	۱۳۰۱	۶	۲۵۸ شاگرد	۲۵۱ شاگرد	۲۸۱ شاگرد
ایراندخت دولتی	۱۳۰۱	۶	۲۵۴ شاگرد	۲۸۵ شاگرد	۳۰۳ شاگرد

دبستان غیر دولتی

نام	تأسیس	تعداد کلاس	سال ۱۴-۱۵	۱۵-۱۶	۱۶-۱۷
۱- اتحاد کرمانشاه	۱۳۰۴	۶	۲۶۳ شاگرد	۳۳۲ شاگرد	۳۳۰ شاگرد
۲- فرهنگ کرمانشاه	۱۳۰۸	۶	۱۳۹ شاگرد	۱۸۶ شاگرد	۱۷۰ شاگرد
۳- بصیرت کرمانشاه	۱۳۰۸	۵	۱۳۵ شاگرد	۱۸۲ شاگرد	۱۶۱ شاگرد

دبیرستان دخترانه

در سال تحصیلی ۱۳۱۴ - ۱۳۱۵ دبیرستان دخترانه کرمانشاه دارای ۲ کلاس بوده با ۳۸ شاگرد اما چون تأسیس آن در سال ۱۳۰۱ ش. ذکر شده است بنابراین باید مدرسه دختران عضدیه باشد این دبیرستان در سال تحصیلی ۱۳۱۵ - ۱۳۱۶ با نام شاهدخت دارای ۵۳ شاگرد و در سال ۱۳۱۶ - ۱۳۱۷ دارای ۹۷ شاگرد بوده است.

گرگان

اولین مدرسه دختران گرگان با نام دوشیزگان در سال ۱۳۰۵ تأسیس شده است از سال ۱۳۰۵ تا ۱۳۱۴ ش. تعداد مدارس گرگان و شهرهای پیرامون آن به ۵ مدرسه افزایش یافته است.

۱۲۶ شاگرد	۶ کلاس	۱۳۰۵	۱- دوشیزگان
۹۷ شاگرد	۶ کلاس	۱۳۱۰	۲- شاهدخت
۶۹ شاگرد	۶ کلاس	۱۳۱۴	۳- کودکستان مختلط
۷۶ شاگرد	۳ کلاس	۱۳۱۳	۴- گمش تپه
۱۱۰ شاگرد	۳ کلاس	۱۳۱۳	۵- آذر میدخت گنبدکاوس

در سال ۱۳۱۵ - ۱۳۱۶ تعداد ۳۲ مدرسه مختلط در شهرهای گنبدکاوس بندرشاه - بندرگز گرگان، کرد محله، و میرفندرسک و ... وجود دارد اما مدرسه دخترانه مستقلی دیده نمی‌شود.

دبیرستان

در سال تحصیلی ۱۳۱۶ و ۱۳۱۷ اولین دبیرستان دخترانه با نام هفده دی و با ۱ کلاس و ۱۵ شاگرد در گرگان شروع به کار می‌کند.

گروس (بیجار)

شهرستان بیجار که در حال حاضر یکی از شهرهای کردستان است در سال تحصیلی ۱۳۱۴ - ۱۳۱۵ به عنوان یک حوزه معارفی مستقل شناخته می‌شده است. برابر آمار سال ۱۳۱۴ - ۱۳۱۵ نخستین مدرسه پسرانه بیجار در سال ۱۲۸۸ تأسیس شده است اما اولین مدرسه دخترانه در سال ۱۳۱۳ تأسیس شده است این مدرسه در سال تحصیلی ۱۳۱۴ - ۱۳۱۵ دارای ۳۲ شاگرد دختر و ۶ شاگرد پسر بوده است. در سال تحصیلی ۱۳۱۵ - ۱۳۱۶ یک مدرسه دولتی دخترانه با نام بیجار دختران و یک مدرسه مختلط با نام غیردولتی اتحاد مختلط در شهر بیجار مشغول به کار بوده‌اند.

دبستان بیجار تعداد شاگرد در سال ۱۳۱۵ - ۱۳۱۶ ، ۷۴ نفر و در سال ۱۳۱۶ - ۱۳۱۷ ، ۶۱ نفر (غیردولتی) اتحاد مختلط تعداد شاگرد در سال ۱۳۱۵ - ۱۳۱۶ ، ۳۸ دختر و ۵۸ پسر و در سال ۱۳۱۶ - ۱۳۱۷ ، ۵۱ دختر و ۵۷ پسر تا سال ۱۳۱۷ در بیجار و حومه فقط ۹ مدرسه پسرانه مختلط و دخترانه وجود داشته است.

گیلان (رشت)

پس از مشروطه به پیشنهاد عیسی صدیق در سال ۱۲۹۹ ش. در رشت دبستانی دخترانه تأسیس شد به نوشته سهیلا ترابی فارسانی که در آن به اسنادی از مدارس دختران از مشروطه تا پهلوی اشاره شده است نامی از مدیره این مدرسه در دست نیست اما از خانواده‌های محترم بوده و معلم‌های مدرسه نیز از سایر مراکز جذب می‌شده‌اند مدرسه نسوان دارای ۵ کلاس بوده و مواد درسی که تدریس می‌شد بر طبق برنامه وزارت معارف عبارت بوده است از خواندن و نوشتن فارسی تلاوت قرآن مجید مسایل شرعی، حساب، صنایع یدی زنانه از قبیل خیاطی، بافندگی، خانه‌داری، حفظ‌الصحه اطفال

بودجه مدرسه با شهریه اطفال تأمین می‌شد و شهریه مقرر شده برای هر کلاس عبارت بود از هفت قران برای کلاس تهیه، و ۷ قران برای اول و دوم و ۱۰ قران برای سوم و چهارم.

۸۳۶ دایرةالمعارف زن ایرانی

در صورت احصائیه مدارس گیلان در سال ۱۳۰۳ ش. فقط از یک دبستان دولتی دختران نامبرده شده است در این احصائیه آمده است که دبستان دوشیزگان دولتی است که مدیر آن خانم نشاط‌الدوله می‌باشد دارای ۷ معلم ۷ کلاس و ۱۶۵ دانش‌آموز است و بودجه ماهیانه آن ۲۱۴ ریال است در این احصائیه از مدرسه دخترانه دیگری نام نرفته است بنابراین باید همان دبستانی باشد که به دستور عیسی صدیق در سال ۱۲۹۹ ش. افتتاح شده است از دو مدرسه غیردولتی نیز یاد شده است:



- ۱- بنات اسلامی به مدیریت احترام آسیاده با ۴ معلم، ۸۷ شاگرد، ۷ کلاس و بودجه ۲۰ تومان
- ۲- آذرمیدخت به مدیریت فرزانه خانم با ۶ معلم و ۹۰ شاگرد و هفت کلاس علاوه بر آن دو دبستان غیر ایرانی.
- ۱- اناث امریکایی با مدیریت عیسی کلارک ۴ معلم ۶۴ شاگرد ۶ کلاس
- ۲- آرامنه مسیو هامبارطوم ۷ معلم ۹۶ شاگرد ۶ کلاس

لاهیجان

در سال ۱۲۹۹ ش. نخستین مدرسه دختران با نام بنات اسلامی در لاهیجان آغاز به کارکرد این مدرسه به صورت خصوصی اداره می‌باشد برابر احصائیه سال ۱۳۰۳ ش، در آن سال ۲ معلم، ۸۶ دانش‌آموز و ۵ کلاس درس داشته است و مدیریت مدرسه با خانم بیگم آغا بوده است در سال ۱۳۰۳ ش. نخستین مدرسه دولتی دختران لاهیجان با نام دوشیزگان تأسیس می‌شود برابر احصائیه سال ۱۳۰۳ ش. در آن سال ۲ معلم، ۲۲ شاگرد و ۲ کلاس درس داشته است مدیریت مدرسه را خانم افسرالدوله عهده‌دار بوده است.

مهکامه محمصص و معلمی مدرسه دختران

سروردوله محمصص که در شعر مهکامه تخلص می‌کنند. (سال ۱۲۹۱ ش.) پدرش احمد مستوفی محمصص از دانش‌های زمان خود آگاهی داشت و مادرش «ساره سلطان» زنی خوشنویس و نقاش بود. وی در نزد معلمان سرخانه به آموزش پرداخت زیرا در آن زمان هنوز مدرسه‌ای برای دختران در لاهیجان وجود نداشت وی هشت ساله بود که نخستین مدرسه خصوصی لاهیجان به وجود آمد. در آن زمان، نفوذ خرافات و موهومات در فکر و ذهن مردم به اندازه‌ای ریشه داشت که مردم از فرستادن دختران خود به مدرسه خودداری می‌کردند و بهتر آن می‌دیدند که دختران را در چهاردیواری خانه زندانی کنند. مهکامه با سخنرانی‌های سنجیده و رفتار و منش خود چنان در مردم تأثیرگذار بود که آنان را به فرستادن فرزندان خود به مدرسه تشویق می‌کرد.



بنادر انزلی

به نوشته دکتر باستانی پاریزی:

«مرحوم شیخ‌الملک سیرجانی در سال ۱۳۱۴ (۱۲۷۵ ش) ۱۸۹۶ میلادی نخستین مدرسه به سبک امروزی را به عنوان دارالتعلیم در رشت بنا نهاد که در آن مدرسه، به بچه‌ها زبان خارجی خصوصاً فرانسه می‌آموخت. و این شاید یکی از قدیمی‌ترین مدارس سبک امروزی باشد که در ده سال پیش از مشروطه توسط یک کرمانی بنا نهاده می‌شد که متأسفانه چند سال بعد بر اثر مسافرت شیخ به پاریس ظاهراً تعطیل شده است.

هفته نامه کاوه، شماره ۲- دوره ششم مورخ ۱۳۱۷/۱/۱۹

طبق مدارکی که از کتابخانه موزه کلیسای وانک جلفای اصفهان دریافت شده آمده است که دارای ۹ شاگرد بوده ۶ پسر و ۳ دختر در شماره ۶ ص ۳ سال ۱۹۰۵ میلادی نشریه «نوجوتابی دایر» به معنی اطلاعات جلفای نوع نوشته شده است که: «انزلی دارای دو مدرسه دو کلاسه می‌باشد»

دبستان مریم ارامنه طی نامه شماره ۱۸۷ - ۱۱ - ۹ - ۶۴ می‌نویسد این دبستان از تاریخ ۱۲۷۵ ش. تأسیس شده است.

رابینو در ص ۱۵۴ دارامرزگیلان می‌نویسد: در سال ۱۳۲۹ هـ ق ۱۲۹۰ ش (۱۹۱۱ میلادی) شاگردان مدرسه ارامنه دارای ۱۲ پسر و هفت دختر بوده‌اند.

ص ۲۹ تاریخ جامع بندرانزلی - جلد ۲ نوشته عزیز طویلی

مدرسه روسی

در انزلی مدارس روسی نیز از طرف روس‌ها تأسیس گردیده بود که در آن عده‌ای از ایرانیان مشغول تحصیل بودند.

روزنامه نسوان شرق بندر پهلوی (انزلی) شماره ۲۵ سال اول مورخ چهارشنبه ۳۰ آذر ۱۳۰۰ ش ۱۶ جمادی‌الآخر ۱۳۰۴ هـ ق می‌نویسد که: طرز تشکیل یک مدرسه روسی که در پهلوی (انزلی) تأسیس شده است برای اطلاع رئیس و مخصوصاً امنای معارف می‌نویسم. بودجه سالیانه مدرسه پهلوی پانزده هزار تومان

است تعداد شاگردانی که در این مدرسه از تبعه خارجه و روس، ارمنی و مسلمان مشغول تحصیل هستند ۳۰۳ نفرند. فاعالتحصیل‌های کلاس‌های عالی این مدرسه را در مدارس عالی درس قبول می‌نمایند.

در کلاس‌های ۴-۱ زبان فارسی اجباری است در این مدرسه چهار کلاس صنعتی از قبیل نجاری، کفاشی، خیاطی و صحافی دایر است از اطفال بی‌بضاعت شهریه گرفته نمی‌شود به علاوه کمک خرج از قبیل ملبوس و کتب و خوراک نیز مجانی به آن‌ها داده می‌شود. مدت تحصیل در این مدرسه ۹ سال است. / ص ۴۱ - ۴۲ تاریخ جامع

از تاریخ دقیق (تأسیس) این مدارس (روسی) اطلاعی در دست نیست ولی می‌توان آن را با شروع احداث ساختمان اداره بندر دانست. قرارداد احداث بندر و موج شکن‌ها از سال ۱۳۱۳ هـ ق برابر با ۱۲۷۴ ش. (۱۸۹۵) به امضا رسیده است و محل مدرسه نیز در اداره بندر بوده است و این همزمان با تأسیس مدرسه آرامنه می‌باشد «راینو» تعداد شاگردان مدرسه روسی را در سال ۱۹۱۱ میلادی ۲۴ پسر و دختر نوشت (ص ۵۳ ولایات دارالمرز ایران، گیلان)

تأسیس دبستان دخترانه در انزلی از سوی وزارت معارف

در سال ۱۲۹۹ ش. که تصدی معارف با سید حسن نیک‌خواه بوده چند باب مدرسه چهار کلاسه و اکابر شبانه و یک باب دبستان نسوان به مدیریت خانم مهرتاج رخشان در بندرانزلی و یک باب دبستان چهار کلاسه موسوم به سنایی به مدیریت احمد ویژه در غازیان تأسیس شد. اما مدرسه نسوان به این سادگی برپا نه ایستاده، با تهمت‌ها و کارشکنی‌های فراوان روبه‌رو شد که فقط یک نمونه آن از قول حاج حمداله خوش‌گفتار متولد ۱۲۹۰ ش. در اینجا می‌آید:

مدرسه نسوان در منزل مرحوم حاج عبدالرزاق در ابتدای کوچه مقابل اداره برق که به کهنه بازار منتهی می‌شد واقع بوده در ابتدای امر علیه مدرسه سروصدای زیادی بلند کرده بودند کسانی که با ایجاد این گونه مدارس مخالف بودند به این سروصداها دامن می‌زدند مثلاً یک روز که حدود ده سال داشتم مشاهده نمودم که



در جنب «حمام علی‌اف» چند نفر در حال گفتگو و مشاجره‌اند و مسأله بر سر این موضوع بود که این کار بایی‌هاست. مدرسه را باز کرده‌اند می‌خواهند دختران ما را از راه به در کنند و عده‌ای مخالف و موافق با هم درگیر شده بودند.

تنها انزلی با چنین مشکلی روبه‌رو نبود بلکه هیچ‌کس خانه‌اش را برای مدرسه نسوان اجاره نمی‌داد زیرا مردم آنجا را لانه فساد قلمداد کرده، مؤسس آن را به بی‌عفتی متهم می‌نمودند و گاهی تابلوی آن را سنگباران می‌کردند.

ص ۸۲ - گنجینه اسناد، سال اول، دفتر سازمان اسناد ملی ایران

برابر آمار رسمی دبستان‌ها در سال‌های ۱۳۱۴ - ۱۳۱۵ در بندرانزلی (پهلوی)، یک مدرسه دخترانه در بندر پهلوی به نام مهدخت وجود داشته است که تأسیس آن را سال ۱۲۸۹ نوشته‌اند با ۶ کلاس و ۲۸۷ دانش‌آموز و مدرسه نزهتیه غیردولتی بندر پهلوی که تاریخ تأسیس آن ۱۳۰۷ می‌باشد با ۴ کلاس و ۱۷۸ دانش‌آموز اما در دوره‌ی نسوان که در سال ۱۲۹۹ ش. مدیریتش با خانم رخشان بوده است اطلاعی در دست نیست.

دبیرستان دخترانه بندرانزلی

برابر احصائیه وزارت معارف در سال تحصیلی ۱۳۱۴ - ۱۳۱۵ در بندرانزلی فقط یک دبیرستان دخترانه غیردولتی با نام فلاحت بندرپهلوی وجود دارد که تاریخ تأسیس آن ۱۲۹۸ بوده است تعداد ۲ کلاس داشته با ۱۵ شاگرد دختر اما در احصائیه سال‌های ۱۳۱۵ - ۱۳۱۶ و ۱۳۱۶ و ۱۳۱۵ دبیرستان دخترانه‌ای به نام شاهدخت وجود داشته است که در سال ۱۳۱۶، تعداد ۴۲ شاگرد داشته است و در سال ۱۳۱۷ تعداد ۵۱ شاگرد شاید مدرسه دولتی مهدخت در سال ۱۳۱۵ به دبیرستان هم ضمیمه شده باشد.

مازندران

قدیمی‌ترین مدرسه پسرانه در ساری به سال ۱۲۹۴ دایر شده است و اولین مدرسه دختران در مازندران، در بابل به سال ۱۲۹۸ ش. دایر گردید.

برابر آمار رسمی وزارت معارف در سال ۱۳۰۹ - ۱۳۱۰ در شهرهای ساری، بابل، آمل، تنکابن، نور، کجور ۴۲ مدرسه دایر بوده است که از این ۴۲ مدرسه فقط ۵ مدرسه دختران در شهرهای ساری، بابل و آمل به شرح زیر فعالیت داشته‌اند.

- ۱- مدرسه ابتدایی دولتی بنات در ساری تأسیس ۱۳۰۷ ش.
 - ۲- مدرسه ابتدایی غیردولتی سعادت دوشیزگان ساری تأسیس ۱۳۰۷ ش.
 - ۳- مدرسه متوسطه شاهدخت بابل تأسیس ۱۲۹۸ ش.
 - ۴- مدرسه ابتدایی دولتی سعدی دوشیزگان بابل تأسیس ۱۳۰۷ ش.
 - ۵- مدرسه ابتدایی دولتی شاهدخت (اناث) در آمل تأسیس ۱۳۰۶ ش.
- در سال تحصیلی ۱۳۱۴-۱۳۱۵ تعداد مدارس مازندران افزایش یافته است به طوری که ۸ مدرسه دختران دولتی در شهرهای ساری، اشرف، بابل، آمل، شاهی و مشهد دایر بوده است و ۳ مدرسه غیردولتی سعادت دوشیزگان ساری ادب دختران ساری و دختران بابل

دبیرستان دخترانه

- برابر آمار وزارت معارف در سال ۱۳۱۴ - ۱۳۱۵
- دو دبیرستان دخترانه در شهرهای ساری و آمل دایر بوده است.
- ۱- شاهدخت بابل تأسیس ۱۲۹۸ با ۳ کلاس و ۳۰ دانش‌آموز
 - ۲- ایراندخت ساری ۱۳۱۳ با ۱ کلاس و ۱۵ دانش‌آموز

مکران

بیرجند - زابل - زاهدان

دبستان و دبیرستانی دخترانه در سال ۱۳۰۰ ش. به وسیله امیرمحمد ابراهیم علم (شوکت‌الملک) در بیرجند ایجاد شد.

شوکت‌الملک به توصیه معدل‌الدوله، خانم طویی محمودی دختر خانلرخان اعتصام‌الملک و از دانش‌آموزان دارالمعلمت تهران را به استخدام مدرسه شوکتیه درآورد. اولین مدرسه بیرجند در قلعه بیرجند که برای این منظور مرتب شده بود



تأسیس شد شاگردان مدرسه در ابتدا از دختران خانواده امیر و بعضی از روحانیون روشنفکر بیرجند بودند و به تدریج دیگر خانواده‌های شهر نیز دختران خود را برای تحصیل به این مدرسه پسرانه فرستادند در این مدرسه برای تکمیل گروه آموزشی از همسران برخی از مأموران دولتی مقیم بیرجند استفاده می‌شد.

پس از تکمیل دوره شش ساله ابتدایی کلاس‌های سیکل اول متوسطه هم در مدرسه افتتاح شد و بعدها جمعی از دانش‌آموختگان مدرسه در ردیف معلمان آن قرار گرفتند طبق آمار وزارت معارف در سال ۱۳۰۶ ش. بالغ بر ۱۰۳ تن دانش‌آموز به صورت رایگان در این مدرسه تحصیل می‌کردند و چهار آموزگار هم مشغول تدریس قرآن بوده‌اند. قاسمی پویا - اقبال - مدارس

در کارنامه زنان مشهور ایران آمده است که از تاریخ دقیق تأسیس مدرسه اطلاع چندانی در دست نیست ظاهراً پیش از سال ۱۲۹۶ ش. تأسیس شده است به نوشته همین کتاب این مدرسه از اولین دبیرستان‌های دخترانه ایران است. / قویمی - فخری کارنامه زنان مشهور ایران.

آمار مدارس دختران بیرجند از سال تحصیلی ۱۳۱۴ - ۱۳۱۵ ، ۱۳۱۵ - ۱۳۱۶ ، ۱۳۱۶ - ۱۳۱۷

دبستان دوشیزگان بیرجند در سال ۱۳۰۱ تأسیس شد در سال تحصیلی ۱۳۱۴ - ۱۳۱۵ تعداد ۶ کلاس و ۲۲۵ دانش‌آموز، این دبستان در سال ۱۳۱۵ - ۱۳۱۶ تعداد ۱۵۰ دانش‌آموز و در سال ۱۳۱۶ - ۱۳۱۷ تعداد شاگردان مدرسه ۱۹۲ دانش‌آموز بوده است. اما دبیرستان شوکتی بیرجند فقط در سال ۱۳۱۴ - ۱۳۱۵ تعداد ۱۲ شاگرد داشته است در سال‌های ۱۳۱۵ - ۱۳۱۶ و ۱۳۱۶ - ۱۳۱۷ تعداد شاگردان این دبیرستان ۱۸ نفر و ۲۶ بوده است.

محال ثلث

گلپایگان، خمین، خوانسار

ولایات ثلثه (سه‌گانه) یکی از حوزه‌های معارف بود که شامل شهرهای، خمین، گلپایگان و خوانسار می‌شد در سال ۱۳۰۹ - ۱۳۱۰ برابر آماری که در دست است. گلپایگان فقط یک باب مدرسه پسرانه داشته است با ۶ کلاس

خمین فقط یک باب مدرسه پسرانه داشته است با ۵ کلاس خوانسار فقط یک باب مدرسه پسرانه داشته است با ۵ کلاس در واقع ولایات ثلثه شهر و روستا: فقط ۷ مدرسه وجود داشته است.

- ۱- بید هند با ۴۸ دانش آموز کلاس اول
- ۲- یشی جان کمر با یک کلاس ابتدایی، ۳۳ شاگرد کلاس اول
- ۳- رباط مراد با یک کلاس اول ابتدایی و ۱۳ شاگرد
- ۴- کوگه^۱ با دو کلاس ابتدایی، اول ۳۵ شاگرد دوم ۱۶ شاگرد

مدرسه دخترانه

در سال تحصیلی ۱۳۰۹ - ۱۳۱۰ در محال ثلث فقط یک مدرسه دخترانه وجود داشته است این مدرسه ۳ کلاسه بوده است. اول ۲۰ نفر، دوم ۱۳ نفر، سوم ۴ نفر در ضمن در کلاس تهیه این مدرسه ۲۷ نفر درس می خوانده اند.

آمار مدارس ولایات ثلث در سال تحصیلی، ۱۳۱۶-۱۳۱۷

نام مدرسه	سال تأسیس	تعداد کلاس	شاگرد
۱- فردوسی گلپایگان	۱۲۹۸	۶ کلاس	۱۹۲
۲- پهلوی خمین	۱۳۰۰	۶ کلاس	۱۸۱
۳- شاهپور خوانسار	۱۲۹۷	۶ کلاس	۲۸۳
۴- مختلط گلپایگان	۱۳۱۳	۲ کلاس	۳۵ دختر و ۹ پسر
۵- مختلط خوانسار	۱۳۱۳	۴ کلاس	۲۳ دختر و ۶ پسر
۶- ۱۷ دی خمین (دختران)	۱۳۱۳	۲ کلاس	۳۸ دختر و ۱۶ پسر
۷- ۱۵ بهمن گلپایگان	۱۳۰۶	۴ کلاس	۳۹
۸- هدایت خمین	۱۳۰۷	۴ کلاس	۲۷
۹- بدر خوانسار	۱۳۰۶	۴ کلاس	۵۶

در سال ۱۳۱۵ - ۱۳۱۶ تحصیلی و ۱۳۱۶ - ۱۳۱۷ سه مدرسه مختلط (پسر و

دختر) با نام های:

۱. قوقه، گوگه، گوگد



- ۱- بانوان گلپایگان با ۷۱ دختر و ۲۰ پسر در سال ۱۳۱۵ - ۱۳۱۶ و ۶۱ دختر و ۳۲ پسر در سال ۱۳۱۶ - ۱۳۱۷
- ۲- ۱۷ دی خمین با ۴۸ دختر و ۱۲ پسر در سال ۱۳۱۵ - ۱۳۱۶ و ۴۱ دختر و ۱۲ پسر در سال ۱۳۱۶ - ۱۳۱۷
- ۳- دوشیزگان خوانسار با ۲۶ دختر و ۲۰ پسر در سال ۱۳۱۵ - ۱۳۱۶ و ۳۰ دختر و ۱۸ پسر در سال ۱۳۱۶ - ۱۳۱۷ فعال بوده است.
- در سال ۱۳۱۶ - ۱۳۱۷ در شهرهای خمین، گلپایگان و خوانسار مدرسه دخترانه‌ای وجود نداشته است در این سال فقط کلاس اول دبیرستان پسران و چند دبستان دولتی شروع به کار می‌کنند و مدرسه غیردولتی خمین با ۱۱ دانش‌آموز در کلاس اول شروع به کار می‌کند.

ولایات ثلث

ملایر، نهاوند، تویسرکان

تا سال ۱۳۰۹ در شهرهای ملایر، نهاوند، تویسرکان، هیچ مدرسه دخترانه‌ای وجود نداشته است از ۱۸ باب مدرسه که در این شهرها فعال بوده است فقط یک مدرسه مختلط غیردولتی در تویسرکان فعال بوده است این مدرسه ۳۲ نفر شاگرد در کلاس تهیه ۱۵ نفر اول، ۱۷ نفر دوم، ۱۳ نفر سوم و ۷ نفر چهارم داشته است.

در سال ۱۳۱۴ - ۱۳۱۵ تحصیلی

مدرسه ۱۷ دی ملایر تأسیس ۱۳۱۳ با ۲ کلاس و ۷۹ شاگرد دختر و ۲۵ پسر
مدرسه رضاییه از زمان تأسیس ۱۳۱۰ ش با ۲ کلاس ۱۳ شاگرد دختر ۴۵ شاگرد
پسر

مدرسه مدنی دادبیان تأسیس ۱۳۱۲ ش با ۲ کلاس ۲۵ شاگرد دختر ۲۷ شاگرد
پسر

مدرسه مختلط نهاوند تأسیس ۱۳۱۲ ش با ۳ کلاس ۴۸ شاگرد دختر ۳۵ شاگرد
پسر

مدرسه مختلط تویسرکان تأسیس ۱۳۱۲ ش با ۲ کلاس ۵۴ شاگرد دختر ۱۳
شاگرد پسر

مدرسه غیردولتی

اتحاد نهاوند تأسیس ۱۲۹۸ با ۶ کلاس با ۶۷ شاگرد دختر و ۸۸ پسر
 اتحاد توپسرکان تأسیس ۱۳۰۷ با ۶ کلاس با ۱۸ دختر و ۵۶ پسر
 فخریه دوشیزگان در سال ۱۳۱۵ - ۱۳۱۶ ش ۲۰۱ دختر و در سال ۱۳۱۶ -
 ۱۳۱۷ ش، ۱۶۹ دختر درس می خوانده اند.

دبیرستان دخترانه‌ای در ولایات ثلث فعالیت نداشته است.

همدان و مدرسه دخترانه موهبت

دبستان دخترانه‌ای که پس از مشروطه در همدان تأسیس یافته است برابر
 منابعی که در دست است به سال ۱۲۹۹ ش است.

مدیر مدرسه «خانم محبوبه» متولد تهران، ناظم مدرسه «قمرخانم» از اهالی
 همدان، مدرسه موهبت با ۶ کلاس دبستان و یک کلاس عالی تشکیل شد.
 دانش آموزان بین ۶ تا ۱۴ سال را می پذیرفت بودجه مدرسه ۹۰۰۰ قران و تادیه
 کسری بودجه از اعانه هیأتی از تجار و اطبا شهر جبران می شد. معلمان مدرسه
 عبارت بودند از قمرخانم مشق فارسی در کلاس پنجم و تعلیم مشق در سایر
 کلاس ها شهلا خانم (فوائدالادب و تاریخ کلاس های سوم و چهارم) ماهی خانم
 (حساب - جغرافیا - دیکته کلاس های ۲ و ۳) شمسی خانم (تاریخ، علم الاشیا)
 طوبی خانم (انگلیسی، دیکته حساب کلاس های ۳ و ۴) انسیه خانم (دستور دانش،
 دیکته، و حساب کلاس های ابتدایی) و محبوبه خانم که مدیر مدرسه بود و تدریس
 دروس فارسی، ریاضی، عربی و انگلیسی کلاس های پنجم و ششم را به عهده
 داشت شاگردان این مدرسه در سال ۱۳۰۶ بالغ بر ۱۶۷ نفر بوده که ۵۶ نفر آن ها به
 طور مجانی و ۱۱۱ نفر با پرداخت شهریه به تحصیل مشغول بودند تعداد
 فارغ التحصیلان مدرسه نیز ۴۳ نفر ذکر شده است. (ترابی فارسائی، سهیلا، استادی
 از مدارس دختران از مشروطه تا پهلوی سازمان اسناد ملی ایران، ۱۳۷۸ ش)

۱- مدرسه امریکایی لازاریست های متمدن (۱۲۹۸ ش - ۱۹۱۶ میلادی)

۲- مدرسه ای از طرف اتحادیه جهانی یهود با نام الیانس اسرائیلیات، در ۱۳۱۸

ق مدرسه دختران یهودی به وجود آمد. این مدرسه در سال ۱۳۰۲ دارای ۲۵۹
 شاگرد بوده است.



یزد (خرمشاه یزد)

در سال ۱۲۸۲ ش در روستای خرمشاه یزد مدرسه دخترانه‌ای احداث شد بانی این مدرسه فرزانه استاد کیومرث آموزگار دبستان خدادادی خرمشاه بود در اولین امتحان که از دانش‌آموزان به عمل آمد نتایج درخشانی به بار آورد. لذا برخی از بزرگان زردشتی بر آن شدند تا دبستانی نظیر آن در مناطق دیگر برپا کنند. این مدرسه پس از چند سال به سبب موانع و مشکلات مالی تعطیل شد.

قاسمی پویا - اقبال

مدرسه خورشید بانو

در سال ۱۲۸۸ ش در روستای مریاباد یزد این مدرسه ساخته شد بانی آن فرزانه هرمزد یار شه‌ریار بوده هزینه و نیازهای مدرسه از عواید موقوفات وی تأمین می‌شد مدرسه به نام همسر او نامگذاری شده بود. از چگونگی... / قاسمی پویا - اقبال

دبیرستان ایزدپیمان

در سال ۱۲۸۳ ش / ۱۹۱۵ م / دبیرستان ایزدپیمان یزد تأسیس شد که اولین دبیرستان بود.

دبستان ایراندخت یزد دولتی ۱۲۸۹ - ۶ کلاس تعداد ۱۲۷ شاگرد در سال ۱۳۱۴ - ۱۳۱۵

دبستان ایراندخت یزد دولتی ۱۲۸۹ - ۶ کلاس تعداد ۱۲۷ شاگرد در سال ۱۳۱۶ - ۱۳۱۵

دبستان شاهدخت یزد دولتی ۱۳۰۶ - ۶ کلاس تعداد ۷۱ شاگرد در سال ۱۳۱۴ - ۱۳۱۵

دبستان‌های غیردولتی یزد

۱- ایزدپیمان ۱۲۸۳ - ۶ کلاس - ۱۳ دختر . ۶ پسر با ۸ آموزگار

۲- مارکار یزد ۱۳۰۶ - ۶ کلاس - ۱۷۷ دختر

۳- اتحاد یزد ۱۳۰۹ - ۶ کلاس - ۵۴ دختر بقیه مربوط به روستا است.

دبیرستان دولتی یزد دختران ۱۲۹۸ - ۳ کلاس - ۹ شاگرد

غیردولتی ایزدیان دختران ۱۲۸۳ - ۵ کلاس - ۳۸ شاگرد

غیردولتی مارکار دختران ۱۳۰۶ - ۳ کلاس - ۲۴ شاگرد

در سال ۱۳۱۴ - ۱۳۱۵ در یزد فقط ۶ دبیرستان وجود داشته است که ۳

دبیرستان دختران است با تعداد ۷۱ دانش آموز و ۳ دبیرستان پسران با ۳۰۷ دانش آموز.

۱- ایراندخت یزد دولتی - ۱۸ شاگرد در سال ۱۳۱۵ - ۱۳۱۶ و ۲۹ شاگرد در

سال ۱۳۱۶ - ۱۳۱۷

۲- ایزدپیمان غیردولتی - ۵۰ شاگرد در سال ۱۳۱۵ - ۱۳۱۶ و ۵۱ شاگرد در

سال ۱۳۱۶ - ۱۳۱۷

۳- مارکار - ۴۰ شاگرد در سال ۱۳۱۵ - ۱۳۱۶ و ۵۰ شاگرد در سال ۱۳۱۶ -

۱۳۱۷

دبستان‌ها

ایراندخت یزد ۱۲۴ شاگرد در سال ۱۳۱۵ - ۱۳۱۶ و ۱۴۰ شاگرد در سال

۱۳۱۶ - ۱۳۱۷ شاهدخت ۸۳ شاگرد در سال ۱۳۱۵ - ۱۳۱۶ و ۸۴ شاگرد در سال

۱۳۱۶ - ۱۳۱۷

دبستان

ایزدپیمان ۱۶۹ - ۱۶۶

مارکار ۱۸۱ - ۱۶۹

اتحاد ۶۵ - ۱۰۷

زنان نامور ایران

سال ۱۳۰۹ خورشیدی نخستین گروه دختران ایرانی برای ادامه تحصیل به اروپا اعزام شدند. در سال ۱۳۱۲ و ۱۳۱۳ برخی از زنان ایرانی که در اروپا در رشته‌های گوناگون درس خوانده بودند به ایران آمدند و مدرک تحصیلی آنان مورد ارزیابی قرار گرفت در سال ۱۳۱۴ خورشیدی ۱۲ نفر از دختران که از دبیرستان‌های ایران موفق به اخذ دیپلم شده بودند برای ادامه تحصیل به دانش‌سرای عالی راه یافتند این دانشجویان در سال ۱۳۱۷ خورشیدی موفق به دریافت دانشنامه کارشناسی شدند.

از سال ۱۳۰۹ خورشیدی تا سال ۱۳۱۷ خورشیدی را باید یکی از دوره‌های پرفراز و نشیب دانست. افزون بر مبارزه برای ادامه تحصیل چه در ایران و چه در خارج کشور باید از سه گروه از زنان ایرانی نام برد.

نخست زنانی که در زمینه آموزش و پرورش به‌ویژه در تأسیس مدارس دختران فعالیت کرده‌اند.

دوم، دیگر زنانی که در زمینه روزنامه‌نویسی، مقاله‌نویسی و فعالیت‌های اجتماعی فعال بوده‌اند.

سوم، دیگر زنانی که در زمینه شعر، هنر صاحب نام و آوازه‌ای شدند، در سال ۱۳۱۱ نهضت نسوان شرق در تهران کنگره‌ای برگزار کرد که نمایندگان کشورهای سوریه، عراق، مصر، ژاپن، هندوستان و عربستان در آن شرکت داشتند: این کنگره که در آذرماه ۱۳۱۱ کارش را آغاز کرد به نوشته زیبا جلالی نائینی: حاصلش مطالعاتی بود برخاسته از نیازهای آن زمان زنان کشورهای شرق و تأکید آن بر برابری زن و مرد در آموزش و دستمزد در این کنگره زنانی مانند: ایران ارانی، فاطمه انصاری، مه‌رتاج رخشان، مستوره افشار، عفت‌الملوک خواجه نوری، فخر عظمی «ارغون»، مهرانگیز سلطانی، فخرالزمان خانم مشتاق، طوبی خانم مشکوة

نفیسی، بهمن اخترنهایی، عدل‌الملک خلعتبری، پروین آزموده، خانم افخمی، عذرا خانم فربود حکمت، همایون تاج خانم کاوسیان، اعظم سلطانی، فخرآفاق پارسائی، عالمه خانم بقایی، منظرخانم طباطبایی، خانم افشار، صدیقه دولت‌آبادی، قدسی خانم دفتری و... سخنانی گفتند: این زنان آزاداندیش و بافرهنگ نشان دادند که نمی‌خواهند از زندگی غربی گریز کرده برداری کنند آنان می‌خواهند با دانش و فضیلت آشنا شوند به حقوق خود آگاه شوند و از بی‌حرمتی که به آنان روا می‌شود جلوگیری شود.

مستوره افشار نایب رئیس کنگره در خطابه‌ای می‌گوید:

زن ایرانی حق حرف زدن در کوچه و خیابان با مردان فامیل خود را نداشت حق نداشت با شوهر و پدر و برادر خود سوار یک درشکه شود زن ایرانی مجبور بود در خانه از پدر و شوهر و برادرانش اطاعت کند و در کوچه و خیابان نیز نایستی مواجه با مردهای بیگانه شود، هیچ فراموش نمی‌کنم که در خیابان‌ها، اندرون (و) بیرون ترتیب داده، از طرفی که زن راه می‌رفت مرد حق عبور نداشت. در بعضی خیابان‌ها از ساعت معین زن حق عبور نداشت بعضی اشخاص که محتاج طبیب و دوا بودند برای عبور مجبور بودند تحصیل اجازه نمایند. متأسفانه مرگ مریض از برای منسوبین او از تحصیل اجازه آسان‌تر بود زن ایرانی حق نداشت که از حقوق زنان دفاع نماید چنانکه مدیر محترمه مجله جهان زنان خانم فخرآفاق پارسا از حقوق زنان دفاع کرد دو سال محکوم به تبعید شد. / ص ۶۵ نهضت شرق

در یک چنین اوضاع و احوال وحشتناک ۱۱ سال قبل مرحوم محترم خانم اسکندری به اتفاق یک عده از خانم‌های فاضله و فداکار. موفق به تأسیس جمعیت نسوان وطن‌خواه شد زنان ایران خدمات و فداکاری‌های آن مرحوم را هیچ‌وقت فراموش نخواهد نمود. / ص ۶۶ - نهضت نسوان شرق

به طور کلی در کنگره نهضت نسوان شرق به مسایل زیر پرداخته شد و دربارہ آن نمایندگان سوریه، مصر، عراق، ژاپن، هندوستان و برخی از ایرانیان اظهار نظر کردند.



- ۱- شادی زن و مرد در کلیه امور زندگی و حق اشتغال زنان به کارهای آزاد در صورتی که انجام آن کار موجب وقفه و عدم انجام وظایف خانگی او نشود.
 - ۲- افتتاح کودکانستان
 - ۳- تعلیمات ابتدایی اجباری شود
 - ۴- افتتاح مدارس صنعتی برای پسران و دختران
 - ۵- تألیف کتاب‌هایی برای کودکان خردسال و ایجاد کلمات و لغات ملی برای اصطلاحات علمی
 - ۶- برنامه دروس در هر کشور با توجه به موقعیت و مقتضیات فرهنگی آن
 - ۷- تحکیم اساسی زبان ملی در مدارس خارجی
 - ۸- تحدید سن ازدواج برای پسران و دختران
 - ۹- توصیه مدنیت در ممالک شرقی
 - ۱۰- ضرورت شناسایی مرد و زن قبل از عقد ازدواج در مجلس و محفلی که محرم باشد
 - ۱۱- حصول تعیین از صحت مزاج زوجین قبل از ازدواج
 - ۱۲- تخفیف در میزان مهریه و جهیزیه زن
 - ۱۳- جلوگیری از تعداد زوجات مگر وقتی که ضرورت پیدا کند
 - ۱۴- دادن حق طلاق به زن در صورتی که این حق برای او پیدا شود
 - ۱۵- اجرای موضوع ارث درباره زن از پدر و زوج ولو اینکه او را در وصیت‌نامه محروم از ارث کرده باشد
 - ۱۶- اشتراک مساعی با جمعیت‌های تحریم مسکرات و تحریم قمار
 - ۱۷- مبارزه علیه فحشا و برده‌فروشی
 - ۱۸- ضرورت تشویق منسوجات و مصنوعات وطنی و بسی‌نیازی از امتعه خارجی
 - ۱۹- مبارزه علیه جنگ و نشر آزادی و صلح
- بنابراین در کنگره نهضت نسوان شرق بر سوادآموزی دختران، دانایی آنان و حقوق و آزادی‌های مشروع وی تأکید شده است.



۱۷ دی ماه ۱۳۱۴ خورشیدی

فرمان کشف حجاب در دی ماه ۱۳۱۴ به وسیله رضاشاه صادر شد شگفت اینکه شیخ‌الملک اورنگ که در تمام جلسه‌های کنگره نسوان شرق حضور داشت و مسأله بی‌حجابی را نقد می‌کرد و بر این باور بود که حجاب مانع رشد فکری و بالندگی زن در زمینه‌های گوناگون نخواهد شد در روز سوم اسفند ۱۳۱۴ به دفاع از کشف حجاب پرداخت. به نوشته روزنامه اطلاعات^۱:

به مناسبت روز تاریخی و مقدس سوم اسفند پنج بعدازظهر روز یک‌شنبه مجلس جشنی در انجمن ادبی ایران منعقد بوده و علاوه بر اعضای انجمن عده‌ای زیاد از محترمین و نمایندگان مجلس شورای ملی و ادبا با خانم‌هایشان برای شرکت در مجلس جشن مزبور دعوت داشته و حضور بهم رسانیده بودند.

بدو آقای افسر رئیس انجمن ادبی، مجلس را افتتاح و سپس اشعاری را که به مناسبت جشن سوم اسفند سروده شده بود قرائت کردند و آقای رشید یاسمی خطابه‌ای درباره پیدایش نواغ و ظهور اعلی حضرت همایونی شاهنشاهی و آثار بزرگ و تاریخی عصر فرخنده ایراد نمودند و پس از ایشان آقای اورنگ بیاناتی در همین زمینه و ضمناً محسنات برداشتن چادر ایراد کردند و آقای حیدری نماینده مجلس شورای ملی قصیده‌ای را که برای روز کودتا ساخته بودند قرائت و همچنین آقای سرمد وکیل رسمی عدلیه و سایر آقایان شورا اشعاری که نظم کرده بودند قرائت و مجلس ساعت ده بعدازظهر با احساسات شادمانی و مسرت به دعای بقای ذات ملوکانه خاتمه پذیرفت.

اگرچه فرمان رضاشاه به ظاهر راه را برای پیشرفت در زمینه‌های اجتماعی و آموزشی دختران فراهم می‌ساخت اما آنان را از ابتدایی‌ترین حقوق خود که حق رأی دادن بود باز می‌داشت، بسیاری از زنانی که در کنگره نسوان شرق صاحب اندیشه و فرهنگ بودند و سال‌ها برای حقوق زنان و باسواد کردن دختران این کشور کوشش می‌کردند نه خواهان بی‌چادری بودند و نه داشتن چادر مانع پیشرفت آنان شده بود. وانگهی کشف حجاب به زن ایرانی اجازه می‌داد که چادر از سر



بردارد ولی اجازه نمی‌داد که حق انتقاد داشته باشد حتی به زن ایرانی اجازه داده نشد که دست‌کم پوشش خود را به میل خود انتخاب کند و این باعث شد تا ساده‌زیستی، ساده‌پوشی و دوری از زندگی مصرفی و تجمل‌گرایی که هدف زنان سخنران در کنگره نسوان بود جای خود را به برهنگی و زندگی تزئینی بدهد. با این همه زنان آگاه فریب این دستور و فرمان را نخوردند چرا که در آن روز که «حیدری» نماینده مجلس و رشید یاسمی از شاه و کودتای ۱۲۹۹ ستایش می‌کردند روزنامه‌ها خفقان گرفته بودند و چیزی می‌نوشتند که شاه را خوش آید. بحث در این باره را باید به فصلی و جستاری جداگانه و انهاد افلا برای اینکه نگاهی هم به کنگره نسوان شرق داشته باشیم فقط به نقل شعری بسنده می‌شود شعری از «فخر عادل»

جمال زن نه همان زلف پرشکن باشد و یارخ چومه و غنچه دهن باشد
 نه ژوب اطلس و نه جامه کرب ژورژت نه کفش برقی و نه چین پیرهن باشد
 جمال زن به حقیقت کمال و عفت اوست چنین زنی همه جا شمع انجمن باشد
 بهر دیار مقام زن است بر سر و چشم چرا به کشور جم پست قدر زن باشد
 بیا ز قول من این نکته را پیرس از شیخ چرا ضعیفه در این ملک نام من باشد
 اگر ضعیفه منم از چه رو به عهده من وظیفه پرورش مرد پیلستن باشد
 بکوش ای زن و بر تن ز علم جامه پیوش خوش آن زمان که چنین جامه‌ات به تن باشد
 به ذوق فخری دانش ز بسکه شیرین است همیشه در طلبش همچو کوه کن باشد

بدیهی است آن چه زنان را به درجه‌ای از نام‌آوری رسانید که توانسته‌اند در تمام زمینه‌های علمی، سیاسی، اجتماعی و ذوقی صاحب آوازه شوند نه فرمان کشف حجاب بود و نه مخالفت‌هایی که با آزادی و حقوق زنان می‌شد بلکه میل به پیشرفت جامعه و تحکیم خانواده و داشتن نظام خانوادگی سالم، اساس پیشرفت زنان اندیشمند را فراهم ساخت زنانی که در این دفتر معرفی شده‌اند یا زنان سیاسی هستند یا شاعران و نویسندگان آزادی‌طلب، روزنامه‌نگاران، یا زنانی در دانش‌های گوناگون مانند طب، حقوق، تاریخ، باستان‌شناسی، نجوم، ادبیات، شعر، داستان‌نویسی و یا زنانی که به مقام‌های اداری رسیده‌اند مانند مدیرکلی، نمایندگی مجلس، سناتوری و... نخست نگاهی گذرا خواهیم داشت به زنان سیاسی و مبارز. زنانی مانند:

گروه اول

- ۱- فخر آفاق پارسای ۲- محترم اسکندری ۳- صدیقه دولت‌آبادی ۴- مریم فیروز ۵- نورالهدی منگنه ۶- ملوک اسکندری ۷- شهناز آزاد ۸- زندخت شیرازی ۹- شمس‌الملوک جواهر کلام ۱۰- صقیه فیروز ۱۱- مریم عمید (مزین‌السلطنه) ۱۲- بانو دکتر کحال ۱۳- زینب امین

گروه دوم

- زنانی که دل در گرو آزادی زنان، آگاهی آنان و پیشرفت وطن داشته‌اند از این زنان می‌توان از شاعرانی مانند:
- ۱- شمس کسمایی ۲- فاطمه سلطان خانم ۳- ژاله قائم مقامی ۴- نیم‌تاج سلماسی ۵- فخر عظمی ارغون ۶- مهین‌دخت دارابی ۷- مهکامه محمصص ۸- پروین اعتصامی ۹- بدری تندی فانی ... نام برد.

گروه سوم

زنانی فرهیخته که به دبستان، دبیرستان، دانشگاه راه یافته‌اند و در زمینه‌های گوناگون صاحب‌نام و آوازه شدند گروه سوم از کسانی هستند که در مدارس جدید درس خوانده‌اند و من کوشیده‌ام که تاریخ تولدشان از ۱۳۰۰ خورشیدی تجاوز نکنند برخی از این زنان را باید از اولین‌های زنان دانست برخی از این فرهیختگان را باید از اولین دانشجویانی دانست که به دانشسرای عالی راه یافتند و برخی نیز به مقام‌های سیاسی و اجتماعی رسیدند مانند مهرانگیز منوچهریان که سناتور شد و شمس‌الملوک مصاحب که به سناتوری رسید دکتر نیره سعیدی که نماینده مجلس شد و مهرانگیز دولتشاهی که در مجلس شورای ملی نماینده شده بدیهی است بایست پیش از اینکه به بررسی این بزرگان علم و هنر و اندیشه و سیاست پردازیم یادی از زنان نامداری کنیم که با همه آزاداندیشی و روشن‌بینی که داشتند عمری را برای بسط و گسترش مدارس دختران صرف کردند مانند: ۱- مه‌رتاج رخشان ۲- بی‌بی خانم وزیراف ۳- توبا رشدیه ۴- ربابه مرعشی ۵- درة‌المعالی ۶- هاجر تربیت ۷- توبا آموزده ۸- موجول مستغنی ۹- نصرت خانم مستغنی ۱۰- فروغ آذرخشی ۱۱-



ملوک اسکندری ۱۲- گوهر نراقی ۱۳- مریم عمید ۱۴- شمس الضحا منصوری ۱۵- سکینه عفت آغازی ۱۶- مریم اردلان ۱۷- روشنک نوع دوست ۱۸- خانم ملکه بقایی کرمانی ۱۹- عصمت دولتداد ۲۰- ربابه هوسپیان ۲۱- صفیه یزدی ۲۲- ماه سلطان امیرصحی ۲۳- عصمت الملوک خواجه نوری ۲۴- جمیله رشیدی ۲۵- خدیجه هرمزی ۲۶- بانو سیده پیران ۲۷- منیره حراف ۲۸- کشور مزدینا و...

علاوه بر سه گروه زنان نامور و نامداری که آنان را باید نتیجه کار زنان مبارز، آزادیخواه و مدرسه ساز دانست من در این بخش از زنانی نام می‌برم که تاریخ تولدشان از سال ۱۳۰۰ خورشیدی تجاوز نکرده باشد کسانی که برای کشور در زمینه‌های گوناگون مفید بوده‌اند:

- ۱- صفیه فیروز، متولد ۱۲۸۷ خورشیدی، مؤسس درمانگاه برای زنان
- ۲- بدر آفاق وزیری، متولد ۱۳۰۰ خورشیدی، نخستین دختری از ایران که موفق به دریافت مدال طلا از پادشاه بلژیک شد.
- ۳- تاج الملوک مشکوه حضرتی، متولد ۱۲۹۴، از نخستین دخترانی که به دانشکده پزشکی راه یافتند.
- ۴- صغری آزرمی، آسیب شناس
- ۵- سیمین آزرمی، متولد ۱۳۰۰ خورشیدی، اولین نویسنده زن ایرانی، استاد دانشگاه
- ۶- مریم میرهادی، نویسنده کودک و نوجوان اولین زن پزشک از دانشگاه تهران
- ۷- ملک‌زاده بیانی، مؤسس موزه، فعال سیاسی
- ۸- عفت الملوک نحوی، متولد ۱۲۹۰ خورشیدی، نخستین زنی که به مدیر کلی رسید.

۹- عصمت ستارزاده، متولد ۱۲۹۰ خورشیدی، مترجم، استاده دانشگاه، دکتر

در ادبیات فارسی

- ۱۰- فروغ حکمت، متولد ۱۲۹۲، فعال اجتماعی
- ۱۱- دکتر مرضیه ارفعی، متولد ۱۲۸۰، نخستین زنی که سر تیپ شد، پزشک
- ۱۲- دکتر فاطمه سیاح، متولد ۱۲۸۱، استاد ادبیات روسی در دانشگاه تهران

۱۳- شمس‌الضحاح نشاط، متولد ۱۲۸۱، برنده جایزه مدال فنی از دانشگاه

هاروارد

۱۴- دکتر نصرت‌الملوک کاشانچی، متولد ۱۲۹۳، بنیانگذار بیمارستان

بازرگانان تهران

۱۵- نیره سعیدی، متولد ۱۲۹۹، شاعر، مترجم، نماینده مجلس

۱۶- لیلی تقی‌پور، متولد ۱۲۹۹، گرافیست، موزه‌دار

۱۷- مهری آهی، متولد ۱۲۹۸، مترجم رمان‌های روسی، استاد دانشگاه

۱۸- ایران اعلم، اولین دکتر زن دانشکده پزشکی

۱۹- شکوه ریاضی، متولد ۱۳۰۰، دکتری هنر در رشته نقاشی

۲۰- صدری سهام، متولد ۱۲۹۸، نماینده مجلس

۲۱- فصیح‌الملوک مهام، خوشنویس

۲۲- قمر آریان، دکترای ادبیات، استاد دانشگاه

۲۳- سکینه پری، دکتر در جراحی زنان

۲۴- مریم اردلان، اولین مدیر نخستین هنرستان ایران ۱۳۷۵

۲۵- شمس‌الملوک جواهرکلام، نویسنده و مولف، فعال سیاسی

۲۶- امینه پاکروان، استاد باستان‌شناسی دانشسرای عالی تهران ۱۲۷۱

۲۷- گوهر آبیان، موسیقی‌دان ۱۲۹۹

۲۸- پری آقا بابایف، هنرمند تئاتر و اولین بازیگر در گراند هتل تهران، سال

۱۳۰۰ خورشیدی

۲۹- مریم آراکلیان، نقاش و دبیر هنر ۱۲۹۷

۳۰- نوارث، مارویروس، اولین زن راننده ایران، وی در سال ۱۳۰۲ گواهی

رانندگی گرفت.

۳۱- کلارا آبکار، مدرس نگارگری در وزارت فرهنگ ۱۲۹۱

۳۲- توران اعلم، معاون هیأت ایرانی در یونسکو، سرپرست دانش‌جویان

اعزامی به خارج در سویس ۱۲۹۵

آشنایی با تصویرهای پیوست

تصویر شماره ۱ - طراحی لباس به وسیله بدرالدجی رخشان به جای پوشش آن
زمان

تصویر شماره ۲ - دکتر تاج الملوک شکوه حضرتی، پزشک و جراح و از نخستین
دخترانی که به دانشکده پزشکی راه یافتند.

تصویر شماره ۳ - آصفه آصفی، موسس انجمن خانه و مدرسه (اولیاء و مریبان)

تصویر شماره ۴ - پروین اعتصامی، شاعر، کتابدار، معلم

تصویر شماره ۵ - پروین برزین، نخستین زن باستان‌شناس و حفّار

تصویر شماره ۶ - گواهی‌نامه ششم ابتدایی مربوط به قدرت خانم، در سال ۱۳۰۶
خورشیدی

تصویر شماره ۷ - تصدیق‌نامه شش ساله ابتدایی مربوط به خانم عزت خانم
خواجه نوری، سال ۱۳۱۳ خورشیدی.

تصویر شماره ۸ - گواهی دوره دوم متوسطه مربوط به حوری وش خانم مستوفی
سال ۱۳۱۳ خورشیدی

تبرستان

www.tabarestan.info

پیوست

تصویر شماره ۱:



تصویر شماره ۲:





تصویر شماره ۳:



تصویر شماره ۴:





تصویر شماره ۵:



منابع و مأخذ

- ۱- آدمیت فریدون، امیرکبیر و ایران، انتشارات خوارزمی، تهران ۱۳۷۸
- ۲- آریان‌پور یحیی، از نیما تا روزگار ما، انتشارات زوار، تهران ۱۳۷۴
- ۳- آفون تنصر، منتخب اشعار یهودیان در ایران، انتشارات فرهنگ ایران و زمین، تهران ۱۳۵۳
- ۴- ایرانی دینشاه، اخلاق ایران باستان، نشر فروهر تمدن، ۱۳۶۱
- ۵- اصفهانی مکرم، دیوان مکرم، اصفهان ۱۳۵۸ - چاپ سوم
- ۶- بامداد بدرالملوک، زن ایرانی از انقلاب مشروطه تا انقلاب سفید، تهران ۱۳۵۳
- ۷- باستانی پاریزی - محمد ابراهیم، پیر سبز پوشان، نشر علم، تهران ۱۳۷۸
- ۸- باغچه‌بان ثمین، چهره‌هایی از پدرم، نشر نظر، ۱۲۸۲
- ۹- جمال‌زاده محمدعلی، سرو ته یک کرباس، انتشارات ابن سینا، تهران ۱۳۴۰
- ۱۰- جواهرکلام شمس‌الملوک، زنان اسلامی در ایران، بی‌نام، تهران ۱۳۳۸
- ۱۱- حیرت سجادی - سید عبدالمحمد، پیشینه آموزش و پرورش کردستان، سنندج ۱۳۸۲
- ۱۲- خاقانی شروانی، دیوان شعر، نشر خیام، تهران ۱۳۵۷
- ۱۳- خسرو پناه محمد حسین، زن ایرانی از مشروطه تا پهلوی، سازمان اسناد ملی، تهران ۱۳۷۸
- ۱۴- دبیر سیاقی محمد - ابراهیم صفاری، فرهنگ مدارس قزوین، نشر حدیث امروز، قزوین ۱۳۸۱
- ۱۵- دژم صغری، اولین‌ها
- ۱۶- دولت آبادی یحیی، حیات یحیی، نشر عطار و فردوسی، تهران ۱۳۶۳
- ۱۷- دهلوی امیرخسرو، هشت بهشت، ابن سینا، تهران ۱۳۴۸

- ۱۸- دستور جاماسب هوشنگ، وندیداد
- ۱۹- ترابی فارسانی، اسنادی از مدارس دختران از مشروطه تا پهلوی، سازمان اسناد ملی ایران ۱۳۷۸
- ۲۰- رشدیه شمس‌الدین، سوانح عمر، نشر تازیخ ایران، تهران
- ۲۱- رودکی، دیوان رودکی، به کوشش خطیب امیر، نشر دانشگاه، ۱۳۴۳
- ۲۲- سعدی، مصلح‌الدین، کلیات، ابن سینا، تهران ۱۳۴۰ خورشیدی به کوشش مظاهرمصفا
- ۲۳- سلامی غلامرضا - افسانه نجم آبادی، نهضت نسوان شرقی، نشر شیراز، ۱۳۸۴ تهران
- ۲۴- سلطان‌زاده حسین، تاریخ مدارس ایران از عهد باستان تا دارالفنون، نشر آگاه، تهران ۱۳۶۴
- ۲۵- شهری عباس، تاریخ اجتماعی ایران در قرن سیزدهم، نشر فرهنگی رسا، ۱۳۶۹
- ۲۶- طویلی عزیز، تاریخ جامع بندر انزلی (جلد دوم)
- ۲۷- فرحزاد پوران، از کتیبه تا تاریخ، انتشارات علمی، تهران ۱۳۷۶
- ۲۸- قائم مقامی عالم‌تاج، دیوان زاله، ابن سینا، ۱۳۴۸
- ۲۹- صدیق عیسی، تاریخ فرهنگ ایران، سازمان تربیت معلم، ۱۳۴۲ تهران
- ۳۰- قاسمی پویا - اقبالی، مدارس جدید در دوره قاجاریه، مرکز نشر دانشگاهی، تهران ۱۳۷۷
- ۳۱- فراهی ابوالحسن، فوائدالرضویه، موسسات مطالعات و تحقیقات فرهنگی، ۱۳۶۷
- ۳۲- قویمی فخری، کارنامه زنان مشهور ایران، وزارت آموزش و پرورش، ۱۳۵۲ خورشیدی
- ۳۳- کسروی احمد، تاریخ مشروطه ایران، امیرکبیر، تهران ۱۳۶۳
- ۳۴- فراهانی ادیب‌الممالک، زندگی و شعر ادیب‌الممالک به کوشش گرمارودی، نشر قدیانی، ۱۳۸۴ تهران
- ۳۵- مروارید یونس، مراغه، افزاره رود، نشر آرین، ۱۳۶۰ تهران



- ۳۶- محبوبی اردکانی حسین، تاریخ موسسات تمدنی جدید در ایران، نشر دانشگاه تهران، ۱۳۵۴
- ۳۷- مقدم محمد، سرود بنیادین زردشت، نشر فروهر، ۱۳۶۳ تهران
- ۳۸- متولی حقیقی یوسف، تاریخ آموزش و پرورش خراسان، مرندیز، نشر ۱۳۸۵
- ۳۹- مشیرسلیمی علی اکبر، زنان سخنور (۳ جلد)، موسسه مطبوعاتی عالی علی اکبر علی، تهران ۱۳۳۵
- ۴۰- ناطق هما، آموزشگاه‌های ترسایان ایران
- ۴۱- نظامی گنجوی، خمسه نظامی، نشر قطره، تهران ۱۳۸۴
- ۴۲- نوایی عبدالحسین - الهام ملک‌زاده، دانشجویان ایرانی در اروپا، سازمان اسناد کتابخانه ملی، تهران ۱۳۸۲
- ۴۳- ورم بیلر، تاریخ کلیسای قدیم در امپراطوری روم و ایران، ترجمه علی نخستین، نشر حیات ابدی، ۱۹۸۱ تهران
- ۴۴- هاشمی سید محمد، مذاکرات مجلس، چاپخانه مجلس، تهران
- ۴۵- مینایی اقبال، وزیران علوم، نشر دانشگاهی، تهران ۱۳۷۵

مقاله‌ها و جراید

- ۱- گنجینه آموزش و پرورش کرمان، با مقدمه باستانی پاریزی، نشر آموزش و پرورش، ۱۳۸۴ کرمان
- ۲- سالنامه عراق (اراک) در سال ۱۳۱۴، ۱۳۱۵ خورشیدی، فرهنگ اراک
- ۳- سالنامه وزارت معارف، اداره کل نگارش وزارت معارف، در سال ۱۲۹۷ خورشیدی
- ۴- سالنامه وزارت معارف، اداره کل نگارش وزارت معارف، در سال ۱۳۱۱-۱۳۱۲ خورشیدی
- ۵- سالنامه وزارت معارف، اداره کل نگارش وزارت معارف، در سال ۱۳۱۲-۱۳۱۳ خورشیدی
- ۶- سالنامه وزارت معارف، اداره کل نگارش وزارت معارف، در سال ۱۳۱۳-۱۳۱۴ خورشیدی

۷- سالنامه وزارت معارف، اداره کل نگارش وزارت معارف، در سال ۱۳۱۴-۱۳۱۵ خورشیدی

۸- سالنامه وزارت معارف، اداره کل نگارش وزارت معارف، در سال ۱۳۱۵-۱۳۱۶ خورشیدی

روزنامه‌ها

۱- روزنامه زبان زنان شماره ۹ - سال اول

۲- روزنامه ایران نو شماره ۷۸ - سال اول

۳- روزنامه ایران نو شماره ۶۵ - سال اول

تبرستان

www.tabarestan.info



انتشارات کوشش پاینده

نشانی: میدان ونک، خیابان مجدهم گاندی، پلاک ۱۷

تلفن: ۸۸۶۷۶۴۵۸ - ۸۸۷۹۹۲۸۹

دورنگار: ۸۸۶۶۱۷۲۷

www.koosheshpayandeh.ir

این مجله در سال ۱۳۶۷ در تبرستان به چاپ رسید و در سال ۱۳۶۸ به انتشارات کوشش پاینده منتقل شد. در سال ۱۳۶۹ نیز مجله به نام انتشارات کوشش پاینده در تبرستان به چاپ رسید. در سال ۱۳۷۰ به مدت ۱۰ سال در تبرستان به چاپ رسید. در سال ۱۳۷۱ به مدت ۱۰ سال در تبرستان به چاپ رسید. در سال ۱۳۷۲ به مدت ۱۰ سال در تبرستان به چاپ رسید. در سال ۱۳۷۳ به مدت ۱۰ سال در تبرستان به چاپ رسید. در سال ۱۳۷۴ به مدت ۱۰ سال در تبرستان به چاپ رسید. در سال ۱۳۷۵ به مدت ۱۰ سال در تبرستان به چاپ رسید. در سال ۱۳۷۶ به مدت ۱۰ سال در تبرستان به چاپ رسید. در سال ۱۳۷۷ به مدت ۱۰ سال در تبرستان به چاپ رسید. در سال ۱۳۷۸ به مدت ۱۰ سال در تبرستان به چاپ رسید. در سال ۱۳۷۹ به مدت ۱۰ سال در تبرستان به چاپ رسید. در سال ۱۳۸۰ به مدت ۱۰ سال در تبرستان به چاپ رسید. در سال ۱۳۸۱ به مدت ۱۰ سال در تبرستان به چاپ رسید. در سال ۱۳۸۲ به مدت ۱۰ سال در تبرستان به چاپ رسید. در سال ۱۳۸۳ به مدت ۱۰ سال در تبرستان به چاپ رسید. در سال ۱۳۸۴ به مدت ۱۰ سال در تبرستان به چاپ رسید. در سال ۱۳۸۵ به مدت ۱۰ سال در تبرستان به چاپ رسید. در سال ۱۳۸۶ به مدت ۱۰ سال در تبرستان به چاپ رسید. در سال ۱۳۸۷ به مدت ۱۰ سال در تبرستان به چاپ رسید. در سال ۱۳۸۸ به مدت ۱۰ سال در تبرستان به چاپ رسید. در سال ۱۳۸۹ به مدت ۱۰ سال در تبرستان به چاپ رسید. در سال ۱۳۹۰ به مدت ۱۰ سال در تبرستان به چاپ رسید. در سال ۱۳۹۱ به مدت ۱۰ سال در تبرستان به چاپ رسید. در سال ۱۳۹۲ به مدت ۱۰ سال در تبرستان به چاپ رسید. در سال ۱۳۹۳ به مدت ۱۰ سال در تبرستان به چاپ رسید. در سال ۱۳۹۴ به مدت ۱۰ سال در تبرستان به چاپ رسید. در سال ۱۳۹۵ به مدت ۱۰ سال در تبرستان به چاپ رسید. در سال ۱۳۹۶ به مدت ۱۰ سال در تبرستان به چاپ رسید. در سال ۱۳۹۷ به مدت ۱۰ سال در تبرستان به چاپ رسید. در سال ۱۳۹۸ به مدت ۱۰ سال در تبرستان به چاپ رسید. در سال ۱۳۹۹ به مدت ۱۰ سال در تبرستان به چاپ رسید. در سال ۱۴۰۰ به مدت ۱۰ سال در تبرستان به چاپ رسید.

